اسناد
سیاسی

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران

جلد ششم

از تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۱۱ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱

بکوشش احمد بشیری

نشر نو

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد ششم
از ۲ اکتبر ۱۹۱۱ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱
(۹ مهر ۱۲۹۰ تا ۱۸ آذر ۱۲۹۰ خورشیدی؛
۸ شوال ۱۳۲۹ تا ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ قمری)

نشر نو
تهران، ۱۳۶۵

چاپ اول: ۱۳۶۵
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است

www.adabestanekave.com

چاپ: چاپخانهٔ کتیبه

www.adabestanekave.com

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر ازاین، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمك و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگریها و توضیحات تازهٔ خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارك دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارك خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیك یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشهٔ شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به‌همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴ـ۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شمارهٔ ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به‌درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همهٔ مردان و زنان آزاده و جانبازی‌که انقلاب مشروطهٔ ایران
را پدید آوردند
همهٔ روانهای پاکی‌که در راه بزرگداشت ایران‌کوشیدند وجان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند

نیاز می‌کنم .

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

مقدمه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ارباب بصیرت و اطلاع می‌دانند که تاریخ‌نویسی نه همین بیان حوادث و وقایع جاریهٔ یومیه است که هر کوتاه‌نظری‌می‌تواند با نظر سطحی ادراك‌کرده مشاهدات و مسموعات خود را ثبت اوراق نماید بلکه فن تاریخ که به اتفاق دانشمندان از فنون مشکله و معظمه شمرده می‌شود مقامش بالاتر و شأنش اجل و ارفع است که به این آسانی با نظر قاصر هر بیننده‌ای ادراك شود.

تاریخ صحیح که در بین علوم و فنون دارای رتبهٔ عالی است عبارت است از بیان علل و اسباب حقیقی حوادث و حل رموز و کشف دقایق و اسراری که از انظار عامه مستور و پی‌بردن به آن حقایق مکنونه موقوف است به شرایط بسیار و اسباب بی‌شمار که هرکس را میسر نمی‌شود.

کلهٔ فیلسوفی، احاطهٔ تامه به جهات حوادث، ذوق سرشار، دقت کافی، دانستن فلسفهٔ اجتماع، تهیهٔ وسائل اطلاع، بصیرت بر احوال خصوصی و عمومی ملل و نحل، و بسی دیگر از اسباب و شروط لازم است تا شخص بتواند از عهدهٔ نوشتن تاریخ بر آمده و سلسلهٔ واقعات را به علل و اسباب حقیقی خود ارتباط داده ریشه و اصول حوادث را ثبت نماید، و هر کس بخواهد بدون تدارك اسباب فوق در مقام شروع به چنین مهمی خطیر برآید بی‌شبهه دچار خطیئات و مرتکب جنایات‌بی‌حساب شده اغلاط را بجای حقایق درج کرده تا ابد روح حقیقت را متأثر و متألم ساخته و خوانندگان

را به ضلالت افکنده است.

تاریخ انقلاب اخیر وطن عزیز ما (ایران) یکی از حوادث بزرگ دنیا است که نظیرش در خود ایران تاکنون معدوم و در سایر نقاط عالم معدود و از رقم آحاد به عشرات تجاوز نمی‌کند، کدام حادثه بزرگتر از این انقلاب سیاسی است که علاوه بر تغییرات عمده در سیاست مملکت و شکل حکومت در افکار و عقول عموم اهالی و وضع معیشت و آداب نیز تأثیرات کلی کرده، بدیهی است که تاریخ این انقلاب و اطلاع از اسباب و علل آن و واقعات چندین‌ساله در نزد هر کس مطلوب و نه‌تنها در داخلهٔ ایران بلکه در سایر ممالك نیز جالب و مرغوب است.

از این‌رو جمعی دانشمندان ادیب در صدد ضبط و ثبت و طبع و نشر حوادث انقلاب مزبور برآمده و به چندین زبان از السنهٔ شرقی و غربی تألیف و طبع نموده، لکن به اندك تأمل نقص و قصور آن تألیفات واضح می‌شود، چه صاحبان آنها دستیابی به مدارك اصلی و ریشهٔ حوادث نداشته و هرچه از دیگران شنیده یا از دور و نزدیك تماشا کرده و دیده‌اند ثبت اوراق نموده لذا انسان از مطالعهٔ این نوع تواریخ فلسفهٔ تاریخ را نشناخته و در واقعات نیز اغلب گرفتار اشتباه و خطا خواهد شد.

بعد از این مقدمهٔ مختصر می‌توان بخوبی اهمیت و اعتبار این کتاب را (یعنی کتاب آبی راجع به ایران) شناخته و از مقام و حیثیت آن واقف گردید و لزوم ترجمه و طبع آن را برای ایرانیان تصدیق نمود.

این کتاب دارای تمام مدارك واقعات ایران بوده و مطالعه‌کنندگـان آن بخوبی می‌توانند راه به حقایق برده سیر مسائل تاریخی را از بدو تا ختم ادراك نمایند.

تلگرافات یومیه که از وزیرمختار انگلیس مقیم طهران و سایر نمایندگان آن دولت به مرکز وزارت خارجهٔ انگلیس مخابره شده و به تاریخ روزانه در این کتاب مرتب است برای فهم نکات دقیقه بهترین وسیله است و این مزیت در هیچ تاریخی نیست، بعلاوه هرچه در آن نوشته شده عین حقیقت است و البته با اجتماع اسباب و مقدماتی که برای یك وزارتخانه مثل وزارت خارجهٔ انگلیس فراهم است کشف مسائل نهایت سهولت را دارد.

سابقاً چند جزوی از این کتاب به فارسی طبع و نشر شد ولی بزودی تعطیل گردید و طالبان را جز حسرت و ندامت بهره‌ای حاصل نشد تا آنکه حضرت مستطاب اشرف امیر دانشمند معارف‌پرور آقای حاجی‌علی‌قلی‌خان سردار اسعد ادام‌الله‌اقباله‌العالی که‌در این انقلاب بزرگ از ارکان بوده و خدمات سیاسی و ادبی‌شان به عالم سیاست و معارف وطن مشهود عموم است نظر توجهی به اهمیت و لزوم این کتاب افکنده و با عزم راسخی که مخصوص حضرت معظم است در تسریع ترجمه و طبع و نشر آن سعی بلیغ مبذول فرموده و مدتی قلیل بحمدالله چندین جلد از این کتاب ترجمه شده و اغلب تحت طبع است.

این جلد که متضمن است قسمت عمده از تاریخ اخیر را و در اهمیت بر اکثر مجلدات دیگر مقدم است به همت و غیرت یگانه دانشمند فاضل آقای مدبرالملك به

فارسی سادهٔ شیرین ترجمه شده و این کمترین خدام معارف میرزا احمد کاشانی مدیر مدرسهٔ شوکتیهٔ بیرجند معروف به (آقازاده نراقی) به طبع و نشر آن اقدام نموده و حتی‌المقدور در تصحیح و ضبط تواریخ و اسامی و نکات دقیقه دیگر کوشیده، و بسی شکر می‌گویم که از این راه خدمتی به ابناء وطن نموده و به اجراء و اطاعت اراده و امر حضرت سردار معارف‌پرور، و یگانه امیر دانشمند والاگهر موفق گردیدم و علی‌الله التوکل و به الاعتصام.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

مخابرات و مراسلات در باب اوضاع ایران
در ذیل جلد ۳ سنهٔ ۱۹۱۲

نمره ـ ۱

تلگراف سر جارج بارکلی (وزیرمختار انگلیس مقیم طهران) به سر ادوارد گری (وزیر امور خارجهٔ انگلیس)

طهران به تاریخ ۲ اکتبر سنهٔ ۱۹۱۱ مطابق ۸ شوال سنهٔ ۱۳۲۹ [۹ مهر ۱۲۹۰]

شرح ذیل را قنسول موقتی انگلیس مقیم شیراز مخابره نموده:

«تلگرافاتی از منچستر و بمبئی به من مخابره شده که درخواست محافظت عاملان تجارتخانه‌های انگلیس را نموده‌اند و همچنین از اسقف اعظم آمریك تلگرافی رسیده که در حراست سلسلهٔ مسیحیان سفارش نموده با ترتیب جاریه بجز کسانی که بالاستحقاق در نصب نمودن بیرق مجاز هستند، بعقیدهٔ من اجازهٔ نصب بیرق دادن به دیگران باعث تولید مسئولیت بسیار مهمی است چون هر آن احتمال چپاول کلیهٔ شهر می‌رود و اول کسانی که دست به یغما بگشایند سربازان ایرانی خواهند بود و اگر آنها از غارت اروپاییان صرف‌نظر بنمایند هیچ مانعی برای اقدام به این امر نخواهند داشت.

به نظر من یگانه وسیلهٔ امیدبخش نوشتن شرحی به رؤسای ایل عرب است که نشانی مفصل از خانه‌ها و منازلی که اتباع انگلیس در آنها مسکونند داده شود و به آنها تأکید بشود که در صورت وقوع مجادله احتیاط کامل در منظورداشتن احترامات و

حراست ساکنین آن منازل بنمایند. باضافه من در این باب کسب تعلیمات از قوام‌الملك هم خواهم نمود. این اقدام اگرچه چندان مکفی نیست ولی منتهی اقدامی است که عجالتاً ممکن است نمود.

اوضاع کنونی بحدی تهدیدکننده است که گمان می‌کنم به متوسلین متفرقه که بهیچ‌وجه حفاظت آنها بعهدهٔ من نیست و حتی به اتباع انگلیس هم برای تزلزلی که دارند هیچ جواب مسکتی بجز دلداری مجهولی نمی‌توانم بدهم».

در جواب تلگراف فوق من به قنسول مزبور شرح ذیل را مخابره نمودم:

بجز اتباع انگلیس و عاملین مسلمهٔ تجارتخانه‌های انگلیس که اموال متعلق به انگلیسان در اماکن آنها مضبوط است دیگر هیچکس حق برافراشتن بیرقی ندارد. مکاتبهٔ شما با رؤسای ایل عرب را تصویب می‌نمایم.

نمره ـ ۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ شوال ۱۳۲۹ [۹ مهر ۱۲۹۰]

اوضاع شیراز

امروز مستر ناکس قنسول موقتی انگلیس مقیم شیراز شرح ذیل را مخابره نموده:

اهمیت اوضاع در تزاید است. اعرابی که در عرض ۱۲ ماههٔ گذشته در تحت هیچ سلطه نبوده‌اند معارضهٔ سخت دارند که دولتی که هر ساعت تردید رأی پیدا می‌کند برای آنها نفع و ضرری نخواهد داشت و خود آنها قدرت کامل دارند که اوضاع را بر وفق‌دلخواه‌خود خاتمه‌دهند. در واقع خاتمهٔ اوضاع‌را درغارت یك‌سرهٔ‌شهر می‌دانند. حتی قوام‌الملك هم مجبوراً تصدیق دارد که هر ساعت محتمل است اعراب دست به یغمای شهر بگذارند.

حالت وحشت‌زده‌گی [=زدگی] به تمام تجار ایرانی مستولی شده کسادی پول بانك شاهنشاهی را دچار مشکلات نموده و اروپاییان عموماً هر ساعت متغیرتر می‌شوند و عجب هم نیست بجهت اینکه شهر در دست تقریباً ۵ هزار وحشی مسلح است.

در عرض چند هفته ماضی من دائماً جد وافی نموده‌ام که جلب توجه دولت متبوعهٔ خودم را به اهمیت موقع و ترتیب اوضاع حاضرهٔ اینجا بنمایم و در این موقع که جان و مال اتباع انگلیس واقعاً در خطر است من نمی‌توانم هیچ‌نوع اقدامی در باب محافظت آنها بنمایم.

گمان می‌کنم اگر مجاز بودم که قبل از امشب بر طبق پیشنهاد در تلگراف ۱۹ سپتمبر [=سپتامبر] خودم به صولت‌الدوله اخطار بنمایم و در ضمن از شدت مسئولیتی که از حیث جان و مال اتباع انگلیس بر عهدهٔ او و رؤسای ایل عرب وارد خواهد آمد او را مستحضر بدارم یحتمل تا حدی التیام در شدت عمل حاصل بشود. بهر صورت فرستاده شدن ۳۰۰ نفر قشون به شیراز سریعاً لازم است.

شرح ذیل جواب از طرف من است:

شما از جانب من به صولت اطلاع بدهید که اگر او و سوارانش بفوریت از حوالی شیراز حرکت نکنند از دولت متبوعهٔ خودم درخواست خواهم نمود که اقدامات مستعجل در حفظ منافع ما بنمایند و خسارات وارده در این باب را از او و نظام‌السلطنه دریافت بدارند.

بهمچنین به‌رؤسای ایل عرب هم اخطار بنمائید که از دولت متبوعهٔ خودم تقاضا خواهم نمود که اقدامات در وصول غرامت خسارات وارده به جان و مال اتباع انگلیس را از آنها بنمایند. من مجدداً جلب توجه دولت ایران را به وضع ناهنجار کنونی نموده و تأکید نموده‌ام که رؤسای مختلف را آگاه بنمایند که از وارد شدن خسارت به اتباع انگلیس جلوگیری بنمایند.

نمره ـ ۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹ [۱۰ مهر ۱۲۹۰]

وضع شیراز

در امتداد تلگراف ۲ اکتبر خودم با کمال احترام تلگراف خصوصی ذیل را که (لفتننت ویلسن) به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده تکرار می‌نمایم:

من با عقیدهٔ قنسول در اهمیت اوضاع موافقت دارم. ما هر دو متفقیم که اوضاع حالیه به‌پایه‌ای رسیده که حتی با اشد اخطارات هم نتیجه حاصل نخواهد شد و گمان می‌کنم بی‌شبهه اروپاییان در مخاطرهٔ عظیمی واقعند.

ظاهراً به هیچوجه امکان برطرف شدن انقلاب‌نیست. من تصویب می‌نمایم ۳۰۰ نفر سپاهی که برای شیراز و اصفهان نامزد شده بدون تأمل فرستاده بشود و این مسئله آشکار بشود با وضع کنونی شیراز این عده فقط برای داخل شهر لازم است و مربوط به طرق نیست.

نمره ـ ۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹ [۱۰ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۳ اکتبر شما در باب شیراز ـ اقدامات شما را تصویب می‌نمایم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵

مخابرهٔ سر ادوارد گری به مستر ابیرن [= اوبرن] (شارژدافر انگلیس در روسیه)
وزارت خارجه ۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ شوال ۱۳۲۹ [۱۰ مهر۱۲۹۰]

شارژدافر دولت سوئد از ما استفسار نموده که بفوریت به او اطلاع بدهم آیا مخالفتی در باب اعزام ۷ نفر صاحب‌منصب دیگر به ایران برای ژاندارمری بر طبق رای مجلس که در تلگراف ۲۱ سپتمبر [= سپتامبر] سر جارج بارکلی مذکور بوده داریم یا خیر؟ ما که مخالفتی نداریم آیا دولت روس مخالفتی دارد یا خیر؟

نمره ـ ۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۱۰ شوال ۱۳۲۹ مطابق ۴ اکتبر ۱۹۱۱ [۱۱ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲ اکتبر من شرح ذیل از شیراز رسیده:

هر دو اخطار را در ساعت ۹ صبح ابلاغ نمودم ولی تا حال که ساعت شش بعد از ظهر است جوابی از صولت‌الدوله نرسیده اگر تا شب جوابی صادر نشود صبح مطالبهٔ جواب فوری خواهم نمود. رؤسای ایل عرب شفاهاً جواب مرضی داده و اظهار نموده‌اند جواب خواهند نوشت.

افواه کلی است که نظام‌السلطنه امشب حرکت می‌کند و شهر آرام‌تر است.

نمره ـ ۷

تلگراف مستر اپرن [= اوبرن] به سر ادوارد گری

سن پطرزبورغ ۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹ [۱۱ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۳ اکتبر شما در باب صاحبمنصبان سوئدی برای ایران، دولت روس هیچ مخالفتی ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۰ شوال ۱۳۲۹ مطابق ۴ اکتبر ۱۹۱۱ [۱۱ مهر ۱۲۹۰]

قشون برای شیراز و اصفهان: به فرمانفرمای هندوستان تلگراف شد هر چه زودتر ۳۰۰ نفر سوار به شیراز اعزام دارد و اگر تصور می‌کند عده باید تغییر نماید تعادل و تناسب را رعایت نماید. همین‌که او جواب داد شما به‌دولت‌ایران اطلاع‌بدهید.

به قنسول شیراز اطلاع بدهید تهیهٔ مسکن برای آنها بنماید و صد نفر از آنها را اگر شما بقاعده تصور می‌کنید به اصفهان بفرستید.

نمره ـ ۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۲۹ مطابق ۵ اکتبر ۱۹۱۱ [۱۲ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲ اکتبر من در باب شیراز:

صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه هنوز جواب اخطار من را نداده‌اند ولی علی‌الظاهر در صدد حرکت هستند. بنهٔ آنها دیروز صبح با استعداد کاملی به سمت جنوب حرکت کرد. رؤسای ایل عرب جواب داده‌اند که نهایت مجاهدت را در حراست جان و مال اروپاییان خواهند نمود و همین‌که قشقائیها حرکت نمودند آنها هم از شیراز عزیمت خواهند نمود و تلگرافی هم لفاً فرستاده بودند که رئیس‌الوزراء به آنها مخابره نموده و امر به توقف حالیهٔ آنها در شیراز برای مساعدت با حکومت نموده بود.

نمره ـ ۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹ [۱۲ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۶ سپتمبر [= سپتامبر] مستر اپرن [= اوبرن]:

مقصود مستر شوستر از کنترات ماژور استکس این‌است که استکس در طهران با او معیت نموده و به او دستورالعمل بدهد به این جهت استقرار استکس در اصفهان را بکلی رد نموده و این ترتیب را هم اساساً هم عملا خارج از موضوع می‌داند.

مستر شوستر منتظر جواب است که صراحتاً به او اطلاع داده بشود آیا دولتین قصد دارند به مخالفت خود در باب تعیین استکس به شرایطی که ذکر شده باقی بمانند یا خیر.

نمره ـ ۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹ [۱۲ مهر ۱۲۹۰]

قنسول موقتی انگلیس از شیراز راپورت می‌دهد که قشقاییها دسته دسته از شیراز عزیمت می‌نمایند.

نمرهٔ ـ ۱۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۲۹ [۱۲ مهر ۱۲۹۰]

در هند تهیهٔ یك رژیمان سوار دیده شده که معجلا به ایران اعزام شود. نظر به

تلگراف امروز شما آیا تصور می‌کنید این اقدام عجالتاً معوق بشود یا اعزام استعدادی را که منظور بوده هنوز لازم می‌دانید؟

نمره ـ ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ شوال ۱۳۲۹ [۱۳ مهر ۱۲۹۰]

تلگراف ذیل از قنسول انگلیس مقیم شیراز رسیده:

نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله امروز ظهر حرکت نموده و حالیه در دو فرسنگی اردو زده‌اند. صولت‌الدوله قبل از حرکت قصد خود را در مغشوش نمودن جادهٔ بوشهر بالصراحة آشکار نموده بود. رفتار عربها عجالتاً قابل تمجید است.

نمره ـ ۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۱۱ [۱۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۱۲ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف دیروز شما ـ با قنسول شیراز مشغول مشورت هستم و ضمناً برای تعویق اقدام مزبور هم دستورالعمل داده‌ام.

نمره ـ ۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۷ اکتبر مطابق ۱۳ شوال ۱۳۲۹ [۱۴ مهر ۱۲۹۰]

قشون دولتی همدان را تصرف نمود. سالارالدوله که به آنجا ملتجی شده بود حالا به طرف بروجرد فرار نموده.

نمره ـ ۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اکتبر ۱۹۱۱ [۱۴ مهر ۱۲۹۰؛ ۱۳ شوال ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۶ اکتبر من قنسول ناکس در باب ازدیاد استعداد قنسولگریها شرح ذیل را مخابره می‌نماید:

من تأکید بلیغ می‌نمایم که به‌هیچوجه تأخیری در ازدیاد استعداد نشود. پس از انقضاء ماه نوامبر زمستان می‌رسد و کسادی آذوقه در جاده عبور ۲۰۰ نفر سپاه را غیر مقدور می‌نماید. بعلاوه به پیدا شدن آذوقه هنگام زمستان در اینجا هم نمی‌توان

اطمینان نمود چه برای انسان و چه برای حیوان چونکه از ظاهر امر محتمل بلکه متحتم است که عنقریب در اینجا قحط و غلاء ظاهر بشود.

اوضاع ناگوار پیوسته ممتد خواهد بود و گمان می‌کنم اغتشاش در طرق دایر است.

امروز عصر هنگامی‌که قوام از قنسولخانه خارج می‌شد بعضی از سکنهٔ حوالی به او شلیك نموده و چند نفر از همراهانش را مقتول کردند. جای شبهه نیست که متعاقب این حادثه باز در شهر آشوب برپا خواهد شد.

نظر به تلگراف فوق من گمان نمی‌کنم دیگر تأخیری در اعزام قشون جایز باشد. بعد از تصویب شما شرحی مطابق ذیل به دولت ایران خواهم نوشت:

نظر به اغتشاشی که عموماً در نواحی جنوب ایران مبسوط است دولت انگلیس رأی خود را بر این قرار داده که عدهٔ استعداد حافظین قنسولگری خود را در جاهایی که تجارت و منافع انگلیس محافظت موقتی لازم دارد اضافه بنمایند. این مستحفضین دائماً مشغول حراست قوافل متعلق به انگلیسان خواهند بود و این استعداد اضافه همین که دولت ایران ترتیب شایسته‌ای از برای ژاندارمری و تنظیم و تأمین طرق تجارتی جنوب داد عودت داده خواهد شد.

بمحض حصول اجازه از شما شرح مذکور را به دولت ایران پیشنهاد خواهم نمود. دولت ایران بوسیلهٔ وزیرمختار لندن خودشان از ترتیب خیالات ما که در روزنامه مندرج بوده تا حال آگاه شده‌اند.

نمره ـ ۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۷ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ شوال ۱۳۲۹ [۱۴ مهر ۱۲۹۰]

دولت ایران علاءالدوله را بجای فرمانفرما که اشکال‌تراشیها برای عزیمت به فارس نمود والی آنجا نموده و نیابت حکومت مفوض به قوام شده که عجالتاً از قنسولخانه خارج شده است.

قوام‌الملك به قنسول ما اطمینان داده است که اغلب از سواران ایلیاتی را که نسبتاً وحشی‌ترند بعد از این در تحت ریاست پسر خود تقریباً به مسافت ۵۰ میل از شهر دور خواهد فرستاد و فقط آنهایی را که طرف اطمینان او هستند نگاه خواهد داشت.

کرنل کاکس [= کلنل کاکس] که در موضوع لزوم فوری قشون انگلیس طرف مشورت حکومت هندوستان بوده جواباً تأکید بلیغ در اعزام مستعجل قشون برای حفظ منافع و تجارت تبعهٔ انگلیس چه در شیراز چه در طرق نموده.

راجع به خروج قوام از قنسولخانه او اظهار می‌دارد که این تا یك درجه باعث تأمین قنسولخانه خواهد بود ولی دال به استقرار نظم و تأمین در شیراز نخواهد بود به همچنین او بیان می‌کند نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله نظر به تخویف و اخطاری که از طرف ما شده و افواهاتی که در باب تدارك ما برای اقدامات منظوره جاری است

چند میل دیگر عقب نشسته‌اند.

حتی اگر نظام‌السلطنه هم مایل به متارکهٔ فارس باشد صولت‌الدوله بکلی بی‌میل است که نقشهٔ عاملهٔ خود را در حوالی متروك بدارد و اگر ما در انجام عزم خودمان که حالا بکلی آشکار شده قصور بنماییم قوای شورشیه مجدداً شروع به تزاید نموده و اثرات سوء در نزول خسارات تجدید خواهد شد.

وضع طرق خیلی بدتر از سابق است.

نمره ــ ۱۸

تلگراف مستر اپرن [= اوبرن] به سر ادوارد گری

سن پطرزبورغ ۷ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ شوال [۱۴ مهر ۱۲۹۰]

شرح مکتوب ذیل را در ۷ اکتبر مستر اپرن [= اوبرن] تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره نموده:

آقا

با نهایت احترام خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که به وصول تلگراف مورخهٔ ۲۵ شهر ماضی شما من یادداشتی به مسیو نراتوف [= نارانوف] پیشنهاد نموده و ایشان را از احتمال لازم شدن استقرار ویس قنسولگری دولت متبوعهٔ خودم در بم و ازدیاد استعداد قنسولگریها در ایران مسبوق نمودم. الحال سواد شرحی که در جواب از وزارت امور خارجهٔ دولت اعلیحضرت امپراطوری رسیده لفاً ارسال می‌دارم.

ترجمهٔ سواد جواب

یادداشت مورخهٔ ۲۶ شهر حال سفارت کبرای دولت فخیمهٔ انگلیس راجع به قصد کابینهٔ لندن در استقرار ویس قنسولگری در بم و تزیید استعداد قنسولگریهای انگلیس در بوشهر و شیراز و کرمان و بندرعباس و نیز قنسولگری اصفهان (اگر نظر به واقع بودن این شهر اخیر در منطقهٔ دولت روس مخالفتی نداشته‌باشیم) باعث امتنان گردید.

دولت اعلیحضرت امپراطوری رأی کابینهٔ لندن را در تعقیب اقدامات مذکور کاملا تصویب می‌نماید و هیچ مخالفتی هم در اضافه شدن استعداد قنسولگری انگلیس در اصفهان ندارند.

دولت اعلیحضرت امپراطوری هم متساویاً در این وضع ناهنجار و ناامنی با شما هم‌آواز است چونکه این وضع نه فقط در نواحی بین اصفهان و طهران که تازگی میدان حملات متواترهٔ دستجات مختلف شده احاطه دارد بلکه در حدود شمالی ایران هم که بواسطهٔ حضور قشون روس رو به انحطاط گذارده بود مجدداً بروز نموده.

با وجود این دولت روس میل ندارد (مگر اینکه حوادث بکلی او را مجبور بنماید) که مثل سنهٔ ۱۹۰۹ اعزام قشون جدید به ایران را تعقیب بنماید ولی اگر اغتشاش

ممتد بشود محتمل است او هم مجبور به افزودن به استعداد قنسولگریهای خود در شمال ایران و به‌همچنین در اصفهان بشود که از طرفی منافع تجارتی خود را در آنجا و از طرف دیگر در جادهٔ مابین طهران و شیراز محفوظ بدارد.

دولت اعلیحضرت امپراطوری امیدوار است که کابینهٔ لندن من‌بعد هم از مقاصد و اقدامات خودشان در این موضوع او را آگاه بنمایند.

به‌تاریخ ۲۳ سپتمبر [= سپتامبر] ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹رمضان ۱۳۲۹]

نمره ـ ۱۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ شوال ۱۳۲۹ [۱۵ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۷ اکتبر شما در باب اعزام قشون هندی برای شیراز:

اعلان خودتان را به دولت ایران منحصر به این بیان مختصر بنمایید که به لحاظ امکان مخاطرهٔ جانی و مالی اتباع انگلیس در شیراز و جاهای دیگر دولت‌انگلیس مجبور است که به عدهٔ مستحفظین قنسولگری خود در شیراز و همچنین در اصفهان و بوشهر بیفزاید. هیچ اظهاری در باب قراسورانی طرق و مشایعت قوافل ننمایید.

نمره ـ ۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

وزارت خارجه ۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال [۱۳۲۹؛ ۱۶ مهر ۱۲۹۰]

راجع به افزودن عدهٔ مستحفظین. یکی از اجزاء وزارت خارجه دیروز من را ملاقات نموده و از طرف وزیر جداً درخواست نمود که از دولت متبوعهٔ خودم خواستار شوم از قصد افزودن عدهٔ مستحفظین قنسولگریها در بوشهر و شیراز و اصفهان و بندر عباس و کرمان که در روزنامهٔ انگلیس مندرج شده منصرف بشوند. او اظهار نمود که پس از یادداشت مورخهٔ ۱۴ اکتبر سنهٔ ماضیه دولت ایران کمال جد و جهد را در استقرار آسایش نموده ولی فشار شورش سعایت آنها را خنثی نمود. او تمنا نمود قدری دیگر تأمل نماییم خصوصاً نظر به بهبودی وضع شیراز و تعیین علاءالدوله به حکومت آنجا.

من جواب دادم که وضع طرق جنوبی حتی قبل از رجعت شاه سابق هم بحدی منقلب بوده که هرگز مشابه آن دیده نشده بود به این معنی که سه طریق عمدهٔ تجارت ما به ایران مدتی بکلی مسدود بوده اگرچه من گمان می‌کنم هنوز رأی قطعی در این باب داده نشده ولی من پیشنهاد نموده‌ام که برای تأمینات شخصی و تجارتی رعایای‌انگلیس یك عده به مستحفظین چند قنسولخانهٔ معین افزوده بشود بجز شیراز که اوضاع آن

حضور استعداد را لازم دارد و این پیشنهاد در تحت مداقه است.
او سؤال نمود چگونه ایـن استعداد حفظ تجارت را می‌نماید و من جـواب دادم آنها ممکن است اتصال با قوافل در عبور و مرور معیت بنمایند.
تلگراف ۸ شما بعد از تحریر شرح فوق رسید. در این صورت مجاز هستم که شرح مسطوره در تلگراف شما را به دولت ایران ابلاغ بنمایم. من منتظرم قبل از این ابلاغ خبر رأی قطعی در حرکت قشون به من برسد.

نمره ـ ۲۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال [۱۳۲۹؛ ۱۶ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به‌تلگراف ۵ اکتبر شما. بجز اینکه ترتیبی به دلخواه دولت روس داده بشود به نحو دیگر ما نمی‌توانیم تعیین استکس را تصویب بنماییم.

نمره ـ ۲۲

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال [۱۶ مهر ۱۲۹۰]

در چهارم شهر حال وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و از سر نیکلسن در باب اعزام قشون هندی به ایران که در روزنامهٔ **تایمز** امروز درج شده بود سؤال نمود. سر نیکلسن جواب داد که در عرض چند هفتهٔ ماضی اوضاع شیراز از بد به بدتر رسیده و کلیهٔ وضع جنوب ایران مشرف به شورش و بلوای عمومی است. در عرض دو سه روز گذشته وضع شیراز واقعاً جالب اهمیت شده که حقیقتاً اتباع‌انگلیس در خطر جانی بوده‌اند. بنابراین ما به این خیال افتاده‌ایـم کـه سریعاً مستحفظین قنسولگری شیراز و بلکه یکی دو محل دیگر را اضافه بنماییم. ما حتی‌المقدور از اقدام به چنین امری احتراز نموده‌ایم به امید اینکه شاید اوضاع التیامی حاصل بنماید ولی تلگرافات اخیرهٔ ما حاوی چنان اخبار موحشی بود که‌ما تأخیر دراقدامات برای‌تأمین رعایای خودمان را جایز ندیدیم.
میرزا مهدی‌خان استفسار نمود که آیا ما می‌توانیم قدری دیگر مجال به دولت ایران بدهیم که در عرض آن مدت اقداماتی در استقرار امنیت‌بنمایند. سر نیکلسن جواب داد که ما حقیقتاً دیگر نمی‌توانیم تأمل بنماییم چرا که دفع‌الوقت ما به مهلکه‌انداختن رعایای خودمان است و ما نمی‌خواهیم دولت ایران را که بی‌شك با مشکلات بسیار مصادف بوده ملامت بنماییم. ولـی وضع‌اتباع‌ما بقسمی سخت است که ما را مجبور به این اقدام می‌نماید و شایسته نیست از فراهم‌نمودن تأمینات ممکنه برای آنها احتراز بنماییم.

ادوارد گری

نمره ـ ۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ شوال [۱۶ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۸ اکتبر شما:

وزیرمختار ایران به اینجا آمده و اطمینان می‌داد که دولت انگلیس اعزام قشون الحاقی به شیراز را موقوف بدارد و بگذارد دولت ایران اقدام در اعادهٔ نظم بنماید. چونکه تا حال سرگرم مصادمه و جدال با شاه مخلوع و سایر شورشیان بودند.

به او جواب داده شد که دولت انگلیس دچار بودن دولت ایران را با مشکلات تصدیق دارد ولی اقدامات دولت ایران در این باب تا چندی مؤثر نخواهد بود باضافه اگر بواسطهٔ حوادث غیرمنتظره آسیبی به جان و مال اتباع انگلیس وارد بیاید مسئولیت دولت ایران بسیار خواهد بود و عقاید عامهٔ انگلیسان دولت انگلیس را مجبور به مطالبهٔ غرامت و تعدیل خسارات وارده خواهد نمود و از اعتماد به اطمینانهای دولت ایران دولت انگلیس قرین توبیخ و ملامت خواهد شد. لهذا صلاح دولت ایران در این است که دولت انگلیس اقدام در فراهم نمودن وسایل لازمه برای حراست جان و مال اتباع خود بنماید. ما بهیچوجه قصد نگاه‌داشتن قشون اضافهٔ خودمان را بیش از آن مدتی که حتماً لازم باشد نداریم.

وزیرمختار ایران پس از آن اظهار داشت که زحمات و ابتلاآت ایران بواسطهٔ تحریك و تشجیع نمودن دولت روس از شاه مخلوع است. جواب داده شد که اگر واقعاً دولت روس این عمل را نموده بود زحمات و مشکلات ایران در باب شاه مخلوع خیلی بیش از آنچه حقیقتاً بوده می‌بود. اکنون بموجب دستورالعملی که در تلگراف ۸ اکتبر داده شده اعلان رسمی بنمایید.

نمره ـ ۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ شوال ۱۳۲۹ [۱۷ مهر ۱۲۹۰]

قنسول شیراز خبر می‌دهد شهر بکلی آرام است و بعضی از عربهای بدرفتار عزیمت نموده[اند] و خوش‌سلوکی مابقی را نمی‌توان اغماض نمود.

قوام‌الملك اعلانی منتشر نموده که منتهی درخواست او استقرار نظم و آسایش است و صرف‌نظر از قصاص مافات از چگونگی [کار] نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله خبری نیست.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران بتاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ شوال ۱۳۲۹ [۱۸ مهر ۱۲۹۰]

شرح ذیل را قنسول شیراز خبر می‌دهد:

اغتشاش طرق در تزاید است. در ۴ میلی شیراز به طرف بوشهر اسب و اسباب غلام تلگراف را به سرقت برده‌اند و غلام دیگری را که سوار حکومت همراه او بوده در ۸ میلی به طرف شمال شیراز قشقاییها احاطه نموده‌اند. پست بوشهر به شیراز را در ۷ اکتبر سرقت نموده‌اند. محتمل است راه بوشهر هم تا یکی دو روز دیگر مثل راه اصفهان که یك ماه است مسدود است بکلی مسدود بشود و بدون تردید امتداد هم خواهد یافت.

نمره ـ ۲۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه به تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸شوال ۱۳۲۹ [۱۹مهر ۱۲۹۰]

وزیرمختار ایران در اینجا اظهار می‌دارد علاءالدوله با استعداد کافی عازم شیراز خواهد شد و اختلافات مابین صولت‌الدوله و قوام‌الملك مرتفع شده و اطمینان داده‌اند حکومت را در استقرار نظم سریع تقویت نمایند. میل دارم بدانم رأی شما چیست. اگر شرح مذکور صحت داشته باشد احتمال پیشرفت سریعی در بهبودی اوضاع می‌رود یا خیر؟

نمره ـ ۲۷

مکتوب سر ادوارد گری به سر ج. بچنن [= بیوکانان؟] (سفیرکبیر انگلیس مقیم دربار روسیه)

وزارت خارجه ۱۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ شوال [۱۳۲۹؛ ۱۹ مهر ۱۲۹۰]

آقا

امروز به کنت بنکاندورف اظهار نمودم که از مخالفت طبیعی دولت روس در باب استخدام صاحب‌منصب انگلیسی برای فرماندهی ژاندارمری در شمال ایران بخوبی مسبوقم ولی او را مستحضر نمودم که چون ترتیب ژاندارمری علاج خسارات به تجارت انگلیس در ایران را می‌نماید اقدام ما در تأیید مخالفت دولت روس در باب استخدام ماژور استکس باید جزو نهایت یگانگی در روابط وداد محسوب بشود.

کنت بنکاندورف صحت این معنی را اذعان نمود ولی اظهار داشت از مسموعاتی که شده چنین استنباط می‌نماید که به مسیو کوکوتزوف [= کوکوفتسوف] محسوس شده مجتمعات در شمال ایران همه از انگلیسان‌است و در تزاید هم هست. مستر شوستر

پیوسته انگلیسان را انتخاب می‌نماید.
شخص انگلیسی را به مستشاری پست و تلگراف تعیین نموده و تمایلات عمومی به ازدیاد نفوذ انگلیس در شمال ایران است.

ادوارد گری

نمره ـ ۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ شوال ۱۳۲۹ [۲۰ مهر ۱۲۹۰]

متأسفانه اطلاع می‌دهم که در حوالی آباده طایفهٔ کهکلویه [= کهگیلویه] بر خانم رس طبیبهٔ انگلیسی که از اصفهان به شیراز می‌رفته حمله‌نموده و او را سخت زده‌اند. او به تنهایی فرار کرده و پیاده به آباده رسیده.
خانم رس با قافلهٔ مال‌التجارهٔ بسیار زیادی که همه به دست کهگلوییها [= کهگیلویه‌ای‌ها] افتاده مسافرت می‌نموده.

نمره ـ ۲۹

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹ [۲۱ مهر ۱۲۹۰]

آقا

رجوع به تلگراف ۹ شهر حال شما با کمال افتخار سواد یادداشتی که به تاریخ دهم شهر حال به وزیر امور خارجه نوشته‌ام و اطلاع از رأی قطعی دولت انگلیس در افزودن عدهٔ مستحفظین قنسولگری شیراز داده‌ام لفاً ارسال می‌دارم و نیز ترجمهٔ جواب آن جناب را هم لفاً انفاد می‌دارم.

جارج بارکلی

یادداشت سر جارج بارکلی به آقای وثوق‌الدوله

طهران به تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ شوال ۱۳۲۹ [۱۷ مهر ۱۲۹۰]

جناب... وزیر برحسب دستورالعمل وزیر امور خارجهٔ دولت متبوعهٔ خودم با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم نظر به امکان مخاطرهٔ جانی و مالی اتباع انگلیس در شیراز و سایر جاها دولت انگلیس مجبور است که بر عدهٔ مستحفظین قنسولگری خود در شیراز و یحتمل در اصفهان و بوشهر بیفزاید.

جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

مراسلهٔ وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۱۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ شوال ۱۳۲۹ [۱۸ مهر ۱۲۹۰]

جنابا

از مضمون رقیمهٔ مورخهٔ ۱۰ شهر جاری جنابعالی در باب ازدیاد استعداد قنسولگری شیراز استحضار حاصل آمد و جواباً با کمال احترام اظهار می‌دارم. خاطر محترم مستحضر است که استقرار نظم در جنوب ایران یکی از مقاصد عمدهٔ دولت ایران بوده و مورد توجه مخصوص گردیده بود همینکه دولت شروع به اقدامات جدیده نمود و قریب‌النتیجه بود واقعهٔ قوام‌الملك و تحصن او در قنسولگری انگلیس رخ نمود و این اقدامات را خنثی نمود. پس از آن رجعت شاه مخلوع و سالارالدوله و متابعین آنها بروز نمود و قوای دولت متوجه به طرف آنها و اصلاح مفاسد وارده بتوسط آنها شد که برای تأمین عامه الزم بود. بنابراین دولت نتوانست قوای خود را چنانچه مایل بود برای استقرار آسایش در جنوب عطف عنان دهد. وجوهاتی که برای اصلاحات اساسی تهیه شده بود و بایستی بمصرف انجام مقاصد مهمه برسد به هدر رفت. باضافه تقویت سیاسی دولت انگلیس هم که بایستی در تأیید اقدامات دولت ایران به مخالفت شاه مخلوع مرعی بشود که بمنصهٔ ظهور و بروز نرسید. اکنون که دولت از اشتغال در شمال و غرب فراغت حاصل نموده و درصدد عطف توجه به جنوب است که هم خود را کاملا صرف استقرار نظم و تأمین در آنجا بنماید اقداماتی که دولت انگلیس بر آن مصمم است و طبعاً بهانه به دست دیگران می‌دهد بهیچوجه سزاوار و شایستهٔ روابط وداد بین دولتین نیست.

اقداماتی که دولت ایران در باب فارس در نظر دارد از قرار ذیل است که محض استحضار خاطر محترم می‌نگارد:

اولا به ۳۵۰ نفر قزاق (سواره و پیاده و توپخانه) که به طرف کاشان در حرکت‌اند و دیروز از قم حرکت نمودند امر می‌شود که به محض انجام مأموریت خود در کاشان فوراً عازم شیراز بشوند.

ثانیاً علاءالدوله فرمانفرمای جدید فارس بزودی با استعداد لازمه از طهران حرکت خواهد نمود.

ثالثاً صاحب‌منصبان سوئدی که مخصوصاً دولت ایران برای استقرار ژاندارمری و تأمین طرق و شوارع به استخدام پذیرفته با کمال جدیت مشغول کار هستند که نتیجهٔ آن بزودی ظاهر خواهد شد و استعداد کافی برای محافظت طرق جنوب اعزام خواهد شد.

رابعاً دولت اقدام در اصلاح بین قوام‌الملك و صولت‌الدوله و تابعین آنها که مخالفت و عداوت آنها علت عمدهٔ اغتشاش فارس است نموده که عنقریب بدلخواه خاتمه خواهد پذیرفت و آنها در کار مرتفع‌نمودن اختلافات بین خودشان هستند و مطابق قرارنامه‌ای به مهر آقا میرزا ابراهیم مجتهد متعهد شده‌اند که در آتیه بکلی مطیع اوامر دولت بوده و قدمی که باعث انقلاب اوضاع مملکتی باشد برندارند.

نظر به اقداماتی‌که شده و خواهد شد من مطمئنم که به فاصلهٔ وقت کمی نواقصی که هنوز در جنوب دایر است بکلی مرتفع شده و آسایش کامل مستقر خواهد شد. ضمناً نهایت مراقبت در حفظ جان و مال تبعهٔ انگلیس و سایر اتباع خارجه به عمل خواهد آمد. بنابراین منتظر است جنابعالی که نمایندهٔ یك دولت متحدی با این دولت هستید و دولت ایران کمال وثوق را به روابط مودتانهٔ آن دولت دارد دولت انگلیس را از اقدامات منظورهٔ خود منصرف بنمایید که برای دولت ایران هم مجال انجام اقداماتی که شروع نموده بماند و یك همچو اقدام غیرمنتظره از طرف دولت انگلیس انجام ترتیبات این دولت را بعهدهٔ تأخیر نیندازد.

وثوق‌الدوله

نمره ـ ۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹ [۲۱ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۲ اکتبر شما در باب شیراز و طرق جنوب

علاءالدوله به‌من اظهار نمود که‌اگر قصدخود را در باب اعزام‌قشون به‌شیراز انجام بدهید من‌به‌شیراز نخواهم‌رفت. اگرچه او به‌من‌اطمینان‌داده‌که درصورت‌انصراف‌دولت انگلیس از ارادهٔ خود او عزیمت خواهد نمود ولی من تردید دارم که آیا در این صورت هم بهانهٔ دیگری برای امتناع از این مأموریت پیدا خواهد کـرد یا خیر. اما قشون معتنابه که وزیر ایران اظهار می‌دارد عبارت از عدهٔ قزاقی است که در تلگراف ۱۳ اطلاع دادم با نایب‌حسین در کاشان مشغول جدال هستند و گمان نمی‌کنم کرنل [کلنل] روسی اجازهٔ مسافرت به مسافت بعیدی را به آنها بدهد خصوصاً بدون معیت دو نفر صاحب‌منصب روسی که حالیه همراه آنها هستند باضافهٔ قزاق گمان می‌کنم قرار داده‌اند یك عده از سربازان معمولی ایرانی به اتفاق علاءالدوله بفرستند ولی در سوابق ایام به تحقیق پیوسته است که این قبیل سربازها در شیراز تحلیل می‌روند.

دولت ایران در مراسلهٔ خودشان به من خیلی اهمیت به معاهدهٔ بین قوام‌الملك و صولت‌الدوله داده‌اند ولی علاءالدوله یك همچه اصلاحی را استهزاء می‌نماید و قنسول شیراز در جواب استعلام من در این باب در سیزدهم اکتبر شرح ذیل را مخابره نموده:

تقریباً ده روز قبل قوام‌الملك نوشته‌ای را که سابقاً صولت‌الدوله مهر نموده بوده امضاء نمود و پس از آن میرزا ابراهیم امضاء نمود. مواد عمدهٔ آن این بود که: تعیین فرمانفرما به انتخاب دولت ایران باشد و طرفین فوراً آنجا را از قشون خود تخلیه نمایند و تأمین عبور و مرور در جادهٔ بوشهر بعهدهٔ صولت‌الدوله باشد و طرفین اموال منهوبه را مسترد بدارند. قوام‌الملك هیچ وقعی به این نوشته نداده و بدون ضبط سواد آن و یاد نمودن قسم آن را امضاء نمود. طرفین قصدشان از این امضاء فقط حفظ ظاهری است. لازم به اظهار نیست که تمام شرایط آن ناقص مانده و در اوضاع

عمومی هیچ اثری ننموده. قبل از اینکه ببینیم اهمیتی به آن داده نمی‌شود فرض می‌کردم که این قرارداد نتیجه خواهد داشت.

مستر ناکس نیز به‌من اطلاع‌می‌دهد که‌قوام‌الملك متوالیاً به‌رئیس‌الوزراء تلگرافات در عزل صولت‌الدوله از ایلخانی‌گری قشقایی مخابره می‌نماید و صولت‌الدوله هم از آن طرف مشغول تحریکات مجدانه به ضد قوام‌الملك است. نظر به این اطلاعات در قرارداد واقعی بین آنها من ناچار به داشتن سوءظن‌هستم. بهرحال منکر این نمی‌توان شد که از زمان اراده نمودن به اعزام قشون انگلیس اوضاع خیلی رو به بهبودی است. بنابراین اگر مقصود از این حضور قشون بهبودی شهر شیراز بوده تا اندازه‌ای فراهم شده و اگر علاءالدوله هم برود قدری بهتر هم خواهد شد و یحتمل منجر به دست نگاه‌داشتن ما هم بشود. نظر به این مراتب (اگر چنانچه من از تلگراف ۸ اکتبر شما استنباط نموده‌ام) عمل طرق باید از این موضوع خارج باشد ممکن است به دولت ایران اطلاع بدهیم که اعزام قشون را یك هفته به تأخیر خواهیم انداخت ولی اگر پس از انقضاء آن مدت علاءالدوله حرکت نکرد قشون ما عازم شیراز خواهد شد.

وضع طرق واقعاً خیلی منقلب است و یك ترتیب ژاندارمری مکملی را لازم دارد که اگر تعویقی در آن بشود هیچ احتمال التیامی نمی‌رود. بعلاوهٔ حمله به خانم رس که دیروز به شما اطلاع دادم، سرقت بسیار عظیمی از مال‌التجارهٔ انگلیس در حوالی بندر عباس واقع شده و اخبارات اخیرهٔ قنسول کرمان مبنی بر این است که هیچ راه تردد بین آنجا و بندر عباس مفتوح نیست و اوضاع آنجا خیلی بدتر از آن است که قنسول مزبور می‌داند. من دو فقره تلگرافات واصله از قنسول شیراز و قنسول جنرال بوشهر را هم در ذیل الحاق می‌نمایم.

تلگراف شیراز مورخهٔ ۱۳ اکتبر مطابق ۱۹ شوال ۱۳۲۹ [۲۰ مهر ۱۲۹۰]

تمام سیمهای خط بوشهر در عرض چهل ساعت ماضی بکلی منقطع بوده یك غلام دیگری که برای بازدید فرستاده شده بود همه‌چیزش را سرقت کرده و سخت مضروبش نموده‌اند. فقدان آلات و تلفنی‌ها در این سرقتها خیلی اسباب مزاحمت ادارهٔ تلگراف شده. آنچه تا بحال کشف شده خسارات وارده بی‌شمار است در اغلب نقاط سیمها قطع شده و مقدار زیادی از آن به سرقت رفته. عجالتاً تحصیل مستحفظ برای عملهٔ کارکن غیرممکن است و بنابراین امید ضعیفی در تعمیر کافی می‌رود.

تلگراف بوشهر مورخهٔ ۱۳ اکتبر [۱۹ شوال ۱۳۲۹؛ ۲۰ مهر ۱۲۹۰]

علاءالدوله تلگرافی به حاکم بنادر خلیج مخابره نموده که نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله که یاغی دولت هستند و برای تهیهٔ پول به طرف کازرون می‌روند باید با تحمل هر مبلغ خسارتی با آنها مقابله نمایید و خوانین تنگستانی در عرض جاده را به مخالفت آنها برانگیزانید. املاك نظام‌السلطنه هم ضبط دولت است باید تصرف نمایید.

نتیجهٔ اقدام بمراتب فوق این شده که اغتشاش شدید در طرق ممتد گردیده. کاکس در تلگراف خودش یك عده‌ای حملات به مستخدمین تلگراف را ابواب‌جمع می‌نماید.

نمره ـ ۳۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران به تاریخ ۱۴ اکتبر مطابق ۲۰ شوال ۱۳۲۹ [۲۱ مهر ۱۲۹۰]

دولت ایران به من اطلاع می‌دهد که صولت‌الدوله را منفصل و ضیغم‌الدوله را به ایلخانیگری قشقایی منصوب نموده‌اند.

نمره ـ ۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۴ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۱ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۹]

ازدیاد استعداد در جنوب ایران

تلگراف واصله از کلکته مبنی بر این است که ترتیب اعزام دو اسکادرن [= اسکادران] سوار و قاطرهای حمل و نقل آنها را قشون بحری هندوستان می‌دهد. ۲۷ اکتبر این استعداد به بندر می‌رسد. در آن تاریخ معادل نصف اینقدر پیاده هم به بوشهر می‌رسد این عده برای محافظت بنه سوار ممکن است به‌کار برده بشود. استعداد مذکور به محض پیاده شدن به خشکی می‌توانند به شیراز حرکت نمایند در صورتی‌که بنا بعقیدهٔ لفتنانت کرنل [= کلنل] کاکس طرق مملکت برای آنها مفتوح باشد. دو اسکادرن دیگر باقی می‌ماند که بعد از چند روز اعزام خواهد شد. رأی قطعی در اینکه این قشون باید مجموعاً پیش بروند یا به دو قسمت محول به شما و لفتنانت کرنل کاکس است. در این باب شما باید با قنسول شیراز شور بنمایید.

نمره ـ ۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف نهم اکتبر شما:

وزیرمختار روس امروز به شوستر اطلاع می‌دهد که چون متأسفانه غیرممکن است استخدام استکس منحصر به جنوب شود دولت روس در پرتست خود در باب ترتیب ژاندارمری خزانه باقی خواهد بود.

نمره ـ ۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ شوال ۱۳۲۹ [۲۲ مهر ۱۲۹۰]

(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۳۱ اکتبر در ۱۵ اکتبر تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره شده.)

آقا

با کمال افتخار ترجمهٔ پیشنهاد ذیل را که در دهم اکتبر از مجلس گذشته و تصویب نموده‌اند که دولت سه نفر صاحب‌منصب مدیره و چهارده نفر صاحب‌منصب رژیمانی و سه نفر صاحب‌منصب جزء از قشون دولت سوئد کنترات نمایند لفاً ارسال می‌دارم. سه نفر صاحب‌منصب مدیره برای اداره‌کردن تعیین خواهند شد یکی در مرکز قشون یکی در شعبهٔ پیاده‌نظام و یکی در شعبهٔ سواره‌نظام و توپخانه. پنج نفر از صاحب‌منصبان رژیمانی برای اداره نمودن تعیین خواهند شد. سه نفر در مراکز قشون یکی در مدرسهٔ عالی نظامی و یکی در مدرسهٔ ابتدایی نظامی. چنانچه استنباط نموده‌ام نه نفر صاحب‌منصب باقی‌مانده بمحض ورود به فرماندهی و آجودانی پیاده‌نظام و سواره‌نظام و توپخانه منصوب خواهند شد. این نقشه مشتمل بر اداره نمودن و فرماندهی است.

سر جارج بارکلی

ترجمهٔ پیشنهاد در باب کنترات بیست نفر صاحب‌منصب سوئدی است که در دهم اکتبر ۱۹۱۱ [۱۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۱۶ شوال ۱۳۲۹] از مجلس گذشته.

مجلس شورای ملی پیشنهاد ذیل را تصویب می‌نمایند و والاحضرت نایب‌السلطنه امر به اجرای آن می‌فرمایند:

مادهٔ ۱) وزارت جنگ دولت علیهٔ ایران مجاز است که بیست نفر صاحب‌منصب سوئدی مطابق هفت مواد [= مادهٔ] ذیل برای تنظیمات ادارهٔ تعلیمات علمی و مشق نظامی استخدام نماید.

مادهٔ ۲) عدهٔ صاحب‌منصبان سوئدی که به مدت سه ساله کنترات می‌شوند چهارده نفر صاحب‌منصب رژیمانی و سه نفر صاحب‌منصب مدیره خواهند بود.

مادهٔ ۳) سه نفر صاحب‌منصب جزء دیگر سه ساله کنترات می‌شوند که به صاحب‌منصبان مذکور در مادهٔ قبل معاونت بنمایند و تشکیل قشون کادر بدهند و صاحب‌منصبان جزء را تعلیم و مشق بدهند.

مادهٔ ۴) چهارده نفر صاحب‌منصب رژیمانی از قرار ذیل در قشون تقسیم خواهند شد:

وزارت جنگ	۳ نفر صاحب‌منصب
پیاده‌نظام	۶ نفر صاحب‌منصب
سواره‌نظام	۲ نفر صاحب‌منصب
توپخانه	۱ نفر صاحب‌منصب
مدرسهٔ عالی نظامی	۲ نفر صاحب‌منصب

مادهٔ ۵) سه نفر صاحب‌منصب مدیره از این قرار تقسیم می‌شوند:

وزارت جنگ	۱ نفر صاحب‌منصب
پیاده‌نظام	۱ نفر صاحب‌منصب
سواره‌نظام و توپخانه	۱ نفر صاحب‌منصب

مادهٔ ۶) سه‌نفر صاحب‌منصب خارج از صف از این قرار تقسیم می‌شوند:

سواره‌نظام	۱ نفر صاحب‌منصب
توپخانه	۱ نفر صاحب‌منصب
مدرسهٔ نظامی برای صاحب‌منصبان جزء	۱ نفر صاحب‌منصب

مادهٔ ۷) برای استخدام چهارده نفر صاحب‌منصب رژیمانی و سه نفر صاحب‌منصب مدیره و سه نفر صاحب‌منصب جزء مبلغ پنجاه و هشت هزار و سیصد و هفتاد و سه تومان اعتبار به وزارت جنگ داده می‌شود.

مادهٔ ۸) تقسیم صاحب‌منصبان کل و جزء مطابق ذیل خواهد بود:

وزارت جنگ:

رئیس قشون که به درجهٔ یاوری یا نایب‌سرهنگی خواهد بود	۱ نفر
سلطان برای پیاده‌نظام	۱ نفر
سلطان برای توپخانه	۱ نفر
سلطان برای مدیری ادارهٔ قشونی	۱ نفر
	۴

پیاده‌نظام:

سلطان برای نظام	۳ نفر
نایب اول	۳ نفر
سلطان برای مدیری ادارهٔ پیاده‌نظام	۱ نفر
	۷

سواره‌نظام:

سلطان برای سوار	۱ نفر
نایب اول	۱ نفر
صاحب‌منصب خارج از صف	۱ نفر
	۳

توپخانه:

نایب اول برای توپخانه	۱ نفر
صاحب‌منصب خارج از صف	۱ نفر
	۲

برای ادارهٔ سواره‌نظام و توپخانه نایب اول ۱ نفر

مدرسهٔ نظامی برای صاحب‌منصبان:
سلطان برای پیاده‌نظام ۱ نفر

مدرسهٔ نظامی برای صاحب‌منصبان جزء:
نایب برای پیاده‌نظام ۱ نفر
صاحب‌منصب خارج از صف ۱ نفر

۲
مجموع ۲۰ نفر

نمره ـ ۳۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ اکتبر)
طهران ۱۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ شوال ۱۳۲۹ [۲۲ مهر ۱۲۹۰]
حمله به مادموازل رس

با کمال افتخار اطلاع می‌دهم بنا به روش معمولی خودم در موضوع سرقتهای عمده به دولت ایران اظهار داشتم اگر دعوی غرامتی که قنسول ما در شیراز خواهد نمود در همانجا انجام‌نپذیرد مجبور خواهیم‌شد که از حکومت‌مرکزی در اینجا مطالبه‌بنماییم. از قراری که امروز صبح مسموع نموده‌ام تمام اسباب جراحی خانم رس به سرقت رفته لهذا درصدد پیشنهاد یادداشت دیگری به دولت ایران در باب لزوم استرداد عین اشیاء یا غرامت آنها هستم.

هیچ امید فیصلهٔ سریع این مسئله را ندارم مگر اینکه همین‌طور تأدیهٔ یك مبلغی را بعنوان حسن مساعدت قبول کنم و در این صورت می‌ترسم امید گرفتن غرامتی که بیش از قیمت اشیاء مسروقه باشد سلب بشود.

نمره ـ ۳۶

مراسلهٔ سر سسیل اسپرینگ‌رایس به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ اکتبر)
استاکهام [= استکهلم] ۱۲ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ شوال۱۳۲۹ [۱۹مهر۱۲۹۰]
آقا

با کمال افتخار خاطر عالی را مستحضر می‌دارم بارن رامل در دهم شهر جاری به‌من اطلاع داد که برای تعیین ۷ نفر صاحب‌منصب دیگر به استخدام دولت ایران بجهت ترتیب ژاندارمری باضافهٔ آنهایی که تا حال به طهران فرستاده شده درخواست دیگری از دولت سوئد شده است. بعلاوهٔ این صاحب‌منصبها، درخواست دیگری بتوسط

وزیرمختار ایران مقیم پاریس شده که یك نفر صاحب‌منصب از درجهٔ عالی برای فرماندهی کل به رسم عاریت داده بشود. او اظهار داشت هیچ سابقه‌ای از این قصد ایران نداشته که تقاضای یك نفر صاحب‌منصب سوئدی به رسم عاریه برای ترتیب یك عدهٔ قلیلی قشون چنانچه در روزنامه مندرج بود بنمایند.

آنچه بر من معلوم شده تا حال قریب ۵۰ نفر صاحب‌منصب داوطلب خدمت شده‌اند که اغلبی از آنها اشخاص کاملی در فن خود هستند. عقیدهٔ بارن رامل این است که اگرچه ادارهٔ قشونی در استخدام یك عدهٔ قلیلی صاحب‌منصب در ایران مخالفتی ندارد چون این باعث کثرت تجربه در عملیات آنها خواهد شد ولی دادن یك عدهٔ کثیری صاحب‌منصب محتمل است خالی از اشکال نباشد. بالاخره رأی قطعی خود را نتوانست بیان نماید.

چنانچه عرض شد بعقیدهٔ من عدهٔ صاحب‌منصبی که داوطلب شده‌اند عجالتاً کسانی هستند که محتمل است با وضع حاضره خدمات نمایان به دولت ایران بنمایند. کنت اهرنسوارد از سبك دوستانه‌ای که دولتین انگلیس و روس در این مسئله اتخاذنموده‌اند اظهار رضایت نمود.

امضاء سسیل اسپرینگ رایس

نمره ـ ۳۷

مکتوب میرزا مهدی‌خان به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ اکتبر)

وزیرمختار ایران مفتخراً خاطر محترم وزیر امور خارجه را معطوف می‌دارد به مذاکرات خودش که در تاریخ ۴ و ۷ و ۱۲ با سر آرتور نیکلسن در موضوع قصد دولت انگلیس در مزید نمودن عدهٔ مستحفظین قنسولگری شیراز و یحتمل جاهای دیگر نمود. در ملاقات ۴ اکتبر وقتی که سر آرتور نیکلسن وزیرمختار ایران را از قصد دولت انگلیس مستحضر نمود، میرزا مهدی‌خان اظهار داشت که بعقیدهٔ خودش در این موقع یك همچه عملی نامطبوع و غیرلازم است.

قبل از وقوع حوادث ناگوار جدیده (یعنی رجعت شاه مخلوع و وقایع معلومه و مجاهدات سالارالدوله) دولت ایران اقدامات وافی در تأمین فارس و طرق تجارتی نموده بود و چنانچه بر اولیای دولت فخیمهٔ انگلیس مشهوداست اقدامات دولت‌ایران هم بی‌نتیجه‌نمانده نظم و آسایش‌دایرگردیده‌بود و دولت‌انگلیس‌هم وقوع‌آن‌را تصدیق‌نمود. بروز حوادث‌وخیمهٔ‌جدیده‌توجه‌دولت‌را بسوی‌نواحی‌شمال‌و غرب معطوف‌داشت. در حینی که مشغول‌رفورم و تنظیم‌امور بودند و از طرفی درکار استقراض و ازطرف‌دیگرمشغول کنترات کارکنان خارجه بودند که به معاضدت آنها ادارات دولتی را در تحت نظم و ترتیب بیاورند حوادث مذکوره روی نمود و دولت ایران ناچار به صرف تمام توجه و جدیت و پول خود در استخلاص مملکت از مخاطرهٔ بسیار عظیمی که متهاجم بود شد. حال که آن را از پیش برداشته‌اند تمام توجه خود را به صوبهٔ فارس و نواحی جنوب و

طرق تجارتی معطوف خواهند نمود. صاحب‌منصبان سوئدی را به ایران آورده‌اند که ترتیب ژاندارمری برای همین مقصود بخصوص بدهند. وزیرمختار ایران نیز به سر آرتور نیکلسن اظهار داشت که نظر بمراتب فوق هر اقدامی از طرف دولت انگلیس باعث اثرات سوء خواهد شد و در اذهان جلوه خواهد نمود که دولت انگلیس از مسلك کریمانه‌ای که همیشه پیروی می‌کرده احتراز نموده و نیز میرزا مهدی‌خان بیان نمود که بعقیدهٔ خودش وضع شیراز هر قدر هم غیرمرضی باشد بقسمی نیست که از برای اروپاییان خطرناك باشد و تمنا نمود دولت انگلیس اقدامی ننمایند.

پس از تبلیغ این مذاکره به دولت متبوعهٔ خودش تلگرافی از وزیر امور خارجهٔ ایران به میرزا مهدی‌خان رسید که در ۷ اکتبر به سر آرتور نیکلسن ارائه داد. وزیر امور خارجه مذاکرات میرزا مهدی‌خان را که در ۴ اکتبر نموده بود پسندیده و خواستار شده بود که تجدید مذاکره نموده و اظهار بدارد که هرگاه دولت انگلیس تقویت معنوی به ایران نموده بود دولت ایران می‌توانست توجه کامل خود را به جنوب معطوف بدارد. بنابراین دولت ایران خواهش می‌نماید که حالا هم در عوض اضافه نمودن مستحفظین قنسولگری دولت انگلیس ممکن است همین معاضدت معنوی را که حق او هم هست بنماید.

دولت ایران همه‌روزه بواسطهٔ مداخلات دولت روس در فشار و زحمت است و همه وقت جلب توجه دولت انگلیس به آن مداخلات شده است. دولت ایران مساعدت دولت انگلیس را لازم دارد که جلوگیری از این مداخلاتی که باعث تشجیع خائنین و تضعیف نفوذ و قدرت دولت است بنماید.

در ۱۲ اکتبر وزیرمختار ایران تلگراف دیگری را هم که از دولت متبوعهٔ خودش رسیده بود به سر آرتور نیکلسن ارائه داد.

نظر به مذاکراتی که بتوسط میرزا مهدی‌خان با وزارت خارجه شده بود وزیر امور خارجهٔ ایران از وصول یادداشت سر جارج بارکلی در باب ازدیاد مستحفظین‌قنسولگری شیراز و یحتمل اصفهان و بوشهر متعجب شده بود. دولت ایران در صدد اقدام در استقرار آسایش مستعجل برآمده بود علاءالدوله به فرمانفرمایی فارس منصوب و با استعداد نظامی کافی در شرف عزیمت بود یك دسته قزاقی که به کاشان گسیل شده بود مأمور عزیمت به شیراز شده بودند. صولت‌الدوله و قوام‌الملك اصلاح نموده و معاهده نموده بودند که متفقاً در استقرار نظم با حکومت مرکزی مساعدت بنمایند باضافه تعهد نموده بودند که از هر جهت مطیع اوامر حکومت مرکزی بشوند و تمام قوای مسلحهٔ خود را از شیراز خارج نموده بودند. صولت‌الدوله بعلاوه تأمین راه شیراز به بوشهر را بعهده گرفته بود. گذشته از اینها صاحب‌منصبان سوئدی که دولت ایران برای تأسیس ژاندارمری و حفظ انتظام طرق تجارتی به استخدام گرفته بود چندی قبل وارد ایران شده و بخوبی در امورات مرجوعه پیشرفت نموده‌اند.

نظر به مراتب فوق دولت ایران هیچ اقدامی را از طرف دولت انگلیس لازم نمی‌داند. یگانه سبب اغتشاش شیراز نفاق بین قوامیها و قشقاییها بوده و این هم

بواسطهٔ اصلاح قوام‌الملك و صولت‌الدوله مرتفع شده و متفقاً مشغول عملیاتند. رعایای خارجه در معرض خطر نیستند و تأمین آنها منظور نظر و مورد توجه کاملهٔ دولت ایران است چنانچه تا حال هم بوده. شیراز در نهایت آرامی و سکونت است و نظر به اقداماتی که از طرف دولت ایران بعمل آمده و فراغتی که عجالتاً در عطف توجه خود به صوبه جنوب دارند به‌هیچوجه بیم بروز نگرانی در آتیه هم نمی‌رود.

بنابراین وزیرمختار ایران از جانب دولت متبوعهٔ خودش خواهش خود را تکرار می‌نماید که دولت انگلیس اقدامات منظوره را موقوف بدارند.

لندن سفارت ایران به‌تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۰ مهر ۱۲۹۰؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۹]

نمره ـ ۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ اکتبر)

طهران ۱۶ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ شوال ۱۳۲۹ [۲۳ مهر ۱۲۹۰]

راجع به تلگراف ۱۴ اکتبر شما ـ شرح ذیل را جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده:

اعزام سوار: از قراری که مفهوم می‌شود همه جهت ۳۰۰ سوار رفتنی به شیراز هستند و صد نفر در بوشهر می‌ماند. اگر این‌طور است من گمان می‌کنم باید یك‌مرتبه حرکت بنمایند.

در حقیقت تردید ناکس در اجرای این نقشه بلحاظ اشکالات آذوقه در منتهاالیه جاده در حوالی شیراز است ولی این ممکن است از بوشهر تهیه بشود. اگر ۴۰۰ نفر باید به آنجا بروند من مانعی در حرکت آنها به دو قسمت نمی‌بینم مگر اینکه در عرض حالا تا ۲۷ اکتبر حادثهٔ غیرمنتظره‌ای روی بدهد.

در خاتمه عرض می‌نمایم که این ۴۰۰ نفر به قصد بالاخره تقسیم شدن مابین بوشهر و شیراز و اصفهان تهیه شده و بنابراین فرض من پیشنهاد می‌کنم که ۳۰۰ نفر یك‌مرتبه به شیراز بروند و ۱۰۰ نفر دیگر در بوشهر بمانند.

نمره ـ ۳۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۶ اکتبر مطابق ۲۲ شوال ۱۳۲۹ [۲۳ مهر ۱۲۹۰]

در باب حمله به مادموازل رس به تلگراف دیروز خودتان مراجعه نمایید.

اگر شما می‌توانید قیمت اشیاء مسروقه را دریافت‌بدارید قبول‌کنید ولی این حق‌را هم برای خودتان محفوظ بدارید که بعدها به دولت ایران اصرار بنمایید مبلغی هم بعنوان رفع خسارت به مادموازل رس بدهند.

نمره ـ ۴۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۷ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ شوال ۱۳۲۹ [۲۴ مهر ۱۲۹۰]

امروز وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و خواهش دولت خودش را در باب تعویق اضافه نمودن مستحفظین قنسولگری تجدید نمود. سر آرتور نیکلسن مجدداً شروع به همان رویه صحبت سابقه با او نموده اغلب مخابراتی که به ما رسیده برای او قرائت نموده و خاطر او را از اوضاع بسیار ناگوار دو هفتهٔ قبل شیراز و وضع ناهنجار حالیهٔ طرق مسبوق نمود.

اگرچه حالیه در شیراز آسایش مستقر است ولی این بهبودی موقتی از قراری که ما استنباط نموده‌ایم بیشتر بواسطهٔ اشتهار قشون وارد نمودن ما است و هیچ اطمینان نمی‌توان داشت که اگر ما عزم خودمان را به تأخیر بیندازیم همان اوضاع نامناسب سابق تجدید نخواهد شد. در حقیقت ما نمی‌توانیم تا یك موقع نامعلومی تأمل نماییم که دولت ایران خودش اقدامات وافیه به‌عمل بیاورد. حضور قشون مضاعف ما در واقع یك نوع مساعدتی با مأمورین دولت ایران است و گمان نمی‌کنم چنانچه وزیر ایران معتقد است این عمل از نفوذ و قدرت علاءالدوله و یا فرمانفرمای دیگری بهیچوجه بکاهد. سر آرتور نیکلسن اظهار داشت گمان می‌کنم وزیرمختار بایستی به دولت متبوعهٔ خود اطلاع بدهد که با کمال میلی که ما به بروز مساعدت با ایران داریم نمی‌توانیم اقداماتی که برای محافظت جان و مال تبعهٔ انگلیس شده بعهدهٔ تعویق بیندازیم. قبل از آنکه رأی قطعی به این اقدامات تعلق بگیرد ما مدت طولانی فرصت به آن دولت دادیم به امید اینکه پیشرفتی در بهبودی اوضاع حاصل بشود.

ادوارد گری

نمره ـ ۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ اکتبر)
طهران ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ شوال ۱۳۲۹ [۲۵ مهر ۱۲۹۰]
(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۸ اکتبر در طی تلگراف ۱۸ مخابره شده)

آقا

رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری خودم با کمال افتخار سواد شرح مجددی را که وزیر امور خارجهٔ ایران در پرتست به ضد اضافه نمودن مستحفظین قنسولگری شیراز می‌نگارد لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

سواد مکتوب وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۹]

جنابا

رجوع به مراسلهٔ ۱۱ اکتبر خودم در جواب جنابعالی در موضوع اضافه شدن مستحفظین قنسولگری شیراز با کمال احترام مجدداً خاطر عالی را مستحضر می‌دارم که به ملاحظهٔ تعیین جناب علاءالدوله به فرمانفرمایی فارس اوضاع آنجا خیلی بهتر شده و عجالتاً شهر در کمال آرامی و سکونت است و هیچ نوع انقلابی در حوالی آن نیست. چنانچه سابقاً هم به جنابعالی اطلاع داده شده عده‌ای قزاق در کاشان مأمور شده‌اند با توپ و سلاح خودشان به شیراز بروند و استعداد دیگر هم که عبارت از سه هزار نفر باشد متدرجاً فرستاده خواهد شد. صاحب‌منصبان سوئدی هم مشغول ترتیب ژاندارمری برای فارس هستند که پس از ترتیبات مقدمات آن، دو نفر از صاحب‌منصبان سوئدی که در اول دسامبر وارد خواهند شد با دسته‌ای از صاحب‌منصبان ایرانی به آنجا فرستاده خواهند شد. برای سرعت انجام این ترتیب دستورالعمل داده خواهد شد که قبل از ورود صاحب‌منصبان سوئدی عده‌ای که برای ژاندارمری لازم است در آنجا تهیه بشود که بمحض ورود صاحب‌منصبان مزبور به شیراز بدون دفع وقت مشغول انجام مأموریت خودشان بشوند و به بعضی دسته‌جات سرباز که از بهبهان وارد شیراز شده‌اند دستورالعمل داده شده که قنسولگریهای خارجه را محافظت‌بنمایند. اگرچه دولت ایران بکلی از گرفتاریهای در شمال و غرب آسوده نشده ولی بدون تأمل عطف توجه به جنوب نموده که امنیت کامل را در آن حدود مستقر بدارد.

استماع اعزام ۵۰۰ نفر قشون هندی از بمبئی در ۲۴ اکتبر برخلاف انتظارات دولت ایران و مخالفت روابط وداد موجوده بین دولتین است. اعتماد دولت ایران در پیشرفت اقدامات خودش برای نظم جنوب تبدیل به‌یأس و حرمان خواهدشد. علاءالدوله که بعقیدهٔ دولت ایران یگانه شخصی است که می‌تواند نظم و تمشیت را در فارس مستقر بدارد فسخ عزیمت خواهد نمود.

من امیدوار بودم نظر به توضیحاتی که در مراسلهٔ ۱۱ شهر حال خودم به آن جناب داده بودم جنابعالی دولت متبوعهٔ خودتان را از اعزام قشون هندی مزبور منصرف خواهید نمود. حالا که خبر قصد اعزام قشون رسیده است واضح است تا چه درجه نقشهٔ دولت ایران اختلال حاصل نموده مثلا علاءالدوله بمحض استماع این خبر فسخ عزیمت به فارس را نموده اظهار می‌دارد که در حکومت خودش نمی‌تواند متحمل این نوع اقدامات خارجی بشود.

جای شبهه نیست که تعیین علاءالدوله و اعزام استعدادی که ذکر شده و اقداماتی که دولت ایران در نظر دارد و مقدمات آن بعمل آمده برای استقرار نظم در فارس وسیله‌ای‌است که بهتر از اعزام قشون هندی است که ممکن است منتج نتایجی برخلاف آنچه مقصود بوده بشود و اقدامات دولت ایران را هم بی‌اثر بنماید.

بنابراین امید است که جنابعالی بدون دفع وقت دولت متبوعهٔ خودتان را از اقدامات

دولت ایران مستحضر نموده و آن را از خیال اعزام قشون هندی منصرف خواهید داشت که علاءالدوله هم به اسرع وقت حرکت نموده و اوضاع فارس را منظم نماید منتظر جواب مساعد هستم.

وثوق‌الدوله

در امتداد این تلگراف عرض می‌نماید:

از تلگراف ۱۴ اکتبر شما مستفاد می‌شود تصمیم عزم شده است کـه ۴۰۰ نفر قشون انگلیسی اعزام بشود و بنابراین استنباطی که از تلگراف ۸ اکتبر شما نموده بودم که وضع طرق باید از تحت ملاحظه خارج بشود صحیح نبوده و همچه معلوم می‌شود که منظور بودن یك قسمتی از قشون برای حفظ طرق هم جزو نقشهٔ ما بوده.

باین ملاحظات جسارت می‌نمایم صلاح آن است به دولت ایران اطلاع بدهیم که محتمل است استعداد مزبور قوافل مال‌التجارهٔ انگلیس را هم همراهی و محافظت‌بنمایند و بمحض اینکه نتایج مؤثره از اقدامات دولت ایران در تأمین طرق و استقرار نظم در شیراز حاصل شد قشون اضافی عودت داده خواهد شد.

نمره ـ ۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ اکتبر)

طهران ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ شوال ۱۳۲۹ [۲۵ مهر ۱۲۹۰]

شاه مخلوع

دولت ایران به من اطلاع می‌دهند که در تـوقف محمدعلی‌میرزا در دارالحکومهٔ استراباد ظن می‌رود و احتمال دارد در تهیهٔ نقشهٔ‌ورود به‌مشهد هم باشد.

همکار روس من در بودن معظم[له] در محل مزبور شك دارد. از اطلاعات اخیره واصله به او مستفاد می‌شود که محمدعلی‌میرزا از نواحی استراباد به طرف بجنورد عازم است و یحتمل از آنجا عازم مشهد باشد.

نمره ـ ۴۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ اکتبر)

طهران ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۹]

شاه مخلوع

در امتداد تلگراف مورخهٔ امروز خودم جسارت می‌ورزم

ماژور سایکس از مشهد تلگراف نموده که حکومت بجنورد بهمین زودیها منتظر ورود محمدعلی‌میرزا به آنجا است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۴۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ اکتبر)
طهران ۱۸ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۹]

وضع شیراز

رجوع به تلگراف ۱۴ اکتبر من
در ۱۷ اکتبر مستر ناکس مطابق ذیل تلگراف نموده:

عجالتاً هیچ علائمی از آرامی و سکونت قشقایی نیست. صولت‌السلطنه برادر صولت‌الدوله دعوی ایلخانی‌گری دارد و مشهور است که صولت‌الدوله به مجتهد اعظم شیراز نوشته است که بواسطهٔ افواهات واصله از شهر ناچار است که اغتشاش کلی در جنوب بنماید. تلگرافی هم از ضیغم‌الدوله رسیده مبنی بر اینکه در عزیمت خود تأخیر خواهد نمود تا استعدادی از عربها روانه شوند و در راه با او تلاقی‌نمایند. رؤسای عمدهٔ عرب امروز صبح از شیراز خارج شدند یحتمل بهمین قصد استقبال او.

نمره ـ ۴۵

تلگراف مستر ابیرن [= اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ اکتبر)
سن پطرزبورغ ۱۹ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۹]

(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۰ اکتبر در ۱۹ [اکتبر] مخابره شده)

آقا

با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که وزیر امور خارجهٔ موقتی اظهار داشته بود در موضوع تلگرافی که مبنی بر بدی اوضاع است و از مسیو پکلوسکی[= پاکلوسکی] رسیده‌می‌خواهدبامن‌مذاکره‌نمایدو دیروز اوراملاقات‌نمودم

از تلگراف مسیو پکلوسکی مشهود بود افق ایران بسیار تاریك است و اوضاع از بد به بدتر متمایل است. اغتشاش در تزاید است و او (مسیو نراتوف) گمان نمی‌کند که دولت روس بیش از این بتواند در اقدامات مجدانه خودداری بنماید و در واقع اقدام به اشغال خاك ایران ننماید.

در جواب سؤالات مختلف من جناب معظم‌له اظهار نمود که اغتشاش مخصوصاً در نواحی ارومیه خیلی شدید است. شاهسونها در حرکتند و حملات متواتره به دسته‌های حامل مهمات قشون روس نموده‌اند. یکی از عناصر دیگر بی‌نظمی از قرار راپورت طرف‌شدن پیرم (که اقلا یك استعداد ظاهری پلیس را نگاهداشته بود) با هیئت دولت و کناره‌جوئی او از کار است.

در موضوع بحران قریب‌الوقوع کابینه مسیو نراتوف اظهار داشت که اگر اختیار در طهران بدست تندروها بیفتد هیچ مرکز قدرتی در ایران باقی نخواهد ماند که ما با آن طرف بشویم.

پس از آن شروع بمذاکره در باب شوستر نموده و شکایت سخت از مجاهدات

مشارالیه در استیلاءیافتن به تمام ادارات ایران نموده و گفت که این بکلی با منافع دولت روس متضاد است مخصوصاً اظهار داشت که مستر شوستر مصمم است برای امتیازات راه‌آهنها و استقراضها از مجلس اختیار تام حاصل بنماید.

من اظهار داشتم جنابعالی مسبوقید که نظریات دولت انگلیس در باب اشغال ایران چه است. هرگاه دولت روس شمال ایران را تصرف بنماید بعقیدهٔ من برای سر ادوارد گری اشکال فوق‌العاده خواهد داشت که در مقابل افکار عامهٔ انگلیس مدافعه از همچو اقدامی بنماید. لهذا من یقین دارم دولت انگلیس حتی‌المقدور از به‌کار بردن مساعی جمیلهٔ خود برای مرتفع نمودن عللی که بعقیدهٔ دولت روس مداخلات روس را دعوت می‌نماید فروگذار نخواهد کرد.

من مسیو نراتوف را متذکر نمودم که در این اواخر آنچه پیشنهاد شده که دولت ایران بوسیلهٔ آن بتواند خود اعادهٔ انتظام در مملکت بنماید دولت روس نپذیرفته و آن پیشنهادات از طرف ما فقط به امید پیشرفتی در اوضاع جنوب استقبال شده بود. دولت روس به پیشنهاد مزبور ایراد نموده ولی پیشنهادی هم که قایم‌مقام آن واقع بشود ننمود. من از آن جناب خواهش نمودم بدون پرده‌پوشی به من بگویند که دولت روس واقعاً چه اقدامی میل دارد بشود. مسیو نراتوف جواب داد اول چیزی که لازم است بشود این است که مستر شوستر باید بداند تمام اعمال او باید با منافع دولت روس (و البته با منافع انگلیس هم) موافقت داشته باشد. اصلاحات دولت ایران باید بتدریج پیش برود بطریقی که منافع و مصالح دولت روس هم مرعی و منظور باشد.

باید به نظر داشت که مقصود فقط خیر دولت ایران نیست بلکه مقام و وضعیت خاص دولت روس را نیز باید محسوب داشت. اگر مستر شوستر در باب امتیازات راه‌آهنها و استقراضها از مجلس اختیار تام حاصل بنماید لازم است تعهد بنماید (بطوری که اطمینان به ایفای آن حاصل بشود) که در آن باب بکلی بر طبق میل و ارادهٔ دولتین رفتار خواهد نمود. مستر شوستر هم مشکل شخصی باشد که بسهولت همچو تعهدی را بنماید.

جناب معزی‌الیه اظهار اسف نمود از اینکه دولت روس به رویهٔ مخالفت‌انگیزی در ایران عمل می‌نماید ولی برخلاف ارادهٔ خود به اتخاذ این مسلك مجبور شده است. من از آن جناب به وعدهٔ تبلیغ این مذاکرات را به شما مفارقت نمودم.

امروز صبح از بیم اینکه مبادا دولت روس شروع به اقدام فوری بنماید مکتوب خصوصی به مسیو نراتوف نوشتم به این مضمون که از تقریرات روز قبل او همچو استفاده نموده‌ام که دولت روس هنوز مقطوعاً در صدد اقدامی در موضوع عملیات مذکور در ایران برنیامده و ضمناً خواهش نمودم که در صورت اراده به همچو اقدامی البته به اسرع وقت به من اعلام خواهند داد. آن جناب جواب داده بود که دولت روس فعلا فقط لزوم اعزام یك اردوی نظامی به ایران را در تحت ملاحظه دارد ولیکن برای اهتمام در اجتناب از مداخلهٔ عملی زیاد امیدوار بمساعدت دولت انگلیس خواهد بود.

امضاء هوك اپرن [هیو اوبرن]

نمره ـ ۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ اکتبر)
طهران ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ شوال ۱۳۲۹ [۲۷ مهر ۱۲۹۰]

وزیر امور خارجهٔ ایران یك دعوی بی‌اهمیت دولت روس را شخصاً قطع و فصل نموده بود و برای اینکه وزیر مزبور بدون مراجعه به مستر شوستر ختم این عمل را نموده بود مستر شوستر مراسلهٔ شکایت‌آمیز با تشددی به وزیر امور خارجه نوشته بود و به این واسطه وزیر مزبور استعفاء داد ولی بملاحظهٔ بحران سختی که ممکن بود از این فعل بمنصهٔ ظهور برسد استعفای خود را مسترد داشت.

نمره ـ ۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ اکتبر)
طهران ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۶ شوال ۱۳۲۹]

شاه مخلوع

ماژور سایکس از مشهد تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که علی‌الظاهر محمدعلی میرزا خود را به تاشقند [= تاشکند] ماوراء خزر رسانیده ولی صحت این شهرت بر همکار روسی من معلوم نشده.

نمره ـ ۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ اکتبر)
طهران ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق [۲۷] شوال ۱۳۲۹ [۲۸ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز خودم. اگنت استرآباد ما خبر می‌دهد که شاه مخلوع در حوالی کمیش‌تپه [= کومش‌تپه] است.

نمره ـ ۴۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ اکتبر)
طهران ۲۲ اکتبر ۱۹۱۱ [۲۹ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۹]

روابط روس و ایران

مرحمت فرموده به تلگراف ۱۹ اکتبر مستر اپرن [= اوبرن] مراجعه نمایید:

نکتهٔ عمده که در اوضاع طهران ملحوظ است همدستی و معاضدتی است که تندروها و خزانه‌دار کل نسبت به یکدیگر بروز می‌دهند. نقار کلی بین شوستر و کابینه حادث است. بحرانی که وزراء را تهدید کرده بودند بوسیلهٔ پیشنهادی که مجلس را متقاعد بنمایند که اختیارات خزانه‌دار کل را محدود بنماید مرتفع شد و از

قرار معلوم بواسطهٔ مخالفت مجلس که خوف استعفاءنمودن شوستر را دارد این خیال عجالتاً متروك گردیده.

صمصام‌السلطنه که دیروز او را ملاقات نمودم خیلی اظهار کـراهت نسبت به شوستر می‌نمود. آن جناب اظهار نمود که کابینه بکلی از کنترل سختی که شوستر نسبت به وجوهات دولت اعمال می‌نماید سخت در مزاحمت است و مخاطره را که وضع متهورانهٔ او نسبت به دولتین متضمن است در محضر آنها کاملا مشهود است.۱

برای مقالات جدیدهٔ خزانه‌دار کل در روزنامه و شرح مفصلی که از قرار مسموع بعد از این در باب سعایت و تقبیح پلتیك روس و انگلیس در ایران درج خواهد نمود، من دلیلی برای مسئولیت دولت ایران در این موضوع فرض نمی‌کنم و علاوه بر طبع این مقالات شوستر اقدام مخصوصی ننموده که دولت روس را در تعقیب مقاصدمذکوره در تلگراف ۱۹ اکتبر مستر اپرن [= اوبرن] محق بنماید.

مع‌هذا دولت روس باید کلیهٔ روش و مسلك او را روی‌هم‌رفته مضر بدانند.

نمره ـ ۵۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ اکتبر)

طهران ۲۲ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ شوال ۱۳۲۹ [۲۹ مهر ۱۲۹۰]

وقایع جدیده در طرق جنوب

۳۰۰ نفر سرباز از فوج همدان که همراه پست بوده‌اند در جادهٔ اصفهان به شیراز در یزدخواست با ۲۰۰ نفر کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] مصادف شده و بعد از مجادلهٔ سختی منهزم شده‌اند.

در ۱۳ اکتبر در جادهٔ شیراز به بوشهر ۴ عدل قماش کمپانی ذیگلر سرقت شده. کمپانی دیکسن اظهار می‌دارند که در همان حمله به خانم رس معادل ۱۴۰۰ لیره مال‌التجارهٔ آنها بسرقت رفته. معادل ۴۰۰ لیره مال‌التجارهٔ کمپانی ویر در تاریخ ۳ اکتبر در کمارج واقعه در جادهٔ شیراز به بوشهر سرقت شده.

نمره ـ ۵۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ اکتبر)

طهران بتاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ رمضان ۱۳۲۹ [۳۱شهریور ۱۲۹۰]

آقا

راجع بـه تلگراف ۱۱ سپتامبر خودم بـا کمال افتخار سواد مختصری از مکتوب ویس قنسول انگلیس مقیم سلطان‌آباد را در خصوص وضع آن ناحیه بعد از شکست امیر مفخم لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

۱) چنین است در اصل.ـم.

ضمیمهٔ نمرهٔ ۵۱

مکتوب استروس ویس قنسول به سر جارج بارکلی
سلطان‌آباد ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ رمضان ۱۳۲۹ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰]
آقا

با کمال افتخار تلگراف دیروز خودم را که از قرار ذیل مخابره شده تجدیدمی‌نمایم.
شاه‌خواهان در ۱۴ سپتامبر سلطان‌آباد را تصرف نمودند.

به تاریخ ۱۰ سپتامبر امیر مفخم و متابعین خودش از اینجا از طریق گلپایگان و خوانسار به طرف بختیاری حرکت کردند و در همان روز سردار ظفر بختیاری هم عازم قم شد. هر دو آنها بر روی هم ۱۵۰۰ نفر سوار مکمل و مسلح داشتند.

در اینجا اثر سوئی نموده که آنها بدون خالی‌کردن یك تیر محل و مأمن خودشان را از دست دادند.

پس از آن اهالی سلطان‌آباد برای حراست خودشان مکتوبی به سالارالدوله نوشته و جوابی‌که به آنها رسیده این بود که اگر عریضهٔ آنها در همان روز نرسیده بود با سی هزار قشون و ۲۲ عراده توپ به طرف سلطان‌آباد حرکت می‌کرد که آنجا را بکلی خراب و ویران کند. دو روز بعد از آن ۴۰۰ نفر فرستاد که شهر را تصرف کنند. اغلب از آنها تابعین دزد مشهور عباس‌خان چناری بودند.

سردار ظفر در مدت قلیل توقف خودش در سلطان‌آباد ۵۰ هزارتومان مالیات دریافت نمود.

رعایای بیچارهٔ این ناحیه خیلی متضرر شدند. هم همراهان سالارالدوله آنها را غارت نمودند، هم بختیاریها.

مشهور است که سالارالدوله، حاجی‌سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله را بـه حکومت سلطان‌آباد منصوب نموده از قراری که مردم می‌گویند در همین دو روز وارد می‌شود. پارك و قلعهٔ او را امیر مفخم خراب و غارت نمود.

امضاء استروس

نمره ـ ۵۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ اکتبر)
طهران ۲ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ شوال ۱۳۲۹ [۹ مهر ۱۲۹۰]
آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی را که از طرف قنسول دولت انگلیس از کرمان رسیده و وضع ناهنجار جادهٔ کرمان به بندر عباس را شرح می‌دهد لفاً ارسال می‌دارم.

بعد از تاریخ این مکتوب چنانچه در تلگراف دوم سپتامبر خودم اطلاع دادم سرقت بزرگ دیگر واقع شده که از آن ضرر کلی به کمپانی کاستلی وارد آمـده و نیز سرقتهای دیگری هم واقع شده که به تجار هندی خسارت وارد نموده.

در باب طرق تجارتی دیگر ایران با نهایت اسف خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که هیچ نوع پیشرفت قابل‌الذکری (چنانچه در تلگراف ۵ سپتامبر خودم شرح داده‌ام) در وضع امور ظاهر نشده و انقلابات پلتیکی جاریه در شیراز چنانچه در تلگراف تازهٔ خودم اطلاع داده‌ام طبیعتاً مانع پیشرفت هر نوع اقدام از طرف مأمورین محلی و اعادهٔ نظم در طرق تجارتی است که به آن شهر می‌رود.

در شمال هم وضعی که بواسطهٔ پیش آمدن سالارالدولهٔ یاغی و اعزام قشون به مقابلهٔ او حاصل شده حتی بیش از پیش هم سلب امنیت از مسافرین و قوافل نموده است. بختیاریها ظاهراً در لزوم استقرار نظم در راه خودشان مدغن [= مذعن؟] هستند و در صدد اقداماتی هستند که ممکن است اگر خوانین توجه جامع خود را معطوف بدارند ثمری ببخشد.

امضاء جارج بارکلی

مجدداً ۳ اکتبر پس از تحریر شرح فوق دولت ایران به من اطلاع دادند که حکومت بهبهان تفویض به خوانین بختیاری شده. چنانچه به‌خاطر دارید تعیین حکومت مخالف منافع بختیاری بود که باعث حدوث اغتشاش در جادهٔ بختیاری شده بود.

ضمیمه در نمرهٔ ۵۲

سواد مکتوب قنسول هیك به سر جارج بارکلی

کرمان ۲۴ اوت ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شعبان ۱۳۲۹ [۱ شهریور ۱۲۹۰]

آقا

رجوع به استفساری که در تاریخ ۱۰ ژویه در مجلس ملی انگلیس در موضوع طرق تجارتی مابین کرمان و بندر عباس شده بود من با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که بعد از سرقت قالیهای متعلق به کمپانی نیرکو کاستلی و برادران در ماه اپریل ماضی دیگر راپورتی در باب سرقت قالی به من نرسیده ولی بواسطهٔ ناامنی راه قافلهٔ بزرگی که حامل قالی هستند چندین هفته است مابین کرمان و بافت معطل مانده و نتوانسته‌اند پیش بروند.

۲) ۱ مابین کرمان و بندرعباس ۳ راه است که معمولا کاروانان از آنها عبور می‌نمایند (۱) از طریق جیرفت و رودبار (۲) از طریق بافت و دولت‌آباد (۳) از طریق سیرجان و در عرض سه ماههٔ ماضی وضع هر سه جاده در کمال انقلاب بوده.

متضررین، تجار هند در کرمان و بندر عباس و هندیان اتباع انگلیس بوده‌اند که کاروان آنها در تاریخ دوم ژویه در تزرك (نزدیك سیرجان) گرفتار سارقین شده بود و معادل ۱۸۹ تومان و ۸ هزار و ۱۰ شاهی اموال آنها به سرقت رفت و در تاریخ نامعلومی در ماه ژویه معادل ۱۱۰۰ تومان و ۷ هزار و ۱۵ شاهی مال‌التجارهٔ آنها را باشاگردیها [= بشاگردی‌ها؟] در رودبار به سرقت بردند و در ۲۰ ژویه معادل ۹۷۳

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل و نمرهٔ ۱ ندارد.

تومان و ۵ هزار و ۱۰ شاهی مال‌التجارهٔ آنها در گدار سرخ در جادهٔ جیرفت سرقت شد. قیمت کلیهٔ مال‌التجارهٔ مسروقه مبلغ ۲۲۶۴ تومان و ۷ هزار و ۱۱ شاهی است یا تقریباً معادل ۴۵۳ لیره و کرایهٔ حمل آن ۲۶۲ لیره است بنابراین خسارتی‌که در عرض مدت قلیل مستیقماً به تجار هندی وارد آمده تقریباً معادل ۷۱۵ لیره می‌شود.

به این مبلغ فرعی که فروشنده محسوب می‌دارد و ضرری که از نرسیدن مال‌التجاره به موسم خود به بازار وارد شده باید افزوده بشود. در این مواقع ضرر فقط از برای اجناسی که سرقت شده محسوب نمی‌شود بلکه برای اجناسی هم که بواسطهٔ عدم تأمین معطل شده باید منظور شود.

۳) نه اینکه فقط امید در بهبودی وضع طرق نباشد بلکه برخلاف همه نوع احتمال بدتر شدن هم می‌رود. در رودبار حاکم نیست و باشاگردیها [= بشاگردیها؟] که سکنهٔ آن ناحیه هستند اقلا اسماً هم در تحت سلطه و اقتداری نیستند. در جادهٔ بافت دو دسته از طایفهٔ افشار در صحرا مقابل یکدیگر صف جدال بسته‌اند و تمام این راه از کرمان تا دولت‌آباد ناامن است.

الان به من خبر رسیده که سه هزار نفر از طایفهٔ بهارلو با دو عراده توپ برای غارت سیرجان در حرکتند که تلافی مغلوبیت خودشان را در سنهٔ‌ماضیه بنمایند و ۳۵۰ نفر سارقین بهارلو و اینارلو [= اینانلو؟] در کار چپاول قراء رفسنجان هستند. از طرف دیگر عموماً راپورت می‌دهند که نایب‌الحکومهٔ موقتی با رغبت کامل عدهٔ سارقین را برای پر کردن کیسهٔ خودش زیاد قلمداد می‌نماید که به این وسیله از طهران تحصیل اجازه مصارف قشونی نموده و مبلغ معتنابهی خرج‌تراشی بنماید. عجالتاً من نمی‌توانم بگویم‌که استعداد تقریبی سارقین یا شایعات راجع به عدم تدین نایب‌الحکومه کدام‌یك مقرون به صحت است ولی هرکدام صحیح باشد انتظارات آتیه کاملا ماتم‌انگیز است.

تا این اواخر من در رغبت نایب‌الحکومهٔ موقتی حالیه به تعمد در مبالغه و بزرگ نمودن مصائب و بلیات مملکت خودش مردد بودم ولی بتازگی من به اکراه مجبور به قبول این عقیده شدم که این مأمور مقام خود را فقط وسیلهٔ پر کردن جیب خود می‌داند.

اگر فی‌الواقع چنانچه راپورت می‌دهند عدهٔ سارقین اینقدر زیاد باشد خیلی‌کم امید مؤثر واقع‌شدن اقدامات در دفع آنها باقی خواهد ماند زیرا که نایب‌الحکومهٔ موقتی که رئیس قشون ایالتی هم هست سردار نصرت‌است که اخیراً از جلو سعیدخان و بهرام خان از بلوچستان ایران فرار نموده و لیاقت او در اداره نمودن امور جبران عدم رشادت او در میدان جنگ را هم نمی‌نماید.

بسیاری از قشون محلی در رشادت و جرئت و سایر صفات نظامی از سارقینی که با آنها باید مقابله نمایند پست‌ترند. مواجب آنها عقب افتاده و عدهٔ آنها از میزان مصوبهٔ دولت خیلی کمتر است.

من به اعتبارات آنها اضافه می‌نمایم که بعقیدهٔ من بهمان اندازه که فرماندهٔ آنها

مایل به جنگ است آنها هم هستند.

۴) از زمان ورود خودم به کرمان در ۳۱ مه ۱۹۱۰ تا حال من نتوانسته‌ام از حکومت محلی غرامت سرقتهای عمده را دریافت بنمایم و قصور من بواسطهٔ سستی مطالبه نبوده بلکه حکومت محلی بحدی قدرت نداشته که بتواند سارقین را مجبور به استرداد اموال منهوبه بنماید و مالیات عمومی وصول شده هم مبلغی نبوده که جواب‌گوی این دعاوی باشد. مالیات بلوچستان در عرض ۴ سال ماضی پرداخته نشده مگر یك مبلغ نامعلومی که سردار نصرت در قشون‌کشی اخیر خود به یغما برده باشد.

جمع‌آوری مالیات در نقاط دیگر این ایالت خیلی بی‌ترتیب و ناقص بوده که قسمت عمدهٔ آن پولها در جیب حکام پرطمع که از آن حکام در سال گذشته ۵ نفر به کرمان آمده‌اند و جیب رؤسای اداراتی که بتوسط دولت مشروطه تأسیس شده داخل شده و در این صوبه نه کسی چیزی از این ادارات می‌فهمد و نه آنها را می‌پسندد مگر کسانی‌که امیدوارند از به دست آوردن شغلی در ادارات مزبور خود را مستغنی بنمایند.

من ابداً امید وصول هیچیك از دعاوی که دائماً به مطالبهٔ آن حکومت محلی را در فشار داشته‌ام ندارم و مبلغ این دعاوی بحدی با مبادی وصولیه به دولت بی‌تناسب است که مأمورین محلی را ناامید و کدر نموده که تأدیه و ترضیهٔ این دعاوی را در سلك امور جاریهٔ پلتیکی یا حکومتی محسوب نمی‌دارند.

امضاء هیگ نایب سرهنگ

نمره ـ ۵۳

مکتوب سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ اکتبر)

طهران ۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹ [۱۱ مهر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب مکتوب ۴ شهر ماضی خودم با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که شکست کامل ارشدالدوله و منهزم شدن استعداد سالارالدوله بکلی پشت شورش و انقلاب را درهم شکسته.

شکست هر یك از آنها بطوری قطعی بوده که مخاطراتی که از طرف شرق و غرب پایتخت را تهدید می‌نمود بکلی مرتفع گردید.

در جنگ اولی قشون دولتی مرکب بود از ۱۰۰۰ نفر ارمنی و بختیاری رشید در تحت سرکردگی یپرم و خوانین بختیاری. سردار محتشم و سردار بهادر و امیر مجاهد و ضیغم‌السلطنه به معیت (هرهاز) صاحب‌منصب خارج از صف آلمانی که مدت مدیدی است در استخدام دولت ایران است در ۵ ماه گذشته شورشیان را که عدهٔ آنها ۲۰۰۰ نفر بود در امامزاده جعفر که یکی از دهات ورامین است مغلوب و متواری نموده و ارشدالدوله را دستگیر و بعد تیرباران نمودند و نتیجهٔ این جنگ و فتح مختصر

دیگری که قشون دولتی در تحت فرماندهی سردار محیی در سوادکوه نموده بودند این شد که سه روز بعد ترکمنهایی‌که قسمت عمدهٔ قشون ارشدالدوله از آنها مرکب بود مستقیماً به ولایت خودشان فرار نمودند.

هیجانی‌که برای شاه مخلوع در مازندران شده بود خاتمه پذیرفت. اعلیحضرت مزبور سوادکوه‌را ترك‌نموده در (قره‌تپه) به لتکا نشسته و فقط با ۷ نفر همراهان‌خود، خود را به گمیش‌تپه رسانید. خبر اخیری که از او شنیده شده از قرار راپورت تقریباً با ۴۰۰ نفر مخالفین ترکمان در حوالی استراباد بوده.

قشون سالارالدوله بعد از مغلوب نمودن امیر مفخم در ملایر تقریباً ششم ماه گذشته سلطان‌آباد را تصرف نمود و بختیاریها که در تحت سرکردگی سردار ظفر و سردار جنگ در آن شهر بودند به قم بازگشت نمودند.

سالارالدوله خودش از حوالی سلطان‌آباد گذشته با استعدادی مرکب از ۴۰۰۰ نفر[۱] به طرف نوبران حرکت نمود به قصد رفتن بـه طهران از راه ساوه یا زرنـد. از تلگرافات او به طهران همچو مستفاد می‌شد که او حالا برای خـودش شخصاً کـار می‌کند. عنوانی که در آن تلگرافات به خودش تعلق داده بود لفظ جمعی است که در ایران مختص به سلاطین است. همینکه معلوم شد او از راه زرند عازم است قشون دولتی مکمل و مسلح مرکب از ۱۲۰۰ نفر ارمنی و بختیاری در تحت فرماندهی یپرم و سردار محتشم و سردار بهادر به مقابلهٔ او حرکت کرد. در ۲۷ ماه گذشته بختیاریها هم در تحت حکم سردار ظفر و سردار جنگ هم ملحق به این قشون شده و در حوالی قریهٔ موسوم به باغشاه که در ۸ میلی ساوه واقع است با قشون مخالف مصادف شدند قشون دولتی جملتان بالغبر ۲۰۰۰ می‌شدند. قشون شورشیان مرکب بود از دسته‌جات طوایف مختلفه (کلهر و لر و غیره) که ۴۰۰۰ نفر می‌شدند در تحت سرکردگی داودخان رئیس کلهر و سایر رؤسای ایلات. نتیجهٔ جنگ متواری شدن قشون مخالف با ۵۰۰ نفر مقتول بود. تلفات از طرف دولتیان خیلی جزئی بود.

شورشیان مغلوب به‌طرف غرب فرار نمودند و سالار الدوله ظاهراً شرکت در جنگ نکرده بود و در نوبران منتظر نتیجه بود. از قرار مذکور حالا در حوالی همدان است و قشون دولتی سخت در تعاقب او هستند.

قشون طرفدار شاه مخلوع که تا حال مغلوب نشده مانده است دستهٔ شجاع‌الدوله در آذربایجان است. این قوه در اغلب مصادمات مختصره در حوالی تبریز ظفر یافته‌اند و باسمنج را که قریه‌ای‌است واقع در ۳۰ دقیقه مسافت به طرف شرقی تبریز تصرف نموده‌اند و حتی محلهٔ قره‌ملك را که به ۱۰ دقیقه مسافت طرف شرقی آن شهر واقع است اشغال نموده‌اند بجز راه (جلفا) که هنوز مفتوح است.

تبریز بکلی در محاصره است ولی در عرض دو هفتهٔ ماضی مخاصمه واقع نشده

---

۱) بموجب اطلاعی که بعد از تاریخ مزبور به دست آمده عدهٔ قشون سالارالدوله در این مخاصمه بالغبر ۲۰۰۰۰ نفر بوده.

است. ظاهراً شکست سالارالدوله متابعین شجاع‌الدوله را تخویف نموده چنانچه از تزلزل قشون او مذاکره است و بنا به اظهار قنسول انگلیس در تبریز اعتقادات بر این است که مقاومت او فقط به امید حصول بعضی شرایط برای خویش است.

جارج بارکلی

نمره ـ ۵۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ اکتبر)

طهران ۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ شوال ۱۳۲۹ [۱۱ مهر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار صورت خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران را تا این تاریخ لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

ضمیمه در نمرهٔ ۵۴

صورت وقایع ماهیانه از ۴ سپتامبر الی سوم اکتبر [۱۲شهریور تا ۱۰مهر ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان تا ۹ شوال ۱۳۲۹]

طهران

مجلس ـ در جلسهٔ ۱۷ و ۲۶ سپتامبر تجدید کنترات ۸ نفر بلژیکی مستخدم گمرك موضوع بحث بود و تصویب شد. مواجبهای آنها از قرار ذیل است:

	سال اول	سال دوم	سال سوم
رئیس گمرك انزلی	۱۷۰۰۰ فرانك	۱۸۰۰۰ فرانك	۱۹۰۰۰ فرانك
رئیس گمرك بوشهر	۱۷۰۰۰ فرانك	۱۸۰۰۰ فرانك	۱۹۰۰۰ فرانك
رئیس گمرك جلفا	۱۵۰۰۰ فرانك	۱۶۰۰۰ فرانك	۱۷۰۰۰ فرانك
نایب‌رئیس ارومیه	۹۰۰۰ فرانك	۹۵۰۰ فرانك	۱۰۰۰۰ فرانك
رئیس گمرك آستارا	۱۴۰۰۰ فرانك	۱۵۰۰۰ فرانك	۱۶۰۰۰ فرانك
رئیس گمرك بندرعباس	۱۳۰۰۰ فرانك	۱۴۰۰۰ فرانك	۱۵۰۰۰ فرانك
رئیس گمرك مشهدسر	۱۳۰۰۰ فرانك	۱۴۰۰۰ فرانك	۱۵۰۰۰ فرانك
مفتش گمرك آذربایجان	۹۰۰۰ فرانك	۹۵۰۰ فرانك	۱۰۰۰۰ فرانك

در جلسهٔ ۱۹ سپتامبر راپورت کمیسیون معارف راجع به تأسیس ۵ مدرسهٔ ابتدائی که پیشنهاد شده بود قرائت و تصویب شد. یك مدرسه برای طهران و سایر مدارس برای ولایات. برای مدرسهٔ طهران دولت باید سالی ۶۰۰ لیره کمك بنماید و برای هر یك از مدارس ولایات سالی ۴۸۰ لیره. نصف از متعلمین باید ماهیانه بدهند و نصف دیگر مجاناً تعلیم می‌شوند.

در همان جلسه وزیر داخله لایحه‌ای را برای استخدام ۷ نفر صاحب‌منصب سوئدی

دیگر تقدیم نمود:

یك سلطان و ۶ نایب‌سلطان برای ترتیب دوائر مهمات ژاندارمری و پلیس و نایبها برای تشکیل مدرسه و ترتیب‌ژاندارمری و ۲۸ هزار تومان اعتبار برای انجام این مقصد درخواست شده بود که بدون مباحثه تصویب شد.

تجدید کنترات مستر جارج نیو عضو ادارهٔ تلگرافی هند و اروپ بتوسط ادارهٔ تلگراف ایران (اقدامی که مستر شوستر جداً در آن تقویت دارد) بتازگی پیشنهاد مجلس شده‌بود. در ابتدایی‌که این مطلب پیشنهاد شده بود مجلس از قبول آن امتناع داشت ولی کنترات مستر نیو به مدت سه سال از قرار سالی ۸۰۰ لیره در سوم اکتبر تصویب شد.

در ۲۶ سپتامبر مجلس قانون انتخابات را برای تجدیدنظر به کابینه فرستاد.

سالی ۳۶۰۰ تومان وظیفه مادام‌الحیات به پیرم اعطاء شد.

روزنامجات ـ روزنامه‌ای که فقط در انتشار است روزنامهٔ مجلس است که مندرجات آن هم چندان جالب توجه و دقت نیست.

تبریز

در اوایل سپتامبر شجاع‌الدوله که برای منافع شاه مخلوع کار می‌کند به چند میلی شهر تبریز پیش نشست و اعلان نمود که اگر او را به سمت فرمانفرمایی از طرف محمدعلی نشناسند به شهر حمله خواهد نمود. از آن تاریخ به بعد شجاع‌الدوله شهر را محاصره نموده و فقط راه جلفا مفتوح است.

جنگ حقیقی جزئی بین استعداد مدافع شهر و قشون چریك شجاع‌الدوله واقع شده بملاحظهٔ واقعات در نقاط دیگر ایران شجاع‌الدوله ظاهراً مایل به صلح است.

گیلان و مازندران

نواحی گیلان آرام است و مازندران حالیه در تحت سلطهٔ حکومت مرکزی است. بسیاری از سرکردگان مازندرانی که به شاه مخلوع ملحق شده بودند دستگیر و اعزام به طهران شده‌اند.

امیر مکرم به اگنت قنسولگری روس در بارفروش ملتجی شده. هنوز در استراباد نفوذ و سلطهٔ ایرانی حقیقی وجود ندارد و فقط بواسطهٔ اقدامات قنسولگری روس نظم در آنجا مستقر است. تهاجمات و تعدیات عدیده به اتباع روس در آن ولایت وارد شده.

مشهد

ایالت خراسان در تحت کفیل حکومت آرام مانده است.

در ۲۷ سپتامبر تفویض ایالت آنجا به علاءالدوله اشتهار یافت ولی حالا اصرار به رفتن او به فارس در عوض آنجا نموده‌اند.

اصفهان

تمام طرق به اصفهان ناامن است و در اغلب آنها سرقتها واقع شده. چندین پست از طهران به اصفهان و از اصفهان به طهران به سرقت رفته. کاروانسراهای در راه اهواز غارت شده و اموال در طرق دیگر به سرقت رفته.

ناحیهٔ کاشان میدان تاخت و تاز و مجادلهٔ بختیاریها و متابعین نایب‌حسین شده. در ۲۲ سپتامبر نایب‌حسین به کاشان حمله نمود و بعد از دو روز مخاصمه با مدافعین بختیاری شهر را تصرف نمود.

قزاقهای روسی که به طهران می‌آمدند نایب‌حسین آنها را گرفته و اسب و سلاح و سایر ملزومات آنها را مأخوذ داشته بود ولی ظاهراً صلاح خود را در استرداد اموال مزبور و رهائی آنها دیده. یك دسته قزاق ایرانی درتحت‌سرکردگی ۲ نفر صاحب‌منصب روسی از طهران به مقابلهٔ نایب‌حسین فرستاده شد.

یـزد

اوضاع یزد ماتم‌انگیز است. از قرار معلوم هیچ مرکز قدرتی در آنجا نیست شهر و نواحی در تحت سلطهٔ الواط است.

از طرف دولت به والی جدیدکرمان‌امرشده که در عبور از یزد آنجا را منظم نماید ولی تا حال نتوانسته داخل شهر بشود.

بعضی از مأمورین دولت به تلگرافخانه ملتجی شده‌اند، هرج و مرج مطلق آن ناحیه را احاطه نموده.

سیستان

طرق اطراف سیستان به ناامنی باقی است. قاینات هنوز آرام است.

کرمان

امیر اعظم هنوز به مقر حکومت خود نرسیده. سردار نصرت موقتاً مشغول کار است. وضع طرق خصوصاً جادهٔ بندرعباس بسیار مغشوش است. سرقتهای متواتره واقع می‌شود و از این جهت سکتهٔ بزرگی به تجارت انگلیس وارد شده. شرح آن در تحت مشروحهٔ علیحده در ۲ شهر جاری اطلاع داده شد.

کرمانشاه

پس از حرکت سالارالدوله شهر تا حدی آرام بوده چونکه تمام اشخاص شریر به اتفاق قشون او حرکت کردند.

بموجب اطلاعات واصله کریم‌خان در قصرشیرین در حالت وحشت و اضطراب است چونکه در هر دو سرحد طرف خصومت است.

دو فقره وبا در قصرشیرین در ۱۶ سپتامبر بروز نموده.

همدان

بعد از شکست در ۲۷ سپتامبر سالارالدوله به طرف همدان عقب نشسته و قشون دولتی سخت در تعاقب او هستند. بموجب اخبار واصله او در اوایل اکتبر وارد همدان و مشغول تهیهٔ دفاع شده.

سیمهای تلگراف مقطوع شده و فقط وسیلهٔ مخابره با طهران خط تلفن روسها از راه قزوین است. خبر موثق عجالتاً به دست نمی‌آید.

نمره ـ ۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال [۱۳۲۹؛ ۳۰ مهر ۱۲۹۰]

شما دولت ایران را مطمئن بنمایید که اگر طرح نقشهٔ مؤثری برای استقرار تأمین و حفظ طرق بنمایند قشون دولت انگلیس فقط صرف محافظت قنسولگری و مال و جان اتباع انگلیس در شهر خواهد شد و قراسورانی جاده و مسافرت نخواهند نمود و منتظر اجرای نقشهٔ دولت ایران خواهند شد.

وقتی‌که نقشهٔ دولت ایران به‌کار افتاد و اثرات خود را بخشید قشون اضافه شده عودت داده خواهد شد.

قشون تا حال حرکت نموده و تقسیم آنها بین اصفهان و شیراز و بوشهر منوط به تعدیل شما است.

نمره ـ ۵۶

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرون [اوبرن]

وزارت خارجه ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ شوال [۱۳۲۹؛ ۳۰ مهر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۹ اکتبر شما:

من کنت بن‌کندرف را ملاقات کرده و مبالغه نمودم که من هیچ جهتی در لزوم اشغال شمال ایران فرض نمی‌توانم بنمایم. کنت بن‌کاندرف جواب‌داد که مسیو نراتوف از امکان احاطه‌یافتن مستر شوستر به تمام امورات ایران خیلی مشوش است. برای دولت روس امکان‌ناپذیر است که بگذارد دولتی که هیچ جزو حساب نبوده در ایران استیلاء حاصل نماید. کنت مزبور اطلاعی از بابت منظور بودن حرکت قشون نداشت.

در جواب این اظهارات من بیان نمودم که البته دولت روس اگر منافع خودرا مقرون به تضییع ببیند باید در حفظ آن اقدام بنماید ولی به نظر من دولت مشارالیها این مخاطره را بیش از اندازه تقریب نموده.

لطف نموده در موضوع فوق با مسیو نراتوف مذاکره بنمایید.

نمره ـ ۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ اکتبر۱)
طهران ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۳۱ مهر ۱۲۹۰]
در موضوع تلگراف دیروز شما من به دولت ایران اطلاع داده‌ام و به جنرال‌قنسول بوشهر اختیار دادم بهر زودی که ممکن بشود ۲۰۰ نفر از قشون را به شیراز و ۱۰۰ نفر به اصفهان اعزام دارد.

نمره ـ ۵۸

تلگراف مستر اپرن [= اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ اکتبر)
سن پطرزبورغ ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق سلخ رمضان [۱۳۲۹؛ ۳۰ مهر ۱۲۹۰]
(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۵ اکتبر در طی تلگراف ۲۴ مخابره شده).
آقا

من دیروز وزیر امور خارجهٔ موقتی را ملاقات نموده و در موضوع نظریات شما چنانچه در تلگراف مورخهٔ ۲۳ اکتبر خودتان اظهار شده بود در باب اقدامات احتمالی دولت روس در شمال ایران مذاکره نمودم. مسیو نراتوف اظهار داشت بهمان درجه‌ای که شما استقلال ایران را طالبید دولت روس هم طالب است ولی اعـزام یك دسته قشون سیار باعث اضمحلال آن نخواهد شد. اعزام قشون سابق روس به قزوین چنین اثری را ننمود و حضور قشون روس در تبریز برعکس نتیجه بخشید و بی‌شبهه شهر را از افتادن به دست حامیان شاه مخلوع نجات داد.

من خاطر آن جناب را متذکر نمودم که از اشغال با من مذاکره نموده بود و ایشان جواب دادند که لفظ اشغال در اینجا خیلی سخت است. لحن صحبت مسیو نراتوف در این موقع با صحبتی که در ۱۹ اکتبر با من نموده بود خیلی متفاوت بود. معلوم بود که نظریات شما را در باب اینکه مستر شوستر قادر بهیچ فعلی که مخالف میل دولت روس باشد نخواهد بود پسندیده است. و اظهار داشت مادامی که رویه از همین قرار باشد دولت روس هیچ اقدامی از قبیل آنچه در نظر بود نخواهد نمود. من در ترغیب آن جناب سعی نمودم صریح‌تر شرح بدهد ترتیباتی را که او برای اشکالات موجوده مرضی تصور می‌کند. چیست که تمام علل اقدامات جدی از طـرف دولت روس را مرتفع بنماید ولی ثمری نبخشید.

او تکرار نمود باید به مستر شوستر فهمانید که او بایستی به مشورت دولتین عمل بنماید.

هوك اپرن [= اوبرن]

---

۱) اصل: ۲۳ اکتبر. ـم.

نمره ـ ۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۳۱ مهر ۱۲۹۰]
ازدیاد مستحفظین قنسولگری

رجوع به تلگراف ۲۴ اکتبر شما:

دو اسکادران قشون در ۲۰ و ۲۱ اکتبر از بمبئی حرکت نموده. در صلاحیت اعزام سریع این دو دسته قشون به شیراز با کرنل [= کلنل] کاکس مذاکره نمایید. من با پیشنهاد نایب‌السلطنهٔ هند در باب عودت لوازم حمل و نقل این دو دسته به بمبئی برای حمل دو اسکادران دیگر موافقت نموده‌ام. بنابراین ۲ اسکادران‌دیگر تا ماه نوامبر وارد نخواهند شد.

نمره ـ ۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ اکتبر)
طهران ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعده [۱۳۲۹؛۱ آبان ۱۲۹۰]
ازدیاد مستحفظین قنسولگری

من از علاءالدوله تقاضا نموده‌ام که به خوانین مابین بوشهر و شیراز تعلیمات‌بدهد که حتی‌القوه در فراهم‌نمودن وسایل تسهیل عبور قشون ما سعی بنمایند. آن جناب هم بی‌مضایقه قبول نمود. علی‌الظاهر او مصمم شده است که به شیراز حرکت نموده و مأموریت خود را عهده نماید.

نمره ـ ۶۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ اکتبر)
طهران ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعدهٔ [۱۳۲۹؛۱ آبان ۱۲۹۰]
مرحمت فرموده به تلگراف ۱۶ شهر حال خودتان مراجعه نمایید.

گمان می‌کنم بتوانم ۲۵۵ لیره برای ختم دعوی مادموازل رس بعنوان حسن مساعدت دریافت بدارم. چنانچه محفوظ داشتن حق دریافت مبلغ مضاعفی بـه رسم خسارت مضروب شدن مشارالیها منظور بشود مطلب خیلی به تأخیر خواهد افتاد. اگر بتوانم ۲۵۵ لیره را دریافت بدارم اکیداً تصویب می‌نمایم که او هم قبول بکند آیا در صورت قبول او شما تصویب می‌نمایید؟

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ اکتبر)

طهران ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱ آبان ۱۲۹۰]

طرق جنوب ـ تجار انگلیسی مقیم شیراز میل مفرط در حمل اجناس به اصفهان و بوشهر دارند و برای این مقصود به قنسول موقتی انگلیس متوسل شده‌اند. راهها خیلی ناامن است و اولی آن‌است‌که قوافل منتظر ورود قشون انگلیس بشوند، اگر قشون مزبور بایستی با آنها همراه بشوند.

مذاکره‌ای که من دیروز با دولت ایران نمودم از قرار معلوم مانع از این اقدام است ولی مسلماً در عرض مدت متناسبی‌که به دولت ایران مهلت داده شده که ترتیب مؤثری برای وضع طرق اتخاذ نموده و بموقع اجراء بگذارند. بمجرد اینکه سوارها به شیراز برسند سپاهیهای مستحفظ سابق از آنجا حرکت‌کردنی خواهند بود چون مدت خدمت آنها در قنسولگری آنجا در آن‌وقت منقضی خواهد شد و بترتیب معمولی در موقع خود مسافرت به بوشهر خواهند نمود.

آیا گمان می‌کنید اگر موقع مغتنمی برای حمل مال‌التجاره به دست بیاید (که حقیقتاً مشکل است) و به اتفاق قشون انگلیس به بوشهر فرستاده بشود با مفاد مذاکرهٔ من با دولت ایران خیلی متضاد خواهد بود؟

نمره ـ ۶۳

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجه سر ادوارد گری وصول‌یادداشت مورخهٔ ۱۳ اکتبر میرزامهدی‌خان را در باب اوضاع جنوب ایران و تعلق گرفتن ادارهٔ دولت انگلیس به ازدیاد مستحفظین قنسولگری انگلیس در آنجا با کمال احترام اعلان می‌دارد.

سر ادوارد گری با کمال احترام در جواب بیان می‌نماید چنانچه سابقاً بـه میرزا مهدی‌خان شفاهاً اطلاع داده شده برای اعزام قشون مضاعف امر صادر شده است و موقع نسخ آن حکم گذشته است. استعداد مزبور در نقاط معینه در ایران برای حفظ قنسولگریهای انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس نصب خواهند شد.

دولت انگلیس هر نوع اقدام دولت ایران را در اعادهٔ تأمین و افتتاح طرق بـه روابط تجارت با صلح و سلم استقبال می‌نماید و همینکه این نتیجهٔ مطلوبه حاصل شد استعداد اضافه از ایران عودت داده خواهد شد.

سر ادوارد گری میرزا مهدی‌خان را متذکر می‌نماید که سابقاً در مواقع عدیده از طرف دولت ایران در باب استقرار نظم به دولت انگلیس اطمینانها داده شده و آن اطمینانها تا حال منتج به اثرات مطلوبه نگردیده. بنابراین دولت انگلیس در این موقع در قبول آنها نمی‌تواند خود را راضی بنماید چونکه نظر به عدم قدرت حکومت مرکزی یك بلوای واقعی در نواحی فارس و جاهای دیگر محیط است. ایـن بلوا در

شیراز بدرجه‌ای رسیده که جان و مال اتباع انگلیس را به مخاطرات قریبه تخویف نموده و احتمال وقوع آن مخاطرات هر آن می‌رود.

نامزد شدن علاءالدوله به فرمانفرمایی فارس و اصلاح بین صولت‌الدوله و قوام‌الملك که میرزا مهدی‌خان در یادداشت خود ذکر نموده ندرتاً اثراتی را که میرز ا مهدی‌خان پیش‌بینی می‌کند خواهد داشت.

دولت انگلیس اطلاعات جدیده حاصل نموده که یك خانم دکتر انگلیسی در حوالی آباده سخت زده شده و اموالش به سرقت رفته و در همان واقعه معادل ۱۴۰۰ لیره اجناس کمپانی دیکس [دیکسن] هم سرقت شده و در ۴ میلی شیراز غلام تلگراف را لخت نموده و آلات کار او را به سرقت بردند. غلام دیگری که به اتفاق سوارهای‌دولتی می‌رفته در ۸ میلی مسافت از شیراز طوایف آن نواحی محاصره‌اش‌نموده‌اند. پست از بوشهر سرقت شده. جاده از طرف جنوب شیراز بحدی خطرناك است که در واقع ترددناپذیر است درصورتی‌که راه شمالی شیراز در عرض یك ماهۀ ماضی بکلی مسدود بوده. صولت‌الدوله در تقویت حکومت مرکزی برای اعادۀ نظم چنانچه میرزا مهدی‌خان اظهار می‌دارد که تعهد نموده است ابداً قدمی برنداشته بلکه بنا به اطلاعاتی که دولت انگلیس کسب نموده علی‌الرؤس در صدد تجدید اغتشاش است. بعلاوه به دولت انگلیس اطلاع رسیده که ۳۰۰ نفر سرباز همدانی بتازگی در حوالی یزدخواست با یك دسته کهکلوئیها [کهگیلوئیه‌ای‌ها] طرف شده بعد از مجادلۀ سخت مغلوب شده‌اند و در ۱۳ اکتبر ۴ عدل قماش کمپانی ذیگلر در راه شیراز به بوشهر سرقت شده و در اوایل همان ماه در حوالی کمارج معادل ۴۰۰ لیره اجناس کمپانی ویر را به سرقت برده‌اند.

به این جهات دولت انگلیس نمی‌تواند اوضاع جنوب ایران را عموماً و شیراز را خصوصاً نوع دیگری بجز تهدیدکنندۀ جان و مال اتباع انگلیس فرض نماید و بر دولت انگلیس فرض و واجب است اقدامات وافیه‌ای که امروزه از قوۀ دولت ایران خارج است در حفظ اتباع خود بنمایند. بمحض اینکه تأمین آسایش در نواحی منقلبه مستقر گردید دولت انگلیس استعداد اضافی خودرا که‌حالا مجبوراً از هندوستان حرکت داده‌اند اعاده خواهند داد.

وزارت خارجه ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ [۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۲ ذی‌قعدۀ ۱۳۲۹]

نمره ـ ۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرن [اوبرن]

وزارت امور خارجه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۲ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۷ اکتبر شما:

به دولت روس اطلاع بدهید که ما از قصد خودمان در باب بندرعباس و کرمان و بم عجالتاً صرف‌نظر نمودیم و فقط ۴۰۰ نفر قشون برای تقسیم در بوشهر و شیراز

و اصفهان بنا به تعدیل سر جارج بارکلی با مشورت قنسولهای محلی می‌فرستیم. قسمت اول این قشون در ۲۶ اکتبر وارد بوشهر می‌شود و نصفهٔ دیگر در ماه نوامبر. و نیز اظهار بدارید که ما به دولت ایران اطلاع داده‌ایم که نظر به احتمال مخاطرهٔ جان و مال اتباع انگلیس در شیراز و سایر نقاط ما مجبور به اعزام این استعداد اضافی شدیم و ما هر نوع اقدام دولت ایران را در اعادهٔ نظم و افتتاح طرق برای تجارت به صلح و سلم استقبال می‌نماییم و همین‌که این نتایج حاصل شد قشون الحاقی از ایران عودت داده خواهد شد.

نمره ـ ۶۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرون [اوبرن]
وزارت امور خارجه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۱ [۲ آبان ۱۲۹۰؛ ۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۲۴ اکتبر شما:

من موافقت دارم که نباید گذارد در استقلال ایران علائم مخالف روابط حسنه نسبت به دولت انگلیس یا روس ظاهر بشود و این واضح است که نظر به ترتیب جغرافیائی هر دولتی از حفظ منافع دولت روس امتناع بنماید دولت مزبور آن را در طهران به اختیار خود نخواهد گذارد.

این مسئله را البته به اقتضای وقت به شوستر خاطرنشان خواهیم نمود و لازم به اظهار من نیست که اصرار من در قبول ننمودن استعفای ماژور استکس از استخدام دولت انگلیس و داخل خدمت دولت ایران شدنش، در واقع تصریح همین معنی بود. بجز اینکه پولی برای دولت ایران تهیه بشود به قسم دیگری طرق جنوب تأمین حاصل نخواهد نمود و همین قسم ترددناپذیر خواهد ماند و خسارت کلی به تجارت ما وارد خواهد آمد. لهذا لازم است بزودی مساعدت پولی با دولت ایران بشود.

بمحض فرصت‌یافتن باید در موضوع فوق با وزیر امورخارجهٔ موقتی مذاکره بنمایید.

نمره ـ ۶۶

تلگراف سر ادوارد گری‌به سر جارج بارکلی
وزارت امور خارجه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۲ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۵ اکتبر شما:

اگر خانم رس مبلغ غرامت را قبول بنماید من تصویب می‌نمایم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۶۷

مکتوب مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ اکتبر)
من پطرزبورغ ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱ آبان ۱۲۹۰]
آقا

رجوع به تلگراف ۷ شهر جاری خودم با کمال افتخار سواد مکتوب خصوصی که مسیو نراتوف در باب ازدیاد استعداد قنسولگری روس در رشت و اصفهان به من نوشته لفاً ارسال می‌دارم.

امضاء هوك اپرن [هیو اوبرن]

ضمیمهٔ نمرهٔ ۶۷

سواد مکتوب مسیو نراتوف به مستر اپرن

من پطرزبورغ ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۳۱ مهر ۱۲۹۰]
مستر اپرن عزیزم

در یادداشت مورخهٔ ۶ اکتبر خودم به شما اطلاع دادم که ممکن‌است دولت‌اعلیحضرت امپراطوری نظر به اوضاع ناگوار ایـران مجبور به ازدیـاد مستحفظین بعضی از قنسولگریهای خود در آن مملکت بگردد. پیش‌بینی من تأیید شده و رأی قطعی بـه افزودن ۱۵۰ نفر به مستحفظین قنسولگری اصفهان و ۱۰۰ نفر به قنسولگری رشت علاقه گرفته و این عده قشون بهمین زودی گسیل خواهد شد.

مخلص شما را نراتوف

نمره ـ ۶۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ اکتبر)
طهران ۲۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۴ آبان ۱۲۹۰]

با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که خزانه‌دار کل مستر هیکاك و مستر شیندلر اتباع انگلیس را به نمایندگی خود در اصفهان و شیراز تعیین نموده محتمل است تعیین مستر هیکاك تولید مخالفتی از طرف دولت روس بنماید. چـون جنرال قنسول انگلیس از اصفهان خبر می‌دهد که همکار روسی خودش علناً اظهار تعجب از تعیین تبعهٔ انگلیس در منطقهٔ روس نموده.

از قرار مفهوم مستر هیکاك که زن ارمنی نکاح نموده از سنهٔ ۱۸۹۷ در اصفهان دارای مشغله بوده است. من دلیلی در اعتقاد به ضد روس بودن او نـدارم. مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] کاملا مستحضر است که این تعیین بکلی بدون اطلاع من بوده و من نمی‌توانستم یك شخص معینی را از قبول شغلی که بتوسط خزانه‌دار کل به او تفویض شده منع بنمایم.

نمره ـ ۶۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ اکتبر)
طهران ۲۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۴ مهر ۱۲۹۰]

ازدیاد قشون ـ من پیشنهاد می‌نمایم به نایب ویلسن اجازه داده بشود که برای معیت با دستهٔ قشونی که عازم جنرال قنسولگری اصفهان هستند در شیراز توقف بنماید. قشون در مسافرت به اصفهان بواسطهٔ بصیرت او از ترتیب ایران خیلی منتفع خواهد شد. توقف او چندان طولانی نخواهد شد چون یکی از دسته‌جات قشون که حالا وارد بوشهر شده‌اند به اصفهان خواهند رفت.

نمره ـ ۷۰

تلگراف گرهم قنسول جنرال به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ اکتبر)
اصفهان ۲۸ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۴ آبان ۱۲۹۰]

خانم رس در ۲۷ اکتبر به اتفاق مستحفظ حکومت محلی از آباده به شیراز حرکت کرد.

نمره ـ ۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ اکتبر)
طهران ۲۹ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۵ آبان ۱۲۹۰]

شاه مخلوع ـ از اطلاعات واصله به همکار روسی من همچو مستفاد می‌شود که محمدعلی‌میرزا هنوز این اندازه متابعین دارد که باز اسباب زحمت دولت ایران بشود. دو سه فقره مجادله بین قشون اعلیحضرت مزبور و قشون دولتی بتازگی در بندرجز [= بندرگز] واقعه در کنار بحر خزر واقع شده. از قراری‌که‌خبرمی‌دهند در یکی از جنگهای اخیره قشون دولتی که مرکب از ۱۵۰۰ نفر بوده مغلوب شده.

نمره ـ ۷۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ اکتبر)
طهران مورخهٔ ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۶ آبان ۱۲۹۰]

ازدیاد استعداد قنسولگریهای روس ـ مرحمت فرموده به تلگراف ۷ شهر جاری از سن پطرزبورغ مراجعه نمایید.

وزیرمختار روس به من اطلاع می‌دهد ۱۰۰ نفر قشون روسی در انزلی پیاده شده که به مستحفظین قنسولگری روس در رشت ملحق بشوند و گمان می‌کنم انتظار ۲۰۰ نفر دیگر را هم برای اضافه شدن به مستحفظین قنسولگری اصفهان دارد.

وزیرمختار روس شرح اعلان ۲۴ من به دولت ایران را قرائت نمود و از دولت متبوعهٔ خود در باب اعلان نمودن خودش به دولت ایران کسب تکلیف نموده.

نمره ـ ۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ اکتبر)
طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۷ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
خانم رس تلگراف کرده که مجدداً به تهاجم اشرار دچار شده. مستحفظین او بمحض رؤیت اشرار که ۴۰۰ نفر می‌شدند فرار نموده لباسی که پوشیده بود با وجه نقدی که داشته سرقت نموده‌اند و چندین گلوله از نزدیك او عبور نموده. او از آباده که ظاهراً مجبور به مراجعت به آنجا شده تلگراف نموده است.

نمره ـ ۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت امور خارجه ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۲۵ اکتبر شما:
سوار برای همراهی قوافل نباید بگمارید. البته به قنسولهای خودمان دستورالعمل داده‌اید که قشون وارد شده برای اشتغال در این امر نیست.

نمره ـ ۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۱ اکتبر)
طهران ۳۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۷ آبان ۱۲۹۰]
پیاده شدن دستهٔ اول سوار از کشتی بدون عیب و نقص انجام پذیرفت.

نمره ـ ۷۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ نوامبر)
طهران ۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۹ آبان ۱۲۹۰]
در ضبط اموال برادرهای شاه مخلوع بواسطهٔ سهیم شدن آنها در شورش جنرال قنسول دولت روس به قوهٔ جبریه مداخله نموده شرح واقعه به تاریخ ۹ و ۱۰ اکتبر مختصراً از طهران به جریدهٔ **تایمز** اطلاع داده شده از این قرار:
۱) طهران ۹ اکتبر مطابق ۱۵ شوال [۱۳۲۹؛ ۱۶ مهر ۱۲۹۰]
بموجب امر کابینه امروز خزانه‌دار کل یك نفر صاحب‌منصب و ۵ نفر ژاندارم

خزانه فرستاد که ثبت اموال در طهران شعاع‌السلطنه را که ضبط دولت شده است بردارند ۲ نفر از اجزای ژنرال‌قنسولگری به لباس رسمی با ۱۰ نفر قزاق روسی مأمورین را به زدن گلوله تخویف نموده و امر به رجعت نمودند، آنها هم عودت نمودند.

این واقعه تا حال غیرمکشوف مانده چون شعاع‌السلطنه دعوی درحمایت عثمانی‌بودن را دارد نه روس. مسئله حالیه رجوع به وزیرمختار روس شده.

۲) طهران ۱۰ اکتبر [۱۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۱۶ شوال ۱۳۲۹]

واقعهٔ دیگری دیروز در باب ضبط اموال مختلفهٔ شعاع‌السلطنه رخ نمود: قزاقان روسی با یك نفر صاحب‌منصب جنرال‌قنسولگری در سر اموال حاضر بودند. آنها ۵ نفر ژاندارم خزانه و یك نفر صاحب‌منصب را که برای نوشتن صورت اموال فرستاده شده بودند دستگیر نموده و آنها را سوار قاطر نموده به قنسولگری روس فرستادند.

امروز یك عدهٔ کثیری ژاندارم خزانه به منزل شعاع‌السلطنه رفتند و در آنجا فقط یك عدهٔ قلیلی قزاق ایرانی دیدند آنها را خارج نموده و آنجا را تصرف نمودند. از قرار مذکور حالا قزاق روسی از تمام مایملك برداشته شده. تمام این پیش‌آمدها بواسطهٔ سبقت‌جستن مسیو اپختانوف جنرال‌قنسول روس بوده.

وزیرمختار روس مسئله را اصلاح نموده و ظاهراً واقعه خاتمه پذیرفته بجز اینکه دولت ایران از این اقدام جنرال‌قنسول پرتست نموده.

از ملاحظهٔ تلگرافات مزبور درك خواهید نمود که اقدام جنرال قنسول روس ضدیت در ضبط اموال شعاع‌السلطنه که تبعهٔ روس نیست بوده.

امروز وزیرمختار روس برحسب امر از سن‌پطرزبورغ دعوی برداشته‌شدن ژاندارم شوستر را (که متصرف اموالند) ازاموال شعاع‌السلطنه نموده. این اموال نزد بانك روس گرو بوده و یکی از آنها در اجارهٔ تبعهٔ روس بوده. وزیرمختار روس تمام ترتیبات را در باب حقوق دولت روس با دولت ایران داده بود ولی دولت روس بنای دعوی خود را بر این قرار می‌دهد که بدون اعلان قبل از وقت به جنرال‌قنسولگری روس ژاندارم شوستر برای تصرف اموال مزبور فرستاده شده است.

مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] نیز مأمور است که مطالبهٔ ترضیهٔ رسمی برای واقعه‌ای که در ۱۰ اکتبر در موضوع اموال مذکوره رخ نموده بنماید به این معنی که از قرار مذکور ژاندارمهایی که متصرف اموال بوده‌اند در موقع عبور دو نفر اجزای جنرال قنسولگری تفنگهای خود را به طرف آنها قراول رفته‌اند و بهمچنین به مسکن جنرال‌قنسولگری که مجاور به مایملك مزبور است. طرف بحث این واقعه صاحب‌منصب فرماندهٔ ژاندارم است.

وزیر امور خارجهٔ ایران به وزیرمختار روس پیشنهاد نموده که بعد از تحقیق طرفین در اظهارات صاحب‌منصب قنسولگری اگر روایت او مقرون به صحت شد در جبران آن حاضر خواهند بود ولی دولت روس این پیشنهاد را رد نموده و دعوی ترضیه می‌نماید.

نمره ـ ۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ نوامبر)
طهران ۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۹ آبان ۱۲۹۰]
مستر لکفر که تبعهٔ انگلیس و از هواخواهان جدی حزب ملتی ایران است از طرف شوستر به ریاست مالیهٔ تبریز منصوب گردیده. در عرض دوسالهٔاخیر لکفر در استخدام دولت ایران بوده ولی قبل از آن در استخدام بانك شاهنشاهی بوده است.

نمره ـ ۷۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱۰ آبان ۱۲۹۰]
آقا

امروز عصر وزیرمختار ایران به اینجا آمده و از قنسول روس مقیم استراباد در باب تحریك و تقویت او از شاه مخلوع و بودن عده‌ای از ترکمانهای روس در جزو همراهان شاه مخلوع شکایت نمود او نیز شکایت نمود که شاه مخلوع دستورالعمل حمل اسلحه و آلات ناریه از فرانسه و آلمان داده است و این محمولات از خـاك روسیه خواهند گذشت.

در باب شکایت اولی دولت روس انکار نمود که مأمورین آنها بهیچ‌وجه محرك شاه مخلوع نبوده‌اند. در موضوع دوم تعهد نموده‌اند که به ادارات گمرك خـودشان قدغن نمایند که از عبور اسلحه ممانعت نمایند اگرچه آنها نمی‌توانند ضمانت بنمایند که آلات مزبوره از گمرك گریزانده نشود.

سر نیکلسن از وزیرمختار مزبور پرسید که چه از ما می‌خواهد بکنیم ما مداخله در این مسئله نمی‌توانیم بکنیم و نمی‌توانیم هم برویم به دولت روس بگوییم‌که هرچه آنها می‌گویند ما اعتماد نمی‌نماییم و راپورتی که به دولت ایران رسیده همه را معتبر می‌دانیم. وزیرمختار اظهارداشت که ترکمانهای روسیه با شاه مخلوع هستند.

سر نیکلسن اظهار اسف نمود از اینکه چیزی‌که اسباب تسلیت مشارالیه باشد نمی‌تواند بگوید و دولت انگلیس هم هیچ مدرکی برای مداخله در موضوع مزبور ندارد.

ای. گری

نمره ـ ۷۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت امور خارجه ۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰]
شاه مخلوع ـ وزیرمختار ایران شاکی است که کشتی جنگی روس در طرف غربی

استراباد قشون پیاده نموده و با ترکمانهایی که از جانب شاه مخلوع جنگ می‌نموده‌اند معیت کرده‌اند. در صحت این خبر اطمینان حاصل نمایید.

نمره ـ ۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ نوامبر)
طهران ۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۲ آبان ۱۲۹۰]

دعوی تقویت روس به شاه مخلوع

خبری در اینجا اشتهار یافت که قشون روس به خشکی پیاده شده و در مجادله‌ای که در تلگراف ۲۹ اکتبر خودم اطلاع دادم شرکت نموده‌اند.

اظهاری که از طرف وزیرمختار ایران به شما شده (بموجب تلگراف دیروز شما) یحتمل روایتی از این اشتهار است.

تصدیق این خبر به من نرسیده منشاء اخبارات موثقهٔ من در نواحی استراباد وزیرمختار روس است که اظهار می‌نماید این روایت بی‌اصل است.

معدودی سرباز بعد از انقضاء مجادله بجهت اینکه علائم غارت از ترکمنها ظاهر شده بود در بندر جز [= بندرگز] پیاده شده‌اند. مرکز قشون بحری در «آسورد» مساعدت طبی به مجروحین نموده بعضی از مجروحین قشون دولتی برای معالجه به مریضخانه برده شده و هنوز هم آنجا هستند.

یك عده از قشون دولتی هنوز در نایب قنسولگری روس در بندر جز پناهنده هستند چون بعد از جنگ عدهٔ کثیری در آنجا متحصن شدند.

نمره ـ ۸۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ نوامبر)
طهران ۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱۲ آبان ۱۲۹۰]

اموال ضبطی و واقعهٔ روس و ایران

هنوز علائمی از تمکین دولت ایران به تقاضاهای وزیرمختار روس چنانچه در تلگراف دوم نوامبر خودم اطلاع دادم ظاهر نیست.

پیغامی از طرف وزیر امور خارجه امروز صبح به من رسیده و تأکید نموده که وزیرمختار روس را به ملایمت ترغیب بنمایم.

من جواب دادم خوب است دولت ایران با تقاضاهای آنها موافقت بنماید و اظهار داشتم که وزیرمختار روس نمی‌تواند دستوری [را] که دولت متبوعهٔ او بعد از مداقهٔ عمیقه به او داده است تغییر بدهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت امور خارجه ۶ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲ نوامبر شما ـ در باب انتخاب مستر لکفر.

مسلماً دولت روس از این انتخاب رنجش حاصل خواهد نمود و محل شبهه نیست که برای مدافعه از منافع خودش بوسیلهٔ اقدامات جدی تعقیب خواهد نمود و حتی ممکن است به اشغال شمال ایران هم منجر بشود.

شما باید به شوستر نصیحت مؤکد بکنید که حتی‌المقدور با سفارت روس ملاطفت بنماید و او را از سوء نتیجهٔ این اقدامات متضاد متواتره که از طرف او بروز می‌نماید مسبوق بنمایید. شما باید بالصراحة به مستر شوستر بفهمانید که دولت روس تسلط این را دارد وسایلی به‌کار ببرد که اثرات وخیمه‌ای در پیشرفت مقاصد مشارالیه بنماید که دفع آن برای او غیرممکن باشد. باید او را ملتفت بنمایید که اگر تمام ادارات در منطقهٔ روس را اتباع انگلیس احاطه بنمایند یقیناً دولت روس اقدامات در حفظ منافع خود خواهد نمود و دولت انگلیس هم نمی‌تواند جلوگیری از این نوع اقدامات دولت مزبور بنماید چونکه مخالف مفاد معاهدهٔ ۱۹۰۷ است.

دولت انگلیس ملتزم است هر نوع اختلالی را که بتوسط انگلیسان در نفوذ دولت روس در شمال ایران واقع بشود مرتفع بدارد و بر خاطر دولت روس تأثیر نموده که بواسطهٔ رویه‌ای که مستر شوستر در اداره‌نمودن امور تعقیب نموده این اختلال به عرصهٔ ظهور خواهد رسید.

نمره ـ ۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ نوامبر)

طهران ۶ نوامبر ۱۹۱۱ـ ۱۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آبان ۱۲۹۰]

واقعهٔ بین روس و ایران در باب مایملك شعاع‌السلطنه

جواب دولت ایران در مقابل تقاضای دولت روس به لحن محترمانه و ملایمی است ولی رسماً تقاضا را رد می‌نماید. شرح مراسله از این قرار است که این تقاضا با مقام دولت ایران و روابط وداد مستقره بین ایران و روس مخالف است.

دولت ایران به بی‌تقصیری خود متمسك است و اظهار می‌دارد که اگر در این قضیه محاکمه بشود دولت روس تصدیق خواهد نمود که حق بجانب او نیست. دولت ایران برای توضیح تمام واقعه حسن طلب می‌نمایند و برای تحقیق مسئله حاضرند چون دولت روس بعد از تدقیق عمیقانه تقاضای خود را پیشنهاد نموده گمان نمی‌رود آن را مسترد بدارد.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱۸۵

تلگراف مستر اوپرون [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۶ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۶ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱۳ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۷ نوامبر در ۶ نوامبر مخابره شده.
آقا

وزیر امور خارجهٔ موقتی روس دیروز به من اظهار داشت که اخبار متواتره از ایران در باب اعمال غیرمرضیه بـه او رسیده کـه آتیهٔ بسیار وخیمی را اعراز؟ [احراز؟] می‌نماید و اگرالتیامی حاصل ننماید حقیقتاً بر دولت روس فرض است که یك فعالیتی بنماید.

آن جناب مخصوصاً به دو فقره مشاجره‌ای که بین دولت روس و ایران واقع شده رجوع نمود که یکی بعضی انتخاباتی است که شوستر نموده و دیگری واقعهٔ بین قزاقان ایرانی و ژاندارمه شوستر است که جنرال قنسول روس هم دخیل بوده. وقعهٔ ثانی این مسائل در اخبار تلگرافی طهران مندرج است.

مطابق شرح خیلی مختصری که مسیو نراتوف برای من بیان نمود دولت ایـران (که برای اعمال او آن جناب تصور می‌کند مستر شوستر مسئول است) می‌خواستند اموال بعضی از متعلقان شاه مخلوع را ضبط نمایند که منافع بانك روس هم در آن اموال مدخلیت داشته، دولت روس مخالفتی در ضبط اموال نداشته ولی در حفظ منافع بانك خودش ناگزیر بوده جنرال‌قنسول روس قزاق برای حفظ اموال گذارده بود و پاره‌ای مشاجرات بین قزاقان و ژاندارمه‌های شوستر واقع شده بود.

در این باب دولت ایران بحدی سبقت جسته بود که تقاضای انفصال جنرال قنسول روس و بعضی از اجزاء جزء قنسولگری را که در این موضوع دخیل بودند نموده بود. وزیرمختار روس بداهتاً یادداشت دولت ایران را عودت داده بود و بعضی مذاکرات ناملایم مابین مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] و وزیر امور خارجهٔ ایران رد و بدل شده بود.

عجالتاً همه‌چیز بسته به اقدامات من‌بعد دولت ایران است اگر در سبکی که ایجاد مسئله را نموده بودند مصر بشوند مطلب بسیار وخیم خواهد شد و نمی‌دانم چه اقدامی دولت روس باید بنماید.

روابط بین دولتین از قراری‌که من استنباط می‌نمایم اختلال کلی حاصل نموده.

در مسئلهٔ تعیینات مسیو نراتوف اظهار داشت مستر شوستر سه نمایندهٔ خزانه برای شیراز و اصفهان و تبریز نامزد نموده است که همه بکلی انگلیسی هستند. دولت روس در تعیین دو فقرهٔ اولی هیچ مخالفتی ندارد (و در اصفهان این دو انتخاب حسن‌برخورد یافته) ولی شخصی‌که برای تبریز نامزد شده یك مستر لکفر نامی است

---

۱) چنین است در اصل و نمرهٔ ۸٤ ندارد. ــ م.
۲) چنین است در اصل. ــم.

که نزد دولت روس از جملهٔ معاندین مشهور روس معروف است و این انتخاب را نمی‌توان تحمل نمود.

من اظهار نمودم خاطر آن جناب مطمئن باشد که انتخاب مذکور بدون استحضار سر جارج بارکلی بوده و مسیو نراتوف بی‌تأمل قبول نمود. ازبابت خللی‌که در روابط روس و ایران واقع شده من اظهار نمودم خیلی مورث اسف است که افعال یك نفر آمریکی دولت روس را ناچار به پاره‌ای اقدامات در شمال ایران بنماید که درصورت دیگر بهیچوجه درصدد تعقیب آن اقدامات برنمی‌آمد.

مقصود آن جناب این بود که از مستر شوستر در اقدام به اعمال منفورهٔ دولت روس جلوگیری بشود.

بعقیدهٔ شخص من این‌طور می‌نمود که نماینده‌های دولتین در طهران (اگر به آنها در این موضوع تعلیمات داده بشود) بوسایل ممکنه توضیح بنمایند که یا مسترشوستر باید از این رویه اعمال دست‌بردارد یا اخراج بشود. مسیو نراتوف مدتی در این موضوع مذاکره نمود ولی گمان نمی‌کرد که در این موقع اقدام نمایندگان دولتین اثری در این مسئله بنماید و اظهار نمود راست است که دولت ایران بالشخصه اینقدرها از مستر شوستر راضی نیست ولی او حامیان قدرتمند در مجلس دارد. بعلاوه کنترات او با دولت ایران است که آن جناب تصور می‌نمود ابطال آن قبل از انقضاء مدت آن مشکل است.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۷ نوامبر)

طهران ۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۴ آبان ۱۲۹۰]

خانم رس

فرمانفرمای فارس به نایب‌الحکومهٔ شیراز دستورالعمل داده است که ۱۰۰ نفر سوار بفرستد خانم رس را از آباده که او حالا در آنجا معطل است تا شیراز مشایعت بنمایند. من مرددم که آیا نایب‌الحکومه قادر به تهیهٔ این اندازه مستحفظ خواهد بود یا خیر.

عقیدهٔ قنسول انگلیس مقیم شیراز این است که توقف اجباری خانم رس در آباده محتمل است باعث علت مزاج او بشود. و نیز اطلاع می‌دهد که خانم مزبور نهایت اشتیاق را به رسیدن به شیراز دارد و قنسول معظم‌الیه [= معظم‌له] درخواست می‌نماید به او اجازه داده شود که یك عدهٔ متناسبی سوار هندی (البته با موافقت فرماندهٔ آنها) پس از ورود به شیراز فرستاده بشود که مشارالیها را به اتفاق خود به شیراز بیاورند. مستر ناکس تصور نمی‌کند که حکومت محلی بهیچوجه مخالفتی در این باب بنماید. مخالفت عمده این است که اگر ما در مورد خانم رس از مستحفظین

قنسولگری به‌کار ببریم یحتمل مجبور خواهیم شد که در موارد دیگر هم به‌کار ببریم ولی اگر یك عدهٔ کافی مستحفظ ایرانی به‌دست نیاید یگانه طریق به سلامت رساندن آن خانم به شیراز همین است.

مستر ناکس اظهار می‌دارد مسئلهٔ خانم رس جالب توجه اشرار شده و تردیدی نیست که اقدامات ما در این باب اشتهار محلی خواهد یافت و باعث عطف نظر آنان خواهد شد.

رجوع به تلگراف ۲۶ اکتبر شما خانم رس مبلغ غرامت را به ترتیب مقطوعهٔ سابق‌الذکر قبول نموده و من هم به رسم ختم عمل کلیهٔ غرامت در مقابل سرقت اولیه قبول نمودم مشروط بر اینکه دولت ایران فـوراً بپردازد. اکنون درصدد پیشنهاد نمودن دعوی دیگر برای سرقت ثانوی هستم و در مبلغی که باید مطالبه شود مشغول تدقیق هستم.

نمره ـ ۸۷

تلگراف مستر اوپرون [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۷ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۱۴ آبان ۱۲۹۰]

امروز مفاد تعلیماتی را که در ۶ نوامبر به سر جارج بارکلی داده‌اید به مسیو نراتوف تبلیغ نمودم. مسیو نراتوف بعد از اظهار تشکر از اقدام شما گفت به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] دستورالعمل داده است که در پرتست به ضد تعیین مستر لکفر برای مالیهٔ تبریز معیت سر جارج بارکلی را اتخاذ بنماید.

نمره ـ ۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۸ نوامبر)

طهران ۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آبان ۱۲۹۰]

واقعهٔ بین روس و ایران در موضوع اموال شعاع‌السلطنه

مرحمت فرموده به تلگراف مورخهٔ ۶ نوامبر از سن پطرزبورغ و تلگراف همان تاریخ من مراجعه بنمایید.

وزیرمختار روس در جواب مراسلهٔ دولت ایران برای تقاضای انفصال جنرال قنسول روس آنچه مقتضی بود نوشته است. جوابی که دولت ایران در مقابل آن داده بود فقط اظهار اسف بود از اینکه چرا بایستی آن مراسله عودت داده بشود، اگر اظهارات دولت ایران در مقابل عودت یادداشت همین بوده که نوشته بودند، پس می‌توان مسئله را خاتمه پذیرفته فرض کرد.

اشکال عمده مطالبهٔ ترضیه و برداشته‌شدن ژاندارم از اموال مزبور است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۹

مخابرهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۸ نوامبر)
طهران ۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیقعده [۱۳۲۹؛ ۳۱ مهر ۱۲۹۰]
تعیین خزانه‌دار انگلیسی در تبریز

بر طبق تعلیمات مندرجه در تلگراف ۶ شهر حال شما من امروز عصر با مستر شوستر مذاکره نمودم. او اظهار داشت که نهایت اشتیاق را به ملاطفت با سفارت روس دارد و همیشه منظورش همین بوده ولی نمی‌تواند بر خود هموار کند که بگذارد تمام پیشرفت در اصلاحات ایران لغو بشود و نیز عقیدهٔ او این بود که در محضر دولت انگلیس مشهود است که غرض دولت روس همین است. چنانچه در مکتوب علنی خودش که برای طبع نوشته از این بابت و از بابت موانع موجوده در ایران اشاره نموده است.

مشارالیه اظهار داشت که مالیات آذربایجان به وضع ناهنجاری است چنانچه بجای وارد شدن عایدات از آنجا به مرکز، حکومت مرکزی مجبور است وجوهات به آنجا بفرستد. لکفر در عایدات آذربایجان بصیرت کامل دارد و انتخاب او برای آذربایجان ۴ ماه قبل شده و مصمم است که حتماً او را به محل مأموریتش بفرستد و در موقع انتخاب لکفر هیچ استحضاری از ضد روس بودن او نداشته و بالاخره او مجبور است آلات کار خود را از بین عدهٔ خیلی قلیلی که به او تفویض شده انتخاب بنماید.

من تأکید بلیغ در احتمال وقوع مخاطره برای دولت ایران از ضدیت او با روس نمودم و سؤال نمودم به نظر او دولت ایران در مقابل پرتست روس چه روشی اتخاذ خواهد نمود. مشارالیه جواب داد به نظر من «دولت ایران مثل مقصری که منتظر بشود تا شخص قوی‌تری او را بدار بیاویزد تأمل خواهند نمود» چنانچه در موضوع دعوی مندرجه در تلگراف ۶ شهر حال من همین تأمل را دارند.

نمره ـ ۹۰

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۸ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آبان ۱۲۹۰]

وزیر امور خارجهٔ موقتی به من اطلاع می‌دهد که یك فوج مکمل (باتالیان) به تبریز اعزام شده. این فوج بجای آنکه حالا در آنجا است و بواسطهٔ عزیمت افرادی که مدت خدمتشان منقضی شده عدهٔ آن فوج خیلی قلیل شده برقرار خواهد شد و این تبدیل هیچ تغییری در ترتیب آنجا نمی‌دهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت امور خارجه ۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آبان ۱۲۹۰]
آقا

وزیرمختار ایران امروز از سر نیکلسن سؤال نمود که آیا در باب اشکالاتی که دولت روس در موضوع شعاع‌السلطنه پیش آورده تقویتی به دولت متبوعهٔ او خواهیم نمود یا خیر؟ سر نیکلسن جواب داد که ما از این مسئله مسبوقیم و برای دولت انگلیس خیلی مشکل است که در باب اختلافی‌که مابین دولتین روس و ایران حادث است مداخله بنماید. او گفت سر جارج بارکلی کاملا از این قضیه مسبوق است و با وزیرمختار روس هم کمال خصوصیت را دارد. بنظر او ختم این نوع مسائل در محل خود بهتر است.

ای. گری

نمره ـ ۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ نوامبر)
طهران ۱۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۷ آبان ۱۲۹۰]
شرح ذیل مورخهٔ ۹ نوامبر از شیراز رسیده:

دیشب سرخه‌ئی‌ها به کاروانسرای چنار راهدار که در هشت میلی طرف غربی شیراز واقع است و آذوقه برای قشون در آنجا ذخیره شده و سه نفر سپاهی انگلیس به محافظت آن گماشته شده حمله برده‌اند و تفنگچیهای محلی بعد از زخمی‌نمودن یك نفر از آنها و مقتول نمودن یك اسب آنها را عقب نشانده‌اند. سپاهیان که در مجادله شرکت ننموده بودند درخواست ازدیاد استعداد نموده‌اند چون منتظر تجدید حمله هستند. من گمان نمی‌کنم ازدیاد استعداد آنها از قشون انگلیس پسندیده باشد و شرح واقعه را به حکومت محلی اطلاع داده و ترتیب یك عده مستحفظ ایرانی دیگر برای آنجا داده شده. من اقدام قنسول مزبور را تصویب نموده‌ام.

نمره ـ ۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ اکتبر)
طهران دهم نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۷ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۸ شهر حال من:

دولت روس به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیمات داده است که فردا به دولت ایران اخطار بنماید که اگر در ظرف چهل و هشت ساعت با تقاضاهای روس موافقت ننمایند تمام روابط با کابینه مقطوع خواهد بود و نیز به آنها اخطار بنماید که در

صورت تمکین ننمودن دولت ایران و قطع روابط دولت روس هر نوع اقدامی را که برای حفظ منافع خودش لازم بداند خواهد نمود.

نمره ـ ۹۴

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ اکتبر)
سن پطرزبورغ ۱۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۷ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۱ در ۱۰ نوامبر مخابره شده:
آقا

دیروز من به ملاقات وزیر امور خارجهٔ موقتی رفتم که کسب اطلاعی در باب واقعهٔ اخیره بین روس و ایران بنمایم. در ملاقات ۶ شهر حال که در تلگراف همان تاریخ خودم اطلاع داده بودم مسیو نراتوف هیچ ذکری از تقاضای ترضیه نمودن وزیرمختار روس برای توهین اجزای قنسولگری روس ننموده بود و دیروز از مندرجات تلگراف اخیر سر جارج بارکلی در این موضوع هنوز مستحضر نبودم. من فقط در اخبار تلگرافی ملاحظه نموده بودم که اختلاف بین دولتین اهمیت حاصل نموده.

اکنون مسیو نراتوف به من اطلاع می‌دهد که وزیرمختار روس مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] سه فقره تقاضای ذیل را شفاهاً از دولت ایران نموده:

دولت ایران در اعادهٔ مراسلهٔ خودشان که در باب تقاضای انفصال جنرالقنسول روس نوشته بودند رضایت داشته باشند و وزیر امور خارجهٔ ایران باید از توهینی که ژاندارمهای ایرانی به صاحب‌منصب قنسولگری روس وارد نموده بودند اظهار تأسف بنماید و اخیراً ژاندارمها از منزل شعاع‌السلطنه (که موضوع بحث بوده) برداشته بشوند و قزاق ایرانی بجای آنها گماشته بشود.

ظاهراً دولت ایران شق اول را که اعادهٔ مراسلهٔ خودشان بوده قبول نموده‌اند اگرچه اظهار داشته بودند که از عمل مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] در اعادهٔ آن متأسفند ولی دو فقره دعوی دیگر را رد نموده اظهار داشته‌بودند که بدایتاً باید طرفین رسیدگی متفقی در این باب بنمایند.

در باب توهین مسیو نراتوف توضیح نمود که دولت روس متشکی است‌که ژاندارمها تفنگ خودشان را به طرف دو نفر صاحب‌منصب قنسولگری روس که از جلو منزل شعاع‌السلطنه عبور می‌کرده‌اند نشانه نموده‌اند. این واقعه را دو نفر از اجزاء و یك نفر صاحب‌منصب روسی که حاضر بوده روایت کرده‌اند فقط شهود دیگری که بتوان اقامه نمود خود ژاندارمها هستند لهذا بیانات اجزاء قنسولگری در این باب باید پذیرفته شود.

مسیو نراتوف اظهار داشت که مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] از جوابی که دولت ایران در باب تقاضای او داده بودند دولت اعلیحضرت امپراطوری را مستحضر نموده و بنابراین به او دستورالعمل داده شده که همان تقاضا را مکتوباً به دولت ایران

پیشنهاد بنماید و جواب فوری بخواهد و یحتمل در همین روز که ما گفتگو می‌کنیم این دستور را مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] به‌موقع اجراء گذارده‌باشد و باضافه به او تعلیمات داده شده که اگر در عرض دو روز جواب مطلوب به او نرسد باید به دولت ایران اخطار نماید که روابط خودشان با آنها قطع است و دولت روس اقداماتی را که لازم بداند خواهد نمود. مسیو نراتوف محرمانه به من اطلاع داد که اقداماتی که در صورت لزوم دولت روس مصمم است بنماید اعزام یك عده قشون روسی مقدمتاً به قزوین است که اگر لازم بشود مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] یکدسته از آن را به طهران احضار بنماید که ژاندارم را جبراً از منزل شعاع‌السلطنه حرکت داده بجای آنها قزاق ایرانی بگذارند و بعد به قزوین مراجعت نمایند.

من در مقابل بیانات مسیو نراتوف چیزی بجز اینکه من گمان می‌کنم دولت ایران تمکین بنماید اظهاری ننمودم.

امضاء هوك اپرن [هیو اوبرن]

نمره ـ ۹۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت امور خارجه ۱۰ نوامبر ۱۹۱۱ ـ ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۷ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۸ نوامبر شما:

محتمل است اگر شوستر بجای مخالفت با سفارت روس معاضدت بنماید موانعی در کار خود نبیند.

در باب مستر لکفر اگر دولت روس از دولت ایران تقاضا بنماید که تعیین او را تجویز ننمایند شما به دولت ایران نصیحت کنید که با این درخـواست دولت روس موافقت بنمایند. دولت ایران از این عمل انتفاع حاصل خواهند نمود چونکه اگـر استنکاف بورزند محتمل است دولت روس اقدامات برای حفظ منافع خودش در ایران بنماید.

نمره ـ ۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۱ نوامبر)

طهران ۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آبان ۱۲۹۰]

ازدیاد استعداد قنسولگریها

جنرال‌قنسول بوشهر اطلاع می‌دهد قسمت ثانی قشون که از هندوستان تجهیز شده مشغول پیاده‌شدن از کشتی هستند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ نوامبر)
طهران تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]
استکس استدعا دارد تلگراف ذیل را به وزیر هندوستان برسانید:

«امتناع حکومت هندوستان از قبول استعفای من به من ابلاغ شده. این ابلاغ من را دوچار مشکلات نموده به این معنی که من مخیر شده‌ام از این دو شق یکی را انتخاب بنمایم که یا اوامر دولت انگلیس را محل اعتناء قرار ندهم یا اعتبارات خودم را در باب شرایطی که دولت انگلیس رسماً مقرر داشته زایل بدارم (به تلگراف وزارت‌خارجه مورخهٔ ۲۱ ژویه مراجعه شود).

من با کمال احترام و نهایت آرزومندی از دولت انگلیس استدعا می‌نمایم که در ارادهٔ خود تجدیدنظر فرموده و به من اجازه بدهند که مستعفی شوم. من تا حال با کمال دیانت رفتار نموده‌ام و محذوراتی‌که [= محظوراتی‌که] برای من پیش آمده بهیچوجه عمدی نیست.»

در پنجم نوامبر تلگرافی از حکومت هندوستان به من رسید مبنی براینکه نمی‌توانند استعفای استکس را بپذیرند چونکه دولت‌انگلیس نمی‌تواند تصویب‌بکندکه اعلیحضرت پادشاه استعفای صاحب‌منصبی را قبول بنماید که فقط برای دخول به استخدام دولت خارجی مستعفی می‌شود و استعفای او هم بالطبع برای منافع دولت انگلیس مضراست. من این شرح را به استکس ابلاغ نمودم که به‌اسرع وقت باید به سمیلا رفته و در آنجا به صاحب‌منصبان مدیره ملحق بشود.

از آن وقت تابحال‌هم کراراً به او تأکید نموده‌ام که از طهران حرکت نماید ولی کلام من مؤثر واقع نشده.

به ملاحظهٔ اینکه محتمل است برای طرد نمودن ژاندارم شوستر در صورت تمکین ننمودن دولت ایران به تقاضای روس قوهٔ قهریه به‌کار برده بشود مسئله جالب اهمیت کلی خواهد شد چونکه اگر استکس در اطاعت اوامر ما قصور بنماید و داخل استخدام دولت ایران بشود ممکن است در هر مخاصمه‌ای کـه بین قـزاق روسی و ژاندارم شوستر واقع بشود استکس هم دخیل باشد.

نمره ـ ۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ نوامبر)
طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]

وزیر داخله مستعفی شد. باقی‌ماندهٔ کابینه مرکب است از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ نوامبر)
طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]
نایب‌السلطنه امروز به مجلس اظهار داشته که او در صدد تقاضای دو ماه مرخصی است.

نمره ـ ۱۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ نوامبر)
طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ [۱۹ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
دیروز مجلس به شوستر اجازه داده که ده نفر آمریکی دیگر برای استخدام مالیه کنترات بنماید.

نمره ـ ۱۰۱

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ نوامبر)
سن‌پطرزبورغ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۴ نوامبر در ۱۳ مخابره شده.
آقا
با کمال افتخار ترجمهٔ لایحهٔ رسمی را که در موضوع واقعهٔ جدیده بین ایران و روس در طهران و اقدامات دولت روس در این باب برای درج در روزنامه ترقیم شده لفاً ارسال می‌دارم.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

ضمیمهٔ نمرهٔ ۱۰۱

ترجمهٔ لایحهٔ رسمی به جریدهٔ روس

۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۰ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
ادارهٔ اخبارات رسمی در باب مخاصمه با دولت ایران شرح ذیل را اعلام می‌دارد:
این منازعه از اقدامات دولت ایران در ضبط اموال بعضی از متابعین شاه سابق محمدعلی‌میرزا بالاختصاص شعاع‌السلطنه برادر او حادث شد. دولت ایران از قصد خودش در باب ضبط اموال بعضی از مرتجعین که با شاه مخلوع در مجادله با دولت معیت نموده بودند به سفارت روس اطلاع داد و سفارت روس هم بدون اظهار هیچ‌نوع مخالفتی با این امر دولت ایران را متذکر نمود که منافع اتباع روس که ممکن است در این ضمن‌ها با مالکین اموال ارتباطی داشته باشد باید بوجه صحیحی حفظ بشود.
چند روز بعد حسب‌الامر مرگان شوستر مستشار خزانه یك دسته از ژاندارمهایی

که خود او بتازگی تأسیس نموده وارد منزل شعاع‌السلطنه شدند. محل مزبور بخواهش سفیرکبیر عثمانی سپرده به مستحفظین قزاق ایرانی شده بود از آن مستفاد می‌شود که شعاع‌السلطنه تبعهٔ عثمانی بوده.

چندین نفر صاحب‌منصب و اجزاء هم با ژاندارم برای برداشتن ثبت منزل شاهزادهٔ مزبور وارد شدند.

دولت ایران لازم نشمرده بود که قبل از وقت جنرال قنسول ما مقیم طهران این مقدمه مسبوق نماید در صورتی‌که وظیفهٔ مستقیم قنسول مزبور حفظ منافع روس است.

اتفاقاً جنرال‌قنسول از این رفتار ژاندارم مستحضر شد او مسبوق بود که شاه مزبور به بانك استقراضی روس مدیون است و وثیقه‌ای جز اموال شعاع‌السلطنه مقابل نیست خود را مجبور دید که از اجزای خودش برای حفظ منافع اتباع روس بانك به منزل و املاك شاهزاده بگمارد و به آنها دستور داده بود که اصرار در نمودن ژاندارم از آنجا بنمایند تا زمانی که تأمینات لازمه برای مطالبات اتباع ازدولت ایران تحصیل بشود. بمجرد ورود مأمورین قنسولگری که عدهٔ قلیلی روسی هم همراه داشتند ژاندارم شوستر حرکت داده شد و قزاق ایرانی بجای منصوب گردید.

شوستر که ملاحظه نمود در روابط خودش با سفارت روس در این مقدمه کرده معاون خودش را نزد جنرال‌قنسول فرستاده و حکم ضبط اموال را در آن ارائه داد که بنا بعقیدهٔ جنرال قنسول معاون مزبور هم خیلی با مناعت رفتار بود.

معذالك قبل از ختم مذاکرهٔ پختیانوف با نمایندهٔ شوستر، خبر به او رسید متجاوز از صد نفر ژاندارم ایرانی مجدداً داخل خانهٔ شاهزادهٔ مزبور شده قزاق ایرانی را خلع‌اسلحه نموده و بیرون کرده‌اند. بعد از آن همینکه به‌طرف دهیلد صاحب‌منصبان جنرال قنسولگری رجعت به محل خود (که مقابل منزل شعاع‌السلطنه واقع است) می‌نموده‌اند دیده‌اند مقداری ژاندارم در بالاخانه روی سردر شعاع‌السلطنه هستند و تفنگهای خودشان را به طرف آنها نشانه نموده‌اند که بدهند ولی اتفاقاً یك صاحب‌منصب قزاق ایرانی رسیده و آنها را ممانعت نمود (صاحب‌منصبان صراحتاً ادای کلمهٔ «حاضرباش» و صدای پر شدن تفنگ را بودند). اینکه اظهار شده ژاندارمها نشناخته‌اند به کی قراول می‌روند قبول است چون هر دو صاحب‌منصب لباس رسمی پوشیده بودند و کاملا معروفیت هم دارند.

معهذا برخلاف تمام واقعات دولت ایران از سفارت امپراطوری تقاضای پختیانوف جنرال‌قنسول و دو نفر صاحب‌منصب مذکور را نموده بود و این مکتوباً بوسیلهٔ دو طغرا یادداشت متعاقب یکدیگر هم شده بود.

پس از تدقیق در این واقعه دولت روس صحت عمل جنرال‌قنسول و صاحب

قنسولگری را تصدیق نموده از طرف دیگر این رفتار مخاصمانه که مخالف روابط وداد بین دولتین است نه فقط از طرف ژاندارمهای ایرانی در تحت شوستر بوده بلکه از طرف خود دولت ایران هم بوده. در این موضوع همین‌قدر بس است بیان کنم فرستادن صد نفر ژاندارم به منزل شعاع‌السلطنه قبل از خاتمه‌پذیرفتن مذاکره با جنرال‌قنسول (مثل اینکه مجادله با مأمورین نظامی قنسول ما را پیش‌بینی نموده باشند) و بقوهٔ قهریه طرد نمودن قزاقان ایرانی را که صاحب‌منصبان قنسولخانه به محافظت آنجا گماشته بودند و بالاخص قراول‌رفتن ژاندارمه‌ها تفنگهای خود را به طرف صاحب ـ منصبان ما و ارسال وزیر امور خارجهٔ ایران دو فقره یادداشت فوق‌الذکر را دولت روس این رفتار مأمورین ایرانی و رفتار خود دولت ایـران را نسبت به مقام روس کاملا تحمل‌ناپذیر می‌داند و به وزیرمختار اعلیحضرت امپراطوری تعلیمات داده شد که مسئله را به طریق دوستانه شفاهاً به وزیر امور خارجهٔ ایران پیشنهاد نموده هر دو یادداشت را عودت داده و مراتب ذیل را خواستار شود:

۱) نصب نمودن قزاق ایرانی بجای ژاندارم در منزل و سایر علاقهٔ شعاع‌السلطنه تا زمانی که در باب منافع بانك ما و اتباع روس راجع به اموال شاهزاده تأمینات حاصل شود.

۲) برای سوءرفتاری‌که از طرف ایرانیان نسبت‌به صاحب‌منصبان جنرال‌قنسولگری شده تقدیم ترضیه شود.

علیهذا دولت ایران توضیحات وزیر مختار را رد نموده و نقشه‌ای پیشنهاد نمودند که در باب رفتار صاحب‌منصبان جنرال‌قنسولگری تحقیقات مشترك‌الطرفین به عمل بیاید که خود بالطبع قطعاً پذیرفته‌نشدنی است چونکه دولت اعلیحضرت امپراطوری بالشخصه می‌تواند تشخیص صحت و خلاف احکام یا اقدامات صاحب‌منصبان خود را بدهد. به‌این‌لحاظ به وزیرمختار روس تعلیمات داده‌شد که همان تقاضاها را کتباً به دولت ایران پیشنهاد نموده و اخطار نماید که چنانچه دولت ایران تمکین به آن ننماید سفیر روابط با کابینهٔ طهران را قطع خواهد نمود و دولت روس داخل در اقداماتی که برای حفظ منافع خودش لازم باشد خواهد شد.

بموجب تلگراف واصله از پکلوسکی [پاکلوسکی] گزیل وزیرمختار یادداشتی در این‌باب در ۱۱ نوامبر به‌انضمام‌اخطارمزبور به وزیر امورخارجهٔ‌ایران پیشنهاد شده.

نمره ـ ۱۰۲

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۴ نوامبر در ۱۳ مخابره شده.

آقا

در ملاقات دیروز من با وزیر امور خارجهٔ موقتی در ضمن صحبت آن جناب اظهار

داشت که پس از مداقه در سوءرفتار اخیر مستر شوستر با این وضع مشکلی که در ایران جاری است هیچ پیشرفتی نمی‌توان فرض کرد. اعمال اخیرهٔ مستر شوستر کهٔ آن جناب اظهار می‌نمود امتناع‌نمودن او از قبول سفارشات سر جارج بارکلی در باب نسخ انتخاب مستر لکفر بـه پیشکاری خزانهٔ تبریـز است و روشی که او در بـاب مستأجرین روس در ایران تعقیب نموده.

آنچه من از مسیو نراتوف استدراك نمودم بتازگی خزانه‌دار کل اعلانی خطاب به مستأجرین و رهن‌داران روسی نشر نموده که اعم از اینکه اجاره یا رهن املاك از دولت ایران یا افراد مردم باشد باید بالتمام به او ابراز بشود و الا دولت ایران آنها را از درجهٔ اعتبار ساقط می‌داند. به این ترتیب تجاهل نمودن مستر شوستر جنرال قنسولگری روس را مخالف با تمام تأسیسات مستقره در ایران است.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

نمره ـ ۱۰۳

مکتوب سر ادوارد گری به مستر اپرن [اوبرن]

وزارت امور خارجه ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آبان ۱۲۹۰]

آقا

امروز مسیو دواتر در باب التیماتم [اولتیماتوم] روس به ایران به سر نیکلسن اطلاعاً مذاکره نموده. ما قبلا از ایـن معنی استحضار داشتیم فقط اظهاری کـه سر نیکلسن داشت این بود که از لزوم همچه اقدامی متأسف است و امیدوار است که قشون روس در قزوین خواهند ماند و بهیچوجه قشون وارد طهران نخواهد شد.

مسیو دواتر جواب داد هیچ قشون به طهران نخواهد رفت مگر اینکه وزیرمختار روس حضور آن را برای حفظ سفارت کاملا لازم بداند.

مدتی که به دولت ایران مهلت داده شده امشب منقضی خواهد شد.

ای. گری

نمره ـ ۱۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ نوامبر)

طهران ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۲ نوامبر من در باب کابینهٔ ایران.

رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه هم استعفاء داده‌اند ولی مداخله در امور دارند. اوضاع بیشتر از همیشه منقلب است مجاهدت در تجدید کابینه ثمری نبخشیده.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ نوامبر)
طهران ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]
واقعهٔ ایران و روس

به تلگراف ۱۰ شهر حال مراجعه نمایید.

دیشب تا موقع انقضای ۴۸ ساعت مدت التیماتم [اولتیماتوم] جوابی از دولت‌ایران به سفارت روس نرسید ولی وزیرمختار روس در یادداشت خودش به دولت ایران تعیین موعد ننموده بود.

من مجدداً تمکین به تقاضای روس را تأکید نموده‌ام ولی هر نوع مخالفتی در قبول برداشتن ژاندارم خزانه از منزل شعاع‌السلطنه راجع به نفوذ شوستر است. اما در باب تقاضای دیگر آنچه بر من مشهود است مشکل است وزیری پیدا بشود که قبول تقدیم معذرت بنماید.

نمره ـ ۱۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ نوامبر)
طهران ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]

دستهٔ اولی قشون که مرکب از ۲ اسکادرن [اسکادران] سوار هندی است بدون آسیبی وارد شیراز شدند.

نمره ـ ۱۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ نوامبر)
طهران ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]
در باب دستهٔ سپاهی مقیم شیراز که مرخص شده‌اند

رجوع به تلگراف مورخهٔ ۲۲ اکتبر من بنمایید.

بلحاظ وضع مغشوش جادهٔ بین کازرون و بوشهر جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر صلاح نمی‌داند که یك عدهٔ قلیلی سپاهی به‌تنهایی از کازرون به بوشهر مسافرت بنمایند. مشارالیه پیشنهاد نموده که یك دسته قشون فرستاده شود در کازرون با سپاهیان تلاقی شوند و آنها را تا بوشهر مشایعت بنمایند. من او را مختار نمودم هر عده سواری که می‌داند بفرستد.

نمره ـ ۱۰۸

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۵ نوامبر در ۱۴ مخابره شده.

در ذیل تلگراف دهم شهر جاری خودم با کمال افتخار اطلاع می‌دهم: دیروز عصر وزیر امور خارجهٔ موقتی را ملاقات نموده که سؤال بنمایم جوابی از طرف دولت ایران در باب مراسلهٔ مورخهٔ ۱۱ شهر حال مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داده شده است یا خیر؟ مسیو نراتوف اظهار داشت که هنوز خبری از مسیو پکلوسکی نرسیده و اگر خبر مطلوبی تا فردا صبح نرسد دولت روس شروع به عملیات خواهد نمود.

در جریدهٔ امروز تلگرافی دیده بودم که حاوی استعفای نایب‌السلطنه و وزرای ایران به مناسبت مراسلهٔ دولت روس بود. من رجوع به این خبر نموده و به مسیو نراتوف اظهار داشتم اگرچه من کاملا تصدیق دارم که این مسئلهٔ حاضره راجع به روس است ولی از طریق غیرمستقیم متوجه به دولت انگلیس هم می‌شود (آن جناب صمیمانه قبول نمود) لهذا من ذیحق خواهم بود به آن جناب پیشنهاد بنمایم که هرگاه بواسطهٔ استعفای هیئت دولت تمکین فوری به تقاضای روس اساساً برای ایران غیرممکن باشد برای دولت روس کریمانه‌تر خواهد بود که عوض شروع به اقدامات وقت معینی را تعیین بنمایند ـ مثلا یك هفته ـ که در عرض آن مدت تقاضای مزبور را دولت ایران قبول بنماید.

مسیو نراتوف جواب داد که او بکلی مطمئن است از این تأخیر نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد واضح است که استعفای وزرای ایران فقط یك نوع حیله برای طفره از تمکین به تقاضای روس بوده و هر وزرای دیگری که در انقضای یك هفته به‌مسند اینها برقرار باشند بجهت همین طفره از تمکین به تقاضاها عین این عمل را خواهند نمود.

او نیز اظهار داشت اگر دولت روس شروع به اقدامات منظوره بنماید همان تعهداتی که سابقاً در باب ایران با دولت انگلیس نموده بود حال هم برقرار خواهد داشت و به توسط سفیرکبیر دولت روس مقیم لندن همان قسم اطمینانهایی که در وحلهٔ [=وهلهٔ] گذشته در باب اعزام قشون روس به قزوین داده بودند حال هم به شما خواهند داد.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

نمره ـ ۱۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرن [اوبرن]

وزارت امور خارجه ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آبان ۱۲۹۰]
شکایت روس به ضد اعمال شوستر چنانچه در تلگراف دیروز خودتان راپرت داده‌اید ظاهراً مبنای بهتر از موضوع اموال شعاع‌السلطنه دارد. استدراك از حقایقی که به دست من آمده من را در آن باب متمایل می‌نماید که تصور بکنم یك سوءتفاهمی شده

است.

شما به وزیر امور خارجه بگویید من کاملا تصدیق دارم که دولت روس از نقطهٔ نظری‌که دراین‌مسئله‌اتخاذنموده نمی‌تواندصرف‌نظربنماید ولی‌اشکال‌واقعی علی‌الظاهر روش شوستر به ضد پلتیك [= پلیتیك] روس در شمال ایران است و من گمان می‌کنم دولت روس به ضد این روش دعوی آشکار بنماید. آیا دولت روس نمی‌توانـد شکایت خود را به ضد شوستر در تحت یك تقاضای رسمی پیشنهاد بنمایند؟

شما باید وزیر امور خارجه را مستحضر بنمایید که امیدواری صمیمی من این‌است که دولت روس در باب مقاصد خودشان از آنچه کنت بن‌کندرف به من اطمینان داده است تجاوز نخواهند کرد به این معنی که اعزام قشون را به قزوین محدود نموده و هیچ قشون به طهران نفرستند مگر اینکه وزیرمختار روس برای محافظت سفارت لازم داشته باشد. جای نهایت تألم خواهد بود اگر اختلال بدرجه‌ای جلب اهمیت بنماید که منجر به یك تصرف دولت روس و اضمحلال دولت ایران بشود.

نمره ـ ۱۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به‌سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ نوامبر)

طهران ۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آبان ۱۲۹۰]

واقعهٔ روس و ایران

دیشب به سفارت روس دستورالعمل رسیده است که روابط با کابینه را (اگر کابینه برقرار باشد) قطع بنماید و پس از آن یك دسته از قشون روس به قزوین اعزام خواهد شد.

امروز صبح مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تلگرافی به دولت متبوعهٔ خود نموده مبنی بر اینکه هنوز کابینه‌ای تشکیل نشده ولی اگر بعد از تشکیل کابینهٔ جدید فوراً بـه تقاضای روس تمکین ننمایند روابط را قطع خواهد نمود او نیز تلگراف نموده است که بعقیدهٔ او اگر بواسطهٔ اعزام قشون به قزوین اثری در تمکین به تقاضای روس حاصل نشد لازم خواهد بود که دو هزار نفر به طهران فرستاده شود تا حصول مقصود متحتم بشود و برای اینکه عدهٔ دیگری سریع‌الوصول باشد دو هزار نفر قشون احتیاطی هم در قزوین لازم خواهد بود. ژاندارمهٔ خزانه در موقع لزوم بیش از ۳۵۰ نفـر نمی‌توانند مهیا بشوند ولی من از آن می‌ترسم که عدهٔ قشونی که اعزام می‌شود باید اینقدر زیاد باشد که در صورت امتناع دولت ایران از تمکین و وقوع خونریزی امید مجادله‌نمودن با قشون ما برای دولت ایران باقی نماند و بلکه خیال طرفیت با آن‌را هم به خود راه ندهند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به‌سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ نوامبر)
طهران ۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آبان ۱۲۹۰]
قنسول انگلیس از شیراز خبر می‌دهد که «کرنل دگلاس» مصمم است با ۲۲۰ نفر قشون به آباده برود ۱۲۰ نفر از آنها را از آنجا به اصفهان بفرستد و بقیه بمنزلهٔ مستحفظ به‌اتفاق خانم رس به شیراز مراجعت بنمایند.
من این قصد کرنل دگلاس را تصویب نموده‌ام.

نمره ـ ۱۱۲

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آبان ۱۲۹۰]
شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۵ نوامبر تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره شده.
امروز ملاقات دیگری با وزیر امور خارجهٔ موقتی نمودم و به من اطلاع داد مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] خبر داده است که رئیس‌الوزرای ایران و وزیر امور خارجه مستعفی شده‌اند و عجالتاً هیچ احتمال تمکین به تقاضای روس نمی‌رود.
مسیو نراتوف اظهار داشت بدین‌لحاظ عقیدهٔ شخص او این است که دولت روس باید شروع به عملیات بنماید.
من مؤکداً از آن جناب درخواست نمودم که یك مدت قلیل دیگری به دولت ایران مهلت بدهد.
من پیشنهاد نمودم دولت روس ممکن است اظهار بنماید که نظر به استعفای وزرای ایران اقدامات سریع در عملیات منظوره نخواهد نمود ولی مثلا سه روز مهلت خواهد داد که در عرض آن دولت ایران بتواند استرضای لازمه را به‌عمل بیاورد. من اصرار نمودم که اگر دولت روس به این طریق عمل بنماید وسیلهٔ بهتری برای اقدامات مجدانهٔ من‌بعد خود در صورت اجبار خواهد داشت والا دولت روس متهم خواهد شد که این فقدان موقتی هیئت دولت ایران را برای مداخلهٔ قهری در ایران مغتنم شمرده.
در این موضوع مسیو نراتوف پیشنهاد من در باب تأخیر را بکلی رد ننمود بدون دادن جواب مقطوعی اظهار نمود امیدوار است که بتواند همین روش را تعقیب بنماید ولی گفت که الحال ۵ روز از زمان پیشنهاد یادداشت دولت روس گذشته است و اگر دولت روس راضی به تأخیر بشود لازم است که به تقاضاهای خود هم بیفزاید.
بنظر آن جناب همچو می‌آمد که تقاضای دیگری پیشنهاد بنماید مبنی بر اینکه صاحب‌منصبان مسئول این عمل ژاندارمه به انضمام مستر شوستر که آنها در تحت فرمان او هستند منفصل بشوند.
آن جناب گفت این خیالی است که باید در آن تدقیق بنماید.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

نمره ـ ۱۱۳

راف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ نوامبر)
پطرزبورغ ۱۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آبان ۱۲۹۰]
نچه در تلگراف ۱۴ نوامبر خودتان دستورالعمل داده بودید بـا مسیو نراتوف
نمودم.
جناب توضیح نمود که دولت روس تخلیهٔ خانهٔ مابه‌النزاع را از ژاندارمه بکلی
ی‌شمارد. در موقع تصرف اموال ژاندارمه‌ها قزاقها را خلع اسلحه نموده بودند
از آن صاحب‌منصبان قنسولگری روس را تهدید نموده بودند. بنابراین طرد آنها
ا از فرایض قطعی دولت روس است و برای این مسئلهٔ مخصوص در صورت
یك دسته قشون از قزوین به طهران اعزام خواهد شد. در باب پیشنهاد شما که
روس شکایت رسمی به ضد شوستر بنماید مسیو نراتوف اظهار داشت که نظر
نکتهٔ رسمی برای دولت روس مشکل است که به ضد تعیینات از قبیل تعیین
لکفر به تبریز شکایت بنماید چونکه یك همچو تقاضایی دال بر مداخلهٔ روس در
ت داخلی ایران خواهد بود.
ر صورت آن جناب عجالتاً در فکر این است که آیا برای انفصال شوستر بمناسبت
قرار دادن خزانه‌دار کل را برای اعمال ژاندارمه خودش می‌تواند تقاضایی
یا خیر (به تلگراف قبل از این من مورخهٔ امروز مراجعه نمایید).
ضح است که در موضوع اموال ضبطی شعاع‌السلطنه وهن کلی به مقامات دولت
وارد آمده است تا یك درجه از بابت مجادله بین ژاندارم و قزاق از طرفی و از
دیگر کشمکش بین شوستر و جنرال‌قنسولگری روس.

نمره ـ ۱۱۴

اسلهٔ مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ نوامبر)
پطرزبورغ ۱۲ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]

کمال افتخار سواد شرحی را که وزیر امور خارجهٔ موقتی به من نوشته و مبنی به
نمودن مستحفظین قنسولگری روس در استراباد و پیشنهاد مراسله‌ایست کـه
ختار روس در موضوع واقعهٔ جدید در طهران به دولت ایران نموده است لفاً
می‌دارم.

هوك اپرن [هیو اوبرن]

www.adabestanekave.com

ضمیمهٔ نمرهٔ ۱۱۴

سواد مکتوب مسیو نراتوف به مستر اپرن [اوبرن]

سن‌پطرزبورغ ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]

دوست مکرم مستر اپرن [اوبرن]

گمان می‌کنم باید به شما اطلاع بدهم که نظر به دست تطاول و یغمایی که ترکمنها بعد از غلبهٔ محمدعلی‌شاه بر یك‌دسته از اردوی دولت ایران در حوالی استراباد گشوده بودند و در واقع جان و مال اتباع روس در آن نواحی و خود شهر بواسطهٔ تخویف آن وحشیان ایلیاتی در خطر است ما ۲۰۰ نفر قزاق به عدهٔ مستحفظین قنسولگری استراباد خودمان به انضمام دو توپ مسلسل افزودیم.

الان تلگرافی از پکلوسکی [پاکلوسکی] رسیده که مراسلهٔ رسمی در باب اختتام واقعهٔ مابه‌النزاع دیروز ۱۱ نوامبر [۱۹۱۱] به دولت ایران پیشنهاد شده.

مخلص شما نراتوف

نمره ـ ۱۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ نوامبر)

طهران ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

از قرار مسموع رئیس‌الوزراء قبل از استعفای خودش به شوستر دستورالعمل داده که ژاندارم را از اموال مابه‌النزاع بردارد و شوستر جواب داده است چون حکم تصرف اموال که بر طبق آن عمل شده به امضای تمام وزراء بوده تا حکم دست‌برداشتن هم بهمان طریق به امضای تمام وزراء به او نرسد او از اجرای این حکم امتناع خواهد داشت.

نمره ـ ۱۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ نوامبر)

طهران ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

روابط روس و ایران

به تلگراف امروز صبح من مراجعه شود.

از قرار مسموع رئیس‌الوزراء حکم خودش را به شوستر در باب برداشتن ژاندارم خزانه تکرار نموده. این حکم به ساختگی صادر شده که معلوم‌بدارد هنوز رئیس‌الوزراء به مسند خود برقرار است و به این مناسبت با فقدان کابینه حکم شخصی او به‌تنهایی مکفی باشد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۱۷

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ نوامبر من.

اگر دولت روس تقاضای جدید دیگری برای انفصال شوستر بر سایر تقاضاهای خود بیفزاید گمان می‌کنم در امتناع ایران از تمکین زیادتر احتمال برود و متعاقب آن اعزام قشون روس خیلی زودتر به وقوع برسد. بنابراین من به مسیو نراتوف نوشته‌ام که بعقیدهٔ شخص من در این موقع اضافه ننمودن همچو تقاضایی اولی است.

نمره ـ ۱۱۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۲ نوامبر شما.

به استکس بگویید چونکه تعیین او به استخدام دولت ایران بالصراحه تولیدمخاصمه بین روس و ایران خواهد نمود و نظر به معاهدهٔ انگلیس و روس ما نمی‌توانیم اشتغال اتباع انگلیس را در شمال ایران تأیید بنماییم لهذا برای ما میسر نیست که اسباب تسهیل تعیین او را بواسطهٔ قبول استعفای او فراهم بیاوریم. بنابراین تمکین او به اوامر حکومت هندوستان بدون تأخیر اولی است.

نمره ـ ۱۱۹

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرن [اوبرن]
وزارت خارجه ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

به دولت روس اظهار کنید که نظر به تلگراف ۱۵ نوامبر از طهران ما امیدواریم دولت روس قبل از مصمم شدن به اعزام قشون به طهران نهایت سعی را بنماید که حتی‌الامکان متوسل به وسایل دیگری غیر از اعزام قشون بشود.

نمره ـ ۱۲۰

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرن [اوبرن]
وزارت خارجه ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

به تلگراف دیروز خودتان مراجعه نموده و در موضوع ذیل با مسیو نراتوف مذاکره بنمایید:

اگرچه دولت انگلیس کاملا موافقت دارد که اراده و ترتیب‌دادن تقاضای شخصی

خودش هم باید به معیت دولت روس باشد ولی از نتیجهٔ عاقبت اقدامات روس خیلی متزلزل است. به عقیدهٔ من برای دولت روس ممکن بود که صبر بکند تا قشون او به قزوین رسیده باشند و آن وقت تقاضاهای خود را روی کاغذ بیاورد و قبل از اینکه اقدامات دیگری بنماید مدت مهلت را اضافه بنماید.

هرگاه ما خودمان مرتفع نمودن یك همچه رنجش را در پیش داشتیم محتمل بود در وهلهٔ اول یکی از گمرکات را تصرف بنماییم. هیچ جهتی نمی‌توانم فرض بکنم که در صورت لزوم چرا دولت روس نباید یك همچه عملی را مجری بدارد و منتظر نتیجهٔ این عمل خود بشود و اگر نتیجه‌ای از آن ظاهرنشد آن‌وقت شروع به فشارهای سخت‌تر بنماید.

نمره ـ ۱۲۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر بچنن [= بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

آقا

در مذاکرهٔ امروز مستشار سفارت کبرای روس با من مشارالیه رجوع نمود به بیاناتی که من به کنت بن‌کندرف در خصوص مکتوب مستر شوستر به روزنامهٔ طیمس [تایمز] راجع به مذاکرات سفیرکبیر روس در وین با شاه مخلوع نموده‌بودم. مستشار مزبور به من اطلاع داد که سفیر روس در وین صراحتاً اظهار می‌دارد که او بهیچ‌وجه شاه مخلوع را رؤیت ننموده و مذاکره‌ای هم با او به میان نیاورده.

ای. گری

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۲

مکتوب سر ادوارد گری به سر بچنن [= بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۶ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آبان ۱۲۹۰]

آقا

امروز به مستشار سفارت کبرای روس اظهار داشته‌ام که من کاملا در باب مسئلهٔ ایران دخیل هستم.

اگر دولت روس رنجشی داشته باشد که رفع آن لازم باشد البته باید تقاضای رسمی خود را برای مرتفع شدن آن پیشنهاد بنماید. این به من مدخلیتی ندارد. اگر دولت مزبور تصور می‌کند که بدون انفصال مستر شوستر نتیجهٔ مطلوبه حاصل‌نشدنی است من هم در انفصال او مخالفت نخواهم داشت. من نمی‌خواهم انفصال مستر شوستر را پیشنهاد بنمایم ولی ذکر آن را برای این می‌نمایم که مبادا در سن‌پطرزبورغ احساساتی در تصور طرفداری من از او بنمایند.

در حقیقت مشارالیه بواسطهٔ انتخاب اتباع انگلیس به استخدام دولت خیلی برای من تولید زحمت نموده در صورتی که من جد وافـی در تعیین‌نشدن اتباع انگلیس نموده‌ام.

بهر صورت نتایج عاقبت اقداماتی که دولت روس خواهد نمود به ما مدخلیت تام خواهد داشت. دولت روس مصمم بود قشون به قزوین بفرستد و در نظر دارد قدری [عده‌ای] هم از آنجا به طهران بفرستد.

از قرار اطلاع واصله از سر جارج بارکلی مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] بـه او گفته بوده است که اگر قشونی به طهران فرستاده بشود عدهٔ آن باید زیاد باشد، مثلا دوهزار نفر. معنی این، اشغال پایتخت ایران است و این مسلماً سوء اثری به عالم اسلامیت خواهد نمود که خیلی مسئلهٔ مهمی است. بنابراین من پیشنهاد می‌کنم همین که دولت روس قشون به قزوین فرستاد باید تأمل نموده و دعاوی خود را به دولت ایران پیشنهاد بنماید. اگر فشار زیادتری لازم بشود چرا دولت روس نباید بعضی از گمرکها را تصرف بنماید یا حتی دست تصرف به مالیات تبریز بگشاید؟ این یك نوع فشاری برای مرتفع نمودن اعمال مستر شوستر می‌بود. اشغال پایتخت مربوط بـه تهییج احساسات عالم اسلامیت است و ممکن است نتایج نامطبوعی درهند بروز بنماید خصوصاً در صورتی که تصور بکنند ما هم راضی به این امر بوده‌ایم.

ای. گری

نمره ـ ۱۲۳

شرح مکتوب مسیو داته

لندن سفارت کبرای روس ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]

دولت انگلیس مستحضرند که دولت ایران بتازگی روش معاندی که مخالف روابط خودشان با دولت روس است اتخاذ نموده است و مسئولیت این روش بعهدهٔ مستر مرگان شوستر مستشار مالیه است که از بدو ورود خود به ایران اساساً تجاهل نمودن منافع دولت روس را تعقیب نموده.

دولت ایران در مقابل مستر شوستر که تأییدات کلی از طرف مجلس و ملتیان جلب نموده مسلوب‌القدرة است.

یك واقعهٔ اسفناکی جدیداً در طهران واقع شده بواسطهٔ قصد دولت ایران در ضبط اموال متابعین شاه مخلوع محمدعلی که یکی از آنها شعاع‌السلطنه بوده و مدخلیت به منافع روس داشته.

مستر شوستر که اجرای این امر محول به او شده بود بطریق نامطلوبـی نسبت به ما شروع به این عمل نمود. ژاندارمه‌های در تحت فرمان او نه فقط قهراً قبل از اختتام مذاکرهٔ نمایندهٔ شوستر و جنرال‌قنسول روس اموال شاهزادهٔ مزبور را تصرف

نمودند و قزاقان ایرانی مستحفظ آنجا را بیرون نمودند بلکه تفنگهای خود را به قصد آتش دادن به طرف نماینده‌های جنرال‌قنسولگری قراول رفتند.

دولت ایران برخلاف تمام واقعات خود را محق فرض نمودند و دو طغرا یادداشت به ما نوشته تقاضای انفصال جنرال‌قنسول و صاحب‌منصبان جنرال‌قنسولگری را نمودند.

به‌لحاظ تحمل‌نشدنی‌بودن این اعمال هم از نقطهٔ‌نظر ابهت هم از باب منافع روس دولت امپراطوری به وزیرمختار طهران خود تعلیمات داد که اولا یادداشتهای مذکور دولت ایران را عودت بدهد و شفاهاً تصریح بنماید که ژاندارمهای خزانه باید مطرود شده و قزاقان ایرانی جای آنها منصوب بشوند تا زمانی که معلوم بشود تا چه درجه منافع اتباع روس در اموال شعاع‌السلطنه مدخلیت دارد و ثانیاً تقاضایی بنماید که دولت ایران بتوسط وزیر امور خارجهٔ خودش برای سوء رفتار ژاندارمه‌های ایرانی ترضیه بخواهد.

برخلاف انتظارات ما این تقاضاهای ملایمانه را دولت ایران رد نمود. بنابراین دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور شد به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تعلیمات بدهد که تقاضاهای خود را مکتوباً پیشنهاد بنماید. باضافه تمکین سریع به آن را هم خواستار شود و اظهار بدارد که اگر قصوری در این باب مرئی بشود روابط با دولت ایران را مقطوع خواهد نمود و دولت روس حق توسل به اقدامات لازمه را تعقیب خواهد نمود.

هنوز جوابی از طرف دولت ایران نرسیده لهذا به وزیرمختار ما تعلیمات داده‌شده که روابط با دولت مزبور را قطع بنماید.

در ضمن چون دولت امپراطوری منافع خود را در تضییع یافت بدین لحاظ لازم شمرد فشاری به دولت ایران بیاورد و مصمم شد معجلا دستهٔ قشونی با اسلحهٔ مختلف به قزوین اعزام دارند و اختیار احضار یك عدهٔ کافی قشون به طهران برای خارج نمودن ژاندارم ایرانی (که عجالتاً خانه و اموال شعاع‌السلطنه را اشغال‌داشته‌اند) به وزیرمختار مزبور داده شده.

این اقدامات که بواسطهٔ پیش‌آمد وقایع فوق‌الذکر واجب بود در حقیقت یك عمل سطحی است و بمحض اینکه این واقعه خاتمه پذیرد و تأمینات از سبك سلوك آتیهٔ دولت ایران نسبت به ما حاصل بشود قشون ما به روسیه بازگشت خواهد نمود.

خبر تلگرافی در باب جوابی که سر ادوارد گری به سؤال پارلمان در این موضوع داده است باعث شعف قلبی دولت امپراطوری گردید.

ما تصور می‌کنیم اقداماتی که ما نموده‌ایم بهیچوجه با اصول روابط ما با انگلیس در باب اوضاع ایران متباین نیست و مصمم هستیم رشته‌ای هم که در آتیه تعقیب بنماییم اساساً با اصول وداد و وفاق با انگلیس مطابق باشد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ نوامبر)
طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]
نمایندهٔ دولت انگلیس در کرمانشاه از قرار ذیل تلگراف نموده:
اوضاع جالب اهمیت، اغتشاش عظیم محتمل، تمام وسایل مخابره با داخله مقطوع.

نمره ـ ۱۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ نوامبر)
طهران ۱۷ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]
امروز به وزیرمختار روس دستورالعمل رسیده که روابط با کابینه را قطع‌نماید.
مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] به من اطلاع داده که دولت متبوعهٔ خودش به ادارهٔ نظامی قفقاز دستورالعمل داده‌اند فوراً یك عده قشون به قزوین اعزام دارند. تعداد این قشون بالاخره به ۴۰۰۰ خواهد رسید. هنوز کابینه تشکیل نشده.

نمره ـ ۱۲۶

تلگراف مستر اپرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ نوامبر خودم.
مکتوبی از وزیر امور خارجهٔ موقتی به من رسیده مبنی بر اینکه بعد از تفکرات عمیقه رأی او بر این تعلق گرفته که دولت روس بیش از این برای جواب از طرف دولت ایران نمی‌تواند تحمل بنماید.
بواسطهٔ تأمل این مدت آنها بحد کفایت تمایلات به اصلاح را ظاهر داشته‌اند. آنها باید افکار عامهٔ روس را هم که نسبت به ایران خیلی مهیج است منظور داشته باشند لهذا تعلیمات برای اعزام سریع قشون به قزوین داده شده است.
تا ورود قشون به آنجا چند روز دیگر خواهد گذشت که باز مدت مهلتی برای دولت ایران خواهد بود که در باب لزوم تمکین به تقاضاهای روس تعمق بنمایند.

نمره ـ ۱۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۱۷ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]
ما هیچ میل ملاطفت با شوستر را نداریم و اگرچه من این تصور را نمی‌نمایم ولی امکان دارد که دولت روس در فرض میل ما نسبت به او به اشتباه رفته‌باشد. لهذا

شما کاملا برای مسیو نراتوف تصریح بنمایید که هر تقاضایی از طرف دولت روس برای انفصال شوستر بشود دولت انگلیس هیچ مخالفتی با آن نخواهد داشت.

نمره ـ ۱۲۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۷ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۴ نوامبر شما:

من گمان می‌کنم در این موقع باید تصریح بشود که از طرف دولت روس به ما تأمینات داده می‌شود که قشون تجهیزه به قزوین در تحت همان شرایط سابقه به آنجا می‌روند.

نمره ـ ۱۲۹

یادداشت کنت بن‌کندرف

لندن سفارت کبرای روس ۱۸ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آبان ۱۲۹۰]

در ۱۱ نوامبر هذه السنه وزیرمختار دولت روس در طهران یادداشتی به دولت ایران پیشنهاد نمود مبنی به تقاضای ترضیه برای سبك رفتار نظامیان ایران نسبت به صاحب‌منصبان جنرال قنسولگری در طهران و عمل شنیع آنها در واقعهٔ ضبط اموال شاهزاده شعاع‌السلطنه در آنجا که شرح مبسوط آن در اخبار رسمی طبع و توزیع شده. یادداشت مزبور از طرف دولت ایران بلاجواب مانده که خود علامت امتناع از تمکین به تقاضاهای ماست. بنابراین دولت امپراطوری به وزیرمختار روس امر نمود که روابط با کابینهٔ طهران را قطع نماید و اقدام در فرستادن یك عده قشونی به ایران نموده که در قزوین به عزم طهران متوقف خواهند شد.

اقدامات فوق‌الذکر بکلی اعمال سطحی است و بمحض‌خاتمه‌پذیرفتن واقعهٔ‌مابه‌النزاع و تجدید استقرار روابط با ایران قشون مزبور بدون دفع وقت مراجعت خواهند نمود.

نمره ـ ۱۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ نوامبر)

طهران ۱۸ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آبان ۱۲۹۰]

رئیس کابینهٔ وزیر امور خارجهٔ سابق (که هنوز به امورات وزارتی خود دخالت می‌نماید) من را ملاقات نموده و از اظهارات او همچو استنباط نموده‌ام که جواب

مطبوعی محتمل است به یادداشت دولت روس داده بشود. به قول او کابینهٔ ایران هیچ چاره‌ای بجز تمکین (به فرس‌ماژور) به قوهٔ قهریه ندارد.

رئیس کابینهٔ مزبور از وزیر امور خارجهٔ سابق پیغامی برای من آورده بود مبنی بر اینکه بحران کابینه (که او به من اطمینان‌داد بهمین زودی مرتفع خواهد شد) بکلی مسئول تعلل دولت ایران در جواب یادداشت روس تا حال است. بمحض اینکه کابینهٔ جدیدی تشکیل بشود معجلا در صدد جواب یادداشت روس برخواهند آمد.

اگر این جواب باعث استرضای روس نباشد اقداماتی را که در نظر دارد به موقع اجراء خواهد گذاشت ولی اگر جواب مطبوعی داده بشود دیگر علتی برای آن نوع عملیات روس باقی نخواهد ماند.

لهذا وزیر امور خارجه ممنون خواهد شد که من از دولت انگلیس از جانب دولت ایران درخواست بنمایم که با دولت روس در باب تعویق اقدامات منظورهٔ خودشان (که هیچ شرطی در این موضوع در یادداشت روس نشده) مذاکره بنمایند.

روابط پلتیکی بین مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] و وزیر امور خارجه امروز عصر مقطوع شد.

نمره ـ ۱۳۱

تلگراف سر پاچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ نوامبر)

من پطرزبورغ ۱۸ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آبان ۱۲۹۰]

(تلگراف ۱۸ نوامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر بوده).

در ۱۸ شهرحال وزیر امور خارجهٔ موقتی را ملاقات نموده و بر طبق تعلیمات مندرجه در تلگراف ۱۶ شهر حال شما خیلی با تشدد از سوء نتیجهٔ اشغال دولت روس طهران را با آن جناب مذاکره نمودم. به جناب معظم‌له تأکید نمودم که قبل از به‌کار بردن تمام وسایل فشار به دولت ایران از قبیل تصرف گمرکات و گذشتن مدت کافی از تصرف قزوین تا اثرات خود را ببخشد ابداً اقدام به پیشرفتن قشون از قزوین ننمایند. من نیز خاطر آن جناب را متذکر نمودم که چقدر شما برای ثابت ماندن معاهدهٔ انگلیس و روس همیشه سعی در تأیید خواهشات روس نموده‌اید و چگونه‌کراراً شما تهیجات در پارلمان را نسبت به اعمال آن دولت دفع نموده‌اید و از تهاجم افکار عامهٔ انگلیس (که باید توجه به آن داشته باشد) به ضد اقدامات دولت روس برای آن جناب شرح داده و مصرح نمودم که بواسطهٔ ذهنی‌شدن به انگلیسان که قزاقان ایرانی جد وافی در ممانعت از تصرف اموال یکی از پیشوایان مرتجعین نموده بودند از برای شما تصرف پایتخت به قوهٔ قهریه سهل نخواهد بود.

در جواب مسیو نراتوف به من اطمینان کامل داد که اساس روابط انگلیس و روس مستقر خواهد بود و دولت روس اقدامی که باعث سکته به دولت ایران باشد نخواهد نمود. او تصور وارد نمودن فشار بواسطهٔ تصرف گمرکات را غیرمکفی

دانسته و رد نمود و از مهلت دادن به دولت ایران بعد از ورود قشون به قزوین هم امتناع نمود. این امتناع خود را مبنی بر این نمود که وزیرمختار روس در طهران روابط پلتیکی با دولت ایران را قطع نموده و دیگر مذاکره دولت روس با آن دولت خالی از وارد شدن سکتهٔ کلی به ابهت روس نخواهد بود. او پیشنهاد من را هم که در باب اخطار اخیر او به توسط شارژدافر ایران مقیم اینجا به دولت ایران به او نمودم رد نمود ولی پیشنهاد شخصی دیگر من را که در باب اخطار سر جارج‌بارکلی به دولت ایران به او نمودم که به ایـن مضمون است قبول نمود که اگـر موجبات استرضای خاطر دولت روس به عمل نیاید نه فقط طهران را اشغال خواهد نمود بلکه بر تقاضاهای دولت‌روس در ضمن پیشرفتن در مملکت‌ایران افزوده خواهد شد.

در رجوع به واقعهٔ ضبط اموال شعاع‌السلطنه مسیو نراتوف اظهار داشت که دولت روس بهیچوجه مخالفتی در حق تصرف دولت ایران در اموال اشخاصی که در شورش اخیر شرکت نموده بودند نداشته. آنها کلیتاً در این مقدمه اساساً راضی شده بودند ولی در این موضوع بخصوص دولت ایران در مسبوق نمودن جنرال‌قنسولگری روس از اینکه درصدد ضبط اموال شعاع‌السلطنه هستند قصور نموده بود به این واسطه هنگام فرستادن ژاندارمه برای تصرف آن اموال پاره‌ای آلات و اشیاء متعلق به‌زارعین روس که آن ملك را اجاره نموده بودند مفقودالاثر شده بود.

بالاختصار این واقعه یکی از رشتهٔ اقدامات مخالفانه است که مستر شوستر احداث نموده و اثرات مجموعهٔ این اعمال بود که دولت روس را مجبور به اقدام نمود. من به آن جناب اظهار نمودم که اگر بواسطهٔ اشغال قشون روس طهران را، اوضاع حاضره تغییر بنماید آن‌وقت یك چیز است که دولت انگلیس هرگز با آن موافقت نخواهد نمود و آن رجعت شاه مخلوع است. آن جناب جواب داد که اقدامات دولت روس بکلی سطحی است فقط مقصود آن دولت مرتفع نمودن رنجش خودش است و در جواب سؤال من که دولت ایران چه باید بکند که استرضای آن دولت فراهم شده و قشون خـود را بازگشت دهد مسیو نراتوف اظهار داشت که اگر انفصال مستر شوستر به دولت روس اعلان بشود قشون خود را عودت خواهد داد و بواسطهٔ اخـراج او حتی از تقاضای منصوب نمودن قزاق ایرانی بجای ژاندارم خزانه در منزل شعاع‌السلطنه هم صرف‌نظر خواهند نمود.

امضاء جرج پچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ نوامبر)

طهران ۱۹ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۲۷ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۷ اکتبر من:

بموجب اخبار واصله قشون دولتی مجدداً سالارالدوله را در حوالی بروجرد مغلوب نموده‌اند.

[نمره ـ ۱۳۳][1]

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
طهران ۲۷ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۳ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار خاطر شما را مستحضر می‌دارم که به وصول تلگراف شما که عقیدهٔ من را در باب پیشنهاد دولت روس که ماژور استوکس ممکن است برای تأسیس ژاندارمری در اصفهان یا حوالی آن به استخدام پذیرفته شود استفسار نموده بودید من از مستر شوستر استمزاج نمودم که عقیدهٔ او چیست. الحال سواد مکتوب جوابیهٔ او را که شرح آن را در ۵ اکتبر به شما مخابره نموده‌ام لفاً ارسال می‌دارم.

من همکار روسی خودم را از جواب مستر شوستر مستحضر نمودم و در ۱۵ شهر حال بموجب دستورالعمل دولت متبوعهٔ خودش او به مستر شوستر اطلاع داد که چون متأسفانه استخدام ماژور استکس در جنوب غیرممکن فرض شده دولت روس به ضدیت خودش در باب استخدام او برای تأسیس ژاندارمری خزانه باقی خواهد بود.

سابقاً مستر شوستر تهدید نموده‌بود که در باب ممانعت‌او از تعیین ماژور استوکس شرحی بضد دولتین طبع و نشر بنماید لهذا بمحض وصول مراسلهٔ مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] در ۱۵ شهر حال بدون دفع وقت شرح مختصری به وقایع‌نگار روتر [رویتر] نوشت که از قرار معلوم عیناً در جراید لندن مندرج گردیده.

بعد از آن‌هم چنانچه مسموع شده شرح مفصل تهمت‌آمیز دیگری مکتوباً به توسط پست نوشته که محتمل است در این چند روزه در جراید لندن مرئی گردد.

ضمناً ماژور استکس در طهران متوقف است اگرچه من به طریق دوستانه در حرکت او تأکید نموده‌ام ولی امتداد توقف او در اینجا ممکن است تولید ناملایمات بسیار بنماید چون با مستر شوستر هم‌منزل است و در اینکه او مشغول تقویت مشارالیه در تأسیس ژاندارمه خزانه است نمی‌توان تردید داشت چنانچه قبلا هم راپورت داده‌ام هرآن احتمال این می‌رود که دولت روس از شما تقاضای احضار ماژور مزبور را بنماید.

جارج بارکلی

[ملفوف نمرهٔ ۱۳۳][2]

سواد مکتوب مستر شوستر به سر جارج بارکلی
طهران ۱۵ اکتبر (۱۹۱۱) [۲۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۹]

دوست مکرم سر جارج

راجع به مکتوب سوم شما که من در صدد تحریر جواب آن بودم الحال عرض می‌نمایم

---

۱) در متن اصلی نامه شماره ندارد. ـ م.
۲) کروشه و نوشتهٔ داخل آن از ویراستار است. ـ م.

که پیشنهاد منصوب نمودن استکس در اصفهان مسلماً خارج از موضوع است هم اساساً و هم عملاً.

من امیدوارم یك وقتی وزارت خارجهٔ انگلیس و روس باور بنمایند که وقتی که من گفتم استکس را در طهران لازم دارم با من در تأسیس ژاندارمهٔ خزانه بواسطهٔ معلومات اختصاصی که دارد معیت بنماید من همان را می‌خواهم و بس بدون خیالات مکنونی بدون اعزام قشون بدون تحریکات بدون هر چیز مگر آنچه من گفته‌ام.

موقع طوری شده که اعتماد نمودن به یك بیان آشکار مودتانه یا یك قصد ساده‌ای غیرممکن می‌نماید ولی این هم هست که نه در مکتوب من و نه در مبنای اظهارات من همچو ذکر محالی شده باشد که او را در اصفهان یا جای دیگر سرگردان بخواهم بنمایم به قصد اینکه او مرا در اینجا تأیید و تعلیم بنماید.

سر جارج عزیز من وقت آن نیست که دو دولت معظم در همچو مسئله‌ای معطل شده و آن را بازیچهٔ خود قرار بدهند صراحتاً اظهار بدارند که آیا آنها قصد دارند که در مخالفت با استخدام استکس به شرایطی که من ذکر نموده‌ام مداومت بنمایند یا خیر؟

مورگان شوستر خزانه‌دار کل ایران

نمره ـ ۱۳۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۲۷ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۳ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار خاطر شما را مستحضر می‌دارم که دولت ایران بتازگی حکمی صادر نموده‌اند که اموال شعاع‌السلطنه و سالارالدولهٔ یاغی ضبط شود.

برای اجرای حکم مزبور در ۹ شهر حال مستر شوستر خزانه‌دار کل بهر یك از شش نقطهٔ ملکی آنها در طول و حوالی بموجب حکم صادره ۵ نفر از ژاندارمهٔ خود فرستاد. به ژاندارمه‌ها تعلیمات داده شده بود که اموال را تصرف بنمایند و مواظبت مخصوص در حفظ کنترات و قراردادهای اتباع خارجه در موضوع املاك مزبوره (در صورت وجود داشتن کنتراتی) چنانچه دولت ایران تعهد نموده، بنمایند.

یکی از مایملك شعاع‌السلطنه در حوالی جنرال‌قنسولگری روس در شهر واقع است که در آنجا ژاندارمه‌ها چند نفر قزاق ایرانی را متصرف محل مزبور یافتند.

ظاهراً اینها را سفارت کبرای عثمانی در آنجا گماشته بوده (اگرچه این کاملا واضح نیست) چون سفارت کبرای عثمانی دعوی این را دارد که شعاع‌السلطنه تبعهٔ اوست. قزاقان ایرانی ممانعت از دخول ژاندارم نمودند ولی بالاخره آنها داخل شده و مشغول برداشتن ثبت اموال محتویهٔ در آنجا شدند. فوراً دو نفر از صاحب‌منصبان جنرال قنسولگری روس که مسیو پختیانوف [= پاخیتونوف] جنرال‌قنسول روس آنهارا فرستاده بود وارد شده و به‌ژاندارمه‌ها گفتند شما هیچ حق مداخله در این اموال را ندارید. ژاندارمه‌ها

مأموریت خود را تصریح نمودند ولی صاحب‌منصبان مزبور شروع به تخویف آنها نمودند و چون ژاندارمها اجازهٔ مجادله نداشتند از عمارت بیرون رفتند و قزاقان روسی تا یك اندازه‌ای آنها را تعاقب نمودند.

مستر شوستر فوراً مکتوبی به وزیرمختار روس که در زرگنده بود نوشته و از این عمل جنرال قنسول روس در ایـن موضوع شکـایت نمود و بهم‌چنین از سوء رفتار مأمورین دیگری که قنسول برای تصرف سایر املاك شعاع‌السلطنه فرستاده بود اظهار تشکی نمود.

روز بعد که ۱۰ اکتبر بـود مستر شوستر مستر کیرن معاون خود را و ۵ نفر صاحب‌منصب و ۵۰ ژاندارم خزانه و ۳ نفر صاحب‌منصب و ۵۰ نفر ژاندارم سواره در تحت فرماندهی مستر مرل فرستاده و تعلیمات اکیده به آنها داده بود که اموال در شهر را در صورت امکان با صلح و مسالمت تصرف بنمایند، اگر تشددی درمقابل آنها شد صبر بکنند تا از طرف مخاصمین اول گلوله به‌آنها شلیك‌بشود ولی بهرصورت مأمور انجام این خدمت و تصرف باغ و خانه بودند.

همینکه این استعداد به درب عمارت رسید مستر کیرن و مستر مرل به قنسولگری روس رفته و مسیو پختیانوف [=پاخیتونوف] جنرال‌قنسول روس آنها را پذیرفت. آنها حکم ضبط اموال‌را برای‌او قرائت‌نموده و تعلیماتی‌که دراین‌باب به‌آنها شده‌بود توضیح‌نمودند و پس‌از اطمینان‌دادن به‌او که‌حقوق‌اتباع‌خارجه‌را محفوظ خواهندداشت از او خواهش تخلیهٔ آن‌مکان‌را نمودند. از قراری که مستر مرل روایت می‌کند مسیو پختیانوف[=پاخیتونوف]امتناع‌نمود ولی‌آنچه‌برمن مکشوف‌شده سفیرکبیرعثمانی‌برای حضور قزاق ایرانی در آنجا مسئول بوده نه مسیو پختیانوف [=پاختیونوف].

مستر مرل به طرف در مکان مزبور حرکت نموده ولی شش نفر قزاق ایرانـی مستحفظ آنجا او را از ورود مانع‌شدند. مستر مرل از در دیگری داخل‌شده و تابین‌های او قزاقها را خلع‌سلاح نمودند و ژاندارمها با سکونت آنجا را متصرف شدند.

قزاقان سعی نمودند که از بریگاد خودشان عده‌ای به تقویت بیاورند ولی پرنس وادبولسکی فرماندهٔ روسی آنها امتناع نموده و قبول این معنی را منوط بـه حکم وزیر جنگ یا وزیرمختار روس نمود.

نمره ـ ۱۳۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۲۸ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۴ آبان ۱۲۹۰]

آقا

بعد از شرح معروضه در چهارم شهر حال راجع به شورش تا حال خبرقطعی‌صحیحی به دست نیامده.

در باب محل اقامت شاه مخلوع افواه بسیار شنیده می‌شود. یك‌دفعه دولت ایران

خبر محرمانه داشت که او در عشق‌آباد خاك روس است و در منزل حاکم آنجا متوقف است. بعد معلوم شد همان‌طور که راپورت جنرال‌قنسول مشهد ما در باب رفتن شاه مخلوع به تاش‌قند [= تاشکند] بی‌اصل بود این روایت هم صحتی ندارد. من گمان نمی‌کنم که اصلا بعد از فرار او به گمیش‌تپه [کومش‌تپه] هیچ از استراباد خارج شده باشد.

بهرحال او حالا در آنجا است و از قرار اطلاعات واصله بعضی از همراهان او بهمین‌تازگی یکدسته از قشون دولتی را در بندرجز [= بندرگز] مغلوب نموده‌اند. سالارالدوله بعد از مغلوب و متفرق‌شدن همراهانش در ۲۷ شهر ماضی به‌حوالی همدان فرار نمود و از آنجا بعد از نزدیك‌شدن قشون دولتی به بروجرد فرار نموده ایلیاتیها که قشون او مرکب از آنها بود به اماکن خودشان متفرق شدند.

عضدالسلطان برادر دیگر محمدعلی که سالارالدوله حکومت کرمانشاهان را به او تفویض نموده بود پس از استماع شکست برادرش، به شهبندری عثمانی در آنجا پناهنده شد و از قرار معلوم پس از آن عازم کربلاء شده.

یپرم و دستهٔ ارامنهٔ خودش به طهران مراجعت نموده‌اند. بختیاریهایی که با او بودند و قسمت عمدهٔ قشون فاتح مرکب از آنها بود درحالیه در همدان و حوالی آن هستند، به قصد بازماندگان شورشیان یا چنانچه مخالفین آنها معتقدند برای چپاول محل‌های غارت نشده.

مذاکره است که یپرم را به مقابلهٔ شجاع‌الدوله به تبریز می‌خواهند بفرستند. شجاع‌الدوله هنوز شهر مزبور را تخویف می‌نماید.

اگرچه دیگر خبر مجادلهٔ او نرسیده ولی تبریز تقریباً بکلی محاصره است و به یك وضع بدی است که مقرون به‌اهمیت کلی است و نرخ ارزاق از قراری که اطلاع‌رسیده مطابق قیمت ایام قحطی است.

جارج بارکلی

نمره ـ ۱۳۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۳۱ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۷ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به مکتوب دوم اکتبر من در باب وضع ناامنی طرق جنوب.

در تلگرافات اخیرهٔ خودم در خصوص ازدیاد استعداد قنسولگریها و وضع‌ناهنجاری که سد معابر مابین خلیج فارس و مراکز داخلی ایران را نموده محترماً خاطر عالی را مستحضر داشته‌ام.

بجز سرقتهای عمدهٔ مال‌التجارهٔ انگلیس که در تلگرافات ۱۴ و ۲۲ اکتبر خودم راپورت داده‌ام باز هم خبرهای متواتره از قنسولگریهای انگلیس می‌رسد که یا قوافل را معطل نموده‌اند یا آنها را مجبور کرده‌اند که از خطوط منحرفه به کرایه‌های بسیار

گران و مصارف بی‌شمار برای علوفه و مستحفظ حمل مال‌التجاره بنمایند و از طرف دیگر غلامهای تلگراف را دائماً سرقت نموده و زده‌اند و آلات تلگرافی را سرقت‌نموده یا معدوم کرده‌اند. قراء در تمام خطوط را اول یك طایفه غارت کردند بعد دستهٔ دیگر غارت کرده تا بالاخره برای سکنهٔ آنجاها هیچ چیز باقی نگذارده‌اند که وسیلهٔ معیشت آنها باشد و بدین‌لحاظ آنها هم مجبور به غارت مال‌التجاره یا مسافرین شده‌اند که رفع مایحتاج زندگانی خود را بنمایند.

حالا که دولت انگلیس احساسات خودشان را برای شدت اغتشاش بواسطهٔ ازدیاد استعداد قنسولگریها به منصهٔ ظهور رسانیده‌اند امید ضعیفی می‌توان داشت که یك اثر سیاسی موقتی اقلا در غارتگرانی که کم و بیش در تحت سرکرده‌ای هستند از قبیل قشقایی، کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] و بختیاری بنماید و بی‌نظمی طرق رو به انحطاط بگذارد و در ضمن باید منتظر نتیجهٔ نقشهٔ دولت ایران در باب قره‌سورانی طرق که ما بیطرفی قشون خودمان را در آن باب به آنها اعلان نموده‌ایم بود.

قنسول انگلیس از کرمان اظهار می‌نماید خوف آن می‌رود که اقدامات مؤثره در جادهٔ بوشهر و اصفهان سارقین را دلالت بنماید که فعالیت خود را در جادهٔ کرمان و بندرعباس بروز بدهند.

جارج بارکلی

نمره ـ ۱۳۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۳۱ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۷ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار صورت عدهٔ قشون دولت روس‌را که حالیه در ایران‌هستند لفاً ارسال می‌دارم.

این صورت را بواسطهٔ حسن وداد همکار روسی خودم از او تحصیل نموده‌ام.

جارج بارکلی

صورت تعداد قشون روس در ایران

به تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ [۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۶ شوال ۱۳۲۹]

قشون در اردبیل	۲۰۰۰
قشون در تبریز	۱۰۰۰
قشون در گنبد قابوس	۴۰۰
قشون در مشهد	۲۰۰
قشون در رشت	۱۵۰
قشون در قزوین	۵۲

قشون در طهران	۳۲
قشون در اصفهان (عدهٔ قشون در اصفهان به ۲۰۰ نفر خواهد رسید)	۱۷
قشون در کرمانشاه	۱۱
قشون در کرمان	۴
قشون در بوشهر	۱۰
قشون در ارومیه	۱۲
قشون در استراباد	۱۲
قشون در سیستان	۱۰
قشون در تربت حیدری	۱۲

جمع ۳۹۲۲ نفر

نمره ـ ۱۳۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
طهران غرهٔ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۸ آبان ۱۲۹۰]
آقا

در عرض چند هفتهٔ ماضی بحران کابینه بواسطهٔ اختلافات متشدد بین وزراء و خزانه‌دار کل مرتفع نشده. مستر شوستر مکتوب باخشونتی به وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه نوشته بود و تشدد و تندی برای دو فقره دعاوی جزئی دولت روس که بدون مراجعه به او قطع نموده بودند کرده بود. وثوق‌الدوله مکتوب مزبور را بحدی سخت و متضاد فرض نموده بود که فوراً استعفای خود را تقدیم‌داشته‌بود و دونفر ازهمکاران او هم به او تأسی نمودند ولی چون این عمل او حدوث بحران کلی در ارکان وزارتی می‌نمود و خود او هم بالشخصه در ید نمایندگان حامی مستر شوستر مستهلك بود، استعفای خود را مسترد داشت و دو نفر همکاران او هم همان عمل را تعقیب نمودند.

از آن تاریخ به بعد استعفاهای دیگر هم پیشنهاد شد که یکی از آنها استعفای حکیم‌الملك وزیر مالیه بود که ظاهراً مجبور به تعقیب این روش شده چون از طرفی بواسطهٔ فشار همکارانش برای پول دچار مشکلات شده بود و از طرف دیگر بواسطهٔ محکم نگاه‌داشتن مستر شوستر در کیسه را، هنوز دیگری بجای حکیم‌الملك تعیین نشده و الحق مقام وزارت مالیه را که در تحت سلطه و اقتدار مستر شوستر باشد و نتواند ابداً دخل و تصرفی در حدود مصارفی که مستر شوستر معین نموده بنماید کمتر کسی پیدا خواهد شد که اختیار نماید.

از قرار مذکور رئیس‌الوزراء در تجسس شخصی است که بتواند در مقابل شوستر مقاومت بنماید. یك همچو شخصی هم مشکل است بدست بیاید. برای حصول رأی مجلس در محدود نمودن اختیاراتی که بموجب قانون ۱۳ ژوئن به مستر شوستر داده

www.adabestanekave.com

شده مذاکرات بسیار بمیان آمده. واقعاً مصمم شده بودند که در باب تکسیر[1] اختیارات او در مجلس مذاکره بنمایند ولی هیچوقت وقوع حاصل ننمود چون در جلسهٔ ۲۳ شهر حال وقتی که وزرا پیشنهاد نمودند که برای مذاکرات لازمه مجلس باید خصوصی بشود فرقهٔ دموکرات ملتفت شدند که چه پیش خواهد آمد همگی از پارلمان خارج شدند که عدهٔ لازمه برای اکثریت آراء ناقص شود.

از آن زمان بعد از ملاقاتهای عدیده بین شوستر و کابینه از عزم محدود نمودن اختیارات خزانه‌دار کل منصرف شده‌اند و قرارداد موقتی بین آنها مستقر گردیده اگرچه نمی‌توان امید داشت که اختلال بین مستر شوستر و کابینهٔ حاضره مرتفع‌بگردد و ایجاد کابینهٔ مقتدری را هم واقعاً نمی‌توان انتظار داشت حتی هر قدر هم شرایط مافوق ملت‌خواهی در آنها جمع باشد. محلهای خالی درکابینه گمان‌نمی‌رود به‌این‌زودی پر بشود و هیئت وزارتی قدرتمندی بدون معیت مستر شوستر از محالات است و متأسفانه برای تهیهٔ چنین کابینه‌ای که حقیقتاً با او موافقت نموده و معاً مشغول کار بشوند باید متوسل به نمایندگان ملت شد و یك همچو کابینه در اندك زمانی دولت روس را به هیجان آورده عنان صبر و تحمل را از کف او خارج خواهد نمود.

جارج بارکلی

نمره ـ ۱۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۲ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۱۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۹ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار صورت وقایع ماهانهٔ ایران را برحسب معمول لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

صورت وقایع ایران در ماه اکتبر

طهران

اعمال نظامی ـ شکست سالارالدوله در ۲۷ سپتامبر در تحت شرح علیحده عرض شده. امیر مفخم و سردار جنگ و معین‌همایون پس از آن رجعت به طهران نمودند و سردار ظفر و سردار محتشم و سردار بهادر در حوالی همدان توقف نمودند. پیرم که تازگی منصب سرداری به او اعطا شده در ۲۲ اکتبر رجعت به طهران نمود.

مجلس ـ قانون انتخابات بالاخره از مجلس گذشت. قانون مزبور مبنی بر انتخاب مستقیم است و ۱۳۶ نفر وکیل بجای ۱۲۰ نفر سابق. در ۵ اکتبر لایحهٔ درخواستی که ۴۱ نفر از وکلاء امضاء نموده بودند قرائت شد مشعر بر اینکه هیئت دولت آنچه اسناد

---

۱) تکسیر = در اینجا بمعنی کاهش آمده است. ـ م.

و نوشتجات راجع به آنتریگ و تحریکات به مخالفت دولت در دست دارند به مجلس ارائه دهند ولی جواب این تقاضا تاحال از هیئت وزراء نرسیده. در ۱۵ اکتبر تلگرافی از ملا کاظم خراسانی مجتهد اعظم نجف خطاب به نایب‌السلطنه و مجلس مبنی‌بر شکایت از بی‌اعتنائی در طهران به اوامر و نواهی مذهبی قرائت شد ولی ظاهراً چندان جالب توجه نگردید.

تبریز

در اواخر سپتامبر [از طرف] چند نفر از یاغیان به دو نفر از تلگرافچیان انگلیسی مستخدمین کمپانی تلگراف هند و اروپ که برحسب خواهش جنرال‌قنسول روس در فاصلهٔ کمی از شهر تبریز مشغول تعمیر سیم بودند [تیر] شلیك شده به هیچیك از آنها صدمه‌ای نرسیده و عجالتاً این واقعه ختم شده است. شجاع‌الدوله هنوز در محاصرهٔ شهر مداومت دارد و در اواسط اکتبر مجادلهٔ سختی واقع شده که ملتیان به محلهٔ (قره‌ملك) که در تصرف متمردین بود حمله برده و ۲۵ نفر از آنها مقتول و ۳۰ نفر مجروح گردیده.

قنسول انگلیس بموجب خبر موثقی راپورت می‌دهد که رحیم‌خان شاه‌پرست یاغی معروف را مخفیانه در محبس تبریز مقتول نموده‌اند. مجلل‌السلطان پیشخدمت شاه مخلوع را که در زمان ورود ارشدالدوله وارد ایران شده بود بواسطهٔ مخالفتی که در اردو نموده بود شجاع‌الدوله دستگیر نموده و مخلولا به مراغه فرستاد.

گیلان و مازندران

در ۲۰ اکتبر تلگرافی از وکیل قنسولگری انگلیس از استراباد رسید مبنی بر اینکه شاه مخلوع در خواجه نفس که در چند میلی و طرف جنوب کمش‌تپه [کومش‌تپه] واقع است متوقف است. در ۳۰ اکتبر خبر شکست قشون دولتی را که مرکب از ۲۰۰ نفر در تحت سرکردگی سردار محیی بوده‌اند از ترکمنهای متابعین شاه مخلوع مخابره نمود.

مذکور است که سردار محیی فرار نموده و خوف آن می‌رود که ترکمنها به استراباد حمله بنمایند. ظهیرالدوله حکمران جدید گیلان از طهران بعزم مقر حکومت خود حرکت نمود. در سلخ اکتبر متجاوز از صد نفر قزاق روسی برای ملحق شدن به مستحفظین قنسولگری وارد انزلی شدند.

مشهد

شاهزاده رکن‌الدوله به [فرمان]فرمائی خراسان منصوب شد و عنقریب از طهران عزیمت خواهد نمود.

وضع آن صوبه به سکونت باقی است. شهر مشهد مغشوش نبوده ولی طرق برحسب معمول در تحت حملات سارقین بوده.

نیشابور جزو حکومت خراسان شده ولی شاهزاده نیرالدوله که اول ملاك آنجا است ساعی است که آنجا را مجدداً مجزی نموده و حکومتش را قبول کند.

اصفهان

بعضی از قوافل مجاهدت نمودند که از اصفهان به شیراز و از شیراز به اصفهان مسافرت بنمایند. یکی از آنها که تقریباً مرکب از ۴۰۰ قاطر بوده از طریق سرحد بدون مصادف شدن با آسیبی در اواسط سپتامبر وارد اصفهان شد. خبرهای متواتره از سرقتهای در جاده بین اصفهان و قمیشه [قمشه] می‌رسد و نسبت آن را به طایفهٔ کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] می‌دهند. قافلهٔ بزرگی شتر با محمولات قماش در ۲ اکتبر سالماً از همدان وارد شد. تردد در راه اصفهان به اهواز (راه بختیاری) مدتی است مقطوع شده و در ۷ اکتبر ۲۱۷۳ عدل مال‌التجاره برای حمل به اهـواز در اصفهان معطل بوده. قافله مرکب از ۸۰۰ شتر با محمولات تنباکو از اصفهان حرکت نمودند ولی پس از استماع بودن سارقین در راه احمال خود را ریخته و به اصفهان رجعت نمودند. از قرار مذکور سردار اشجع بختیاری حکمران اغلب امورات را محول به زیردستان خود که حریص و بی‌کفایت هستند نموده.

انجمن ولایتی بعد از ورود این حکمران در ماه مه ماضی دیگر منعقد نگردیده.

حیدرخان ترور [= تروریست] قفقازی در اواخر سپتامبر از شیراز با یك عده تابعین مسلح بعزم طهران حرکت نموده. او و همراهانش را در اصفهان خلع‌سلاح نمودند. خانم رس را که از اصفهان به شیراز می‌رفته سارقین لخت نموده و کتك زده‌اند. در ۲۰ اکتبر پست از شیراز به اصفهان که ۳۰۰ نفر سرباز همدانی به‌اتفاق آن بوده با ۲۰۰ نفر کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] مصادف شده و بعد از مجادلهٔ بسیار سختی آنها را مغلوب و پست را به غارت برده‌اند. سرقتهای متعدد از مـال‌التجارهٔ انگلیس واقع شده و علی‌الرسم دعوی غرامت آنها از مأمورین محلی شده‌است.

طایفهٔ بوئر احمدی در اواسط اکتبر به قریه‌ای در حوالی آباده حمله برده و آن را بکلی غارت نمودند. دستهٔ قزاقی که در تحت فرمان دو نفر صاحب‌منصب روسی به کاشان برای مقابله با نایب‌حسین اعزام شده بود در ۱۳ اکتبر به مقصد خود وارد شده و پس از بمباردمان شهر وارد به آنجا شده و ملاحظه نمودند که نایب‌حسین فرار کرده ــ ۱۰ روز بعد از آن خبر رسید که نایب‌حسین در حوالی قم علی‌الرسم مشغول غارت دهات است. بختیاریهایی‌که از طهران به وطن خود مراجعت می‌نمایند از قرار مسموع در عرض راه مشغول سرقت پست و لخت نمودن مسافرین هستند.

یزد

شاهزاده امیر اعظم والی کرمان پس از مقاومت اهالی بالاخره در اوایـل اکتبر موفق به دخول شهر گردید. چند قتالی متعاقب آن شد و نایب قنسول انگلیس خبر داد که شهر آرام شده است.

سلطان‌آباد

ویس‌قنسول انگلیس در ۱۱ اکتبر خبر داد که وضع سلطان‌آباد نامنظم است و در بعضی نقاط هنوز برای سالارالدوله مالیات جمع‌آوری می‌نمایند و خود سالارالدوله تقریباً با پنج شش هزار جمعیت از طریق ملایر و نهاوند عازم لرستان است.

حاجی سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله که سالارالدوله او را به حکومت عراق نامزد نموده بود بعد از شکست‌خوردن سالارالدوله به ویس‌قنسول انگلیس پناهنده شده ولی عاقبت به طرف طهران حرکت نمود.

شیراز

در ۵ اکتبر نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله از شیراز به طرف جنوب حرکت نمودند و روز بعد از آن قوام‌الملك از قنسولگری انگلیس خارج شد. در اذهان عامه چنین رسوخ نموده که عزیمت نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله بمناسبت اخطار وزیرمختار انگلیس به آنها بوده. وضع شهر شیراز فوراً التیام حاصل نمود و قوام‌الملك از جانب علاءالدوله مهام خطهٔ فارس را در دست خود گرفت و فرمانفرمایی علاءالدوله به فارس و بنادر خلیج در ۱۰ اکتبر علناً در شیراز انتشار داده شد.

صولت‌الدوله قبل از حرکت از شیراز آشکارا بیان نمود که در راه بوشهر اغتشاش خواهد نمود و بقول خود هم عمل نموده خبر اغتشاش و چپاولهای متابعین او بیش از آنچه بتوان شرح داد می‌رسد. به خطوط تلگراف هم از طرف شمال شیراز هم از طرف جنوب قشقاییها و سایر طوایف خیلی خرابی وارد نموده‌اند و به اشخاصی که برای تعمیر فرستاده می‌شوند صدمه زده و لختشان می‌کنند. سرقت مال‌التجارهٔ انگلیس در جاده‌های جنوب بحدی زیاد شده که نمی‌توان بشمار آورد. نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله بعد از خروج از شیراز از یکدیگر جدا شده‌اند. نظام‌السلطنه تا دالکی رفته و از آنجا به کنار تخته رجعت نموده و صولت‌الدوله در حوالی جره مانده است. دولت ایران حکمی در مردود بودن نظام‌السلطنه و ضبط شدن اموال او صادر نموده‌اند و قصد دولت مزبور این است که اگر ممکن بشود او را دستگیر بنمایند.

صولت‌الدوله را از شغل خودش منفصل نموده‌اند و ایلخانیگری قشقایی را به ضیغم‌الدوله برادر او تفویض نموده‌اند و مشارالیه در ۲۶ اکتبر از طهران به عزم شیراز حرکت نموده.

علاءالدوله هنوز از طهران حرکت ننموده و اظهار می‌دارد پس از آنکه خزانه‌دار کل یك مبلغی پول در شیراز تهیه بنماید او حرکت خواهد نمود چون برای پرداخت حقوق سوار عرب که در شیراز است پول لازم است. مستر شوستر هم تا حال از پرداخت پول امتناع نموده و می‌ترسد آن بی‌رویه خرج بشود.

خزانه‌دار کل، مستر شیندلر را که سابقاً مستخدم بانك شاهنشاهی بوده برای نمایندگی از جانب خودش در شیراز انتخاب نموده که در خرج وجوهات ارسالی به شیراز نظارت داشته باشد.

دولت ایران خبر می‌دهد که استعداد زیادی به اتفاق علاءالدوله به شیراز اعزام خواهد شد و قزاقهایی هم که حالیه در کاشان هستند جزو آن استعداد خواهد بود. ۵۰۰۰ نفر قشونی که در ماه مارس سنهٔ ماضیه در شیراز گماشته شده بود بدون پرداخته شدن حقوقشان تحلیل رفتند بجز ۳۰۰ نفر از آنها که برای حقوق ۹ماههٔ خودشان فشار آورده و حالا در خارج قنسولگری متحصن شده‌اند.

سیستان

ناامنی طرق اطراف سیستان ممتد است و از اغتشاش طرق جنوبی و غربی قاینات هم خبر رسیده. غارتگران بلوچی در نقاط غربی قاینات مشغول شرارت هستند ولی نمایندهٔ حکمران جدید کرمان سردار نصرت مشغول اقدامات برای جلوگیری از آنها است.

کرمان

قنسول انگلیس در ۷ سپتامبر می‌نگارد که وضع کرمان بحدی بد است که از زمان ورود خودش در ماه مه ۱۹۱۰ به آنجا تا حال هیچ‌وقت به این بدی نبوده. حکومت محلی نه در شهر دارای قدرتی است نه در نواحی. نرخ نان و گوشت در ترقی است و اسباب نگرانی اهالی شده و والی کرمان هنوز در یزد است. سه فقره سرقت در ماه سپتامبر در جادهٔ بندرعباس واقع شده و مال‌التجارهٔ بعضی از تجار هندو به سرقت رفته. پست متصل در راه یزد و بندرعباس و سایر طرق سرقت می‌شود.

کرمانشاه و همدان

در ۸ اکتبر سردار ظفر و سردار جنگ خوانین بختیاری تلگرافی از همدان خطاب به علماء و تجار کرمانشاه مخابره نموده از ورود خودشان اطلاع داده و دستورالعمل داده بودند که عضدالسلطان حکمران از جانب سالارالدوله را توقیف بنمایند. شاهزاده عضدالسلطان از این خبر مستحضر شده به شهبندرخانهٔ عثمانی پناهنده شد.

پس از شهرت‌یافتن تلگراف مزبور اهالی هر یك از سواران کلهر را در معابر به دست می‌آوردند لخت می‌کردند. عضدالسلطان بالاخره از کرمانشاه خارج شده و به طرف بغداد رفت.

سالارالدوله ۳ اکتبر با عدهٔ قلیلی متابعین خود از طریق تویسرکان از همدان حرکت نمودند و قراء در عرض راه خود را غارت کردند. ۴ اکتبر قشون دولتی وارد شورین که در نزدیکی همدان است شدند و منزلهای امیر افخم و پسران او احتشام‌الدوله و حسام‌الملك را یکسره غارت نمودند. سردار ظفر حکومت همدان را قبول نموده. در ۱۵ اکتبر سردار مظفر (داود خان رئیس ایل کلهر) از حوالی کرمانشاه به عزم مسکن ایلیاتی خود حرکت نمود. در ۱۳ اکتبر مراسلات چند از سالارالدوله که از لرستان نوشته بود به کرمانشاه رسید مبنی بر اینکه قشون‌جمع‌آوری

نموده و بفرستند که به او ملحق شود. در جواب، خود او را به کرمانشاه دعوت نمودند.

بوشهر

در ۲۷ اکتبر قشون هندی عازم شیراز وارد شدند و در روز ۳۰ اکتبر پیاده شدن آنها به خشکی انجام پذیرفت بدون اینکه صدمه و آسیبی به آنها وارد شود. مجتهدین بوشهر به تخویف قایقچیان و دیگران در صدد تحریم امتعه (بایکات) برآمدند ولی بالاخره برطرف شد. موقرالدوله حکمران بنادر خلیج به علاءالدوله تلگراف نموده است که ضمیمه شدن حکومت بنادر به فارس مخالف مقام و ابهت خودش است. مشارالیه اظهار می‌دارد که اگر این ترتیب تغییر داده نشود استعفاء خواهد داد. اگر واقعاً علاءالدوله به شیراز برود یحتمل او مجدداً دریابیگی را بـه حکومت بنادر خلیج منصوب بنماید.

بندرعباس

راه بندرعباس به کرمان بواسطهٔ کثرت سارقین بکلی مسدود شده و قوافل تردد نمی‌نمایند.

نمره ـ ۱۴۰

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

طهران ۳ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق ۱۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار سواد دو فقره یادداشتی را که پس از وصول تلگراف ۲۱ اکتبر شما به دولت ایران نوشته‌ام بانضمام سواد مکاتباتی که در تعقیب آن یادداشتها راجع به ازدیاد استعداد قنسولگریهای انگلیس در بوشهر و شیراز و اصفهان شده لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

ضمیمهٔ (۱) نمرهٔ ۱۴۰

سواد یادداشت سر جارج بارکلی به وثوق‌الدوله

طهران ۲۴ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق غرهٔ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۳۱ مهر ۱۲۹۰]

جناب‌وزیر ـ رجوع به یادداشت مورخهٔ ۱۰ اکتبر من و رقیمه‌جات مورخهٔ ۱۱ و ۱۸ اکتبر جنابعالی با کمال احترام خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که قشون اضافی برای قنسولگریهای انگلیس الحال از هندوستان حرکت نموده و بفاصلهٔ قلیل مدتی به بوشهر خواهند رسید. از ترتیب تقسیم این قشون هم بموقع خود خاطر محترم را مستحضر خواهم نمود و ضمناً خاطر مبارك را مطمئن بدارم که اگر دولت ایـران

نقشه و ترتیب مؤثری برای اعادهٔ تأمین و محافظت طرق طرح بنمایند قشون انگلیس فقط برای حفظ قنسولگریها و جان و مال اتباع انگلیس در داخلهٔ شهرها استعمال خواهد شد و مادامی که نقشهٔ دولت ایران بموقع اجراء گذارده می‌شود قراسورانی طرق و حرکت نظامی در راهها نخواهند نمود. وقتی که اقدامات دولت ایران بموقع اجرا گذارده و مؤثر واقع شد قشون اضافی مزبور عودت داده خواهد شد.

جارج بارکلی

ضمیمهٔ (۲) نمرهٔ ۱۴۰

یادداشت سر جارج بارکلی به وثوق‌الدوله

طهران ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱ [۳۱ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

جناب وزیر ــ رجوع به یادداشت امروز من دائر بــه اطلاع‌دادن از ورود تقریبی قشون اضافی انگلیس به بوشهر، با کمال احترام تمنا می‌نمایم که احکام لازمه برای تسهیل گذشتن قشون مزبور از گمرك صادر بشود. و نیز خواهشمندم تعلیمات لازمه به حکمران بنادر خلیج فارس داده بشود که در پیاده نمودن قشون و اعزام عده‌ای که باید به شیراز و اصفهان بروند کمال تقویت و مساعدت را بــا جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر بنماید.

جارج بارکلی

ضمیمهٔ (۳) نمرهٔ ۱۴۰

یادداشت سر جارج بارکلی به وثوق‌الدوله

طهران ۲۶ اکتبر [۱۹۱۱] مطابق ۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲ آبان ۱۲۹۰]

جناب وزیر ــ رجوع به دو فقره یادداشت مورخهٔ ۲۴ اکتبر من در باب ورود قشون اضافی به بوشهر برای جنرال قنسولگری بوشهر و قنسولگریها در شیراز و اصفهان، با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که حکمران بنادر خلیج به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر اظهار نموده است کــه اگرچه شخصاً هم درخــواست دستورالعمل از مرکز را نموده ولی هنوز تعلیمات در این باب به او داده نشده و بنابراین نمی‌تواند در پیاده نمودن قشون با جنرال قنسول همراهی بنماید. بعلاوه به من خبر رسیده که قایقچیان و سایر مردم را تحریك نموده و مجاهدات می‌نمایند که برای ورود قشون انگلیس بلوا بنمایند. لازم به اظهار من به آنجناب نیست که هر مخالفتی در ورود قشون انگلیس چه عاقبت وخیمی را سبب خواهد شد ولی بایــد خواهش بنمایم که تعلیمات سریع به حکمران بنادر خلیج داده بشود که کمال معاضدت را با جنرال‌قنسول انگلیس مقیم بوشهر نموده و نهایت مجاهدت و کوشش را در جلوگیری از هر انقلاب و مخالفتی برعلیه [= علیه] ورود قشون انگلیس بنماید.

جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

ضمیمهٔ (۴) نمرهٔ ۱۴۰

مراسلهٔ وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹* [۶ آبان ۱۲۹۰]

جنابا ـ مرقومهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۲۴ اکتبر در باب ورود قشون اضافی برای محافظت قنسولگریها واصل و از مضمون آن آگاهی حاصل آمد و محترماً اظهار می‌دارم که دولت ایران در پرتست خودش به ضد این اقدام که در مراسلات مورخهٔ ۱۱ و ۱۸ اکتبر خودم به آن جناب اطلاع داده‌ام باقی است. دولت ایران هنوز به این خیال باقی است که حضور این قشون بزرگترین مانع پیشرفت اقدامات خودش در باب استقرار نظم در فارس خواهد بود.

لهذا باید محترماً خاطرنشان آن جناب بنمایم که دولت ایران برای اغتشاشی که از مخاصمهٔ بین اهالی حادث شده و علت دوام آن فقط سرگرم شدن دولت ایران در حوادث غیرمنتظرهٔ شمال و غرب بوده دولت انگلیس را در احضار قشون برای حفظ قنسولگریهای خود محق نمی‌داند.

چنانچه قبل از این کراراً خاطر آن جناب را متذکر نموده‌ام دولت ایران تصور می‌کند نقشهٔ اقداماتی که برای اعادهٔ نظم و حفظ جان و مال اتباع انگلیس در آن نقاط طرح نموده است مکفی است و بنابراین، در ابقاء پرتست سابق خود مداومت دارد.

وثوق‌الدوله

ضمیمهٔ (۵) نمرهٔ ۱۴۰

مراسلهٔ وثوق‌الدوله به سر جارج بارکلی

طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۱ [۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

جنابا ـ رقیمهٔ شریفهٔ جنابعالی مورخهٔ ۲۶ شهر جاری در باب ورود قشون اضافی برای قنسولگریها به بوشهر واصل گردید و محترماً خاطر آن جناب را مستحضر می‌دارم که تلگرافات لازمه در این موضوع به حکومت بوشهر مخابره شد.

در خصوص هیجان اهالی که آن جناب جلوگیری آن را خواستار شده‌اند خاطرنشان جنابعالی می‌نمایم که هیچ دولتی نمی‌تواند سد احساسات عامه را بنماید و در این خصوص جلوگیری‌نمودن برای دولت ایران غیرممکن است. اینکه در مراسلات ۱۱ و ۱۸ شهر حال خودم ذکر نموده بودم که ورود قشون باعث اخلال اجرای اقدامات‌منظوره خواهد شد نه‌فقط نظر به این بود که فتوری در نقشهٔ منظوره دولت وارد خواهد شد بلکه هیجان عامه هم پیش‌بینی شده بود که محتمل است تولید اشکالات جدیده هم بنماید.

حالا که بروز هیجان عامه مشهود گردید دولت ایران نهایت سعی را در دفع مخالفت

---

* اصل: ۱۰ ذی‌قعده که غلط است. ـ م.

عمومی خواهد نمود ولی مسلماً جنابعالی اذعان خواهید نمود که از این‌گونه احساسات و هیجان عامه نمی‌توان جلوگیری نمود چون آن بروز شور و حس بشری است.
وثوق‌الدوله

نمره ـ ۱۴۱

مراسلهٔ میرزامهدی‌خان به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)

وزیر مختار ایران پس از تقدیم مراسم ارادت به سر ادوارد گری راجع‌به ملاقاتهای خودش در وزارت خارجه در باب وضع سلوك جدید دولت روس با ایران با کمال‌احترام ترجمهٔ تلگرافی که الساعه از دولت متبوعهٔ خودش به او رسیده و مبنی به قصد دولت روس در اعزام قشون به ایران است لفاً ارسال می‌دارد. وزیرمختار ایران با نهایت آرزومندی عطف توجه سریع سر ادوارد گری را به این مسئله استدعا می‌نماید. فردای دوشنبه صبح هم خودش در وزارت خارجه شرفیاب خواهد شد.

برای اینکه دفع وقت نشده باشد وزیرمختار ایران فوراً تلگراف دولت متبوعهٔ خودش را ارسال خدمت سر ادوارد گری می‌نماید.

(لندن سفارت ایران ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱) [۲۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

ترجمهٔ تلگراف دولت ایران به میرزامهدی‌خان

۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آبان ۱۲۹۰]

دیروز ساعت ۵ بعد از ظهر مترجم سفارت روس به وزارت خارجه آمده و اظهار داشت که روابط دیپلوماسی بین سفارت و وزارت امور خارجه قطع است و قشون به ایران اعزام خواهد شد.

من به سر جارج بارکلی اطلاع داده‌ام که جواب وزیرمختار روس به طفره نگذشته است بلکه تأخیر در جواب بواسطهٔ بحران کابینه بوده است. کابینهٔ جدید امشب یا فردا صبح تشکیل خواهد شد و پس از آن جواب یادداشت سفارت روس فرستاده خواهد شد.

بنابراین دولت روس قبل از فرستاده‌شدن جواب یادداشت آنها باید از شروع بهر اقدامی احتراز نماید. وقتی که کابینه تشکیل یافت و تقاضای روس بواسطهٔ فرس ماژور (قوهٔ قهریه) پذیرفته شد دیگر علتی برای قطع روابط دیپلوماسی (پلتیکی) و اعزام قشون باقی نخواهد ماند. در این ساعت ما کاملا امیدوار به دولت انگلیس هستیم که در این موقع روابط وداد قویم قدیم خودشان را به منصهٔ ظهور و بروز برسانند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
طهران ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیقعدهٔ [۱۳۲۹؛ ۲۶ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ نوامبر خودم در باب مستحفظ برای خانم رس، قشون دیروز از شیراز حرکت کرد.

نمره ـ ۱۴۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
طهران ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۱۸ نوامبر من:
امید وزیر امور خارجه در برطرف‌شدن تزلزل کابینه انجام‌پذیر نشد. انعقاد مجلس به طول انجامید و بالاخره مجلس به تشکیل کابینهٔ جدیدی که پیشنهاد شده بود رأی نداد.
مجلس عجالتاً تشکیل کابینه را که به تقاضاهای روس تمکین بنماید تصویب نمی‌کند.

نمره ـ ۱۴۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیقعدهٔ [۱۳۲۹؛ ۲۷ آبان ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۳۰ اکتبر شما:
سپاهیان مستحفظ در ۱۸ نوامبر از شیراز حرکت نمودند. قنسول شیراز خبر می‌دهد دو نفر تبعهٔ ژاپون را که به آنها اخطار شده بود سپاهیان ما مسئول تأمین آنها نیستند و جلوتر از سپاهیان مسافرت می‌کردند دیروز درحوالی‌دشت‌ارژن یك‌دسته بوئراحمدی بکلی عریان نمودند.
قنسول به سپاهیان امر نموده است که از آنجا جلوتر نروند تا یك عده استعداد ایرانی که حکومت محلی درصدد اعزام آن هست از عقب برسد و کوههای آن حوالی‌را سنگر بنمایند که اطمینانی در تأمین مسافرت سپاهیان حاصل بشود و اگر در سلامت عبور نمودن از آنجا سوءظنی دارند به زینیان [=خان‌زنیان] مراجعت بنمایند.
من اقدام فوق را تصویب نموده‌ام.

نمره ـ ۱۴۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۷ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
ما دلایل بین داریم و معتقدیم که اگر دولت ایران به دعاوی روس تمکین بنماید

قشون روس عودت داده خواهد شد. به دولت ایران این را اطلاع بدهید و خاطرنشان آنها بنمایید که در تمکین به تقاضاهای روس دفع وقت را جایز ندانند.

نمره ـ ۱۴۶

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۷ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۸ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

در ملاقات امروز عصر خودم با مسیو نراتوف چنانچه در تلگراف ۱۷ نوامبر خودتان دستورالعمل داده بودید در باب مستر شوستر مذاکره نمودم. مسیو نراتوف از این مذاکره اظهار کمال رضایت را نمود. در مذاکرهٔ راجع به قشون روس سؤال نمودم چه وقت واقعاً قشون روس عودت داده خواهد شد. مسیو نراتوف جواب داد که اگر بمحض رسیدن قشون روس به خاك ایران دولت ایران به تقاضاهای پیشنهادشدهٔ دولت روس تمکین بنماید دولت روس بدون پیشنهادنمودن‌تقاضای‌دیگری قشون خود را معاودت خواهد داد. از طرف دیگر اگر قشون مجبور به پیش‌رفتن از سرحد بشود آن وقت برای دولت روس لازم خواهد بود که به تقاضاهای خود بیفزاید و در این صورت یحتمل دولت روس اصرار به انفصال شوستر بنماید.

نمره ـ ۱۴۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۷ آبان ۱۲۹۰]

وزیرمختار ایران امروز به ملاقات من آمده و در باب حرکت قشون روس مذاکره نمود.

من به او گفتم در اساس تقاضا من نمی‌توانم مذاکره‌ای بنمایم چون در اموال مابه‌النزاع منافع دولت روس منظور است نه منافع دولت انگلیس. سبك رفتار مستر شوستر هم نسبت به دولت روس کلیتاً بحدی بی‌اعتناء بلکه مهیج بوده که نمی‌توان متوقع بود که دولت روس در این مسئله ملایمت بنماید. پس از آن وزیرمختار ایران از من مصلحت خواست. من اظهار داشتم دولت ایران هیچ چاره‌ای نخواهد داشت مگر اینکه به دو فقره از تقاضاهای روس تمکین بنماید یکی ترضیهٔ رسمی خواستن و دیگری نصب نمودن قزاق بجای ژاندارم خزانه. و نیز اظهار نمودم که این تمکین فوراً باید بشود چون بواسطهٔ شرایط نمودن وقت گذشته است. او جواب داد دولت ایران به این دو تقاضا فوراً تمکین خواهد نمود و او می‌تواند قول بدهد که این تمکین به وقوع خواهد رسید در صورتی‌که به دولت ایران اطمینان داده بشود که قشون روس دیگر جلوتر نخواهند رفت و اگر ما هم مداخله در این امر بنماییم. وزیر مختار مزبور به این مطلب هم اشاره نمود که اگر دولت متبوعهٔ او تمکین به تقاضای فوق

بنماید و قشون عودت داده نشود حال دولت ایران تحمل‌ناپذیر خواهد بود.

من اظهار نمودم که من از جانب دولت روس نمی‌توانم در باب قشون روس اطمینان بدهم و گمان هم نمی‌کنم دولت روس در مسئله‌ای که باعث اخلال شرف (هنر)۱ خود فرض نموده مداخلهٔ رسمی از طرف دیگران را قبول بنماید. منتهی اقدامی که من بتوانم بکنم این است که بیانات وزیرمختار ایران را در سن‌پطرزبورغ مفهوم بدارم.

شما به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید بر من همچو مشهود شده که مسئله اصلاح‌پذیر خواهد شد و اگر دولت روس میل داشته باشند من حاضرم که ارادهٔ آنها را رسماً در تحت مذاکره بیاورم.

شما ممکن است رأی خودتان را هم منضم نموده و از قول خودتان به وزیر امور خارجه پیشنهاد بنمایید که چون به توسط من شنیده‌اید که دولت ایران برای تمکین به تقاضاهای دولت روس حاضر است خوب است به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] اجازه بدهد که مسئله را یا بطور غیررسمی در طهران ختم نماید یا بطریق رسمی به وسیلهٔ تجدید روابط دیپلوماسی (پلتیکی).

نمره ـ ۱۴۸

مراسلهٔ سر اسپرینگ‌رایس به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ نوامبر)

استکهلم ۱۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر می‌دارم که در روزنامهٔ امروز اسامی ۷ نفر صاحب‌منصبانی را که وزارت جنگ برای رفتن به ایران و تأسیس ژاندارمری نامزد نموده درج نموده بودند و نیز در روزنامهٔ مزبوره مسطور است که دیگر انتخابی نخواهد شد و همچو معلوم است که نظر به احتمال وقوع اختلال بهمین‌زودیها در اوضاع ایران، خیال ندارند دیگر صاحب‌منصبی برای اصلاح قشون ایران بفرستند. بنابراین چنین استنباط می‌شود که از خیال اصلاحات قشونی منصرف شده‌اند.

اسامی صاحب‌منصبان از قرار ذیل است:

کاپیتان کلمستدت: گارد حافظ گتا. در سنهٔ ۱۸۷۱ متولد شده و در سنهٔ ۱۸۹۳ داخل خدمت نظامی شده و در سنهٔ ۱۸۹۴ مأمور به خدمت در «کانگو فری‌استیت» شده و در سنهٔ ۱۸۹۸ از آنجا مراجعت نموده و در سنهٔ ۱۹۰۸ به منصب کاپیتانی مفتخر شده.

کاپیتان فلك: اجزای فوج وارم‌لاند. در سنهٔ ۱۸۷۹ متولد شده و در هذه‌السنه به درجهٔ کاپیتانی نایل گردیده.

ریت میستر سیف‌ورت: اجزاء فوج سوارهٔ اسکانیا. در سنهٔ ۱۸۷۵ متولد شده.

---

۱) اصل: اخلال (هنر) شرف خود. ـ م.

نایب کنت لونهاپت: اجزاء فوج سوارهٔ مجرد اسکانیا. در سنهٔ ۱۸۷۷ متولد شده و در سنهٔ ۱۹۰۳ به منصب نایبی نایل گردیده. مشارالیه پسر وزیرمختار سابق دولت سوئد در لندن است که بعد هم وزیر امور خارجه شد.

نایب برل: اجزاء فوج پیاده‌نظام گتلند. در سنهٔ ۱۸۸۲ متولد شده و در سنهٔ ۱۹۰۷ به رتبهٔ نایبی‌نایل گردیده.

اینتذنت نیکلین: اجزاء دستهٔ خدمتگذار [= خدمتگزار] قشونی. در سنهٔ ۱۸۷۸ متولد شده.

نایب نرل برندل: اجزاء فوج جنگپینگ. در سنهٔ ۱۸۸۰ متولد شده و در سنهٔ ۱۹۰۶ به منصب نایبی نایل گردیده.

اسپرینگ رایس

نمره ـ ۱۴۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ نوامبر)

طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۰ نوامبر من ـ سپاهیان بدون آسیبی مسافرت خود را ممتد نمودند.

نمره ـ ۱۵۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ نوامبر)

طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۸ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۹ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

چنانچه در تلگراف ۱۶ شهر حال خودتان دستورالعمل داده بودید فرمایشات شما را به استکس ابلاغ نمودم. می‌ترسم بالاخره من نتوانم او را به حرکت مجبور بنمایم.

استکس اظهار می‌دارد قبل از آنکه ما به مستر شوستر اخطار نمودیم که استکس باید قبل از منصوب شدن به شغلی از خدمت سابقهٔ خودش استعفاء بدهد او به شوستر قول داده بوده است که استخدام دولت ایران را قبول بنماید. بنابراین استکس استدعاء دارد به مطلبی که به توسط من از شما خواهش نموده بود به وزیر هندوستان برسانید، جواب صریح داده بشود که اقلا او بداند فقط بقوهٔ قهریه (فرس ماژور) بوده است که مجبور به نقض قول خود که به شوستر داده بوده است شده.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۵۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ نوامبر)
طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۸ آبان ۱۲۹۰؛ ۲۹ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۲۰ نوامبر شما:

صمصام‌السلطنه کابینه‌ای تشکیل داده است و فقط کسالت مزاج او مانع از معرفی شدن امروز آنها به مجلس شده. من یقین دارم که فردا آنها را معرفی خواهد نمود.

حکمی به امضای تمام وزراء خطاب به مستر شوستر صادر شد که ژاندارم خود را برداشته و اموال را به مأمورین دولت ایران تحویل بنماید و به قزاقخانه هم امر شده است که مستحفظ به منزل شعاع‌السلطنه بفرستد. استفسار شد که آیا ترضیه‌خواستن شارژدافر ایران در سن‌پطرزبورغ استرضای دولت روس را فراهم خواهد نمود؟ من جواب دادم یقین ندارم که استرضای آن دولت را فراهم بنماید و استفسار در این باب از آنجا هم باعث اتلاف وقت گران‌بها است. حالا من مطمئنم که بمحض معرفی شدن کابینه به مجلس، وزیر امور خارجه ترضیه خواهد خواست. وزیر امور خارجه از من تمنا نموده که تشکرات او را برای زحمت شما در این باب تبلیغ بنمایم.

نمره ـ ۱۵۲

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آبان ۱۲۹۰]
تلگراف ۲۱ نوامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر است.

... به وصول تلگراف ۲۰ شهر حال شما ـ من مسیو نراتوف را ملاقات نموده و در موضوع مذاکرهٔ وزیرمختار ایران با شما با آن‌جناب مذاکره نموده و از امکان اصلاح‌پذیر بودن واقعه او را مستحضر نموده و گفتم که اگر دولت اعلیحضرت امپراطوری مایل باشند وزیر امور خارجهٔ انگلیس حاضر است که مقاصد آنها را رسماً با دولت ایران مذاکره بنماید. مسیو نراتوف اظهار داشت که مذاکرهٔ وزیرمختارایران خیلی جالب اهمیت است چون از آن بی‌قراری دولت ایران مشهود می‌شود. آن‌جناب از من خواهش نموده که از حاضر بودن شما برای واسطه واقع شدن تشکر بنمایم. اگر قبل از پیاده شدن قشون روس به خاك ایران این علائم اصلاح و تمکین به تقاضاهای روس ظاهر شده بود ممکن بود اطمینانی که دولت ایران خواسته است داده بشود ولی حالا این مسئله را باید با رئیس‌الوزراء مشورت بنماید.

مع‌هذا اگر واقعهٔ حاضره را بتوان وسیلهٔ استقرار اوضاع صحیحی در طهران قرار داد برای هر دو دولت نافع خواهد بود.

فعلا مشروطه نقطهٔ واحد قرار داده شده و مجلس قدرت کاملی را به خود انتساب داده که بهیچوجه حق آن را ندارد. بنا بعقیدهٔ آن‌جناب لازم است ترتیب مجلس مزبور محدود به مجمع قانونی ساده بشود که اقدام در تأسیس مجلس سنا بنمایند و اقتدارات

نایب‌السلطنه را زیادتر بنمایند. باضافه حاصل‌نمودن انفصال مستر شوستر هم لازم است چونکه مادامی که او در طهران متوقف باشد اینطور واقعات از قبیل تعیین مستر لکفر هرگز خاتمه نخواهد پذیرفت بجهت اینکه بر فرض این کنترات مسیولکفر هم فسخ بشود هیچ اطمینانی نداریم که در آتیه از این قبیل انتخابات متعدد نخواهد شد.

من جواب دادم اگر بنا باشد قشون روس در ایران متوقف باشند تا این پروگرام بموقع اجراء گذارده شود چندین ماه توقف آنها در ایران طول خواهد کشید. من به آن جناب پیشنهاد نمودم بهتر آن‌است همینکه وزیر امور خارجهٔ ایران از مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] ملاقات نموده و ترضیه خواست مسیو پکلوسکی ممکن است اظهار بدارد که قشون به این امید عودت داده می‌شود که دولت ایران ترتیباتی با دولت روس در اصلاح تمام مسائل معوقه بدهد و روابط دولتین را بر مبنای مودتانه مستدامی مستقر بدارد. من نیز به آنجناب اظهار نمودم که در صورت پیروی باین پیشنهاد از طرف سر ادوارد گری هم کمال تقویت و همراهی با آنها خواهد شد.

مسیو نراتوف جواب داد که همینطور که شما طالب رجعت قشون هستید او هم هست ولی اگر این اقدام بشود دیگر هیچ نوع اطمینانی نخواهد بود که وقایع مشابه به واقعات سابقه اتفاق نخواهد افتاد که مجدداً اعزام قشون لازم بشود.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۵۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ نوامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق سلخ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آبان ۱۲۹۰]

تلگراف ۲۰ نوامبر شما دیروز به من رسید و فوراً بموجب تعلیمات مندرجهٔ در آن عمل نموده و امروز صبح یادداشتی به وزرات امور خارجه پیشنهاد نمودم. اطلاعی که دیشب دولت ایران به من دادند به تلگراف ۲۱ نوامبر من مراجعه بنمایید بی‌شبهه بمناسبت پیغام من بوده چون می‌دانم آن پیغام موضوع بحث اعضای کابینهٔ جدید و بعضی از متقدمین وکلای مجلس واقع شده بود.

نمره ـ ۱۵۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ نوامبر)

من پطرزبورغ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۹ آبان ۱۲۹۰؛ ۳۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۲ نوامبر در ۲۲ مختصراً تلگراف شده.

در ۲۲ شهر جاری مسیو نراتوف به من اطلاع داد در مطالبی که به او اظهارنموده بودم با رئیس‌الوزراء مذاکره نموده ولی چون یك قسمتی از قشون قبل از این وارد

انزلی شده است در هیئت مشاورهٔ کابینه که شب قبل منعقد بوده رأی داده شده است‌که تا اطمینانی از بابت آتیه حاصل نشود قشون مزبور نباید رجعت داده بشود.

مسیو نراتوف توضیح نمود که هرگز چنین قصدی در نظر نبوده که دولت ایران را برای خاتمه‌دادن تمام مسائل معوقهٔ دولت روس ملزم بدارد. آن جناب نیز اظهار داشت که اعزام قشون نه فقط باعث حدوث ناملایمات برای دولت روس شده بلکه مصارف بسیاری هم به آن تعلق گرفته و دولت روس باید مطالبهٔ مصارف مزبور را هم پیشنهاد بنماید.

بالاخره من به مسیو نراتوف تأکید نمودم که بهرحال از تجاوز نمودن قشون از رشت ممانعت بنماید. اگرچه او یك اطمینان محتمل و مشروطی در این باب به من داد ولی از وضع تکلم بعد از آن معلوم بود که دولت روس مصمم است قشون خود را از ایران عودت ندهد تا وقتی که از دست مستر شوستر آسوده بشود حتی اگر لازم بشود قشون خود را به طهران هم بفرستد که او را اخراج بنمایند.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق سلخ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آبان ۱۲۹۰]

شما باید بدون تأخیر مفاد تلگرافات دیروز و امروز سر جارج بارکلی را به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید و سعی بکنید غیرلازم بودن ورود قشون را خاطرنشان او بنمایید چونکه دولت ایران ظاهراً بیکی از تقاضاهای روس تمکین نموده.

نهایت لزوم را دارد که اگر به تقاضای روس تمکین بشود دیگر قشون به خشکی پیاده نشود و اگر هم پیاده شده باشد باید معجلا از خشکی رجعت به کشتی بنمایند. من کاملا حاضرم هر نوع پیشنهادی را که دولت روس بخواهد در باب استقرار اوضاع ایران به مبنای بهتری بنماید موضوع بحث قرار بدهم. بهمچنین برای مرتفع نمودن هر قسم اختلاف مهم دیگری که روی بدهد حاضرم.

ترتیبی را که در تلگراف ۲۱ نوامبر خودتان به وزیر امورخارجه پیشنهاد نموده‌اید تصویب می‌نمایم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۵۶

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق سلخ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آبان ۱۲۹۰]

آقا

در ۱۸ شهر حال وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و اظهار داشت پیش رفتن

قشون روس را به قزوین استماع نموده و تصدیق صحت آن را از ما خواست. مستر ملت او را از بیان واقعه مسبوق نموده و به او گفت که یگانه امید برگردانیدن آنها از اشغال طهران و بازداشتن از اضافه نمودن تقاضاهای خودشان تمکین فوری به شرایط دولت روس است و نیز به وزیرمختار مزبور اظهار داشت که علی‌الظاهر یکی از علتهای عمدهٔ جلو رفتن قشون میل به انفصال مستر شوستر است.

ادوارد گری

نمره ـ ۱۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری [واصله در ۲۳ نوامبر]

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ [۲۹ آبان ۱۲۹۰؛ ۳۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹]

قنسول انگلیس مقیم رشت خبر می‌دهد که ۵۰۰ نفر سرباز روسی در ۲۱ نوامبر وارد آنجا شده‌اند.

نمره ـ ۱۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری [واصله در ۲۳ نوامبر]

طهران ۲۳ نوامبر [۱۹۱۱] مطابق غرهٔ ذیحجهٔ [۱۳۲۹؛ ۳۰ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۱ نوامبر من:

در جلسهٔ دیروز مجلس مکتوب رئیس‌الوزراء که مبنی بر معرفی کابینهٔ ناقصی بود قرائت شد وزیر امور خارجهٔ سابق شغل خود را مجدداً قبول نموده. از ظاهر او همچو مستفاد می‌شد که از حضور در آن جلسه نگران است. بهرحال من یقین دارم به‌محض اینکه در مسند خود کاملا مستقر گردید (که او امید دارد امروز خواهد بود) تقدیم ترضیه به سفارت روس خواهد نمود.

دولت ایران به من اطلاع می‌دهند که اقدامات برای ممانعت از ثبت اموال ضبطی ۴ روز یا شاید زیادتر طول خواهد کشید بنابراین نمی‌توان ژاندارم را از اموال مزبور فوراً برداشت.

من مکرر به دولت ایران تأکید نموده‌ام که هر دقیقه تأخیر در انجام مرام دولت روس احتمال بازگشت قشون روس را ضعیف‌تر می‌نماید.

نمره ـ ۱۵۹

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ نوامبر)

سن پطرزبورغ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

تلگراف ۲۳ نوامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر است.

غروب ۲۳ شهر جاری مسیو نراتوف من را احضار نموده و به من گفت که بموجب تلگراف واصله از مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] هیئت جدید دولت ایران که فقط مرکب از سه نفر وزیر است به او اطلاع داده‌اند که تا ۴ یا ۵ روز دیگر قزاق ایرانی بجای ژاندارم خزانه منصوب نخواهد شد و تا این تبدیل مجری نشود وزیر امور خارجه مسیو پکلوسکی را برای تقدیم معذرت ملاقات نخواهد نمود.

بالاخره آن جناب اظهار داشت که مستر شوستر باعث توزیع بعضی اوراق ایرانی راجع به واقعهٔ مابه‌النزاع شده بقصد اینکه هیجانی بر علیه روس برانگیخته شود. این روشی است که دولت روس نمی‌تواند تحمل آن را بنماید و پس‌از مشاوره هیئت وزراء که فردا شب منعقد خواهد شد به مسیو پکلوسکی تعلیمات داده خواهد شد که انفصال مستر شوستر را خواستار شود. پس از آنکه یك همچو تقاضایی بشود برای فشار در اجرای آن تحمل هر مبلغ ضرری را باید کرد. باضافه به مسیو پکلوسکی دستورالعمل داده خواهد شد که فسخ کنترات مسترلکفر را هم خواستارشود و بهمچنین اظهار بدارد که در آتیه اتباع هیچیك از دول معظمه برای خدمات مهمی در ایران نباید انتخاب بشوند و از اتباع هیچیك از دول خارجه بدون مشاورهٔ قبل از وقت با سفارتهای دولتین با این نوع اختیارات نباید به استخدام دولت ایران پذیرفته بشوند.

من سعی نمودم که آن جناب را در تأخیر مخابرهٔ این تعلیمات متقاعد بنمایم تا عقیدهٔ شما را هم در این باب حاصل بنماید ولی فایده نبخشید.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۶۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز شما:

باید به دولت روس تأکید بنمایید که در صورتی‌که دولت ایران به تقاضای روس تمکین نموده نباید بهیچوجه بگذارند قشونی که تا حال وارد به ایران شده جلوتر برود و روابط دیپلماسی (پلتیکی) در طهران باید تجدید بشود و دیگر هیچ قشون به ایران اعزام نشود.

اگر دولت روس با خواهشات فوق موافقت بنماید ما داخل مذاکره با او خواهیم شد که چه تغییراتی در طهران لازم است که تأمینات بهتری برای منافع دولت روس حاصل بشود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۶۱

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)
طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آبان ۱۲۹۰]

آقا

چنانچه در تلگراف ۲ نوامبر خودم اطلاع دادم وزیرمختار روس بموجب تعلیمات از دولت متبوعهٔ خودش در همان روز از دولت ایران تقاضا نمود که ژاندارم‌خزانه از منزل شعاع‌السلطنه برداشته شود و قزاق ایرانی بجای آنها گماشته شود و وزیر امور خارجه برای اتفاقی که پس از تصرف ژاندارمها افتاده بود ترضیهٔ رسمی بخواهد. وزیرمختار روس نیز مراسلهٔ دولت ایـران را که در بـاب تقاضای انفصال مسیو **پختیانوف [=پاخیتونوف] نوشته بودند عودت داد و بهمچنین شرحی را که در مقابل جواب مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] به مراسلهٔ مزبور نگاشته بودند.**

در ۵ شهر حال هیئت وزراء جلسه‌ای تشکیل دادند که در باب جواب تقاضاهای دولت روس شور بنمایند و از قرار معلوم متفقاً به رد نمودن آن رأی قطعی دادند. تقاضاهای مزبور از طرف وزیرمختار شفاهاً شده بود و جوابی هم که در ۶ شهر حال از طرف هیئت دولت داده شد شفاهی بود. سواد جواب شفاهی مزبور را که در سفارت روس روی کاغذ آورده‌اند لفاً ارسال می‌دارم.

در سواد مزبور ملاحظه خواهید نمود که دولت ایران متمسك به این است که در باب تصرف اموال شعاع‌السلطنه قبل از وقت به سفارت روس اعلان شده و اطمینان هم داده شده بود که حقوق دولت روس محفوظ خواهد شد. من اذعان دارم که تا این اندازه قول دولت ایران مقرون به صحت است و غیررسمی به سفارت روس اطلاع داده بودند که اموال بعضی از مرتجعین را ضبط خواهند نمود و اطمینان هم داده بودند که هر مطالبهٔ مشروع دولت روس را قبول خواهند نمود ولـی بالاختصاص اسم شعاع‌السلطنه را دولت ایران ذکر ننموده بود و بی‌شك اگر دولت روس دولت ایران را مسبوق نموده بود که حقوق دولت روس در آن اموال دخیل است بقاعده‌تر بود و دولت ایران هم بعد از داشتن سابقه البته موعد و ساعت تصرف اموال مزبور را اعلان می‌نمود و در انجام آن با اطلاع و معیت جنرال‌قنسولگری روس عمل می‌نمود.

دیروز وزیرمختار روس بموجب دستورالعمل از سن‌پطرزبورغ تقاضاهای روس را مکتوباً پیشنهاد نمود و شفاهاً به دولت ایران اخطار نمود که اگر بدون تأخیر ایـن تقاضاها پذیرفته نشود روابط با کابینهٔ حاضره را قطع خواهد نمود و دولت روس اقداماتی را که برای حفظ منافع خود لازم بداند خواهد نمود.

جارج بارکلی

سواد جواب شفاهی دولت ایران به دعاوی دولت روس
در تاریخ ۲ نوامبر

دولت علیه ایران که نهایت اشتیاق را به استقرار روابط وداد کامله بـا دولت

اعلیحضرت امپراطوری دارد پس از تدقیق و تعمق کامل در تقاضاهای جناب وزیرمختار که مبنی به برداشتن مأمورین از اموال شعاع‌السلطنه تبعهٔ یاغی دولت ایران است و تازگی به ضبط آن اقدام شده و نصب‌نمودن قزاق ایرانی سابقه بجای آنها است و حاضر شدن شخص وزیر امور خارجه در سفارت روس و تقدیم ترضیه برای سوء عملی که می‌گویند نسبت به صاحب‌منصبان جنرال‌قنسولگری روس شده است جواباً بیانات ذیل را اظهار می‌دارد:

با وجود اینکه کارگذاران [= کارگزاران] دولت ایران احتیاط نموده و قبل از وقت به سفارت دولت روس اعلان نمودند که منافع اتباع روس را حفظ خواهند نمود و باضافه روز بعد از این واقعه حکم دولت ایران را مکرر برای جنرال قنسول روس قرائت نموده و مثل اینکه قنسول مزبور حق دخالتی داشته خواهش نمودند که از طرف اجزای قنسولگری ممانعت یا دخالتی نشود گذشته از اینها نظر به روابط وداد دولت ایران با دولت روس که همیشه نهایت سعی در حسن توجه عامه به این مسئله شده و از طرف دیگر تقاضای جناب وزیرمختار برای تمکین دولت ایران به پیشنهادات‌شفاهی ایشان با وجود عدم تقصیر مأمورین دولت ایران نه فقط ابهت و مقام دولت را زایل خواهد نمود بلکه مخالف روابط حسنه و یگانگی دولتین هم خواهد بود لهذا برای دولت ایران موافقت با تقاضاهای سابق‌الذکر غیرممکن است.

چنانچه برای دولت اعلیحضرت امپراطوری سوءتفاهمی حاصل شده باشد و هنوز در حقیقت مسئله تردیدی دارند دولت ایران برای تکمیل روابط حسنهٔ خودش هیئت مفتشه‌ای معین می‌نماید که تحقیقات لازمه به عمل آورده و حقیقت مسئله را کشف بنمایند و رفع هر نوع سوءظنی بشود.

در خاتمه باید اظهار بدارم که دولت ایران نمی‌تواند در اظهار اسف از این حرکت دولت متبوعهٔ جناب وزیرمختار که مراسلهٔ دولت‌ایران را که مبنی‌به پرتست بضد این واقعه بوده اعاده داده‌اند صرف‌نظر بنماید.

نمره ـ ۱۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)

طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۲ و ۲۳ شهر حال من:

رئیس کابینهٔ وزارت خارجه دیروز عصر مکتوب خصوصی به من نوشته مبنی بر اینکه بنا به نصیحت دولت انگلیس در باب تمکین به تقاضاهای روس دولت ایران در عمل‌نمودن بر طبق آن هیچ دفع‌وقت ننموده به اطمینان اینکه پس از آن قشون روس عودت داده خواهد شد. وزیر امور خارجه هم حاضر شده که تقدیم ترضیهٔ رسمی به سفارت روس بنماید و امروز غروب قزاق ایرانی بجای ژاندارم خزانه در منزل شعاع‌ـ السلطنه گماشته خواهد شد. من فوراً خاطرنشان او نمودم که اطمینان بتی داده نشده

است و از مضمون تلگراف ۲۰ شهر حال شما خاطر او را متذکر نمودم و نیز بیان نمودم در صبح ۲۲ نوامبر که عبارت تلگراف شما را به‌او تبلیغ نموده بودم آن عبارت بالصراحة بیان واقعه در آن روز بوده و بس.

نمره ـ ۱۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)

طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱ آذر ۱۲۹۰]

امروز عصر وزیر امور خارجه به سفارت روس رفته و چنانچه از طرف دولت‌روس تقاضا شده بود به وزیرمختار تقدیم ترضیهٔ رسمی نمود. قزاق ایرانی بجای ژاندارم خزانه در منزل شعاع‌السلطنه منصوب شد و در سایر املاك او هم امروز عصر منصوب خواهد شد.

بمحض اینکه وزیر امور خارجه تقدیم ترضیه نمود مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] به آن‌جناب اطلاع داد که دولت متبوعهٔ او، او را مجاز نموده‌است که روابط دیپلوماسی را تجدید بنماید ولی او نیز اظهار داشت که بعقیدهٔ شخص او دولت روس در تمکین دو فقره تقاضای اساسی کاملا راضی نخواهد شد.

وزیرمختار مزبور خاطر آن جناب را از تأخیر دولت ایران در حصول استرضای خاطر دولت روس متذکر نمود که نتیجهٔ آن تأخیر این شد که تا حال قشون روس پیاده شده و نیز اظهار نمود که از زمان پیشنهاد تقاضاهای اصلی ما مستر شوستر ترجمهٔ مکتوب جدید خود را که به روزنامه نوشته طبع و بین تمام مردم منتشر نموده و گفت او گمان می‌کند که دولت روس تقاضاهای دیگری به دولت‌ایران پیشنهاد خواهد نمود.

نمره ـ ۱۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)

طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ [۱ آذر ۱۲۹۰؛ ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به جملهٔ آخر تلگراف ۲۳ شما به سر بچنن [بیوکانان]

مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] به من اطلاع می‌دهد که دولت متبوعهٔ او نظریات او را در باب وسایل حصول انفصال خزانه‌دار کل استفسار نموده است.

او در ۲۱ نوامبر جواب داده است که گمان نمی‌کند فشار دیپلوماسی اثری در این موضوع بنماید.

وزیرمختار روس نیز اظهار داشت که اگر دولت روس رأی قطعیش به پیشنهاد تقاضاهای جدیده قرار بگیرد و قشون خود را برای اجرای آن دعاوی نگاه بدارد بعقیدهٔ او روابط بین روس و ایران براساس بهتری مستقر خواهد گردید.

رأی قطعی دولت روس در باب مستر شوستر بهرچه قرار بگیرد اولی آن‌است که

حضور قشون را مغتنم شمرده دولت ایران را مجبور بنمایند که معاهدهٔ بین انگلیس و روس را که سابقاً بسته شده رسماً بشناسد.

من گمان می‌کنم در صورتی‌که قشون برای حصول تمکین به تقاضاهای عدیدهٔ معینی به‌کار برده بشود البته این پیشنهاد منظورهٔ همکار روسی من مرجح است.

نمره ـ ۱۶۵

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۳ نوامبر من:

امروز شرح خصوصی به مسیو نراتوف نوشتم که در باب پیشنهاد دولت روس در خصوص اینکه دولت ایران برای استخدام گرفتن اتباع خارجه باید تعهدی بنماید ممکن است امعان نظر دولت انگلیس هم دخیل باشد. بنابراین از او خواهش نموده‌ام که عنوان نمودن این تقاضا را به تأخیر بیندازد تا من نظریات شما را در این باب کسب نموده و به او تبلیغ بنمایم.

نمره ـ ۱۶۶

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ [۱ آذر ۱۲۹۰؛ ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر در ۲۴ مخابره شده.

بمحض وصول تلگراف ۲۳ شهر حال شما مجدداً به مسیو نراتوف پیش‌تر نرفتن قشون را تأکید نمودم و به آن‌جناب خاطرنشان نمودم که شما از عودت فوری ننمودن قشون پس از تمکین ایران به تقاضاهای دولت روس خیلی نگران هستید. به اضافه اظهار نمودم که امیدوارم دولت امپراطوری اقدام دیگری نخواهند نمود که در انعقاد مجلس ملی روز دوشنبهٔ آینده زحمت شما را در استیضاحات پارلمان راجع به امورات خارجه زیاد بنمایند.

مسیو نراتوف اظهار داشت که در هیئت وزراء اصرار خواهد نمود که عجالتاً قشون در رشت بماند ولی نمی‌تواند به من اطمینان بدهد که از آنجا جلوتر نخواهند رفت چون اگر این اطمینان را بدهد دولت ایران هرگز تمکین نخواهد نمود.

در باب تجدید روابط دیپلوماسی به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تعلیمات داده خواهد شد که وقتی که وزیر امور خارجهٔ ایران از عزم ملاقات خودش برای تقدیم ترضیه اطلاع داد، به او اخطار بنماید که تقاضاهای دیگر هم هست که عنقریب پیشنهاد خواهد شد و اگر با وجود این اخطار تقدیم ترضیه به عمل آمد آن وقت روابط دیپلوماسی تجدید خواهد شد.

مسیو نراتوف گفت چون جلسهٔ هیئت وزراء ۲۴ ساعت عقب افتاده از بابت دعاوی جدیده که دیروز در موضوع آن مذاکره نموده نمی‌توانـد تصریح قـاطعی بنماید. بهرصورت تقاضاهای مزبور بعقیدهٔ او راجع خواهد بود به انفصال مستر شوستر و اشتغال اتباع خارجه به خدمات عمده در ادارات دولت ایران و بطریق مصلحانه، قطع و فصل شدن تمام مسائلی که موضوع بحث شده و ناقص مانده. مسئلهٔ تعیین مستر لکفر درجهٔ دوم است ولی خوب است این موقع مغتنم شمرده شود و شناختن معاهدهٔروس و انگلیس هم حاصل بشود و یك مسئلهٔ دیگری هم که بیشتر جزو مرام است و مطالبه‌ای نیست پیشنهاد تشکیل مجلس سنا است.

من به آن‌جناب تأکید بلیغ نمودم که تعداد این تقاضاها را به اقل درجه محدودبنماید و تشریح نمودم که من نمی‌دانم تا چه حد وزیر امور خارجهٔ انگلیس در باب اظهار سفارت انگلیس راجع به استخدام اتباع خارجه موافقت خواهد نمود چونکـه ایـن تقاضاها در واقع بطریق التیماتم مطالبه خواهد شد و ممکن است که به قوهٔ جبریـه بموقع اجراء گذارده شود.

باضافه اظهار نمودم که بعقیدهٔ من در باب همین مطالبه شناختن معاهدهٔ روس و انگلیس که صلاحیت را در آن می‌بینید ممکن است مخالفتی باشد.

آن جناب اذعان نمود که این فقره ممکن است برای دولت انگلیس خوش‌آیند نباشد و اظهار داشت که او سعی خواهد نمود ترتیبی برای عنوان این مسئله اتخاذ بشود که مشهود بدارد دولت روس بالنفسه این تقاضا را می‌نماید.

در جواب بعضی ایرادات من آن جناب به من اطمینان داد که او در باب تصفیهٔ فوری تمام مسائل معوقه اصرار نخواهد نمود و قشون در ایران متوقف نخواهد شد تـا اینطور مسائل بکلی فیصل‌پذیر شود و دولت روس در موضوع این نوع دعاوی بهمین درجه اقناع خواهد شد که در باب تصفیهٔ آنها بنحو مصلحانه‌ای قول صریح داده بشود.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱ آذر ۱۲۹۰]

راجع به تلگراف دیروز شما:

دولت انگلیس مخالفت با ترتیب تقاضاهای منظورهٔ دولت روس را برای خـود غیرممکن می‌داند.

با وجود این از جملهٔ واجبات است که بمحض موافقت دولت ایران بـا دو فقره تقاضاهای اصلی روس قشون روس از جلورفتن بازداشته‌بشود و از باب دعاوی جدیدهٔ روس باید اینقدر مهلت داده بشود که بواسطهٔ فشار دیپلوماسی در طهران از قبول آنها اطمینان حاصل بشود. البته پیشنهاد تقاضاهای اضافهٔ روس در طهران باید

قبل از آنکه دولت انگلیس بتواند کاری در آنجا بکند واقع بشود.
من این را تعهد شده می‌دانم که به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تعلیمات داده خواهد شد که بمحض موافقت دولت ایران با دو فقره تقاضاهای اساسی دولت روس روابط دیپلوماسی را تجدید بنماید و پس از آنکه این عمل مجری شد معیت نمایندهٔ دولت انگلیس در طهران با مسیو پکلوسکی برای عملیات امکان‌پذیر خواهد بود.

نمره ـ ۱۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ [۱ آذر ۱۲۹۰؛ ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
استخدام اتباع خارجه در ایران

من مغایرتی در تقویت نمودن خودمان با این تقاضای دولت روس تصور نمی‌کنم (به تلگراف امروز خودتان مراجعه نمایید) چون ظاهراً آن با ترتیبی که تا حال هم متداول بوده چندان متباین نیست.
من بدایتاً تصور می‌کنم که بهر جهت دولت روس در پیشنهاد تقاضاها بالشخصه اقدام بنماید و مسئولیت آن را بالنفسه بعهده بگیرد.

نمره ـ ۱۶۹

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳ آذر ۱۲۹۰]

دیروز شارژدافر ایران به ملاقات من آمده و از من سؤال نمود که تقاضاهای دیگر دولت روس که در صدد پیشنهاد نمودن است از چه قرار است. او اظهار نمود بعد از مذاکرهٔ سر جارج بارکلی با دولت متبوعهٔ خودش دولت انگلیس اظهار امیدواری‌نموده بودند که پس از تمکین به دو فقره تقاضاهای اساسی روس قشون عودت داده خواهد شد.

در این فقره من جواب دادم که اگر دولت ایران فوراً با تقاضاها موافقت نموده بود و صبر نکرده بود تا قشون وارد به خاك ایران بشود حکم به رجعت آنها می‌شد. من به معزی‌الیه اطلاع دادم که معهود است جلسهٔ هیئت وزراء امشب تشکیل بشود و بعد از آن تقاضاهای اضافی پیشنهاد بشود و من نیز اظهار داشتم که لایحه طبع‌نمودن مستر شوستر و توزیع نمودن آن خیلی دولت روس را متغیر نموده.
مشارالیه سؤال نمود آیا دولت روس انفصال مستر شوستر را تقاضا خواهدنمود؟ من جواب دادم احتمال یك همچو تقاضایی می‌رود و نیز اظهار داشتم که بعقیدهٔ من برای دولت ایران تجدید استقرار روابط حسنه با روس خیلی اولی‌تر از آن است که شوستر را در استخدام خود نگاه بدارند و مسئولیت عمدهٔ اخلال مابین دولتین بعهدهٔ

مستر شوستر وارد است.

نمره ـ ۱۷۰

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲ نوامبر ۱۹۱۱[۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
تلگراف مزبور حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر است.

بمحض وصول هر دو تلگراف مورخهٔ ۲۴ شهر حال شما من مجدداً لزوم ساکن شدن قشون در رشت را تأکید نمودم خصوصاً حالا که به دو فقره تقاضای اساسی تمکین شده و روابط دیپلوماسی مجدداً مستقر گردیده و نماینده‌های دولتین را قادر می‌نماید که متفقاً کار بکنند. من نگرانی را که شما از قصد دولت روس در ابقاء قشون حاصل نموده‌اید مخفی ننمودم و تأکید نمودم که آن جناب مطالبهٔ ۱۵۰۰۰۰ منات خسارت قشون‌کشی‌را که همان حین به من اظهار داشته بود موقوف بدارد. من نیز به آن‌جناب گفتم که هر نوع تقاضایی دولت روس در باب مستخدمین‌خارجه بخواهدپیشنهاد بنماید باید در وهلهٔ اول به مسئولیت خودش باشد.

مسیو نراتوف اظهار داشت خود او هم قصد دارد که پنج شش روز مهلت به دولت ایران بدهد، ولی در موضوع خسارت قشون‌کشی گفت که تأدیهٔ آن اثر معتنابهی خواهد داشت و باعث این می‌شود که دولت ایران من‌بعد جسارت به مداخلات با سلاح در واقعات ننماید.

مسیو نراتوف تکرار در تأمین‌دادن خود نمود که اشغال هیچ نقطهٔ دیگر از خاك ایران در نظر نیست و یادداشت جوف را به من داده گفت که ترتیب وضع روس کاملا در آن مصرح است.

جارج بچنن [بیوکانان]

ترجمهٔ یادداشت مسیو نراتوف به سر بچنن [بیوکانان]
به‌تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱ [۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

مناقشهٔ حاضر بین روس و ایران که علت اصلی آن بروز واقعه در موقع ضبط اموال شاهزاده شعاع‌السلطنه بوده متضمن امتداد یك رشته حوادث است که باعث بروز نگرانی دولت روس شده و سبب عمدهٔ این رنجش سبك رفتار معاندت‌آمیز دستهٔ تندروهای ایران و روش مخالفت‌آمیز مستر مرگان شوستر است. مستر شوستر حتی از بدو ورود خودش به ایران با این همه منافعی که دولت روس در ایران دارد از منظور داشتن یکی از دعاوی مشروع آن امتناع نموده.

مجاهدات مستر شوستر در مداخله به اموراتی که در دست مدیران بلجیکی گمرك ایران است برای فسخ قرارداد مابین بانك روس و دولت ایران و لجاجت او در امتناع از تعیین ننمودن استکس برای ژاندارمری خزانه و انتخاب مستر لکفر و غیره برای

روش معاند این شخص خارجه نسبت به روس دلایل کافی است ولی واقعهٔ اخیر که مستر شوستر به ژاندارم خودش حکم نموده بود و یك عمل مهیج بینی نسبت به جنرال قنسولگری روس بود رشتهٔ صبر را از کف دولت روس ساقط نموده و دولت روس خود را محق دانست که در مقابل این روشها متغیر بشود و مجبور شد که بدواً متارکهٔ آن عمل را مطالبه نموده و همینکه به آن تمکین ننمودند متوسل به اقدامات مجدانه بشود.

مجدداً در همین تازگیها مستر شوستر عملی نموده که از یك نفر مستخدم رسمی یك دولتی مستبعد است و آن طبع نمودن مکتوب برعلیه روس و انگلیس در جریدهٔ **تایمز** است و بالاتر از همه به ایرانی ترجمه‌نمودن آن مکتوب و الحاق نمودن شرح مبسوطی به آن و منتشر نمودن در ایران به قصد برانگیختن ایرانیان به مخالفت روس است.

مقصودی که دولت روس در نظر دارد استقرار روابط معنوی و مستدامی با دولت ایران است و برطرف نمودن بانیان مخالفت که برای تشیید و دوام روابط وداد بین دولتین مضر هستند. برای این قصد است کـه دولت روس درصدد پیشنهاد نمودن تقاضاهای جدید است.

با روش اعمالی که عجالتاً در ایران تعقیب می‌شود دولت روس فقط دفاع از منافع مشروع خودش را در آن مملکت در منطقه‌ای که بموجب معاهدهٔ ۱۹۰۷ به او تفویض شده می‌نماید. عملیات روس بهیچوجه مخالف مواد معاهدهٔ مزبور نیست چون در صدد تعقیب مقاصدی که باعث اضمحلال استقلال ایران باشد نیست. باضافه دولت روس بالصراحة اظهار می‌دارد که اقدامات قشونی خودش در خاك ایران بکلی عمل سطحی است و بهیچوجه قصد ندارد که اصول قرارداد جاریه بین انگلیس و روس را در باب ایران نقض بنماید.

خلاصهٔ عللی که باعث بروز تقاضاهای اولی دولت روس شده

مسئلهٔ ضبط اموال شعاع‌السلطنه را که نمایندگان روس در طهران بهیچوجه بضد اساس آن پروتست ننمودند کنار گذارده. اولا سبك روشی که ژاندارمهای خزانـه بموجب حکم مستر شوستر خزانه‌دار کل رئیس خودشان در اقدام به این امر اتخاذ نمودند باید مطمح نظر بشود که باعث رنجش و نگرانی دولت امپراطوری گردید و ثانیاً این حرکت دولت ایران که رفتار مستخدمین خودشان را پسندیده و مسئولیت را بعهدهٔ صاحب‌منصبان روسی وارد نمودند.

واضح است که دولت امپراطوری بالنفسه می‌تواند تشخیص اعمال نمایندگان خود را در آن موقع بدهد و پس از تحقیقات عمیقه دولت امپراطوری چنین نتیجه گرفته که عملیات مزبور بر طبق حقوق دولت روس و ترتیبات محلی بوده. از طرف دیگر کابینهٔ سن پطرزبورغ ملتفت شدند که سبك رفتار خزانه‌دار کل و کارکنان او در این مسئله

بالصراحة به معاندت و مخالفت صاحب‌منصبان روس بوده.

در این موضوع اهمیت مخصوص باید تعلق داده بشود بموجب شرح ذیل:

۱) تصرف مجدد منزل شعاع‌السلطنه بقوهٔ جبریه قبل از ختم شدن مذاکرهٔ بین جنرال‌قنسول روس و نمایندهٔ مستر شوستر.

۲) اعزام یك استعداد متجاوز از ۱۰۰ نفر ژاندارم بقصد فوق مثل اینکه احتمال وقوع نزاع مابین این استعداد و استعداد قنسولگری را مستر شوستر پیش‌بینی نموده باشد.

۳) نکتهٔ عمدهٔ این واقعه جسارت ژاندارمهای ایرانی است که تفنگهای خود را به‌طرف صاحب‌منصبان جنرال‌قنسولگری به قصد شلیك نمودن قراول رفته بودند.

۴) برخلاف تمام قواعد دو طغرا مراسلهٔ دولت ایران راجع به تقاضای انفصال جنرال‌قنسول روس و یکی‌از صاحب‌منصبان مادون او است باوجوداینکه‌مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] در جواب یادداشت اولی شفاهاً اظهار داشته بود این تقاضا را بی‌معنی فرض می‌کند.

۵) این حرکت مشابه عمل اولی مستر شوستر باید محسوب بشود که بیش از پیش باعث رنجش دولت روس شد.

۶) اثر نامطبوعی که از سوء رفتار مأمورین دولت ایران به ابهت دولت روس حتی در طهران وارد شده و اثری است که بر عموم روسیان مقیم طهران محسوس‌گردیده.

عللی که باعث لزوم پیشنهاد تقاضاهای جدید دولت روس به دولت ایران شده

۱) قصور دولت ایران در دادن جواب یادداشتی که حاوی تقاضاهای اولیه بوده بفاصلهٔ مدت قلیلی که در واقع دولت روس را مجبور به اعزام قشون به ایران نمود.

۲) توضیحاتی که برای ندادن جواب داده بودند و علت را وجود نداشتن کابینه قرار داده بودند نمی‌توان پذیرفت نظر به اینکه وزرای سابق چند روز بعد از ارسال یادداشت استعفاء داده بودند و به ما مشهود شده که استعفای آنها به قصد دفع‌الوقت از تمکین به تقاضاهای روس بوده.

۳) نکتهٔ عمده ــ مکتوب مستر شوستر به جریدهٔ **تایمز** که مبنی به روایات کاذبه و تهمتهای جعلی نسبت به دولت روس بوده و بالاتر از همه توزیع ترجمهٔ آن به زبان ایرانی با الحاقات جدیده بین اهالی ایران که غرض بین این عمل به هیجان‌آوردن ایرانیان به ضد روس بوده.

۴) دولت روس مایل‌است روابط معنوی دائمی با دولت ایران مستقر بدارد لهذا لازم می‌داند تأمینات واقعی از دولت ایران برای برطرف نمودن عناصر متضاد که برای استقرار روابط وداد مابین دولتین مضرند حاصل بنماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۷۱

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۶ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف سابق امروز خودم:

الان مکتوب خصوصی از مسیو نراتوف به من رسیده مبنی بر اینکه دیروز در جلسهٔ هیئت وزراء رأی قطعی داده شد که تقاضاهای ذیل در طهران پیشنهاد بشود:

۱) هم مستر شوستر هم مستر لکفر باید منفصل بشوند و دولت ایران نوشته‌ای به موجب دعوی نمرهٔ ۲ بسپارد که شامل تمام مستخدمین خارجه که مستر شوستر سابقاً معین نموده باشد. (به این معنی که هر چند نفری را که مستر شوستر کنترات نموده اگر دولتین تصویب‌ننمایند کنتراتشان باطل بشود).

۲) دولت ایران باید نوشته‌ای بسپارد که قبل از پذیرفتن اتباع خارجهٔ هر دولتی به استخدام خود، رضایت سفارت دولتین روس و انگلیس را حاصل بنماید.

۳) مصارف اعزام قشون حاضره را دولت ایران باید بپردازد.

دعاوی فوق روز ۲۸ شهر حال بطرز التیماتوم در طهران پیشنهاد خواهد شد و مدت مهلت برای قبول آن فقط ۵۸ ساعت خواهد بود. در عرض مدت مهلت قشون روس از رشت حرکت داده نخواهد شد.

در زمان سابق وقتی که قشون روس در سنهٔ ۱۹۰۹ به قزوین اعزام شده بود مسیو ایسولسکی به این عقیده بود که برای دولت روس غیرممکن است که متصل قشون خود را در ایران پیش و پس بفرستد و به این واسطه خود را آلت استهزاء قرار بدهد در این موقع هم بکلی همان عقیده تعقیب می‌شود.

نمره ـ ۱۷۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ نوامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
تلگراف ذیل را به تاریخ ۲۶ نوامبر ویس‌قنسول انگلیس از رشت مخابره نموده:

تعداد معین قشون روس در رشت

قزاق ۲۰۰ نفر ـ سرباز ۷۸۰ نفر و ۷ عراده توپ.

۲۵ نوامبر ۲۴۰ توپخانه و قورخانه و ملزومات وارد شدند.

با کشتی پستی دیروز تعدادی[۱] سرباز و با کشتی مخصوص تعدادی[۲] سوار وارد انزلی شدند. تعداد آنها معین نیست؛ افواه است ۱۱۰۰ نفر ولی محتمل‌است این‌اغراق باشد.

---

۱ و ۲) اصل: مقداری.

نمره ـ ۱۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ نوامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ [۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۱۴ نوامبر من در باب سوار هندی:
قسمت دوم سوار امروز بدون آسیب وارد شیراز شدند.

نمره ـ ۱۷۴

تلگرام سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ نوامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]

قشون روس در ایران

ویس‌قنسول انگلیس از رشت اطلاع می‌دهد که ۷۰۰ نفر سرباز و توپچی و ۱۰۰ نفر قزاق روز جمعه و شنبه وارد انزلی شدند نه ۱۱۰۰ نفر که سابقاً اطلاع داده‌بود (بموجب تلگراف امروز صبح من).

نمره ـ ۱۷۵

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۲۷ نوامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۲۹ نوامبر است.)

در ضمن مذاکره‌ای که در ۲۷ شهر حال با کفیل وزارت امور خارجه نمودم به آن‌جناب اظهار داشتم از مدت مهلت قلیلی که به دولت ایران برای جواب التیماتوم داده شده خیلی نگرانم و اصرار نمودم همینکه قشون به قزوین رسید یك مدت دیگری به آن مهلت اضافه بشود.

جناب معظم‌له جواب داد که برای اقناع افکار عامه در روسیه هیئت وزراء رأی داده‌اند که این التیماتم ثانوی سخت‌تر از التیماتم اولی باشد. بعلاوه‌التیماتم تا ۲۸ پیشنهاد نخواهد شد و چون بواسطهٔ اطلاعی که مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] در ۲۴ شهر حال در باب تقاضای انفصال مستر شوستر به وزیر امور خارجه داده دولت ایران مقدمتاً از مفاد التیماتم مسبوق شده لهذا از آن تاریخ تا حال مدت کافی وقت برای تعمق در این مسئله داشته‌اند. آن جناب نیز بیان نمود که تقاضاهای جدید خیلی ملایم است و مخصوصاً مسائلی است که با واقعهٔ سابق که باعث پیشنهاد التیماتم اولی شده بود اتصال دارد.

در جواب استعلامی که من از آن جناب در باب قسمت اخیر تقاضای اول نمودم اظهار داشت که آن راجع به ده نفر مستخدم آمریکی است که کنترات آنها را مجلس تصویب نموده ولی سایر مستخدمین خارجه که مشغول به خدمت دولت ایران هستند

بسته به رأی مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] است که اقدامی در باب آنها هم لازم‌باشد یا خیر. و نیز تصریح نمود که اگر دولت ایران تقاضاهای دولت روس را قبل از وارد شدن قشون به قزوین قبول نکند بعقیدهٔ من قشون باید چند روزی در قزوین مکث نموده بعد عازم طهران بشوند.

من گفتم امیدوارم که اگر کار به اشغال پایتخت هم منجر بشود دیگر به تقاضاهای روس افزوده نشود و آن جناب من‌باب اطمینان جواب داد که در صورت واقع شدن همچو امری منتهی تقاضای دیگری که بشود مطالبهٔ وجه خسارت زیادتری خواهد بود.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۷۶

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ [۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

آقا

روز ۲۲ شهر حال وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و اطلاع داد که حکم برای تخلیه‌نمودن ژاندارم خزانهٔ خانهٔ شعاع‌السلطنه صادر شده و پس از معرفی کابینه به مجلس در ۲۲ تقدیم ترضیه مطلوبه به وزیرمختار روس خواهد شد.

معزی‌الیه اظهار کمال امیدواری نمود که دولت انگلیس البته مراتب را به دولت روس اطلاع داده و بازگشت قشون روس را که ۲۵۰ نفر از آنها در ۲۱ وارد انزلی شده‌اند خواستار خواهند شد.

مشارالیه اظهار داشت که چون بعد از ملاقات خودش با وزیر امور خارجه به دولت ایران اطمینان داده است که پس از تقدیم ترضیه هر چیز بنحو دلخواه ختم خواهدشد گمان می‌کند حالا مقام شخصی او در تضییع باشد. مستر ملت مشارالیه را متذکر نمود که وزیر امور خارجه هیچ تعهدی در این موضوع ننموده (و حقیقتاً نمی‌توانسته هم بنماید) او هم اذعان نمود ولی اظهار داشت که به وزیر امور خارجه گفته بودم که اگر به تقاضاها تمکین بشود و با وجود آن قشون پیش برود دولت متبوعهٔ من به وضع بسیار مهمی دچار خواهد شد.

بنابراین او اظهار امیدواری نموده بود که وزیر امور خارجه بمنزلهٔ واسطه عمل بنماید. من‌هم گفته بودم که نمی‌توانم این کار را بکنم ولی نصیحتاً گفته بودم به تقاضاها فوراً تمکین بنمایند چون باعث تسهیل امر خواهد شد. وزیرمختار ایران سؤال نمود آیا دولت روس جواب تلگراف ۲۰ نوامبر وزیر امور خارجه را داده است؟ مستر ملت جواب داد که هنوز جواب قطعی داده نشده.

وزیرمختار مزبور اصرار نمود که ما مذاکره و مبالغهٔ دیگری هم با دولت روس بنماییم.

ای. گری

نمره ـ ۱۷۷

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
آقا

در ۲۳ شهر جاری وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و از مستر ملت سؤال نمود که آیا دولت انگلیس از بابت بازگشت قشون روس چیزی شنیده‌اند یا خیر؟ مستر ملت جواب داد خیر و دولت انگلیس هنوز خبر قطعی ندارد که دولت روس چه خواهد کرد. باضافه دولت انگلیس هنوز هم مسموع ننموده که دولت ایـران بـه تقاضاهای روس تمکین نموده باشد.

ادوارد گری

نمره ـ ۱۷۸

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجهٔ[1] ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]
آقا

وزیرمختار ایران امروز به وزارت خارجه آمده و از سر نیکلسن استفسار نمود که آیا دولت انگلیس اطلاعی از این بابت دارند که با وجود تمکین دولت ایران به دو فقره تقاضای اساسی دولت روس باز قصد پیشنهاد تقاضای دیگری داشته باشند؟ چون سر نیکلسن پیشگویی تقاضاهای منظورهٔ روس را خوش‌آیند ندید فقط گفت که گمان می‌کند این مسئله موضوع بحث هیئت وزرای روس است و بی‌شك بهمین زودیها از روشی که آنها اتخاذ خواهندنمود مستحضرخواهیم‌شد. میرزا مهدی‌خان اظهارداشت دولت ایران مایل است که با نصیحت دولت انگلیس دلالت بشود. سر نیکلسن به مشارالیه خاطرنشان نمود که چنانچه وزیر امور خارجه به مشارالیه گفته است برای دولت انگلیس مشکل است که مداخلهٔ بین روس و ایران بنماید. میرزامهدی‌خان جواب داد که یحتمل وزیر امور خارجه راضی بشود که به وزیرمختار انگلیس در طهران دستورالعمل بدهد که با وزیر امور خارجهٔ ایران مشورت بنماید. سر نیکلسن وعده نمود که در این موضوع با وزیر امور خارجه مذاکره بنماید.

ادوارد گری

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: ۵ ذی‌حجه که غلط چاپی است. ـ م.

نمره ـ ۱۷۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۷ نوامبر شما:

وزیرمختار ایران مقیم اینجا درخواست نصیحت ما را نموده و خواهش نموده به وزیرمختار انگلیس در طهران تعلیمات داده بشود که با وزیر امورخارجهٔایران مشورت بنماید. من حاضرم نفوذ خودم را در ترغیب دولت ایران برای تمکین به تقاضاهای روس بکار ببرم در صورتی که بموجب تلگراف ۲۶ نوامبر شما دولت روس هم حاضر باشد ولی لازم است که بیشتر مهلت داده بشود. در اینجا در جواب بحرانهای راجع به اعمال سخیف و نامطبوع روس نسبت به ایران من توضیحات از وضع روس داده‌ام ولی طبیعتاً احساسات سخت در تزاید است و قصور دولت روس در ممانعت از عودت شاه مخلوع و مداومت او در تضعیف دولت ایران اثرات سوء در اذهان نموده که منجر به پاره‌ای تصورات و توضیحات خواهد شد. دولت انگلیس امیدوار بود که پس از تمکین دولت ایران به دو فقره تقاضاهای اساسی روس قشون دولت‌روس عودت خواهند نمود و اگر حالا قشون مزبور از رشت تجاوز بکند یا واقعاً به طهران برود باعث نگرانی کلی دولت انگلیس خواهد شد. باضافه دولت انگلیس ترتیب را به این اندازه مشکل نمی‌بیند که پیشنهاد یك همچو التیماتمی در عرض یك همچو مدت کمی قطعاً لازم باشد.

شما باید اصرار بلیغ بنمایید که تقاضاهای روس بدون تعیین مدت پیشنهاد بشود و فقط مشروط به بازگشت قشون باشد که اگر تأخیری در تمکین به تقاضاهای مزبور مرئی بشود آن وقت دولت روس موافقت ما را بخواهد که متفقاً تدقیق بنماییم که چه تغییراتی در طهران برای حفظ منافع روس لازم است. بیانات علنی من در اینجا بالصراحة مشهود داشته که تا چه اندازه ما تضییع نشدن منافع روس را منظور داریم. شما باید شرح فوق را به اشد طریق هم به رئیس‌الوزراء هم به کفیل وزارت امور خارجه اظهار بنمایید.

نمره ـ ۱۸۰

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]
آقا

من امروز با سفیرکبیر روس با کمال تشدد در باب احتمالات آتیه در ایران مذاکره نمودم. من تصریح نمودم که اگرچه مناقشهٔ بین روس و ایران بطریق مستقیم به ما هیچ‌مدخلیتی ندارد ولی نتایج اعمال روس ممکن است خیلی اهمیت حاصل بنماید. من گفتم خواه مندرجات در مکتوب منتشرهٔ مستر شوستر صدق باشد خواه کذب کلیتاً

وقتی این روش را مأمور رسمی یك دولتی نسبت به دولت دیگری بطریق متضاد تعقیب بنماید البته غلط است ولی تعقیب همچو عملی به‌ندرت باعث لزوم اشغال طهران خواهد شد. پس از آن تمام عبارات مندرجهٔ در تلگراف امروز به شما را مذاکـره نمودم. سفیرکبیر روس اظهار نمود که افکار روسیان بسیار مهیج شده و او همچو احساس می‌نماید که باید یك قرار صحیحی با دولت ایران داده شود. ولی سفیر مزبور هیچیك از عنوانات من را نفی ننمود.

ادوارد گری

نمره ـ ۱۸۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ نوامبر)
طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگرافات ۲۲ و ۲۴ نوامبر من:

در جواب یادداشت من مراسله‌ای از دولت ایران به من رسیده که اظهار امتنان از حسن مساعدت دولت انگلیس نموده‌اند. در مراسلهٔ مذکور مسطور است که بموجب نصیحت مشفقانهٔ دولت انگلیس و به اطمینان اینکه قشون روس عودت داده خواهد شد دولت ایران بدون دفع وقت به تقاضاهای دولت روس کاملا تمکین نمود. قشونی که قبل از یادداشت مزبور من وارد شده بود عودت داده نشده و همه‌روزه هم قشون در انزلی پیاده می‌شود و عدهٔ استعداد در رشت حالا تقریباً به ۲۰۰۰ نفر رسیده. دولت ایران در خاتمهٔ مراسلهٔ خود اظهار می‌نمایند امیدواریم که دولت انگلیس در بذل مساعدت خود در انجام مندرجات یادداشت من مداومت خواهند نمود (غرض آنها عبارت مسطوره در یادداشت من است که تعیین اقدام عمده‌ای که دولت ایران درموضوع مرام دولت روس باید بنماید شده بود.)

نمره ـ ۱۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ نوامبر)
(تلگراف ۲۹ نوامبر حاوی شرح مختصر مکتوب
ذیل مورخهٔ غرهٔ دسامبر است)
طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۶ آذر ۱۲۹۰]
آقا

با کمال احترام ترجمهٔ التیماتم روس را که ظهر ۲۹ شهر حال وزیرمختار روس به دولت ایران پیشنهاد نموده لفاً ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

ضمیمهٔ نمرهٔ ۱۸۲

سواد مراسلهٔ مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] به وثوق‌الدوله

طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ [۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

جنابا

در ملاقات ما روز جمعهٔ ۲۴ شهر حال افتخار داشتم که خاطر محترم را متوجه به عللی بنمایم که باعث پیشنهاد بعضی دعاوی دیگر ازطرف دولت اعلیحضرت‌امپراطوری خواهد شد و در این موضوع منتظر تعلیمات ثانوی از دولت متبوعهٔ خودم بودم که الحال به من رسیده است. اکنون با کمال احترام از طرف دولت اعلیحضرت امپراطوری تقاضاهای ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

اول ـ انفصال مستر شوستر و مستر لکفر و ترتیب اشخاص دیگری که مستر شوستر برای استخدام دولت ایران دعوت نموده در تحت شرایط مادهٔ دوم این دعویات خواهد بود.

دوم ـ دولت ایران باید تعهد بنماید که بدون حصول رضایت قبل از وقت سفارتین روس و انگلیس هیچیك از اتباع خارجه را به استخدام خود نباید بپذیرد.

سوم ـ دولت ایران باید مصارف این قشون‌کشی حالیهٔ دولت روس به ایران را بپردازد. تعیین مبلغ این مصارف و ترتیب تأدیهٔ آن به دولت روس بعد از وصول جواب دولت ایران مقرر خواهد شد.

من وظیفهٔ خود می‌دانم توضیح بنمایم که سبب اصلی این اقدامات اولا لزوم حتمی دریافت خسارت قشون‌کشی است که دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور به وارد نمودن آن به ایران شده و اعمال مغرضانهٔ جدید مستر شوستر نسبت به دولت روس است و بعلاوه اشتیاق صمیمانهٔ دولت روس در برطرف نمودن مبدأ عمدهٔ اختلافات حادثه است که برای آتیه تأسیس بنیادی بنماید که دولتین روابط وداد را مستحکم بر آن بنا بنمایند و تمام مسائل و دعاوی معوقهٔ دولت روس بنحو مرضی و با جد وافی قطع و فصل بشود. باضافه بر من لازم است به جنابعالی اخطار بنمایم که دولت اعلیحضرت امپراطوری برای انجام این تقاضاها بیش از ۴۸ ساعت نمی‌تواند صبر بنماید و در عرض این مدت قشون روس در رشت توقف خواهد نمود ولی اگر قبل از انقضاء مدت مزبور جواب داده نشود یا جواب غیرمرضی داده شود قشون پیش خواهد آمد و مسلماً پیش‌آمدن قشون باعث اضافه‌شدن مبلغ خسارتی که دولت ایران باید به دولت روس بپردازد خواهد شد.

پکلوسکی گزیل

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری واصله در ۲۹ نوامبر
طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۶ آذر ۱۲۹۰]
راجع به تلگراف سابق امروز من:
در التیماتم هیچ ذکری از وعدهٔ بازگشت قشون پس از تمکین به تقاضاها نشده.
وزیر امور خارجه رئیس کابینهٔ خود را فرستاده و مجدداً درخواست مساعدت ما را نموده که یا قدری تسهیل تقاضاها را حاصل نماییم یا بهرحال تطویل مدت مهلت را بدست بیاوریم. تقاضاهای مزبور بکلی غفلتاً به دولت ایران پیشنهاد شده و مدت مهلتی که معین شده آنقدر فرصت به آنها نمی‌دهد که تعمقی در آن بنمایند. او درخواست نصیحت از من نمود. من جواب دادم که من تعلیماتی در این باب ندارم ولی بعقیدهٔ شخصی خودم تمکین بدون تأخیر دولت ایران را اولی می‌دانم.

نمره ـ ۱۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۶ آذر ۱۲۹۰]
وزیرمختار ایران مجدداً درخواست نصیحت من را نموده و من به او گفتم که تا مستحضر نشوم که تقاضاهای روس عیناً چطور پیشنهاد شده نمی‌توانم قطعاً چیزی بگویم فقط می‌توانم بطور حتم و یقین بگویم که تمکین باعث بازگشت قشون روس خواهد شد.
مختصراً من به او اظهار قطعی نمودم که مستر شوستر مسائل را غیرممکن می‌کند. واضح است که دولت ایران نمی‌تواند تأدیهٔ خسارتی بنماید و من معتقدم که اگر سایر مطالب فیصل بشود قشون روس توقف نخواهد کرد تا مبلغ خسارت بالتمام پرداخته شود. اگر بنا بشود دولت ایران قبل از یك استقراضی این خسارت را بپردازد اسباب یأس هر نوع پیشرفتی در طرق جنوب خواهد بود و باین واسطه ضرر تجارتی دولت انگلیس خیلی زیادتر خواهد شد.
لازم است من شرح تقاضاهای روس را بدانم که آیا می‌توان قطعاً گفت که تمکین به آن اسباب بازگشت قشون خواهد شد یا نه؟
وزیرمختار ایران اظهار می‌دارد که او شایق نصیحت است که بداند کابینهٔ جدید ایران کلیتاً چه نوع باید رفتار بنماید که باعث حصول روابط وداد با دولت روس بشود و وزیر امور خارجهٔ روس البته می‌تواند در این موضوع هم یك چیزی بگوید. آنچه من از وزیرمختار ایران استدراك نمودم این است که دولت ایران اذعان دارد که موقع چقدر باریك است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۸۵

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۶ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۲۹ حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۳۰ نوامبر است)

آقا

با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که دیروز عصر کفیل وزارت امور خارجه را ملاقات نمودم. آن جناب اظهار کمال رضایت را از نطق شما در پارلمان نموده و گفت که به کنت بن‌کندرف تعلیمات داده است تشکرات و حق‌شناسی او را به شما عرضه بدارد. من جواب دادم به من دستورالعمل داده شده که تبلیغ عنوان برخلاف آن را بنمایم بلحاظ اینکه وزیر خارجهٔ انگلیس مسموع نموده است که متأسفانه التیماتوم ثانویئی به دولت ایران پیشنهاد شده که در عرض ۴۸ ساعت جواب آن باید داده بشود.

من عنوانی را که سابقاً در باب کم بودن مدت مهلت به او نموده بودم تکرار نمودم و اصرار نمودم لازم است که مدت کافی وقت به وزیر خارجهٔ انگلیس داده بشود که در عرض آن بتواند نفوذ کلام خودش را به دولت ایران بکار ببرد و به نحو خوش‌آیندی اسباب خاتمه‌پذیرفتن این واقعه را فراهم بیاورد. اشغال طهران بتوسط قشون روس منجر به انحراف افکار عامهٔ انگلیسان خواهد شد.

بعلاوه برای اینکه او ملتفت بشود که چقدر این‌مسئله بر شما سخت اثر نموده تلگرافات ۲۸ و ۲۹ شهر حال شما را به ترجمهٔ فرانسه برای آن جناب قرائت نمودم.

در ضمن صحبت طولانی مسیو نراتوف یك دفعهٔ دیگر علتهایی را که دولت روس را مجبور به تشدد این التیماتوم ثانوی نموده توضیح نمود. عقیدهٔ او این‌بود که التیماتوم در صبح ۲۹ بایستی پیشنهاد شده باشد ولی چون تصدیق وقوع این پیشنهاد هنوز از مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] به او نرسیده او نمی‌تواند عیناً شرح آن را برای من تصریح بنماید.

مختصراً آن سه فقره موادی که در تلگراف ۲۶ شهر حال من مصرح شده بود عیناً به طهران تبلیغ شده اگرچه چند کلمه‌ای اضافه شده است مبنی بر اینکه تعیین مبلغ خسارت و ترتیب تأدیهٔ آن پس از تمکین دولت ایران به سه فقره تقاضاها قرار داده خواهد شد و عین مبلغ مصارف قشون‌کشی در آن وقت معین خواهد شد.

دولت روس برای تأدیهٔ فوری اصرار نخواهد نمود و تقاضای خود را هم زیادتر نخواهد نمود. او خواهش من را در باب بکلی تعیین ننمودن وقت یا حتی تطویل مدت مهلت رد نمود و اظهار داشت که در باب یك هفته یا ده روز توقف قشون در قزوین هم نمی‌تواند به من اطمینان بدهد. من اصرار نمودم که اگر دولت ایران به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] اطلاع داد که چنانچه دولت روس مدت زیادتری به آنها برای تعمق در این موضوع مهلت بدهد حاضر هستند که تقاضاهای مزبور را موجه بدانند البته یك همچو مهلتی به آنها باید داده بشود. مسیو نراتوف جواب داد که این محال

است. او اظهار داشت اگر احیاناً دولت ایران اطمینان‌نامهٔ کتبی بسپارد که به سه فقره تقاضاها تمکین خواهد نمود او ۱۵ روز دیگر به آنها مهلت خواهدداد که ترتیبات راجعه به انفصال‌مستر شوستر از قبیل مسئلهٔ تأدیهٔ خسارت او و غیره را بدهند. او نیز وعده داد که برای تعلیمات تلگرافی دادن در باب پیش‌رفتن قشون از رشت به قزوین تا روز شنبه تأمل خواهد کرد. پس از آن بنا به خواهش من آن جناب به رئیس‌الوزراء تلفن کرد و برای ملاقات من با او وقت خواست و جناب معظم‌له جواب داد که او فوراً من را خواهد پذیرفت.

من آنچه را که به مسیو نراتوف گفته بودم‌با همان مبالغه به‌مسیو کوکفت‌سف [کوکوفتسوف] تکرار نمودم و به آن جناب اصرار نمودم که نظر به منافع معاهدهٔ انگلیس و روس در قبول خواهشات شما بیشتر موافقت بنماید چون من تصور کردم اطمینانی که مسیو نراتوف به من داده بود تا آن حدی که من میل داشتم مکفی نبود. آن جناب اظهار داشت البته دولت انگلیس در این واقعات جدیدهٔ در ایران نسبتاً سهل‌انگاری می‌نمایند چون وقایع مزبور مستقیماً به آنها ضرری نرسانده ولی دولت روس که مقاماتش در این موقع تضییع شده نمی‌تواند آن سهل‌انگاری را بنماید. یگانه طریقی که بتوان به دولت ایران خاطرنشان نمود که با دولت روس این‌نوع‌ها نمی‌توان سلوك نمود همین پیشنهاد التیماتوم است و خواستن جواب فوری آن و مأیوسی آنها از امکان اصلاحی. دولت روس از طریقهٔ پیشنهاد دو فقره تقاضاهای اساسی که ملایم‌تر بود انتفاعی حاصل ننموده و آنقدر برای جواب معطل شد تا قشون به رشت رسید.

من اظهار داشتم نظر به استرضای خاطری که در باب واقعهٔ اولی برای دولت روس فراهم گردیده بایستی که این التیماتوم ثانوی را به نحو لین‌تری ابراز بنمایند. مسیو کوکف‌سف [کوکوفتسوف] جواب داد در جلسهٔ هیئت وزراء که التیماتوم ثانوی مسوده شد تقاضاهایی که باید پیشنهاد بشود به منتها درجه کاسته شده است و او می‌تواند به من اطمینان بدهد که دولت روس بهیچوجه قصد اشغال طهران را ندارد و اگر وزیر امور خارجهٔ انگلیس بتواند دولت ایران را متقاعد به تمکین بنماید و به این واسطه زحمت حکم جلو رفتن قشون را از دولت روس ساقط بنماید موجب نهایت تشکر او خواهد شد.

از عنوانات من آن جناب ملتفت شد که غرض شما اختصاصاً اصل تقاضاها نیست بلکه طریقهٔ پیشنهاد آن و وضع تحمیل به دولت ایران است. جناب معظم‌له اظهار نمود که اگر او شخصاً بخواهد در باب مواد مختلف مسطوره در تلگرافات شما تأمینات قطعی بدهد محتمل است باعث سوءتفاهم همکاران او بشود و بنابراین سواد تلگرافات مزبور را از من خواست که با همکاران خودش در آن مواضیع مشورت بنماید. آن جناب اظهار نمود که در جلسهٔ فردا عصر هیئت وزراء آن را موضوع بحث قرار داده و رأی قطعی آنها را بتوسط مسیو نراتوف به من اطلاع خواهد داد.

در ضمن صحبت ما مسیو ککوتسف [کوکوفتسوف] اظهار داشت در موضوع خسارت قشون‌کشی عقاید عامهٔ روسها بر این است که اگر دولت ایران عمداً باعث مداخلهٔ

قشونی بشود باید از عهدهٔ مخارج قشون‌کشی برآید. همین‌قدر که از طرف دولت‌ایران اطمینان صحیحی داده بشود که مصارف اعزام قشون را خواهند پرداخت جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] راضی شده و در باب ترتیب تأدیهٔ آن اینقدرها تشدد نخواهد نمود. با اینکه جناب معظم‌له تشریحات من را در باب تطویل مدت مهلت و توقف یك‌هفته یا ده روز قشون در قزوین به نحو مسالمت و آرامی اصغاء نمود معذلك بهیچوجه خود را تفویض[۱] ننمود.

امروز صبح سواد به فرانسهٔ تلگرافات شما را برای مسیو ککوتسف [کوکوفتسوف] فرستاده و مکتوب خصوصی هم به آن‌جناب نوشتم مبنی بر اینکه امیدوارم آن جناب نفوذ مقتدرهٔ خود را در متقاعد نمودن هیئت وزراء بکار خواهد برد که در موافقت بنوع مناسبی با خواهشات شما رأی بدهند.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)

طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱مطابق ۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

ویس‌قنسول انگلیس از رشت خبر می‌دهد که الحال ۱۹۰۰ نفر قشون روس در رشت هستند. از قراری که به او مشهود شده ۷۰۰ نفر دیگر هم دیروز از انزلی حرکت نموده و دو دسته قورخانهٔ دیگر هم تا حال وارد شده.

نمره ـ ۱۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)

طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱مطابق ۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز من:

پیغامی الان از طرف دولت ایران به من رسیده مبنی بر اینکه دولت ایران آنقدر که به عبارت اخیرهٔ مندرجهٔ در مراسلهٔ مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] اهمیت می‌دهد به اصل التیماتوم اهمیت قرار نمی‌دهد چونکه می‌ترسد عنوانات اخیره باب پیشنهاد هر نوع تقاضای دیگری را که دولت روس میل داشته باشد مفتوح بدارد و حتی ممکن‌است پیشنهاد یك تقاضایی بنماید که هر نوع حکومتی که مناسب حال دولت روس باشد در ایران تأسیس بشود.

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)
طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱مطابق ۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

دولت روس الحال به وزیرمختار خودش امر نموده به دولت ایران اعلام بدارد که بمحض اینکه: (۱) قسمت ابتدایی مادهٔ اول التیماتوم بموقع اجراء گذارده شود و (۲) دولت ایران تعهد بنماید که قسمت ثانی مادهٔ اول و مادهٔ دوم را مجرا بنماید و وعدهٔ پرداخت خسارت را بنماید، قشون روس بازگشت خواهد نمود. تعیین مبلغ خسارت و ترتیب تأدیهٔ آن را محول به مذاکرات بعدها خواهند نمود.

نمره ـ ۱۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)
طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجهٔ[1] ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس الان به وزیرامورخارجه اطلاع‌داد همین‌قدرکه سه‌فقره شرایط‌را (بنحوی که در تلگراف قبل از این خودم تصریح شده) دولت ایران قبول بنمایند قشون روس عودت داده خواهد شد. بعد از اطلاع مزبور وزیر امور خارجه من‌را ملاقات‌نموده و در باب شروط و تشریحات مندرجه در مراسلهٔ وزیرمختار روس صحبت نموده و از تشویش‌خاطری که بواسطهٔ آن برای دولت ایران حادث شده من را مستحضر داشت. آن جناب اظهار داشت که چون از وزیرمختار روس اطمینان حاصل نموده شخصاً در این موضوع دیگر تشویشی ندارم. آن‌جناب به‌مدت‌مهلت خیلی‌اهمیت قرارداده و گفت محال است که در عرض مدت مزبور بتوان تمکین به تقاضاها نمود. رأی مجلس بکلی با قبول تقاضاهای مزبور متضاد است و طبیعتاً از برای من غیرممکن است بتوانم تصور این را هم بکنم که تا فردا به رأی اکثریت مجلس غلبه حاصل نمایم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نیز اظهار داشت که من همیشه با نهایت صمیمیت مشتاق‌بوده‌ام که روابط با دولت روس را مستقر بدارم. باضافه اظهار نمود امیدوارم که دولت روس این تأخیر را هم بهانه‌ای از برای پیشنهاد یك مقدار تقاضاهای دیگری قرار ندهد.

نمره ـ ۱۹۰

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

مسیو نراتوف تا الان که ساعت ۷ بعد از ظهر است هنوز در جلسهٔ هیئت وزراء است ولی مسیو کلم شرح ذیل را به من نگاشته است.

---

۱) اصل: ذی‌قعده که غلط چاپی است. ـ م.

به وزیرمختار روس مقیم طهران اطلاع‌داده‌شده‌است که اگر دولت‌ایران در عرض ۴۸ ساعت مهلت خود همین‌قدر بنویسدکه سه‌فقره تقاضاها را رسماً قبول نموده و انفصال مستر شوستر و مستر لکفر حتمی‌الوقوع است دولت روس آن را جواب مطلوب محسوب خواهد داشت. چون ترتیبات انفصال مستر شوستر مدتی وقت لازم خواهد داشت. به وزیرمختار روس اجازه داده شده که هر اندازه وقتی که او برای انجام ترتیبات اختتام عمل شوستر لازم می‌داند به دولت ایران مهلت‌بدهد. در موضوع خرج قشون‌کشی هم همین‌قدر کافی خواهد بود که دولت ایران تعهد بنماید کـه پس از تعیین‌نمودن ما مبلغ آن‌را، قرار تأدیهٔ آن را بدهد. اگر جواب مرضی داده‌بشود قشون از رشت تجاوز نخواهد نمود ولی عودت آن به روسیه فقط وقتی واقع خواهد شد که عمل مستر شوستر بکلی خاتمه پذیرفته باشد.

نمره ـ ۱۹۱

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ نوامبر)
سن پطرزبورغ ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف سابق امروز من:
چون کفیل وزارت امور خارجه نمی‌توانست من را بپذیرد من مکتوب خصوصی به او نوشتم مبنی بر اینکه در مراسله‌ای که به من نوشته شده هیچ ذکری از توقف زیادتر قشون در قزوین نشده و در باب رجعت‌قشون آن‌طوری‌که من خواسته‌بودم اظهار نشده. شرح ذیل جواب از طرف او است:
در باب توقف قشون در قزوین رأی داده شده که لازم است به قشون امـر بشود چند روزی در قزوین توقف بنمایند ولی تعیین مدت تـوقف آن نخواهد شد. گمان می‌کنم مـا آنقدر وقت بعدها داشته باشیم که اگر لازم بشود در این خصوص مذاکره بنماییم.
در باب بازگشت قشون ما برای من مشکل است که جواب صریحی به شما بدهم چون حرکت آن به طرف داخلی خاك ایران بسته به پیش‌آمد ترتیبات خواهد بود. عجالتاً ما قصد نداریم که تقاضاهای دیگری سوای تقاضای سابقه پیشنهاد بنماییم ولی اگر ما مجبور بشویم که مرام خود را به قوهٔ جبریه بموقع‌اجراء بگذاریم محتمل‌است تقاضاهای ما زیادتر بشود.

نمره ـ ۱۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]
من به وزیرمختار ایران گفتم که ما در این موضوعات با دولت روس مشغول مذاکره

هستیم ولی هیچ اسمی از مسترد داشتن روس سه فقره تقاضای خود را، نمی‌توان بمیان آورد و اگر باین تقاضاها فوراً تمکین بشود در باب شرح و بسط آن ممکن است بعدها بطریق مودتانه ترتیبی داد ولی تأخیر در تمکین بدون گفتگو باعث پیشرفت قشون روس خواهد بود.

شما به همکار روسی خودتان و وزیر امور خارجهٔ ایران اطلاع بدهید.

نمره ـ ۱۹۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ [۷ آذر ۱۲۹۰؛ ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

شرح تلگراف امروز من به سر جارج بارکلی را به کفیل وزارت امور خارجه اطلاع بدهید.

من امروز در پارلمان بیاناتی نموده و باریك بودن موقع را تصدیق نموده و اظهار داشتم که با دولت روس در این باب باید مذاکره نمود. بعد از تمکین دولت ایران به سه فقره تقاضاهای روس لازم خواهد بود که دولت روس در باب تسهیل استخدام اتباع خارجه که لازم بشود، با ما معیت بنماید و بهمچنین در تسهیل وسائل یك استقراضی برای دولت ایران.

نمره ـ ۱۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غرهٔ دسامبر)

طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۸ آذر ۱۲۹۰]

امروز صبح علاءالدوله مقتول شد. به این واسطه و بواسطهٔ التیماتم دولت روس ظاهراً یك هیجانی در شهر بروز نموده.

نمره ـ ۱۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غرهٔ دسامبر)

طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۸ آذر ۱۲۹۰]

امروز صبح در مجلس متفقاً رأی دادند که کلیهٔ تقاضاهای روس رد بشود.

نمره ـ ۱۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غرهٔ دسامبر)

طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ [۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

امروز در تمام روز هیجان کلی در شهر جاری بود، با نمایشات بسیار بر علیه

روس. محل تردید نیست که علاءالدوله هم بواسطهٔ متحدبودن با روس مقتول شده.

نمره ـ ۱۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در غرهٔ دسامبر)
طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ [۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
بعد از آنکه مجلس تقاضاهای روس را رد نمود وزیر امور خارجه استعفاء داد.

نمره ـ ۱۹۸

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصلهٔ در غرهٔ دسامبر)
سن پطرزبورغ غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ [۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
(شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۴ دسامبر در غرهٔ دسامبر تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره شده)

من در غرهٔ شهر حال مسیو نراتوف را ملاقات نموده و از او اطمینان حاصل نمودم که چنانچه شما در تلگراف ۳۰ نوامبر خودتان خواستارشده بودید دولت‌روس حتی‌القوه سعی بنماید که موجبات تسهیل را برای انتخاب مستخدمین جدید خارجه در ایـران فراهم نماید. آن‌جناب پس از آن به من اطلاع داد که مجلس از تمکین به تقاضای روس بکلی امتناع نموده و نیز اظهار داشت که خود آن جناب هم هیچ انتظاری نداشته که تقاضای مزبور دفعتاً قبول بشود ولی امید این را داشته که ایرانیان بعوض مسدود نمودن أبواب تمام مذاکرات دیگر فقط به جواب ندادن به یادداشت روس قناعت خواهند نمود. نظر به وعده‌ای که آن جناب به من داده بود حکم پیش رفتن قشون از رشت تا فردا بعد از ظهر مخابره نخواهد شد و چند روزی هم قشون در قزوین توقف خواهند نمود.

حالیه هیچ نوع امید تمکین نمودن دولت ایران به تقاضاها نیست مگر اینکه بتوان مجلس را از میان برداشت. آن‌جناب مطمئن نبود که آیا مشروطه به نایب‌السلطنه این قدرت را داده است که بتواند مجلس را منفصل کند یا خیر.

در ضمن صحبت که امتدادی‌حاصل نمود من یك مرتبهٔ دیگر به آن جناب مبالغه نمودم که اشغال طهران حتماً باعث وقوع اختلالهای مهم خواهد شد و نتیجهٔ آن بروز واقعات جدیده خواهد بود که هر یك بجای خود اسباب پیشنهاد تقاضاهای جدید دیگر خواهد شد. قشون روس در بدو ورود خودشان به طهران هیئت دولت منظمی در مقابل خود نخواهند دید که با آن طرف بشوند و از آن طرف محتمل است شاه مخلوع هم این موقع را غنیمت شمرده و بخواهد از این انقلاب انتفاعی حاصل نموده و خود را مجدداً بر تخت سلطنت برقرار نماید. به این شق اخیر یعنی جلوس محمدعلی‌میرزا مجدداً بر تخت، چنانچه سابقاً هم یك دفعه به جنابعالی اظهار داشته‌ام بهیچ نحوی دولت

انگلیس راضی نخواهد شد. آن جناب به من اطمینان داد که دولت امپراطوری روس بهیچوجه من‌الوجوه به شاه مخلوع تقویت نخواهد کرد.

پس از آن من خاطر آن جناب را متذکر نمودم که اگر دولت روس در باب مسائلی که با دولت ایران در میان است بی‌اندازه فشار وارد بیاورند دولت انگلیس را باین واسطه دوچار مشکلات بسیار خواهند نمود و از آن جناب خواهش نمودم که این مسئله را منظور داشته باشد.

مسیو نراتوف جواب داد که مقام دولت روس باید بدرجهٔ عالی نگاهداشته بشود. روزنامجات دائماً به دولت روس می‌تازند که چرا در تسویهٔ این مطالب قدرت کافی بروز داده نمی‌شود ولی دولت اقدامات خود را محدود بحدی که قطعاً لازم است نموده آنهم برای انجام مقصودی که الان ذکر شد یعنی حفظ مقام روس.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۱۹۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۸ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۳۰ نوامبر شما:

نهایت اسف را دارم که دولت روس مدت طولانی‌تری به دولت ایران مهلت نداده. سوای این فقره سایر تعلیماتی که به‌مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داده‌اند بنظر من مرضی است. شاید وزیرمختار مزبور بموجب این تعلیمات با دولت ایران مذاکره نموده باشد. چون لازم است در باب عملیات دولت روس و شرایطی که دولت مزبور برای عودت‌دادن قشون خود مقرر نموده من در پارلمان بیانات صریح بنمایم شما باید از وزیر امور خارجه استعلام بنمایید که آیا ممکن است من در پارلمان تصریح بنمایم که کلیتاً این تعلیمات از چه قرار است یا خیر؟ باضافه شما باید اطمینان قطعی صریح بخواهید که کتبا بیان بنمایند اصل مقصود دولت روس از این اقدامات چیست و حدود اقدامات خود را هم معین بنمایند چون برای تسکین اضطرابی که در باب معاهدهٔ روس و انگلیس حادث است یك همچه اطمینانی لازم است.

نمره ـ ۲۰۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۸ آذر ۱۲۹۰]

آقا

تلگراف جناب‌عالی مورخهٔ بیست و ششم شهر جاری راجع به مذاکرهٔ شما با وزیر امور خارجهٔ روس در باب تقاضای دولت روس از دولت ایران و اعزام قشون برای

اجرای آن واصل گردید. من عنوانات جناب‌عالی را به مسیو نراتوف در این موقع پسندیدم و از اطمینانی که آن جناب به شما داده است که دولت روس در خیال اشغال هیچ‌نقطه از خاك ایران نیست رضایت حاصل نموده و بخاطر خود سپردم.

ادوارد گری

نمره ـ ۲۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر۱)

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]

دیروز در قتل دو نفر از مرتجعین مجاهده شد و گلوله به یکی از آنها کارگر نشده و منجر به قتل درشگه‌چی او گردید ولی یك نفر دیگر مقتول شد. رئیس خبازان را هم که مظنون به احتکار و تضییق گندم بود دیروز مقتول نمودند. نرخ نان در ترقی‌است و احتمال بروز بلوا برای نان می‌رود. شوستر هم که در جمع‌آوری مالیات جنسی برای رفع احتیاجات پایتخت مشغول اقدامات مجدانه بود از دیروز در این عمل سستی بروز داده.

نمره ـ ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر)

طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

قنسول انگلیس از رشت خبر می‌دهد که کلیهٔ عدهٔ قشون روس در رشت حالا به ۳۵۰۰ نفر رسیده و در رشت و انزلی برای صاحب‌منصب و قشون، خانه‌ها را بمدت یکسال و متجاوز از یکسال اجاره می‌نمایند.

نمره ـ ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر)

طهران دوم دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

دیروز وزیر امور خارجهٔ ایران شفاهاً به وزیرمختار روس اطلاع داد که مجلس تقاضاهای روس را رد نموده ولی از قرار معلوم دولت ایران درصدد تدارك مراسله‌ای هم هست.

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: نوامبر که غلط چاپی است. ـ م.

نمره ـ ۲۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر)
طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]

التیماتم روس

مرحمت فرموده رجوع به تلگراف ۳۰ شهر ماضی من بنمایید:
وزیرمختار روس امکان پیشنهاد تقاضاهای دیگر را استثناء نمی‌نماید. مشارالیه به من اطلاع می‌دهد که اطمینان او به وزیر امور خارجهٔ ایران فقط مبنی بر این بوده که اگر دولت ایران در عرض چهل و هشت ساعت تمکین به تقاضاهای روس بنماید تقاضای دیگری نخواهد شد.

نمره ـ ۲۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر)
طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
شرح ذیل را امروز قنسول انگلیس از رشت مخابره نموده:
قریب صد نفر قشون دیشب از انزلی وارد رشت شدند و هشتصد نفر دیشب به طرف قزوین حرکت نمودند.

نمره ـ ۲۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری واصله در دوم دسامبر
طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
سردار اسعد دیشب از اروپا وارد انزلی شد.

نمره ـ ۲۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری واصلهٔ ۲ دسامبر
طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
در یك مکتوبی که مستر شوستر به وزیر امور خارجه نوشته و من امروز ملاحظه نمودم مستر شوستر اشعار داشته مجله[ای‌را] که لایحهٔ او به جریدهٔ **تایمز** درآن مندرج است نه او به طبع رسانیده و نه در طهران توزیع نموده سواد انگلیسی مکتوب مزبور را به بعضی از دوستان خود ارائه داده و تقریباً دوازده نسخه یا بلکه زیادتر از آن را درایران برای بعضی از دوستان ایرانی خودش فرستاده (من شخصاً از او خواهش نمودم یك نسخه از آن را برای من بفرستد) بعضی از دوستان ایرانی او از او سؤال

نموده بودند که آیا او مخالفتی در به‌طبع رسیدن آن مکتوب در ایران خواهد داشت یا خیر و او جواب داده بوده است در فهمیدن عموم مردم [از] مندرجات مکتوب علنی که او به روزنامهٔ **تایمز** نوشته او البته مخالفتی نخواهد داشت.

نمره ـ ۲۰۸

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲ دسامبر)

شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۴ دسامبر در ۲ دسامبر تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره شده:

سن پطرزبورغ ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]

من مسیو نراتوف را در دوم شهر حال ملاقات نموده و در موضوع تلگراف غرهٔ شهر حال شما با او مذاکره نمودم. من از آن جناب سؤال نمودم آیاوزیر امور خارجهٔ انگلیس می‌تواند در پارلمان در باب دو فقره مراسله که یکی از مسیو کلمن در ۳۰ نوامبر و یکی از خود آن جناب به من رسیده توضیحات بدهد (شرح مکتوب مسیوکلمن را در ۳۰ نوامبر تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داده‌ام و سواد مراسلهٔ مسیو نراتوف را در طی مکتوب ۲۹ نوامبر خودم ارسال نموده‌ام) من توجه مخصوص آن‌جناب را به عبارت سوم و چهارم مراسلهٔ خودش معطوف نمودم که در تلو آن اطمینان قطعی بتی داده شده که دولت امپراطوری روس قصد ندارد اخلالی در مقام و استقلال دولت ایران وارد بنماید و اقدامات قشونی هم که مشغول هستند فقط بطریق سطحی است و هیچ قصدی در باب نقض مواد معاهدهٔ روس و انگلیس راجع به ایـران در نظر ندارند.

پس از قرائت مکتوبات متعددهٔ مزبوره مسیو نراتوف اظهار داشت کـه شما در متمسك‌شدن به مراتب مندرجه در این مراسلات آزاد هستید. آن جناب اظهار داشت که تعلیمات به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] که در مراسلهٔ مسیو کلمن مسطور بوده بعد از رد شدن تقاضاهای روس دیگر ثمری ندارد و در باب مکث قشون در قزوین که در مراسلهٔ خود آن‌جناب مسطور بوده او می‌تواند به من بگوید کـه بـه فرماندهٔ قشون امر شده که از قزوین تجاوز نکند تا دستورالعمل ثانوی یا از سن‌پطرزبورغ یا از طهران از سفارت روس به او داده شود. آن جناب اظهار داشت بهر صورت‌نمی‌تواند تعهد بکند که قشون در قزوین توقف خواهد نمود چونکه اگر در طهران بی‌نظمی یا بلوایی بروز بنماید ممکن است لازم بگردد که به قشون حکم بشود برای حفظ سفارت فوراً به طهران بروند. پس از آن سؤال نمودم آیا آن جناب می‌توانـد یك اطمینان مقطوع‌تری به من بدهد که اگر احیاناً بنا بشود دولت روس تقاضاهای دیگری پیشنهاد بنماید آن تقاضاهایی که بالاخره باید پیشنهاد بشود از چه قرار خواهد بود و بعد از مقداری مذاکره دیگر شرح ذیل را که من نوشتم و به آن جناب ارائه دادم پسندید:

«چنانچه بواسطهٔ پیش‌آمدهای غیرمنتظره لازم بشود که تقاضاهای دیگری پیشنهاد

بشود آن تقاضاها از مسائلی که انتفاع مخصوصی برای دولت داشته باشد تجاوز نخواهد نمود مثلا از قبیل قطع و فصل شدن مطالب معوقهٔ دولت روس که در سوابق ایام موضوع بحث واقع شده یا از قبیل مسائل دیگری که در منطقهٔ روس منافع اختصاصی دولت روس را حاوی باشد خواهد بود که خدشه‌ای در مسائلی که منافع پلتیکی عمومی را داراست وارد ننماید.»

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۰۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]

تعیین ماژور استکس به استخدام دولت ایران

در تاریخ ۲۲ شهر ماضی تلگراف ذیل به حکومت هندوستان مخابره شده:

استکس عرضحالی به دولت انگلیس نموده و استدعای تجدید نظر شدن در رأی مقطوعهٔ دولت را کرده. بنابراین دولت انگلیس نهایت شعف را حاصل خواهد نمود اگر شما به استکس اطلاع بدهید که دولت انگلیس تصور می‌کند اولین وظیفهٔ یك صاحب‌منصب رسمی دولت انگلیس اطاعت اوامری است که از طرف دولت به او شده و بدین‌جهت از قبول استخدام دولت‌ایران باید امتناع‌نماید. دولت‌انگلیس کناره‌جستن او را از استخدام دولت ایران لازم می‌دانند و هر مسئولیتی از این کناره نمودن او ظاهر بشود بعهدهٔ خود می‌گیرند. علت مصمم شدن دولت انگلیس به رد استعفای او سابق بر این مفصلا برای او توضیح شده. این تلگراف راجع به تلگراف ۲۱ نوامبر شما است.

نمره ـ ۲۱۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

نظر به سبك رفتار شاه مخلوع در زمان ماضی دولت انگلیس بهیچوجه من‌الوجوه نمی‌تواند او را مجدداً به سمت سابق بشناسد.

نمره ـ ۲۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]

عنوانی را که در باب شاه مخلوع نموده‌اید (چنانچه در تلگراف غرهٔ دسامبر شما

مسطور شده است) پسندیدم. من از این مشعوفم که کفیل وزارت امور خارجه هم با این عنوان با شما موافقت نموده.

با کمال جدیت بر من معلوم است که قشون روس طهران را اشغال نخواهند نمود مگر در صورت منحصربودن چاره، و تقاضاهای جدید مبسوط‌تر دیگری به توسط آنها پیشنهاد نخواهد شد. این خیلی‌مهم است و امیدوارم چنانچه پیشنهاد تقاضاهای‌جدیدی را لازم بدانند بدوأ با دولت انگلیس شور خواهند نمود. خطری که من پیش‌بینی می‌نمایم این است که دولت مزبور تقاضاهای جدیدی پیشنهاد بنمایند که نه قبول‌شدنی باشد و نه با معاهدهٔ انگلیس و روس موافقت داشته باشد و مدافعهٔ از آن در محضر پارلمان برای من میسر نباشد.

نمره ـ ۲۱۲

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

آقا

امروز در باب تشویش خودم راجع به ایران خیلی سخت با کنت بن‌کندرف صحبت نمودم.

من اظهار نمودم ابتدا به‌ساکن بدبختانه دولت روس مبنای التیماتوم خود را مسئلهٔ اموال شعاع‌السلطنه قرار داده که نسبتاً چندان جالب اهمیت نبوده و دعوی دولت روس در این موضوع چندان شدید نمی‌نمود. من نیز اظهار تأسف نمودم که پس از تمکین دولت ایران به دو فقره تقاضاهای اولی راجع به اموال مزبور قشون روس عودت داده نشده. راست است که در تمکین نمودن دولت ایران چند روزی تأخیر شد ولی مقدماتی هم که دولت روس در عملیات خود قرار داد چندان پسندیده نبود.

اکنون سه فقره تقاضا پیشنهاد شده. در باب دو فقرهٔ اولی که راجع به مستر شوستر و تعیین مستخدمین خارجه در آتیه است من نمی‌توانم مخالفتی بنمایم، چون مستر شوستر نصایحی را که ما به توسط وزیرمختار طهران خودمان به او نمودیم رد نموده و ما را به وضع غیرمطلوبی مبتلا نموده بود و ترتیب‌دادن یك قراری با دولت ایران در باب مستخدمین خارجه لازم بود حتی از نقطهٔ نظر دولت انگلیس هم، برای اینکه دیگر ما مبتلا به یك همچو وضعی که شوستر ما را دچار نموده بود نشویم.

ولی بنظر من بهتر این بود که از دولت ایران درخواست بشود که وعده بنماید من‌بعد بدون مشورت با سفارتین دولتین روس و انگلیس اتباع خارجه را به استخدام خود نپذیرد نه اینکه دولت ایران ملتزم بشود که رضایت دولتین را اتخاذ بنماید ولی باز این مسئله هم نسبتاً صورت صحیحی دارد.

اما من از مطالبهٔ خسارت قشون‌کشی‌نمودن دولت روس متأسفم. خسارت تجارتی دولت انگلیس خیلی بیشتر از خسارت تجارت دولت روس بوده در حقیقت بواسطهٔ

سد ابواب تجارت انگلیس در جنوب تجارت روس در شمال منتفع‌شده. برای استقرار نظم در جنوب وجود پول بسیار لازم است و مطالبهٔ خسارت قشون‌کشی نمودن دولت روس در این موقع برای امید استقرار نظمی که در جنوب برای تجارت انگلیس لازم است بی‌نهایت مضر است.

چون این تقاضا پیشنهاد شده است دولت ایران ناچار باید در جواب آن بگوید «بله» ولی من گمان می‌کنم یا برای تأدیهٔ آن نباید فشار وارد بیاید یا بعدها بیك نوعی با یك مسئلهٔ نافع دیگری معاوضه بشود.

پس از آن من به سفیرکبیر روس اصرار بلیغ نمودم که قشون روس نباید به طهران بیاید مگر اینکه بکلی چاره منحصر بشود و دولت‌روس دیگر هیچ‌نوع‌تقاضاهای باین سختی بدون مشورت با ما نباید پیشنهاد بنماید. اگر دولت روس آمال خود را بهمین تقاضاهای حاضره محدود بنماید و بدون منحصرشدن چاره قشون خود را وارد طهران ننماید۱ گمان می‌کنم بتوان این مشکلات موجوده را بیك نحوی مرتفع نمود. آن وقت ما ممکن است یك دولت ایرانی در برابر داشته باشیم که ملتفت شده است باید بطریق خوش و بسبك صحیحی حکومت بنماید که منافع دولت روس همیشه منظور باشد نه اینکه با دولت مشارالیها مخالفت بنماید. ما هم می‌توانیم همچو دولتی را بوسیلهٔ مستشارهای خارجه تقویت نموده و اسباب تسهیل استقراضی هم با شرایط مطبوعی برای او فراهم بنماییم. امورات ایران آن وقت بهتر از آنچه تا حال بوده خواهد شد ولی حالیه ما موقع بسیار باریك و مهمی را طی می‌نماییم و بیم آن است که دولت در سن‌پطرزبورغ ملتفت نباشد که چه روش مهمی در پیش است و چه اندازه احتیاط لازم است که جلوگیری از انفصال بین دولتین بشود.

ادوارد گری

نمره ـ ۲۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)

طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آذر ۱۲۹۰]

نمایشات به ضد روس دیروز امتداد داشت. مجاهدات بعمل آمده که امتعه و معاملات روس تحریم بشود.

نمره ـ ۲۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)

طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف غرهٔ دسامبر من:

وزیر امور خارجه استعفای خود را مسترد داشته چون به او اطمینان داده شده که

---

۱) اصل: بنماید که با توجه به سیاق عبارت درست نمی‌نماید. ـ م.

رد نمودن تقاضاهای روس را، دلالت به سلب‌اعتماد مجلس از شخص او ندارد.

نمره ـ ۲۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)
طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲دسامبر شما:
دیروز تلگرافی بهمان مضمون که شما خواسته بودید از حکومت هندوستان به من رسید و من هم به استکس ابلاغ نمودم.

نمره ـ ۲۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)
طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۰ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۳ دسامبر در همان تاریخ تلگرافاً [= تلگرافی] مخابره شده)
آقا
در ذیل تلگراف غرهٔ شهر حال خودم با کمال افتخار ترجمهٔ جواب دولت ایران به التیماتوم روس را لفاً ارسال می‌دارم، و نیز راپورت مختصری از جلسه‌ای که صبح غرهٔ شهر حال برای مذاکره در باب التیماتوم تشکیل یافت ارسال می‌دارم. با وجود اینکه روز مزبور روز جمعه بود ولی تعطیل عمومی در همهٔ شهر دایر است بهرحال نتیجهٔ جلسهٔ مزبوره رأی متفق در رد تقاضاهای روس بود. پیغام مندرجه در تلگراف ۳۰ شهر ماضی شما را دو ساعت قبل از ظهر همان روز جلسه به وزیر امور خارجه تبلیغ نمودم و در موقعی که آن جناب در جلسهٔ مجلس برای التیماتوم حضور داشته به او رسانیده شد. ملاحظه خواهید نمود که از مفاد آن ابلاغ مجلس را مستحضر نموده.

جارج بارکلی

سواد مراسلهٔ وثوق‌الدوله به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی]
طهران ۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۹ آذر ۱۲۹۰]
جنابا
در جواب مراسلهٔ نمرهٔ ۱۵۸ جنابعالی مورخهٔ ۲۹ نوامبر با کمال احترام زحمت‌افزا می‌شود:
پس از آنکه دولت اعلیحضرت امپراطوری بتوسط جنابعالی در تحت مراسلهٔ نمرهٔ ۱۵۶ بعضی تقاضاها در موضوع ضبط اموال شعاع‌السلطنه به دولت ایران پیشنهاد

نمود با وجود اینکه دولت ایران مقدمتاً بوسیلهٔ پیغام شفاهی حقیقت امر و منظور خود را از اقدام در ضبط اموال به جنابعالی اطلاع داده بود و در صورتی‌که قبل از وصول مراسلهٔ جنابعالی کابینه در بحران بود معذلك دولت‌ایران اقدامات جدی سریع بر وفق روابط وداد بعمل آورده و محض استحکام مبانی اتحاد و حسن روابط از طرف این دولت لازمهٔ مجاهدت برای موافقت با تقاضاهای دولت روس بروز داده شد.

ما تصور می‌نمودیم که این نیات حسنه و مقاصد مصلحانه از طرف ما باعث مرتفع شدن هر نوع رنجش و تکدر خاطر دولت روس خواهد شد و بهمین جهت اقدام به آن نمودیم. ولی برخلاف این انتظارات ما در صورتی‌که در مراسلهٔ نمرهٔ ۱۵۶ جنابعالی هیچ تعیین وقتی برای تمکین به تقاضاها نشده بود و دولت اعلیحضرت امپراطوری هم از بحران کابینه مستحضر بود و با وجود اینکه نه در مراسلهٔ مزبوره و نه بوسیلهٔ پیغام شفاهی هیچ اخطاری نشده بود که اگر دعویات مزبور رد بشود دولت روس قشون وارد خواهند نمود غفلتاً خبر دادند که روابط قطع است و قشون هم اعزام شده و با وصف اینکه بر جنابعالی مشهود شده بود که اعزام قشون برای تمکین ننمودن به تقاضاها است پس از تمکین هم امر به عودت آن نشده.

بدبختانه دولت روس حتی باین هم اقناع نشده و روابط وداد قدیمه را هم که همیشه آن سفارت محترم در مراسلات خود متکی به آن می‌شد منظور و برقرار نداشته و حالا درمراسلهٔ نمرهٔ ۱۵۸ خودشان تقاضاهای‌دیگری به‌دولت‌ایران‌پیشنهادمی‌نمایند.

فوق‌العاده بودن این تقاضاها واضح است. بعضی از آنها که بالصراحة مخالف استقلال این مملکت است و با اینحال مدتی که برای انجام آن معین شده بقدری قلیل است که طبیعتاً غیرممکن است بتوان در عرض این مدت آن را در تحت مداقه و امعان نظر قرار داد و به این جهت ابواب بحث و شور هم در موضوع آن مسدود است.

آنچه بیشتر از همه باعث تعجب است این است که در مراسلهٔ مزبور این تقاضاها مصرح شده: اولا لزوم قطعی تأدیهٔ خسارت و بعد اعمال جسورانهٔ مستر شوستر و اخیراً ارادهٔ صمیمانهٔ دولت روس در برطرف نمودن مبانی اختلال و استقرار روابط حسنه براساس و بنای مستحکمی و حال آنکه دولت ایران بهیچوجه در مسئلهٔ اعزام قشون روس اختلاطی نداشته.

تا جهت واقعی لزوم خسارت مشهود نشود و مادامی که دولت ایران از فراهم‌نمودن موجبات استرضای خاطر دولت روس در موضوع جسارت مزبور امتناع ننموده هیچ جهتی برای شکایت دولت روس نمی‌توان فرض نمود در صورتی که جسارت مزبور بهیچوجه موضوع بحث دولتین واقع نشده و تحقیقات مقدماتی بعمل نیامده که معلوم بشود اصلا واقعیت دارد یا خیر و در چه واقعاتی بروز جسارت نسبت به آن دولت بهیه شده.

ارادهٔ برطرف نمودن اختلافات و تأسیس روابط اتحاد بر مبنای مستحکمی نسبتاً بیشتر مقرون به طریقهٔ مصالحت و موافقت است.

پس از مقدمات فوق عطف توجه جنابعالی و دولت امپراطوری روس را به بیان واقع این مسئله درخواست می‌نماید و نظر به روابط مستحسنهٔ بین دولتین و لزوم استقرار آن خواهشمندم که دولت ایران را از تمکین به این تقاضاها معذور بدارید و با کمال احترام خاطر آن جناب را مستحضر می‌دارم که دولت ایران حاضر است برای تغییر و تبدیل پیشنهادات سابق‌الذکر داخل گفتگو بشود و هرنوع پیشنهادی که مقرون بصحت و صواب باشد قبول بنماید.

وثوق‌الدوله

مذاکرات روز غرهٔ دسامبر ۱۹۱۱ [۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۹ ذی‌حجة ۱۳۲۹]
در مجلس

اعضاء کابینه که در آن جلسه حضور داشتند از قرار ذیل است:
مشیرالدوله وزیر معارف
معاضدالسلطنه وزیر پست و تلگراف
محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه
وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه
وزیر امور خارجه از قرار ذیل نطق نمود:
ظهر روز چهارشنبهٔ ماضی یادداشتی از سفارت روس به وزارت خارجه رسیده و اگرچه آقایان وکلاء از شرح آن مستحضرند ولی محض آگاهی عموم الحال هم آن را قرائت می‌نمایم.

پس از قرائت یادداشت دولت روس که حاوی سه فقره تقاضاها و ۴۸ ساعت مهلت دادن برای قبول آن بود وثوق‌الدوله بیانات ذیل را نمود:

بواسطهٔ بعضی علتها وزارت خارجه انتظار داشت که یك همچو تقاضایی پیشنهاد بشود و هم قبل از وصول یادداشت هم بعد از وصول آن مشغول‌اقدامات‌مجدانه‌شد ولی متأسفانه منتج به هیچ نتیجه‌ای نگردید.

چون یك قسمت یادداشت قدری مبهم است ما تصور نمودیم یحتمل تقاضاهای دیگری هم متعاقب این سه فقره تقاضای مندرجهٔ در این یادداشت پیشنهاد خواهد شد. لهذا استیضاح نمودیم و اکنون به ما اطمینان داده شده که تقاضای دیگری پیشنهاد نخواهد شد بنابراین کابینه قبول این سه فقره تقاضاها را تصویب می‌نماید.

بعلاوه لازم است اظهار بنمایم که ما شرحی هم به سفارت انگلیس نوشته و وساطت دولت انگلیس را خواستار شدیم ولی سفارت مزبور هم در جواب تصویب نموده که بدون تأخیر تقاضاها پذیرفته بشود. حالا البته بر طبق رأی مجلس رفتار خواهیم نمود.

خطابه‌های متعدد بعد از آن شد و اگرچه عبارت آنها ملایم بود لیکن با قبول شدن تقاضاها بکلی مخالف بود و تقاضاها را با استقلال مملکت متباین می‌دانستند.

متین‌السلطنه در تأیید رأی کابینه (که ظاهراً قبل از وقت با یکدیگر تعهدی نموده بودند) اظهار داشت او پیشنهاد می‌نماید به هیئت دولت اختیار داده بشود که با

تقاضای اول و ثالث موافقت بنمایند ولـی تقاضای دوم را رد بنمایند چون آن بـا استقلال مملکت منافی است.

با این پیشنهاد فقط ۶ نفر توافق آراء نمودند.

حاجی عزالممالك پس از مخالفت نمودن با قبول‌تقاضاها شرح ذیل‌را که معلوم‌است قبل از وقت حاضر نموده بوده پیشنهاد نمود.

پس از استماع بیانات هیئت دولت، مجلس شورای ملی تقاضاهای دولت روس را با استقلال مملکت منافی می‌داند و بنابراین ما نمی‌توانیم آن تقاضا را قبول بنماییم. از هیئت دولت تقاضا می‌شود که برای تصفیهٔ این امر داخل مذاکرات بشوند ولی مذاکره در این موضوع در مجلس خاتمه پذیرفت.

پیشنهاد او متفقانه تصویب شد فقط ۶ رأی به ضد آن داده شد.

نمره ـ ۲۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)

طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف مورخهٔ امروز من:

از قراری که از ماژور استکس مسموع شده مشارالیه به خزانه‌دار کل اطلاع داده است که رأی قطعی دولت انگلیس بـه قبول‌ننمودن استعفای او تعلق گـرفته. مستر شوستر اظهار نهایت اسف نموده است از اینکه رأی دولت انگلیس بر نسخ اجازه‌ای که بدوآ خودشان به ماژور استکس داده بودند قرار گرفته و اگرچه تعیین نمودن او ماژور استکس را به فرماندهی ژاندارم خزانه، به اطمینان همین اجازه بوده ولی گمان می‌کند حالا مجبوراً کنتراتی را که ماژور استکس بنا به اجازهٔ دولت انگلیس بـا خزانه‌داری بسته بوده فسخ بنماید.

ماژور استکس به من اظهار نموده که او مصمم است بمحض فیصل‌دادن امورات شخصی خود به طرف هندوستان حرکت نماید.

نمره ـ ۲۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)

طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۰ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

دستهٔ سوار هندی که برای ملحق شدن به مستحفظین قنسولگری به اصفهان می‌رفتند در ۳۰ نوامبر در حوالی یزدخواست با یك‌عده ایلیاتیان مسلح مصادف شده‌اند. یکی از صاحب‌منصبان هندی موسوم به ماژور غلام محمد، به رانش گلوله خورده ولی حالتش خوب است و زخمش خطرناك نیست.

نمره ـ ۲۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ دسامبر)
طهران ۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۰ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس به من اطلاع می‌دهد که ۲۵ نفر قزاق از قزوین احضار نموده که به مستحفظین سفارت ملحق بشوند.

عجالتاً سفارت و قنسولگری روس به همه جهت ۵۰ نفر قزاق دارند. نظر به اوضاع حاضره این مقدار استعداد چندان زیاد نیست.

نمره ـ ۲۲۰

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)
طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۷ آبان ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار صورت مذاکرات مجلس در جلسهٔ ۱۳ شهر حال را که مستر چرچیل نوشته لفاً ارسال می‌دارم و از آن ملاحظه خواهند نمود که در آن جلسه به اکثریت ۴۶ رأی در مقابل ۶ رأی امتداد مدت وکالت نمایندگان حالیه تصویب شده.

جارج بارکلی

راپورت مستر چرچیل راجع به مذاکرات مجلس
در جلسهٔ ۱۳ نوامبر مطابق ۲۱ ذیقعده [۲۰ آبان]

من در اول جلسهٔ مجلس حاضر شده و مذاکراتی که بعمل آمد اصغاء نمودم و مذاکره در باب امتداد مدت وکالت نمایندگان حاضره تا وقتی که بیش از نصف عدهٔ نمایندگان جدید به طهران برسند بود.

از وضع برداشت مذاکرات بکلی واضح بود که احساسات عمومی مجلس متمایل به امتداد مدت انعقاد مجلس است ولی باوجود این اغلب‌اعضاء (ازقبیل حاج‌امام‌جمعهٔ خوئی) در صورتی که به لزوم امتداد مدت اذعان داشتند مخالف یا قانون بودن این ترتیب را اظهار داشتند.

در مخالفت این پیشنهاد اصرار شد که مجلس نمی‌تواند قانوناً بدون مراجعه به آراء ملت ایجاد قانونی بنماید که ناقض قانون اساسی باشد و در تأیید این مسئله مراجعه به سابقهٔ کمیسیون قانون انتخابات ماه ژویهٔ ۱۹۰۹ شده معلوم شد که در آن موقع لازم دیده‌اند که ۴ ماده از قانون موضوعهٔ مشروطه در ماه دسامبر ۱۹۰۶ جرح و تعدیل بشود (یعنی مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۴۹) برای انجام این عزم به انجمن‌های‌ایالتی مراجعه شده و آنها هم به مجلس اختیار داده بودند که در جرح و تعدیل مواد قانون انتخابات مشروطه مختار باشد.

تلگرافات از بعضی ولایات رسیده بود که اصرار در امتداد مدت انعقاد مجلس

نموده بودند و این تلگرافات را برای انجام مسئلهٔ منظوره مستمسك قرار دادند. آنهایی که مخالف بودند اظهار داشتند که ما اقدامی در کسب آراء عمومی ملت در این موضوع ننموده‌ایم و همچو وانمود می‌کردند که در حقیقت انتخاب‌کنندگان مایل به امتداد مجلس نیستند.

باضافه مذکور شد که تا حال در هیچیك از ممالك اروپا سبقت به امثال‌این‌روش منظوره نشده و متین‌السلطنه رجوع بسابقهٔ پارلمان طولانی انگلیس و بالاخره منفصل شدن آن بتوسط کرمول نموده و متکی به کلمات یکی از مشاهیر انگلیس شد مبنی بر اینکه هیچ عملی فضیح‌تر از این نخواهد بود که یك پارلمانی دورهٔ انعقاد خودش را ممتد بنماید.

مختصراً این مذاکرات چندان اثری ننموده و عده‌ای که مؤید این امتداد بودند متمسك به این شدند که با مخاطراتی که امروزه مملکت به آن مصادم است لازم است نمایندگان ملت در این اوضاع منقلبه ناظر اعمال هیئت دولت باشند و دولت مافوقی در برابر خود داشته باشد، و اظهار شد که اگر تمام ولایات اشتیاق خود را در این باب ابراز ننموده‌اند بواسطهٔ این است که قوای مرتجعه از بعضی از آنها جلوگیری نموده‌اند و اگر مجلس منفصل بشود و منتظر انتخابات جدیده بشویم وسیله به دست دشمنان مشروطه خواهد افتاد و از انتخابات جدیده ممانعت خواهند نمود و به این واسطه انعقاد مجلس مجمل خواهد ماند.

بالاخره به راپورت کمیسیون رأی گرفته شد و به اکثریت ۴۶ رأی در مقابل ۶ رأی تصویب شد.

قانون تصویب شده از این قرار است:

انعقاد مجلس تا وقتی که نصف عدهٔ وکلای جدید باضافهٔ یك نفر وارد طهران بشوند دوام خواهد داشت و دولت باید در انتخابات جدید هرچه‌زودتر اقدامات بنمایند.

نمره ـ ۲۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)

طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]

دیروز اینجا در تمام روز نمایش ملی ممتد بود. اگرچه تا حال اجتماعات منظم‌بوده ولی استعفای پیرم رئیس پلیس محتمل است باعث سوء اثر در این انتظام بگردد چون علائم واقع‌شدن مخاصمه‌ای بین متابعین پیرم و بختیاریها آشکار است.

احساسات عامه بحدی متهیج است که از امکان مخاطرهٔ اتباع خارجه نمی‌توان قطع‌نظر کرد ولی آنچه بر من مشهود است این احتمال خطر سریع‌الوقوع نیست.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)
طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲ دسامبر من:
تلگراف ذیل به تاریخ ۳ دسامبر از قنسول انگلیس مقیم رشت رسیده:
۸۰۰ نفر قشونی که در شب ۲ دسامبر حرکت نمودند سه ساعت بعد حکم شد به رشت مراجعت نمایند. ۱۰۰۰ نفر سرباز و ۶۰۰ نفر قزاق امروز صبح به عزم طهران حرکت نمودند.

نمره ـ ۲۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)
طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲ شهر حال شما به سر بچنن [بیوکانان] و تلگراف امروز من:
اگر بتوان به‌دولت‌ایران اظهار داشت که مادامی که دولت ایران انتظامات لازمه را در طهران مستقر بدارد قشون روس برای فشار وارد آوردن بجهت تقاضاهای دیگری بکار برده نخواهد شد و بمحض اینکه به تقاضاهای حاضره تمکین بشود قشون مزبور عودت داده خواهد شد، محتمل است بلوای عامه در اینجا قدری التیام حاصل بنماید.

نمره ـ ۲۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)
طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۳ دسامبر من در باب حمله به سواران هندی:
ظاهراً بروز مجادله بین سواران هندی و ایلیاتیان بواسطهٔ این بوده که قافله‌ای مرکب از ۶۰۰ شتر و قاطر بفاصلهٔ جزئی در جلو قشون ما مسافرت می‌نموده و ۳۰ یا ۴۰ نفر سارقین ایلیاتی بر آنها حمله نموده‌اند و ممکن نبوده قافلهٔ مزبور را از توسل به قشون انگلیس ممانعت نمود.
پس از آنکه اکفرد صاحب‌منصب فرماندهٔ قشون را از این مهاجمه مستحضر نموده‌اند به جلو رفتن قشون فرمان داده که در طرد نمودن سارقین مجاهدت بنماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۴ دسامبر)
طهران ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگرافات مورخهٔ ۲۸ اکتبر و ۲ نوامبر من:
مستر شوستر، لکفر و هیکاك و شنیدلر [شیندلر؟] را معزول نموده.

نمره ـ ۲۲۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲ دسامبر شما:
آیا فرض می‌کنید مخاطره‌ای برای سفارت موجود باشد؟

نمره ـ ۲۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۴ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۱ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۲ ذی‌حجهٔ ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۳ دسامبر ۱۹۱۱:
آیا اضافه نمودن عدهٔ مستحفظین سفارت انگلیس را لازم می‌دانید؟ اگر لازم بدانید ممکن است یك عده از قشون اعزام شدهٔ به جنوب به طهران فرستاده شود.

نمره ـ ۲۲۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۴ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۱ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
پس از اظهارات کفیل وزارت امور خارجهٔ روس اگر من در اینجا بیانی بنمایم مبنی بر اینکه هرگاه در تعقیب وقایع حاضره هر نوع تغییراتی هم در طهران حاصل بشود بهر صورت دولت‌انگلیس نمی‌تواند مجدداً شاه مخلوع را بسمت سابق‌بشناسد گمان نمی‌کنم دولت روس از این بابت نگرانی حاصل بنماید.
من چنین استنباط می‌نمایم که یك همچو اظهاری نهایت لزوم را داشته باشد لهذا شما این عنوان را به کفیل وزارت امور خارجه بکنید و ضمناً خاطرنشان بنمائید که اگر من در اینجا بعلاوه بیان بنمایم که در این‌خصوص دولت روس با ما موافقت و معاهدت دارد باعث حدوث اثرات مطبوعی در انگلیس خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ دسامبر)
طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۲ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۳ دسامبر من:

دیشب وزیر امور خارجهٔ ایران را ملاقات نمودم. آن‌جناب بمن اطلاع داد که نهایت جد و جهد را برای متقاعد نمودن مجلس در قبول تقاضاهای روس بعمل آورده است و نیز اظهار نمود که بعد از رأی دادن مجلس به رد تقاضاها کابینه استعفا دادند ولی بواسطهٔ اظهارات نایب‌السلطنه و خواهش‌مجلس استعفای خود را مسترد نموده و مجدداً مشغول کار شدند.

حالا آن جناب شایق است با دولت روس داخل مذاکرات در این باب بشود و ترتیبی بدهند که تقاضاهای دولت روس مستقیماً مخل استقلال ایران نباشد. حتی اگر مجلس هم به قبول تقاضاهای حاضره متقاعد بشود آن تقاضاها اثرات سوء در شدت تهییج احساسات مملکت خواهد نمود و منجر به نتایجی خواهد شد که بکلی مخالف با اظهاری است که دولت روس در التیماتوم خود ذکر نموده است که میل دارد روابط وداد بین دولتین را براساس مستدامی برقرار بدارد.

آن جناب سؤال نمود آیا به نظر من احتمال آن می‌رود که وزیرمختار روس از دولت متبوعهٔ خودش تقاضا بنماید که بیك نحوی تقاضاهای خود را التیامی بدهند؟

من به وزیر امور خارجه جواب دادم که من همچو امیدی را از وزیرمختار مزبور ندارم ولی چون در غروب همان‌روز قرار ملاقاتی با مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داشتم به آن جناب وعده نمودم که این اظهار را به مسیو پکلوسکی ابلاغ بنمایم.

بعد از ملاقات همکار روس خودم و مذاکرهٔ با او به وزیر امور خارجه اطلاع دادم که گمان می‌کنم مجاهدات آن‌جناب برای متقاعدنمودن مسیو پکلوسکی که از دولت متبوعهٔ خودش درخواست جرح و تعدیل تقاضاها را بنماید ثمری نخواهد بخشید.

نمره ـ ۲۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ دسامبر)
طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۲ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۴ دسامبر من:

قنسول انگلیس از رشت خبر می‌دهد باز هم قشون روس دیروز به عزم طهران از رشت حرکت نمود.

تا حال ۲۰۰۰ نفر سرباز و ۳۰۰ نفر قزاق از اینجا حرکت کرده‌اند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۳۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ دسامبر)
طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۴ دسامبر شما:
من احتمال خطری برای سفارت فرض نمی‌کنم و اضافه‌شدن مستحفظین سفارت هم لازم نیست.

نمره ـ ۲۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ دسامبر)
طهران ۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۴ دسامبر من:
دیروز بلوا و هیجان کمتر بود. برای مرتفع‌شدن مخاصمهٔ بین بختیاریها و متابعین پیرم مشارالیه متابعین خود را به خارج شهر فرستاده است.

نمره ـ ۲۳۳

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۵ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۲ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۵ دسامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۹ دسامبر است)
بمحض وصول تلگراف ۲ شهر حال شما مکتوب خصوصی به کفیل وزارت امور خارجهٔ روس نوشته و اظهار نمودم امیدوارم‌که دیگر از این‌نوع‌تقاضاهای‌صعب‌الاجراء بدون مشورت با دولت انگلیس به دولت ایران پیشنهاد نخواهند نمود و در ملاقاتی که به تاریخ ۵ شهر حال با آن جناب نمودم در ضمن صحبت مراجعه به این مطلب نمودم.
مسیو نراتوف اظهار داشت علت اینکه جواب مراسلهٔ شما را ننوشتم این است که می‌خواستم از شما سؤال کنم آیا اتفاقی روی داده که باعث سوءتفاهمی شده باشد؟ والا با وجود آن‌همه اطمینانهایی که به شما داده‌ام جهتی ندارد سر ادوارد گری همچو نظریات متشددی در این مسئله اتخاذ بنمایند.
من جواب دادم که ما تمام اقوال آن‌جناب را معتبر دانسته و آنچه را در باب مقاصد دولت روس به من گفته است مورد اعتماد کامل قرار داده‌ایم ولی ممکن است چنان وقایع غیرمنتظره‌ای یك‌مرتبه حادث بشود که ایفای به مواعید و ابقاء به تأمینات‌سابقه برای دولت روس غیرممکن بشود. باین‌جهت است که سر ادوارد گری اصرار دارند که قشون روس نباید طهران را اشغال بنمایند مگر در صورت منحصر شدن چاره.
ورود قشون روس به پایتخت بطور حتم تولید حوادث اسف‌انگیز خواهد نمود و از

احتمال گذشته بلکه یقین است که یك مقدار قتال در خود طهران واقع خواهد شد آنوقت محتمل است به ما گفته بشود که نظر به بعضی تکدرات جدیدهٔ دولت روس لازم می‌داند دعوی تمکین شدن به پاره‌ای تقاضاهای دیگر را بنماید که البته آن تقاضاها مشکل‌تر از امثال سابق آن خواهد بود و متعاقب آن خطر دیگری خواهد بود که اگر قشون روس حالیه طهران را فقط موقتاً اشغال بنماید ولی آن وقت به‌واسطهٔ پیش‌آمد حوادث اسفناك مجبوراً توقف موقتی قشون در طهران مبدل به یك مدت نامحدودی خواهد شد.

آن جناب جواب داد که فقط در دو صورت امر به پیش‌رفتن قشون به طهران خواهد شد یکی اینکه تا وقتی که بنا بشود قشون از قزوین حرکت بنماید تقاضاهای دولت روس پذیرفته نشده باشد و دیگر اینکه مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] حضور قشون را برای حفظ جان اتباع خارجه لازم بداند. دستهٔ عمدهٔ قشون تا ۸ روز دیگر به قزوین خواهد رسید و چون باید وسایل دست‌رسی به انزلی فراهم بشود محتمل است که لازم بگردد دو سه روز هم در قزوین مکث بنمایند.

از این‌قرار دو هفته طول می‌کشد تا قشون به طهران برسد ولی این را هم باید در نظر داشت که شاید هر آن وضع طهران طوری بشود که مسیو پکلوسکی یك‌دسته قزاق با نهایت عجله برای محافظت خودش بخواهد. ظاهراً بموجب راپورتی که به آن‌جناب رسیده یك عدهٔ قلیلی استعداد و یکی دو عراده توپ در طهران ترتیب داده شده که در صورت ورود قشون روس با آنها مقابله بنمایند و این اسباب کمال اسف است چون اگرچه مجادلهٔ یك همچو دسته‌ای قابل اهمیت نیست ولی خوب بود که مجادلهٔ مستقیم و منظم کلیتاً واقع نمی‌شد بجهت اینکه یك همچو مجادله‌ای عاقبت تولید اختلافات و مشکلاتی خواهد نمود که منجر به نتایج سوء خواهد شد. و نیز آن‌جناب اظهار نمود که اعمال و مجادلات نظامی طبیعتاً بسته به دست فرماندهٔ قشون است و آنچه موکول به رأی خود او خواهد بود این است که اگر بنای مجادله‌ای بشود صلاح در اشغال کدام قسمت شهر است.

من مجدداً رشتهٔ کلام را معطوف نمودم به مسئلهٔ امکان پیشنهاد تقاضاهای مجددی و مسیو نراتوف جواب داد که هیچ تقاضای دیگر پیشنهاد نخواهد نمود که مخل پلتیك آتیهٔ ایران باشد مگر اینکه قبل از وقت با ما مشورت نموده و رضایت ما را اتخاذ بنماید.

پس از آن من شروع به مذاکرهٔ مفاد تلگراف ۴ شهر حال شما در موضوع شاه مخلوع نمودم. من اظهار نمودم اگر آن جناب شما را مختار بنماید که در پارلمان اظهار بنمایید که دولتین تعهد نموده‌اند بهیچوجه و بهیچ نهج شاه مخلوع را دیگر نشناسند یك همچه اظهار بحدی مؤثر واقع خواهد شد که ضدیتی که در انگلیس نسبت به اعمال جدید روس حاصل شده است مرتفع خواهد شد و در ضمن ما را ملتزم می‌نماید که من‌بعد در ایران با اعمال دولت روس معیت داشته باشیم.

مسیو نراتوف جواب داد که در همین چند روز قبل خود او باعث شده که به

محمدعلی‌میرزا از طرف دولت روس اخطار شده است تصور این را نکند که دولت روس به او تقویت خواهد نمود. آن جناب اظهار داشت نمی‌داند غرض سر ادوارد گری از عنوان مسئلهٔ شاه مخلوع در این موقع چیست.

من اظهار نمودم مصلحت در این است دولتین معاهده بنمایند که حتی اگر تا چند سال دیگر هم اهل ایران شاه مخلوع را دعوت به ایران بنمایند دولتین بهیچ‌وجه او را به سمت سلطنت نشناسند.

من گفتم قصد سر ادوارد گری در این موضوع تغییرناپذیر است و لازم است در این موقع رأی سر ادوارد گری در باب دیگر نشناختن شاه مخلوع بـه سمت سابقه، علنی بشود چون در ایران عقیدهٔ عموم بر این است که نمایندگان دولت روس در تهیهٔ دفع موانع و تسطیح طرق برای رجعت محمدعلی‌میرزا هستند. حتی در بعضی از نقاط انگلستان هم این مسئله در اذهان رسوخ نموده. باضافه مشهور است که‌قشون روس در صدد این هستند که محمدعلی را مجدداً به تخت سلطنت بنشانند. بنابراین لازم است این سوءظن از اذهان عامه خارج بشود و مشهود بگردد که این روایـات مقرون به صحت نیست.

من خاطر مسیو نراتوف را متذکر نمودم که در تابستان گذشته وقتی که شادمخلوع وارد به خاك ایران شد ما به او خاطرنشان نمودیم که ما دیگر او را نخواهیم‌شناخت چونکه اگر برخلاف این روش عمل بنمائیم مخالف با رویه‌ای‌است که ما همیشه در باب مداخله ننمودن در این‌طور مخاصمات داخلی ایران سرمشق خود قرار داده‌ایم ولی اعلیحضرت معظم از موافقت با این مذاکرهٔ ما امتناع نمود. حالا وضع این مسئله بکلی تغییر نموده محمد علی مجاهدات خود را نموده و نتوانسته کاری از پیش ببرد و شکست‌های پی در پی از قشون دولتی خورده تا منجر به یأس کلی شده. اگـر حالا او در به‌چنگ آوردن سریر سلطنت مـوفق بشود مسلماً بواسطهٔ عزیمت قشون روس به طهران است که باعث ضعف دولت ایران شده و موقع مغتنمی به دست شاه مخلوع افتاده لهذا چنانچه ما در این موقع ساکت بمانیم هر اتفاقی بیفتد توبیخ و ملامت آن را به عهدهٔ دولت روس وارد خواهند نمود.

آن‌جناب صحت بیانات من را تصدیق نموده و فرمودند ولی اگر در عرض چند سالهٔ آتیه توجهات‌عموم به‌طرف شاه‌مخلوع معطوف‌بگردد و برای رجعت او حسن طلب بشود ما مجبور خواهیم بود که مجدداً او را بشناسیم. من اظهار نمودم وقتی که در چند ماه قبل مذاکرهٔ مجدداً پناهنده شدن شاه مخلوع به روسیه بود، آن جناب بالشخصه به من گفته بود که ما در آتیه بکلی از این بابت آسوده خواهیم بود چون اعلیحضرت معظم از این پذیرایی سردی که در ایران از او شده بحدی مکدر است که دیگر هرگز روی خود را هم در ایران نشان نخواهد داد.

پس از آن مسیو نراتوف چندین شق پیشنهاد نمود که بنظر او برای تأمینات لازمه در این موضوع مکفی می‌نمود و از آن جمله یکی این است که دولت روس اطمینان بدهد مادامی که قشون او در اشغال ایران باقی باشد شاه مخلوع شناخته نشود و یك

شق دیگر این است که دولت روس بدون رضایت دولت انگلیس شاه مخلوع را نشناسد.

من اظهار نمودم عنوانی که تعیین‌وقت در آن بشود معنی آن این است کـه شاه مخلوع دعوت بشود که پس از انقضاء مدت معینه رجعت بنماید و بالاخره من از آن جناب تمنا نمودم که نظر به مشکلاتی که سر ادوارد گری را در این باب دچار نموده همان قسمی که او پیشنهاد نموده بدون اسم‌بردن از مدت یا چیز دیگری عنوان این مسئله را بنماید چون باین قسم برای منافع معاهدهٔ انگلیس و روس هم مرجح است.

من نیز اظهار نمودم که هیچ نوع صفات حمیده و خصایص پسندیده تا حال از شاه مخلوع بروز ننموده که او را لایق سلطنت بدارد و اگر آن جناب در این مسئله به نحوی که سر ادوارد گری تقاضا نموده موافقت بنماید من یقین دارم سر ادوارد گری با او معیت خواهد نمود که ترتیب حکومتی در طهران داده بشود که روابط وداد را با دولت روس کاملا مفتوح بدارد و مقصودی که هر دو دولت در نظر دارند همین است. هر دو دولت اشتیاق دارند رویهٔ مستدامی در ایران تأسیس بشود؛ فقط اختلاف دولتین در باب وسایلی است که برای انجام این مقصود باید به‌کار برده بشود. من با کمال اطمینان اظهار داشتم که اقدامات متفقانهٔ نماینده‌های دولتین خیلی مؤثرتر از پیشنهاد تقاضاها با سرنیزهٔ تفنگ خواهد بود.

مسیو نراتوف جواب داد آمال صمیمانهٔ او همین است که استقرار معیت دولتین را ببیند و در باب مسئلهٔ شاه مخلوع هم قول داد که سعی بنماید یك عنوانی ترتیب بدهد که موجب استرضای خاطر جنابعالی باشد.

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۳۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۲ آذر ۱۲۹۰]

رجعت شاه‌مخلوع بعقیدهٔ من فقط محلل مسئلهٔ استقرارحکومتی درایران که طرفدار منافع روس باشد واقع نخواهد شد لهذا نمی‌توان موافقت نمودن دولت روس را در این مسئله با ما، منحصر به لازم بودن آن برای حوائج روس نمود چونکه آن باعث فراهم شدن مشکلات برای ما هم خواهد بود. بنظر من برای دولت انگلیس محال است که بعد از نقض‌عهد نمودن شاه مخلوع و مراجعت نمودن او به ایران دیگر دولت انگلیس بتواند او را بشناسد.

نمره ـ ۲۳۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت‌خارجه ۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

خزانه‌دار کل انتخاب مستر لکفر را به ریاست مالیهٔ تبریز نسخ نموده از وزیر امور

خارجهٔ موقتی روس سؤال کنید که غرض دولت روس از تقاضای انفصال لکفر همین بوده یا بکلی منفصل شدن او را از استخدام دولت ایران خواستارند. حالا دو سال است که او مستخدم دولت ایران است و من به این عقیده هستم که دولت روس فقط تعیین نشدن او به پیشکاری خزانهٔ تبریز را می‌خواستند.

نمره ـ ۲۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۵ دسامبر من:
پیرم مجدداً به ریاست نظمیه منصوب شد و ظاهراً هم او و هم متابعین او با بختیاریها صلح نمودند.

نمره ـ ۲۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۴ دسامبر من:
دستهٔ قشون انگلیس بدون آسیب دیگری به اصفهان رسیدند. حالت صاحب‌منصب مجروح هم رو به بهبودی است. کرنل دوگلاس تلگرافاً [تلگرافی] اطلاع می‌دهد که فرماندهٔ قشون بهیچوجه با قافله معیت نداشته همینکه شنیده است قافلهٔ جلو را سارقین احاطه نموده‌اند او تاخت نموده تا به سارقین رسیده و آنها را متواری‌نموده. کرنل دوگلاس گمان می‌کند هیچ نسبت دیگری به صاحب‌منصب مزبور نمی‌توان داد و او را مقصر فرض کرد.

نمره ـ ۲۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۵ دسامبر من:
قنسول انگلیس از رشت خبر می‌دهد که یك دستهٔ دیگر از قشون روس مرکب از ۹۰۰ نفر سرباز ۴ دسامبر به عزم قزوین از رشت حرکت نمودند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آذر ۱۲۹۰]
سردار اسعد دیروز وارد طهران شد.

نمره ـ ۲۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹].
وزیر امور خارجهٔ ایران مشتاقانه امیدوار است که به ملاحظهٔ اقدامات مجدانه‌ای که او در متقاعدنمودن مجلس برای ترتیب قراری با روس دارد قشون روس از قزوین حرکت ننمایند و قدری در آنجا مکث کنند چون اگر حرکت بنمایند ترتیبی که او در نظر دارد بکلی بر هم می‌خورد و اوضاع صورت دیگر پیدا نموده و منقلب خواهد شد.

نمره ـ ۲۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
طهران ۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ نوامبر من:
هم پستخانه و هم تلگرافخانه مکاتبات و مخابرات برای کرمانشاه را قبول نمی‌کنند. تلگراف اخیر قنسول انگلیس که با قاصد به همدان فرستاده شده و از آنجا مخابره شده بود دیروز به من رسید و مبنی بر این بود که وسایل مخابره با بغداد هم مقطوع است. باضافه قنسول مزبور غارت‌شدن کرمانشاه را هم پیش‌بینی نموده بود.

نمره ـ ۲۴۲

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۵ دسامبر شما:
کفیل وزارت امور خارجهٔ روس در باب رجوع خدمت نمودن دولت ایران با مسیو لکفر در محل‌هائی که خارج از منطقهٔ روس باشد مخالفتی ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۴۳

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۶ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

من در ۶ شهر حال مسیو نراتوف را ملاقات نمودم. آن‌جناب اظهار داشت امیدوار است ما یك ترتیبی برای حل این معما بدهیم که برای دولتین مناسب باشد ولی هنوز بر مخالفت خود باقی بود و از هر نوع عنوانی در باب رجعت شاه مخلوع که دولتین را ملتزم بدارد و در آتیه هم تغییرنکردنی باشد امتناع داشت.

آن‌جناب در تأیید این عقیدهٔ خودش اظهار نمود که از قرار مسموع بعضی از بختیاریها در باب رجعت محمد علی موافقت دارند و بعد از آنکه ما معاهده‌ای در باب نشناختن شاه مخلوع بنماییم اگر فرضاً بختیاریهای مزبور او را مجدداً به تخت سلطنت جای دادند آن‌وقت ما چه خواهیم کرد؟

من جواب دادم که سر ادوارد گری همهٔ اینها را بلکه احتمال هرنوع اتفاقهای دیگر را هم تصور کرده و هیچ‌چیز رأی قطعی او را در این‌باب تغییر نخواهد داد. بختیاریها اینقدر خواهان شاه‌مخلوع نیستند که اصرار در تجدید سلطنت او داشته‌باشند، خصوصاً در صورتی‌که ما قبل از وقت به آنها اطلاع بدهیم که ما او را به این سمت نخواهیم شناخت.

من از بیاناتی که وزیر امور خارجهٔ ایران به سر جارج بارکلی نموده بود مسیو نراتوف را مستحضر نمودم (بموجب تلگراف سر بارکلی مورخهٔ ۵ دسامبر) آن جناب اذعان نمود نکته‌ای که در تقاضاهای روس ممکن است احساسات دولت ایران را متلاطم بدارد تقاضایی‌است که درمادهٔ دوم درباب‌مستشارهای خارجه‌شده ولی‌هرتغییر و تبدیلی در این نکته بشود باز اسباب ابتلای ما خواهد شد چون‌ممکن است دولت ایران یك نفر خارجه‌ای دیگر را انتخاب بنماید که اعمال او عیناً مثل اعمال شوستر باشد به این جهت نمی‌داند چطور می‌توان تغییری در آن تقاضا داد. بعلاوه تقاضای دولت‌روس فقط بیان مطلبی است که همیشه دولتین معاهدتین در آن موضوع اصرار داشته‌اند و عملا هم ملاحظه نموده‌اند.

در موضوع دعوی خسارت هم اگر دولت ایران فقط قبول معاهدات لازمه را بنماید دولت روس با کمال میل مساعدت در تسهیل آن خواهد نمود.

نمره ـ ۲۴۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۳ آذر ۱۲۹۰]
خزانه‌دار کل

شما باید با مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] مذاکره بنمایید که نهایت لزوم را دارد همان آن که به تقاضاهای روس تمکین بشود بدون هیچ نوع دفع وقت شخص دیگری

بجای شوستر منصوب بشود و نیز مذاکره بنمایید کی برای این شغل مناسب‌تر و مقبول‌تر است.

نمره ـ ۲۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۷ دسامبر)
طهران ۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۴ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس به من اظهار داشته که ۴۰۰ نفر از قشون روس وارد قزوین شدند.

نمره ـ ۲۴۵ ایضاً

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۷ دسامبر)
طهران ۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

قایم‌مقام شوستر

راجع به تلگراف دیروز شما:

همکار روس من مرنارد را برای منصوب شدن بجای مستر شوستر تصویب می‌نماید. پس از انفصال مسیو نوز، مرنارد رئیس کل گمرکات ایران بوده. رفتار او همیشه مرضی من بوده و گمان می‌کنم نظر به تجربیات طولانی او در ایران و سبك سلوك مساعدی که تا حال نسبت به سفارتین تعقیب نموده انتخاب او برای این مقام در این موقع بسیار مناسب باشد.

نمره ـ ۲۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۷ دسامبر)
طهران ۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۴ آذر ۱۲۹۰]

سردار اسعد مشغول بکار بردن نفوذ خودش است که التیامی در ترتیبات حاضره بدهد و ظاهراً رجعت او به ایران اسباب تسهیل و ترفیه اوضاع شده. احساسات عمومی ظاهراً مناسب‌تر می‌نماید تمام فرق در مجلس حتی فرقهٔ دمکرات هم متمایل به موافقت شده‌اند و امید آن هست که کابینه در متقاعد نمودن مجلس به تمکین تقاضاهای روس موفق بشود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۴۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

گمان می‌کنم حالا موقع مقتضی است که من نظریات دولت انگلیس‌را در باب بعضی مسائل لازمه صراحتاً روی کاغذ بیاورم که خوف امکان وقوع اختلاف بین دولتین مرتفع بگردد و شرایط اتفاق دولتین در آتیه فراهم بشود.

شما باید یادداشتی مبنی به مواد ذیل به وزیر امورخارجهٔ دولت روس پیشنهاد نموده و اظهار امیدواری در پذیرفته‌شدن آن مواد بنمایید و در ضمن دولت مزبور نظریات خودش را هم بیان بنماید. شما باید بهرحال توضیح بنمایید که من نمی‌خواهم با گرفتاریهای حاضره بواسطهٔ شرح و بسط دادن در این موضوعات زحمات مسیو نراتوف را زیاد بنمایم و اذعان دارم که فقط مسئلهٔ قایم‌مقام مستر شوستر باید سریعاً موضوع بحث قرار داده بشود و بس:

۱) تسویهٔ اختلافات موجوده باید بنحوی بشود که ترتیب حکومتی در ایران داده بشود که با مواد معاهدهٔ انگلیس و روس موافقت داشته باشند و در باب منافع مخصوصه‌ای که دولتین در ایران دارند بی‌اعتنایی ننمایند.

۲) من امیدوارم دولت روس هیچ نوع قراردادی را که مربوط به رجعت شاه مخلوع باشد تجویز نخواهند نمود. رجعت او فقط باعث تزلزل اوضاعی که تا حال منقلب بوده خواهد شد که خود منافی با مقصود فوق‌الذکر است. پس از آنکه شاه مخلوع در همین اواخر نسبت به اخطاری‌که دولتین به او نمودند که رجعت به‌ایران ننماید بی‌اعتنایی نموده شناختن او به سلطنت با مقامات ما بکلی متباین است. باضافه عودت او باعث اقدامات منتقمانهٔ او نسبت به اشخاصی که اسباب اخراج او شده‌اند خواهد شد.

۳) بمحض حرکت مستر شوستر نهایت لزوم را دارد یك نفر خارجه‌ای دیگر که مقبول دولتین باشد انتخاب بشود که بجای او برقرار بگردد. در این موضوع وزیرمختارهای دولتین باید با هم مذاکره نموده و شخص مناسبی را نامزد و معرفی بنمایند.

۴) پس از آنکه دولت ایران با تقاضاهای روس موافقت نمود باید به آنها معیت بشود که مملکت را منظم بدارند و برای انجام این مقصود پول لازم خواهند داشت. لهذا دولتین باید با دولت مزبور مساعدت بنمایند که تحصیل استقراضی بنماید.

۵) اگر دولت روس در باب تأدیهٔ خسارات اصرار بنماید دولت ایران در این باب خیلی متزلزل خواهد شد. بنابراین امیدوارم پس از مرتفع شدن اختلافات‌موجوده یك طریقی هم برای دفع این مشکل اتخاذ بشود.

۶) معلوم است که اشغال‌نمودن روس خاك ایران را و اقدامات قشونی حالیهٔ او، دائمی نیست و عمل سطحی است و البته بمحض اینکه دولت ایران تقاضاهای روس

را بپذیرد و اعادهٔ نظم در شمال ایران مسلم بگردد این اقدام موقوف شده و قشون روس عودت خواهند نمود.

نمره ـ ۲۴۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر برتی
وزارت خارجه ۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
محض استحضار مسیو سازانوف شما باید یا مستقیماً یا بتوسط کنت بنکندرف یادداشتی به او پیشنهاد بنمایید که حاوی همان نظریات دولت انگلیس باشد که در تلگراف امروز من به سر بچنن [بیوکانان] مصرح شده.

نمره ـ ۲۴۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۸ دسامبر)
طهران ۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آذر ۱۲۹۰]
به تلگراف ۶ دسامبر که از سن پطرزبورغ مخابره شده مراجعه نمایید:
دو سال است که مستر لکفر درطهران در وزارت مالیهٔ ایران در طبقات‌نازل اشتغال داشته و خدمات مفیده نموده است و در مدت مزبور دولت روس هیچ مخالفتی در باب اشتغال او در اینجا نداشته‌اند. آیا واقعاً اصرار دارند که حالا مستر لکفر از شغل در وزارت مالیهٔ خودش هم دست بردارد؟

نمره ـ ۲۵۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۸ دسامبر)
طهران ۸ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۵ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
وزیر امور خارجهٔ ایران دیروز بعدازظهر به سفارت روس رفته و در موضوع تقاضاهای روس با وزیرمختار مذاکره نموده بود. آن جناب اظهار داشته بود که مادهٔ دوم التیماتوم عمده مسئله‌ای‌است که مشکلات پیش آورده چون آن مخل استقلال مملکت ایران است. فرضاً اگر دولت ایران تعهد بنماید که در تعیین مستشارهای خارجه ملاحظات لازمه را مرعی بدارد که به منافع دولتین ضرری وارد نیاید یك نوع عنوانی است که شامل همان نتیجهٔ مطلوبهٔ دولت روس خواهد بود و این‌طور هم بالصراحة مخل استقلال ایران نخواهد بود. ممکن است بواسطهٔ این تغییرعبارت مجلس هم آن را قبول بنماید و بهمین وسیله نیز ممکن است مجلس را متقاعد نمود که آن دوفقره تقاضاهای دیگر را هم قبول بنمایند.
وزیر امور خارجه اظهار نموده بود امیدوار است پس از انجام مسائل فوق‌الذکر

دولت روس قشون خود را عودت بدهند و نیز بیان نموده بود که چون عموماً به این عقیده هستند که ورود قشون روس به ایران برای این است که مجدداً شاه مخلوع را برقرار بنمایند لهذا بجهت اینکه اعادهٔ روابط وداد بین دولتین روس و ایران مشهود بگردد هیچ بهتر از این نخواهد بود که اعلیحضرت معظم را هم طرد بنمایند.

آن جناب نیز اظهار داشت که دولت ایران خیلی احتیاج به یك استقراضی دارد یا اقلا یك مبلغ مساعده‌ای و برای تحصیل یکی از این دو فقره تقویت و همراهی دولت روس لازم است.

نمره ـ ۲۵۱

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۸ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۸ دسامبر حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل
مورخهٔ ۹ دسامبر است)

من مجدداً دیروز مسیو نراتوف را ملاقات نموده و یادداشتی را که حاوی ۶ فقره مسائل مندرجهٔ در تلگراف روز قبل شما بود به آن جناب تقدیم نمودم. من توضیح نمودم که برای دفع هر نوع سوءتفاهمی که محتمل است واقع بشود سر ادوارد گری صلاح بر این دیده که بعضی نکات لازمهٔ پلتیکی را روی کاغذ بیاورد و به این‌واسطه اسباب متفقانه عمل نمودن دولتین فراهم شود باضافه اظهار نمودم امید است دولت روس نظریات دولت انگلیس را با نظریات خود موافق ببیند.

مسیو نراتوف پس از وعده دادن که توجه مخصوصی در موضوع این ۶ نکته بنماید اظهار داشت در باب قایم‌مقام مستر شوستر عقیدهٔ او بر این است که مستشارهای خارجه بهیچ‌وجه نباید دیگر از اتباع یا اعیان دول معظمه انتخاب بشوند و در آتیه باید با نهایت دقت اختیارات مستشار مالیه محدود بشود که بهیچ‌وجه نتواند با قدرت مطلق‌العنان عمل بنماید. پس از آن در موضوع استیضاح در پارلمان راجع به شاه مخلوع با مسیو نراتوف صحبت نمودم و بالاخره آن‌جناب عبارت ذیل را قبول نمود چون راه مخالفتی بر آن مفتوح نیست اگرچه باز اظهار نمود که باید بدواً آن را به مسیو سازانوف پیشنهاد بنماید و مسیو سازانوف هم حالا در پاریس است:

«دولت انگلیس به دولت روس اطلاع داده است که اگر شاه مخلوع بخواهد خود را به سلطنت برقرار نماید دولت انگلیس نمی‌تواند او را به این سمت بشناسد. علیهذا دولت روس هم از طرف خودش به دولت انگلیس اطمینان داده است که هرگاه شاه مخلوع حالا در مجدداً جلوس نمودن به تخت سلطنت مجاهدت بنماید دولت روس نیز متساویاً او را به این سمت نخواهد شناخت و مادامی‌که قشون روس در ایران توقف دارند بهیچ وجه اقدام در تشجیع یا تسهیل عملیات شاه مخلوع برای به دست آوردن سلطنت نخواهند نمود».

جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۵۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف دیروز من:
شما باید یادداشت مضاعفی به کفیل وزارت امور خارجهٔ روس پیشنهاد بنمایید و در آن توضیح بنمایید که مقصود از عبارت ششم در یادداشت قبل این است که بمحض اعادهٔ نظم تمام قشون روس به انضمام عده‌ای که در تبریز و اردبیل هستند باید از شمال ایران عودت داده بشود.

نمره ـ ۲۵۳

مکتوب سر برتی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ دسامبر)
پاریس ۸ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۵ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
آقا

وزیر امور خارجهٔ روس که حالا در پاریس است امروز عصر به ملاقات من آمد برای اینکه در باب اوضاع ایران با من مذاکره بنماید و محض استحضار شما نظریات خودش را در خصوص اوضاع کنونی ایران توضیح بنماید.

من در شروع به مذاکره از تشویش شما در باب وضعی که در ایران حادث شده صحبت نموده و از نگرانی شما در موضوع پیشنهاد تقاضاهای روس به دولت ایران و حضور قشون روس در آن مملکت آن جناب را متذکر نمودم. بملاحظهٔ اینکه شاید سفیرکبیر روس مقیم لندن غفلت نموده باشد که بیانات شما را در موضوع نکات‌مهمهٔ راجع به ایران که در دوم شهر حال به سفیر مزبور عنوان نموده بودید بـه وزیـر معظم‌الیه [= معظم‌له] اطلاع بدهد من تلگراف شما را به سر بچنن [بیوکانان] در باب عنواناتی که باید کتباً به مسیو نراتوف بنماید به مسیو سازانوف ارائه دادم. بعد از آن یادداشتی مبنی به نظریات شما که در تلگراف دیروز شما به سر بچنن مسطور است به آن جناب تقدیم داشتم و سواد آن یادداشت را بـا کمال افتخار لفاً ارسال می‌دارم.

مسیو سازانوف اظهار داشت تا درجه‌ای که عقیدهٔ شخصی او مدخلیت دارد او با نظریات شما موافقت نموده و آنها را قبول دارد ولی در موافقت وزیر مالیهٔ روس در باب نظریات شما راجع به وجه خسارت نمی‌تواند جوابی بدهد. بمحض اینکه در ۱۳ شهر حال به سن پطرزبورغ وارد بشود نهایت سعی را خواهد نمود که یا دعوی تأدیهٔ وجه خسارت نسخ بشود یا یك نوع تعویضی بجای آن معین بشود که نتیجهٔ آن تسهیل این تحمیل باشد و پس از اعماق نظر در باب اوضاع ایران در سن‌پطرزبورغ بـا سفیرکبیر انگلیس در موضوع کلیهٔ امورات راجع به ایران مذاکره خواهد نمود. بعد از آن مسیو سازانوف به تکدراتی که دولت روس از دولت ایران حاصل نموده مراجعه

نموده گفت رنجش‌های روس بسیار است و بملاحظهٔ ضعیف بودن ایران و توجه دولت روس به این مسئله متدرجاً ماده غلیظ شده ولی دولت ایران این ملاحظهٔ روس را به ضعف دولت روس تعبیر نموده یعنی بازگشت قشون روس در وهلهٔ سابق که به طرف طهران می‌رفت دولت ایران را دلالت به این تصورات نموده. دولت ایران از صبوری دولت روس منتفع شده.

مسیو سازانوف نیز اظهار داشت که او کاملا تصدیق دارد که نباید گذارد مسئلهٔ ایران بحدی غامض بشود که تولید اثرات سوء در روابط بین دولتین روس و انگلیس بنماید و سر ادوارد گری باید مترصد اقدامات من باشد و حتی‌القوه سعی خواهم نمود قراری در این باب بگذارم که از وقوع همچو نتیجه‌ای جلوگیری بشود. آن‌جناب گمان می‌کرد تشددهای جاریه در انگلستان راجع به سبك رفتار روس در ایران غیرلازم است. دولت روس بهیچ‌وجه مایل نیست که طهران را اشغال بنماید مگر در صورتی‌که برای اجرای مقاصد خودش بکلی مجبور بشود و میلی هم به عودت شاه مخلوع ندارد. اعلیحضرت مزبور بکلی در ایران بی‌اعتبارشده و به‌این‌واسطه وجود او برای اجرای مقاصد روس نسبت به مقام دولت ایران هیچ فایده‌ای ندارد در صورتی که دولت روس هم واقعاً مقصودی در نظر ندارد.

مسیو سازانوف شب ۱۱ شهر جاری از پاریس حرکت خواهد نمود.

امضاء فرانسیس برتی

مواد یادداشت سر برتی به مسیو سازانوف

مبدأ کلیهٔ تشویش سر ادوارد گری مسئلهٔ ایران است. سر ادوارد گری در این موضوع مذاکرات متشدد با کنت بنکندرف در ملاقات دویم شهر حال نموده و بی‌تردید سفیرکبیر مزبور در باب آن مذاکرات خاطر محترم مسیو سازانوف را مستحضر خواهد نمود. سر ادوارد گری میل دارد نظریات خودش را در بعضی نکات لازمه روی کاغذ بیاورد برای اینکه احتمال وقوع اختلاف بین دولتین روس و انگلیس را مرتفع بدارد و شرایطی مقرر بشود که باعث امتداد موافقت دولتین بگردد و برای فراهم نمودن وسایل این اتفاق تشریح مواد ذیل را لازم می‌داند یعنی:

۱ـ تسویهٔ اختلافات موجوده باید بنحوی بشود که ترتیب حکومتی در ایران داده بشود که با مواد معاهدهٔ انگلیس و روس موافقت داشته باشند و در باب منافع مخصوصه‌ای که دولتین در ایران دارند بی‌اعتنایی ننمایند.

۲ـ مجدداً شناخته شدن شاه مخلوع به سمت سلطنت، با مقامات دولت انگلیس منافی است چون پس از آنکه از طرف دولتین روس و انگلیس به او اخطار شد که به ایران رجعت ننماید او به این اخطار وقعی نگذارده و برخلاف آن رفتار نمود. عودت او به مقام سابقه با مقاصدی که بموجب مادهٔ اول در نظر است بکلی متضاد است. بعلاوه رجعت او به ایران باعث اقدامات منتقمانه از طرف او خواهد شد که نسبت به اشخاصی که مؤسس اخراج او از ایران شده‌اند تلافی ماسبق را بنماید.

بنابراین سر ادوارد گری امیدوار است که دولت روس راضی نخواهد شد که بواسطهٔ اجازهٔ رجعت دادن به شاه مخلوع اوضاع ناگوار کنونی منقلب‌تر بشود.

۳ـ وزیرمختار روس و انگلیس در طهران باید دفعتاً در باب انتخاب یك مستشار مالیهٔ خارجه با هم شور نموده و هرکس را تصویب نمودند برای قایم‌مقامی مستر شوستر معرفی بنمایند چونکه خیلی لازم است شخصی انتخاب بشود که مقبول دولتین روس و انگلیس باشد.

۴ـ پس از آنکه دولت ایران تقاضاهای دولت روس را قبول نمود دولتین روس و انگلیس باید اقدامات در تسهیل حصول استقراضی برای دولت ایران بنمایند که در باب اعادهٔ نظم در ایران با آن دولت مساعدت شده باشد.

ـ دعوی خسارت که دولت روس به ایران پیشنهاد نموده اگر اصلاح نشود با مقصود مذکوره در مادهٔ ۴ متباین است.

سر ادوارد گری امیدوار است که پس از مرتفع‌شدن اختلافات موجوده، دولت روس سعی بنماید وسایلی فراهم بیاورد که اشکالاتی که از مطالبهٔ تأدیهٔ خسارت برای دولت ایران حادث شده برطرف بشود.

۶ـ به سر ادوارد گری همچومفهوم است که بمحض تمکین دولت‌ایران به‌تقاضاهای دولت‌روس و استقرارنظم درشمال ایران دولت‌روس از اشغال خاك ایران دست‌برداشته و اقدامات قشونی خود را که حالیه در جریان است و می‌گویند اقدامات مزبور سطحی است و دائمی نخواهد بود موقوف خواهد داشت.

سر ادوارد گری به سر برتی امر نموده است که در موقع تبلیغ مواد فوق به مسیو سازانوف اظهار بدارد مسئله‌ای که می‌شود اقدام فوری در باب آن نمود عمل تعیین قایم‌مقام مستر شوستر است که باید نماینده‌های دولتین روس و انگلیس در طهران در این موضوع عطف توجه بنمایند. سر ادوارد گری امیدوار است مسیو سازانوف با او هم‌عقیده شده و اقرار خواهد نمود که مواد مذکوره با نظریات دولت روس موافقت دارد.

پاریس ۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۵ آذر ۱۲۹۰]

نمره ـ ۲۵۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۹ دسامبر)

سن پطرزبورغ ۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۶ آذر ۱۲۹۰]

من در موضوع تلگراف ۸ دسامبر سر جارج بارکلی امروز با مسیو نراتوف مذاکره نمودم. مسیو نراتوف جواب داد که اشتغال مستر لکفر در طهران در وزارت مالیه مخالف میل دولت روس است هم بواسطهٔ حرکات ضد روس او که کاملا مشهود گشته هم بواسطهٔ ارتباطی که او در این اواخر با مستر شوستر و استکس داشته.

ـ آن‌جناب اظهار داشت که مشغله پیدا نمودن مستر لکفر در جای دیگر نباید برایش

اشکالی داشته باشد.

نمره ـ ۲۵۵

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۹ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۱۶ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۹ دسامبر حاوی شرح مکتوب ذیل
مورخهٔ ۱۳ دسامبر است)

آقا

با کمال احترام خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که بموجب تعلیمات مندرجهٔ در تلگراف ۸ شهر حال شما به تاریخ ۱۰ شهر حال من یادداشت اضافی به کفیل وزارت امور خارجهٔ روس نوشته و توضیح نمودم که مقصود از عبارت مادهٔ ششم یادداشت مورخهٔ ۸ دسامبر من این بوده که پس از اعادهٔ نظم در شمال ایران کلیهٔ قشون روس به انضمام آنهایی‌که در تبریز و اردبیل هستند باید از ایران خارج بشوند.

الحال بـا کمال افتخار سواد شرحی که کفیل وزارت امور خارجه بـه تاریخ ۹ دسامبر نگاشته لفاً ارسال می‌شود. مراسلهٔ مزبور مبنی بر این است که آن جناب در موضوع مادهٔ سوم یادداشت من مخالفتی ندارد و تصدیق دارد که به نماینده‌هـای دولتین در طهران باید تعلیمات داده بشود که بدون تأخیر برای انتخاب یك نفر خارجه‌ای بجای مستر شوستر مشورت بنمایند. مسیو نراتوف نیز اشعار داشته است که اختیارات این مستشاری که نامزد خواهد شد باید بکلی به وظایف حوزهٔ ادارهٔ مالیهٔ ایران محدود بشود.

جارج بچنن [بیوکانان]

سواد یادداشت جوابیهٔ مسیو نراتوف به سر بچنن [بیوکانان]
سن پطرزبورغ ۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

سفیرکبیر عزیزم

راجع به مادهٔ سوم مسطوره در یادداشت دیروز شما من در مستحضر داشتن شما عجله می‌نمایم که هیچ جهتی‌ندارد من مخالفتی در این داشته‌باشم که به وزیرمختارهای دولتین روس و انگلیس در طهران تعلیمات داده بشود بدون تأخیر در باب انتخاب یك نفر خارجه‌ای بجای مستر شوستر مشورت بنمایند. البته بر طبق قراری که داده شده این مستشار باید از بین اتباع یکی از دول صغیره انتخاب بشود. من در صددم که در این موضوع تلگرافی به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] بنمایم و از او تقاضا خواهم نمود که بدون تأخیر از نتیجهٔ مشاوره با سر جارج بارکلی در این باب من را مطلع بدارد.

نکتهٔ مهمی که باید جلب توجه شما را به آن بنمایم این است که لازم است مقدمتاً

حدود اختیارات این مستشار مالیه تعیین بشود به این معنی که اختیارات او باید بکلی منحصر بشود به آنچه وظیفهٔ یك‌نفر مستشار ادارهٔ مالیه است. این عمل باعث کاسته شدن از اختیاراتی است که مجلس به مستر شوستر اعطاء نموده‌بود. و مشارالیه‌بواسطهٔ همین اختیارات قدرت مطلق‌العنانی پیدا کرده بود. مسلماً اگر قائم‌مقام مستر شوستر هم ترتیبش طوری بشود که بتوانـد همان نفوذ مستر شوستر را پیدا بنمایـد چندان تفاوتی در مجاری امور حاصل نخواهد شد.

من از مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] استفسار خواهم نمود که بعقیدهٔ او بهتریـن طریقی که بوسیلهٔ آن بتوان این نتیجهٔ مطلوبه را در بـاب اختیارات مستشار جدید حاصل نمود چیست.

امضاء نراتوف

نمره ـ ۲۵۶

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۹ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۶ آذر ۱۲۹۰]
(شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۳ دسامبر به تاریخ
۹ دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] مخابره شده)

با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که در ملاقات ۹ شهر حال خودم با مسیو نراتوف یك نوبت دیگر اهمیت اوضاع حاضره را مطرح مذاکره قرار دادم.

من اظهار نمودم اقدامات اخیرهٔ دولت روس در ایران تولید مناقشات بسیار در مجلس ملی انگلستان نموده و حتی از هیئت دولت انگلیس استیضاح شده که چرا باید دولت انگلیس بگذارد همچو اقداماتی به فعل برسد. بموجب تلگرافاتی‌که بتازگی از سر جارج بارکلی رسیده ظاهراً دولت ایران حالا برای قبول تقاضاهای روس بیشتر تمایل حاصل نموده.

اگر نظر به امیدی که ظاهر شده دولت ایران بهمین زودیها به تقاضاهای روس تمکین خواهد نمود لازم حتمی است که دولت روس دفعتاً اطمینان قطعی بدهد کـه بمحض اینکه دولت ایران سه فقره تقاضاهای روس را قبول بنماید قشون روس عودت داده خواهد شد.

مسیو نراتوف در جواب اظهار داشت دولت ایران دولت روس را مجبور بـه این اقدامات نموده و تقاضاهای روس هم خیلی معتدل است و چون مسیو سازانوف تـا چهارشنبهٔ آتیه وارد خواهد شد آن جناب نمی‌تواند عجالتاً این مسئولیت را بعهدهٔ خود بگیرد که یك همچو اطمینانی که من تقاضا می‌نمایم بدهد ولی در این موضوع با رئیس‌الوزراء مذاکره خواهد نمود و او شخصاً گمان می‌کند محتمل است دولت روس اطمینان بدهد که قبل از ۲۱ این ماه قشون از قزوین جلوتر نروند و اگر تا ۲۱ سه فقره تقاضاهای روس قبول بشود قشون سیار خود را عودت بدهد. در صورتی که در

این ضمن واقعهٔ جدیدی از قبیل حمله به قنسولگری روس و غیره روی ندهد.

در باب رجعت قشون روس که در تبریز است و بموجب تعلیمات مندرجهٔ در تلگراف ۸ دسامبر شما من سابقاً توجه آن‌جناب را بدان معطوف داشته بودم مسیو نراتوف اظهار نمود این مسئله باید موضوع معاهدهٔ مخصوصی با دولت ایران قرار داده بشود که بجای قشون روس یك عده استعدادی از طرف دولت ایران معین بشود که نظم و تأمین را در شمال ایران مستقر بدارند. پس از آن مسیو نراتوف سؤال نمود که اگر دولت روس بخواهد شخص معینی را برای رئیس‌الوزرایی ایران نامزد بنماید آیا دولت انگلیس با او در این قصد موافقت خواهد نمود؟

من اظهار نمودم این مسئله‌ای‌است که من نمی‌توانم جواب بدهم ولی من همینقدر می‌دانم که سر ادوارد گری در ضمن مذاکره‌ای که تازگی با کنت بنکندرف نموده بود اظهار داشته بود دولتین بایستی تشکیل هیئت دولتی در ایران بنمایند که روابط حسنه‌ای نسبت به دولت روس اتخاذ بنمایند.

من به آن‌جناب پیشنهاد نمودم بهتر آن است که هر قصدی دولت‌روس برای‌استقرار روابط خودش با دولت ایران بـه مبنای مستحکم‌تری در نظـر دارد بتوسط مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] در طهران به سر جارج بارکلی عنوان بنماید و این پیشنهاد من را جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] پسندیده و پس از آنکه مسیو پکلوسکی بـا سر جارج بارکلی در آن موضوع مشاوره نمود آن وقت سر جارج بارکلی نظریات خودش را در آن باب به سر ادوارد گری اطلاع خواهد داد.

امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۵۷

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۷ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۱۰ دسامبر حاوی شرح مکتوب ذیل
مورخهٔ ۱۳ دسامبر است)

آقا

با کمال افتخار سواد مکتوب خصوصی که مسیو نراتوف به من نوشته لفاً ارسال می‌دارم. مسیو نراتوف در تلو مراسلهٔ مزبور بیان‌نامه‌ای از نظریات دولت روس در موضوع شاه مخلوع ارسال داشته است.

امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

www.adabestanekave.com

مواد مراسلهٔ خصوصی مسیو نراتوف به سر بچنن (بیوکانان)
سن پطرزبورغ ۱۰ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۷ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
سفیرکبیر عزیزم

لفاً بیان‌نامه‌ای از نظریات دولت متبوعهٔ خودم در باب شاه مخلوع ارسال می‌دارم که باضافهٔ این موضوع با سایر مواد مشروحهٔ شما هم که روز جمعه به من دادید موافقت دارد. من مصلحت در این دیدم که شرح نظریات خودمان را در باب اعمال آتیهٔ قشون روس که حالیه در قزوین هستند به آن اضافه بنمایم.

من امیدوارم چنانچه از طرف سر ادواردگری تقاضا شده بود این بیان‌نامه بر وفق دلخواه او را از کماکیف مسلك روس در ایران مسبوق‌خواهدنمود که‌بتواند در پارلمان در این باب توضیحات لازمه را بدهد.

امضاء نراتوف

مواد بیان‌نامهٔ مسیو نراتوف ملفوفهٔ در یادداشت فوق

اگرچه دولت امپراطوری روس کراراً اظهار داشته است که اقدامات قشونی که مجبوراً در ایران نموده بهیچ‌وجه مدخلیتی به مجاهدات‌محمدعلی‌شاه برای بدست‌آوردن سلطنت ایران ندارد اکنون هم میل دارد یك نوبت دیگر تکرار بنماید و بطریق صریح قطعی اظهار بدارد که عملیات قشونی دولت روس در ایران بهیچ وجه من‌الوجوه مدخلیت به اقدامات محمدعلی‌شاه ندارد. دولت روس بهیچ‌وجه میل ندارد که همچو نسبتی به او داده بشود که پس از اشتهاراتی که خودش در بدو امر داده‌است و مداخله ننمودن خودش را در باب مجادلات بین شاه مخلوع و دولت حاضرهٔ ایران رسماً اعلام داشته الحال قصد اقدامات برخلاف آن را داشته باشد و بخواهد سلطانی برای ایران تعیین بنماید. بنابراین دولت اعلیحضرت امپراطوری اظهار می‌نماید که اگر شاه مخلوع بخواهد حضور قشون سیار روس را در ایران مغتنم شمرده و از آن انتفاعی حاصل نموده مقصود خود را انجام بدهد دولت روس بدون اینکه مقدمتاً ترتیباتی در این باب با دولت انگلیس بدهد معظم‌الیه [=معظم‌له] را بـه سمت سلطنت در آن مملکت نخواهد شناخت.

دولت امپراطوری روس از مذاکرهٔ سر بچنن [بیوکانان] در باب اینکه کابینهٔ لندن مصمم هستند مساعدت مجدانه در استقرار روابط صحیحهٔ بین دولتین روس و ایران بنمایند نهایت مسرت را حاصل نموده بهمچنین دولت روس از موافقت دولت انگلیس در باب تشکیل یك کابینه‌ای در ایران که نسبت به دولت روس روابط مستحسن‌تری اتخاذ بنمایند مشعوف است.

وزارت خارجهٔ دولت اعلیحضرت امپراطوری بیان می‌نماید که دستهٔ قشون روس مجموعه در قزوین قبل از ۲۱ دسامبر به طرف طهران حرکت نخواهند نمود مگر اینکه در صورت خطرناك شدن اوضاع وزیرمختار روس مجبور بشود که قبل از تاریخ مزبور قشون را به طهران احضار بنماید.

دولت اعلیحضرت امپراطوری نهایت اشتیاق را دارد که زودتر قشون مزبور را از قزوین عودت بدهد و بمحض تمکین نمودن دولت ایران بتقاضاهای روس این عمل بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

دولت روس امیدوار است که حادثهٔ جدیدی از قبیل اعمال تهدیدآمیز نسبت به افراد مأمورین دولت روس و مهاجمه به اماکن دولت روس یا قشون روس و افعال تغیرآمیز نسبت به دولت روس و خلاف نظم از هر قبیل و غیره در ایران رخ ننماید چون اقدام به هریك از این نوع اعمال برعکس رجعت قشون را غیرممکن می‌نماید.

بتاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۷ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

نمره ـ ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۱ دسامبر)

طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس بمن اطلاع داده که قشون روس تا فردا یا پس‌فردا در قزوین جمع خواهند شد.

نمره ـ ۲۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۱ دسامبر)

طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰].

رجوع به تلگراف ۸ دسامبر من:

دیروز مراسلهٔ خصوصی به وزیر امور خارجهٔ ایران نوشته و نظریات مندرجهٔ در تلگراف ۳۰ نوامبر شما را تکرار نموده و اظهار امیدواری نمودم که ان‌شاءالله کابینه در متقاعد نمودن مجلس به قبول تقاضاهای روس موفق شده.

در ضمن مذاکره‌ای که امروز صبح با وزیر امور خارجه به میان آمد جناب‌معظم‌الیه [=معظم‌له] به من اطلاع داد که بعضی تغییرات در هیئت کابینه داده شده و امروز هیئت جدید کابینه به مجلس معرفی خواهند شد. آن جناب به من اطمینان داد که هیئت جدیدی که برای کابینه ترتیب داده شده اشخاصی هستند که محل وثوق مجلس هستند و مجلس مصمم است به این کابینهٔ جدید اختیار تام بدهد که در مواد التیماتوم بنحوی که به استقلال ایران برنخورد با دولت روس قراری بدهند.

وزیر امور خارجه نیز اظهار داشت رأی کابینه بر این تعلق گرفته کـه انفصال خزانه‌دار کل را با خسران فوق‌العاده‌ای که دارد قبول بنمایند و مادهٔ دوم التیماتوم روس را هم قبول بنمایند در صورتی که به ترتیب ذیل اصلاح بشود:

«دولت ایران سعی خواهد نمود که در کنترات نمودن مستخدمین خارجه هر نوع اشکالاتی را که باعث تضییع منافع دولتین باشد مرتفع بدارد.»

من در جواب اظهار نمودم که این عنوان با عبارتی‌که آن جناب به وزیرمختار روس پیشنهاد نموده بود متباین است ولی وزیر مزبور عبارت فوق را مـرجح و اصلح می‌دانست.

وزیر امور خارجه ایضاً اظهار نمود که تقاضای سوم هم قبول خواهد شد درصورتی که به دولت ایران اطمینان داده بشود که دولت روس یك مبلغ گزافی به رسم خسارت مطالبه نخواهد نمود بلکه تقاضای یك مبلغ خسارتی خواهد نمود که با وجود عسرت فوق‌العاده‌ای که امروزه دولت ایران دارد بتوانـد از عهدهٔ تأدیـهٔ آن مبلغ برآید.

در خاتمهٔ صحبت آن‌جناب درخواست نمود که دولت انگلیس حسن مساعدت خود را مبذول بدارند که مادامی که دولت ایران مشغول ترتیب قراری در این باب هست قشون روس در قزوین توقف بنمایند.

نمره ـ ۲۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۱ دسامبر)

طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]

وزیر امور خارجهٔ ایران امروز صبح به من اطلاع داد که مسموع نموده است دولتین روس و انگلیس مصمم هستند در باب اصلاح روابط خودشان با دولت ایران ترتیب پروگرامی بدهند لهذا او در صدد است به وزیرمختار ایران مقیم لندن تعلیمات بدهد که از طرف دولت ایران از شما خواهش بنماید که در مذاکرات در ایـن موضوع وزیرمختار مزبور را هم مشترك بنمایید. دولت ایران نیز میل دارد در هر قراردادی که از این مذاکرات استخراج بشود تثلیثاً شرکت داشته باشد.

آن جناب اظهـار داشت دولت ایـران نهایت اشتیاق را دارد کـه از این نـوع گرفتاریهای خارجی که تا حال دولت ایران را از رسیدگی به امورات داخلی خودش بازداشته آسوده بشود باین‌جهت نهایت میل را دارد که تأسیس روابط حسنهٔ مستدامی با دولت روس بنماید و برای نیل به این مقصود اگر دولت ایران در مذاکراتی که در پیش است شرکت حاصل بنماید اصوب است چون بواسطهٔ این اشتراك دولت ایران از نظریاتی که هست مسبوق شده و درصدد تدارك ترتیبات لازمه در ایران برمی‌آید که هر قراری بالاخره بعد از مذاکـرات داده بشود قبول بنماید والا ممکن است یك قراری بین دولتین روس و انگلیس داده بشود که وقتی که به دولت ایران پیشنهاد بشود قبول آن برای دولت ایران غیرممکن باشد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۸ دسامبر شما:

شرحی را که در باب شاه مخلوع به مسیو نراتوف پیشنهاد نموده‌اید پسندیدم. عبارت تصحیح‌شده در این موضوع را اگر مسیو سازانوف تصدیق بنماید ما قبول خواهیم نمود.

نمره ـ ۲۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

وزیرمختار ایران بمن اطلاع می‌دهد که انفصال مستر شوستر را دولت ایران قبول نموده. مشارالیه اظهارات مشتاقانه نموده که یك عبارت دیگری در باب مستشارهای خارجه ترتیب داده بشود و مداخلهٔ من را در این موضوع درخواست نموده. من جواب دادم هیچ نوع قولی در این باب نمی‌توانم بدهم چون دولت روس تقاضاهایی پیشنهاد نموده و نسخ آن با مقامات آن دولت متباین است[۱]. بهر صورت اگر یك نوع عبارت دیگری ترتیب داده بشود که مبنی به تأمینات کافی در باب مستشارهای آتیه باشد من خیلی خوشوقت خواهم شد ولی وضع طرح نمودن آن قسمی باشد که قبول آن برای دولت ایران سهل‌تر باشد.

من گمان می‌کنم اولی آنست که در این موضوع دولت ایران مستقیماً با وزیرمختار روس مقیم طهران مذاکره بنماید.

شما به کفیل وزارت امور خارجهٔ روس اظهار بدارید که اگر دولت روس بتواند بدون تحریف اساس این مسئله عبارت آن را تغییر بدهد آن وقت من به سر جارج بارکلی تعلیمات خواهم داد که در طهران برای متقاعد نمودن دولت ایران در قبول آن مساعدت بنماید.

وزیرمختار ایران امروز از من خواهش نموده که هرگاه سوای سه فقره تقاضاهای اساسی دولت روس مایل باشد تغییرات دیگری هم در اوضاع داده بشود محرمانه با دولت ایران مذاکره بنماید که قرار آن داده بشود؛ لازم نیست دیگر تقاضاهای آشکار پیشنهاد بنمایند.

من جواب دادم همینکه به سه فقره تقاضاهای روس تمکین شد من حاضرم در این موضوع نفوذ خودم را به‌کار ببرم ولی مشروط بر اینکه به من اطمینان داده بشود که واقعاً دولت ایران میل به موافقت با دولتین دارد.

امضاء ادوارد گری

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۲۶۳

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]
آقا

در ۵ شهر حال وزیرمختار ایران به وزارت خارجه آمده و بطور غیررسمی سؤال نمود آیا دولت انگلیس حاضر خواهد بود که اقدامات در خواهش نمودن از دولت روس بنماید که قشون خود را از قزوین جلوتر نبرد که مجالی برای دولت ایران حاصل بشود که بتوانند مشورت بنمایند به چه نوعی بهتر می‌توانند تقاضاهای دولت روس را قبول بنمایند؟

سر نیکلسن به میرزا مهدیخان جواب داد به عقیدهٔ او بهترین و مستقیم‌ترین طریق برای دولت ایران این است که در طهران با وزیرمختار روس مذاکره بنمایند چون با ترتیب حاضره برای دولت انگلیس مشکل است بتواند این اقدام را بنماید.

امضاء ادوارد گری

نمره ـ ۲۶۴

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۱۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
آقا

وزیرمختار ایران در ۸ شهر حال به وزارت خارجه آمده و با کمال اشتیاق تقاضا نمود که دولت انگلیس سعی بنماید دولت روس‌را متقاعدبنماید که مادهٔدوم تقاضاهای خود را اصلاح بنمایند.

سر نیکلسن به میرزا مهدیخان جواب داد که چندی قبل پیش از آنکه این اختلافات موجوده ظاهر بشود سفارتین دولتین در دو وهله یك همچو خواهشی در باب مستخدمین خارجه از دولت ایران نمودند. آن خواهش دولتین برای اخلال نمودن در استقلال‌ایران عنوان نشده بود بلکه به قصد این بود که از پیش‌آمد یك همچو مناقشه و اختلافی جلوگیری بشود.

میرزا مهدیخان اظهار داشت شارژدافر ایران از سن پطرزبورغ به او تلگراف نموده است که ممکن است دولت روس راضی به تسویهٔ این مسئله بشود.

سر نیکلسن جواب داد اگر دولت روس حاضر باشد که تغییری در عبارت مادهٔ دوم التیماتوم بدهد و رفع نگرانی دولت ایران بشود از طرف دولت انگلیس هیچ نوع مخالفتی نخواهد شد.

امضاء ادوارد گری

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ دسامبر)
طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]

سفارت روس از اظهار امیدواری دولت ایران در باب احتمال راضی شدن دولت روس به تغییر عبارت مادهٔ دوم التیماتوم مستحضر شده و همکار روس من دیشب به دولت ایران اطلاع داد که دولت متبوعهٔ او بهیچوجه به او اجازه نداده است که در باب مواد التیماتوم مذاکره بنماید و کابینه باید در مذاکرهٔ با مجلس برای متقاعدشدن به قبول تقاضاهای روس در باب عین عبارت سه فقره مواد التیماتوم گفتگو بنمایند که بدون تغییر و تبدیل پذیرفته بشود.

نمره ـ ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ دسامبر)
طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز من:

دیروز بعد از ظهر مجلس سراً منعقد شد و کابینه هم که گویا از طرف وزیر امور خارجه به آنها تهدیدات شده بود حضور داشتند.

از قرار مسموع در جلسهٔ مزبور تشددات بسیار بوده. در آن روز هیچ انعقاد مجلس علنی نشد و اعضاء کابینه هم رسماً معرفی نشدند.

نمره ـ ۲۶۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ دسامبر)
طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۶ دسامبر من:

بموجب اطلاعی که از وزیر امور خارجه کسب شده قشونی که از طرف دولت برای کرمانشاه فرستاده شده الحال وارد کرمانشاه شده‌اند.

نمره ـ ۲۶۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ دسامبر)
طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]

اطمینانی که وزیر امور خارجهٔ ایران به من داده بود که مجلس کابینهٔ جدید را محل وثوق و اعتماد خود قرار خواهد داد صورت نگرفت.

الحال بر من معلوم شده که علت رسماً معرفی نشدن کابینه به مجلس این بوده که

مجلس راضی نشده است اختیار تام به کابینه بدهد که در باب اختلافات موجوده با دولت روس قرار قطعی بدهند.

راوی این خبر از ملاحظهٔ وضع مجلس بکلی مأیوس است که بشود امید به موافقت مجلس در موضوع فوق‌الذکر داشت. راوی مزبور اظهار داشت که کابینه مصمم است مناقشهٔ با دولت روس را ختم نماید و وسیلهٔ دیگری بجز رضایت مجلس به دست بیاورد.

نمره ـ ۲۶۹

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۱۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
(شرح مختصر مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۳ دسامبر
در ۱۲ دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] مخابره شده)

در طی مذاکره‌ای که در تاریخ ۱۲ شهر حال با مسیو نراتوف به میان آمد به آن جناب اظهار داشتم که عبارت یادداشت او قدری من را نگران نموده چون آنطوری که به من وعده شده بود و من منتظر بودم آن مطالب به عبارت صریح نوشته نشده است. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] این اظهار من را قبول ننموده و عقیده‌اش بر این بود که اطمینانی که بموجب آن یادداشت داده شده چه در باب شاه مخلوع و چه در باب عودت قشون روس کاملا واضح و صریح بوده است.

پس از آن من اصرار نمودم آن جناب عبارت دیگری برای مادهٔ دوم التیماتم طرح بنماید که اسباب سهولت قبول آن برای دولت ایران فراهم شود و پیشنهاد نمودم که اگر کلمهٔ «مشورت» بجای لفظ «رضایت» در مادهٔ مزبور نصب بشود این مقصود حاصل خواهد شد.

مسیو نراتوف جواب داد این تغییر محال است و بهمچنین چندین قسم پیشنهاد دیگری را هم که من در باب تغییر عبارت مادهٔ مزبور نمودم رد نمود. آن جناب اظهار داشت که در اصل مبنای التیماتوم نمی‌تواند هیچ تغییری بدهد ولی او بی‌میل نیست که در عبارت این ماده جرح و تعدیلی بشود و او به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] اختیار داده است که سعی بکند عبارت دیگری پیدا بنماید که رفع این تردید دولت ایران را بنماید و تصریح نموده است اگر الفاظ دیگری بتوان طرح نمود که همان معنی را داشته باشد معظم‌الیه [=معظم‌له] چندان اصراری نخواهد داشت که حتماً کلمهٔ «رضایت» و «تعهد» در مادهٔ مزبور ذکر بشود. مثلا اگر دولت ایران اظهار بدارد که در آتیه هیچ مستشار خارجه‌ای را بدون «موافقت» یا «میل» سفارتین به استخدام نخواهد پذیرفت آن جناب بدان اقناع خواهد شد.

من مفاد اظهارات شما را به وزیرمختار ایران که در تلگراف ۱۱ دسامبر شما مندرج بود به آن جناب اطلاع دادم و مسیو نراتوف اظهار مسرت از این عنوان شما

به وزیرمختار مزبور نموده بموجب اختیاری که از جنابعالی داشتم به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اطمینان دادم که سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی دستورالعمل خواهند داد در باب هر عنوانی که مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] برای تأسیس روابط مستحسنه بین روس و ایران بنماید با او مشورت و موافقت بنماید و خود سر ادوارد گری هم صمیمانه مایل و حاضر هستند که هر پیشنهادی در این خصوص از طرف دولت روس بشود در اجرای آن مساعدت بنمایند و آن جناب اظهار امتنان از این معیت شما نمود.

مسیو نراتوف اظهارنمود البته مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] در مذاکرهٔ با سر جارج بارکلی در باب هر پیشنهادی‌که دولت روس برای ترتیبات پلتیکی در ایران صلاح بداند قصور نخواهد نمود ولی آنچه من استنباط نمودم مسیو نراتوف لازم نمی‌داند در باب مطالبی که اختصاصاً مدخلیت به منافع دولت روس دارد مشاوره‌ای بین سر جارج بارکلی و مسیو پکلوسکی [=پاکلوسکی] واقع بشود.

امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۷۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]

اگرچه ما نمی‌توانیم با مسلك دولت روس در این باب مخالفت بنماییم ولی با وجود این ما باید قراری بگذاریم که یك مأموریت دیگری در خارج از منطقهٔ روس برای مستر لکفر تحصیل بنماییم. ما امیدواریم دولت روس تا این درجه موافقت خواهد نمود که بگذارد مستر لکفر این‌قدر تأمل بکند که تعیین مشغلهٔ جدیدی برای او بشود و آن وقت منفصل بشود.

این تلگراف راجع به تلگراف ۹ دسامبر شما است.

نمره ـ ۲۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]

وزارت خارجه ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۱ دسامبر من در باب عبارت مادهٔ دوم التیماتوم:

سفیرکبیر روس به من اطلاع می‌دهد که ممکن است یك همچو تغییری در مادهٔ دوم التیماتوم داده بشود ولی فقط در صورتی که وزیرمختار روس مقیم طهران طرح عبارت آن را بنماید.

من جواب داده‌ام که اگر وزیرمختار روس تغییری در عبارت مادهٔ دوم التیماتوم‌بدهد و پس از آن دولت ایران از ما درخواست صلاحیت بنماید ما به دولت مزبور نصیحت

خواهیم نمود که آن عبارت اصلاح شده را قبول بنمایند.

نمره ـ ۲۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر بچنن [بیوکانان]
وزارت خارجه ۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۹ آذر ۱۲۹۰]
آقا

کنت بنکندرف امروز به من اظهار داشت که مسیو سازانوف در پاریس به او گفته است که او نه فقط مصمم است معاهدهٔ روس و انگلیس را محفوظ بدارد بلکه عزم راسخ دارد که روابط بین روس و انگلیس را پیوسته منظور داشته باشد چون معاهدهٔ مزبور بسته به روابط این دو دولت است. مسیو سازانوف پس از آنکه مواد مرقومهٔ من راجع به نکات پلتیکی ایران را قرائت نموده اظهار داشته است که هیچ عبارتی که محل ایراد او باشد در مواد مزبور ملاحظه نمی‌نماید ولی قشون ساخلو روس در تبریز و اردبیل را فقط وقتی می‌توان عودت داد که استقرار نظم در آن نواحی مسلم بشود.

من برای کنت بنکندرف توضیح نمودم که من مجبور بودم قشون ساخلو در تبریز و اردبیل را در این مورد اسم ببرم چونکه اگر اسمی از آن نمی‌بردم از یادداشت من همچو معلوم می‌شد که علت اصلی اعزام قشون به آنجاها مفقود است و توقف آن قشون در آنجاها دائمی خواهد بود.

من اظهار نمودم پس از آنکه مواد ثلاثهٔ التیماتوم دولت روس پذیرفته شد ما باید با هم معیت نموده و دولت ایران را به صراط مستقیم بگماریم.

چندی قبل ما پیشنهاد نموده بودیم که دولت ایران باید برای تشکیل قشون منظمی به جهت تأمین طرق جنوب صاحب‌منصبان انگلیسی بگمارد. بهمین طریق بایستی دولت ایران بالاخره یك عدهٔ قشونی در تحت فرماندهی صاحب‌منصبان روسی ترتیب بدهد که مراقب حفظ انتظام در شمال ایران باشند. اگر آن پیشنهاد ما بموقع اجراء گذارده شده بود طولی نکشیده بود که استقرار نظم در شمال ایران بیش از آن اندازه می‌شد که در عرض چند سالهٔ اخیر تا حال دیده شده و آن وقت تمام قشون روس ممکن بود عودت داده بشود. نتیجهٔ اشکالات موجوده هم ممکن است بهمین قسم بحدی مطبوع بشود که تا حال مشابه آن دیده نشده باشد.

امضاء ادوارد گری

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ دسامبر)
طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگرام ۱۲ دسامبر من:

دیشب وزیر امور خارجهٔ ایران با وزیرمختار روس ملاقات نموده و عبارت دیگری از برای مادهٔ دوم تقاضاهای روس طرح و عنوان کرده که از قرار ذیل است:

«در باب کنترات مستشارها و صاحب‌منصبان خارجه که دولت ایران برای اصلاح کلیهٔ امورات لازم داشته باشد چون دولت ایران مایل است در هر موردی روابط مستحسنه با دولتین انگلیس و روس را منظور بدارد مراقبت خواهد نمود که انتخاب این نوع مستخدمین، به قسمی بشود که برای منافع مشروع دولتین در ایران مضر نباشد.

بنابراین دولت ایران حاضر خواهد بود که در باب این قسم مستشارها و صاحب‌منصبان با سفارتین تبادل نظریات بنماید».

وزیر امور خارجه به وزیرمختار روس اطمینان داده که اگر دولت روس این عبارت را قبول بنماید دو مادهٔ دیگر التیماتوم را هم دولت ایران قبول خواهد نمود. اگر مجلس هم از قبول آن امتناع بنماید مجلس را منفصل خواهند نمود.

وزیرمختار روس عبارت مذکور را به دولت متبوعهٔ خود پیشنهاد نمود.

نمره ـ ۲۷۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ دسامبر)
طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آذر ۱۲۹۰]

قنسول انگلیس به تاریخ ۸ دسامبر شرح ذیل را از مشهد تلگراف نموده و دیروز واصل شده:

اوضاع اهمیت حاصل نموده چون اهالی مسلح شده‌اند. همکار روسی من پس از مشاورهٔ با من استعداد خواسته است. قنسول روس مقیم مشهد درخواست استعداد زیاد برای مشهد و قوچان نموده ولی وزیرمختار روس عجالتاً اعزام ۱۰۰ نفر قزاق را تجویز نموده.

نمره ـ ۲۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ دسامبر)
طهران ۱۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۱ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۰ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف امروز صبح من:

پس از مشاورهٔ هیئت وزراء دیشب وزیر امور خارجهٔ ایران به وزیرمختار روس

اطلاع داده است اطمینانی که در باب قبول‌شدن التیماتوم روس داده است مشروط بر این است که از طرف دولت روس هم اطمینان داده بشود کـه بـه محض قبول‌شدن التیماتوم قشون روس فوراً از قزوین عودت داده خواهد شد.

وزیر امور خارجه منتظر است که بواسطهٔ پذیرفتن التیماتوم روس خشم و غضب عمومی نسبت به وزراء بروز بنماید. وزیر مزبور به من اطلاع می‌دهد که با وجود این‌طور هیجان افکار عمومی برای کابینه غیرممکن است بتواند اقدامات مجدانه در منفصل نمودن مجلس بنماید در صورتی‌که انفصال مجلس مقدمتاً برای قبول‌تقاضاهای روس لازم است. لهذا تا کابینه از رجعت قشون روس مطمئن نشود نمی‌تواند این اقدام را بنماید چون عودت قشون روس را می‌توان وسیلهٔ اسکات هیجان و قهر و غضب مردم قرار داد.

برای توضیح مسئله‌ای که بالصراحة معلوم بشود در باب تعیین هریك از اتباع خارجه به استخدام دولت ایران، باید دولت ایران با سفارتین مشورت بنماید. وزیر امور خارجهٔ ایران عبارتی را که برای مادهٔ دوم التیماتوم طرح نموده بود به این نحو اصلاح نموده در جملهٔ آخری مابین کلمه «در باب» و «این مستشارها» لفظ «اشتغال» را اضافه نموده.

نمره ـ ۲۷۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
ماژور استکس امروز صبح حرکت نمود.

نمره ـ ۲۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۳ شهر حال من:

کابینه یك نقشهٔ دیگری برای انفصال مجلس طرح نموده است. چون استعفای قریب ۲۰ نفر از نمایندگان باعث فقدان عدهٔ کافی برای اکثریت می‌شود کابینه در صدد است که وکلای اعتدالی را ترغیب بنماید از مقام خود استعفاء بدهند. به این ترتیب اسباب تسهیل قبول التیماتوم روس فراهم خواهد شد. به من اطلاع داده شده که استعفای عدهٔ لازمهٔ نمایندگان متحتم است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۳ دسامبر من:
دیروز وزیرمختار روس در موضوع دو فقره عبارات آخری بیان‌نامهٔ کفیل وزارت امور خارجهٔ روس شرحی به دولت ایران نوشته.
عبارات مذکور راجع به بیان‌نامه‌ای است که در تلگراف ۱۰ دسامبر سر بچنن [بیوکانان] مسطور است.

نمره ـ ۲۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
قنسول انگلیس از شیراز خبر می‌دهد که مجتهد اعظم شیراز حکمی صادر و منتشر نموده که مسلمانان از معامله و معاشرت با قشون انگلیسی ممنوعند و مجتهدین مجدانه کسبه را از فروش به قشون انگلیس ممانعت نموده و بناها و سایر کارگران ایرانی را از اشتغال به کارهای مرجوعه از طرف قشون جلوگیری نموده‌اند.
مسئلهٔ آذوقه کم‌کم جالب اهمیت شده.
من مراتب را به دولت ایران اطلاع داده و در مرتفع داشتن این تحریم (بایکات) تأکید نموده‌ام.

نمره ـ ۲۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۹ اکتبر من:
بموجب اطلاعات واصله: در دامغان، واقعه در راه‌مشهد، ترکمانهای تابع شاه مخلوع اردوی دولتی را مغلوب نموده‌اند.

نمره ـ ۲۸۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
بواسطهٔ انقلابی که ملاها در شیراز جاری نموده‌اند در عرض چند روزهٔ گذشته کار بر بانك شاهنشاهی شیراز سخت شده و قنسول انگلیس خبر می‌دهد که همه‌روزه

نوت‌های بانك را برای مبادلهٔ به پول ابراز می‌دارند و بانك روزی ۱۵۰۰۰ تومان‌پول در مقابل نوت‌های ابراز شده می‌پردازد و این بیشتر اهمیت دارد که بواسطهٔ نبودن مستحفظ یك قافله حامل پول نقد برای بانك شیراز در کازرون معطل است.

نمره ـ ۲۸۲

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۹ دسامبر
در ۱۴ دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] مخابره شده)

آقا

با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که مسیو سازانوف در ۱۳ شهر حال وارد سن پطرزبورغ شده و مقام وزارت خارجهٔ خود را مجدداً اختیار نمود.

غروب روز بعد از ورود او من بدیدن آن جناب رفتم و پس از تبریك ورود و اظهار امیدواری در اعادهٔ صحت مزاج او شروع به مذاکره در باب اوضاع حاضرهٔ ایران نمودم و از گرفتاری که شما در این خصوص حاصل نموده‌اید خاطر جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را مستحضر نموده و مخصوصاً تکیهٔ کلام را به سوءنتیجه‌ای که از ورود قشون روس به طهران ظاهر خواهد شد قرار دادم.

مسیو سازانوف اظهار داشت هنگامی که در پاریس بوده کنت بنکندرف هم در این موضوع خیلی با او مذاکره نمود ولی امیدوار است سوءظن و انحراف عقایدی که به واسطهٔ اقدامات جدیدهٔ دولت روس در ایران در بعضی نقاط انگلستان اشاعه یافته‌بود تا حال برطرف شده باشد.

بهرحال آن‌جناب از من خواهش نمود به شما اطمینان بدهم که او هیچ میل ندارد امر به پیش رفتن قشون به طرف طهران بنماید و امیدوار است بمحض تمکین سریع دولت ایران به التیماتوم روس لازمهٔ اقدام در دفع این امر به عمل بیاید.

پس از آن شروع به مذاکره در باب یك بیك مواد التیماتوم نمودیم.

در باب مادهٔ اول مسیو سازانوف توضیح نمود که فقط تعهد نمودن در باب اخراج مستر شوستر کافی نیست. تا کنترات استخدام شوستر با دولت ایران رسماً فسخ نشود قشون روس عودت داده نخواهد شد.

من سؤال نمودم که آیا مقصود معظم‌الیه [=معظم‌له] از این بیان این است که مستر شوستر بکلی از طهران خارج شده باشد و آن جناب جواب داد اگر هم حتماً لازم باشد که او یك مدت قلیلی در آنجا توقف بنماید باید صراحتاً تعهد بشود که در عرض آن مدت او بهیچ‌وجه مداخلهٔ مستقیم یا غیرمستقیم در امورات دولت ایران نخواهد نمود.

مادهٔ دوم در موضوع به استخدام پذیرفتن مستشارهای خارجه مسیو سازانوف اظهار

داشت علی‌الظاهر دولت ایران برای قبول این ماده با مشکلات بسیار مصادف است. حالا دولت مزبور حاضر شده است که این تقاضا را در تحت عبارت ذیل قبول بنماید:

«در باب کنترات مستشارها و صاحب‌منصبان خارجه که دولت ایران برای اصلاح کلیهٔ امورات لازم داشته باشد چون دولت ایران مایل است در هر موردی روابط مستحسنه با دولتین انگلیس و روس را منظور بدارد مراقبت خواهد نمود که انتخاب این نوع مستخدمین به قسمی بشود که برای منافع مشروعهٔ دولتین در ایران مضر نباشد. بنابراین دولت ایران حاضر خواهد بود که در باب این قسم مستشارها و صاحب‌منصبان با سفارتین تبادل نظریات بنماید...

آن جناب بالشخصه حاضر است با این مرام دولت ایران موافقت بنماید در صورتی که بجای کلمات «تبادل نظریات بنماید» این کلمات نصب بشود «ترتیب‌قراردادی‌بشود» چونکه کلمات مذکورهٔ دولت ایران خیلی مبهم است و هیچ شرط و تعهدی از آن مشهود نیست.

من اظهار نمودم اصلاح عبارتی را که آن جناب در نظر دارد به عقیدهٔ من اصل نقطه‌نظری را که دولت ایران در عنوان آن عبارت دارد معدوم می‌نماید چون عبارت «تبادل نظریات» باب مذاکره را برای دولت ایران باز می‌گذارد و آنها را ملتزم به تعهدی نمی‌دارد ولی «ترتیب قراری بدهند» صورت معاهده را پیدا می‌نماید.

پس از قدری مذاکرهٔ دیگر من عبارت ذیل را پیشنهاد نمودم که دولت ایران در قبول آن یا در قبول عبارت مسیو سازانوف مخیر باشد «داخل در تبادل نظریات بشوند بقصد اینکه ترتیب قراردادی با سفارتین بدهند» خوشبختانه مسیو سازانوف این پیشنهاد را پسندید ولی گفت بدون اینکه این عبارتها را برای تجویز به امپراطور عرضه بدارد نمی‌تواند رأی قطعی در قبول آنها بدهد.

در باب مسئلهٔ خسارت مسیو سازانوف به من اطمینان داد که بهیچوجه قصد ندارد به دولت ایران سخت‌گیری بنماید یا بخواهد یك مبلغ گزافی به آنها تحمیل بنماید.

امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۸۳

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)

سن پطرزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]

تعیین استخدام مستر لکفر

امروز در موضوع تلگراف ۱۲ دسامبر با مسیو سازانوف مذاکره نمودم. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] هیچ میل ندارد که مستر لکفر در وزارت مالیهٔ طهران باقی بماند هر قدر هم که مدت دوام او قلیل باشد.

منتهی مدتی‌که او راضی بشود مستر لکفر در آنجا متوقف باشد دو هفته الی سه هفته است. آن جناب اظهار داشت که تحصیل یك مشغله برای مستر لکفر در منطقهٔ

انگلیس نباید مشکل باشد.

نمره ـ ۲۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

الان رئیس بانك شاهنشاهی نزد من آمده و اظهار داشت که بواسطهٔ کمی پول شعبهٔ بانك شیراز دیگر نمی‌تواند پول به قشون انگلیس بپردازد. یك قافله حامل پول نقد بواسطهٔ فقدان مستحفظ در برازجان معطل است ولی من امیدی به تهیه شدن مستحفظ ایرانی ندارم و تا قافلهٔ مزبور به شیراز نرسد هیچ امیدی به رهایی بانك از مشکلات نمی‌توان داشت. این عقیده در نظر من جلوه‌گر شده که اجازه بدهم قافلهٔ حامل پول به مستحفظین همراه مستر اسمارت ملحق بشود.

مستر اسمارت بهمین زودی از بوشهر حرکت خواهد نمود ولی تا شما ملحق شدن قافلهٔ حامل پول را به مستحفظین تصویب ننمایید من شخصاً نمی‌توانم همچو اجازه‌ای بدهم.

نمره ـ ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

مستحفظ برای قافلهٔ پول از حکومت ملی تحصیل شده و الحال قافلهٔ مزبور حرکت نموده.

نمره ـ ۲۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من در باب تحریم (بایکات) در شیراز:

امروز قنسول انگلیس شرح ذیل را از شیراز تلگراف نموده:

مسئلهٔ ارزاق خیلی اهمیت حاصل نموده. خرید آذوقه بکلی غیرممکن است و اغلب چیزهای لازمه را فقط بقدر کفایت یك روز دیگر موجود داریم.

اگر حکومت مرکزی متقاعد نشود که اقدامات مجدانه سریع در جلوگیری از این وضع ناهنجار بنماید ما مجبور به بعضی اقدامات محلی خواهیم شد.

سبك اعمال و حرکات مأمورین محلی بکلی مخرب اوضاع است. کارگزار

صراحتاً پسندیدن این اقدام ملاها را مشهود می‌دارد[1] چون رسماً به من نوشته است که حکومت محلی نمی‌تواند با ملاها طرف بشود.

امروز عصر کارگذار [=کارگزار] را ملاقات نموده و به او اخطار خواهم نمود که مأمورین محلی بواسطهٔ اقدام ننمودن در جلوگیری از این هیجان معانـد تولید مسئولیت بسیار مهمی برای خود خواهند نمود. هنوز بر من مشهود نگردیده که چنانچه وزیر امور خارجه اظهار داشته تعلیماتی از طرف او به اینجا رسیده باشد.

امروزعصر سعی خواهم نمود از کارگذار [=کارگزار] کشف بنمایم که همچو دستوری رسیده است یا خیر.

نمره ـ ۲۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی

وزارت خارجه ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر سر بچنن [بیوکانان]:

لازم است شغلی در خارج از منطقهٔ روس برای مستر لکفر تحصیل بشود. ممکن است همچه شغلی پیدا بشود یا خیر؟ اگر ممکن نیست آیا او می‌تواند برای یك مدت قلیلی مرخصی گرفته برود تا یك شغلی برای او پیدا بشود؟

نمره ـ ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من:

وزیرمختار روس دیروز مجدداً به وزیر امور خارجهٔ ایران اطلاع داد کـه بمحض تمکین دولت ایران به سه فقره مواد التیماتم دولت روس شروع به عودت دادن قشون از قزوین خواهد نمود. این اطمینان البته تابع شرایطی است که در آخر یادداشت مسیو نراتوف به سر بچنن [بیوکانان] سفیرکبیر انگلیس مقیم سن پطرزبورغ ذکر شده و محتمل است دولت روس این هیجانی را که حالیه مجتهدین ایران به دستیاری علماء نجف به ضد روس در ایران اشاعه داده‌اند، به‌اعمال تغیرآمیز تعبیر بنماید.

وزیرمختار روس نیز به وزیر امور خارجه اطلاع داده عبارتی را که جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] برای مادهٔ دوم التیماتم توجیه نموده با جزئی اصلاحی قبول خواهند نمود (به تلگراف سیزدهم دسامبر من مراجعه شود). از این‌قرار اسباب تسهیل تمکین دولت ایران فراهم شده ولی با اینکه از قرار معلوم عدهٔ کافی از وکلاء از مقام خود استعفاء نموده‌اند که اکثریت آراء در مجلس غیرممکن بشود معهذا بهیچوجه نمی‌توان یقین داشت با خوفی که کابینه از خشم و غضب عمومی دارند به قبول تقاضاهای روس

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

مبادرت بنمایند.
بی‌شبهه کابینه پیش‌بینی می‌نمایند که اگر در عودت قشون روس تأخیری بشود خشم عمومی زیادتر خواهد شد.

نمره ـ ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)
طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲ دسامبر من:
قنسول انگلیس به تاریخ پانزدهم شهر حال از قرار ذیل تلگراف نموده:
دویست نفر سرباز و چهارصد نفر قزاق وارد انزلی شدند.

نمره ـ ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)
طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف دیشب من در باب تحریم (بایکات) شیراز:
دیشب وزیر امور خارجه حکم سختی به کارگذار [=کارگزار] مخابره نمود.
من به قنسول انگلیس مقیم شیراز تعلیمات داده‌ام که هیچ اقدامی بدون مشورت با من ننماید. باضافه به او دستورالعمل داده‌ام به کارگذار [=کارگزار] بگوید که اگر او جدیت در جلوگیری از تحریم (بایکات) ننماید من عزل او را خواستار خواهم شد.

نمره ـ ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف دیروز شما در باب آذوقه برای قشون انگلیس مقیم شیراز:
شما مجازید به قشون مقیم شیراز اختیار بدهید که هر اقدامی را حتماً برای تهیهٔ آذوقه به جهت خودشان لازم می‌دانند معمول بدارند. قنسول انگلیس باید با فرمانده قشون مشورت بنماید که به قوهٔ قشونی که حاضر دارند چه نوع اقدامی را برای تحصیل آذوقه ممکن است تعقیب بنمایند. در صورتی که تمام وسایل آنها برای تحصیل آذوقه بی‌ثمر بشود می‌توانند متوسل به قوهٔ قهریه بشوند. هرچه بگیرند قبض رسیدی در مقابل آن باید بدهند که در پرداختن قیمت آن بالاخره اشکالی پیش نیاید.
آیا تصور می‌کنید که بواسطهٔ فرستادن کشتیهای جنگی به بندر بهبودی در وضع شیراز حاصل بشود؟

نمره ـ ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

وزیر مختار ایران مجدداً از من خواهش نموده که اطمینانهای در باب مادهٔ دوم التیماتوم روس مخفی بماند. من به او خاطرنشان نمودم که موادی را که دولت روس آشکاراً پیشنهاد نموده نمی‌توان انتظار داشت که به اطمینانهای مخفیانه اقناع بشود و همچو در انظار عامه جلوه‌گر شود که مادهٔ مزبور نسخ شده. من اظهار نمودم از قراری که بر من مفهوم شده دولت ایران عبارتی برای مادهٔ دوم التیماتوم طرح نموده بودند که دولت روس هم مساعدانه آن را موجه قرار داده بود در صورتی که آن‌عبارت تشیید لازم دارد.

پس از آنکه معظم‌الیه [=معظم‌له] در باب اطمینان برای بازگشت قشون و سایر مطالب اصرار نمود من اظهار داشتم که من نمی‌توانم به اطمینانهایی که وزیرمختار روس در باب قشون مستقیماً به دولت ایران داده هیچ چیزی اضافه بنمایم و کلیتاً من نمی‌توانم در این موضوع مقام وساطت را اختیار بنمایم. پس از آنچه تا حال واقع شده دولت روس طبیعتاً در باب سه فقره مواد التیماتم توسط قبول نخواهدنمود. تا با این مواد موجوده موافقت نشود من هیچ کاری نمی‌توانم بکنم. پس از خاتمه پذیرفتن این مواد چنانچه در نطق پنجشنبهٔ من در پارلمان مذکور است من نفوذ خودم را در باب اقدامات آتیه که برای‌دولت ایران هم مساعد خواهد بود به‌کار خواهم برد.

وزیرمختار ایران اظهار داشت احساسات عمومی بضد التیماتم روس بحدی متشدد است که مافوق قوهٔ دولت ایران است. بجز اینکه عبارت مواد التیماتم تسهیل بشود و در باب بازگشت فوری قشون تازه‌وارد روس اطمینانی داده بشود بنحو دیگری از قوهٔ دولت ایران خارج است که بتواند کاری بکند. مراتب فوق را به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر حال من در باب اوضاع کرمانشاه:

الساعه تلگرافی از قنسول انگلیس مقیم کرمانشاه به من رسیده که به تاریخ ۹ دسامبر مخابره شده. تلگراف مزبور توسط قاصد به همدان ارسال و دیروز از آنجا مخابره شده. در نهم دسامبر جنگ مابین متابعین سالارالدوله و قشون دولتی شروع شد. تلگراف مزبور مشعر بر این است که مشاغل عمومی تعطیل است و کوچه‌ها ناامن است. بانك شاهنشاهی و قنسولخانه در خط شلیك واقع است و خطر جانی و مالی مسلم است.

نمره ـ ۲۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

رئیس بانك شاهنشاهی به من اطلاع می‌دهد که استخلاص از مشکلات موجودهٔ در شیراز از یك بابت فقط منحصر به ورود قافلهٔ حامل پول است که حالا در راه بوشهر به طرف شیراز در حرکت است. رئیس بانك جداً از من خواهش می‌نماید قافلهٔ دیگری که حامل پول است و عجالتاً در بوشهر منتظر موقع حرکت است در تحت حراست مستحفظینی که با اسمارت عازمند حرکت بنماید.

من به رئیس بانك اظهار نموده‌ام که قبل از اجازه دادن به همچو حرکتی من باید اجازهٔ مخصوص از سر ادوارد گری تحصیل بنمایم ولی در ضمن من در صدد هستم که مستر اسمارت را در بوشهر معطل بنمایم چون باید حالا او تازه از بوشهر حرکت کرده باشد یا در صدد حرکت به طرف شیراز باشد.

نمره ـ ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف دیروز شما در باب شیراز:

چندین تلگراف دیگر از قنسول انگلیس رسیده که از آنها مستفاد می‌شود کارگذار [=کارگزار] پاره‌ای اقدامات در مرتفع داشتن تحریم معاملات با انگلیسان نموده. قنسول انگلیس مجبوراً مساعدت نایب‌الحکومه را برای تهیهٔ آذوقهٔ یك هفته قبول نموده ولی مسلماً این ترتیب مرضی خاطر نیست.

من گمان می‌کنم اعزام کشتیهای جنگی به بندر بیشتر باعث هیجان در باب تحریم بشود لهذا من این نوع اقدامات را تصویب نمی‌نمایم.

نمره ـ ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف دیروز من:

سردار اسعد به وزیرمختار روس اطلاع می‌دهد که یك نوبت دیگر در باب گذراندن مواد التیماتم از مجلس مجاهدت خواهد شد. تا نتیجهٔ جد و جهد در این نوبت مشهود نگردد استعفای وکلای اعتدالی صورت وقوع حاصل نخواهد نمود.

مجلس روز سه‌شنبه منعقد خواهد شد و اگر مجدداً در قبول التیماتم روس امتناع

بنمایند استعفای مذکور صورت فعلیت حاصل خواهد نمود و آن وقت اعلان خواهد شد که مجلس حاضره را نمی‌توان باقی گذارد و باید منفصل بشود.

بعقیدهٔ من عین واقع این است که هیجان عمومی باعث تخویف نمایندگانی که به استعفاء تشویق شده بودند شده و از استعفاء دادن احتراز نموده‌اند. اگرچه آن‌طور نمایشهای وطن‌پرستانه‌ای که در اوایل ابراز التیماتم بظهور می‌رسید تخفیف یافته ولی بواسطهٔ نفوذ دیرینه‌ای که کلام مجتهدین در اذهان عامه دارد احساسات برخلاف قبول التیماتم در تزاید است. مقدمهٔ تحریم امتعهٔ روس که مدتی بود بظهور رسیده بود علی‌الظاهر بعوض تقلیل نسبتاً در تزاید است.

نمره ـ ۲۹۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

آقا

قانون انتخابات که در ۲۲ اکتبر (۲۸ شوال) [۲۹ مهر ۱۲۹۰] از مجلس گذشته بود در ۴ شهر حال به امضای نایب‌السلطنه موشح گردید.

از عبارت دستخط نایب‌السلطنه همچو مستفاد می‌شود که او می‌خواهد کاملا تصریح بنماید که در مبنای قانون مزبور بهیچ‌وجه دخالتی نداشته چون می‌نویسد حتی بدون فرصت قرائت فوراً این قانون را به وزارت داخله فرستادم.

قانون انتخابات ۱۹۰۹، ۱۲۰ نفر وکیل برای پارلمان مشخص نموده و انتخابات بتوسط حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گرفته ولی قانون انتخابات حالیه که ترجمهٔ آن را لفاً ارسال می‌دارم، ۱۳۶ نفر نماینده تعیین می‌نماید و انتخابات هم باید مستقیم باشد. تعداد نمایندگان در صفحات علیحده مشخص و به قانون مزبور ملحق شده.

تعداد نمایندگان ولایات عمده از قرار ذیل معین شده:

آذربایجان	۱۹ نفر
عربستان	۴ نفر
کرمان و بلوچستان	۷ نفر
اصفهان	۵ نفر
فارس	۱۳ نفر
گیلان	۶ نفر
خراسان	۱۵ نفر
کرمانشاه	۴ نفر
مازندران	۵ نفر
طهران	۱۵ نفر
یزد	۴ نفر

تعداد وکلای آذربایجان و طهران تغییر ننموده و همان عده است که در قانون‌انتخابات سابق تعیین شده ولی برای فارس بجای ۸ نفر سابق ۱۳ نفر مشخص شده و در تعداد باقی ولایات هم تغییری داده نشده.

خالی از تعجب نیست که در صورتی‌که قانون انتخابات سابق انتخاب ۱۲۰ نفر نماینده را تجویز نموده بود ولی هیچوقت بیش از ۸۰ نفر در طهران حاضر نبوده و بموجب شماره‌ای که شده معمولا ۶۰ الی ۷۰ نفر نماینده در جلسات مجلس حضور بهم‌رسانیده‌اند.

قانون انتخابات کنونی رأی عمومی را تجویز نموده فقط یکی از اختصاصات مهم، ۶ ماه سکونت در محل انتخاب است. مقصرین پلتیکی که در مخالفت با دولت سهیم شده‌اند در جزو اشخاصی که از انتخاب نمودن و انتخاب شدن محرومند محسوب شده‌اند.

مسلماً تغییر عمده‌ای که در قانون انتخابات داده شده تبدیل انتخاب غیرمستقیم به انتخاب مستقیم است ولی باید دید در مملکتی که تا حال احصائیه‌ای در کار نبوده چگونه بترتیب انتخاب مستقیم می‌توانند عمل بنمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۷

ترجمهٔ قانون انتخابات مورخهٔ ۴ نوامبر ۱۹۱۱
مطابق ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰]

فصل اول
تعداد نمایندگان ملت و تقسیم آنها به ایالات و ولایات

مادهٔ اول) عدهٔ نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است.

مادهٔ دوم) تقسیم نمایندگان ملت به جمعیت تخمینی هر ولایت است بموجب صورت تشخیصی که ضمیمهٔ این قانون است.

فصل دوم
اوصاف انتخاب‌کنندگان

مادهٔ ۳) انتخاب‌کنندگان باید متصف به اوصاف ذیل باشند:

۱) انتخاب‌کنندگان باید تبعهٔ ایران باشند.

۲) باید اقلا ۲۰ سال داشته باشند.

۳) باید اهل همان محلی باشند که در آنجا انتخاب می‌کنند یا اقلا ۶ ماه قبل از انتخاب در آن محل متوطن باشند.

مادهٔ ۴) اشخاصی‌که از حق انتخاب کردن محرومند:

۱) اناثیه.
۲) اشخاصی که به سن بلوغ نرسیده‌اند و کسانی که محتاج به قیم شرعی هستند.
۳) اتباع خارجه.
۴) اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتهٔ اسلام در حضور یکی از پیشوایان دین مبین مسلم و مسجل شده باشد.
۵) اشخاصی‌که سن آنها کمتر از ۲۰ سال باشد.
۶) ورشکستگان به تقصیر.
۷) سائلین و اشخاصی‌که بوسایل بی‌شرفانه تحصیل معیشت می‌نمایند.
۸) متهمین به قتل و سرقت و سایر تقصیرات که بموجب قانون شریعت اسلام مستوجب مجازات باشند.
۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام‌نموده‌اند.
مادهٔ پنجم ــ اشخاصی که بواسطهٔ شغل و مقام خود از حق انتخاب کردن محرومند:
۱) اشخاصی که در خدمات نظامی بری و بحری هستند بجز آنهایی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
۲) صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه و ژاندارمری در حوزهٔ مأموریت خودشان.

فصل سوم
اوصاف منتخبین

مادهٔ ششم ــ منتخبین باید متصف به اوصاف ذیل باشند:
۱) باید قائل به دین حضرت محمد بن عبدالله (ص) باشند سوای آنهایی که نمایندهٔ ملل عیسویه و زردشتیه و یهود باشند.
۲) باید تبعهٔ ایران باشند.
۳) خط و سواد ایرانی بحد وافی داشته باشند.
۴) معروفیت محلی داشته باشند.
۵) سن آنها کمتر از ۳۰ و متجاوز از ۷۰ نباشد.
۶) دارای اعتبار صحت عمل باشند.
مادهٔ هفتم ــ اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند:
۱) شاهزادگان طبقهٔ اول (پسرها و برادران و عموهای سلطان)
۲) اناثیه.
۳) اتباع خارجه.
۴) مستخدمین در اعداد [=عداد] ژاندارم و پلیس و اعضای نظامی بری و بحری بجز صاحب‌منصبانی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
۵) حکام و قایم‌مقام و معاونین حکام در حوزهٔ مأموریت خودشان .
ملاحظه: سایر مستخدمین دولت قابل انتخاب هستند در صورتی که برای مدت‌وکالت از خدمت خود مستعفی شوند.

۶) ورشکستگان به تقصیر.
۷) متهمین به قتل و سرقت و سایر جنایات که بموجب قوانین اسلام مستوجب مجازات باشند.
۸) معروفین به شرك یا اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتهٔ اسلام در محضر یکی از پیشوایان دین مبین به ثبوت رسیده باشد.
۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام‌نموده‌اند.

فصل چهارم
تشکیل انجمن نظارت

مادهٔ ۸ الی ۱۲) مبنی به تشکیل هیئت موقتی برای نظارت در انتخابات است در تحت حکومت محلی و چند نفر از اعضای انجمن محلی.

فصل پنجم
وضع انتخاب

مادهٔ ۱۳) انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در تمام ایران مستقیم و به یك درجه باید باشد.

مادهٔ ۱۴) در محل‌هایی‌که بموجب قانون انتخابات حق انتخاب یك نفر نماینده را دارند انتخاب باید واحد باشد و در محل‌هایی‌که بیش از یك نماینده باید انتخاب بنمایند انتخاب باید متعدد باشد.

توضیح: غرض از انتخاب متعدد این است که هر یك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقهٔ رأی خود اسم چندین نفر از اشخاصی را که باید در آن محل انتخاب بشوند می‌نویسد. غرض از انتخاب فردی این است که هر یك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقهٔ رأی اسم یك نفر منتخب را می‌نویسد.

مادهٔ ۱۵) انتخاب نمایندگان باید به اکثریت نسبی باشد.

مادهٔ ۱۶) در موارد تساوی آراء مابین دو نفر یا بیشتر اگر انتخاب یك نفر از آنها لازم باشد آن یك نفر از بین آنها به حکم قرعه معین خواهد شد.

مادهٔ ۱۷) ایلات عمده باید بر طبق تشخیص قانون انتخابات هر ایلی یك نفر نماینده مستقیماً به مجلس شورای ملی بفرستند. سایر ایلاتی که ذکر نشده باید در حوزهٔ خودشان رأی بدهند.

مادهٔ ۱۸) در حوزهٔ انتخابی که چندین محل دیگر هم باید در انتخاب شرکت داشته باشند هرگاه بعضی از آن محل‌ها در انتخاب نمودن در عرض مدتی که هیئت ناظرهٔ مرکزی معین نموده (بموجب این قانون) قصور نمودند حق انتخاب از آنها سلب است و انتخاباتی که در سایر نقاط آن حوزه صورت گرفته صحیح و پذیرفته خواهد بود.

مادهٔ ۱۹) هیچیك از انتخاب‌کنندگان حق بیش از یك مرتبه رأی‌دادن را ندارد مگر در مواقعی که تجدید انتخابی لازم بشود.

مادهٔ ۲۰) انتخاب‌کنندگان حتماً مجبور نیستند که از بین متوطنین در شهر خودشان انتخاب کنند.

فصل ششم
در باب اوراق رأی برای انتخاب کردن از مادهٔ ۲۱ الی ۲۴

فصل هفتم
در باب اخذ اوراق رأی و حساب عدهٔ منتخبه است از مادهٔ ۲۵ الی ۴۳

فصل هشتم
در باب شکایات راجعه به انتخابات است از مادهٔ ۴۴ الی ۴۸

فصل نهم
متفرقه

مادهٔ ۴۹) همینکه نصف عدهٔ نمایندگان به اضافهٔ یك نفر وارد طهران بشوند مجلس شورای ملی مفتوح خواهد شد و رأی آنها به اکثریت نسبی مکفی و موجه خواهد بود.

مادهٔ ۵۰) مدت انعقاد مجلس دو سال شمسی است که از روز افتتاح مجلس شورای ملی شروع می‌شود.

مادهٔ ۵۱) مخارج ایاب و ذهاب نمایندگان از محل انتخاب الی طهران را باید دولت از قرار هر فرسنگی ۵ قران بپردازد. مخارج لازمه راجع به انتخابات را باید دولت با اطلاع حکومت محلی بپردازد.

مادهٔ ۵۲) هرگاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی استعفاء بنماید یا فوت شود و بیش از سه ماه به مدت انعقاد مجلس باقی مانده باشد اهل آن محلی که او را انتخاب نموده بودند باید یك نفر نمایندهٔ دیگر بجای او انتخاب نمایند ولی اگر انتخاب‌کنندگان او تا انقضاء سه ماه از تاریخ اعلان همچو انتخابی یك نفر نمایندهٔ دیگر بجای او انتخاب ننمایند مجلس شورای ملی یك نفر نماینده بجای آن منتخب مستعفی یا متوفی انتخاب خواهد نمود.

مادهٔ ۵۳) سه ماه قبل از انقضاء مدت انعقاد مجلس دولت باید اعلان انتخاب‌عمومی بنماید و انتخاب‌کنندگان اگر مایل باشند می‌توانند هر یك از نمایندگان سابق خود را که بخواهند انتخاب نمایند.

قانون انتخابات که مشتمل به ۵۳ ماده است به اکثریت ۵۲ رأی از مجلس گذشت

بتاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ [۲۹ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۱ میلادی]

حسین مؤتمن‌الملك رئیس مجلس شورای ملی

این قانون انتخابات مجلس شورای ملی موافق مواد ۱۷ و ۳۳ قانون اساسی به اینجانب پیشنهاد شده. در تاریخ ۱۲ ذیقعده غروب، این قانون بتوسط وزارت داخله نزد اینجانب فرستاده شده و چون وقت برای قرائت آن نبود فوراً به وزارت داخله فرستاده شد که تأخیری در آن واقع نشده باشد.

به تاریخ ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی].

ناصرالملك نایب‌السلطنه

برحسب امر والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه بموقع اجراء گذارده شد.

بتاریخ ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی]

قوام‌السلطنه وزیر داخله

صورت ولایات انتخابیه

ایالات و ولایات		ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
آذربایجان	۱۹ نفر	تبریز و مضافات	۹	تبریز
		اردبیل و مضافات	۲	اردبیل
		قرجه‌داغ و مضافات	۱	ابهر
		سراب و مضافات	۱	سراب
		مراغه و مضافات	۲	مراغه
		ساوجبلاغ و مضافات	۱	ساوجبلاغ
		ارومیه و مضافات	۱	ارومیه
		خوی و مضافات	۲	خوی
استراباد	۱ نفر	استراباد و مضافات	۱	استراباد
اصفهان	۵ نفر	اصفهان و مضافات	۳	اصفهان
		قمشه و مضافات	۱	قمشه
		فریدن و مضافات	۱	نجف‌آباد
لرستان	۴ نفر	بروجرد و مضافات	۲	بروجرد
		خرم‌آباد و مضافات	۲	خرم‌آباد
خراسان	۱۵ نفر	مشهد و مضافات	۴	مشهد
		کلات و مضافات	۱	دره‌جز [=درگز]
		ترشیز و مضافات	۱	سلطان‌آباد
		سبزوار و مضافات	۲	سبزوار
		تربت و مضافات	۲	تربت
		نیشابور و مضافات	۱	نیشابور
		قوچان و مضافات	۱	قوچان

ایالات و ولایات		ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
		بجنورد و مضافات	۱	بجنورد
		طبس و مضافات	۱	طون
		قاینات و مضافات	۱	بیرجند
		سیستان و مضافات	۱	سیستان
خمسه	۳ نفر	زنجان و مضافات	۳	زنجان
سمنان و دامغان	۲ نفر	سمنان و مضافات	۱	سمنان
ساوه و زرند	۱ نفر	ساوه و مضافات	۱	ساوه
شاهرود	۱ نفر	شاهرود و مضافات	۱	شاهرود
طهران	۱۵ نفر	طهران و مضافات	۱۲	طهران
		غار و مضافات	۱	شاه‌عبدالعظیم
		خار و مضافات	۱	ایوانکیف [=ایوانکی]
		شهریار و مضافات	۱	کردان
دماوند	۱ نفر	دماوند و مضافات	۱	دماوند
عراق	۲ نفر	سلطان‌آباد و مضافات	۲	سلطان‌آباد
عربستان	۴ نفر	دزفول و مضافات	۱	دزفول
		شوشتر و مضافات	۱	شوشتر
		محمره و مضافات	۱	محمره
		بنی‌طرف و مضافات	۱	بنی‌طرف[1]
فارس	۱۳ نفر	شیراز و مضافات	۵	شیراز
		فسا و مضافات	۱	فسا
		آباده و مضافات	۱	آباده
		بهبهان و مضافات	۱	بهبهان
		بوشهر و مضافات	۲	بوشهر
		لار و مضافات	۱	لار
		عباسی و مضافات	۱	عباسی
		جهرم و مضافات	۱	جهرم
قزوین	۲ نفر	قزوین و مضافات	۲	قزوین
کاشان	۲ نفر	کاشان و مضافات	۲	کاشان
کردستان	۴ نفر	سنه و مضافات	۳	سنه[2]
		سقز و مضافات	۱	سقز

۱) در اصل: مبنی‌طرف. ـ م.
۲) مقصود سنندج است که در اصطلاح محلی به آن سنه گفته می‌شود. ـ م.

ایالات و ولایات			ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
کرمانشاه	۴	نفر	کرمانشاه و مضافات	۴	کرمانشاه
کروس	۱	نفر	بیجار و مضافات	۱	بیجار
کرمان و بلوچستان	۸	نفر	کرمان و مضافات	۲	کرمان
			رفسنجان و مضافات	۱	رفسنجان
			سیرجان و مضافات	۱	سیرجان
			رائین و مضافات	۱	بم
			جیرفت و مضافات	۱	جیرفت
			بلوچستان و مضافات	۱	فهرج
گلپایگان	۲	نفر	گلپایگان و مضافات	۱	گلپایگان
			کمره و مضافات	۱	محلات
گیلان	۶	نفر	رشت و مضافات	۲	رشت
			انزلی و مضافات	۱	انزلی
			خمسه و مضافات	۱	گرگان‌رود
			فومن و مضافات	۱	فومن
			لاهیجان و مضافات	۱	لاهیجان
مازندران	۵	نفر	ساری و مضافات	۲	ساری
			بارفروش و مضافات	۳	بارفروش
ملایر	۲	نفر	ملایر و مضافات	۲	دولت‌آباد
همدان	۲	نفر	همدان و مضافات	۲	همدان
یزد	۴	نفر	یزد و مضافات	۳	یزد
			نائین و مضافات	۱	نائین
ایلات	۵	نفر	بختیاری و مضافات	۱	بتعیین وزارت داخله
			شاهسون و مضافات	۱	
			ترکمان و مضافات	۱	
			قشقائی و مضافات	۱	
			خمسه و مضافات	۱	
ملل متنوعه	۴	نفر	ارمنی‌های آذربایجان و کلدانیان	۱	بتعیین وزارت داخله
			ارمنیان جنوب	۱	
			زردشتیان	۱	
			یهود	۱	

نمره ـ ۲۹۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران به تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب شرح معروضه در ۱۲ شهر حال با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که قبل از انقضاء مدتی که دولت روس برای تمکین دولت ایران به تقاضاهای خودشان در باب ضبط اموال شعاع‌السلطنه قرار گذارده بود (یعنی ۴۸ ساعت اگرچه این مدت صراحتاً به دولت ایران نوشته نشده بود) بقیهٔ اعضاء کابینه‌ای که مرکب از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه بود استعفاء نمودند.

لهذا مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] مشکوك بود که در باب تعلیماتی که دولت متبوعهٔ او در ۱۴ شهر حال به او داده بودند که روابط با کابینه را قطع بنماید چه نوع باید عمل بنماید. مشارالیه به دولت متبوعهٔ خودش تلگراف نمود که هرگاه کابینهٔ جدید پس از تشکیل‌یافتن به دو فقره تقاضاهای روس تمکین ننمودند (یعنی تقدیم ترضیهٔ رسمی و نصب نمودن قزاق ایرانی بجای ژاندارم‌خزانه به‌حفاظت اموال‌شعاع‌السلطنه) او روابط با آن کابینه را قطع خواهد نمود. در جواب آن‌تلگراف به وزیرمختار مزبور دستور داده شد که روابط را فوراً قطع بنماید.

دولت روس به وزیرمختار مزبور اطلاع داده بودند که در صورت امتناع دولت ایران از قبول دو فقره تقاضاها چه اقداماتی در نظر دارند. اقدامات منظوره اعزام قشون روس به قزوین بود که یك دستهٔ از آن را وزیرمختار مزبور به طهران احضار بنماید که ژاندارم خزانه را از منزل شعاع‌السلطنه خارج بنماید و مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تصویب نموده بود که برای حصول این مقصود ۴۰۰۰ نفر قشون فرستاده بشود.

در این موقع به مسیو پکلوسکی اطلاع داده بودند که به حکومت قفقاز امر شده این عده قشون را اعزام بدارد. در ۱۸ نوامبر وزیرمختار روس تعلیمات دولت متبوعهٔ خود را بموقع اجراء گذارده و مترجم اول خود را به وزارت امور خارجه فرستاد که اظهار بدارد روابط او با دولت ایران مقطوع است و برای مذاکرات در باب امور جاریه با اجزاء او مکاتبه بنمایند. باضافه اظهار بدارد که قشون روس هم اعزام شده.

وثوق‌الدوله که با وجود مستعفی‌بودن هنوز امور وزارت‌خانهٔ خود را اداره می‌نمود فوراً رئیس کابینهٔ خود معین‌الوزاره را نزد من فرستاده و از من خواهش‌نمود که درخواست دولت ایران را به جنابعالی تبلیغ بنمایم که در سن پطرزبورغ وساطت بنمایید که اعزام قشون روس معوق بشود.

معین‌الوزاره اظهار داشت که کابینه در شرف تشکیل یافتن است و به من اطمینان داد که هیئت وزرای جدید استرضای دولت روس را در خصوص دو فقره تقاضا بعمل خواهند آورد.

در ۲۰ مجدداً معین‌الوزاره من را ملاقات نموده و اظهار داشت اگر به دولت ایران اطمینان داده بشود که پس از قبول دو فقره تقاضاها قشون روس عودت داده خواهد شد و قشون مزبور اسباب پیشنهاد مواد دیگری نخواهد شد بمحض تشکیل کابینه وزیر امور خارجه تقدیم ترضیهٔ رسمی به سفارت روس خواهد نمود و ژاندارم خزانه هم از اموال شعاع‌السلطنه برداشته و قزاق ایرانی بجای آنها منصوب خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌شود در همان روز یك همچو مذاکره‌ای هم بتوسط وزیرمختار ایران مقیم لندن با شما شده بوده که از جانب دولت ایران درخواست نصیحت دولت انگلیس را نموده.

به وصول تعلیمات مندرجه در تلگراف ۲۰ نوامبر شما من، هم شفاهاً و هم بوسیلهٔ یادداشت به دولت ایران اطلاع دادم که عقیدهٔ دولت انگلیس بر این است که اگر دولت ایران دو فقره تقاضاهای روس را قبول بنمایند قشون روس عودت داده خواهد شد و نیز اظهار داشتم صلاح دولت ایران بر این است که بدون دفع وقت به تقاضاهای روس تمکین بنمایند. این اطلاع را من در صبح ۲۱ دادم و غروب همان روز وثوق‌الدوله به من خبر داد که بالاخره صمصام‌السلطنه کابینهٔ خود را تشکیل داده و فردا معرفی خواهند شد. به معین‌الوزاره که راوی این پیغام بود دستورالعمل داده شده بود که از من خواهش بنماید تشکرات وزیر امور خارجه را در ایضای [ازاء؟] حسن مساعدت و نصیحت شما تبلیغ بنمایم. و نیز به او امر شده بود به من اطلاع بدهد که اعضای کابینهٔ جدید و بعضی از وکلای نامی در موضوع یادداشت من مشاوره نموده و نتیجه این شده که رأی قطعی داده‌اند فردا پس از معرفی شدن کابینه به مجلس به دو فقره تقاضاهای روس تمکین بشود.

در ۲۲ نوامبر کابینه به یك نحو ناقصی به مجلس معرفی شد و در همان روز غروب معین‌الوزاره نزد من آمده اظهار داشت وثوق‌الدوله که مقام خود را مجدداً قبول نموده بواسطهٔ کسالت مزاج نتوانسته در مجلس حاضر بشود ولی امیدوار است تا روز بعد بحدی اعادهٔ صحت مزاج او بشود که بتواند تقدیم ترضیهٔ رسمی بنماید و به هر زودی که ممکن بشود ژاندارم خزانه برداشته شده و قزاق ایرانی به‌جای آنها منصوب خواهد شد.

در ۲۴ معین‌الوزاره شرحی به من نوشته و استفسار نموده بود چه وقت وزیرمختار روس حاضر خواهد بود که وثوق‌الدوله او را ملاقات نموده و تقدیم ترضیه بنماید و اشعار داشته بود که قزاق ایرانی به محافظت اموال شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه برقرار شده.

بعد از ظهر وقت برای وثوق‌الدوله معین شد و در ساعت دو و نیم او با لباس‌رسمی نزد وزیرمختار روس رفته و تقدیم ترضیهٔ مطلوبه را نمود. در همین ساعت قزاق ایرانی در منزل شهری شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه نصب شده بود و عدهٔ قزاقی هم معین و اعزام شده بود که املاك خارج شهر را تصرف بنمایند.

وزیرمختار روس پس از استماع ترضیه از وزیر امور خارجه اظهار داشته بود که به او اجازه داده شده که روابط با کابینه را مجدداً برقرار بنماید ولی نظر به تأخیری که در تمکین نمودن دولت ایران به دو فقره تقاضاهای دولت متبوعهٔ او ظاهر شده و بلحاظ ورود مقداری از قشون روس به خاك ایران او گمان نمی‌کند که دولت متبوعهٔ او کاملا از این موافقت دولت ایران اقناع بشود.

محتمل است دولت روس تقاضاهای دیگری پیشنهاد بنماید و نظر به اینکه از زمان پیشنهاد تقاضاهای اصلی از مستر شوستر اعمال مغرضانه بیشتر ناشی شده که از آن جمله در ایران منتشر نمودن ترجمهٔ شرحی است که او در این اواخر به روزنامه نوشته است در پیشنهاد تقاضاهای مضاعف احتمال کلی می‌رود.

سواد مراسله‌ای را که در ۲۳ شهر حال من به وزیر امور خارجه نوشته‌ام و سواد جوابی را که آن‌جناب نگاشته لفاً ارسال می‌دارم بانضمام سواد شرح الحاقی که نوشته‌ام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه در نمرهٔ ۲۹۸

سواد مراسلهٔ سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

هر یك دقیقهٔ تأخیر باعث کمتر شدن احتمال عودت قشون روس است. بنابراین من کمال تعجب را دارم که تا حال قزاق ایرانی بجای ژاندارم منصوب نشده.

نقاهت وثوق‌الدوله باعث تأسف بسیار است. من میل داشتم او توانسته باشد دیروز تقدیم ترضیه نموده باشد.

جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۸

مراسلهٔ معین‌الوزاره به سر جارج بارکلی

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

وزیرمختار عزیزم

من در جواب مرقومهٔ امروز صبح جنابعالی عجله نموده و خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که از طرف ما هیچ نوع دفع‌وقتی در قبول نمودن تقاضاهای روس بر طبق نصایح دولت انگلیس نشده و این تمکین مشروط به اطمینان کلی در باب عودت قشون روس است. اصل اموال و مسکن شخصی شعاع‌السلطنه امروز غروب از تصرف ژاندارم خارج و تحویل قزاق ایرانی خواهد شد.

وثوق‌الدوله هنوز منتظر خبر از طرف جنابعالی است که چه وقت او باید برای اجرای مادهٔ دوم تقاضا حاضر بشود. با کمال شعف اطلاع می‌دهم که امروز حالت

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] بهتر است.

حسین‌خان

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۸

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

در جواب مراسلهٔ شما که الان رسیده باید خاطر شما را مستحضر بدارم که هیچ وعدهٔ صریحی در باب عودت قشون روس پس از قبول تقاضاها نشده.

البته بخاطردارید عبارتی‌که من در این‌باب نوشته‌بودم این‌بود: «عقیدهٔ دولت‌انگلیس بر این است» که در واقع ظهر روز سه‌شنبه وضع همین‌طور هم بود و این عبارت من بیان واقع آن روز بود.

همین‌قدر که کرنل وادبلسکی [=کلنل وادبولسکی] به وزیرمختار روس خبر بدهد قزاق‌ایرانی بجای ژاندارم نصب شده وزیرمختار معظم در پذیرفتن وزیر امور خارجه برای تقدیم ترضیه حاضر خواهد بود.

جارج بارکلی

نمره ـ ۲۹۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب مشروحهٔ مورخهٔ ۲۸ شهر ماضی خودم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم جنگی که در حوالی بندرجز [گز] واقع شده و در همان مکتوب ۲۸ اطلاع داده بودم ظاهراً بیش از آنچه بدایتاً معروف بود اهمیت داشته و قشون دولتی را که مرکب از ۶۰۰ نفر بوده‌اند شعاع‌السلطنه بـرادر شاه مخلوع بـا ۷۰۰ نفر ترکمانی که داشته بکلی شکست داده‌اند. من خبر جدید دیگری که محل وثوق باشد ندارم ولی ظاهراً تمام ناحیهٔ استرآباد مجدداً به تصرف شاه مخلوع درآمده.

وضع تبریز تقریباً رو به بهبودی است. از قرار معلوم شجاع‌الدوله برای اینکه رعایا بتوانند محصول خود را بفروشند و به این وسیله بر ممر عایدات او افزوده بشود اغلب طرق ورود آذوقه به شهر را مفتوح داشته یك عده از اهل شهر در یکی دو هفتهٔ قبل به سمت نمایندگی در باسمنج او را ملاقات نموده و عنوان صلح نمودند ولی نتیجه‌ای از این عمل حاصل نشده و او هنوز با یك استعدادی که قریب ۱۵۰۰ نفر می‌شوند شهر را تهدید می‌نماید. یك دفعه مذاکره این شد که از طهران قشونی برای دفع او اعزام بشود ولی این نقشه تا حال صورت وقوع حاصل ننموده.

سالارالدوله را بختیاریها در تحت فرماندهی سردار بهادر تا لرستان تعاقب نمودند و بموجب اطلاعاتی که از دولت کسب شده تقریباً در ۱۶ نوامبر یك نوبت دیگر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر در حوالی بروجرد سالارالدوله را مغلوب نموده‌اند. در این جنگ سالارالدوله تقریباً دو هزار سوار داشته و از قرار مذکور ۵۰۰ نفر از آنها مقتول و مجروح شده‌اند. حالیه معلوم نیست سالارالدوله در کجا هست.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۰۰

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
آقا

در مشروحهٔ مورخهٔ ۳۱ اکتبر خودم اظهار داشته بودم که محتمل است اضافه شدن عدهٔ مستحفظین قنسولگریهای ما اثر معنوی بنماید و تخفیفی در اغتشاش طرق جنوب حاصل بشود.

تا حال در جادهٔ شیراز به بوشهر ظاهراً همین اثر را نموده چون بجز یك فقره سرقتی که به تاریخ ۴ نوامبر در حوالی کازرون بتوسط قشقاییها از یك قافلهٔ مختصری که حامل محصولات محلی و آلات تلگرافی بوده شده و یك فقره تهاجم به قافلهٔ حامل دو نفر ژاپونی دیگر از زمان حرکت دو دسته قشون انگلیس در دوم شهر جاری از بوشهر، هیچ راپرت سرقتی به من نرسیده و تلگرافی که امروز از قنسول انگلیس مقیم شیراز رسیده مبنی بر این است که قوافل معمولی آزادانه در حرکتند اگرچه درصورتی که بانك شاهنشاهی شیراز نهایت احتیاج را به پول نقد دارد حکومت محلی اذعان دارد که نمی‌تواند مستحفظ برای همراهی قوافل حامل پول تهیه بنماید.

نظر به راپورت ویس‌قنسول چیك که قشون انگلیس را تا کازرون مشایعت نموده بود لازم دانسته شده که سپاهیان مأمور سابق اصفهان در مراجعت از اصفهان به هندوستان از کازرون به بوشهر به تنهایی مسافرت ننمایند. قنسول چیك در مراجعت از کازرون به بوشهر در باب اثراتی که عبور قشون انگلیس در اذهان رؤسای ایلات آن نواحی نموده نظریات عمیقه کرده است. قنسول مزبور اظهار می‌دارد که رؤسای ایلات خیلی اظهار کراهت می‌کردند که راهداری یا باج راه نامشروعی در جاده دایر شده چون یکی از مستحفظین بی‌احتیاط در عرض راه برای تهدید یك مکاری که متعلق به قشون انگلیس بوده یك تیر خالی نموده بود و برای این عمل تفنگ او و اسلحهٔ سایر تفنگچیان را گرفته و ضبط نموده‌اند.

این واقعه و اخبارات بی‌اساسی که در جراید محلی طبع می‌شود مشعر بر اینکه

دولت انگلیس خیال دارد در آتیه قشون خود را برای همراهی با قوافل به‌کار ببرد ظاهراً رؤسای ایلات مزبور را خیلی متغیر و نگران نموده.

در باب راه شیراز به اصفهان هیچ آثار بهبودی ظاهر نبوده که بتوان راپورت آن را داد. جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان در ۱۱ نوامبر خبر می‌دهد که در راه اصفهان به شیراز بهیچ‌وجه قوافل تردد ننموده‌اند و در ۱۸ نوامبر هم همین قسم خبر می‌دهد. یك قافله‌ای که عازم قمشه بوده در حوالی گردنهٔ ارچینی با حملات سارقین کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] مصادف شده. در ۸ نوامبر تجار اصفهان تلگرافی به وزیر داخله مبنی بر شکایت از ناامنی کلیهٔ راهها مخابره نموده‌اند. راه بختیاری هنوز به‌ترتیب غیرمرضی سابق باقی است ولی برودت فوق‌العادهٔ هوا و تکسیر سارقین ظاهر گردیده. مقدار کثیر مال‌التجاره که سابقاً اطلاع داده شده بود در راه مانده حالا وارد شده. قافله‌ای مرکب از ۱۵۰ شتر که متعلق به کمپانی لینج بوده در مال‌امیر در عرض این ماه با حملات سارقین مصادف شده و در ۸ شهر جاری در حوالی گردنهٔ (گاوپیشه) دو لنگه لوازمات شخصی دو نفر سوار هندی که به عزم قنسولگری اصفهان می‌آمدند بسرقت رفته که قیمت آن را به‌محض وصول صورت جزئیات آن از دولت ایران مطالبه خواهم نمود.

جارج بارکلی

نمره ـ ۳۰۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در چند هفتهٔ ماضی بحران کابینه ممتد بوده و صمصام‌السلطنه هنوز از نیل به مرام خود در موضوع مسئله‌ای که همیشه نایب‌السلطنه مبالغهٔ کثیره در آن داشته محروم است ـ به این معنی که نایب‌السلطنه جدیتی داشته که کابینهٔ مقتدر باید متکی به اکثریت مستدام مجلس باشد و هنوز همچو مقصودی را صمصام‌السلطنه نتوانسته حاصل بنماید.

چنانچه در تلگراف ۱۴ شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام باقی‌ماندهٔ اعضای کابینه که فقط مرکب بود از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه، در ۱۳ شهر جاری مستعفی شدند. در عرض هفته‌های ماضی صمصام‌السلطنه برای پر نمودن مقامهای خالی در کابینه مجاهدات بیهوده نمود ولی نتوانست مجلس را متقاعد بنماید که داوطلبان او را به وزارت قبول بنمایند. مقامی که بیشتر از همه حاوی مشکلات بوده وزارت داخله است که مجلس اصرار داشت مقام مزبور باید مجدداً به قوام‌السلطنه تفویض شود در صورتی که معزی‌الیه بواسطهٔ مناقشهٔ با رئیس‌الوزراء مستعفی شده بود. قوام‌السلطنه یکی از پیشقدمان دموکرات است و بدین‌جهت در این موقع که انتخابات

جدید در نظر است صمصام‌السلطنه در تفویض نمودن وزارت داخله به او بیشتر از هروقت مخالفت دارد.

بعقیدهٔ من اشکالات تشکیل دادن کابینه پیش از التیماتوم روس صمصام‌السلطنه را دلالت به استعفاء نموده.

تقریباً ۱۰ روز ابداً کابینه‌ای وجود نداشت تا بالاخره هیئت وزرایی را که صمصام‌السلطنه در ۲۲ شهر حال به مجلس معرفی نمود مرکب از ۴ وزیر بود. به این ترتیب ناقص برای این معرفی شدند که در قبول دو فقره مواد التیماتوم روس در موضوع اموال شعاع‌السلطنه بیش از این تأخیر نشود.

تا حال مقامهای خالی کابینه پر نشده و مجلس هنوز به خودرأیی در رد نمودن نامزدگان صمصام‌السلطنه باقی است.

اکثریت حزب اعتدالیون مصنوعی مجلس معدوم شده و حزب دمکرات با فرقهٔ بی‌طرفه که تا حال مابین دو حزب معوق‌الحال بوده متفق شده‌اند و ظاهراً اکثریت مجلس را حالا دارا هستند.

نمره ـ ۳۰۲

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار لفاً صورت وقایع ماهیانهٔ معمولی را که راجع به حوادث ۴ ماههٔ ماضی ایران است ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفهٔ در نمرهٔ ۳۰۲

صورت وقایع ایران در عرض ماه نوامبر

طهران

کابینه ـ پس از بحرانهای متواتره و مخالفتهای کثیره از طرف یك حزب مجلس برای داخل شدن محتشم‌السلطنه در جزو کابینه، عاقبت در ۲۹ نوامبر کابینه از قرار ذیل تکمیل گردید:

صمصام‌السلطنه	رئیس‌الوزراء و وزیر داخله
وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
سردار محتشم	وزیر جنگ
ذکاءالملك	وزیر مالیه
مشیرالدوله	وزیر معارف
معاضدالسلطنه	وزیر پست و تلگراف

محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه

مجلس ـ در ۳۱ اکتبر حکم قطع وظایف و مستمری اشخاصی که بعد از عفو عمومی سنهٔ ۱۹۰۹ به مخالفت دولت قیام نموده‌اند از مجلس گذشت و در ۹ نوامبر حکم دیگری برای قطع مستمری مرتجعین معروف که معادل مبلغ ۱۸۷۸۵ تومان بود و تکسیر مبلغ بعضی از مستمریات دیگر از مجلس گذشت. در ۲ نوامبر اجازهٔ کنترات ده نفر مستخدمین امریکی دیگر برای وزارت مالیه و اعتبار ۲۴۹۰۰ دلار به جهت مواجب آنها تصویب شد.

در یك جلسه مکتوب مهمی که نایب‌السلطنه به مجلس نوشته بود قرائت شد و در آن مکتوب والاحضرت اقدس مجلس را تخویف نموده بود که اگر بعضی شرایط منظوره را بموقع اجراء نگذارند استعفاء خواهد داد. لفاً ترجمهٔ این دستخط را ارسال می‌دارم.

در همان جلسه تلگرافات از تبریز و رشت و مشهد و بعضی ولایات دیگر مبنی به امتداد دورهٔ مجلس قرائت شد و پس از مذاکرات بسیار در ۱۲ و ۱۳ نوامبر در جلسهٔ ۱۳ به اکثریت ۴۶ رای در مقابل ۶۹ رأی تصویب شد که دورهٔ انعقاد مجلس ممتد بشود تا بیش از نصف نمایندگان جدید در طهران حاضر بشوند. دورهٔ انعقاد دوسالهٔ مجلس در ۱۴ نوامبر منقضی شد.

هیئتی از مجلس انتخاب شد که با نایب‌السلطنه در باب خیال استعفای ایشان مذاکره بنمایند و پس از مذاکرات راپورتی به مجلس پیشنهاد نمودند که علناً قرائت نشد. هیئت مزبور اظهار داشتند که بواسطهٔ کسالت مزاج نایب‌السلطنه بعد از تشکیل کابینه باید در تحت مرخصی برای مدت قلیلی به اروپ بروند.

در ۲۲ نوامبر صمصام‌السلطنه بوسیلهٔ مراسله‌ای سه نفر وزیر دیگر برای کابینه که یکی از آنها وثوق‌الدوله به وزارت امور خارجه بوده معرفی نمود و در ۲۹ نوامبر پس از مشاجره و مذاکرهٔ متشددی عدهٔ کابینه مطابق تفصیل سابق‌الذکر تکمیل شد که ۴۱ نفر از وکلاء در قبول آن رأی دادند و ۱۸ نفر در رد آن رأی دادند.

التیماتوم روس ـ التیماتوم روس در باب اموال شعاع‌السلطنه بدایتاً در ۱۱ نوامبر به دولت ایران پیشنهاد شد. در ۲۳ نوامبر ژاندارم خزانه از مایملك مزبور مطرود شد و روز بعد وزیر امور خارجه تقدیم ترضیهٔ رسمی به وزیرمختار روس نمود. در ۲۹ نوامبر وزیرمختار روس التیماتوم ثانوی در باب انفصال مستر شوستر در عرض ۴۸ ساعت را پیشنهاد نمود.

متفرقه ـ در ۲۸ اکتبر سردار جنگ از همدان و امیر مفخم از سلطان‌آباد وارد طهران شدند.

در ۳ نوامبر مستر شوستر ژاندارم خزانه به منزل علاءالدوله فرستاد که مالیات دریافت نمایند و علاءالدوله فوراً به رئیس‌الوزراء شکایت شود. امیر مجاهد و سردار جنگ به اتفاق علاءالدوله به منزل او آمده و ژاندارم خزانه را خلع‌سلاح نمودند. عاقبت رئیس‌الوزراء از مستر شوستر ترضیه خواست و مسئله خاتمه پذیرفت.

در ۴ نوامبر فرمانفرما به سمت حکمرانی تبریز از طهران حرکت نمود. چند روز

بعد از توزیع لایحهٔ مستر شوستر به جریدهٔ **تایمز** در لندن به تاریخ ۱۲ نوامبر ترجمهٔ همان لایحه بحد وفور در طهران منتشر شد.
نرخ ارزاق در ترقی است و نان خیلی گران است.

دستخط والاحضرت اقدس نایب‌السلطنه به رئیس مجلس
۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آبان ۱۲۹۰]
یادداشتی در جوف ارسال داشته و خواهشمندم آن را به مجلس پیشنهاد نموده که با توجه کامل نمایندگان قرائت شود.
چون شما بخوبی از اوضاع‌حاضره مستحضرید یقین‌دارم به حقانیت من در پیشنهاد همچو یادداشتی تصدیق خواهید نمود و خواهش من را در باب تصریح این مسئله به آقایان نمایندگان قبول خواهید نمود. من امیدوارم که این یادداشت منتج به اثرات مطلوبه بگردد.

مقام مقدس مجلس شورای ملی
چون نمایندگان کاملا از ترتیب اوضاع حاضره مستحضرند تصریحات در این موضوع زیادی است. چیزی را که لازم است فقط اظهار بنمایم و همهٔ آقایان کاملا مسبوق هستند در عرض یك مدتی کابینه ناقص بلکه مشرف به منحل شدن بوده. اگرچه خدماتی را که حضرت اشرف آقای صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء بمنصهٔ ظهور و بروز رسانیده‌اند بر دولت و ملت بخوبی مشهود است که از بحرانهای متواترهٔ کابینه و لزوم مساعدت بحدی دچار زحمات‌شدند که بالاخره رأی ایشان به مستعفی شدن تعلق گرفت و من جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را از این عمل ممانعت نمودم، ولی واضح است که بدون تکمیل و تشکیل کابینه و بدون وجود مساعدت لازمه جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] هم نمی‌تواند مقاصد عالیهٔ خود را بموقع اجراء بگذارد.
چون انتخابات جدید در کار است و در سنهٔ آتیه زحماتی در پیش است مسلم است که اگر فوراً یك کابینه‌ای که متکی به تقویت لازمهٔ مجلس باشد تشکیل نشود و پروگرام صحیحی برای نظم مملکت بموقع اجراء گذارده نشود و جلوگیری‌از سختیهای محتملهٔ در این بهار[1] نشود (که خود مدخلیت تامه در پیشرفت انتخابات دارد) و اگر مجلس اقداماتی را که برای استقرار نظم در نظر است تصویب ننماید با این بحران حاضره بکلی مشکل است بتوان تصور نمود که هیچ‌نوع اقدامی برای جلوگیری از انقلابات آتیه بشود نمود.
نظر به این مراتب من باید فقط اهمیت موقع را خاطرنشان نموده و امیدوار باشم که مجلس تقویت کامل با رئیس‌الوزراء خواهند نمود که کابینهٔ خود را تشکیل داده و پروگرام خودشان را ترتیب بدهند.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

بعلاوه لازم است اظهار بدارم که چنانچه در تلگراف خودم از اروپ شرح داده‌ام تقویت همه به یك نایب‌السلطنهٔ مملکت مشروطه لازم است و اختلافات فرق باعث تخریب و بحران خواهد شد و با اینکه ملاحظه می‌شود با وضع حاضره نظم و سکون نهایت لزوم را دارد اینطور مناقشات بکلی با منافع مملکت متضاد است.

زمانی که من در مجلس در باب بعضی تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که اگر بدبختانه اختلافات باعث شدت انقلاب اوضاع بشود مناظره و تحمل این طور اوضاع نامساعد بر من ناگوارا است.

ولی چون از سه ماه قبل به این طرف علائم اختلاف و حتی سوء نسبت به مقام نیابت سلطنت که مقام مقدسی است بمنصهٔ ظهور رسید (چنانچه بر همهٔ نمایندگان معلوم است) من در همان اوقات خیال استعفاء از نیابت سلطنت را داشتم. لیکن چون زحمات خیلی مهم پیش آمد من تأمل نموده و در اجرای مقصود خود اقدام ننمودم که مبادا همچو تصور شود که من در مسئولیت خودم بی‌قیدم. ولی برای اینکه این امر واقع نشود بدون اینکه تهیهٔ مقدماتی شده باشد در عرض چندروزهٔ ماضی من اقدام به این امر نمودم و از نمایندگان خواهش نمودم با هیئت دولت مشاوره نموده و هر اقدامی را لازم می‌دانند بنمایند.

لهذا خاطر نمایندگان محترم را مستحضر می‌دارم که اگر در این مسئله اقدامات مجدانه بعمل نیاید من مجبور خواهم بود خیال خود را بدون هیچ نوع اخطار دیگری بموقع اجراء بگذارم و مطلب را علنی بکنم. زمانی که در مجلس در بـاب تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که هیچ شخص باوجدانی نمی‌تواند من را برای این مسئله مسئول قرار بدهد و برای برطرف کردن این اختلاف من بیش از آنچه در قوهٔ بشر است مجاهده نمودم ولی متأسفانه تمام مجاهدات من بی‌نتیجه شد. به عقیدهٔ من نمایندگان مسئول ملت هستند و بر عهدهٔ آنها فرض است که هموم عالیهٔ خود را مصروف اجرای این امور مهمه بدارند و تا برای مرتفع داشتن این اشکالات نتیجهٔ مطلوبه حاصل نشود نباید مسئولیت را از عهدهٔ خود ساقط بدانند.

در خاتمه مجدداً در باریکی موقع تأکید می‌نمایم و لزوم بموقع اجـراء گذاردن مقاصد فوق را و سوء نتیجه‌ای را که از قصور در این باب حاصل خواهد شد تکرار می‌نمایم و از ساقط بودن مسئولیت از عهدهٔ خودم خاطر آقایان را مستحضر می‌دارم و چون من به تکلیف خود عمل نموده و جلب توجه شما را بمراتب فوق نموده‌ام به وظایف وجدانی خود رفتار نموده و من‌بعد بری‌ءالذمه هستم.

تبریز

در اوضاع تبریز بهبودی حاصل نشده. شجاع‌الدوله با دو هزار جمعیت هنوز به محاصرهٔ شهر مداومت دارد. مجاری امور در شهر خیلـی سخت است و بسیاری از سکنهٔ قراء حوالی در مسکن ییلاقی قنسول‌جنرال روس متحصن شده و از تعدیات و صدماتی که به آنها وارد می‌شود شکایت دارند. اهل شهر هم با شجاع‌الدوله اصلاح

ننمودند و بدون مداخله و مساعدت دولت ایران قدرت استخلاص از این زحمت را هم که دچار هستند ندارند. ظاهراً یگانه وسیلهٔ اطمینان داشتن بـه استقرار نظم، حضور قشون روس است. در تعداد قزاق روس بواسطهٔ منقضی شدن مدت خدمت اغلبی از افراد آنها نقصان حاصل شده و فوج جدیدی بجای این دسته که حالیه در آنجا هستند اعزام خواهد شد.

گیلان و مازندران

وکیل قنسولگری انگلیس (آژانس) از استراباد خبر می‌دهـد که محمدعلی هنوز در خواجه‌نفس است؛ و نیز اطلاع می‌دهد که ترکمانها در ۱۱ نوامبر به شهر هجوم آورده ۴۷ نفر را مقتول و ۳۵ نفر را اسیر نمودند و بواسطهٔ حضور آنها در حوالی استراباد عدهٔ کثیری از اهالی در قنسولگری روس تحصن اختیار می‌نمایند.

۲۰۰ نفر قزاق و دو عراده توپ مسلسل به استعداد قنسولگری روس در استراباد اضافه خواهد شد که حفظ جان و مال اتباع روس را بنمایند.

عدهٔ قشون روس که تا ۲۷ نوامبر وارد رشت شده‌اند از قرار ذیل است:

۳۰۰ نفر قزاق، ۱۷۲۰ نفر سرباز و توپچی جملتان ۲۰۲۰ نفر بانضمام ۸ عراده توپ و ۶ دستگاه توپ مسلسل.

مشهد

رکن‌الدوله فرمانفرمای جدید خراسان هنوز وارد نشده.

نیرالدوله هنوز مشغول جد و جهد است که هیئت دولت را متقاعد بنماید که مجدداً نیشابور را از ایالت خراسان مجزی بنمایند.

وضع خود مشهد مغشوش نیست ولی طرق حوالی آن پر از سارقین است.

اصفهان

نگرانی اهل شهر بواسطهٔ گرانی ارزاق در تزاید است. اطراف اصفهان بواسطهٔ حضور غارتگران بختیاری و کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] به اعلی درجهٔ ناامنی باقی است. این وضع ناهنجار بشدت مناسب نبودن سردار اشجع بـرای حکومت اصفهان می‌افزاید. تجار عمده‌ای که برای ناامنی طرق به طهران شکایت نموده‌انـد شاید مداخلهٔ قشون خارجه را برای قراسورانی طرق استقبال بنمایند.

تعیین مستر هیکاك تبعهٔ انگلیس به پیشکاری خزانه‌داری کل در اصفهان باعث استرضای اعیان‌آنجا شده. مجاهدات‌حکومت و پیشکارمالیهٔ‌سابق و علماء در برانگیختن مخالفین بر علیه مستر هیکاك ثمری نبخشیده. در آنجا شروع به تشکیل ژاندارم خزانه شده و تا ۱۱ نوامبر ۲۹ نفر ژاندارم گرفته شده بوده.

یك دسته سوار هندی در ۲۷ نوامبر از آباده به طرف اصفهان حرکت کردند.

یـزد

امیر اعظم والی کرمان برای اعادهٔ نظم و سیاست کـافیه مشترکین در اغتشاش جدید آن ولایت قاصر است.

اهالی تفت و سایر غارتگران در آنجا اغتشاش نموده و سلب امنیت از طـرق می‌نمایند. چندین دفعه سیم تلگراف را مقطوع و مخروب نموده‌اند. زردشتیان که با خسارات و مشکلات بسیار دچار هستند ظاهراً آرزومند مداخلات خارجه هستند.

شیراز

علاءالدوله فرمانفرمای فارس هنوز از طهران حرکت ننموده.

در ۲۹ اکتبر قافله‌ای که از اصفهان به شیراز می‌رفت در حوالی خانهٔخره [=خان خوره] با حملات سارقین مصادف شده و تمام اسباب خانم رس که به اتفاق آن قافله مسافرت می‌نمود سرقت شده و به خود او هم صدمه وارد آمده. خانم مزبور خود را به آبادی رسانیده پس از مسافرت اختیار نمودن از آباده مجدداً یك نـوبت دیگر با سارقین مصادف شده و مجبور به رجعت به آباده گزدیده.

در ۲۳ نوامبر دو دسته از سواران به آباده رسیدند. یك دسته از آنجا عازم اصفهان خواهند شد و یك دسته به اتفاق خانم رس معاودت به شیراز خواهند نمود و در ۲۸ شهر حال حرکت می‌نمایند.

در شب ۲۴ و ۲۵ نوامبر یك دسته سارق به باغی که مجاور قنسولگری است حمله نمودند و مدتی رد و بدل گلوله شد.

دو دسته سوار هندی در ۱۲ و ۱۳ نوامبر وار دشیراز شدند. در جاده‌ای که آنها عبور نموده بودند هیچ واقعهٔ قابل‌الذکری روی نداده.

سرقتهای بسیار راپورت داده شده ولی بر روی هم وضع اغتشاش شیراز و حوالی آن در تنزل است.

سیستان

وضع طرق سیستان و قائینات [=قاینات] آرام است ولی قوافل نمی‌توانند بدون مستحفظ کافی تردد بنمایند.

کرمان

وضع ایالت کرمان بهمان قسمی که در صورت واقعات ماه قبل راپورت داده‌ام باقی است. عدهٔ راهزنان بلوچی در تزاید است خصوصاً در حوالی بم. یك رفعت‌نظام نامی است که نفوذ کامل در بلوچها دارد و مشغول افساد مابین کارگران و ادارهٔ تلگراف انگلیس است.

www.adabestanekave.com

کرمانشاه

قنسول انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که وضع آنجا بدتـر از سابق است و سرقتها بحدی کثرت دارد که مشارالیه روی انبارهای مـال‌التجارهٔ انگلیسی بیدق انگلیس را نصب نموده.

لرستان

اخبارات رسمی دولت ایران مشعر بر این است که در ۱۵ نوامبر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر سالارالدوله را در حوالی بروجـرد مغلوب نموده‌اند. بموجب راپرت واصله از طرف سالارالدوله ۵۰۰ نفر مقتول و مجروح شده و از طرف بختیاریها تقریباً ۵۰ نفر.

بوشهر

تنگستان مرکز عمدهٔ اغتشاش است و مجادلات متواتره بین سرکردگان محلی واقع می‌شود.

اهواز

خطوط تلگرافی در عرض ماه گذشته خیلی مغشوش بوده و اسباب زحمت و خسارت فوق‌العادهٔ تجارتخانه‌های انگلیس در اهواز و محمره شده. خطوط مزبور تعمیر کلی لازم دارد.

در هفتهٔ اول ماه اکتبر یك قافله از اهواز به اصفهان حرکت نموده و از آن تاریخ به بعد جاده بکلی مسدود شده چون مستحفظین بختیاری از ترس وبا فرار کرده‌اند. هیچ احتمال تکسیر مقدار اجناسی که در اهواز موجود است ظاهر نیست و کمپانی لینج و اخوان درصدد ترتیبات برای انبار کردن اجناس در عرض زمستان هستند.

بنـدرعباس

در عرض هفتهٔ اول اکتبر ۵ قافلهٔ بزرگ برای کرمان و لار حرکت کردند. سایر طرق تجارتی از سارقین مملو است و هیچ‌نوع اقدام مجدانه‌ای، از طرف حکومت‌محلی در دفع آنها به عمل نیامده.

نمره ـ ۳۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]

رئیس بانك روس در همدان که قنسول روس هم هست اطلاع می‌دهد که جان و مال

اتباع روس در خطر است. علی‌هذا وزیرمختار روس ۱۰۰ نفر قزاق از قزوین به همدان فرستاده.

نمره ـ ۳۰۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری
سن پطرزبورغ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶* ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۱۸ حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل
مورخهٔ ۱۹ دسامبر است)

آقا

در ۱۷ شهر حال با کمال‌افتخار تلگراف مورخهٔ روز قبل از تاریخ مزبور شما را زیارت نمودم و از اینکه وزیرمختار ایران یك نوبت دیگر در باب التیماتوم روس به شما مراجعه نموده و جوابی که شما به مشارالیه داده‌اید مستحضر شدم. مفاد تلگراف مزبور را بوسیلهٔ مراسلهٔ خصوصی به وزیر امور خارجهٔ روس تبلیغ نمودم.

چون دیروز من بواسطهٔ کسالت مزاج نمی‌توانستم از منزل خارج بشوم در موقعی که برای ملاقات معین شده بود مستر ابیرن [=اوبرن] بجای من نزد مسیو سازانوف رفت و سؤال نموده بود که بالاخره دولت روس در موضوع مادهٔ دوم التیماتوم رأی خود را به چه قرار داده‌اند؟

مسیو سازانوف جواب داده بود که رأی دولت روس بر این تعلق گرفته که عبارتی را که دولت ایران پیشنهاد نموده‌اند با جرح و تعدیلی که من در ضمن مذاکرهٔ خودم با جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] در ۱۴ شهر حال طرح نموده‌ام قبول بنمایند به این معنی که قسمت اخیر عبارت مزبور را دولت ایران به این قسم قرار بدهند (داخل تبادل نظریات۱ خواهند شد بقصد اینکه ترتیب قراری بدهند یا در این موضوع قرارداد خواهند نمود).

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشته بود که پس از آن مذاکرهٔ من با او، بفاصلهٔ مدت قلیلی تعلیمات لازمه در این خصوص به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داده شده است. امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۳۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر شما در باب بانك شاهنشاهی شیراز.

شما مختارید که اجازه بدهید استثنائاً قافلهٔ حامل پول به اتفاق قنسول موقتی روانه به شیراز بشود.

---

*) در اصل: ۱۶ ذی‌حجه. ـ م.
۱) در اصل: ملاقات. ـ م.

نمره ـ ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من:
کابینه دو فقره مواد ذیل را دیروز به مجلس پیشنهاد نموده‌اند:
۱) مجلس باید به کابینه اختیار تام بدهد که مناقشهٔ بین روس و ایران را قطع بنمایند.
۲) یك کمیسیونی از مجلس بـرای تقویت با کابینه باید منتخب بشود که دیگر کابینه هیچ مراجعه‌ای به مجلس ننماید.
فقط ۵ نفر از وکلاء در پذیرفتن این مواد رأی دادند و ۲۶ نفر در رد آن رأی دادند. چون ۳۴ نفر از نمایندگان از رأی دادن در این موضوع امتناع نمودند عدهٔ رأی‌دهندگان برای اکثریت کافی نبود بنابراین رأی آن عده هم بی‌نتیجه ماند.
پس از آن وزیر امور خارجه پیشنهاد نمود یك کابینهٔ جدیدی تشکیل بشود کـه بتوانند با این ترتیب مشکلی که پیش آمده عمل بنمایند.
از قرار مسموع رئیس مجلس در اواخر جلسه، نمایندگان دمکرات را احضار نموده و نطق متشددی برای آنها نمود.
از قرار معلوم مجلس امروز مجدداً منعقد خواهد شد.

نمره ـ ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من در باب تحریم معاملات با انگلیسان در شیراز.
دیروز صبح یك مقدار آذوقه خیلی طرف احتیاج شده بود. صاحب‌منصب ناظر قشون شخصاً برای تحصیل آن به بازار رفته بود ولی دکاندارها از فروختن به او امتناع نموده بودند.
قنسول و دوگلاس مشورت نموده بودند که چه روشی را باید اتخاذ بنمایند و نتیجه این شده بود که یك نفر صاحب‌منصب دیگر با ۲۰ نفر به اتفاق ناظر به بازار فرستاده بودند. به آنها حکم شده بود که اگر مجدداً کسبه از فروش امتناع نمودند اشیاء لازمه به آرامی برداشته بشود و یك قبض رسید در عوض آن تسلیم بشود.
اکنون قنسول مزبور خبر می‌دهد که این روش کاملامفید واقع شده آذوقهٔ لازمه تحصیل شده و هیچ واقعه‌ای روی نداده و هیچکس هم شکایتی ننموده.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۰۸

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
مسیو سازانوف مراسلهٔ خصوصی به مستر ابیرن [اوبرن] نوشته مبنی بر اینکه اگر لازم بشود قشون از قزوین جلوتر برود. قبل از صدور حکم برای حرکت قشون اخطار دیگری به دولت ایران خواهد شد.

نمره ـ ۳۰۹

تلگراف سر لوتر به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر)
قسطنطنیه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
جنرال قنسول موقتی انگلیس مقیم بغداد از قرار ذیل تلگراف نموده:
«خسارت فوق‌العاده و ابتلاآت بسیار برای تجار انگلیسی و تجارت انگلیس در اینجا فراهم شده چون طرق تجارتی از بغداد به ایران در عرض دو ماهٔ ماضی بکلی مسدود بوده. الان معادل یك ربع ملیون لیره اجناس انگلیسی در اینجا جمع شده (تجارت انگلیس بالغ بر سالی یك ملیون لیره می‌شود.) آیا جنابعالی تصور می‌کنید که به این زودیها احتمال افتتاح طرق تجارتی برود؟»

نمره ـ ۳۱۰

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه مورخهٔ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
آقا
وزیرمختار ایران در ۱۴ شهر حال به این وزارتخانه آمده و مندرجات تلگرافی را که ازدولت متبوعهٔ او مخابره شده بود به مستر ملت اظهار داشته بود مبنی بر اینکه دولت ایران به دولت روس اطلاع داد که مواد التیماتوم را دولت ایران قبول خواهد کرد در صورتی که شرایط ذیل مجری بشود:
(۱) در عبارت مادهٔ دوم التیماتوم در باب استخدام مستشارهای خارجه بنحوی‌که از طرف دولت ایران طرح عبارت آن شده جرح و تعدیل بشود (ظاهراً همان عبارت اصلاح‌شده‌ای است که در تلگراف ۱۳ دسامبر شما مسطور است).
(۲) مبلغ خسارت قشون‌کشی و وضع پرداخت آن معین بشود.
(۳) پس از قبول التیماتوم فوراً قشون روس از قزوین عودت داده بشود.
(۴) التیماتوم دیگری پیشنهاد نشود.
(۵) بانك روس و انگلیس در پرداخت پول به دولت ایران معجلا تسهیلات لازمه را فراهم بنمایند.

(۶) اسباب تسهیل خرید اسلحه فوراً آماده بشود.

وزیرمختار مزبور توضیح نمود که دو فقره مواد اخیر برای وضعی که پس از قبول التیماتوم روس پیش خواهد آمد لازم است.

میرزا مهدی‌خان اصراری داشت که نظریات من را در باب جواب استعلام بنماید که آیا من به دولت روس در قبول‌نمودن این شرایط دولت ایران که آخرین کلام است اصرار خواهم نمود؟ در جواب به او اطلاع داده شد که من حاضر نیستم دیگر در این مسئله به دولت روس فشاری وارد بیاورم.

امضاء ادوارد گری

نمره ـ ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]

اوضاع یـزد

بسیاری از اعضای حوزهٔ انگلیسان در یزد که اغلب آنها زنها و اطفال هستند به ویس‌قنسول انگلیس اظهار داشته‌اند که اگر انقلابی در آنجا واقع بشود حکومت محلی همچو استعدادی ندارد که بتواند اتباع خارجه را محافظت بنماید. طایفهٔ زردشتیان هم از ویس‌قنسول مزبور درخواست تقویت نموده‌اند.

عقیدهٔ ویس‌قنسول معظم این است که عجالتاً برای حوزهٔ اتباع خارجـه خطری متصور نیست.

من پیشنهاد می‌نمایم که در صورت مسلم‌شدن مخاطره برای اتباع خارجه یك‌قسمت از مستحفظین قنسولگری اصفهان به یزد اعزام شود.

مسافت مابین اصفهان و یزد را ممکن است در ۴ روز طی نمود.

نمره ـ ۳۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:

اظهار وزیر امور خارجه به مجلس محل شبهه شده بود که آیا کابینه استعفای خود را تقدیم داشته یا خیر؟ اکنون وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهـد کـه کابینه استعفاء ننموده چون مجلس نتوانسته هیئت وزرای جدیدی تشکیل بنماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر لوتر
وزارت خارجه ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ دسامبر شما در باب طرق تجارتی از بغداد به ایران:
شما ممکن است به تجار اطلاع بدهید که عجالتاً هیچ همچو امیدی نیست که تأمینی در طرق مزبور حاصل بشود.

نمره ـ ۳۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:
دیشب مجلس علنی منعقد شده و خیلی طولانی شد و در جلسهٔ مزبور در موضوع مادهٔ دوم پیشنهاد وزراء که در تلگراف مورخهٔ ۱۹ شهر جاری اطلاع داده‌ام مذاکرات به عمل آمده و تصویب شد. ۵ نفر از نمایندگان انتخاب خواهند شد که بمنزلهٔ هیئت مشاوره با کابینه اشتغال ورزند.

نمره ـ ۳۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ شهر جاری شما:
از قرار معلوم مستر لکفر نمی‌تواند ادعایی از دولت ایران بنماید چونکه قبل از تعیین به پیشکاری مالیهٔ تبریز برای استخدام در وزارت مالیه کنتراتی ننموده حتی مستر شوستر برای پیشکاری مالیهٔ تبریز هم به او کنتراتی نداده.
از قرار مسموع مستر شوستر از جانب او مشغول اقدامات است.
پس از ورود مستر لکفر به طهران در باب آتیهٔ او من با او مذاکره خواهم نمود. چنانچه به من اطلاع داده شده مشارالیه بهمین زودیها مراجعت به طهران خواهد نمود.

نمره ـ ۳۱۶

مکتوب کمپانی ذیگلر به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
منچستر ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
آقا
محل شبهه نیست که خاطر محترم از تحریم امتعهٔ انگلیس در شیراز که در دو

هفتهٔ قبل انتشار یافت مسبوق است و در همان اوقات ادارهٔ ما از شیراز تلگرافاً [=تلگرافی] بما اطلاع دادند که کلیهٔ معاملات بعهدهٔ تعطیل است.

ما امیدوار بودیم که این غدقن تجارت انگلیس چندان طولانی نخواهد شد ولی بموجب تلگرافی که الساعه از شیراز رسیده تحریم امتعهٔ مزبور هنوز ممتد است و این مسئله باعث بسی نگرانی است. تجارتخانهٔ ما نیز اطلاع می‌دهد که مشتریان ما از این مقدمه خیلی مکدر هستند چون تجار ایرانی مشغول فروش مال‌التجارهٔ موجودهٔ خود و مال‌التجارهٔ در عرض راه هستند و به این واسطه اصرار نموده‌اند که ما فوراً این مسئله را به عرض عالی رسانیده باضافه اظهار بداریم که برای این اخلال در تجارت انگلیس باید دولت ایران را مسئول قرار داد.

ما با کمال صمیمیت امیدواریم که جنابعالی صلاح خواهید دانست که برای مرتفع داشتن این قطع معاملات اقدامات مجدانه بمنصهٔ ظهور برسد و منتظریم این عرضحال ما به جنابعالی باعث برطرف شدن سستی جریان تجارت انگلیس در جنوب ایـران بگردد.

کمپانی ذیگلر

نمره ـ ۳۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس به من اطلاع می‌دهد دیروز دولت ایران شفاهاً به‌او اطلاع داده‌اند که تقاضاهای ثلاثه را قبول خواهند نمود.

نمره ـ ۳۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۳۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من:

قنسول انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که اعظم‌الدوله کفیل حکومت کرمانشاه در قنسولگری ما متحصن شده. تلگراف اخیر دیگری از قنسول معظم‌الیه [=معظم‌له] ورود سالارالدوله را به آنجا خبر می‌دهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

قنسول انگلیس مقیم تبریز در ۲۱ دسامبر تلگراف ذیل را به من مخابره نموده:

«قنسول روس به من اطلاع داده که یك عده سرباز روسی دیشب مشغول تعمیر سیم تلفن بودند و غفلتاً یکی از پلیسهای گشتی به یك نفر از سربازان مزبور حمله نموده. سربازان روسی شلیك نموده و دو نفر از پلیسهای مذکور را مقتول نمودند.

مجدداً امروز صبح فدائیان به یك دسته قشون سیار روس شلیك نموده و یکی از آنها را مجروح نمودند. پس از آن شلیك امتداد حاصل نموده. الحال روسها مشغول بمباره نمودن ارك هستند که تقریباً ۲۰۰ نفر فدائی در آنجا محصورند. پس از آنکه محل مزبور تصرف بشود من گمان می‌کنم کلیتاً مجادلهٔ حاضره خاتمه بپذیرد.

ضمناً اطمینان می‌دهم که هیچ مخاطره‌ای برای اتباع انگلیس موجود نیست مگر اینکه یك گلوله‌ای بخطا و منحرفانه با کسی مصادف بشود.

بهر صورت قنسول روس از فرماندهٔ قشون روس خواهش نموده که در حراست اتباع خارجه احتیاط لازمه را منظور بدارد.

من گمان می‌کنم قشون روس بتوانند کاملا از عهدهٔ مقابله در این موقع برآیند چون در چند روز قبل تقریباً ۵۵۰ نفر هم از اردبیل به آنها مدد رسیده».

نمره ـ ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف امروز صبح من در باب واقعهٔ تبریز:

قنسول انگلیس تلگراف دیگری به شرح ذیل امروز مخابره نموده:

«قشون روس در تمام مدت دیروز بعد از ظهر بدفعات از اردوی خود مشغول بمباردهٔ ارك بودند و مدافعین با کمال تشدد جواب شلیکهای آنها را می‌دادند. روسها بهیچ‌وجه در صدد یورش مستقیم بردن به ارك و تصرف آن برنیامدند. در کوچه‌های حوالی قنسولگری روس بدفعات عدیده مجادلات واقع شده و تا ساعت ۴ بعد از ظهر امتداد داشت و در این کوچه‌ها دسته‌های قلیلی از سربازان روسی بودند.

تا حال هیچ انقلاب عمومی ظاهر نشده. در واقع ایرانیان اهالی شهر بکلی ساکت مانده‌اند و آنچه تاکنون من تحقیق نموده‌ام به هیچیك از اروپائیان صدمه‌ای وارد نشده. علی‌الظاهر روسها بیش از آن اندازه‌ای که انتظار بود در این مسئله دچار مشکلات شده‌اند. رابطات با افراد حوزهٔ انگلیسان دوردست غیرممکن شده.

بهر صورت تا امروز غروب هم هیچ اثری از این ظاهر نبود که به سربازان روسی دستور داده شده باشد که در صدد حراست اماکن مسکونی اتباع انگلیس و آلمان

باشند در صورتی که تا امروز ظهر وسایل رابطهٔ جنرال قنسول روس با اردوی روس هم مقطوع شده بود.

بالاخره قبل از غروب امروز من توانسته‌ام اطمینان حاصل بنمایم که تا حال به اماکن انگلیسها و آلمانها آسیبی وارد نیامده.

بمباردهٔ ارك امروز صبح زود تجدید شد و تا الان ممتد است. محصورین آن طوری که دیروز مجدانه جواب شلیك را می‌دادند امروز چندان حرارتی بروز نمی‌دادند.»

نمره ـ ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف امروز من:

الان رئیس کابینهٔ وزارت امور خارجه نزد من فرستاده شده که به من اطلاع بدهد که بالاخره مشکلاتی را که برای قبول تقاضاهای روس در پیش بوده مرتفع نموده‌اند و دولت ایران به سفارت روس اطلاع داده است که تقاضای روس را به این اطمینان می‌پذیرند که هیچ تقاضاهای جدید دیگری پیشنهاد نشود و قشون اعزام شدهٔ روس هم معجلا از ایران خارج بشود.

وزیر امور خارجهٔ ایران امیدوار است حالا که دولت ایران تقاضاهای روس را قبول نموده مواعیدی که دولت انگلیس به وزیرمختار ایران مقیم لندن نموده بموقع اجراء گذارده بشود به این معنی که مساعدت لازمه از طرف دولت انگلیس در باب اصلاح بین روس و ایران و استقرار روابط مستحسنه مبذول بگردد.

وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد که او و همکاران او مصمم شده‌اند که از سبك مصلحانه‌ای که در این موضوع اتخاذ نموده‌اند احتراز ننمایند. باضافه او اظهار می‌نماید که نهایت جدیت در اطفای حرارت و هیجان عامه به عمل آمده اگرچه از قراری که مشهود است اعمال مخاصمانهٔ روسها در تبریز و رشت عنقریب زحمات سابقهٔ کابینه را بهدر خواهد داد و نتایج وخیمه از اثرات اعمال سوء آنها به ظهور خواهد رسید.

نمره ـ ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]

شرح ذیل را ویس‌قنسول انگلیس مقیم رشت در موضوع واقعه‌ای که در رشت روی داده مخابره نموده:

«در ۲۱ دسامبر بعضی از سواران طالش با بعضی از قزاقهای روسی در حین عبور

در کوچه یکدیگر را تهدید نمودند. در اواسط روز قزاقان روسی به دارالحکومه وارد شده و اظهار نمودند که از آنجا تیر خالی شده و اصطبل دارالحکومه را تفتیش نمودند. غفلتاً شروع به شلیك شد و دفعتاً عمومیت پیدا کرد. مستحفظین قنسولگری روس در سبزه‌میدان بنای شلیك را گذاردند. علت این غوغای آنی عجالتاً مجهول‌است. سه نفر قزاق روسی و اقلا ۸ نفر ایرانی مقتول شدند. بواسطهٔ درپیش بودن ماه محرم احتمالات انقلاب اوضاع بسیار است».

ویس‌قنسول مزبور نیز خبر می‌دهد که در ۲۱ دسامبر زد و خورد و آشوبی هم در انزلی برپا شده و یك نفر صاحب‌منصب روسی مجروح و ده نفر ایرانی مقتول‌شده‌اند.

نمره ـ ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز من:

همکار روسی من به من اطلاع می‌دهد که در باب پیشنهاد ننمودن تقاضای جدید دیگری قول نداده است و فقط اطمینانی که برای عودت قشون اعزام‌شدهٔ روس داده بهمان ترتیبی است که در تلگراف ۱۶ شهر حال من مصرح شده است.

نمره ـ ۳۲۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

سن پطرزبورغ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ [۱ دی ۱۲۹۰؛ ۱ محرم ۱۳۳۰]

امروز عصر من در باب مجادلهٔ در تبریز و رشت از مسیو سازانوف استعلام نمودم. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشت که مهاجمهٔ فدائیان بر قشون روس به طریق خائنانه و غفلتی بوده و بعلاوه بکلی بی‌مقدمه بوده. یك دسته قشون روس که مرکب از ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر باشد از جلفا به کمك قشون مقیم تبریز اعزام خواهد شد.

مسیو سازانوف به من اطمینان داد که رأی قطعی دولت روس بواسطهٔ این حوادث جدیده بهیچ‌وجه اختلال حاصل نخواهد نمود و قشون اعزام شدهٔ روس به قزوین بمحض مسلم شدن انفصال مستر شوستر و اعتراف کتبی نمودن دولت ایران به قبول تقاضاهای ثلاثهٔ روس عودت داده خواهد شد.

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اذعان نمود که سبك رفتار دولت ایران در موضوع وقایع جدیده رشت و تبریز از روی صحت بوده و نیز اظهار داشت که این حوادث را باید بکلی مسئلهٔ علیحده‌ای دانست و بهیچ‌وجه مدخلیتی به واقعات سابقه که باعث اعزام قشون به قزوین شده ندارد.

نمره ـ ۳۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۰ دسامبر شما در باب اوضاع یزد:
در صورت نهایت لزوم بعد از مشاورهٔ با کرنل [=کلنل] شما مجازید که بر طبق پیشنهادی که نموده‌اید عمل بنمایید ولی ما عقیده نداریم که قشون خودمان را بیشتر از این تجزیه بنماییم.

نمره ـ ۳۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من در باب واقعهٔ تبریز:
تلگراف دیگری از قنسول انگلیس مقیم تبریز از قرار شرح ذیل خبر می‌دهد:
«دیروز هیچ بمباره قطع نشد و شلیك سختی تا چند ساعت از پشت‌بام قنسولگری روس و از یك دستهٔ مجاهدین که بفاصلهٔ کمی از قنسولگری متوقف بودند امتداد داشت. اگرچه شلیك از طرفین مقطوع شده بود ولی امروز صبح بعضی از روسیان در حوالی قنسولگری انگلیس مشغول تیراندازی بودند و در عرض این شلیك یك‌نفر ایرانی از طبقهٔ فقراء را که جزو جنگ نبوده مقتول نمودند.
من این رفتار سوء را به همکار روسی خودم گوشزد نمودم که جلوگیری از تکرار وقوع این نوع اعمال بنماید».

نمره ـ ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف امروز صبح من:
سیم تلگراف تبریز مغشوش شده ولی دیشب در اواخر شب تلگرافی به وزیرمختار روس رسیده مشعر بر اینکه مجادلهٔ شدیدی تسلسل یافته، به قنسولگری روس شلیك شده دو نفر از قزاقان مستحفظ قنسولگری مجروح شده‌اند و یك صاحب‌منصب مقتول.
بموجب انتشارات در جراید ایرانی در اینجا تلفات قشون روس در کلیهٔ منازعه بسیار است ولی چون قنسول روس مقیم تبریز نمی‌تواند با اردوی روس مذاکره و مخابره بنماید همکار روسی من اطلاعات جدیدی در این موضوع ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من:

امروز یادداشتی از دولت‌ایران به وزیرمختار روس رسیده مبنی‌بر اینکه تقاضاهای ثلاثهٔ روس را قبول نموده‌اند.

در باب مادهٔ اول التیماتوم در یادداشت مزبور مذکور است که دولت ایران مستر شوستر و مستر لکفر را از استخدام خود خارج نموده‌اند.

یادداشت درخواست می‌نماید که مادهٔ دوم التیماتوم به نحوی که در تلگراف ۱۳ شهر حال من و در تلگراف ۱۸ دسامبر سفیرکبیر انگلیس مقیم سن‌پطرزبورغ مصرح شده است جرح و تعدیل بشود.

در یادداشت اشعار شده حالا که دولت ایران با تقاضاهای دولت روس موافقت نموده و روابط بین دولتین تشیید شده دولت ایران امیدواری کامل دارد که دولت روس فوراً تمام اقداماتی را که برای اجرای التیماتوم خود لازم دانسته و به فعل رسانیده مرتفع خواهد نمود که دولت ایران هم در آتیه متکی به حمایت و تقویت دولت روس باشد.

همکار روس من در جواب اظهار رضایت نموده و عبارت اصلاح شدهٔ مادهٔ دوم التیماتوم را قبول نموده.

نمره ـ ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰* [۲ دی ۱۲۹۰]

امروز عصر مجلس مفصلی از تمام طبقات در دربار منعقد شد. نایب‌السلطنه در اجلاس مزبور حضور داشت ولی چون کسالت مزاج داشت وزیر امور خارجه از طرف او به حضار خطاب نموده گفت: هیئت دولت تصور می‌کنند که مجلس اسباب تخریب روابط خارجهٔ دولت و ادارات داخلی است و به این جهت او پیشنهاد می‌نماید که مجلس باید منفصل بشود. هیچکس با پیشنهاد مزبور مخالفت ننموده و دستخطی از طرف دولت صادر شد که دورهٔ انعقاد مجلس ختم است.

امروز عصر جمعیت حول و حوش مجلس را با کمال سکونت متفرق نموده و درهای آن را مسدود نمودند. تا اندازه‌ای که من می‌توانم درك بنمایم یپرم و بختیاریها تمام ترتیبات را در تحت سلطه و تصرف خود دارند. پس از چندین روز بسته بودن بازار امروز عصر دکاکین باز شد.

---

* در اصل ۱۳۲۹ بوده که اشتباه چاپی است. ـ م.

نمره ـ ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ محرم ۱۳۳۰* [۳ دی ۱۲۹۰]
اوضاع تهران

یك شخصی که به چشم خود دیده است به من اطلاع می‌دهد که اجلاس دربار به‌نحوی که در تلگراف دیروز من مسطور بود و به من خبر داده بودند چندان مفصل نبوده.

امروز عصر مجمع اعتراضیه‌ای بر علیه [=علیه] اقدامات دولت در بازار منعقد شده بود ولی پلیس به سهولت آنها را متفرق نمود.

نمره ـ ۳۳۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
طهران ۲۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۴ محرم ۱۳۳۰ [۴ دی ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۳ دسامبر من:

ویس‌قنسول انگلیس مقیم رشت به تاریخ ۲۵ دسامبر از قرار ذیل تلگراف نموده:

«بلوای انزلی خاتمه پذیرفت و دیروز بازارها باز شد. بازار رشت هنوز بسته است. روسها خانه‌ها و مساجد را تفتیش نموده اسلحه و آلات ناریه از مخزن به اردوی روس که در خارج شهر است برده شده. شهر بکلی آرام است و من هیچ اغتشاش دیگری را پیش‌بینی نمی‌نمایم».

نمره ـ ۳۳۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ ژانویه)
طهران ۱۰ ژانویهٔ ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ محرم ۱۳۳۰ [۱۹ دی ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس در عرض دو ماههٔ ژویه و اوت را که قنسول انگلیس از شیراز ارسال داشته لفاً تقدیم می‌دارم. این مشروحه که حاوی بیانات سودمند از اوضاع شیراز در عرض ماههای مزبور است نظر به اغتشاش وضع پستی اکنون به من رسیده.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

* ایضاً.

ملفوفه در نمره ـ ۳۳۲

مراسلهٔ قنسول ناکس به سر جارج بارکلی
شیراز ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ رمضان ۱۳۲۹ [۱۴ مهر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس را در عرض دو ماههٔ ماضی لفاً تقدیم می‌دارم:

متأسفم که به این امید باطل که شاید در این ایام صورت اصلاحی در اوضاع حاصل بشود که در ضمن این وقایع مورد توجه بگردد و از مفاسد پرده‌پوشی بنماید، ارسال این راپورت را تا این اندازه به تأخیر انداختم ولی باضافه از حاصل نشدن مقصود، خوف آن است که این راپورت بکلی مبنی بر شرح اغتشاش مشابه به سابق باشد.

در شب ۲۶ ژوئن اوضاع بواسطهٔ حرکت انتظام‌الممالك بیشتر مختل شد (انتظام‌الممالك یگانه وارث ذکور طایفهٔ قوامیها است).

بمحض وصول این خبر قوام‌الملك به توسط من با تلفن پیغامی به کدخدای سیوند فرستاد که پسر او را در آنجا نگاه دارد. دو روز بعد پیغام به خود انتظام‌الممالك رسیده بود و در شب سیم ژوئن به شیراز مراجعت نمود. غرض و نتیجهٔ این حرکت مذبوح هنوز مستور است.

متعاقب این اتفاق واقعهٔ‌دیگری رخ‌نمود که آتش‌غیرمنتظره‌ای در فارس برافروخت. در عرض پاییز سال گذشته یك نفر از بین یك دسته از دهاتیان بلواردی[۱] (که انتساب دوردورانه‌ای با ایل قشقایی دارند) در ضمن یك منازعهٔ طایفه‌ای با علی‌اکبر ده‌بزرگی مقتول شده بود. بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از وقوع این قتل قوام‌الملك که در آن ایام حکمران موقتی بود در صدد دستگیری علی‌اکبر برآمد ولی او به طرف اصفهان حرکت نمود و بعد از مدت‌زمانی غیبت پس از آنکه به استخدام نظام‌السلطنه داخل شده بود به اتفاق جناب معظم وارد شیراز شد. بلواردیان پس از مجاهدات مکرره برای قصاص خونریزی مزبور، در اوایل ژویه یك عدهٔ انائیه را از قریهٔ خودشان اعزام نمودند که مسئله را به عدلیه پیشنهاد نموده و انجام آن را بخواهند و عدلیه از طرف حکومت به آنها اطمینان داد که در عرض ۴ روز قصاص لازمه بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

حضرات به این وعده متقاعد نشده و روز ۴ به طرف شهر آمده و تقریباً ۸۰ نفر جوانان کاری از آنها در منازل همشهریان خود در نزدیکی سعدی (یا دروازهٔ شمال شرقی) سکنی گرفتند. در عرض شب ایالت یك عده استعداد و پلیس و غیره فرستاد که برادر شخص مقتول را دستگیر نمایند چون منشأ این فتنه و عداوت او بود. بلواردیان از تسلیم او امتناع نموده و پس از مقداری منازعه بالاخره با پلیس رد و بدل گلوله نمودند.

---

۱) بوالورد (بولورد) از روستاهای پیرامون شیراز بود که اکنون یکی از برزن‌های آن شهر است. ـ م.

روز بعد بلواردیان دروازهٔ شهر را تصرف و سنگر نموده و از آنجا اخطار نمودند که تا علی‌اکبر به آنها تسلیم نشود از آن محل حرکت نخواهند کرد.

در عرض روز هیچ اقدامی در متفرق نمودن آنها نشد ولی در شب شلیك تفنگ در تمام شهر برپا شد. قصد مأمورین حکومت و بلواردیان از این شلیك بیداری و خبرداری یکدیگر بود که فقط به طرف هوا شلیك می‌کردند ولی بسیاری از اهالی شهر به آنها تأسی نموده و از پشت‌بام منازل خود تیراندازی می‌نمودند چنانچه در ایام مخالفت با حکومت مرسوم بوده که برای بروز کراهت خود از حکومت و برای اینکه شهرت بدهند که شهر بی‌نظم است این عمل را می‌نموده‌اند.

روز بعد نظام‌السلطنه برای مشهود داشتن اقتدار خودش یك سارقی را که چندین ماه محبوس بوده دم توپ گذارد و پس از آن دو نفر از طباخان قوام‌الملك را که به جرم خبر ندادن انتظام‌الممالك به حکومت محبوس بودند برای بدار زدن حاضرنمودند ولی بالاخره مجازات آنها را به عهدهٔ تعویق گذاردند.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از این واقعه اغلب از علمای متنفذ در امامزاده سید علاءالدین‌حسین[1] که در جنوب شرقی شهر واقع است متحصن شدند. یك عدهٔ کثیری از این علماء در بلوای به ضد قوام هم که در ماه آپریل و مه بروز نموده بود شرکت داشتند.

این عمل تحصن اختیار نمودن حضرات محتمل است ناشی از اثرات افعال مقتدرانهٔ ایالت باشد که در این اواخر بواسطهٔ دستگیرنمودن ضرغام‌الشریعه نوهٔ امام‌جمعه مشهود گردیده بنابراین حضرات می‌خواهند به این وسایل از سلطهٔ ایالت کاسته و به قدرت خود بیفزایند.

از تحقیقاتی که من در تحصیل منبع این اغتشاشات نموده‌ام نتیجه این‌طور گرفته‌ام که مبادی تمام این فتنه و غوغا مناقشات شخصی بلواردیان بوده که از منسوبان طایفهٔ قشقایی هستند و بهیچ‌وجه مدخلیتی به طایفهٔ قوام ندارد.

شکایتهای متواتره‌ای که در باب دعوت قوامیها ایلات را به تقویت خودشان، شده بکلی بی‌اصل است در صورتی که حضور افراد ایلات در منزل قوامیها[2] آنچه تا حال دیده شده فقط آمدن دو نفر از رؤسای طایفهٔ بهارلو محض ملاقات بوده که در ضمن تلگرافی هم به امضای یك عده از هم‌مسلکان خود به نایب‌السلطنه مخابره نمودند مبنی بر اینکه در باب تسویهٔ اوضاع شیراز بزودی اطمینانی به آنها داده بشود و اگر در این باب قصوری برود خود آنها با استعداد کامل برای اعادهٔ نظم و تمشیت به شهر خواهند آمد.

بعد از تقریباً ۱۰ روز اغتشاش عمومی که متضمن شلیك دائمی در شبها بود در ۱۷ ژویه نظام‌السلطنه بعضی از اعاظم تجار را برای اصلاح امر نزد علماء فرستاد و

---

۱) اصل: سید علی‌الدین حسین. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

آنها راضی به تمکین شدند مشروط بر اینکه عفو عمومی داده بشود و عطاءالدوله و نصیرالملك و بهاءالسلطنه و مغیث‌الدوله هم تبعید بشوند. چند ساعت بعد استعداد ایالت که یك عده دهاتیان قشقایی هم بتازگی به آنها ملحق شده بودند به سه نقطه از سنگرهای طرف شرقی شهر اجماعاً حمله بردند ولی پس از تلف شدن تقریباً ۳۰ نفر حملهٔ آنها رد شد.

متعاقب این نظام‌السلطنه دو دستهٔ قلیل سوار به سروستان که در آنجا قوام املاك زیاد دارد فرستاد. در ضمن دهاتیان سرخه و قشقایی از یك طرف در حول و حوش شیراز با کمال جدیت مشغول چپاول بودند و از طرف دیگر بدفعات به سنگرهای طرف شرقی حمله می‌نمودند و در ۲۳ ژوئیه یك عده ایلیاتی از طرف صولت‌الدوله وارد شدند. یك دسته از این عده که تقریباً ۶۰ نفر بودند لدی‌الورود داخل باغی شدند که رئیس کمپانی ذیگلر در آنجا سکنا دارد و با وجود تعرضی که مستحفظین ایرانی مقیم آنجا به آنها نموده بودند معذلك مسموع نیفتاده بود تا بالاخره با کمال زحمت آنها را از آنجا خارج نموده بودند. بعد از شکایات به ایالت در این باب محض استرضای من برای این ورود متهاجمانه به منزل یك تبعهٔ انگلیس و تهدید گماشتهٔ تبعهٔ انگلیس، پنج شش نفر را در حضور منشی قنسولگری تنبیه نمودند ولی من ظن قوی دارم که این اشخاصی که تنبیه شده‌اند اصلا در جزو آنهایی که مرتکب آن عمل شده‌اند نبوده‌اند.

در همین اوقات بود که بی‌اعتدالی قشقاییها در تزاید بود و من به تجویز جنابعالی به صولت‌الدوله تلگراف نمودم و از رفتار ناهنجار قشقاییان در حوالی شیراز او را مستحضر نموده و از او خواهش نمودم معجلا بوسیلهٔ تلگراف جلوگیری از این اعمال آنها بنماید.

چند روز بعد به من خبر رسید که صولت‌الدوله حکم مشددی به اتباع خود مخابره نموده که غارت و چپاول را متروك بدارند (که این حکم بکلی مورد اعتناء واقع نشد) و تقریباً ده روز بعد از مخابرهٔ تلگراف من مکتوبی از او به من رسید مشعر بر اینکه بر طبق خواهش من عمل نموده است.

حمله به سنگرهای شرقی شهر هنوز گاه گاهی ممتد می‌شود ولی بدون هیچ نوع پیشرفتی تلفات از طرف قشقاییان و همکاران آنها بوده و بنا به اعتراف خودشان تا حال عدهٔ تلفات به ۲۰۰ نفر رسیده. دستهٔ مخالف هنوز کاملا به دفاع خود باقی هستند و خیلی کمتر تلفات دارند و تا حال ابداً راهی به متهاجمین نداده‌اند.

از زمان بروز بلوا در شیراز هرج و مرج کامل در اغلبی از نواحی و قراء بوده خصوصاً در داراب و فسا که در آنجاها عربهای بهارلو و مزیدی یك عراده توپ از دست فرستادگان ایالت که برای جمع‌آوری مالیات و منهدم نمودن شهر فسا رفته بودند گرفته‌اند و در ضمن اظهار داشته‌اند که آنها در تهیهٔ این بوده‌اند که با استعداد کامل به شهر بیایند و عیال بیوهٔ نصرالدوله را که از منسوبان اقرب رؤسای آنها است حفظ بنمایند.

آمدن دو نفر رؤسای سابق‌الذکر به شهر و مخابره نمودن تلگراف به نایب‌السلطنه ظاهراً بر تفرعن و نخوت آنها افزوده است.

در ضمن این اغتشاشات مکرر بتوسط دسته‌های مختلف به من اصرار شده که مصلح واقع بشوم ولی من مجبور بوده‌ام که برای شرکت ننمودن به نام قنسولگری دولت انگلیس در این مسائل و داخل نشدن در این جنبش عمومی فارس، از قبول آن امتناع بنمایم. مع‌ذلك حتی‌الامکان من نفوذ خودم را در مورد نظام‌السلطنه و قوام‌الملك هر ـ دو به‌کار برده‌ام که به نحو خوشی بین آنها را اصلاح بنمایم و در ملایمت نظام‌السلطنه اصرار نموده و محرمانه خاطرنشان او نموده‌ام که اصرار او در مداومت به اقدامات قهریه فقط باعث تشیید مجادله خواهد بود در صورتی‌که تا حال مشاهده شده که بدون تحمل مشکلات بسیار و پیش آمدن مخاطرات بی‌شمار برای طبقهٔ آرام و سالم اهالی و منافع اروپاییان نمی‌توان به دستهٔ مخالف ظفر یافت و حال آنکه هر خسارتی به منافع اروپاییان وارد بیاید جز اینکه با کمال تشدد از شخص او مطالبهٔ جبران آن بشود شق دیگری نخواهدداشت. به قوام هم کراراً اخطار نموده‌ام‌که هر عمل نامشروعی که از طایفهٔ او سر بزند نتیجهٔ آن پاپیچ خود او خواهد شد ولی در هر موقع که من در این موضوعها از او خواهش نموده‌ام بر حسب تقاضای من به فامیل خودش نوشته است. بهمچنین در هر موقعی که مذاکرات صلح به میان آمده بدون هیچ نوع مخالفتی به متعلقات خود اصرار نموده که به هر قرارداد مصلحانه‌ای که پیشنهاد بشود موافقت و تمکین بنمایند.

از وقتی که به نظر من آمده که قبول‌نمودن هر اندازه مسئولیتی در موضوع منازعهٔ این دو دسته برای ما نامناسب است در مقابل تمام پیشنهاداتی که در این باب به من شده جواب داده‌ام که من اجازه ندارم به هیچ‌وجه در خصوص شرایط صلح مداخله بنمایم.

در موضوع خروج قوام‌الملك از قنسولخانه با کمال اسف اطلاع می‌دهم که تا حال هیچ علائم بهبودی ظاهر نشده. اظهارات دولت ایران در باب تصویب نمودن تأمیناتی که به ار داده شده در نهم ژوئیه به او ابلاغ شد. قوام‌الملك جواب داد تهدید نظام‌ـ السلطنه در آن وقت برای مهاجمه به طایفهٔ من دال بر بی‌اعتباری تأمینات او است والا من داوطلبانه حاضرم فقط به یکی از شرایط ذیل از قنسولخانه خارج بشوم:

یکی اینکه دولت ایران نوشته‌ای بسپارد که در ایام غیبت من از ایران سرپرستی املاك من را بنمایند و قروض من را بپردازند و از حاصل املاك مقرری هم به من برسانند مشروط بر اینکه پس از مراجعت من مجدداً املاك را به تصرف خودم بدهند.

یکی اینکه دولت ایران به جنابعالی اطمینان رسمی بدهند که متضمن تأمین جان و آزادی طایفهٔ من و استقلال املاك من باشد (و تأمینات مزبور بتوسط قنسولگری کتباً به من تبلیغ شده و تشریح بگردد که جنابعالی در صحت آن تصدیق دارید).

دیگر اینکه اگر یك فرمانفرمایی برای فارس تعیین بشود که عداوت شخصی با من نداشته باشد من حاضرم بتوسط قنسولگری تعهدنامهٔ کتبی بسپارم که از ایران خارج

بشوم و تا هر مدتی که دولت امر بنمایند مراجعت ننمایم بدون تقاضای هیچ نوع تأمینات یا شروطی. پس از آنکه نظام‌السلطنه اصرار نمود که از شرح تأمیناتی که حکومت مرکزی به شما داده‌اند او را مستحضر بنمایم من مفاد دو فقره شرایط اولی فوق‌الذکر را برای او بیان نموده و اظهار داشتم که من وزیرمختار را کاملا از این شرایط مسبوق نموده‌ام.

بعد از این نظام‌السلطنه شخصاً با قوام‌الملك مذاکره نموده و وعده داده بود که هر نوع اطمینانی برای تأمین او بدهد.

قوام‌الملك در جواب اظهار داشته بود که هر نوع اطمینانی از این بابت باید بتوسط سفارت دولت انگلیس به او برسد.

تا ۱۱ اوت هیچ مذاکرهٔ دیگری نشده و آن وقت صمصام‌السلطنه به قوام‌الملك تلگراف نمود که تعهد لازمه در باب تأمین او بتوسط نایب‌السلطنه و قنسولگری انگلیس خواهد شد و پس از حرکت او از فارس خودش به فرمانفرمایی کرمان و پسرش به ریاست ایلات خمسه منصوب خواهند شد و ترتیبات مقتضیه برای تأمین املاك او داده خواهد شد.

در جواب این پیشنهاد قوام‌الملك اظهار داشت که او باید اقلا ۴۰ روز در منزل خودش متوقف بشود که قبل از حرکت امورات شخصی خود و امور وراث نصرالدوله را تصفیه بنماید.

تا اندازهٔ قلیلی که من از وضع صولت‌الدوله مشاهده نموده‌ام محققاً او هنوز حاضر است که حتی‌القوه به نظام‌السلطنه تقویت بنماید ولی قوای او که در عرض ۱۸ ماههٔ ماضی رو به ضعف نهاده بود ظاهراً در این تابستان بیشتر از پیش تحلیل رفته و در همین تازگیها یك عدهٔ کثیری از رؤسای ایلات مختلف به سرکردگی محمدعلی‌خان کشکولی و ایازخان دره‌شوری و احمدخان شش‌بلوکی رسماً به صولت‌الدوله نوشتند که من‌بعد از تأدیهٔ مالیات امتناع خواهند نمود چونکه آنچه در عرض سه سالهٔ ماضی پرداخته‌اند فقط صرف پر نمودن کیسهٔ او شده و نیز اشعار داشته بودند که معیت او با نظام‌السلطنه در قتل نصرالدوله ایل قشقایی را نوعاً ننگین نموده.

هرگاه عطف نظری به فدویت تاریخی این ایلیاتیان نسبت به ایلخانی خودشان بشود مشهود خواهد شد که این عنوانی را که آنها نموده‌اند تا چه درجه جالب اهمیت است.

بنابراین عجالتاً هیچ امید بهبودی در وضع دهات و اطراف نمی‌رود. ایالت در قاصر بودن از ساکت نمودن نواحی منقلبه امتحانات کامل داده. در ایام استقرار او به مسند حکومت کراراً مشهود گردیده که اقوال او در هیچ مسئله‌ای محل اعتماد نیست و منتها مسئله‌ای که در خیال او نفوذ کامل دارد پیش‌بینی منافع نقدی است. بدین لحاظ باید منتظر بود که دشمنان او با سکونت به مدافعهٔ خود باقی خواهند بود تا زمانی که به عزل او موفق بگردند.

گمان نمی‌کنم در لزوم عزل یك همچو ایالتی که آنتریگ شخصی او باعث یك

همچو اغتشاش مهمی شده و مقاصد انقلابخواهی خود را بهیچوجه مستور نمی‌دارد هیچکس منکر باشد ولی دولت ایران که خود با این زحمات مصادم هستند و بی‌شبهه دچار ترتیب مشکلی شده‌اند متأسفانه مسئله در نظر آنها کهنه شده و معلوم نیست چه وقت در صدد اقدام جدی در این باب خواهند بود اگرچه بالاخره مجبور به تعقیب این روش خواهند شد و به نظر من یگانه وسیلهٔ امیدبخش همین است.

در اوایل ماه اوت دولت تا حدی در باب انفصال ایالت مجد شده بود که در صدد تعیین کارگذار [=کارگزار] به نیابت حکومت برآمده بودند و از قراری که خود نظام‌السلطنه و پیشکار او به من اطلاع دادند او را رسماً منفصل نموده‌اند و رئیس ـ الوزراء در این باب تلگرافی به مجتهد اعظم و رئیس قشون مخابره نموده بود ولی در این‌موقع یك‌شخص بی‌حالی‌مثل یدالله‌میرزا را مکفل[کفیل!] حکومت‌فارس‌نمودن باعث دوچندان شدن خرابیهای قبل و تکمیل‌شدن نواقص معایب ایالت سابق است.

نتیجهٔ تلگراف مزبور این شده که عجالتاً قریب دو هزار نفر قشقایی و دشتستانی و دهاتی مسلح با نظام‌السلطنه نصفهٔ غربی شهر را متصرفند.

در طرف شرقی شهر تقریباً ۱۰۰۰ نفر شهری و دهاتی از سکنهٔ قراء حوالی تحت‌السلاح هستند و احتمال مجادله بین این دو دسته که باعث خونریزی بسیار است هر آن می‌رود و تا بحال بحدی تولید خصومت بین آنها شده که تمام این ایالت در بحران و هیجان است. بعلاوه حرکت ایل قشقایی به طرف جنوب برای قشلاق نزدیك است و این باعث ورود صولت‌الدوله و احتمال تجدید نمون روش ماه مه ماضی خودش خواهد شد. باضافه احتمال کلی می‌رود که ایلات خمسهٔ وحشتی‌تر از اینها هم در این هرج و مرج عمومی شرکت بنمایند و در این صورت با یك فرمانفرمایی که خود قدم به عرصهٔ یاغیگری آشکاری گذارده معلوم است چه ترتیب وخیمی در پیش است.

از تمام این تصورات معلوم می‌شود مادامی که یك استعداد دولتی برای دفع این اغتشاشات وجود نداشته باشد ما باید خود را آماده بنماییم که در صورت وقوع زد و خوردی اتباع انگلیس را که در معرض خطر واقع شده‌اند در شیراز حفظ بنماییم چونکه در هر حال یا از دوام این اوضاع خشم و غضب عمومی به هیجان آمده و باعث مجادله خواهد شد یا یك دسته‌ای برای حفظ جان خودشان مداخله در این امر خواهند کرد که آن هم جزو مجادله محسوب خواهد شد.

بنابراین وضع حالیه به نظر من نه فقط آتیهٔ ناگواری را متضمن است بلکه عاقبت بسیار وخیمی را نشان می‌دهد.

در فارس هیچکس نمی‌تواند از نتایج سوئی که از تجزیه‌شدن قوای حکومت مرکزی ایران بعد از شروع به هیجان برای مشروطه حاصل شده صرف نظر بنماید.

امضاء ج. ج. ناکس

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۳۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ دسامبر)
طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی را که قنسول انگلیس از شیراز نگاشته لفاً ارسال می‌دارم. این مراسله یك تاریخ جامعی از اغتشاشات تابستان گذشتهٔ شیراز است:

قنسول ناکس در خاتمهٔ مراسلهٔ خودش تصدیق از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیادهٔ قنسولگری شیراز نموده و بهمچنین از حسن مساعدت مستر اسمیت نایب‌رئیس تلگرافخانهٔ هند و اروپ و منشی قنسولگری اظهار رضایت نموده. امیدوارم تصدیق مشارالیه از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیاده و از مساعدت مستر اسمیت را مقرر خواهند داشت که به مقامات لازمه خاطرنشان بشود. من نیز در این موقع که مدت خدمت مستر ناکس قریب به منقضی شدن است مغتنماً اظهار کمال رضایت از کمکی که مستر ناکس در مدت کفالت قنسولگری انگلیس به‌من نموده می‌نمایم خصوصاً از اینکه بیشتر آن مدت اوضاع منقلب و مغشوش بوده.

اعمال او در تمام مدت مزبور با نهایت قابلیت بوده و کاملا مطبوع واقع شده و تلگرافات و مراسلات او هم حاوی روایـات و اخبارات سودمند از اوضاع منقلبه در عرض چندماههٔ ماضی است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۳۳۳

مکتوب مستر ناکس قنسول موقتی به سر جارج بارکلی
شیراز ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ شوال ۱۳۲۹ [۲۷ مهر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که پس از شرح معروضه در ۷ سپتامبر در باب کلیهٔ اوضاع فارس وقایع سرعت جریان حاصل نموده و بالاخره منجر به عزل نظام‌السلطنه و منقضی شدن تحصن ۵ ماههٔ قوام‌الملك در قنسولگری انگلیس شد.

مستحفظین قشقایی که در اطراف قنسولگری گماشته شده بودند چنانچه در مکتوب ۷ سپتامبر ذکر شده تقریباً در ۷ سپتامبر عدهٔ آنها زیادتر شده و جری‌تر هم شده بودند. دائماً مزاحم مستخدمین قنسولگری می‌شدند (یکی از آن مستخدمین را که نشان هم به کلاهش بود و بخوبی شناخته می‌شد سخت زده و لخت کرده بودند و سایرین را چندین ساعت توقیف نموده بودند). مستخدمین تلگرافخانه و سایر اروپاییان را هم همین‌طور اذیتها می‌نمودند.

در این موقع من در باب مزاحمت نوکرهای اتباع‌خارجه شکایت‌سخت به نظام‌السلطنه نمودم و دو روز بعد دسته‌های قشقایی را از آنجا حرکت دادند شاید بنا به تعلیماتی

که از طهران داده شده بود.

مطالبهٔ غرامت مهاجمه‌ای که در این موقع نموده بودم بهیچ‌وجه مورد اعتنا نگردید.

ضمناً عصر ۷ سپتامبر یك عدهٔ کثیری از ایلات عرب و بهارلو در تحت سرکردگی ۹ نفر از رؤسای متنفذ خودشان در حوالی شیراز وارد شده و بعد از مجادلهٔ شدیدی با قشقاییان ایالت وارد شهر شده و شرحی به استعداد قنسولگری نوشته اخطار نمودند که برای تقاص قتل نصرالدوله آمده‌اند و از دولت مطالبهٔ تسلیم‌نمودن نظام‌السلطنه و سایر محرکین را نموده‌اند و نیز اشعار داشته بودند که اگر برای اجرای این مقصود مجبور به اقدامات قهریه بشوند حفظ جان و مال اروپاییان را بعهده خواهند گرفت مشروط بر اینکه اجزاء و اتباع تمام قنسولگریها در یك نقطه جمع بشوند.

من بر طبق دستورالعمل شما جواب دادم که رؤساء باید از چپاول اماکن اتباع انگلیس جلوگیری بنمایند ولی این پیشنهاد آنها که اتباع انگلیس باید در یك نقطه جمع بشوند خارج از موضوع و قبول‌نشدنی است.

منازعات مختصره در حوالی شیراز اغلب واقع‌می‌شد تا در ۱۳ سپتامبر نظام‌السلطنه تمام توپهای دولتی را که عبارت از ۴ عراده توپ اطریشی ۷۵ میلیمتری کوهستانی و دو عراده توپ قدیمی دهن‌پر بود به نقاط مختلفهٔ بیرون شهر به سمت شمالی فرستاد و تا سه روز قسمت شرقی شهر را بمبارده کردند ولی بدون هیچ نتیجهٔ قابل‌الذکری. در این موقع به تعقیب پیشنهاد کرنل کاکس که اگر قوام‌الملك را به دست رؤسای خمسه‌ای بدهیم محتمل است التیامی در اوضاع حاصل بشود (لیکن بعد از آنکه بدواً تلگرافی از قوام به دولت ایران بگیریم مبنی بر اینکه تعهد بنماید با این ایلیاتیان در فاصلهٔ بعیدی از شیراز که تیررس نباشد توقف بنماید تا وقتی که خود آنها قراری در باب اوضاع فارس بگذارند). بنا به دستورالعمل شما من با ایالت در این موضوع مذاکره نموده و نظریات او را سؤال نمودم. نظام‌السلطنه بدون تأمل اظهار عقیده نمود که مادامی که قوام‌الملك در قنسولگری انگلیس محترمانه محصور است خیلی مأمون‌تر از این است که آزاد باشد و یك عدهٔ کثیری ایلیاتیان همراه او باشند و اگر آن‌طور نوشته‌ای هم که در نظر است بسپارد هیچ انتظاری نمی‌توان‌داشت که یك روز هم بتواند بر طبق آن عمل بنماید.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از بمباردمان رئیس‌الوزراء تلگراف خیلی سختی به رئیس قشون مخابره نمود که از مداخلهٔ استعداد دولتی در این مخاصمه بکلی ممانعت بنماید. حکم او بی‌اثر ماند و صحب‌منصبان و تابین نظامی در به کار بردن توپها مداومت نمودند. در عرض این مدت شب و روز شلیك تفنگ از طرفین ممتد بود و در ۱۶ سپتامبر بعد از آنکه بمباردمان قطع شد هر دو دسته به نقاط نزدیکتر آمده و قشقاییان در حمله بردن به نقاط مختلف شهر مجاهدت نمودند ولی از هر طرف که هجوم بردند بعد از تلفات کثیره عقب نشانده شدند.

روز بعد آرامی مختصری ظاهر شده و مجادله قدری تخفیف یافت و تلگرافی از

طرف دولت ایران به اعیان شهر رسید که مبنی بر عـزل نظام‌السلطنه و تعیین رکن‌الدوله به جای او بود که تا زمان ورود او نیابت حکومت با میرزا حبیب‌الله‌خان پیشکار مالیه باشد.

در این موقع رئیس‌الوزراء تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نموده او را از این ترتیب مخبر نموده بود و دستورالعمل داده بود که نهایت مساعدت را با میرزا حبیب‌الله‌خان بنماید.

در بدو وصول این خبر نظام‌السلطنه واضح نمود که برای این انفصال هم مجدداً مدافعه خواهد نمود و بواسطهٔ فرستادن یك عراده توپ کوهستانی و یك عدهٔ کثیری سوار نزد صولت‌الدوله که در آن وقت در ۲۵ میلی به طرف شمال شیراز در قریهٔ «بزآ» بود در این عزم خود راه شبهه‌ای باقی نگذارد. در همان روز من معاون پیشکار مالیه را ملاقات نمودم و او به من اطلاع داد که میرزا حبیب‌الله خان برای به دست گرفتن عنان نیابت حکومت حاضر است ولی از عداوت صولت‌الدوله خیلی خائف است و حقیقتاً قبل از انقضاء ۱۲ ساعت یك دسته قشقایی در تحت حکم یکی از نوکرهای شخصی صولت‌الدوله وارد خانهٔ میرزا حبیب‌الله خان شده او را کتك زده با خود بردند و هرقدر از اموال شخصی و اسناد رسمی او که به دست آنها افتاد غارت کردند. او را به بزآ و بعد از آنجا به فیروزآباد برده و در آنجا قبل از آنکه بگذارند به شیراز مراجعت بنماید یك مبلغ گزافی از او اخذ نمودند و در ۱۹ اکتبر با حالت تکسر از صدماتی که در این سفر به او وارد شده بود مراجعت به شیراز نمود.

در این زمان اوضاع بیشتر از هر وقت منقلب شده بود. بازارها بسته بود و همین قسم باقی ماند تا انتهای نزاع تمام طبقات مردم در بیم و هراس چپاول و غارت شهر بودند و ورود صولت‌الدوله فقط درجهٔ خوف مردم را دو برابر نمود که نسبت به وضع جاریه حق هم داشتند چون با حضور تقریباً ۱۲۰۰ نفر قشقایی مسلح در سنگرهای قسمت تجارتی شهر یا در اردو در قرب و جوار شهر که با تقریباً ۲۲۰۰ نفر از ایل خمسه و اهل شهر و دهاتیان که در سایر نقاط شهر در سنگر بودند و هر ساعت در مجادله بودند بجز عاقبت غارت شدن شهر انتظار دیگری نمی‌توانستند داشته باشند.

یك اقدامی که بعقیدهٔ من در این موقع تا یك درجه محتمل بود اسباب التیام اوضاع بشود این بود که اگر ممکن می شد قشقاییان به آرامی از شیراز خارج بشوند در صورتی که با ضعف قوایی که از صولت‌الدوله مشهود گردیده بدلیل کمی عده‌ای که توانسته فراهم بنماید با کمال مسرت می‌توان پیش‌بینی نمود که عربها فایق خواهند شد و هر جدیتی که آنها در خارج نمودن قشقاییان از نقاط باثروت شهر بنمایند بی‌تردید اول ضرری که وارد بیاورد به تجار انگلیس است.

بعلاوه همین عمل دستگیر و جلب‌نمودن نایب‌الحکومه برای اثبات یاغیگری آشکار صولت‌الدوله نسبت به دولت ایران کافی است و کلیهٔ سبك رفتار او برای جسارت و مخالفت او دلایل واضح است.

لهذا من مصلحت چنان دیدم که پیشنهاد بنمایم به من اجازه داده بشود که به او اخطار بنمایم اگر او و متابعینش از حول و حوش شهر دور نشوند و حکومت مرکزی را به حال خود نگذارند که بتوانند بهر نحوی مقتضی می‌دانند اعادهٔ نظم را در فارس مستقر بدارند دولت انگلیس فوراً برای حفظ منافع خود اقدامات خواهد نمود.

در همان روز شرحی به صولت‌الدوله نوشتم مبنی بر اینکه از طرف وزیرمختار دولت متبوعهٔ من به من تعلیمات داده شده که به شما اطلاع بدهم که حضور شما و طایفهٔ شما در شیراز فقط تولید اغتشاش می‌نماید و هرگاه بواسطهٔ وارد شدن صدمهٔ جانی و مالی به اتباع انگلیس مداخلهٔ ما لازم بشود تمام تحمیلات به گردن شما وارد خواهد آمد.

بعد از مدتی تأخیر جواب داد که من برای استقرار نظم به شیراز آمده‌ام و محافظت اتباع انگلیس را منظور خواهم داشت و ضمناً خواهش نموده بود که در آتیه مکاتبات رسمی را به توسط کارگذار [=کارگزار] با او بنمایم.

در این ضمن در ۱۹ سپتامبر رئیس‌الوزراء تلگرافی به‌قوام‌الملك مخابره نموده و به او دستورالعمل داده بود حتی‌القوه سعی بکند که از تحریکات نظام‌السلطنه جلوگیری بنماید و اعلانی هم در این موضوع در شهر منتشر بنماید. بعد از آنکه در باب عمل نمودن قوام‌الملك بر طبق تلگراف مزبور، مادامی که در قنسولخانه است، من از شما تحصیل اجازه نمودم مشارالیه شرح تلگراف را نزد پسر خود فرستاده که طبع و نشر بنماید. متعاقب این تلگراف یك تلگراف دیگری رسید که صمصام‌السلطنه سؤال نموده بود آیا قوام‌الملك برای کفالت امور فارس حاضر است یا خیر و اگر ضیغم‌الدوله به ایلخانی‌گری قشقایی منصوب بشود امید همراهی و معیت ایلات را بـا او می‌توان داشت یا خیر؟ و نیز اشعار داشته بود که اگر قوام‌الملك این ترتیب را اجراءشدنی تصور ننماید فرمانفرما به ایالت منصوب خواهد شد. قوام‌الملك جواب داد که به معیت ایلات خمسه اعتماد کامل می‌توان داشت و قشقایی‌ها هم برقرارشدن ضیغم‌الدوله را استقبال خواهند نمود. باضافه معزی‌الیه پیشنهاد نمود که دولت ایران اخطار خیلی متشددی برای خروج صولت‌الدوله بنماید.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از این، تعیین فرمانفرما به ایالت را خبر دادند. از این اقدام ظاهراً دولت ایران امیدوار بودند که از دوستی مابین صولت‌الدوله و فرمانفرما انتفاعی حاصل نموده و مابین صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه را تفریق بنمایند.

در ۲۲ سپتامبر صولت‌الدوله اعلانی منتشر نمود مبنی بر اینکه او در صدد خارج نمودن اعراب از شیراز است و چون در داخل شهر به آنها حمله خواهـد نمود هر صاحبخانه‌ای که از راه‌دادن قشقاییان به خانهٔ خودش امتناع بنماید برای هر نوع خسارتی که از دخول قهری آنها به منزل او وارد بشود کاملا مسئول خواهد بود.

فقط اقدامی که در این موضوع نمودند این بود که قشقاییان به یك محله‌ای که بکلی بی‌طرف بودند حمله نموده و در آنجا یك عده خانه را غارت بلکه منهدم نمودند. بفاصلهٔ چند ساعتی اعراب در آنجا به قشقاییان هجوم نموده و بعد از یك روز تمام

جنگ سخت قشقاییان را با تلفات کثیره عقب نشاندند.

پس از این منازعه ایلخانی وضع خود را در حالت ضعف و فتور دیده به تجار ایرانی اخطار نمود که او از محافظت راه بوشهر استعفاء داده بلکه ظاهراً از این معنی مقصودش این بود که چنانچه سابقاً مرسوم بوده تجار را مجبور بکند مجدداً از او استغاثه بنمایند که در حفظ منافع آنها قیام بنماید. در این موقع هم تدبیر او سودمند نگردیده بالاخره در صدد این برآمد که جبراً از تجار تلگرافات در تمجید و توصیف از خدمات غیرنافعهٔ خودش به حکومت مرکزی صادر بنماید. ولی سایرین با مخابره از سیم انگلیس این تلگرافات را تکذیب نمودند. بهرحال بر همه واضح است که در آن زمان وضع صولت‌الدوله به قسمی نبود که بتواند تأمین طرقی و عبور و مرور را عهده بنماید. مجملا صولت‌الدوله از تصورات سابقهٔ خود در همراه نمودن دستهٔ تجار با خویش، بکلی صرف‌نظر نمود و جداً مشغول اخاذی از آنها شد حتی در بعضی موارد بقوهٔ قهریه بعنوان اینکه آنها باید مصارف سوارهایی که او برای استقرار نظم در شیراز همراه خود آورده متحمل بشوند در صورتی که در همان حین آن سوارها با کمال بی‌پروایی در خارج شهر مشغول غارت اموال مردم بودند.

در همان اوقات لفتننت ویلسن را که بتازگی مأمور قنسولگری انگلیس در محمره شده بود و به شیراز می‌آمد یك دسته قشقایی در ۱۲ میلی شیراز لخت نمودند. خبر آمدن مشارالیه به شیراز خیلی دیر به من رسید و بنا بر اغتشاش عمومی من نهایت سعی را نمودم که تهیهٔ یك عده مستحفظی برای او بنمایم یا اقلا به او اطلاع بدهم که حرکت ننماید تا مستحفظ به او برسد ولی از مساعی من ثمری حاصل نشد و در پل فسا او با یك عده اشخاص مسلح مصادف شده که تمام‌ملزومات شخصی او را غارت نموده خود او را هم از اسب پایین کشیده ملبوس او را پاره نموده و بالجمله نهایت بدسلوکی را با او نموده بودند.

پس از آن ایلیاتیان در یك دهی در آن نزدیکی یك شبانه‌روز او را نگاه‌داشته و خودشان مشغول اعمال فضیحه و چپاول شده هر چیزی که به دست آنها افتاده بود به غارت برده و دهاتیان را با نهایت وحشیگری صدمه زده بودند. در این هنگام به صولت‌الدوله مراجعه شد و بالاخره امر نمود اموال او را مسترد نموده و خودش را هم تا قنسولگری بدرقه نمودند و عاقبت به سلامت وارد شد.

در ضمن اوضاع شیراز یوماً فیوماً متزلزل‌تر می‌شد. سبك رفتار صولت‌الدوله و اتباع او تخویف‌کننده بود. به اغلبی از اعیان شهر تهدیدات آشکار در مهاجمه و چپاول منازل آنها می‌شد. مجادلهٔ دائمی بدون انقطاع جاری بود و اخطارات متواتره از محلهای مختلف به من می‌رسید که عنقریب حمله‌ای به قنسولخانه هم خواهد شد. قشقاییان که آزادانه از این احتمال مذاکره می‌نمودند.

در این وقت تقاضاهای مکرره از منچستر و بمبئی برای حراست اتباع انگلیس و تجارتخانه‌های انگلیس از من می‌شد بهمچنین از طرف نماینده‌های محلی آنها و از طرف اتباع ایران از هر طبقه حتی حاکم بوشهر با نهایت نگرانی درخواست

محافظت فامیل خودش را که در شیراز بودند نمود.

کارگذار [=کارگزار] در جواب مراسلهٔ من که استفسار نموده بودم که دولت ایران چه اقدامی برای محافظت جان و مال اتباع انگلیس در نظر دارند نوشته بود که ایالت منفصل بکلی از مداخلهٔ در امور ایالتی امتناع دارد و نایب‌الایالهٔ جدید هم از شیراز خارج شده و خود او هم از طرفیت مستقیم با رؤسای ایلات در این‌طور مسائل احتراز می‌نماید.

دو روز بعد از آنکه شرح این مراسله را به سمع شما رسانیده بودم کارگذار [=کارگزار] یك عدهٔ قلیلی از سربازان ایرانی مندرس را جمع نموده و آنها را به اسم مستحفظ در اماکن مختلفهٔ اتباع انگلیس متفرق نمود.

این سربازها هم بعد از اندك مدتی سعی نمودند که از صاحبخانه‌هایی که خود را مستحفظ آنها می‌دانستند فوق‌العاده بگیرند و اظهار نمودند چند ماه است حقوق نگرفته‌اند و از شیراز رفتند.

در این موقع من به اتباع انگلیس و به نماینده‌های واقعی تجارتخانه‌های انگلیس که توانستند من را اقناع بنمایند که حقیقتاً مال‌التجارهٔ انگلیسان در اماکن آنها هست بیرق تقسیم نمودم.

این اقدام با مقتضیات کنونی و وضع‌جاریه البته مکفی نخواهدبود چونکه پر واضح است که یك گله ایلیاتی که بسیاری از آنها شاید هرگز یك نفر اروپایی را هم ندیده‌اند همینکه دست به غارت عمومی بگشایند ملاحظهٔ ترتیبات بین‌المللی یا خوف جبران عاقبتی، آنها را ممانعت از عمل خودشان نخواهد نمود و نظر به فقدان قدرت مأمورین محلی که حتی نمی‌توانند یك جدیت اساسی هم در محافظت جان و مال اتباع خارجه بنمایند من هیچ شق دیگری جز این نمی‌توانم فرض بنمایم که از طرف دولت انگلیس به صولت‌الدوله اخطار بشود که فوراً از اینجا خارج بشود ولی یك اقدام کافی برای حفظ منافع انگلیس باید بشود.

در عرض این چند روزه جنگ بدون هیچ سکته امتداد داشت و نتیجهٔ آن شکست متواترهٔ قشقاییان بود و در ۲۹ سپتامبر قریب ۱۵۰۰ نفر عرب به امداد همسران خود از معابر گذشته به مقامات دستهٔ مخالف در طرف شمالی شهر حمله بردند و آن محل‌ها را بدون تصادف با تلفات قابل‌الذکری از دشمن تخلیه و تصاحب نموده و از قشقاییان منهزم عدهٔ کثیری مقتول نمودند و بالاخره وارد شیراز شده و در محله‌های شرقی شهر به رفقای خود ملحق شدند که عدهٔ ایلیاتیان در آن قسمت شهر بالغ بر ۳۰۰۰ نفر شد.

در این موقع که فتح عاقبتی خمسه‌ای‌ها متحتم گردیده بود (و حقیقتاً کار صولت‌الدوله بجایی رسیده بود که یکی از منسوبان خود و رسولهای دیگر را برای طرح آشتی نزد قوام بفرستد) من به رؤسای ایلات خمسه شرحی نوشته و صورت خانه‌هایی را که اتباع انگلیس در آنها سکنا دارند و اماکنی را که مخصوص تجارت و مشاغل آنها است فرستاده و توضیح نمودم که در صورت لزوم باید نهایت احتیاط به عمل

بیاید که محل‌های مزبور مأمون و محفوظ بماند.

در سوم اکتبر وقتی که جدال عمومی هنوز در کار بود من به صولت‌الدوله نوشتم که به من تعلیمات داده شده که به او اخطار بنمایم اگر سریعاً جمعیت خود را برندارد و از حوالی شهر نرود وزیرمختار دولت متبوعهٔ من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات عاجل در حفظ منافع انگلیس بنمایند. در ضمن به رؤسای ایل خمسه هم اخطار نمودم که هرگاه خسارتی به جان و مال اتباع انگلیس وارد بیاید وزیرمختار دولت متبوعهٔ من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات لازمه را برای دریافت غرامت آن از آنها به‌عمل بیاورند. رؤسای مزبور در جواب مراسلهٔ من نوشته بودند که حتی‌القوه سعی خواهند نمود که اروپاییان را محفوظ بدارند و سواد تلگرافی را هم که رئیس‌الوزراء به آنها مخابره نموده بود که آنها باید در شیراز توقف بنمایند و به خدمتگزاری ایالت قیام بنمایند لفاً ارسال داشته بودند. از صولت‌الدوله جوابی به من نرسید و دو روز بعد از آن بنهٔ او و نظام‌السلطنه در تحت حفاظت یك عدهٔ کثیری سوار از شهر خارج شد.

مقارن همین ایام بود که قوام‌الملك یك نوشته‌ای را که صولت‌الدوله قبلا امضاء نموده بود مهر نمود و آن نوشته مبنی بر این بود که کلیهٔ اموال منهوبه به توسط طرفین باید مسترد بگردد و طرفین باید فوراً استعداد خود را از شهر خارج نمایند و هر حاکمی را که دولت ایران تعیین بنماید طرفین قبول بنمایند و صولت‌الدوله باید در محافظت راه بوشهر مداومت بنماید. لازم به اظهار نیست که به این قرارداد هیچ وقعی نگذاردند و شرایط آن را تکمیل ننمودند و قوام‌الملك بحدی آن را معتنا [معتنابه] فرض نمی‌نمود که حتی سواد آن را هم برنداشت.

قصد صولت‌الدوله از این بازیچه (به قسمی‌که رسولهای خودش علناًتصریح‌نمودند) این بوده که به این واسطه از وقوع اختلال بین فامیل و منسوبان خود بجهت این مغلوبیت جلوگیری نموده باشد و در مادهٔ قوام‌الملك اگر فرض بشود که مقصود او از تن‌دادن به این قرارداد اثبات صمیمیت خودش در آسایش نوع بوده چندان بی‌مبنی نیست چون کلیتاً برای شخص او انتفاعی نداشته و برای اهالی شیراز نافع بوده.

همان روز غروب صمصام‌السلطنه تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نمود که مشعر بر تعیین احتمالی علاءالدوله به ایالت و تفویض ایلخانی‌گری قشقایی به ضیغم‌الدوله بود و ضمناً اظهار نموده بود که علاءالدوله بدون حاصل‌نمودن اطمینان از معیت قوام قبول ایالت را نمی‌نماید.

همینکه قوام‌الملك این مسئله را موضوع بحث قرار داد به من اظهار نمود که تا عموم رؤسای خمسه هم‌قسم نشوند که به این اتحاد منظوره تقویت کامل بنمایند و تا از طرف من به او قول داده نشود که در صورت تفویض نیابت حکومت به او، دولت انگلیس با او همراهی خواهد نمود نمی‌تواند جواب کافی به این تلگراف بدهد.

من بموجب دستوری که داشتم به او جواب دادم که اگر او رسماً به نیابت حکومت منصوب بشود می‌تواند دولت انگلیس را با خود همراه و مساعد بداند.

روز بعد نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله از شیراز حرکت نموده و شب را در ۶ میلی شیراز اردو زدند و صولت‌الدوله علناً اظهار داشته بود که در راه بوشهر اغتشاشی برپا خواهد نمود که تا حال مشابه آن دیده نشده باشد. بی‌شك می‌توان از یك بابت اخطار ما را باعث حرکت او فرض کرد ولی از یك بابت که بیشتر احتمال می‌رود این است که چون همراهان او متدرجاً از دور او متفرق می‌شدند و با اینکه موقع کوچ به قشلاق در پیش بود این عمل بیشتر تعقیب می‌شد و نگاهداری از آنها برای او خالی از اشکال نمی‌بود، معزی‌الیه سبقت نموده و بواسطهٔ حرکت خودش از وقوع تزلزل بین آنها جلوگیری نمود.

در همان شب رئیس‌الوزراء و وزیر داخله تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نموده او را به سمت نیابت حکومت اختیار تامه دادند و به او اطلاع دادند که ۵۰ هزار تومان اعتبار در بانك شاهنشاهی ایران به او داده‌اند که یك عده سوار خمسه‌ای تا زمان ورود ایالت نگاه دارد. قوام‌الملك از قبول این امر خیلی منزجر بود و کراراً برای من تصریح نموده بود که بدون توسل به اقدامات مجدانه نمی‌شود تمشیت کامل مستقر داشت و از مبادی تحریکات جلوگیری نمود و اگر بخواهد این عمل را مجری بدارد عموماً بر این عقیده خواهند شد که این اقدامات علائم انتقام شخصی است. بنابراین قبل از وصول این تلگرافات او به دولت ایران تلگراف نموده و اصرار کرده بود که اگرچه مدبرالسلطنه شخصاً شیرازی است ولی در عرض این چند ماهه بکلی خود را بیطرف قرار داده و شخص پلتیك‌دانی است و برای اداره نمودن امور ایالتی که به خودش تفویض شده او خیلی مناسب‌تر است.

روز بعد قوام‌الملك رأی خود را به خروج از قنسولگری قرار داد و یك ازدحام کثیری از همان اهل شهر که در ۵ ماه قبل برای ریختن خون او اجماع نموده و فریاد و فغان می‌کردند در خارج قنسولگری برای استقبال او جمع شده بودند.

به فاصلهٔ وقت کمی قریب دو هزار نفر از ایلیاتیان خمسه‌ای هم با تمام رؤسای خودشان به آنها ملحق شدند. انتظام‌الممالك (که حالا نصرالدوله‌است) و اسعدالسلطنه ایلخانی سابق قشقایی هم حاضر شدند. پس از آن رؤسای مزبور یك‌یك آمدند که اظهار انقیاد به قوام‌الملك بنمایند و در برابر او به زانو درآمده دست و زانوی او را می‌بوسیدند. بعد از اتمام این عمل معزی‌الیه آنها را مخاطب ساخته شرح مفصلی عنوان نمود مبنی بر اینکه تاکنون در هیچ تاریخی ثبت نشده که یك همچو عده‌ای برای حفظ قانون و نظم در اینجا جمع شده باشند و امیدوار است که پس از حصول این تجربه بیشتر از بیش در خدمتگزاری و جانفشانی برای نظم و اتحاد با یکدیگر خواهند کوشید.

در جواب بیانات او اظهار کمال فدویت نموده و در خدمتگزاری به دولت و خود معزی‌الیه اطمینان دادند.

پس از آن قوام‌الملك امر نمود که ایلیاتیان به دو قسمت منقسم بشوند و خودش و پسرش از طرق مختلف حرکت نمودند.

این احتیاط صحیحی بود که او نمود چون چند دقیقه بعد از خروج او از قنسولخانه صدای شلیك شدیدی بلند شد که از سنگرهای ده بزرگ که یکی از محال واقعه به طرف شمال شیراز است و یکی از دشمنان قدیم قوام علی‌اکبر خوردل با ۸۰ نفر در آنجا در کمین او بودند دفعتاً به طرف قوام شلیك نموده بودند.

در این شلیك ۵ نفر از سوارهای عرب مقتول و قریب ۱۲ نفر مجروح شدند که یکی از آنها بفاصلهٔ یك ذرع از قوام‌الملك تیر خورده بود. او سر خود را عقب کشیده بود و گلوله با او مصادف نشده بود و با نهایت جدیت مشایعین خود را که قریب ۱۵۰۰ نفر بودند از هجوم به ده بزرگ ممانعت نموده بود والا نتیجهٔ آن، غارت تمام بازار که مستقیماً با محل مزبور اتصال دارد می‌شد.

ایلیاتیان مزبور بالاخره به متواری‌نمودن سیصد چهارصد نفر شتر که در آن حوالی به چرا مشغول بودند خود را متسلی نمودند ولی این عده شتر برای حمل مقدار کثیری مال‌التجاره که در یك کاروانسرایی در آن نزدیکی دسته شده بود تهیه شده بود. این مال‌التجاره تقریباً بالتمام متعلق به اتباع انگلیس بود و علی‌اکبر یقین داشت که بواسطهٔ بودن آن متاع در آنجا خودش از مهاجمهٔ مخاصمین محروس خواهدماند. بهرحال با تحمل زحمات بسیار مال‌التجارهٔ مزبور از یك همچو محل خطرناکی حرکت داده شد و یك عده از شترها را قوام‌الملك پیدا کرده و مسترد داشت ولی قریب ۱۵۰ نفر از آن هنوز مفقودالاثر است و یحتمل همین قسم بماند.

خود علی‌اکبر سالماً عزیمت نموده که در فیروزآباد به صولت‌الدوله ملحق بشود.

علی‌الظاهر مقدمات این حادثه کاملا ترتیب داده شده بوده چون از قرار اطلاعاتی که من تحصیل نمودم دو دسته تفنگچی دیگر هم از طرف مخالفین در راه‌هایی که تصور می‌نمودند قوام هنگام عزیمت از قنسولخانه به طرف منزلش از آنجاها عبور خواهد نمود گماشته شده بودند.

در همان روز شروع به آنتریگ‌های مشابه به تحریکات پاییز ماضی شد که منجر به غارت محلهٔ یهودیان گردید و بعضی از رؤسای یهودیان با نهایت هراس و تزلزل نزد من آمده اطلاع دادند که یك زن مسلمانی که دستگیر شده یك جلد قرآن برده در محلهٔ یهودیان در چاه فاضل‌آب انداخته و اظهار نمودند که این عمل به تحریك نصیرالملك واقع شده. من فوراً به قوام‌الملك نوشتم که این مسئله به من رجوع شده و تأکید نمودم نهایت توجه و مراقبت را در وارد نشدن صدمه و زحمت به اهالی غیرمسلمان به عمل بیاورد.

او در جواب نوشته بود که ضعیفهٔ مرتکبه را دستگیر نموده و اطمینان داده بود که خوشبختانه مسئله خیلی زود کشف شده و اسباب بروز نتایج غیرمرضیه نخواهد شد.

از قراری که به من خبر رسیده مبالغ گزافی پول به نصیرالملك و عطاءالدوله رسیده و از قرائن همچو مستفاد می‌شود که این آنتریگ‌های مخفیه که متدرجاً به ظهور می‌رسد منتهی به یك آشوبی قبل از ورود ایالت جدید بشود.

در این موقع تعیین علاءالدوله به فرمانفرمایی رسماً اعلان شد و متعاقب آن منصوب

شدن ضیغم‌الدوله (که ملقب به سردار احتشام شده) به ایلخانی‌گری قشقایی و صولت‌السلطنه به ایل‌بیگی‌گری اشاعه یافت. نظام‌السلطنه هم از حوالی شیراز به طرف املاك خودش عزیمت نموده و در خشت اقامت نموده و صولت‌الدوله بعد از یك هفته توقف در حوالی جره که کاملا از گزارش اوضاع و وقوع تعلیمات خودش مستحضر بشود به طرف فیروزآباد حرکت نموده و الحال وارد آنجا شده.

در ضمن ایلیاتیان که به طرف قشلاق در حرکتند بیش از هر وقت مشغول اعمال خودسرانه هستند و در ۱۱ اکتبر تمام سیمهای تلگراف به بوشهر را مقطوع نمودند. این خسارت وارده به سیمها بکلی خودسرانه و بی‌باکانه بوده سیمهای طولانی از تیرها پایین کشیده و قطعه‌قطعه شده.

۴ نفر غلام تلگراف که بدفعات مختلف برای امتحان خرابی سیم فرستاده شده مادامی که هنوز در نزدیکی شهر بوده‌اند بکلی لختشان کرده و تمام آلات کار آنها و تلفن نقالهٔ آنها را به سرقت برده‌اند. صولت‌السلطنه که اسماً به سرپرستی ایلات مهاجر منصوب است یا بی‌میل‌بود یا نمی‌توانست تهیهٔ مستحفظ برای عملجات و کارگران زیر سیم بنماید فقط در ۱۹ اکتبر بعد از ۱۰ روز خرابی کلی سیم، یك تعمیر مختصری شده که از سه رشته سیم یك رشته به‌کار افتاده. وضع جاده هم [که] روز بروز مغشوش‌تر می‌شد تا حالا بکلی تردد در آن قطع شده.

در عرض سه ماههٔ ماضی سرقتهای متعدد از یك بار دو بار مال‌التجارهٔ انگلیس در جادهٔ بوشهر واقع شده (در یك وهله معادل ۴۰۰ لیره تریاك به سرقت رفته) و در اواخر سپتامبر نظر به اهمیت اوضاع شیراز و احاطهٔ کامل پلتیك ظلمانی ایلیاتی من هم روش تجار ایرانی اینجا را تعقیب نموده و سفارش نمودم به تجارتخانه‌های خودمان در بوشهر دستورالعمل داده شود که حمل مال‌التجاره را موقوف بدارند.

در جادهٔ شمالی تقریباً در عرض ۱۰ هفته یك قافلهٔ بسیار زیادی تهیه شده و در غرهٔ سپتامبر از طریق سر حد برای اصفهان حرکت نموده و بعد از پرداخت مبلغ گزاف به مستحفظین قشقایی سالماً به اصفهان رسیدند. از آن تاریخ بواسطهٔ کوچ نمودن ایلات از ییلاق جادهٔ شمالی هم بکلی مسدودالعبور شده و جادهٔ خط تلگراف بحدی مغشوش بوده که قوافل جرئت حرکت از شیراز را ننموده‌اند.

این رویهٔ اوضاع بالاخره منجر به یك سرقت عمده در حدود شمالی فارس شد که در ۱۲ اکتبر یك قافله‌ای که مرکب از ۷۰۰ قاطر حامل شمع و تریاك متعلق به اتباع انگلیس از اصفهان به شیراز بوده چنانچه تا حال مکشوف گردیده با سارقین کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] مصادف شده و اموال مزبور را بکلی سرقت نموده‌اند.

در همان ایام میس رس یك خانم دکتر انگلیسی را که بستگی به هیچ هیئت مذهبی یا غیره ندارد و بالشخصه کار می‌کند لخت نموده تمام دارایی او را سرقت نموده کتك بسیار به او زده سر و پای برهنه، او را رها نمودند که مجبوراً پیاده خود را به آباده رسانیده. هنوز خانم مزبور در آنجا منتظر موقعی است که امنیت در جاده حاصل‌بشود و به شیراز بیاید و چون تمام آلات و ادویهٔ او را سرقت نموده‌اند متأسفانه نمی‌تواند

در همانجا هم مشغول طبابت بشود.

چند روز بعد نزدیك همان نقطه یك دسته سرباز ایرانی که ۳۰۰ نفر بودند از بقیهٔ قشون سیار فارس که بی‌مواجب و نیمه برهنه از شیراز حرکت نموده بودند با حملات سارقین مصادف شده و بنا به خبری که به من رسیده ۱۰ نفر مقتول و ۲۰ نفر از آنها مجروح شده‌اند. بعقیدهٔ من در این دو فقره حملات مشهود می‌گردد که درجهٔ سبعیت و بی‌پروایی این ایلیاتیان حالا به چه پایه رسیده است.

در موضوع خانم رس شغل او یك نوع پیشه‌ای است که تا حال همیشه در تمام نقاط این مملکت یك تذکرهٔ عبور بقاعده‌ای بوده؛ قشون دولتی‌هم که در عرض سنوات ماضیه همیشه بحدی مفلوك بوده‌اند که واجب‌الرعایه بودند خصوصاً در مقابل سارقین مسلح و مکمل، این بیچاره‌های بی‌اسلحه و ملبوس نوعاً باید حقیر شمرده بشوند و صرف‌نظر از آنها بشود.

وضع شیراز به نحوی است که بهیچ وجه اطمینان‌بخش نیست. وضع طرق و شوارع هم که بیش از هر وقت منقلب و مغشوش است کلیتاً هرج و مرج عمومی در تمام این خطه به درجه‌ای رسیده که نمی‌توان در طهران آن را مطرح نمود. بی‌اعتنایی کلیهٔ دوائر مرکزی و نماینده‌های آنها که من در راپورت سابق خودم شرح کشافی نقل نموده‌ام پیوسته در تزاید است خصوصاً بعد از حوادث جدیده.

تلفات در شیراز در عرض منازعهٔ تابستان ماضی بنا به روایات موثقه به ۴۶۰ نفر رسیده. در عرض ماه ژوئیه و او [اوت] و سپتامبر متجاوز از ۲۰۰ زخم گلوله و ۳۰۰ جراحت از غیر گلوله را دکتر وولت و معاونش عمل نموده‌اند که در اغلب اوقات فرصت معالجهٔ آنها را نداشتند.

یك همچو تلفاتی را که اگر حافظهٔ من به اشتباه نرفته باشد دو برابر تلفات در تمام جدال سنهٔ ۱۹۰۹ در طهران و اطراف آن است و نتایج سوئی که از آن حادث شده و اوضاع فارس را دگرگون نموده اقدامات خیلی مجدانه و کافی باید علاج بنماید.

یك مسئلهٔ دیگر که عقاید محلی متوجه به آن است و خیلی اهمیت به آن قرار می‌دهند این است که این بمباردمان بی‌اثری که در شیراز شد ابهت حکومت مرکزی و عقاید کهنه‌پرستی را که ایلیاتیان به قوای دولت و توپخانهٔ او داشتند و یك نوع تهدیدی در اذهان آنها بود بکلی معدوم نمود. از طرف دیگر بواسطهٔ مقدار کثیری غله که در مزارع و قراء غارت و تلف شده و کشت و زرع نشدن در محال ییلاقی بواسطهٔ شدت برودت هوا در زمستان ماضی، احتمال کلی می‌رود که عنقریب بروز قحطی بشود.

باضافه مسئلهٔ پولی جالب اهمیت شده ۸۰ هزار تومانی که از فوریهٔ گذشته دائما اظهار می‌شد که حکومت مرکزی برای مخارج یکسالهٔ‌اول ژاندارمه ژنرال‌مالتا فرستاده است هنوز به شیراز نرسیده و ۵۰ هزار تومانی که قبل از خروج قوام‌الملك از قنسولخانه وعده دادند برای نگاهداری یك عده سواری که خیلی لازم بود بپردازند

هنوز صحت حاصل ننموده و یك عدهٔ قلیلی قشون منظم که هنوز عزیمت ننموده‌اند نه ماه جیره و مواجب طلبکار هستند.

پس از سه ماه اغتشاش کامل که دولت ایران هیچ اقدامی در جلوگیری از آن ننموده‌اند ظاهراً بالاخره رأیشان بر این قرار گرفته که علاءالدوله و ضیغم‌الدوله را به فارس بفرستند آن هم نه قبل از تجربیات دیگر.

در اوایل ماه ژوئن ماضی من اظهار عقیده نمودم که یك همچو اقدامی احتمال کلی دارد اسباب امیدواری به بهبودی اوضاع بشود. در آن وقت همه‌نوع امیدی بود که یك همچو تغییری را بدون اشکالات بتوان مجری داشت. کلیهٔ اهالی باستثنای صولت‌الدوله و اقوامش از قدیم‌الایام علاءالدوله را بعد از ظل‌السلطان اول‌شخص شناخته‌اند که بتواند از عهدهٔ حکومت فارس برآید. آن وقت ضیغم‌الدوله در اصفهان بود و طوایف قشقایی هم خیلی نزدیك و اگر به‌خاطر بیاوریم به چه نوع وجد و اشتیاقی در زمان تعیین ظفرالسلطنه یك سال قبل به حکومت آنها دور (ضیغم‌الدوله) جمع شده بودند هیچ جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که با یك تقویت اسمی دولت ایران، او می‌توانست به تمام ایل احاطه و استیلا حاصل نموده و اشخاصی را که مقتضی می‌دانست به کلانتری آنها بگمارد.

حالا بکلی مسئله برخلاف است و برای او خیلی مشکل است که بتواند نزدیك ایل هم برسد شاید تا دو ماه بعد از انفصال صولت‌الدوله هم نتواند مقامات جزء را که حالا اشخاص برای آن مقامات تعیین شده در تحت سلطهٔ خود بیاورد. بعلاوه ممکن است اغلب از کلانتران مخالف میل او باشند و مدعی او، آنها را گماشته باشد که هزار نوع تحریکات به ضد او نموده و طبقات ایل را به ضیغم بشورانند.

با وجود این اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که این عمل حالا آن اثری را داشته باشد که قبل از بروز اغتشاش عمومی می‌داشت معذلك اسباب امیدواری هست که اقلا بواسطهٔ خروج موقتی صولت‌الدوله از میدان پلتیك فارس، یك نتیجه‌ای حاصل بشود که من آن را یك نوع عطیهٔ آسمانی غیرمحدودی می‌دانم.

در عرض ۱۸ ماههٔ ماضی، هم من و هم قایم‌مقام سابق من، برای این تصور دلایل کافی داریم که منشأ عمدهٔ اغتشاش و شورش در فارس صولت‌الدوله بوده و شدت طمع و خودپسندی او باعث تهدیدات بسیار شده و اطمینانها و خودستاییهای مکرر او به دولت انگلیس برای تجارت ما بکلی بی‌مغز و لغو بوده. در عرض واقعات تابستان ماضی این مفهومات کاملا درك شده که متدرجاً در صدد یاغیگری علنی به ضد دولت برآمد و دهات را بکلی غارت نمود و سواران او خودسرانه سیمهای تلگراف را مقطوع نمودند. از طرف دیگر اصراری دارند که صولت‌الدوله برای تجارت انگلیس مساعدت دارد و انفصال او باعث افتتاح طرق اتساع نفوذ بختیاری در خط فارس و عربستان خواهد شد که چندان مطلوب نیست. اولا عقیدهٔ شخصی من بر این است که هر رئیسی که کمترین تسلط را به قشقایی داشته باشد می‌تواند به طریق اکمل امنیت را در راه بوشهر مستقر بدارد (بجز در مقابل حملات شدیدهٔ

بویراحمدیها که غالباً در اوایل زمستان واقع می‌شود و با بودن صولت‌الدوله هم چندان تفاوتی با سابق نداشته) ـ بدون لزوم هیچ نوع تحریفی در حمل و نقل یا امورات پلتیکی که ایلخانی سابق[1] در مراقبت آن خود را مستغنی می‌دانست. و نیز لازم است ذکر بنماییم که در بابت اموال مسروقه در ایام مسئولیت او هیچ مبلغ معتنابهی متناسباً از بابت غرامت آنها به توسط او وصول نشده.

یك نکتهٔ قابل‌الذکر دیگری هم هست که یك فقره سرقتی که امسال تابستان در راه سرحد اتفاق افتاده که بکلی در خاك قشقایی بود سرقت یك جعبه ۱۵۰۰ تومانی پول بانك شاهنشاهی بود که در چند صد ذرع فاصله از چادر خود صولت‌الدوله سرقت نمودند.

منشأ اعتبارات او بمنزلهٔ یك حافظ تجارت بودن ظاهراً از این رو است که رئیس قشقایی و مستحفظ طرق در عوض حفظ تجارت بیشتر در صدد اغتشاش تجارت بود که بعنوان سد نمودن طرق حمل و نقل تجار را تهدید نموده و پلتیکاً[2] و نقداً از آنها انتفاع حاصل می‌نمود.

در خصوص این‌مسئله که انفصال صولت‌الدوله باعث تولید عداوتی بین علاءالدوله و ضیغم‌الدوله و قوام‌الملك با قشقایی و تشیید منافع بختیاری خواهد شد از آنچه من از امورات ایلیاتی فارس درك نموده‌ام این مبنا که یك عداوت طایفه‌ای بین بختیاری (که نمایندهٔ آنها در فارس قوامیها هستند) و قشقایی موجود است بکلی بی‌اساس است. تا اندازه‌ای که بر من معلوم شده یك عدهٔ معین از خوانین بختیاری بی‌شك عداوت مغلظهٔ شخصی با صولت‌الدوله دارند.

این عداوت که بهیچ‌وجه مستور نیست ظاهراً جدیدالبنا است و مورث تعجب نیست که بختیاریان با اعتباراتی که در مؤسسین نیکوی مشروطه‌بودن دارا هستند باید با یك همسایهٔ خودشان که مؤسس یك حکومت دیکتاتوری در فارس شده مخالف باشند.

فقدان عداوت واقعی بین طوایف بعقیدهٔ من مسلم است و محتاج بحث نیست چونکه در عرض چند ماههٔ ماضی که قشقاییان در حدود ییلاقی خود متوقف بودند بهیچ‌وجه در صدد این برنامه برنیامدند که به خاك بختیاری دست‌بردی بزنند در صورتی که هرکس می‌داند بواسطهٔ اعزام مردان جنگی بختیاری به طرف شمال چندین ماه خاك آنها بی‌مستحفظ مانده بود.

اختلافات بین قوامیها و قشقایی‌ها هم بیشتر عداوت شخصی است که فقط از زمان صولت‌الدوله ظاهر شده. بعلاوه قوام‌الملك شخصاً با هر سه برادر صولت‌الدوله که ضیغم‌الدوله و صولت‌السلطنه و علی‌خان حشمت‌السلطان هستند کمال دوستی را دارد. بهمچنین با اغلبی از خوانین پیشقدم آنها از قبیل محمدعلی‌خان کشکولی و احمدخان شش‌بلوکی و قشقاییان کلیتاً هیچ‌چیز بجز دوستی و روابط حسنه با طوایف خمسه نداشتند.

---

۱) اصل: سابتی. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

بنابراین معلوم می‌شود با وجود یك ایلخانی که هرگز همسایه‌های خود را به طریق صلح‌آمیز و مسالمت دعوت‌ننموده باید همچوانتظاری‌هم‌باشد. بدبختانه با به‌هم‌خوردگی وانقلاب جدید همهٔطبقات درفارس کسی نباید همچو امیدی را داشته باشد که این‌طور نتیجه حاصل بشود.

خسارتهای فوق‌العاده‌ای که در شیراز در عرض این جدال وارد شده احتمال کلی دارد بحدی تولید عداوت منتقمانه نموده باشد که اثرات آن سالها در میان طوایف باقی بماند. ضمناً در آتیه نفوذ حکومت مرکزی همچو اثری را نخواهد داشت که یك رئیس بتواند ایلات را بحد کافی در تحت اطاعت خود بیاورد خصوصاً مادامی که خوانین جزء مشاهده نموده‌اند که سلطهٔ شخصی تا چه پایه و مایه خواهد رسید، بسهولت زیر بار انقیاد و اطاعت رئیس دیگری نخواهند رفت.

از قرار اطلاعاتی که من در ضمن حوادث واقعهٔ در اینجا در عرض ۶ ماههٔ ماضی حاصل نموده‌ام محل شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که ایران بدون تقویت نمی‌تواند موفقانه این‌طور اوضاعی را که در فارس به اهمیت حالیه است بطریق اکملی اصلاح بنماید.

کسی نمی‌تواند بسهولت از خاطر محو بنماید که در یك سال قبل دولت ایران در جواب دولت انگلیس در باب ناامنی طرق جنوب ایران با چه‌صدایی در شیپورها نواخت که نظام‌السلطنه و ژنرال مالتا و اردوی سیار فارس بفوریت به شیراز فرستاده شد. حکمران آنها بعد از آنکه این خطه را دچار قتل و غارت و هرج و مرج عمومی نمود که چند ماه است شغل من روایت وقایع آن‌است حالا مقام خود را رهانموده و سرگردان است. از ژاندارم جنرال مالتا که بواسطهٔ اغتشاش و خرابی وضع مأمورین محلی تا حال یك نفر بوجود نیامده و ظاهراً همه‌چیز را فراموش نموده ۵ هزار نفر قشونی که در فبروئری [فوریه] گذشته در اینجا برقرار شد بکلی معدوم‌شدند و کلیتاً منحصر به ۳۰۰ نفر اشخاص مندرس شدند که هنوز به مطالبهٔ حقوق ۹ماههٔ خود باقی هستند و از توپهای مرسوله با قشون سیار یك عراده را که سارقین بهارلو گرفته و مابقی اثرات آتشبار خود را در شیراز بروز دادند، همچو معلوم می‌شود که تمام این تدارکات برای این بود که یك قسمت منظم این خطه را منقلب و باقی را ویران بنمایند.

تقریباً در تمام قراء واقعه در دشتهای خرم اطراف شیراز یا حاصل را غارت نموده یا پایمال نموده‌اند و تنها منشأ عملیات مشهودهٔ دولت ایران بیشتر از هر وقت باعث بدبختی و فلاکت شده با بی‌قاعدگی و رنجش زیادتر. از این رو آنچه در اوضاع فارس دقت بشود هیچ علامتی دیده نمی‌شود که بتوان تصور نمود دولت ایران حالا از سال قبل بیدارتر شده و ملتفت مسئولیتهای خود گردیده و دلیلی هم در ضمن نیست که اگر درصدد اصلاحات برآیند مجدداً همان نتیجهٔ سابق را نخواهد بخشید و کماکان منجر به یك عاقبت وخیمی نخواهد شد.

در خاتمهٔ این مشروحهٔ بی‌ترتیب جسارتاً خاطر محترم را به این نکته معطوف می‌دارم که مستحفظین سواره و پیاده (از سواره ۲۵ و پیاده‌نظام ۷۹) مأمور اینجا در عرض ۵ ماهه تحصن قوام‌الملك در قنسولخانه در محاسن خدمتگزاری خود فروگذار

ننموده‌اند. در عرض این مدت احتیاط فوق‌العاده لازم بوده و مستحفظین مزبور با کمال شوق و لیاقت به کشیك دائمی قیام نموده‌اند که خیلی بیش از اندازهٔ قانونی آنها بوده. من نیز مغتنماً اظهار کمال تشکر را از مستر اسمیت معاون ریاست تلگرافخانهٔ هند و اروپ می‌نمایم هم از بابت مساعدتهای پرقیمت او به من در مسئلهٔ ایلات که از تجربیات ۲۰ سالهٔ او در بین آنها من استفادهٔ کامل نمودم و هم از بابت مساعدت او بر ارسال بسیاری از مکاتبات محرمانهٔ من در مواقعی که من سخت گرفتار کثرت مشغله بوده‌ام. من نیز جسارت نموده و خاطر عالی را از وضع خدمتگزاری قابل تحسین میرزا فضل‌الله‌خان منشی قنسولگری مستحضر می‌دارم که اگرچه مستخدم دائمی دولت نیست و اسماً روزی ۴ ساعت به استخدام قنسولگری پذیرفته شده ولی تقریباً تمام وقت خودش را آزادانه و صمیمانه مصروف داشته که در عرض مدتی که قوام‌الملك در اینجا بود و کارهای ایرانی فوری پیدا می‌شد و من او را لازم داشتم همیشه حاضر باشد و در مواقع مختلف به دولت انگلیس خدمات نمایان نموده و امتحانات کامل از فدویت خودش داده که من نمی‌توانم از تمجید آن صرف‌نظر بنمایم.

امضاء ج. ج. ناکس

www.adabestanekave.com

فهرستها*

۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا ششم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شمارهٔ هر جلد را قبل از ذکر شمارهٔ صفحات مربوط در [ ] قرار داده‌ایم.

۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نامهای کسان

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانهٔ آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین‌رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج ۴] ۸۳۳
آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳ـ۷۹۵
آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶
آقازادهٔ نراقی [ج ۶] ۱۲۵۱
آقا سید جمال‌الدین واعظ [ج ۱] ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۳۰
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴

آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴، ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۲
آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸
آقا محمدمهدی [ج ۱] ۴۶
آقا میرزا ابراهیم مجتهد [ج ۶] ۱۲۶۶، ۱۲۶۷
آقانجفی [ج ۱] ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۹، ۵۲۳، [ج ۴] ۸۲۲
آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۹۲، ۹۵۶
آکانر نك: اوکانر

ابراهیم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴
اپختانوف (پاخیتونوف؟) [ج ۶] ۱۳۰۰
اتابك [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱، [ج ۴] ۹۰۶
اتابك اعظم [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
اجلال‌الملك [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۵۴۶، ۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
احتشام‌الدوله [ج ۶] ۱۳۴۰
احتشام‌السلطنه [ج۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ ـ ۱۷۸، ۲۶۴، [ج ۳] ۷۲۷
احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵، [ج ۵] ۱۲۰۱
احمدخان [ج ۳] ۷۱۶
احمدخان شش‌بلوکی [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱
احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴
احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۴، ۷۴۳ (نك: ولیعهد)
احمدمیرزا (سلطان احمدمیرزا) [ج ۱] ۲۰، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
ادواردز (ژنرال) [ج ۵] ۱۱۱۲
ادوارد هفتم (پادشاه‌انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴، ۸۵۵
ادیب‌التجار [ج ۱] ۳۵
ارباب رستم [ج ۳] ۷۸۷
ارباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸
ارشدالدوله [ج ۳] ۷۵۶، [ج ۵] ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۷
اسپرینگ‌رایس (سر) [ج۵] ۹۷۶، ۹۸۷، [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸
استد [ج ۱] ۱۸۸
استراگراوسکی ـ استروگراتسکی [ج ۱] ۳۰۰، [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
استروس [ج ۳] ۷۶۲، [ج ۶] ۱۲۸۳
استوارت (استووارت) [ج ۱] ۷۰
استوپولو (سر ـ مسیو) [ج ۵] ۱۱۶۳
استوکس(ماژور) [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳، [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹،

۹۴۲، [ج ۵] ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲ ـ ۱۱۴۶، ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ ـ ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ـ ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۲۵ ـ ۱۲۲۸، ۱۲۴۴، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۹۶، ۱۳۱۱، ۱۳۲۲، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۸، ۱۳۶۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۴۰۷، ۱۴۲۱

استیونس ـ استه‌ون ـ استونز ـ استونس [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۹

اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵

اسدالله‌میرزا ـ شاهزاده اسدالله‌میرزا [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶

اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱

اسعدالسلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶

اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹، [ج ۵] ۱۰۱۱

اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱

اسکندرخان (پسرسردارظفر) [ج ۴] ۹۳۰

اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، [ج۶] ۱۴۲۵، ۱۴۲۹

اسماعیل‌خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۹۷

اسمیت (سی. اس) [ج ۴] ۸۰۶، [ج ۵] ۱۰۸۵، [ج ۶] ۱۴۶۹، ۱۴۸۳

اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹

اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱

اسیکك (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۰

اصغرخان [ج ۱] ۲۴۹

اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹

اعدل‌الدوله [ج ۲] ۵۳۱

اعزازالممالك [ج ۲] ۴۲۶

اعظم‌الدوله [ج ۶] ۱۴۵۶

افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰

اقبال‌الدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۸

اقبال‌السلطنه [ج ۲] ۴۸۹

اقتدارنظام [ج ۱] ۲۸۲

اکبرمیرزا [ج ۱] ۲۴۹

اکبرخان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴

اکرم‌السلطان [ج ۱] ۵۲

اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲

اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶

اکفرد [ج ۶] ۱۳۹۱

الکسیس (گراندوك) [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱

ام‌الخاقان [ج ۳] ۷۸۶

امام‌جمعه [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴

امام‌جمعهٔ خوی [ج ۱] ۹۹

امام‌جمعهٔ شیراز [ج ۶] ۱۴۶۴

امام‌زاده [ج ۳] ۶۹۰

امامقلی‌خان [ج ۳] ۷۳۰

امامقلی‌میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲

امان‌الله‌خان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۵

امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۲۰۶

امیراسعد (پسر سپهدار) [ج ۵] ۱۰۳۷

امیراعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱، [ج ۶] ۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۴۴۹
امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲، [ج ۶] ۱۳۴۰
امیرالممالك [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
امیربهادر ــ امیربهادرجنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۵۱ ــ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ ــ ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶، [ج۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
امیرتومان ــ امیرتومان سوادکوهی (اسماعیلخان) [ج ۵] ۱۰۱۲
امیرجنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
امیرحشمت [ج ۵] ۱۰۱۱
امیرخان سردار [ج ۵] ۱۰۵۶
امیر سیف‌الدین‌میرزا [ج ۴] ۸۱۲
امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
امیرمجاهد بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج۶] ۱۲۸۶، ۱۴۴۵
امیر مفخم ــ امیر مفخم بختیاری [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸، [ج۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲ ــ ۱۲۳۴، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۵
امیرمکرم [ج ۲] ۴۶۹، [ج۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۹
امیرنظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
امین‌الدوله [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
امین‌السلطان [ج ۱] ۳۲، ۳۶
امین‌الممالك [ج ۴] ۷۶۸
امین‌دربار [ج ۳] ۶۷۴
انتظام‌الملك [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
انتظام‌الممالك [ج ۶] ۱۴۶۲، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶ (نیز نك نصرالدوله)
اوبرن (اوبرون ــ ابیرن ــ اپرون) [ج ۳] ۵۸۴ ــ ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ ــ ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴ــ۶۶۶، [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ ــ ۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸ــ۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹ ــ ۱۲۸۲، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵ ــ ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ ــ ۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴ــ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ ــ ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳
۱۲۲۲، ۱۲۴۳
اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
اوکانر ــ اوکونر ــ اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
اهرنسوارد (کنت) [ج۶] ۱۲۷۳
ایازخان دره‌شوری (شولی) [ج۶] ۱۴۶۷
ایزولسکی ــ ایس‌ولسکی ــ ایزوالسکی ــ ایسوولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵،

۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱،
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰،
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰،
۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴،
۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲]
۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱،
۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵،
۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳،
۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴،
۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴،
۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹،
۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷،
۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵،
۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲،
۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶،
۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴،
۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹،
۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲،
۸۹۶، [ج ۵] ۱۱۸۳، [ج ۶]
۱۳۶۳
ایل‌بیگی [ج ۳] ۶۳۱

بارکر [ج ۱] ۱۴۲
بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶. ۳۵۰،
۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲،
۴۷۳، ۴۹۸. ۵۱۲، [ج ۳] ۵۵۴،
۶۵۳، ۶۶۴. ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷ ـ
۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵. [ج ۴] ۸۲۹،
۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱، [ج ۵] ۹۷۵،
۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،
۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳،
۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱،
۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳،
۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶،
۱۲۲۷، [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۵۴،
۱۲۵۶، ۱۲۹۶، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶،
۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۵، ۱۳۲۴،
۱۳۲۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹،
۱۳۷۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹،
۱۴۱۰، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸، ۱۴۴۱
بارانوسکی ـ بارناوسکی ـ بارن‌اوسکی ـ
بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱،
۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲،
۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳]
۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱،
۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲ـ۶۸۴،
۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳
بارون استواك (مصباح‌السلطان) [ج ۳]
۷۵۶
باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳
باقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۴
باقرخان[ج۲] ۳۸۷،۴۶۴،۴۸۹، ۴۹۳،[ج
۳] ۵۵۶ـ۵۵۸،۵۸۵،۵۹۱، ۵۹۲،
۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲،
۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹،
۸۱۴، ۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴ـ
۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ
۹۱۹، ۹۲۸، [ج۵] ۱۱۵۲
باکالی [ج ۳] ۶۸۸
باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹
بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷
بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶
بسرایس (جیمز) [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲،
۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷
برتی (سر فرانسیس) [ج۵] ۹۸۵، [ج۶]
۱۴۰۳، ۱۴۰۵ـ۱۴۰۷
برل (نایب) [ج۶] ۱۳۴۸
برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵
برن‌هم ـ بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹،
۷۰

برون [ج ۱] ۷۰
بریوت (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
بشیر خاقان [ج ۳] ۶۴۹
بلارانوف [ج ۱] ۶۴
بلك (لفتننت) [ج ۱] ۱۲۷
بلك‌من [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱
بنکن‌دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴، ۷۳۵، [ج۴] ۸۴۰، [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۶۴، ۱۲۹۱، ۱۳۱۸، ۱۳۲۳، ۱۳۲۷، ۱۳۸۳، ۱۴۰۳، ۱۴۰۶، ۱۴۱۰، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳
بومن [ج ۱] ۸۲
بهاءالسلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱، [ج۶] ۱۴۶۵
بهاءالسلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱
بهاءالواعظین [ج ۱] ۲۶۲
بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
بهادرالملك [ج ۵] ۱۲۰۷
بهبهانی [ج ۳] ۶۹۰
بهرام‌خان [ج ۴] ۸۱۲، [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴، [ج ۶] ۱۲۸۵، برادر بهرام‌خان [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۹
بهرام‌میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳] ۷۱۳
بیزو ـ بیزوت [ج۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱ ـ ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹ـ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸ـ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، [ج ۲] ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸، [ج ۴] ۷۷۵، ۸۲۵، ۸۴۹، [ج ۵] ۱۱۲۰
بیگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷
بیل [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷
بیوکانان (سر) [ج۶] ۱۳۹۱، ۱۴۰۳، ۱۴۰۵، ۱۴۱۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۶
بیوك‌خان (پسر رحیم‌خان) [ج ۱] ۵۱، ۵۳
پاری [ج ۱] ۲۸
پاسك [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۰، [ج ۵] ۹۹۷
پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳] ۵۹۳
پاکلوسکی ـ پاکـلاوسکی [ج ۳] ۶۹۲، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵، ۸۰۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱ ـ ۸۸۳، ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲، ۹۲۷، ۹۳۵، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰، ۱۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰، [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۹۷، ۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۰،

۱۳۱۴، ۱۳۱۷ ـ ۱۳۱۹، ۱۳۲۱،
۱۳۲۴ـ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰،
۱۳۴۷، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴،
۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۲،
۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱،
۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵،
۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۴۰۰، ۱۴۰۸ ـ
۱۴۱۰، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۳۸،
۱۴۵۱

پتروف [ج ۴] ۹۷۰

پرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷

پرویز [ج ۱] (نك: شاه جهان)

پری‌بینی‌زوف (کاپیتان) [ج ۳] ۶۴۳، ۶۸۷، ۷۰۶

پریم [ج ۱] ۲۵، ۴۲

پسر داودخان کلهر [ج ۳] ۷۱۱

پسر رحیم‌خان [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰، ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نك: بیوك‌خان)

پسر سردار اسعد [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷

پسر ظل‌السلطان [ج ۳] ۶۶۴، ۶۶۵

پسر نایب‌حسین [ج ۴] ۹۵۷، ۹۵۸

پطروف [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹

پوتك (ادوارد) [ج ۵] ۱۱۷۲

پیترز (سیرجنت) [ج ۵] ۱۰۹۸

پیترسن (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸

تاجرباشی ـ تاجرباشی روس [ج ۳] ۵۹۳، [ج ۴] ۹۳۸، [ج ۵] ۱۱۶۳

ترور (کاپیتان ـ میجر ـ مسیجر؟) [ج ۲] ۴۶۶، [ج ۴] ۸۲۰

تزار [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۷

تقی‌زاده [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۲، ۲۶۳، [ج ۳] ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۱۴، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۶

تمدن‌الملك [ج ۵] ۹۷۳، ۱۲۴۷

تومانیانس [ج ۵] ۱۲۱۹

تیمورخان [ج ۱] ۱۵۷

ثقة‌الاسلام [ج ۲] ۴۸۸، [ج ۳] ۵۹۱

ثقة‌الملك [ج ۴] ۸۱۸، ۸۲۱

جلال‌الدوله [ج ۱] ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۴] ۶۹، ۹۶۶، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۵۷

جنتلمن [ج ۴] ۸۰۶

جواد خان [ج ۴] ۸۳۶

جوجو (ججو) [ج ۵] ۱۰۳۸

جولد (گولد) برانـد (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸

جهانگیرخان (صوراسرافیل) [ج۱] ۲۳۹، ۲۴۶

جیمز ـ جیمس [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶

جیهند ـ جهیند [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰

چرچیل [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۵۱ـ۵۵۴، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳،

۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲،
۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳،
[ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱،
[ج ۶] ۱۳۸۹
[ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱
چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳،
۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴ـ۲۹۹،
۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳]
۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵
چیك [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳، [ج۵] ۱۱۹۵،
[ج۶] ۱۴۴۲

حاج امام‌جمعهٔ خوئی [ج۶] ۱۳۸۹
حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳
حاج شیخ‌الرئیس [ج ۴] ۹۲۹
حاج‌میرزا رضاخان [ج ۴] ۷۷۸
حاجی آخوند (مجتهد) [ج۴] ۷۹۵
حاجی‌آقا [ج ۴] ۹۳۷
حاجی‌آقا محسن (اراکی) [ج ۱] ۵۵
حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲
حاجی ایلخانی [ج ۵] ۱۰۲۳
حاجی خسروخان [ج ۳] ۷۶۲
حاجی رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۳۹
حاجی رحیم‌خان [ج ۲] ۵۳۰
حاجی سیف‌الدوله [ج۳] ۷۶۵، [ج ۶]
۱۲۸۳، ۱۳۳۹
حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱
حاجی عزالممالك [ج۶] ۱۳۸۸
حاجی علی‌آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹،
۶۰۳
حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱
حاجی قوام [ج ۵] ۱۲۰۷
حاجی مجدالدوله [ج ۳] ۷۰۷، [ج ۵]
۱۱۳۱، ۱۲۰۵
حاجی‌محمد (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵
حاجی محمدباقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵،
۷۹۶، ۸۳۰
حاجی محمدحسین کازرونی [ج ۱] ۳۵
حاجی محمدکریم‌خان (قشقائی) [ج ۵]
۱۰۵۸
حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹
حاجی میرزارضاخان [ج ۵] ۱۰۵۵
حاجی میرزا علی صراف اصفهانی [ج۵]
۱۲۴۷
حاجی‌نایب [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲]
۵۳۱
حبیب‌الله‌خان [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۴] ۹۶۰
حسام‌الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹
حسام‌الملك [ج ۶] ۱۳۴۰
حسن بخشو (نك: بخشو)
حسن (وثوق‌الدوله) نك: وثوق‌الدوله
حسین (پسر نایب‌الصدر) [ج ۱] ۲۸۶
حسین‌خان (معین‌الوزاره) [ج۶] ۱۳۴۱
(نیز نك معین‌الوزاره)
حسین‌خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴
حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴
حسینقلی‌خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵،
۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰،
۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۹،
۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶
حسینقلی‌خان نواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶،
[ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰
حسینقلی شاهسون [ج ۵] ۱۰۳۷
حشمت‌الدوله [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳
حشمت‌السلطان (علی‌خان) [ج ۶] ۱۴۸۱
حشمت‌الملك [ج ۱] ۳۵، [ج ۵] ۱۰۳۸،
۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳،

۱۲۰۷، ۱۲۳۱
حشمت‌الممالك [ج ۴] ۸۳۴
حکیم‌الملك (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵، [ج۶] ۱۳۳۵
حمیدی [ج ۱] ۱۶۷
حیدرخان [ج۶]، ۱۳۳۸
حیدرخان کمارجی [ج ۳] ۷۶۴

خازن‌الملك [ج ۴] ۷۹۵
خاص‌آقا [ج ۲] ۴۲۶
خان انگالی [ج ۳] ۶۵۷، [ج ۵] ۱۰۴۰
خا بنادر سرحد (روس) [ج ۵] ۱۱۹۱
خان بندر (بوشهر) [ج ۴] ۸۷۳
خان بندر ریگ [ج ۳] ۷۱۶
خان کمارج [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲،
۱۰۸۰
خان ماکو [ج ۳] ۶۶۳
خبیرالدوله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹
خسروخان [ج ۱] ۸۳، [ج ۲] ۴۷۱،
[ج ۳] ۶۴۹
خوانین شهرابی [ج ۵] ۱۰۷۷
خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳] ۷۵۵
خوردل (علی‌اکبر) [ج ۶] ۱۴۷۷

دابیژا ـ دابیجا ـ دابیجی ـ داپی‌چا
(پرنس) [ج ۱] ۹۳، [ج ۳]
۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۷
داته (مسیو) [ج ۶] ۱۳۲۴
داراب‌میرزا [ج ۴] ۸۵۲، ۸۶۳، [ج ۵]
۱۱۶۹، ۱۱۷۸
دارسی [ج ۴] ۸۱۵، ۸۳۱
داگلاس ـ دوکلاس (کلنل) [ج۶] ۱۳۱۹،
۱۳۹۸، ۱۴۵۲
دالتون [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۰
داودخان [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰،
۵۳۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵،
۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶،
۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰، [ج ۶]
۱۲۸۷
۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰
داودخان کلهر (نك: داودخان) [ج ۳]
۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۶،
۹۱۰، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹،
۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱
داودساسون وکمپانی [ج ۳] ۶۵۶
دبیرالملك [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵
دریابیگی [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]
۴۷۲، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳،
۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳،
۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴
۹۴۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۱۰۰۰، [ج۶]
۱۳۴۱
دمرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
دواتر (مسیو) [ج ۶] ۱۳۲۴
دوداین [ج ۳] ۶۹۸
دوکارت (ماژور) [ج ۱] ۱۳۸
دوگلاس (کلنل) [ج ۱] ۱۰، ۶۲، ۶۴
دولت‌آبادی (محمدخان) [ج ۳] ۶۰۰
ده‌بزرگی (علی‌اکبر) [ج۵] ۱۱۱۸، [ج۶]
۱۴۶۳، ۱۴۶۴
دیکی (بروس) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳،
۱۱۴۶

ذکاءالملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۴] ۷۷۸،
۸۹۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، [ج ۶]

رئیس روحانی کربلاء [ج ۳] ۷۱۲
رئیس‌علی [ج ۳] ۷۱۶، ۷۳۳
رئیس‌علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نك: رئیس‌علی)
رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۴۲۵، [ج ۵] ۱۲۰۰
راتیسلا ـ راتیس‌لو ـ رتیس‌لو [ج ۱] ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ ـ ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲ـ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۹
رامل (بارون) [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳
رانژل (کنت) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷
رتیسلا [ج ۴] ۸۱۱
رجب‌افندی [ج ۱] ۵۲
رحیم‌خان [ج۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹، [ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۴۸ـ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶ـ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۹ـ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۲۰۲، [ج ۶] ۱۳۳۷
رس (خانم ـ مادموازل) [ج ۶] ۱۲۶۵، ۱۲۶۸، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۶، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹
رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۹۹
رشیدالسلطان [ج ۴]۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲
رشیدالملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱، ۴۷۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، [ج ۵] ۱۱۶۱، ۱۱۶۲
رفعت الدوله [ج ۳] ۶۴۹، ۷۲۹
رفعت‌نظام [ج ۳] ۷۶۳، [ج ۶] ۱۴۴۹
رکن‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱۴۴۸، ۱۴۷۱
رنکینگ (لفتننت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴] ۸۱۱
روتر [ج ۴] ۹۴۲
رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۷۰۵
ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶
ریت‌میستر سیف‌ورت [ج ۶] ۱۳۴۷

زاپولسکی ـ زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳] ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶
زایر خزر ـ زایر خدر (زایر خضر) [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱
زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶
زلیونیکستن (مستر) [ج ۵] ۱۱۵۰
زمان‌خان [ج ۵] ۱۰۹۸

زیقلر ـ زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲

ژرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴

سابلین ـ سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳ـ۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۵

سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴] ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۱۰۵، [ج ۶] ۱۴۰۳ ـ ۱۴۰۷، ۱۴۱۴، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹ ۱۰۱۴، ۱۱۰۵

ساعدالدوله [ج ۱] ۴۳

سالار ارفع [ج۲] ۳۸۳ (نك: سردارظفر)

سالار اشرف [ج ۲] ۲۳۰

سالارالدوله [ج۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۰۸ ـ ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱ ـ ۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۸، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶ ـ ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۲۸، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶؛ سالارالدولهٔ قاجار [ج ۵] ۱۲۳۶

سالارالسلطان [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶، [ج ۲] ۳۸۵

سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲

سالار مسعود [ج ۴] ۸۲۳

سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹

سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹

سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹، [ج ۵] ۹۸۱

سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰

ساکس ـ سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج ۲]، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۷۹۶، ۸۳۰، [ج۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱

سپهدار ـ سپهدار اعظم [ج ۱] ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۱ـ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷ـ۶۰۹، ۶۱۱ـ ۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹،

۶۴۱ـ۶۴۵، ۶۸۱ـ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴ـ۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱ـ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۵ ـ ۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷، ۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵، ۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷

سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹

ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶، [ج ۳] ۵۵۶ـ۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۶، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴، ۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۴ـ ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ۹۱۹، ۹۲۸،

سردار احتشام (ضیغم‌الدوله) [ج ۶] ۱۴۷۸ (نیز نك ضیغم‌الدوله)

سردار ارشد [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵، ۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹

سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸، ۷۶۵

سردار اسعد [ج۱] ۲، [ج۲] ۴۳۳، ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۷۹ـ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۶ ـ ۶۴۵، ۶۸۱ـ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴ـ۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳، [ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۳، ۹۱۶، ۹۲۲، ۹۳۷ـ۹۳۹، ۹۵۴، ۹۶۷، [ج ۵] ، ۱۰۳۶، ۱۰۴۳، ۱۰۴۷ ـ ۱۰۴۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۸، ۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۹۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷، [ج ۶] ۱۲۵۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۲۹

سردار اشجع ـ سردار اشجع بختیاری [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸

سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶، [ج ۵] ۱۱۵۲

سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰، [ج ۵] ۱۲۱۰، ۱۲۳۴

سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳

سردار بهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴] ۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳،

۸۴۵، ۸۵۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۸، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰
سردارجنگ ـ سردار جنگ بختیاری [ج ۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۰، [ج۵]۱۱۹۸، [ج۶] ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰، ۱۴۴۵
سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴
سردار سعیدخان (کپی) [ج ۱] ۱۵۹
سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳، [ج ۴] ۸۳۴، ۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷
(نك: سالار ارفع)
سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹، [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴، [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰
سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱
سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱، [ج۴] ۹۳۱، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۴
سردار محیی (معزالسلطان) [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶ـ۹۱۸، [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵، [ج ۶] ۱۲۸۷
سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵
سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶، [ج ۵] ۱۲۳۱
سردار مظفر (داودخان) [ج ۶] ۱۳۴۰
سردار معتضد (بهجت‌الملك) [ج ۱] ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۵] ۱۰۹۹
سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹
سردارمنصور [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸، [ج۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷
سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸، [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱، [ج۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، [ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۰
سردار همایون [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۲۲۹
سعدالدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶ـ۸۸، ۹۲، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵، [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰ـ ۵۵۳، ۵۵۹ـ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷ـ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴، [ج ۵] ۱۱۹۶
سعدالسلطنه [ج ۱] ۳۲۲
سعدالملك [ج ۳] ۷۴۳
سعیدالسلطنه [ج ۱] ۹۵
سعیدالممالك [ج ۲] ۵۹۹
سعیدخان [ج ۵] ۱۱۵۴، [ج ۶] ۱۲۸۵
سلطانعلی‌خان وزیر دربار [ج ۲] ۴۱۲،

۴۲۸
سلیمان‌میرزا [ج۱] ۲۱۷
سلیم‌خان بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
سهام‌الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۶ـ۷۴۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
سهام‌السلطنه [ج ۲] ۵۲۳
سید [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹
سید ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹
سید احمد (دستکی) [ج ۱] ۱۷۵
سیداسدالله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷
سید اسدالله نجفی [ج ۳] ۶۱۲
سیداکبر [ج ۱] ۱۷۴
سید اکبرشاه [ج ۵] ۱۱۵۴
سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱
سیدجعفر [ج ۳] ۵۶۹
سیدجمال‌الدین (واعظ؟) [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
سیدحسن [ج ۱] ۲۶۲
سید حسین لاری [ج ۲] ۴۱۰
سید شبر [ج ۳] ۷۳۳ (نك: شیخ‌شبر)
سید شهاب [ج ۱] ۱۳۸
سید عبدالله ـ سید عبدالله مجتهد [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نك: آقا سید عبدالله مجتهد)
سید عبدالحسین [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۳، ۷۱۴
سید عبدالحسین‌لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۹
سید عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶
سیدعلی یزدی [ج ۱] ۱۴۵
سید کمال‌الدین [ج ۳] ۷۱۱
سید لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱، [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱
سید محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳] ۷۱۳
سیدمرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶، [ج ۴] ۹۶۴
سیدمرتضی اهرمی [ج ۳] ۷۴۷ (نك: سید مرتضی)

شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
شاه‌جهان (شاه جهانیان) ـ پرویز [ج ۱] ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۳۲، ۴۵۳ (نك: فرمانفرما)
شاهزاده نایب‌السلطنه [ج ۲] ۳۴۶ (نك: نایب‌السلطنه)
شاه‌مخلوع [ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۷، ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶ ـ ۱۱۵۸، ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶ ـ ۱۱۷۹، ۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵ـ ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴ ـ ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳، [ج ۶]

۱۲۶۱، ۱۲۶۳، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳،
۱۲۷۸، ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹،
۱۲۹۲، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۱،
۱۳۰۲، ۱۳۰۴، ۱۳۱۲، ۱۳۲۱،
۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲،
۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷،
۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵ ـ
۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴،
۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱،
۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲، ۱۴۴۱،
۱۴۴۸، (نیز، نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌شاه قاجار، محمدعلی میرزا)
شجاع‌التولیه [ج ۳] ۶۴۷
شجاع‌الدوله نك: صمدخان
شجاع‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۳۵
شجاع‌الملك [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵
شجاع‌نظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹
شجیع‌الملك [ج ۳] ۷۲۹
شعاع‌السلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶، [ج۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۰، ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۲۰، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۶، ۱۳۶۰ ـ ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
شکرالله [ج ۳] ۸۰۸
شکسپیر (کاپیتان) [ج ۲] ۴۶۵
شوستر، مورگان [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۹ ـ ۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۶، ۱۱۴۶ ـ ۱۱۴۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۶۴، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۴، ۱۲۷۹ ـ ۱۲۸۲، ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۶، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۳ ـ ۱۳۰۵، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰ ـ ۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۸ ـ ۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۴، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱۴۰۰ ـ ۱۴۰۲، ۱۴۰۴، ۱۴۰۷ ـ ۱۴۰۹، ۱۴۱۴، ۱۴۲۳، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۹، ۱۴۶۱
شوکت‌الملك [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷
شهاب‌الدوله (اسدالله‌میرزا) [ج ۴] ۷۷۳ (نك: اسدالله‌میرزا)
شهاب‌السلطنه [ج ۴] ۹۶۹، [ج۵] ۱۲۳۰
شوکت‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴
شوکت‌الملك [ج ۳] ۷۲۹
شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳
شیخ‌آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
شیخ‌اسماعیل هشترودی [ج ۴] ۸۹۰
شیخ‌الرئیس [ج ۱] ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
شیخ حسین چاه‌کوتائی [ج ۳] ۷۱۶
شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲
شیخ زکریا [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵، [ج۳] ۷۱۳، ۹۴۱

شیخ‌شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نك: سید شبر)
شیخ‌عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۳۲
شیخ‌علی [ج ۳] ۷۳۴
شیخ‌علی دشتی [ج ۳] ۷۳۳
شیخ فضل‌الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵ [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹، [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۷
شیخ محمدحسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸
شیخ محمود [ج ۱] ۲۹
شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲
شیرخان [ج ۲] ۵۳۳
شیندلر ـ شنیدلر [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۳۹، ۱۳۹۲
صاحب‌اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹ـ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۷۰، [ج ۳] ۶۰۲، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
صارم‌الدوله [ج ۳] ۷۳۰
صارم‌الملك [پسر ارشد سردار ظفر] [ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰
صارم‌الممالك [ج ۴] ۹۰۹
صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱
صدرالدین‌بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
صدرالعلماء [ج ۲] ۳۸۴
صدیق‌الحرم [ج ۱] ۲۶۲
صدیق‌حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸
صدیق‌السلطنه [ج ۳] ۷۲۸
صمدخان [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴، [ج ۳] ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱، [ج۵] ۱۰۱۰، ۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ ـ ۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۷ ـ ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۴۴۱، ۱۴۴۷
صمصام [ج ۲] ۴۳۲
صمصام‌خان [ج ۲] ۳۵۱
صمصام‌السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲] ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶ـ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰، [ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۳۴۹، ۱۴۳۹، ۱۴۴۳ ـ ۱۴۴۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵
صمصام‌الملك [ج ۲] ۳۸۴
صمصام‌الممالك [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۰۲، ۹۶۰
صمصام‌الممالك سنجابی [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
صمصام‌نظام [ج ۵] ۹۸۲
صنیع‌الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸ـ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۷ـ ۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰

صنیع‌حضرت [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۰، ۷۰۷
صولت‌الدوله [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳، ۷۱۳ـ۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸ـ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲ـ۸۹۴، ۹۰۸ـ۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷ ـ ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ ـ ۱۲۴۶، [ج ۶] ۱۲۵۴ـ۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶ ـ ۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱ ـ ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
صولت‌السلطنه [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴، [ج۶] ۱۲۷۹، ۱۴۷۸، ۱۴۸۱
صولت‌الملك [ج ۴] ۷۸۹

ضرغام [ج ۳] ۷۳۶
ضرغام‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۸
ضرغام‌السلطنه [ج۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
ضرغام‌السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶
ضرغام‌الشریعه [ج ۶] ۱۴۶۴
ضرغام بختیاری (حسین‌خان) [ج ۳] ۷۶۲
ضرغام‌نظام [ج ۵] ۱۱۰۰
ضیاءالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۰
ضیغم‌الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹، [ج ۶] ۱۲۶۹، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱ (نیز نك سردار احتشام)
ضیغم‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶

ظفرالسلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۵۲، [ج ۶] ۱۴۸۰
ظل‌السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶ـ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰ـ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹،

۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳،
۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵،
۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴،
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴،
۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۹
۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۸۵،
۱۰۱۱، [ج ۶] ۱۴۸۰
ظهیرالاسلام [ج ۵] ۱۲۰۵
ظهیرالدوله [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸،
۱۷۳، ۲۳۹، [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱،
[ج ۴] ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۱۲،
۱۰۵۶، [ج ۶] ۱۳۳۷
ظهیرالسلطان [ج۴] ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]
۹۸۰
ظهیرالملک [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۳] ۷۱۱،
۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶

عباس‌آقا (قاتل‌اتابك) [ج ۱] ۹۴
عباس‌خان افشار [ج ۱] ۱۵۸
عباس‌خان چناری [ج ۴] ۹۴۰، [ج ۵]
۱۰۷۷، [ج ۶] ۱۲۸۳
عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹
عباسقلی‌خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲،
[ج ۲] ۳۴۶، [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴،
۸۸۷
عباسقلی‌خان نواب [ج۱] ۲۶۴، [ج ۴]
۸۸۶
عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸، [ج ۲]
۳۸۳
عدل‌الدوله [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۷۱۰
عدیل‌الملك [ج ۱] ۱۷۴
عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵۴
عضدالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، [ج
۶] ۱۳۳۳، ۱۳۴۰

عضدالملك [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴،
۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲ـ۲۱۵، [ج ۳]
۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰،
۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶،
[ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷
عطاءالدوله [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵،
۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴،
۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج۵] ۱۲۰۷،
[ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
عطاءالسلطنه [ج ۵] ۱۱۱۵
عطاءنظام [ج ۵] ۱۱۱۵
علاءالدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳،
۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲،
۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴ـ
۲۱۷، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳]
۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶،
۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰،
۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵،
[ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱، [ج ۶]
۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶ ـ
۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶ ـ ۱۲۷۸،
۱۲۸۹، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹ ـ
۱۳۴۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۴۴۵،
۱۴۴۹، ۱۴۷۵، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
علاءالسلطنه (محمدعلی) [ج ۱] ۳۲،
۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶،
۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰،
۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵،
۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱ـ
۳۰۳، ۳۳۰، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳،
۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲،
[ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۴،
۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵
علاءالملك (محمودخان) [ج ۱] ۸۱،
۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۱،

۳۶۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰، [ج ۵] ۱۰۷۴
علم‌الهدی [ج ۲] ۵۳۳
علی‌جان (چلپیانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸
علی‌خان [ج ۴] ۷۹۸
علی‌خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴
علیقلی [ج ۳] ۶۸۹، [ج ۵] ۱۱۵۴ (نك: سرداراسعد)
علیقلی‌خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰، [ج ۳] ۵۶۹ (نك: سردار اسعد)
عمیدالحکماء [ج ۴] ۷۷۸
عمیدالسلطان [ج ۲] ۴۶۰، [ج ۴] ۷۸۵
عین‌الدوله [ج۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۳۳۹

غریب‌خان [ج ۱] ۸۱، [ج ۳] ۷۰۹، [ج ۴] ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۴۵
غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
غفاری (محمدابراهیم) [ج ۴] ۸۳۲
غلامحسین‌خان وراوی [ج۴] ۷۸۹، ۹۶۲
غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰
غلام‌محمد (ماژور) [ج ۶] ۱۳۸۸

فاتح‌السلطنه [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۷۰۹
فاضل [ج ۳] ۷۴۴
فتح‌الملك [ج ۴] ۸۰۸
فخرالملك [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷
فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
فرخ (قاتل پرویزشاه‌جهانیان) [ج ۱] ۳۵
فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶، [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲ (نك: شاهزاده فرمانفرما)
فریدالملك [ج ۵] ۱۲۳۱
فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج۱] ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
فریزر [ج ۳] ۶۸۸
فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳
فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳
فلك (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰
فهیم‌الملك [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵

قائم‌مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹
قاسم‌آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶
قلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱، [ج۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴،

۷۱۵، [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴،
۱۱۰۳ ـ ۱۱۰۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵،
۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴،
۱۲۱۵، ۱۲۳۰
قوام‌الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰،
[ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹
قوام‌السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج۵]
۱۲۰۵، [ج ۶] ۱۴۳۵، ۱۴۴۳
قوام‌الملك [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵،
۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸،
۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸،
[ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳،
۷۳۰ـ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶،
[ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳،
۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰، [ج ۵]۱۰۳۲،
۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷ ـ
۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹،
۱۱۱۳ ـ ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸،
۱۱۸۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶،
۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۴، ۱۲۵۹،
۱۲۶۳ ـ ۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵،
۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴،
۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ ـ ۱۴۷۲،
۱۴۷۴ ـ ۱۴۷۷، ۱۴۷۹، ۱۴۸۱ـ
۱۴۸۳

کادلوبیکی (؟) [ج ۴] ۷۸۷
کارترایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳،
۶۳۳، ۶۳۵، ۷۳۱، [ج۵] ۱۱۱۲
کاره [ج ۱] ۱۵
کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰،
۱۲۱۱
کاشف‌السلطنه [ج ۳] ۶۷۴
کاظفر [ج ۴] ۸۰۸
کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲]
۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۳۶
[ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۱۴ ـ
۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶ کلنل
کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲ لیوتنان
کلنل کاکس [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰،
۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶، [ج ۶]
۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۳، ۱۴۷۰
کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
کامران‌میرزا [ج ۱] ۱۴۰
کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵
کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
کرمول [ج ۶] ۱۳۹۰
کرنت‌دوف (گرنت‌دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
کرنز، فرانك [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵،
۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴
کرستمس [ج۳] ۷۱۵
کری‌پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
کریم‌خان (برادرزادهٔ رحیم‌خان) [ج ۲]
۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸،
۸۲۱، [ج ۶] ۱۲۹۰
کسوباایف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴
کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
کلم (مسیو) [ج ۶] ۱۳۷۴
کلمستدت (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
کلمن (مسیو) [ج ۶] ۱۳۸۱
کلی [ج ۴] ۸۹۴
کوان، پاتریك [ج ۵] ۱۰۷۰
کورتین [ج ۵] ۹۹۳
کوکوفتسوف [ج ۶] ۱۳۷۲، ۱۳۷۳
کولن‌گامبل [ج ۳] ۷۱۹
کون [ج۳] ۷۵۵، ۷۵۶
کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹

کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
کیخا محمدعلی [ج ۴] ۸۰۸
کیرن (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
کیلمرناك ـ کیلمارناك (لرد) [ج ۵] ۱۰۴۴، ۱۰۸۵
کینگ‌استون‌ـکینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸

گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نك: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام ـ گراهم، گریهم، گرهم [ج ۱] ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶ـ۴۰۸، ۴۳۲، ۵۲۴ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷، ۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸، [ج۵] ۱۲۰۳، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، [ج ۶] ۱۲۹۸
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰ـ۸۶۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵، [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۸۰، ۱۳۲۵، ۱۳۴۴، ۱۳۵۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۸، ۱۴۲۹
گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰
گنجعلی [ج ۴] ۸۲۳
گندلخان [ج ۴] ۹۱۲

لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳
لانگ‌ـلنگ (لیوتنان) [ج۵] ۱۰۴۰
لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶
لشکرنویس‌باشی [ج ۱] ۱۲۴
لکفر (مستر) [ج ۶] ۱۳۰۱، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۹، ۱۳۷۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷ ـ ۱۳۹۹، ۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۵۵، ۱۴۶۱
لمسن [ج ۲] ۳۸۴
لوتار (لوتر ـ سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶، [ج ۶] ۱۴۵۳
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹
لونهاپت (نایب کنت) [ج ۶] ۱۳۴۸
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۱، [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳، [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹
لیس‌آوسکی ـ لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج ۴] ۹۰۱ـ۹۰۳
لی‌گس [ج ۱] ۱۲۸
لمیتین [ج ۴] ۸۰۶
لینتن [ج ۲] ۵۳۵
لینچ ـ لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳
لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

مؤتمن‌الملك [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸، [ج۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، [ج ۶] ۱۴۳۴
مؤیدالدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۲۱
مؤیدالسلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱
مارابل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶
مارکس اف‌کرو [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵
مارلینگ [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۳۵
مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴
مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸، [ج ۶] ۱۴۷۹، ۱۴۸۲
متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۳۹۰
مجتهد اعظم شیراز [ج ۶] ۱۴۲۲، ۱۴۶۸
متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵
مجدالملك [ج ۱] ۸۱
مجلل‌السلطان [ج۱] ۱۵۴، [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۳۳۷
مجلل‌السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶
محتشم‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱
محتشم‌السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰، [ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج۴] ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱ ـ ۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
محتشم‌الملك [ج ۱] ۱۷۴۰
محمدآقا [ج ۱] ۱۵۷
محمدباقر [ج ۳] ۷۱۶
محمدبن‌عبدالله [ج۳] ۶۶۸، [ج۶] ۱۴۳۲
محمدحسن‌خان (حاکم دررود) [ج ۴] ۷۹۵
محمدحسن‌میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵، ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۷۴
محمدخان [ج ۱] ۱۴۳
محمدخان (منشی قنسولگری انگلیس) [ج ۴] ۷۹۴
محمدخان دولت‌آبادی [ج ۳] ۶۰۰
محمدرضاخان [ج ۱] ۳۵، [ج ۴] ۹۶۰
محمدعلی (معاون نایب‌حسین کاشی) [ج ۵] ۱۰۷۵
محمدعلی‌خان‌کشکولی [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۸۴، [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱
محمدعلی [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌میرزا)
محمدعلی‌بیگ [ج ۳] ۷۰۱
محمدعلی‌شاه [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶، [ج۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۵۲، [ج ۵] ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷ ـ ۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷،

۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴،۱۲۳۵ (نك: محمد علی‌میرزا، محمدعلی‌شاه‌قاجار، شاه مخلوع)
محمدعلی‌شاه قاجار [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰
محمدعلی‌میرزا [ج۱] ۳، ۲۰،۱۰۳،۲۴۳، ۳۰۷، [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲_۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰_۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴] ۸۶۴، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۲ _ ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰ _ ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰ (نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌شاه قاجار، محمدعلی، شاه مخلوع)
محمدعلی نیشابوری [ج۴] ۹۳۸، ۹۶۸، [ج۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲
محمدقلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
محمدکریم‌خان قشقائی [ج ۵] ۱۱۱۴
مخبرالدوله [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۳۷ _ ۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۷
مخبرالسلطنه [ج۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶ ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲] ۴۸۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۸۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶
مخبرالملك [ج ۳] ۶۷۴
مختارالسلطنه [ج ۳] ۷۳۲
مدبرالدوله [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰
مدبرالسلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶
مدبرالملك (میرزا علی‌خان) [ج۲] ۳۳۴
مرتضی‌قلی‌خان [ج ۱] ۲۴۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵، ۱۲۳۲
مرل (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
مرنارد [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱، [ج ۴] ۸۹۰، [ج ۵]۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۱۷، [ج ۶] ۱۴۰۱
مزیل (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
مساوات [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵
مستشارالدوله [ج ۱] ۱۵۴،۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸، ۳۸۱، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳
مستشارالسلطان [ج ۳] ۶۷۴
مستشارالسلطنه [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶
مستشاردفتر [ج ۲] ۴۲۶
مستوفی‌الممالك [ج۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶، ۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱، ۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷
مسعودخان [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲
مشیرالدوله [ج ۱] ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۶۰_۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰،

۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴
مشیرالسلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۳۸، [ج ۲] ۵۵۳، ۵۶۳، [ج ۴] ۷۸۳
مشیرالملك [ج ۱] ۳۱، [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۵] ۱۰۹۸
مشیرالممالك [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴
مصباح‌السلطان [ج ۳] ۷۵۶
مصطفی‌میرزا [ج ۳] ۷۴۵
مظفرالدوله [ج ۲] ۳۸۹
مظفرالـدینشاه [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۵] ۱۲۳۴
مظفرنظام [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴
معاضدالسلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۲۰۵، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴
معاضدالملك [ج ۵] ۱۰۵۵
معاون‌الدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵
معاون‌الممالك [ج ۴] ۹۰۸
معتمدخاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
معتمددیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
معتمدهمایون [ج ۲] ۵۴۰
معدل‌الممالك [ج ۲] ۴۰۶
معزالسلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
معزالملك [ج ۴] ۹۵۶
معیرالممالك [ج ۴] ۸۳۳، [ج ۵] ۱۰۳۷
معین‌الاسلام [ج ۲] ۵۳۴
معین‌الدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴
معین‌الرعایا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
معین‌السلطان [ج ۳] ۷۴۳
معین‌الغرباء [ج ۴] ۷۹۴ـ۷۹۶، ۸۳۰
معین‌الوزاره [ج ۱] ۲۳۹، [ج ۵] ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۴۳۸ ـ ۱۴۴۱
معین‌همایون ـ معین‌همایون بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۳۳۶
مغیث‌الدوله [ج ۵] ۱۱۱۸، [ج ۶] ۱۴۶۵
مفاخرالملك [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳، [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۸۳، ۷۰۰، ۷۰۷
مفتاح‌السلطنه [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۳
مقتدرنظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۲
مك‌دول [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷
مك‌کاسکی [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶
مك‌موری [ج ۴] ۹۱۱
ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵
ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸، [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵
ملا عبدالکریم [ج ۴] ۷۹۵
ملا علی‌پناه [ج ۴] ۸۰۸
ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸
ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۵
ملاکاظم خراسانی [ج ۶] ۱۳۳۷
ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۳
ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲

ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۳] ۵۶۷
ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰، [ج۵]۱۰۰۵، [ج ۶] ۱۳۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۴۵۳
ملك‌المتکلمین [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۶
ملینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵
منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
منتظم‌الدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج۴] ۷۹۸، ۷۶۹
منصورالسلطنه [ج ۳] ۶۰۲
منصورالسلطنهٔ عرب [ج ۴] ۷۸۷
منصورالملك [ج۱] ۱۷۵
موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳
موثق‌الدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
مورلی (لردویکنت) [ج۳] ۷۱۹، ۷۲۱
مورلی بلك‌برن (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵ (نك: مورلی)
موسوی شوشتری (ابوالحسن) [ج ۵] ۱۰۰۵
موقرالدوله [ج ۵] ۱۲۳۲، [ج۶]۱۳۴۱
موقرالدوله [ج ۵] ۱۲۳۲
موقرالسلطنه [ج ۳] ۷۵۶
مهدی‌خان [ج ۱] ۹۶
مهدی‌خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸
مهندس‌الممالك [ج ۱] ۳۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
میدلتن [ج ۳] ۷۳۲
میربرکت ــ میربرکت‌خان [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۴۵
میربیابان [ج ۴] ۹۴۵
میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶
میرزاابراهیم [ج ۲] ۵۳۴
میرزاابراهیم‌خان [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵
میرزابابا [ج ۳] ۷۴۴
میرزا حبیب‌الله‌خان [ج ۶] ۱۴۷۱
میرزاحسن‌خان (اصفهانی) [ج ۱] ۲، [ج ۵] ۱۲۴۷
میرزا سیدابوالقاسم‌خان [ج ۱] ۲
میرزا عباس‌خان [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
میرزا عبدالرحیم‌خان [ج ۵] ۱۰۱۳
میرزا علی‌اکبرخان [ج ۱] ۲۶۲
میرزا علی‌محمدخان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
میرزا فضل‌الله خان [ج ۶] ۱۴۸۳
میرزا کاریزخان [ج ۱] ۲۶۸
میرزا کاظم‌خان [ج ۱] ۲۸۶
میرزا محمودخان [ج ۱] ۲
میرزا مهدی‌خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، [ج ۵] ۱۲۴۵، [ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۳۴۴، ۱۳۶۶، ۱۴۱۵، ۱۴۵۴
میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸
میلر [ج ۲] ۵۲۷

ناتاف [ج ۴] ۸۳۵
ناصرالدینشاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳] ۶۹۸، [ج ۵] ۱۰۶۸
ناصرالسلطنه [ج ۱] ۲۸۷
ناصرالملك [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹ـ۱۴۳، ۱۸۱، ۱۸۶، ۲۱۴، [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹،

۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰،
[ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶، ۵۵۷،
۵۵۹ ـ ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۳۱،
۷۰۷، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷،
۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷ (نایب‌السلطنه)
[ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸،
۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳۵،
۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، [ج ۶]
۱۴۳۵ (نیز نك: نایب‌السلطنه)
ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰
ناظم‌التجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱،
۹۰۴ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹،
۱۰۴۲ ـ ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱،
۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱،
۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳،
۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱،
۱۲۴۶
نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹
نایب‌السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱،
[ج ۳] ۵۵۱ ـ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴،
۶۲۲، ۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸،
۷۴۳، [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳،
۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱،
۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،
۹۶۳، [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶ـ
۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶،
۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ ـ
۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴،
۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶،
۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲،
۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶،
۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹،
۱۲۳۶، ۱۲۳۷، [ج ۶] ۱۲۷۰،
۱۳۱۲، ۱۳۱۷، ۱۳۳۷، ۱۳۵۰،
۱۳۷۷، ۱۳۹۳، ۱۴۳۰، ۱۴۴۳،
۱۴۴۵ ـ ۱۴۶۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۶
(نیز نك: ناصر الملك)
نایب‌السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸،
۷۱۲
نایب‌السلطنهٔ هند [ج۶] ۱۲۹۳
نایب‌الصدر [ج ۱] ۲۸۶
نایب‌حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶،
۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶،
۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱،
۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ـ
۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج۵] ۱۰۱۳،
۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴،
۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰،
۱۲۴۱، ۱۲۴۳ (نیز نك: نایب
حسین کاشی)، [ج ۶] ۱۲۶۷،
۱۲۹۰، ۱۳۳۸
نایب‌حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹،
۹۳۹، [ج۵] ۹۹۸ (نیز نك: نایب
حسین)
نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶
نراتوف [ج ۳] ۷۴۷، [ج۵] ۱۱۲۳،
۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷،
۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷ ـ
۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،
۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳،
[ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰،
۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ ـ
۱۳۰۶، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵،
۱۳۱۷، ۱۳۱۹ ـ ۱۳۲۲، ۱۳۲۷ـ
۱۳۲۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹ ـ ۱۳۵۱،
۱۳۵۳، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰،
۱۳۶۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴،
۱۳۷۷ ـ ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۴ـ
۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴،

۱۴۰۵، ۱۴۰۷ ـ ۱۴۱۱، ۱۴۱۴،
۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۶
نرل برندل (نایب) [ج ۶] ۱۳۴۸
۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳
نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸،
۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،
۵۶۹، ۶۰۳ـ۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱،
۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱
[ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۷۰
(نیز نك: انتظام‌الممالك)
نصرت‌السلطان [ج ۴] ۹۱۲
نصرت‌الممالك [ج ۳] ۷۳۱
نصیرالملك [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۴] ۸۳۵،
۹۶۰، ۹۶۱، [ج۶]۱۴۶۵، ۱۴۷۷
نظام‌السلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵،
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲ـ
۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳،
۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳]
۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۴،
[ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴،
۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳،
۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵]
۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷،
۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲ ـ
۱۰۴۹، ۱۰۵۱ ـ ۱۰۵۴، ۱۰۵۷،
۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵،
۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰،
۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵ ـ ۱۱۱۹،
۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱،
۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰،
۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰،
۱۲۲۳، ۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۵ ـ
۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۸، ۱۳۳۹،
۱۴۶۳ ـ ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶،
۱۴۷۸، ۱۴۸۲
۱۲۲۳، ۱۲۴۲
نظام‌الملك [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱،
[ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰
نظربیگ‌اوف [ج ۳] ۵۹۳
نظرعلی‌خان [ج ۳] ۷۱۱
نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲
نظم‌الدوله [ج ۳] ۶۷۴
نعمت‌الله (قاتل قوام‌الملك) [ج ۱] ۱۷۵
نقیب‌السادات [ج ۱] ۵۱
نلسون [ج ۳] ۶۴۱
نوئل (کلنل) [ج ۵] ۱۲۴۶
نواب (حسینقلی‌خان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج
۴] ۹۱۵
نورمحمدخان [ج ۵] ۱۱۱۳
نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲،
۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۶]
۱۴۰۱
نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲]
۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶،
[ج۵] ۱۱۵۲، [ج۶] ۱۳۳۸،۱۴۴۸
نیکراسو [ج ۳] ۷۵۵
نیکلسون [ج۲] ۳۹۵، ۴۰۱،۴۴۸، ۴۹۵،
۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴ـ۵۴۶،
۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰،
۵۷۵،۵۷۹،۷۳۷،۷۳۸،۷۴۷،۷۵۰ـ
۷۵۳، ۷۵۵ـ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴]
۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۳ـ۸۱۷، ۸۲۴،
۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸،
[ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴،
۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹،
[ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴،
۱۲۷۶، ۱۳۰۱، ۱۳۰۸، ۱۳۱۵،
۱۳۶۶، ۱۴۱۵
نیکلین (اینتذنت) [ج ۶] ۱۳۴۸
نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵

نیو، جارج [ج۶] ۱۲۸۹

وادبولسکی ـ واوپولسکی (پرنس ـ کلنل‌ـپالکونیك) [ج ۴] ۸۷۳، ۸۹۵، ۹۱۵، [ج ۵] ۱۱۹۳، [ج ۶] ۱۳۳۲، ۱۴۴۱
وارد (لیوتننت) [ج ۵] ۱۰۴۰
والی پشتکوه [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵، ۱۱۹۷
وثوق‌الدوله [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۳۶، [ج ۵] ۱۱۴۸، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷، [ج ۶] ۱۲۶۵ ـ ۱۲۶۷، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۳۳۵، ۱۳۴۲ـ ۱۳۴۴، ۱۳۶۹، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱۴۳۸ ـ ۱۴۴۰، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
وحناندخان [ج ۵] ۱۱۰۰
وحیدالملك [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۶۷
وزیر افخم (سلطانعلی‌خان) [ج ۱] ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰، [ج ۳] ۷۲۸
وزیرزاده [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸
وزیر مخصوص [ج ۱] ۸۱
وزیر همایون [ج ۱] ۳۲، ۸۱
وکیل‌الرعایا [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸
ولات (دکتر) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۸
ولیعهد [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
وود (ا. او.) [ج۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰
وولات (دکتر) [ج ۵] ۱۱۱۴ ـ ۱۱۱۶، [ج ۶] ۱۴۷۹
ویکتوریا (ملکهٔ انگلیس) [ج ۳] ۶۹۸
ویلسن (لیوتنان) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۵] ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۲۴۴، [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۹۸، ۱۴۷۳
ویکسون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

هارت‌ویگ (هارت‌ویك) [ج ۱]۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱ـ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲ـ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴ ـ ۳۱۷، ۳۲۵ ـ ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶
هاردیك (سر چارلز) [ج ۴] ۸۴۷
هاردینگ (سر ـ هاردیك؟) [ج ۲] ۳۹۳، ۵۱۹، ۵۲۲
هاکینز [ج ۱] ۲۵۲
هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان) [ج ۱] ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳
های‌نیك (کاپیتان) [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
هرمزمیرزا [ج ۱] ۲۱۴
هرهاز [ج ۶] ۱۲۸۶
هموسن (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۸
هوسن (مستر) [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
هونر (کاپیتان) [ج ۳] ۵۶۷
هیکاك (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹، [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۹۲، ۱۴۴۸

هیگ (کلنل) [ج۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹، [ج ۶] ۱۲۸۶
هیکاك (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹
هیگ (کلنل) [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹
هیلز (آر. دبلیو) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴، ۱۱۴۶

یارمحمدخان ـ یارمحمد [ج ۵] ۱۰۵۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹
یالمارسن (کاپیتان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸
یاور اسدالله ۵۶۷ (نك: اسدالله)
یپرم ـ یپرم‌خان ـ یفرم ـ یفرم‌خان [ج ۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۱۶ ـ ۹۱۸، [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸، ۱۴۶۱
یحیی‌میرزا [ج ۳] ۷۲۸
یدالله‌میرزا [ج ۶] ۱۴۶۸
یعقوبعلی بربری [ج ۵] ۱۰۹۷
یفرم [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳ (نیز، نك: یپرم)
یوزباشی قربان [ج ۵] ۱۰۱۲
یوسف [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶
یوسف‌خان [ج ۳] ۶۸۴

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۳ دسامبر من:
دیروز وزیرمختار روس در موضوع دو فقره عبارات آخری بیان‌نامهٔ کفیل وزارت امور خارجهٔ روس شرحی به دولت ایران نوشته.
عبارات مذکور راجع به بیان‌نامه‌ای است که در تلگراف ۱۰ دسامبر سر بچنن [بیوکانان] مسطور است.

نمره ـ ۲۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
قنسول انگلیس از شیراز خبر می‌دهد که مجتهد اعظم شیراز حکمی صادر و منتشر نموده که مسلمانان از معامله و معاشرت با قشون انگلیسی ممنوعند و مجتهدین مجدانه کسبه را از فروش به قشون انگلیس ممانعت نموده و بناها و سایر کارگران ایرانی را از اشتغال به کارهای مرجوعه از طرف قشون جلوگیری نموده‌اند.
مسئلهٔ آذوقه کم‌کم جالب اهمیت شده.
من مراتب را به دولت ایران اطلاع داده و در مرتفع داشتن این تحریم (بایکات) تأکید نموده‌ام.

نمره ـ ۲۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۹ اکتبر من:
بموجب اطلاعات واصله: در دامغان، واقعه در راه‌مشهد، ترکمانهای تابع شاه مخلوع اردوی دولتی را مغلوب نموده‌اند.

نمره ـ ۲۸۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
بواسطهٔ انقلابی که ملاها در شیراز جاری نموده‌اند در عرض چند روزهٔ گذشته کار بر بانك شاهنشاهی شیراز سخت شده و قنسول انگلیس خبر می‌دهد که همه‌روزه

نوت‌های بانك را برای مبادلهٔ به پول ابراز می‌دارند و بانك روزی ۱۵۰۰۰ تومان‌پول در مقابل نوت‌های ابراز شده می‌پردازد و این بیشتر اهمیت دارد که بواسطهٔ نبودن مستحفظ یك قافله حامل پول نقد برای بانك شیراز در کازرون معطل است.

نمره ـ ۲۸۲

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
(شرح مکتوب ذیل مورخهٔ ۱۹ دسامبر
در ۱۴ دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] مخابره شده)

آقا

با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که مسیو سازانوف در ۱۳ شهر حال وارد سن پطرزبورغ شده و مقام وزارت خارجهٔ خود را مجدداً اختیار نمود.

غروب روز بعد از ورود او من بدیدن آن جناب رفتم و پس از تبریك ورود و اظهار امیدواری در اعادهٔ صحت مزاج او شروع به مذاکره در باب اوضاع حاضرهٔ ایران نمودم و از گرفتاری که شما در این خصوص حاصل نموده‌اید خاطر جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را مستحضر نموده و مخصوصاً تکیهٔ کلام را به سوءنتیجه‌ای که از ورود قشون روس به طهران ظاهر خواهد شد قرار دادم.

مسیو سازانوف اظهار داشت هنگامی که در پاریس بوده کنت بنکندرف هم در این موضوع خیلی با او مذاکره نمود ولی امیدوار است سوءظن و انحراف عقایدی که به واسطهٔ اقدامات جدیدهٔ دولت روس در ایران در بعضی نقاط انگلستان اشاعه یافته‌بود تا حال برطرف شده باشد.

بهرحال آن‌جناب از من خواهش نمود به شما اطمینان بدهم که او هیچ میل ندارد امر به پیش رفتن قشون به طرف طهران بنماید و امیدوار است بمحض تمکین سریع دولت ایران به التیماتوم روس لازمهٔ اقدام در دفع این امر به عمل بیاید.

پس از آن شروع به مذاکره در باب یك بیك مواد التیماتوم نمودیم.

در باب مادهٔ اول مسیو سازانوف توضیح نمود که فقط تعهد نمودن در باب اخراج مستر شوستر کافی نیست. تا کنترات استخدام شوستر با دولت ایران رسماً فسخ نشود قشون روس عودت داده نخواهد شد.

من سؤال نمودم که آیا مقصود معظم‌الیه [=معظم‌له] از این بیان این است که مستر شوستر بکلی از طهران خارج شده باشد و آن جناب جواب داد اگر هم حتماً لازم باشد که او یك مدت قلیلی در آنجا توقف بنماید باید صراحتاً تعهد بشود که در عرض آن مدت او بهیچ‌وجه مداخلهٔ مستقیم یا غیرمستقیم در امورات دولت ایران نخواهد نمود.

مادهٔ دوم در موضوع به استخدام پذیرفتن مستشارهای خارجه مسیو سازانوف اظهار

داشت علی‌الظاهر دولت ایران برای قبول این ماده با مشکلات بسیار مصادف است. حالا دولت مزبور حاضر شده است که این تقاضا را در تحت عبارت ذیل قبول بنماید:

«در باب کنترات مستشارها و صاحب‌منصبان خارجه که دولت ایران برای اصلاح کلیهٔ امورات لازم داشته باشد چون دولت ایران مایل است در هر موردی روابط مستحسنه با دولتین انگلیس و روس را منظور بدارد مراقبت خواهد نمود که انتخاب این نوع مستخدمین به قسمی بشود که برای منافع مشروعهٔ دولتین در ایران مضر نباشد. بنابراین دولت ایران حاضر خواهد بود که در باب این قسم مستشارها و صاحب‌منصبان با سفارتین تبادل نظریات بنماید...

آن جناب بالشخصه حاضر است با این مرام دولت ایران موافقت بنماید در صورتی که بجای کلمات «تبادل نظریات بنماید» این کلمات نصب بشود «ترتیب‌قراردادی‌بشود» چونکه کلمات مذکورهٔ دولت ایران خیلی مبهم است و هیچ شرط و تعهدی از آن مشهود نیست.

من اظهار نمودم اصلاح عبارتی را که آن جناب در نظر دارد به عقیدهٔ من اصل نقطه‌نظری را که دولت ایران در عنوان آن عبارت دارد معدوم می‌نماید چون عبارت «تبادل نظریات» باب مذاکره را برای دولت ایران باز می‌گذارد و آنها را ملتزم به تعهدی نمی‌دارد ولی «ترتیب قراری بدهند» صورت معاهده را پیدا می‌نماید.

پس از قدری مذاکرهٔ دیگر من عبارت ذیل را پیشنهاد نمودم که دولت ایران در قبول آن یا در قبول عبارت مسیو سازانوف مخیر باشد «داخل در تبادل نظریات بشوند بقصد اینکه ترتیب قراردادی با سفارتین بدهند» خوشبختانه مسیو سازانوف این پیشنهاد را پسندید ولی گفت بدون اینکه این عبارتها را برای تجویز به امپراطور عرضه بدارد نمی‌تواند رأی قطعی در قبول آنها بدهد.

در باب مسئلهٔ خسارت مسیو سازانوف به من اطمینان داد که بهیچوجه قصد ندارد به دولت ایران سخت‌گیری بنماید یا بخواهد یك مبلغ گزافی به آنها تحمیل بنماید.

امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۲۸۳

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)

سن پطرزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]

تعیین استخدام مستر لکفر

امروز در موضوع تلگراف ۱۲ دسامبر با مسیو سازانوف مذاکره نمودم. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] هیچ میل ندارد که مستر لکفر در وزارت مالیهٔ طهران باقی بماند هر قدر هم که مدت دوام او قلیل باشد.

منتهی مدتی‌که او راضی بشود مستر لکفر در آنجا متوقف باشد دو هفته الی سه هفته است. آن جناب اظهار داشت که تحصیل یك مشغله برای مستر لکفر در منطقهٔ

انگلیس نباید مشکل باشد.

نمره ـ ۲۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

الان رئیس بانك شاهنشاهی نزد من آمده و اظهار داشت که بواسطهٔ کمی پول شعبهٔ بانك شیراز دیگر نمی‌تواند پول به قشون انگلیس بپردازد. یك قافله حامل پول نقد بواسطهٔ فقدان مستحفظ در برازجان معطل است ولی من امیدی به تهیه شدن مستحفظ ایرانی ندارم و تا قافلهٔ مزبور به شیراز نرسد هیچ امیدی به رهایی بانك از مشکلات نمی‌توان داشت. این عقیده در نظر من جلوه‌گر شده که اجازه بدهم قافلهٔ حامل پول به مستحفظین همراه مستر اسمارت ملحق بشود.

مستر اسمارت بهمین زودی از بوشهر حرکت خواهد نمود ولی تا شما ملحق شدن قافلهٔ حامل پول را به مستحفظین تصویب ننمایید من شخصاً نمی‌توانم همچو اجازه‌ای بدهم.

نمره ـ ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

مستحفظ برای قافلهٔ پول از حکومت ملی تحصیل شده و الحال قافلهٔ مزبور حرکت نموده.

نمره ـ ۲۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)
طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من در باب تحریم (بایکات) در شیراز:

امروز قنسول انگلیس شرح ذیل را از شیراز تلگراف نموده:

مسئلهٔ ارزاق خیلی اهمیت حاصل نموده. خرید آذوقه بکلی غیرممکن است و اغلب چیزهای لازمه را فقط بقدر کفایت یك روز دیگر موجود داریم.

اگر حکومت مرکزی متقاعد نشود که اقدامات مجدانه سریع در جلوگیری از این وضع ناهنجار بنماید ما مجبور به بعضی اقدامات محلی خواهیم شد.

سبك اعمال و حرکات مأمورین محلی بکلی مخرب اوضاع است. کارگزار

صراحتاً پسندیدن این اقدام ملاها را مشهود می‌دارد[1] چون رسماً به من نوشته است که حکومت محلی نمی‌تواند با ملاها طرف بشود.

امروز عصر کارگذار [=کارگزار] را ملاقات نموده و به او اخطار خواهم نمود که مأمورین محلی بواسطهٔ اقدام ننمودن در جلوگیری از این هیجان معانـد تولید مسئولیت بسیار مهمی برای خود خواهند نمود. هنوز بر من مشهود نگردیده که چنانچه وزیر امور خارجه اظهار داشته تعلیماتی از طرف او به اینجا رسیده باشد.

امروزعصر سعی خواهم نمود از کارگذار [=کارگزار] کشف بنمایم که همچو دستوری رسیده است یا خیر.

نمره ـ ۲۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی

وزارت خارجه ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر سر بچنن [بیوکانان]:

لازم است شغلی در خارج از منطقهٔ روس برای مستر لکفر تحصیل بشود. ممکن است همچه شغلی پیدا بشود یا خیر؟ اگر ممکن نیست آیا او می‌تواند برای یك مدت قلیلی مرخصی گرفته برود تا یك شغلی برای او پیدا بشود؟

نمره ـ ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)

طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من:

وزیرمختار روس دیروز مجدداً به وزیر امور خارجهٔ ایران اطلاع داد کـه بمحض تمکین دولت ایران به سه فقره مواد التیماتم دولت روس شروع به عودت دادن قشون از قزوین خواهد نمود. این اطمینان البته تابع شرایطی است که در آخر یادداشت مسیو نراتوف به سر بچنن [بیوکانان] سفیرکبیر انگلیس مقیم سن پطرزبورغ ذکر شده و محتمل است دولت روس این هیجانی را که حالیه مجتهدین ایران به دستیاری علماء نجف به ضد روس در ایران اشاعه داده‌اند، به‌اعمال تغیرآمیز تعبیر بنماید.

وزیرمختار روس نیز به وزیر امور خارجه اطلاع داده عبارتی را که جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] برای مادهٔ دوم التیماتم توجیه نموده با جزئی اصلاحی قبول خواهند نمود (به تلگراف سیزدهم دسامبر من مراجعه شود). از این‌قرار اسباب تسهیل تمکین دولت ایران فراهم شده ولی با اینکه از قرار معلوم عدهٔ کافی از وکلاء از مقام خود استعفاء نموده‌اند که اکثریت آراء در مجلس غیرممکن بشود معهذا بهیچوجه نمی‌توان یقین داشت با خوفی که کابینه از خشم و غضب عمومی دارند به قبول تقاضاهای روس

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

مبادرت بنمایند.
بی‌شبهه کابینه پیش‌بینی می‌نمایند که اگر در عودت قشون روس تأخیری بشود خشم عمومی زیادتر خواهد شد.

نمره ـ ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)
طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲ دسامبر من:
قنسول انگلیس به تاریخ پانزدهم شهر حال از قرار ذیل تلگراف نموده:
دویست نفر سرباز و چهارصد نفر قزاق وارد انزلی شدند.

نمره ـ ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)
طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف دیشب من در باب تحریم (بایکات) شیراز:
دیشب وزیر امور خارجه حکم سختی به کارگذار [=کارگزار] مخابره نمود.
من به قنسول انگلیس مقیم شیراز تعلیمات داده‌ام که هیچ اقدامی بدون مشورت با من ننماید. باضافه به او دستورالعمل داده‌ام به کارگذار [=کارگزار] بگوید که اگر او جدیت در جلوگیری از تحریم (بایکات) ننماید من عزل او را خواستار خواهم شد.

نمره ـ ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف دیروز شما در باب آذوقه برای قشون انگلیس مقیم شیراز:
شما مجازید به قشون مقیم شیراز اختیار بدهید که هر اقدامی را حتماً برای تهیهٔ آذوقه به جهت خودشان لازم می‌دانند معمول بدارند. قنسول انگلیس باید با فرمانده قشون مشورت بنماید که به قوهٔ قشونی که حاضر دارند چه نوع اقدامی را برای تحصیل آذوقه ممکن است تعقیب بنمایند. در صورتی که تمام وسایل آنها برای تحصیل آذوقه بی‌ثمر بشود می‌توانند متوسل به قوهٔ قهریه بشوند. هرچه بگیرند قبض رسیدی در مقابل آن باید بدهند که در پرداختن قیمت آن بالاخره اشکالی پیش نیاید.
آیا تصور می‌کنید که بواسطهٔ فرستادن کشتیهای جنگی به بندر بهبودی در وضع شیراز حاصل بشود؟

نمره ـ ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

وزیر مختار ایران مجدداً از من خواهش نموده که اطمینانهای در باب مادهٔ دوم التیماتوم روس مخفی بماند. من به او خاطرنشان نمودم که موادی را که دولت روس آشکاراً پیشنهاد نموده نمی‌توان انتظار داشت که به اطمینانهای مخفیانه اقناع بشود و همچو در انظار عامه جلوه‌گر شود که مادهٔ مزبور نسخ شده. من اظهار نمودم از قراری که بر من مفهوم شده دولت ایران عبارتی برای مادهٔ دوم التیماتوم طرح نموده بودند که دولت روس هم مساعدانه آن را موجه قرار داده بود در صورتی که آن‌عبارت تشیید لازم دارد.

پس از آنکه معظم‌الیه [=معظم‌له] در باب اطمینان برای بازگشت قشون و سایر مطالب اصرار نمود من اظهار داشتم که من نمی‌توانم به اطمینانهایی که وزیرمختار روس در باب قشون مستقیماً به دولت ایران داده هیچ چیزی اضافه بنمایم و کلیتاً من نمی‌توانم در این موضوع مقام وساطت را اختیار بنمایم. پس از آنچه تا حال واقع شده دولت روس طبیعتاً در باب سه فقره مواد التیماتم توسط قبول نخواهدنمود. تا با این مواد موجوده موافقت نشود من هیچ کاری نمی‌توانم بکنم. پس از خاتمه پذیرفتن این مواد چنانچه در نطق پنجشنبهٔ من در پارلمان مذکور است من نفوذ خودم را در باب اقدامات آتیه که برای‌دولت ایران هم مساعد خواهد بود به‌کار خواهم برد.

وزیرمختار ایران اظهار داشت احساسات عمومی بضد التیماتم روس بحدی متشدد است که مافوق قوهٔ دولت ایران است. بجز اینکه عبارت مواد التیماتم تسهیل بشود و در باب بازگشت فوری قشون تازه‌وارد روس اطمینانی داده بشود بنحو دیگری از قوهٔ دولت ایران خارج است که بتواند کاری بکند. مراتب فوق را به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر حال من در باب اوضاع کرمانشاه:

الساعه تلگرافی از قنسول انگلیس مقیم کرمانشاه به من رسیده که به تاریخ ۹ دسامبر مخابره شده. تلگراف مزبور توسط قاصد به همدان ارسال و دیروز از آنجا مخابره شده. در نهم دسامبر جنگ مابین متابعین سالارالدوله و قشون دولتی شروع شد. تلگراف مزبور مشعر بر این است که مشاغل عمومی تعطیل است و کوچه‌ها ناامن است. بانك شاهنشاهی و قنسولخانه در خط شلیك واقع است و خطر جانی و مالی مسلم است.

نمره ـ ۲۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

رئیس بانك شاهنشاهی به من اطلاع می‌دهد که استخلاص از مشکلات موجودهٔ در شیراز از یك بابت فقط منحصر به ورود قافلهٔ حامل پول است که حالا در راه بوشهر به طرف شیراز در حرکت است. رئیس بانك جداً از من خواهش می‌نماید قافلهٔ دیگری که حامل پول است و عجالتاً در بوشهر منتظر موقع حرکت است در تحت حراست مستحفظینی که با اسمارت عازمند حرکت بنماید.

من به رئیس بانك اظهار نموده‌ام که قبل از اجازه دادن به همچو حرکتی من باید اجازهٔ مخصوص از سر ادوارد گری تحصیل بنمایم ولی در ضمن من در صدد هستم که مستر اسمارت را در بوشهر معطل بنمایم چون باید حالا او تازه از بوشهر حرکت کرده باشد یا در صدد حرکت به طرف شیراز باشد.

نمره ـ ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف دیروز شما در باب شیراز:

چندین تلگراف دیگر از قنسول انگلیس رسیده که از آنها مستفاد می‌شود کارگذار [=کارگزار] پاره‌ای اقدامات در مرتفع داشتن تحریم معاملات با انگلیسان نموده. قنسول انگلیس مجبوراً مساعدت نایب‌الحکومه را برای تهیهٔ آذوقهٔ یك هفته قبول نموده ولی مسلماً این ترتیب مرضی خاطر نیست.

من گمان می‌کنم اعزام کشتیهای جنگی به بندر بیشتر باعث هیجان در باب تحریم بشود لهذا من این نوع اقدامات را تصویب نمی‌نمایم.

نمره ـ ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۵ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف دیروز من:

سردار اسعد به وزیرمختار روس اطلاع می‌دهد که یك نوبت دیگر در باب گذراندن مواد التیماتم از مجلس مجاهدت خواهد شد. تا نتیجهٔ جد و جهد در این نوبت مشهود نگردد استعفای وکلای اعتدالی صورت وقوع حاصل نخواهد نمود.

مجلس روز سه‌شنبه منعقد خواهد شد و اگر مجدداً در قبول التیماتم روس امتناع

بنمایند استعفای مذکور صورت فعلیت حاصل خواهد نمود و آن وقت اعلان خواهد شد که مجلس حاضره را نمی‌توان باقی گذارد و باید منفصل بشود.

بعقیدهٔ من عین واقع این است که هیجان عمومی باعث تخویف نمایندگانی که به استعفاء تشویق شده بودند شده و از استعفاء دادن احتراز نموده‌اند. اگرچه آن‌طور نمایشهای وطن‌پرستانه‌ای که در اوایل ابراز التیماتم بظهور می‌رسید تخفیف یافته ولی بواسطهٔ نفوذ دیرینه‌ای که کلام مجتهدین در اذهان عامه دارد احساسات برخلاف قبول التیماتم در تزاید است. مقدمهٔ تحریم امتعهٔ روس که مدتی بود بظهور رسیده بود علی‌الظاهر بعوض تقلیل نسبتاً در تزاید است.

نمره ـ ۲۹۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

آقا

قانون انتخابات که در ۲۲ اکتبر (۲۸ شوال) [۲۹ مهر ۱۲۹۰] از مجلس گذشته بود در ۴ شهر حال به امضای نایب‌السلطنه موشح گردید.

از عبارت دستخط نایب‌السلطنه همچو مستفاد می‌شود که او می‌خواهد کاملا تصریح بنماید که در مبنای قانون مزبور بهیچ‌وجه دخالتی نداشته چون می‌نویسد حتی بدون فرصت قرائت فوراً این قانون را به وزارت داخله فرستادم.

قانون انتخابات ۱۹۰۹، ۱۲۰ نفر وکیل برای پارلمان مشخص نموده و انتخابات بتوسط حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گرفته ولی قانون انتخابات حالیه که ترجمهٔ آن را لفاً ارسال می‌دارم، ۱۳۶ نفر نماینده تعیین می‌نماید و انتخابات هم باید مستقیم باشد. تعداد نمایندگان در صفحات علیحده مشخص و به قانون مزبور ملحق شده.

تعداد نمایندگان ولایات عمده از قرار ذیل معین شده:

آذربایجان	۱۹ نفر
عربستان	۴ نفر
کرمان و بلوچستان	۷ نفر
اصفهان	۵ نفر
فارس	۱۳ نفر
گیلان	۶ نفر
خراسان	۱۵ نفر
کرمانشاه	۴ نفر
مازندران	۵ نفر
طهران	۱۵ نفر
یزد	۴ نفر

تعداد وکلای آذربایجان و طهران تغییر ننموده و همان عده است که در قانون‌انتخابات سابق تعیین شده ولی برای فارس بجای ۸ نفر سابق ۱۳ نفر مشخص شده و در تعداد باقی ولایات هم تغییری داده نشده.

خالی از تعجب نیست که در صورتی‌که قانون انتخابات سابق انتخاب ۱۲۰ نفر نماینده را تجویز نموده بود ولی هیچوقت بیش از ۸۰ نفر در طهران حاضر نبوده و بموجب شماره‌ای که شده معمولا ۶۰ الی ۷۰ نفر نماینده در جلسات مجلس حضور بهم‌رسانیده‌اند.

قانون انتخابات کنونی رأی عمومی را تجویز نموده فقط یکی از اختصاصات مهم، ۶ ماه سکونت در محل انتخاب است. مقصرین پلتیکی که در مخالفت با دولت سهیم شده‌اند در جزو اشخاصی که از انتخاب نمودن و انتخاب شدن محرومند محسوب شده‌اند.

مسلماً تغییر عمده‌ای که در قانون انتخابات داده شده تبدیل انتخاب غیرمستقیم به انتخاب مستقیم است ولی باید دید در مملکتی که تا حال احصائیه‌ای در کار نبوده چگونه بترتیب انتخاب مستقیم می‌توانند عمل بنمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۷

ترجمهٔ قانون انتخابات مورخهٔ ۴ نوامبر ۱۹۱۱
مطابق ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰]

فصل اول
تعداد نمایندگان ملت و تقسیم آنها به ایالات و ولایات

مادهٔ اول) عدهٔ نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است.

مادهٔ دوم) تقسیم نمایندگان ملت به جمعیت تخمینی هر ولایت است بموجب صورت تشخیصی که ضمیمهٔ این قانون است.

فصل دوم
اوصاف انتخاب‌کنندگان

مادهٔ ۳) انتخاب‌کنندگان باید متصف به اوصاف ذیل باشند:

۱) انتخاب‌کنندگان باید تبعهٔ ایران باشند.

۲) باید اقلا ۲۰ سال داشته باشند.

۳) باید اهل همان محلی باشند که در آنجا انتخاب می‌کنند یا اقلا ۶ ماه قبل از انتخاب در آن محل متوطن باشند.

مادهٔ ۴) اشخاصی‌که از حق انتخاب کردن محرومند:

۱) اناثیه.
۲) اشخاصی که به سن بلوغ نرسیده‌اند و کسانی که محتاج به قیم شرعی هستند.
۳) اتباع خارجه.
۴) اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتهٔ اسلام در حضور یکی از پیشوایان دین مبین مسلم و مسجل شده باشد.
۵) اشخاصی‌که سن آنها کمتر از ۲۰ سال باشد.
۶) ورشکستگان به تقصیر.
۷) سائلین و اشخاصی‌که بوسایل بی‌شرفانه تحصیل معیشت می‌نمایند.
۸) متهمین به قتل و سرقت و سایر تقصیرات که بموجب قانون شریعت اسلام مستوجب مجازات باشند.
۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام‌نموده‌اند.
مادهٔ پنجم ــ اشخاصی که بواسطهٔ شغل و مقام خود از حق انتخاب کردن محرومند:
۱) اشخاصی که در خدمات نظامی بری و بحری هستند بجز آنهایی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
۲) صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه و ژاندارمری در حوزهٔ مأموریت خودشان.

فصل سوم
اوصاف منتخبین

مادهٔ ششم ــ منتخبین باید متصف به اوصاف ذیل باشند:
۱) باید قائل به دین حضرت محمد بن عبدالله (ص) باشند سوای آنهایی که نمایندهٔ ملل عیسویه و زردشتیه و یهود باشند.
۲) باید تبعهٔ ایران باشند.
۳) خط و سواد ایرانی بحد وافی داشته باشند.
۴) معروفیت محلی داشته باشند.
۵) سن آنها کمتر از ۳۰ و متجاوز از ۷۰ نباشد.
۶) دارای اعتبار صحت عمل باشند.
مادهٔ هفتم ــ اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند:
۱) شاهزادگان طبقهٔ اول (پسرها و برادران و عموهای سلطان)
۲) اناثیه.
۳) اتباع خارجه.
۴) مستخدمین در اعداد [=عداد] ژاندارم و پلیس و اعضای نظامی بری و بحری بجز صاحب‌منصبانی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
۵) حکام و قایم‌مقام و معاونین حکام در حوزهٔ مأموریت خودشان .
ملاحظه: سایر مستخدمین دولت قابل انتخاب هستند در صورتی که برای مدت‌وکالت از خدمت خود مستعفی شوند.

۶) ورشکستگان به تقصیر.
۷) متهمین به قتل و سرقت و سایر جنایات که بموجب قوانین اسلام مستوجب مجازات باشند.
۸) معروفین به شرك یا اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتهٔ اسلام در محضر یکی از پیشوایان دین مبین به ثبوت رسیده باشد.
۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام‌نموده‌اند.

فصل چهارم
تشکیل انجمن نظارت

مادهٔ ۸ الی ۱۲) مبنی به تشکیل هیئت موقتی برای نظارت در انتخابات است در تحت حکومت محلی و چند نفر از اعضای انجمن محلی.

فصل پنجم
وضع انتخاب

مادهٔ ۱۳) انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در تمام ایران مستقیم و به یك درجه باید باشد.

مادهٔ ۱۴) در محل‌هایی‌که بموجب قانون انتخابات حق انتخاب یك نفر نماینده را دارند انتخاب باید واحد باشد و در محل‌هایی‌که بیش از یك نماینده باید انتخاب بنمایند انتخاب باید متعدد باشد.

توضیح: غرض از انتخاب متعدد این است که هر یك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقهٔ رأی خود اسم چندین نفر از اشخاصی را که باید در آن محل انتخاب بشوند می‌نویسد. غرض از انتخاب فردی این است که هر یك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقهٔ رأی اسم یك نفر منتخب را می‌نویسد.

مادهٔ ۱۵) انتخاب نمایندگان باید به اکثریت نسبی باشد.

مادهٔ ۱۶) در موارد تساوی آراء مابین دو نفر یا بیشتر اگر انتخاب یك نفر از آنها لازم باشد آن یك نفر از بین آنها به حکم قرعه معین خواهد شد.

مادهٔ ۱۷) ایلات عمده باید بر طبق تشخیص قانون انتخابات هر ایلی یك نفر نماینده مستقیماً به مجلس شورای ملی بفرستند. سایر ایلاتی که ذکر نشده باید در حوزهٔ خودشان رأی بدهند.

مادهٔ ۱۸) در حوزهٔ انتخابی که چندین محل دیگر هم باید در انتخاب شرکت داشته باشند هرگاه بعضی از آن محل‌ها در انتخاب نمودن در عرض مدتی که هیئت ناظرهٔ مرکزی معین نموده (بموجب این قانون) قصور نمودند حق انتخاب از آنها سلب است و انتخاباتی که در سایر نقاط آن حوزه صورت گرفته صحیح و پذیرفته خواهد بود.

مادهٔ ۱۹) هیچیك از انتخاب‌کنندگان حق بیش از یك مرتبه رأی‌دادن را ندارد مگر در مواقعی که تجدید انتخابی لازم بشود.

مادهٔ ۲۰) انتخاب‌کنندگان حتماً مجبور نیستند که از بین متوطنین در شهر خودشان انتخاب کنند.

فصل ششم
در باب اوراق رأی برای انتخاب کردن از مادهٔ ۲۱ الی ۲۴

فصل هفتم
در باب اخذ اوراق رأی و حساب عدهٔ منتخبه است از مادهٔ ۲۵ الی ۴۳

فصل هشتم
در باب شکایات راجعه به انتخابات است از مادهٔ ۴۴ الی ۴۸

فصل نهم
متفرقه

مادهٔ ۴۹) همینکه نصف عدهٔ نمایندگان به اضافهٔ یك نفر وارد طهران بشوند مجلس شورای ملی مفتوح خواهد شد و رأی آنها به اکثریت نسبی مکفی و موجه خواهد بود.

مادهٔ ۵۰) مدت انعقاد مجلس دو سال شمسی است که از روز افتتاح مجلس شورای ملی شروع می‌شود.

مادهٔ ۵۱) مخارج ایاب و ذهاب نمایندگان از محل انتخاب الی طهران را باید دولت از قرار هر فرسنگی ۵ قران بپردازد. مخارج لازمه راجع به انتخابات را باید دولت با اطلاع حکومت محلی بپردازد.

مادهٔ ۵۲) هرگاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی استعفاء بنماید یا فوت شود و بیش از سه ماه به مدت انعقاد مجلس باقی مانده باشد اهل آن محلی که او را انتخاب نموده بودند باید یك نفر نمایندهٔ دیگر بجای او انتخاب نمایند ولی اگر انتخاب‌کنندگان او تا انقضاء سه ماه از تاریخ اعلان همچو انتخابی یك نفر نمایندهٔ دیگر بجای او انتخاب ننمایند مجلس شورای ملی یك نفر نماینده بجای آن منتخب مستعفی یا متوفی انتخاب خواهد نمود.

مادهٔ ۵۳) سه ماه قبل از انقضاء مدت انعقاد مجلس دولت باید اعلان انتخاب‌عمومی بنماید و انتخاب‌کنندگان اگر مایل باشند می‌توانند هر یك از نمایندگان سابق خود را که بخواهند انتخاب نمایند.

قانون انتخابات که مشتمل به ۵۳ ماده است به اکثریت ۵۲ رأی از مجلس گذشت

بتاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ [۲۹ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۱ میلادی]

حسین مؤتمن‌الملك رئیس مجلس شورای ملی

این قانون انتخابات مجلس شورای ملی موافق مواد ۱۷ و ۳۳ قانون اساسی به اینجانب پیشنهاد شده. در تاریخ ۱۲ ذیقعده غروب، این قانون بتوسط وزارت داخله نزد اینجانب فرستاده شده و چون وقت برای قرائت آن نبود فوراً به وزارت داخله فرستاده شد که تأخیری در آن واقع نشده باشد.

به تاریخ ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی].

ناصرالملك نایب‌السلطنه

برحسب امر والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه بموقع اجراء گذارده شد.

بتاریخ ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی]

قوام‌السلطنه وزیر داخله

صورت ولایات انتخابیه

ایالات و ولایات		ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
آذربایجان	۱۹ نفر	تبریز و مضافات	۹	تبریز
		اردبیل و مضافات	۲	اردبیل
		قرجه‌داغ و مضافات	۱	ابهر
		سراب و مضافات	۱	سراب
		مراغه و مضافات	۲	مراغه
		ساوجبلاغ و مضافات	۱	ساوجبلاغ
		ارومیه و مضافات	۱	ارومیه
		خوی و مضافات	۲	خوی
استراباد	۱ نفر	استراباد و مضافات	۱	استراباد
اصفهان	۵ نفر	اصفهان و مضافات	۳	اصفهان
		قمشه و مضافات	۱	قمشه
		فریدن و مضافات	۱	نجف‌آباد
لرستان	۴ نفر	بروجرد و مضافات	۲	بروجرد
		خرم‌آباد و مضافات	۲	خرم‌آباد
خراسان	۱۵ نفر	مشهد و مضافات	۴	مشهد
		کلات و مضافات	۱	دره‌جز [=درگز]
		ترشیز و مضافات	۱	سلطان‌آباد
		سبزوار و مضافات	۲	سبزوار
		تربت و مضافات	۲	تربت
		نیشابور و مضافات	۱	نیشابور
		قوچان و مضافات	۱	قوچان

ایالات و ولایات		ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
		بجنورد و مضافات	۱	بجنورد
		طبس و مضافات	۱	طون
		قاینات و مضافات	۱	بیرجند
		سیستان و مضافات	۱	سیستان
خمسه	۳ نفر	زنجان و مضافات	۳	زنجان
سمنان و دامغان	۲ نفر	سمنان و مضافات	۱	سمنان
ساوه و زرند	۱ نفر	ساوه و مضافات	۱	ساوه
شاهرود	۱ نفر	شاهرود و مضافات	۱	شاهرود
طهران	۱۵ نفر	طهران و مضافات	۱۲	طهران
		غار و مضافات	۱	شاه‌عبدالعظیم
		خار و مضافات	۱	ایوانکیف [=ایوانکی]
		شهریار و مضافات	۱	کردان
دماوند	۱ نفر	دماوند و مضافات	۱	دماوند
عراق	۲ نفر	سلطان‌آباد و مضافات	۲	سلطان‌آباد
عربستان	۴ نفر	دزفول و مضافات	۱	دزفول
		شوشتر و مضافات	۱	شوشتر
		محمره و مضافات	۱	محمره
		بنی‌طرف و مضافات	۱	بنی‌طرف[1]
فارس	۱۳ نفر	شیراز و مضافات	۵	شیراز
		فسا و مضافات	۱	فسا
		آباده و مضافات	۱	آباده
		بهبهان و مضافات	۱	بهبهان
		بوشهر و مضافات	۲	بوشهر
		لار و مضافات	۱	لار
		عباسی و مضافات	۱	عباسی
		جهرم و مضافات	۱	جهرم
قزوین	۲ نفر	قزوین و مضافات	۲	قزوین
کاشان	۲ نفر	کاشان و مضافات	۲	کاشان
کردستان	۴ نفر	سنه و مضافات	۳	سنه[2]
		سقز و مضافات	۱	سقز

۱) در اصل: مبنی‌طرف. ـ م.
۲) مقصود سنندج است که در اصطلاح محلی به آن سنه گفته می‌شود. ـ م.

ایالات و ولایات			ایالات و ولایات توابع و مضافات	عدهٔ نمایندگان	مرکز حوزهٔ انتخاب
کرمانشاه	۴	نفر	کرمانشاه و مضافات	۴	کرمانشاه
کروس	۱	نفر	بیجار و مضافات	۱	بیجار
کرمان و بلوچستان	۸	نفر	کرمان و مضافات	۲	کرمان
			رفسنجان و مضافات	۱	رفسنجان
			سیرجان و مضافات	۱	سیرجان
			رائین و مضافات	۱	بم
			جیرفت و مضافات	۱	جیرفت
			بلوچستان و مضافات	۱	فهرج
گلپایگان	۲	نفر	گلپایگان و مضافات	۱	گلپایگان
			کمره و مضافات	۱	محلات
گیلان	۶	نفر	رشت و مضافات	۲	رشت
			انزلی و مضافات	۱	انزلی
			خمسه و مضافات	۱	گرگان‌رود
			فومن و مضافات	۱	فومن
			لاهیجان و مضافات	۱	لاهیجان
مازندران	۵	نفر	ساری و مضافات	۲	ساری
			بارفروش و مضافات	۳	بارفروش
ملایر	۲	نفر	ملایر و مضافات	۲	دولت‌آباد
همدان	۲	نفر	همدان و مضافات	۲	همدان
یزد	۴	نفر	یزد و مضافات	۳	یزد
			نائین و مضافات	۱	نائین
ایلات	۵	نفر	بختیاری و مضافات	۱	بتعیین وزارت داخله
			شاهسون و مضافات	۱	
			ترکمان و مضافات	۱	
			قشقائی و مضافات	۱	
			خمسه و مضافات	۱	
ملل متنوعه	۴	نفر	ارمنی‌های آذربایجان و کلدانیان	۱	بتعیین وزارت داخله
			ارمنیان جنوب	۱	
			زردشتیان	۱	
			یهود	۱	

نمره ـ ۲۹۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران به تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب شرح معروضه در ۱۲ شهر حال با کمال افتخار خاطر مبارك را مستحضر می‌دارم که قبل از انقضاء مدتی که دولت روس برای تمکین دولت ایران به تقاضاهای خودشان در باب ضبط اموال شعاع‌السلطنه قرار گذارده بود (یعنی ۴۸ ساعت اگرچه این مدت صراحتاً به دولت ایران نوشته نشده بود) بقیهٔ اعضاء کابینه‌ای که مرکب از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه بود استعفاء نمودند.

لهذا مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] مشکوك بود که در باب تعلیماتی که دولت متبوعهٔ او در ۱۴ شهر حال به او داده بودند که روابط با کابینه را قطع بنماید چه نوع باید عمل بنماید. مشارالیه به دولت متبوعهٔ خودش تلگراف نمود که هرگاه کابینهٔ جدید پس از تشکیل‌یافتن به دو فقره تقاضاهای روس تمکین ننمودند (یعنی تقدیم ترضیهٔ رسمی و نصب نمودن قزاق ایرانی بجای ژاندارم‌خزانه به‌حفاظت اموال‌شعاع‌السلطنه) او روابط با آن کابینه را قطع خواهد نمود. در جواب آن‌تلگراف به وزیرمختار مزبور دستور داده شد که روابط را فوراً قطع بنماید.

دولت روس به وزیرمختار مزبور اطلاع داده بودند که در صورت امتناع دولت ایران از قبول دو فقره تقاضاها چه اقداماتی در نظر دارند. اقدامات منظوره اعزام قشون روس به قزوین بود که یك دستهٔ از آن را وزیرمختار مزبور به طهران احضار بنماید که ژاندارم خزانه را از منزل شعاع‌السلطنه خارج بنماید و مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تصویب نموده بود که برای حصول این مقصود ۴۰۰۰ نفر قشون فرستاده بشود.

در این موقع به مسیو پکلوسکی اطلاع داده بودند که به حکومت قفقاز امر شده این عده قشون را اعزام بدارد. در ۱۸ نوامبر وزیرمختار روس تعلیمات دولت متبوعهٔ خود را بموقع اجراء گذارده و مترجم اول خود را به وزارت امور خارجه فرستاد که اظهار بدارد روابط او با دولت ایران مقطوع است و برای مذاکرات در باب امور جاریه با اجزاء او مکاتبه بنمایند. باضافه اظهار بدارد که قشون روس هم اعزام شده.

وثوق‌الدوله که با وجود مستعفی‌بودن هنوز امور وزارت‌خانهٔ خود را اداره می‌نمود فوراً رئیس کابینهٔ خود معین‌الوزاره را نزد من فرستاده و از من خواهش‌نمود که درخواست دولت ایران را به جنابعالی تبلیغ بنمایم که در سن پطرزبورغ وساطت بنمایید که اعزام قشون روس معوق بشود.

معین‌الوزاره اظهار داشت که کابینه در شرف تشکیل یافتن است و به من اطمینان داد که هیئت وزرای جدید استرضای دولت روس را در خصوص دو فقره تقاضا بعمل خواهند آورد.

در ۲۰ مجدداً معین‌الوزاره من را ملاقات نموده و اظهار داشت اگر به دولت ایران اطمینان داده بشود که پس از قبول دو فقره تقاضاها قشون روس عودت داده خواهد شد و قشون مزبور اسباب پیشنهاد مواد دیگری نخواهد شد بمحض تشکیل کابینه وزیر امور خارجه تقدیم ترضیهٔ رسمی به سفارت روس خواهد نمود و ژاندارم خزانه هم از اموال شعاع‌السلطنه برداشته و قزاق ایرانی بجای آنها منصوب خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌شود در همان روز یك همچو مذاکره‌ای هم بتوسط وزیرمختار ایران مقیم لندن با شما شده بوده که از جانب دولت ایران درخواست نصیحت دولت انگلیس را نموده.

به وصول تعلیمات مندرجه در تلگراف ۲۰ نوامبر شما من، هم شفاهاً و هم بوسیلهٔ یادداشت به دولت ایران اطلاع دادم که عقیدهٔ دولت انگلیس بر این است که اگر دولت ایران دو فقره تقاضاهای روس را قبول بنمایند قشون روس عودت داده خواهد شد و نیز اظهار داشتم صلاح دولت ایران بر این است که بدون دفع وقت به تقاضاهای روس تمکین بنمایند. این اطلاع را من در صبح ۲۱ دادم و غروب همان روز وثوق‌الدوله به من خبر داد که بالاخره صمصام‌السلطنه کابینهٔ خود را تشکیل داده و فردا معرفی خواهند شد. به معین‌الوزاره که راوی این پیغام بود دستورالعمل داده شده بود که از من خواهش بنماید تشکرات وزیر امور خارجه را در ایضای [ازاء؟] حسن مساعدت و نصیحت شما تبلیغ بنمایم. و نیز به او امر شده بود به من اطلاع بدهد که اعضای کابینهٔ جدید و بعضی از وکلای نامی در موضوع یادداشت من مشاوره نموده و نتیجه این شده که رأی قطعی داده‌اند فردا پس از معرفی شدن کابینه به مجلس به دو فقره تقاضاهای روس تمکین بشود.

در ۲۲ نوامبر کابینه به یك نحو ناقصی به مجلس معرفی شد و در همان روز غروب معین‌الوزاره نزد من آمده اظهار داشت وثوق‌الدوله که مقام خود را مجدداً قبول نموده بواسطهٔ کسالت مزاج نتوانسته در مجلس حاضر بشود ولی امیدوار است تا روز بعد بحدی اعادهٔ صحت مزاج او بشود که بتواند تقدیم ترضیهٔ رسمی بنماید و به هر زودی که ممکن بشود ژاندارم خزانه برداشته شده و قزاق ایرانی به‌جای آنها منصوب خواهد شد.

در ۲۴ معین‌الوزاره شرحی به من نوشته و استفسار نموده بود چه وقت وزیرمختار روس حاضر خواهد بود که وثوق‌الدوله او را ملاقات نموده و تقدیم ترضیه بنماید و اشعار داشته بود که قزاق ایرانی به محافظت اموال شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه برقرار شده.

بعد از ظهر وقت برای وثوق‌الدوله معین شد و در ساعت دو و نیم او با لباس‌رسمی نزد وزیرمختار روس رفته و تقدیم ترضیهٔ مطلوبه را نمود. در همین ساعت قزاق ایرانی در منزل شهری شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه نصب شده بود و عدهٔ قزاقی هم معین و اعزام شده بود که املاك خارج شهر را تصرف بنمایند.

وزیرمختار روس پس از استماع ترضیه از وزیر امور خارجه اظهار داشته بود که به او اجازه داده شده که روابط با کابینه را مجدداً برقرار بنماید ولی نظر به تأخیری که در تمکین نمودن دولت ایران به دو فقره تقاضاهای دولت متبوعهٔ او ظاهر شده و بلحاظ ورود مقداری از قشون روس به خاك ایران او گمان نمی‌کند که دولت متبوعهٔ او کاملا از این موافقت دولت ایران اقناع بشود.

محتمل است دولت روس تقاضاهای دیگری پیشنهاد بنماید و نظر به اینکه از زمان پیشنهاد تقاضاهای اصلی از مستر شوستر اعمال مغرضانه بیشتر ناشی شده که از آن جمله در ایران منتشر نمودن ترجمهٔ شرحی است که او در این اواخر به روزنامه نوشته است در پیشنهاد تقاضاهای مضاعف احتمال کلی می‌رود.

سواد مراسله‌ای را که در ۲۳ شهر حال من به وزیر امور خارجه نوشته‌ام و سواد جوابی را که آن‌جناب نگاشته لفاً ارسال می‌دارم بانضمام سواد شرح الحاقی که نوشته‌ام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه در نمرهٔ ۲۹۸

سواد مراسلهٔ سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

هر یك دقیقهٔ تأخیر باعث کمتر شدن احتمال عودت قشون روس است. بنابراین من کمال تعجب را دارم که تا حال قزاق ایرانی بجای ژاندارم منصوب نشده.

نقاهت وثوق‌الدوله باعث تأسف بسیار است. من میل داشتم او توانسته باشد دیروز تقدیم ترضیه نموده باشد.

جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۸

مراسلهٔ معین‌الوزاره به سر جارج بارکلی

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

وزیرمختار عزیزم

من در جواب مرقومهٔ امروز صبح جنابعالی عجله نموده و خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که از طرف ما هیچ نوع دفع‌وقتی در قبول نمودن تقاضاهای روس بر طبق نصایح دولت انگلیس نشده و این تمکین مشروط به اطمینان کلی در باب عودت قشون روس است. اصل اموال و مسکن شخصی شعاع‌السلطنه امروز غروب از تصرف ژاندارم خارج و تحویل قزاق ایرانی خواهد شد.

وثوق‌الدوله هنوز منتظر خبر از طرف جنابعالی است که چه وقت او باید برای اجرای مادهٔ دوم تقاضا حاضر بشود. با کمال شعف اطلاع می‌دهم که امروز حالت

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] بهتر است.

حسین‌خان

ملفوف در نمرهٔ ۲۹۸

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

در جواب مراسلهٔ شما که الان رسیده باید خاطر شما را مستحضر بدارم که هیچ وعدهٔ صریحی در باب عودت قشون روس پس از قبول تقاضاها نشده.

البته بخاطردارید عبارتی‌که من در این‌باب نوشته‌بودم این‌بود: «عقیدهٔ دولت‌انگلیس بر این است» که در واقع ظهر روز سه‌شنبه وضع همین‌طور هم بود و این عبارت من بیان واقع آن روز بود.

همین‌قدر که کرنل وادبلسکی [=کلنل وادبولسکی] به وزیرمختار روس خبر بدهد قزاق‌ایرانی بجای ژاندارم نصب شده وزیرمختار معظم در پذیرفتن وزیر امور خارجه برای تقدیم ترضیه حاضر خواهد بود.

جارج بارکلی

نمره ـ ۲۹۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب مشروحهٔ مورخهٔ ۲۸ شهر ماضی خودم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم جنگی که در حوالی بندرجز [گز] واقع شده و در همان مکتوب ۲۸ اطلاع داده بودم ظاهراً بیش از آنچه بدایتاً معروف بود اهمیت داشته و قشون دولتی را که مرکب از ۶۰۰ نفر بوده‌اند شعاع‌السلطنه بـرادر شاه مخلوع بـا ۷۰۰ نفر ترکمانی که داشته بکلی شکست داده‌اند. من خبر جدید دیگری که محل وثوق باشد ندارم ولی ظاهراً تمام ناحیهٔ استرآباد مجدداً به تصرف شاه مخلوع درآمده.

وضع تبریز تقریباً رو به بهبودی است. از قرار معلوم شجاع‌الدوله برای اینکه رعایا بتوانند محصول خود را بفروشند و به این وسیله بر ممر عایدات او افزوده بشود اغلب طرق ورود آذوقه به شهر را مفتوح داشته یك عده از اهل شهر در یکی دو هفتهٔ قبل به سمت نمایندگی در باسمنج او را ملاقات نموده و عنوان صلح نمودند ولی نتیجه‌ای از این عمل حاصل نشده و او هنوز با یك استعدادی که قریب ۱۵۰۰ نفر می‌شوند شهر را تهدید می‌نماید. یك دفعه مذاکره این شد که از طهران قشونی برای دفع او اعزام بشود ولی این نقشه تا حال صورت وقوع حاصل ننموده.

سالارالدوله را بختیاریها در تحت فرماندهی سردار بهادر تا لرستان تعاقب نمودند و بموجب اطلاعاتی که از دولت کسب شده تقریباً در ۱۶ نوامبر یك نوبت دیگر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر در حوالی بروجرد سالارالدوله را مغلوب نموده‌اند. در این جنگ سالارالدوله تقریباً دو هزار سوار داشته و از قرار مذکور ۵۰۰ نفر از آنها مقتول و مجروح شده‌اند. حالیه معلوم نیست سالارالدوله در کجا هست.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۰۰

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
آقا

در مشروحهٔ مورخهٔ ۳۱ اکتبر خودم اظهار داشته بودم که محتمل است اضافه شدن عدهٔ مستحفظین قنسولگریهای ما اثر معنوی بنماید و تخفیفی در اغتشاش طرق جنوب حاصل بشود.

تا حال در جادهٔ شیراز به بوشهر ظاهراً همین اثر را نموده چون بجز یك فقره سرقتی که به تاریخ ۴ نوامبر در حوالی کازرون بتوسط قشقاییها از یك قافلهٔ مختصری که حامل محصولات محلی و آلات تلگرافی بوده شده و یك فقره تهاجم به قافلهٔ حامل دو نفر ژاپونی دیگر از زمان حرکت دو دسته قشون انگلیس در دوم شهر جاری از بوشهر، هیچ راپرت سرقتی به من نرسیده و تلگرافی که امروز از قنسول انگلیس مقیم شیراز رسیده مبنی بر این است که قوافل معمولی آزادانه در حرکتند اگرچه درصورتی که بانك شاهنشاهی شیراز نهایت احتیاج را به پول نقد دارد حکومت محلی اذعان دارد که نمی‌تواند مستحفظ برای همراهی قوافل حامل پول تهیه بنماید.

نظر به راپورت ویس‌قنسول چیك که قشون انگلیس را تا کازرون مشایعت نموده بود لازم دانسته شده که سپاهیان مأمور سابق اصفهان در مراجعت از اصفهان به هندوستان از کازرون به بوشهر به تنهایی مسافرت ننمایند. قنسول چیك در مراجعت از کازرون به بوشهر در باب اثراتی که عبور قشون انگلیس در اذهان رؤسای ایلات آن نواحی نموده نظریات عمیقه کرده است. قنسول مزبور اظهار می‌دارد که رؤسای ایلات خیلی اظهار کراهت می‌کردند که راهداری یا باج راه نامشروعی در جاده دایر شده چون یکی از مستحفظین بی‌احتیاط در عرض راه برای تهدید یك مکاری که متعلق به قشون انگلیس بوده یك تیر خالی نموده بود و برای این عمل تفنگ او و اسلحهٔ سایر تفنگچیان را گرفته و ضبط نموده‌اند.

این واقعه و اخبارات بی‌اساسی که در جراید محلی طبع می‌شود مشعر بر اینکه

دولت انگلیس خیال دارد در آتیه قشون خود را برای همراهی با قوافل به‌کار ببرد ظاهراً رؤسای ایلات مزبور را خیلی متغیر و نگران نموده.

در باب راه شیراز به اصفهان هیچ آثار بهبودی ظاهر نبوده که بتوان راپورت آن را داد. جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان در ۱۱ نوامبر خبر می‌دهد که در راه اصفهان به شیراز بهیچ‌وجه قوافل تردد ننموده‌اند و در ۱۸ نوامبر هم همین قسم خبر می‌دهد. یك قافله‌ای که عازم قمشه بوده در حوالی گردنهٔ ارچینی با حملات سارقین کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] مصادف شده. در ۸ نوامبر تجار اصفهان تلگرافی به وزیر داخله مبنی بر شکایت از ناامنی کلیهٔ راهها مخابره نموده‌اند. راه بختیاری هنوز به‌ترتیب غیرمرضی سابق باقی است ولی برودت فوق‌العادهٔ هوا و تکسیر سارقین ظاهر گردیده. مقدار کثیر مال‌التجاره که سابقاً اطلاع داده شده بود در راه مانده حالا وارد شده. قافله‌ای مرکب از ۱۵۰ شتر که متعلق به کمپانی لینج بوده در مال‌امیر در عرض این ماه با حملات سارقین مصادف شده و در ۸ شهر جاری در حوالی گردنهٔ (گاوپیشه) دو لنگه لوازمات شخصی دو نفر سوار هندی که به عزم قنسولگری اصفهان می‌آمدند بسرقت رفته که قیمت آن را به‌محض وصول صورت جزئیات آن از دولت ایران مطالبه خواهم نمود.

جارج بارکلی

نمره ـ ۳۰۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در چند هفتهٔ ماضی بحران کابینه ممتد بوده و صمصام‌السلطنه هنوز از نیل به مرام خود در موضوع مسئله‌ای که همیشه نایب‌السلطنه مبالغهٔ کثیره در آن داشته محروم است ـ به این معنی که نایب‌السلطنه جدیتی داشته که کابینهٔ مقتدر باید متکی به اکثریت مستدام مجلس باشد و هنوز همچو مقصودی را صمصام‌السلطنه نتوانسته حاصل بنماید.

چنانچه در تلگراف ۱۴ شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام باقی‌ماندهٔ اعضای کابینه که فقط مرکب بود از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه، در ۱۳ شهر جاری مستعفی شدند. در عرض هفته‌های ماضی صمصام‌السلطنه برای پر نمودن مقامهای خالی در کابینه مجاهدات بیهوده نمود ولی نتوانست مجلس را متقاعد بنماید که داوطلبان او را به وزارت قبول بنمایند. مقامی که بیشتر از همه حاوی مشکلات بوده وزارت داخله است که مجلس اصرار داشت مقام مزبور باید مجدداً به قوام‌السلطنه تفویض شود در صورتی که معزی‌الیه بواسطهٔ مناقشهٔ با رئیس‌الوزراء مستعفی شده بود. قوام‌السلطنه یکی از پیشقدمان دموکرات است و بدین‌جهت در این موقع که انتخابات

جدید در نظر است صمصام‌السلطنه در تفویض نمودن وزارت داخله به او بیشتر از هروقت مخالفت دارد.

بعقیدهٔ من اشکالات تشکیل دادن کابینه پیش از التیماتوم روس صمصام‌السلطنه را دلالت به استعفاء نموده.

تقریباً ۱۰ روز ابداً کابینه‌ای وجود نداشت تا بالاخره هیئت وزرایی را که صمصام‌السلطنه در ۲۲ شهر حال به مجلس معرفی نمود مرکب از ۴ وزیر بود. به این ترتیب ناقص برای این معرفی شدند که در قبول دو فقره مواد التیماتوم روس در موضوع اموال شعاع‌السلطنه بیش از این تأخیر نشود.

تا حال مقامهای خالی کابینه پر نشده و مجلس هنوز به خودرأیی در رد نمودن نامزدگان صمصام‌السلطنه باقی است.

اکثریت حزب اعتدالیون مصنوعی مجلس معدوم شده و حزب دمکرات با فرقهٔ بی‌طرفه که تا حال مابین دو حزب معوق‌الحال بوده متفق شده‌اند و ظاهراً اکثریت مجلس را حالا دارا هستند.

نمره ـ ۳۰۲

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار لفاً صورت وقایع ماهیانهٔ معمولی را که راجع به حوادث ۴ ماههٔ ماضی ایران است ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفهٔ در نمرهٔ ۳۰۲

صورت وقایع ایران در عرض ماه نوامبر

طهران

کابینه ـ پس از بحرانهای متواتره و مخالفتهای کثیره از طرف یك حزب مجلس برای داخل شدن محتشم‌السلطنه در جزو کابینه، عاقبت در ۲۹ نوامبر کابینه از قرار ذیل تکمیل گردید:

صمصام‌السلطنه	رئیس‌الوزراء و وزیر داخله
وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
سردار محتشم	وزیر جنگ
ذکاءالملك	وزیر مالیه
مشیرالدوله	وزیر معارف
معاضدالسلطنه	وزیر پست و تلگراف

محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه

مجلس ـ در ۳۱ اکتبر حکم قطع وظایف و مستمری اشخاصی که بعد از عفو عمومی سنهٔ ۱۹۰۹ به مخالفت دولت قیام نموده‌اند از مجلس گذشت و در ۹ نوامبر حکم دیگری برای قطع مستمری مرتجعین معروف که معادل مبلغ ۱۸۷۸۵ تومان بود و تکسیر مبلغ بعضی از مستمریات دیگر از مجلس گذشت. در ۲ نوامبر اجازهٔ کنترات ده نفر مستخدمین امریکی دیگر برای وزارت مالیه و اعتبار ۲۴۹۰۰ دلار به جهت مواجب آنها تصویب شد.

در یك جلسه مکتوب مهمی که نایب‌السلطنه به مجلس نوشته بود قرائت شد و در آن مکتوب والاحضرت اقدس مجلس را تخویف نموده بود که اگر بعضی شرایط منظوره را بموقع اجراء نگذارند استعفاء خواهد داد. لفاً ترجمهٔ این دستخط را ارسال می‌دارم.

در همان جلسه تلگرافات از تبریز و رشت و مشهد و بعضی ولایات دیگر مبنی به امتداد دورهٔ مجلس قرائت شد و پس از مذاکرات بسیار در ۱۲ و ۱۳ نوامبر در جلسهٔ ۱۳ به اکثریت ۴۶ رای در مقابل ۶۹ رأی تصویب شد که دورهٔ انعقاد مجلس ممتد بشود تا بیش از نصف نمایندگان جدید در طهران حاضر بشوند. دورهٔ انعقاد دوسالهٔ مجلس در ۱۴ نوامبر منقضی شد.

هیئتی از مجلس انتخاب شد که با نایب‌السلطنه در باب خیال استعفای ایشان مذاکره بنمایند و پس از مذاکرات راپورتی به مجلس پیشنهاد نمودند که علناً قرائت نشد. هیئت مزبور اظهار داشتند که بواسطهٔ کسالت مزاج نایب‌السلطنه بعد از تشکیل کابینه باید در تحت مرخصی برای مدت قلیلی به اروپ بروند.

در ۲۲ نوامبر صمصام‌السلطنه بوسیلهٔ مراسله‌ای سه نفر وزیر دیگر برای کابینه که یکی از آنها وثوق‌الدوله به وزارت امور خارجه بوده معرفی نمود و در ۲۹ نوامبر پس از مشاجره و مذاکرهٔ متشددی عدهٔ کابینه مطابق تفصیل سابق‌الذکر تکمیل شد که ۴۱ نفر از وکلاء در قبول آن رأی دادند و ۱۸ نفر در رد آن رأی دادند.

التیماتوم روس ـ التیماتوم روس در باب اموال شعاع‌السلطنه بدایتاً در ۱۱ نوامبر به دولت ایران پیشنهاد شد. در ۲۳ نوامبر ژاندارم خزانه از مایملك مزبور مطرود شد و روز بعد وزیر امور خارجه تقدیم ترضیهٔ رسمی به وزیرمختار روس نمود. در ۲۹ نوامبر وزیرمختار روس التیماتوم ثانوی در باب انفصال مستر شوستر در عرض ۴۸ ساعت را پیشنهاد نمود.

متفرقه ـ در ۲۸ اکتبر سردار جنگ از همدان و امیر مفخم از سلطان‌آباد وارد طهران شدند.

در ۳ نوامبر مستر شوستر ژاندارم خزانه به منزل علاءالدوله فرستاد که مالیات دریافت نمایند و علاءالدوله فوراً به رئیس‌الوزراء شکایت شود. امیر مجاهد و سردار جنگ به اتفاق علاءالدوله به منزل او آمده و ژاندارم خزانه را خلع‌سلاح نمودند. عاقبت رئیس‌الوزراء از مستر شوستر ترضیه خواست و مسئله خاتمه پذیرفت.

در ۴ نوامبر فرمانفرما به سمت حکمرانی تبریز از طهران حرکت نمود. چند روز

بعد از توزیع لایحهٔ مستر شوستر به جریدهٔ **تایمز** در لندن به تاریخ ۱۲ نوامبر ترجمهٔ همان لایحه بحد وفور در طهران منتشر شد.
نرخ ارزاق در ترقی است و نان خیلی گران است.

دستخط والاحضرت اقدس نایب‌السلطنه به رئیس مجلس
۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آبان ۱۲۹۰]
یادداشتی در جوف ارسال داشته و خواهشمندم آن را به مجلس پیشنهاد نموده که با توجه کامل نمایندگان قرائت شود.
چون شما بخوبی از اوضاع‌حاضره مستحضرید یقین‌دارم به حقانیت من در پیشنهاد همچو یادداشتی تصدیق خواهید نمود و خواهش من را در باب تصریح این مسئله به آقایان نمایندگان قبول خواهید نمود. من امیدوارم که این یادداشت منتج به اثرات مطلوبه بگردد.

مقام مقدس مجلس شورای ملی
چون نمایندگان کاملا از ترتیب اوضاع حاضره مستحضرند تصریحات در این موضوع زیادی است. چیزی را که لازم است فقط اظهار بنمایم و همهٔ آقایان کاملا مسبوق هستند در عرض یك مدتی کابینه ناقص بلکه مشرف به منحل شدن بوده. اگرچه خدماتی را که حضرت اشرف آقای صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء بمنصهٔ ظهور و بروز رسانیده‌اند بر دولت و ملت بخوبی مشهود است که از بحرانهای متواترهٔ کابینه و لزوم مساعدت بحدی دچار زحمات‌شدند که بالاخره رأی ایشان به مستعفی شدن تعلق گرفت و من جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را از این عمل ممانعت نمودم، ولی واضح است که بدون تکمیل و تشکیل کابینه و بدون وجود مساعدت لازمه جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] هم نمی‌تواند مقاصد عالیهٔ خود را بموقع اجراء بگذارد.
چون انتخابات جدید در کار است و در سنهٔ آتیه زحماتی در پیش است مسلم است که اگر فوراً یك کابینه‌ای که متکی به تقویت لازمهٔ مجلس باشد تشکیل نشود و پروگرام صحیحی برای نظم مملکت بموقع اجراء گذارده نشود و جلوگیری‌از سختیهای محتملهٔ در این بهار[1] نشود (که خود مدخلیت تامه در پیشرفت انتخابات دارد) و اگر مجلس اقداماتی را که برای استقرار نظم در نظر است تصویب ننماید با این بحران حاضره بکلی مشکل است بتوان تصور نمود که هیچ‌نوع اقدامی برای جلوگیری از انقلابات آتیه بشود نمود.
نظر به این مراتب من باید فقط اهمیت موقع را خاطرنشان نموده و امیدوار باشم که مجلس تقویت کامل با رئیس‌الوزراء خواهند نمود که کابینهٔ خود را تشکیل داده و پروگرام خودشان را ترتیب بدهند.

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

بعلاوه لازم است اظهار بدارم که چنانچه در تلگراف خودم از اروپ شرح داده‌ام تقویت همه به یك نایب‌السلطنهٔ مملکت مشروطه لازم است و اختلافات فرق باعث تخریب و بحران خواهد شد و با اینکه ملاحظه می‌شود با وضع حاضره نظم و سکون نهایت لزوم را دارد اینطور مناقشات بکلی با منافع مملکت متضاد است.

زمانی که من در مجلس در باب بعضی تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که اگر بدبختانه اختلافات باعث شدت انقلاب اوضاع بشود مناظره و تحمل این طور اوضاع نامساعد بر من ناگوارا است.

ولی چون از سه ماه قبل به این طرف علائم اختلاف و حتی سوء نسبت به مقام نیابت سلطنت که مقام مقدسی است بمنصهٔ ظهور رسید (چنانچه بر همهٔ نمایندگان معلوم است) من در همان اوقات خیال استعفاء از نیابت سلطنت را داشتم. لیکن چون زحمات خیلی مهم پیش آمد من تأمل نموده و در اجرای مقصود خود اقدام ننمودم که مبادا همچو تصور شود که من در مسئولیت خودم بی‌قیدم. ولی برای اینکه این امر واقع نشود بدون اینکه تهیهٔ مقدماتی شده باشد در عرض چندروزهٔ ماضی من اقدام به این امر نمودم و از نمایندگان خواهش نمودم با هیئت دولت مشاوره نموده و هر اقدامی را لازم می‌دانند بنمایند.

لهذا خاطر نمایندگان محترم را مستحضر می‌دارم که اگر در این مسئله اقدامات مجدانه بعمل نیاید من مجبور خواهم بود خیال خود را بدون هیچ نوع اخطار دیگری بموقع اجراء بگذارم و مطلب را علنی بکنم. زمانی که در مجلس در بـاب تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که هیچ شخص باوجدانی نمی‌تواند من را برای این مسئله مسئول قرار بدهد و برای برطرف کردن این اختلاف من بیش از آنچه در قوهٔ بشر است مجاهده نمودم ولی متأسفانه تمام مجاهدات من بی‌نتیجه شد. به عقیدهٔ من نمایندگان مسئول ملت هستند و بر عهدهٔ آنها فرض است که هموم عالیهٔ خود را مصروف اجرای این امور مهمه بدارند و تا برای مرتفع داشتن این اشکالات نتیجهٔ مطلوبه حاصل نشود نباید مسئولیت را از عهدهٔ خود ساقط بدانند.

در خاتمه مجدداً در باریکی موقع تأکید می‌نمایم و لزوم بموقع اجـراء گذاردن مقاصد فوق را و سوء نتیجه‌ای را که از قصور در این باب حاصل خواهد شد تکرار می‌نمایم و از ساقط بودن مسئولیت از عهدهٔ خودم خاطر آقایان را مستحضر می‌دارم و چون من به تکلیف خود عمل نموده و جلب توجه شما را بمراتب فوق نموده‌ام به وظایف وجدانی خود رفتار نموده و من‌بعد بری‌ءالذمه هستم.

تبریز

در اوضاع تبریز بهبودی حاصل نشده. شجاع‌الدوله با دو هزار جمعیت هنوز به محاصرهٔ شهر مداومت دارد. مجاری امور در شهر خیلـی سخت است و بسیاری از سکنهٔ قراء حوالی در مسکن ییلاقی قنسول‌جنرال روس متحصن شده و از تعدیات و صدماتی که به آنها وارد می‌شود شکایت دارند. اهل شهر هم با شجاع‌الدوله اصلاح

ننمودند و بدون مداخله و مساعدت دولت ایران قدرت استخلاص از این زحمت را هم که دچار هستند ندارند. ظاهراً یگانه وسیلهٔ اطمینان داشتن بـه استقرار نظم، حضور قشون روس است. در تعداد قزاق روس بواسطهٔ منقضی شدن مدت خدمت اغلبی از افراد آنها نقصان حاصل شده و فوج جدیدی بجای این دسته که حالیه در آنجا هستند اعزام خواهد شد.

گیلان و مازندران

وکیل قنسولگری انگلیس (آژانس) از استراباد خبر می‌دهـد که محمدعلی هنوز در خواجه‌نفس است؛ و نیز اطلاع می‌دهد که ترکمانها در ۱۱ نوامبر به شهر هجوم آورده ۴۷ نفر را مقتول و ۳۵ نفر را اسیر نمودند و بواسطهٔ حضور آنها در حوالی استراباد عدهٔ کثیری از اهالی در قنسولگری روس تحصن اختیار می‌نمایند.

۲۰۰ نفر قزاق و دو عراده توپ مسلسل به استعداد قنسولگری روس در استراباد اضافه خواهد شد که حفظ جان و مال اتباع روس را بنمایند.

عدهٔ قشون روس که تا ۲۷ نوامبر وارد رشت شده‌اند از قرار ذیل است:

۳۰۰ نفر قزاق، ۱۷۲۰ نفر سرباز و توپچی جملتان ۲۰۲۰ نفر بانضمام ۸ عراده توپ و ۶ دستگاه توپ مسلسل.

مشهد

رکن‌الدوله فرمانفرمای جدید خراسان هنوز وارد نشده.

نیرالدوله هنوز مشغول جد و جهد است که هیئت دولت را متقاعد بنماید که مجدداً نیشابور را از ایالت خراسان مجزی بنمایند.

وضع خود مشهد مغشوش نیست ولی طرق حوالی آن پر از سارقین است.

اصفهان

نگرانی اهل شهر بواسطهٔ گرانی ارزاق در تزاید است. اطراف اصفهان بواسطهٔ حضور غارتگران بختیاری و کهکلوئی [=کهگیلویه‌ای] به اعلی درجهٔ ناامنی باقی است. این وضع ناهنجار بشدت مناسب نبودن سردار اشجع بـرای حکومت اصفهان می‌افزاید. تجار عمده‌ای که برای ناامنی طرق به طهران شکایت نموده‌انـد شاید مداخلهٔ قشون خارجه را برای قراسورانی طرق استقبال بنمایند.

تعیین مستر هیکاك تبعهٔ انگلیس به پیشکاری خزانه‌داری کل در اصفهان باعث استرضای اعیان‌آنجا شده. مجاهدات‌حکومت و پیشکارمالیهٔ‌سابق و علماء در برانگیختن مخالفین بر علیه مستر هیکاك ثمری نبخشیده. در آنجا شروع به تشکیل ژاندارم خزانه شده و تا ۱۱ نوامبر ۲۹ نفر ژاندارم گرفته شده بوده.

یك دسته سوار هندی در ۲۷ نوامبر از آباده به طرف اصفهان حرکت کردند.

یـزد

امیر اعظم والی کرمان برای اعادهٔ نظم و سیاست کـافیه مشترکین در اغتشاش جدید آن ولایت قاصر است.

اهالی تفت و سایر غارتگران در آنجا اغتشاش نموده و سلب امنیت از طـرق می‌نمایند. چندین دفعه سیم تلگراف را مقطوع و مخروب نموده‌اند. زردشتیان که با خسارات و مشکلات بسیار دچار هستند ظاهراً آرزومند مداخلات خارجه هستند.

شیراز

علاءالدوله فرمانفرمای فارس هنوز از طهران حرکت ننموده.

در ۲۹ اکتبر قافله‌ای که از اصفهان به شیراز می‌رفت در حوالی خانهٔخره [=خان خوره] با حملات سارقین مصادف شده و تمام اسباب خانم رس که به اتفاق آن قافله مسافرت می‌نمود سرقت شده و به خود او هم صدمه وارد آمده. خانم مزبور خود را به آبادی رسانیده پس از مسافرت اختیار نمودن از آباده مجدداً یك نـوبت دیگر با سارقین مصادف شده و مجبور به رجعت به آباده گزدیده.

در ۲۳ نوامبر دو دسته از سواران به آباده رسیدند. یك دسته از آنجا عازم اصفهان خواهند شد و یك دسته به اتفاق خانم رس معاودت به شیراز خواهند نمود و در ۲۸ شهر حال حرکت می‌نمایند.

در شب ۲۴ و ۲۵ نوامبر یك دسته سارق به باغی که مجاور قنسولگری است حمله نمودند و مدتی رد و بدل گلوله شد.

دو دسته سوار هندی در ۱۲ و ۱۳ نوامبر وار دشیراز شدند. در جاده‌ای که آنها عبور نموده بودند هیچ واقعهٔ قابل‌الذکری روی نداده.

سرقتهای بسیار راپورت داده شده ولی بر روی هم وضع اغتشاش شیراز و حوالی آن در تنزل است.

سیستان

وضع طرق سیستان و قائینات [=قاینات] آرام است ولی قوافل نمی‌توانند بدون مستحفظ کافی تردد بنمایند.

کرمان

وضع ایالت کرمان بهمان قسمی که در صورت واقعات ماه قبل راپورت داده‌ام باقی است. عدهٔ راهزنان بلوچی در تزاید است خصوصاً در حوالی بم. یك رفعت‌نظام نامی است که نفوذ کامل در بلوچها دارد و مشغول افساد مابین کارگران و ادارهٔ تلگراف انگلیس است.

www.adabestanekave.com

کرمانشاه

قنسول انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که وضع آنجا بدتـر از سابق است و سرقتها بحدی کثرت دارد که مشارالیه روی انبارهای مـال‌التجارهٔ انگلیسی بیدق انگلیس را نصب نموده.

لرستان

اخبارات رسمی دولت ایران مشعر بر این است که در ۱۵ نوامبر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر سالارالدوله را در حوالی بروجـرد مغلوب نموده‌اند. بموجب راپرت واصله از طرف سالارالدوله ۵۰۰ نفر مقتول و مجروح شده و از طرف بختیاریها تقریباً ۵۰ نفر.

بوشهر

تنگستان مرکز عمدهٔ اغتشاش است و مجادلات متواتره بین سرکردگان محلی واقع می‌شود.

اهواز

خطوط تلگرافی در عرض ماه گذشته خیلی مغشوش بوده و اسباب زحمت و خسارت فوق‌العادهٔ تجارتخانه‌های انگلیس در اهواز و محمره شده. خطوط مزبور تعمیر کلی لازم دارد.

در هفتهٔ اول ماه اکتبر یك قافله از اهواز به اصفهان حرکت نموده و از آن تاریخ به بعد جاده بکلی مسدود شده چون مستحفظین بختیاری از ترس وبا فرار کرده‌اند. هیچ احتمال تکسیر مقدار اجناسی که در اهواز موجود است ظاهر نیست و کمپانی لینج و اخوان درصدد ترتیبات برای انبار کردن اجناس در عرض زمستان هستند.

بنـدرعباس

در عرض هفتهٔ اول اکتبر ۵ قافلهٔ بزرگ برای کرمان و لار حرکت کردند. سایر طرق تجارتی از سارقین مملو است و هیچ‌نوع اقدام مجدانه‌ای، از طرف حکومت‌محلی در دفع آنها به عمل نیامده.

نمره ـ ۳۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]

رئیس بانك روس در همدان که قنسول روس هم هست اطلاع می‌دهد که جان و مال

اتباع روس در خطر است. علی‌هذا وزیرمختار روس ۱۰۰ نفر قزاق از قزوین به همدان فرستاده.

نمره ـ ۳۰۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری
سن پطرزبورغ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶* ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۱۸ حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل
مورخهٔ ۱۹ دسامبر است)

آقا

در ۱۷ شهر حال با کمال‌افتخار تلگراف مورخهٔ روز قبل از تاریخ مزبور شما را زیارت نمودم و از اینکه وزیرمختار ایران یك نوبت دیگر در باب التیماتوم روس به شما مراجعه نموده و جوابی که شما به مشارالیه داده‌اید مستحضر شدم. مفاد تلگراف مزبور را بوسیلهٔ مراسلهٔ خصوصی به وزیر امور خارجهٔ روس تبلیغ نمودم.

چون دیروز من بواسطهٔ کسالت مزاج نمی‌توانستم از منزل خارج بشوم در موقعی که برای ملاقات معین شده بود مستر ابیرن [=اوبرن] بجای من نزد مسیو سازانوف رفت و سؤال نموده بود که بالاخره دولت روس در موضوع مادهٔ دوم التیماتوم رأی خود را به چه قرار داده‌اند؟

مسیو سازانوف جواب داده بود که رأی دولت روس بر این تعلق گرفته که عبارتی را که دولت ایران پیشنهاد نموده‌اند با جرح و تعدیلی که من در ضمن مذاکرهٔ خودم با جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] در ۱۴ شهر حال طرح نموده‌ام قبول بنمایند به این معنی که قسمت اخیر عبارت مزبور را دولت ایران به این قسم قرار بدهند (داخل تبادل نظریات۱ خواهند شد بقصد اینکه ترتیب قراری بدهند یا در این موضوع قرارداد خواهند نمود).

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشته بود که پس از آن مذاکرهٔ من با او، بفاصلهٔ مدت قلیلی تعلیمات لازمه در این خصوص به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داده شده است. امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره ـ ۳۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر شما در باب بانك شاهنشاهی شیراز.

شما مختارید که اجازه بدهید استثنائاً قافلهٔ حامل پول به اتفاق قنسول موقتی روانه به شیراز بشود.

---

*) در اصل: ۱۶ ذی‌حجه. ـ م.
۱) در اصل: ملاقات. ـ م.

نمره ـ ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من:
کابینه دو فقره مواد ذیل را دیروز به مجلس پیشنهاد نموده‌اند:
۱) مجلس باید به کابینه اختیار تام بدهد که مناقشهٔ بین روس و ایران را قطع بنمایند.
۲) یك کمیسیونی از مجلس بـرای تقویت با کابینه باید منتخب بشود که دیگر کابینه هیچ مراجعه‌ای به مجلس ننماید.
فقط ۵ نفر از وکلاء در پذیرفتن این مواد رأی دادند و ۲۶ نفر در رد آن رأی دادند. چون ۳۴ نفر از نمایندگان از رأی دادن در این موضوع امتناع نمودند عدهٔ رأی‌دهندگان برای اکثریت کافی نبود بنابراین رأی آن عده هم بی‌نتیجه ماند.
پس از آن وزیر امور خارجه پیشنهاد نمود یك کابینهٔ جدیدی تشکیل بشود کـه بتوانند با این ترتیب مشکلی که پیش آمده عمل بنمایند.
از قرار مسموع رئیس مجلس در اواخر جلسه، نمایندگان دمکرات را احضار نموده و نطق متشددی برای آنها نمود.
از قرار معلوم مجلس امروز مجدداً منعقد خواهد شد.

نمره ـ ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من در باب تحریم معاملات با انگلیسان در شیراز.
دیروز صبح یك مقدار آذوقه خیلی طرف احتیاج شده بود. صاحب‌منصب ناظر قشون شخصاً برای تحصیل آن به بازار رفته بود ولی دکاندارها از فروختن به او امتناع نموده بودند.
قنسول و دوگلاس مشورت نموده بودند که چه روشی را باید اتخاذ بنمایند و نتیجه این شده بود که یك نفر صاحب‌منصب دیگر با ۲۰ نفر به اتفاق ناظر به بازار فرستاده بودند. به آنها حکم شده بود که اگر مجدداً کسبه از فروش امتناع نمودند اشیاء لازمه به آرامی برداشته بشود و یك قبض رسید در عوض آن تسلیم بشود.
اکنون قنسول مزبور خبر می‌دهد که این روش کاملامفید واقع شده آذوقهٔ لازمه تحصیل شده و هیچ واقعه‌ای روی نداده و هیچکس هم شکایتی ننموده.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۰۸

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر)
سن پطرزبورغ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
مسیو سازانوف مراسلهٔ خصوصی به مستر ابیرن [اوبرن] نوشته مبنی بر اینکه اگر لازم بشود قشون از قزوین جلوتر برود. قبل از صدور حکم برای حرکت قشون اخطار دیگری به دولت ایران خواهد شد.

نمره ـ ۳۰۹

تلگراف سر لوتر به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر)
قسطنطنیه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
جنرال قنسول موقتی انگلیس مقیم بغداد از قرار ذیل تلگراف نموده:
«خسارت فوق‌العاده و ابتلاآت بسیار برای تجار انگلیسی و تجارت انگلیس در اینجا فراهم شده چون طرق تجارتی از بغداد به ایران در عرض دو ماهٔ ماضی بکلی مسدود بوده. الان معادل یك ربع ملیون لیره اجناس انگلیسی در اینجا جمع شده (تجارت انگلیس بالغ بر سالی یك ملیون لیره می‌شود.) آیا جنابعالی تصور می‌کنید که به این زودیها احتمال افتتاح طرق تجارتی برود؟»

نمره ـ ۳۱۰

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه مورخهٔ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
آقا
وزیرمختار ایران در ۱۴ شهر حال به این وزارتخانه آمده و مندرجات تلگرافی را که ازدولت متبوعهٔ او مخابره شده بود به مستر ملت اظهار داشته بود مبنی بر اینکه دولت ایران به دولت روس اطلاع داد که مواد التیماتوم را دولت ایران قبول خواهد کرد در صورتی که شرایط ذیل مجری بشود:
(۱) در عبارت مادهٔ دوم التیماتوم در باب استخدام مستشارهای خارجه بنحوی‌که از طرف دولت ایران طرح عبارت آن شده جرح و تعدیل بشود (ظاهراً همان عبارت اصلاح‌شده‌ای است که در تلگراف ۱۳ دسامبر شما مسطور است).
(۲) مبلغ خسارت قشون‌کشی و وضع پرداخت آن معین بشود.
(۳) پس از قبول التیماتوم فوراً قشون روس از قزوین عودت داده بشود.
(۴) التیماتوم دیگری پیشنهاد نشود.
(۵) بانك روس و انگلیس در پرداخت پول به دولت ایران معجلا تسهیلات لازمه را فراهم بنمایند.

(۶) اسباب تسهیل خرید اسلحه فوراً آماده بشود.

وزیرمختار مزبور توضیح نمود که دو فقره مواد اخیر برای وضعی که پس از قبول التیماتوم روس پیش خواهد آمد لازم است.

میرزا مهدی‌خان اصراری داشت که نظریات من را در باب جواب استعلام بنماید که آیا من به دولت روس در قبول‌نمودن این شرایط دولت ایران که آخرین کلام است اصرار خواهم نمود؟ در جواب به او اطلاع داده شد که من حاضر نیستم دیگر در این مسئله به دولت روس فشاری وارد بیاورم.

امضاء ادوارد گری

نمره ـ ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]

اوضاع یـزد

بسیاری از اعضای حوزهٔ انگلیسان در یزد که اغلب آنها زنها و اطفال هستند به ویس‌قنسول انگلیس اظهار داشته‌اند که اگر انقلابی در آنجا واقع بشود حکومت محلی همچو استعدادی ندارد که بتواند اتباع خارجه را محافظت بنماید. طایفهٔ زردشتیان هم از ویس‌قنسول مزبور درخواست تقویت نموده‌اند.

عقیدهٔ ویس‌قنسول معظم این است که عجالتاً برای حوزهٔ اتباع خارجـه خطری متصور نیست.

من پیشنهاد می‌نمایم که در صورت مسلم‌شدن مخاطره برای اتباع خارجه یك‌قسمت از مستحفظین قنسولگری اصفهان به یزد اعزام شود.

مسافت مابین اصفهان و یزد را ممکن است در ۴ روز طی نمود.

نمره ـ ۳۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)

طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:

اظهار وزیر امور خارجه به مجلس محل شبهه شده بود که آیا کابینه استعفای خود را تقدیم داشته یا خیر؟ اکنون وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهـد کـه کابینه استعفاء ننموده چون مجلس نتوانسته هیئت وزرای جدیدی تشکیل بنماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر لوتر
وزارت خارجه ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ دسامبر شما در باب طرق تجارتی از بغداد به ایران:
شما ممکن است به تجار اطلاع بدهید که عجالتاً هیچ همچو امیدی نیست که تأمینی در طرق مزبور حاصل بشود.

نمره ـ ۳۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:
دیشب مجلس علنی منعقد شده و خیلی طولانی شد و در جلسهٔ مزبور در موضوع مادهٔ دوم پیشنهاد وزراء که در تلگراف مورخهٔ ۱۹ شهر جاری اطلاع داده‌ام مذاکرات به عمل آمده و تصویب شد. ۵ نفر از نمایندگان انتخاب خواهند شد که بمنزلهٔ هیئت مشاوره با کابینه اشتغال ورزند.

نمره ـ ۳۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ شهر جاری شما:
از قرار معلوم مستر لکفر نمی‌تواند ادعایی از دولت ایران بنماید چونکه قبل از تعیین به پیشکاری مالیهٔ تبریز برای استخدام در وزارت مالیه کنتراتی ننموده حتی مستر شوستر برای پیشکاری مالیهٔ تبریز هم به او کنتراتی نداده.
از قرار مسموع مستر شوستر از جانب او مشغول اقدامات است.
پس از ورود مستر لکفر به طهران در باب آتیهٔ او من با او مذاکره خواهم نمود. چنانچه به من اطلاع داده شده مشارالیه بهمین زودیها مراجعت به طهران خواهد نمود.

نمره ـ ۳۱۶

مکتوب کمپانی ذیگلر به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
منچستر ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]
آقا
محل شبهه نیست که خاطر محترم از تحریم امتعهٔ انگلیس در شیراز که در دو

هفتهٔ قبل انتشار یافت مسبوق است و در همان اوقات ادارهٔ ما از شیراز تلگرافاً [=تلگرافی] بما اطلاع دادند که کلیهٔ معاملات بعهدهٔ تعطیل است.

ما امیدوار بودیم که این غدقن تجارت انگلیس چندان طولانی نخواهد شد ولی بموجب تلگرافی که الساعه از شیراز رسیده تحریم امتعهٔ مزبور هنوز ممتد است و این مسئله باعث بسی نگرانی است. تجارتخانهٔ ما نیز اطلاع می‌دهد که مشتریان ما از این مقدمه خیلی مکدر هستند چون تجار ایرانی مشغول فروش مال‌التجارهٔ موجودهٔ خود و مال‌التجارهٔ در عرض راه هستند و به این واسطه اصرار نموده‌اند که ما فوراً این مسئله را به عرض عالی رسانیده باضافه اظهار بداریم که برای این اخلال در تجارت انگلیس باید دولت ایران را مسئول قرار داد.

ما با کمال صمیمیت امیدواریم که جنابعالی صلاح خواهید دانست که برای مرتفع داشتن این قطع معاملات اقدامات مجدانه بمنصهٔ ظهور برسد و منتظریم این عرضحال ما به جنابعالی باعث برطرف شدن سستی جریان تجارت انگلیس در جنوب ایـران بگردد.

کمپانی ذیگلر

نمره ـ ۳۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

وزیرمختار روس به من اطلاع می‌دهد دیروز دولت ایران شفاهاً به‌او اطلاع داده‌اند که تقاضاهای ثلاثه را قبول خواهند نمود.

نمره ـ ۳۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۳۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من:

قنسول انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که اعظم‌الدوله کفیل حکومت کرمانشاه در قنسولگری ما متحصن شده. تلگراف اخیر دیگری از قنسول معظم‌الیه [=معظم‌له] ورود سالارالدوله را به آنجا خبر می‌دهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

قنسول انگلیس مقیم تبریز در ۲۱ دسامبر تلگراف ذیل را به من مخابره نموده:

«قنسول روس به من اطلاع داده که یك عده سرباز روسی دیشب مشغول تعمیر سیم تلفن بودند و غفلتاً یکی از پلیسهای گشتی به یك نفر از سربازان مزبور حمله نموده. سربازان روسی شلیك نموده و دو نفر از پلیسهای مذکور را مقتول نمودند.

مجدداً امروز صبح فدائیان به یك دسته قشون سیار روس شلیك نموده و یکی از آنها را مجروح نمودند. پس از آن شلیك امتداد حاصل نموده. الحال روسها مشغول بمباره نمودن ارك هستند که تقریباً ۲۰۰ نفر فدائی در آنجا محصورند. پس از آنکه محل مزبور تصرف بشود من گمان می‌کنم کلیتاً مجادلهٔ حاضره خاتمه بپذیرد.

ضمناً اطمینان می‌دهم که هیچ مخاطره‌ای برای اتباع انگلیس موجود نیست مگر اینکه یك گلوله‌ای بخطا و منحرفانه با کسی مصادف بشود.

بهر صورت قنسول روس از فرماندهٔ قشون روس خواهش نموده که در حراست اتباع خارجه احتیاط لازمه را منظور بدارد.

من گمان می‌کنم قشون روس بتوانند کاملا از عهدهٔ مقابله در این موقع برآیند چون در چند روز قبل تقریباً ۵۵۰ نفر هم از اردبیل به آنها مدد رسیده».

نمره ـ ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف امروز صبح من در باب واقعهٔ تبریز:

قنسول انگلیس تلگراف دیگری به شرح ذیل امروز مخابره نموده:

«قشون روس در تمام مدت دیروز بعد از ظهر بدفعات از اردوی خود مشغول بمباردهٔ ارك بودند و مدافعین با کمال تشدد جواب شلیکهای آنها را می‌دادند. روسها بهیچ‌وجه در صدد یورش مستقیم بردن به ارك و تصرف آن برنیامدند. در کوچه‌های حوالی قنسولگری روس بدفعات عدیده مجادلات واقع شده و تا ساعت ۴ بعد از ظهر امتداد داشت و در این کوچه‌ها دسته‌های قلیلی از سربازان روسی بودند.

تا حال هیچ انقلاب عمومی ظاهر نشده. در واقع ایرانیان اهالی شهر بکلی ساکت مانده‌اند و آنچه تاکنون من تحقیق نموده‌ام به هیچیك از اروپائیان صدمه‌ای وارد نشده. علی‌الظاهر روسها بیش از آن اندازه‌ای که انتظار بود در این مسئله دچار مشکلات شده‌اند. رابطات با افراد حوزهٔ انگلیسان دوردست غیرممکن شده.

بهر صورت تا امروز غروب هم هیچ اثری از این ظاهر نبود که به سربازان روسی دستور داده شده باشد که در صدد حراست اماکن مسکونی اتباع انگلیس و آلمان

باشند در صورتی که تا امروز ظهر وسایل رابطهٔ جنرال قنسول روس با اردوی روس هم مقطوع شده بود.

بالاخره قبل از غروب امروز من توانسته‌ام اطمینان حاصل بنمایم که تا حال به اماکن انگلیسها و آلمانها آسیبی وارد نیامده.

بمباردهٔ ارك امروز صبح زود تجدید شد و تا الان ممتد است. محصورین آن طوری که دیروز مجدانه جواب شلیك را می‌دادند امروز چندان حرارتی بروز نمی‌دادند.»

نمره ـ ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف امروز من:

الان رئیس کابینهٔ وزارت امور خارجه نزد من فرستاده شده که به من اطلاع بدهد که بالاخره مشکلاتی را که برای قبول تقاضاهای روس در پیش بوده مرتفع نموده‌اند و دولت ایران به سفارت روس اطلاع داده است که تقاضای روس را به این اطمینان می‌پذیرند که هیچ تقاضاهای جدید دیگری پیشنهاد نشود و قشون اعزام شدهٔ روس هم معجلا از ایران خارج بشود.

وزیر امور خارجهٔ ایران امیدوار است حالا که دولت ایران تقاضاهای روس را قبول نموده مواعیدی که دولت انگلیس به وزیرمختار ایران مقیم لندن نموده بموقع اجراء گذارده بشود به این معنی که مساعدت لازمه از طرف دولت انگلیس در باب اصلاح بین روس و ایران و استقرار روابط مستحسنه مبذول بگردد.

وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد که او و همکاران او مصمم شده‌اند که از سبك مصلحانه‌ای که در این موضوع اتخاذ نموده‌اند احتراز ننمایند. باضافه او اظهار می‌نماید که نهایت جدیت در اطفای حرارت و هیجان عامه به عمل آمده اگرچه از قراری که مشهود است اعمال مخاصمانهٔ روسها در تبریز و رشت عنقریب زحمات سابقهٔ کابینه را بهدر خواهد داد و نتایج وخیمه از اثرات اعمال سوء آنها به ظهور خواهد رسید.

نمره ـ ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]

شرح ذیل را ویس‌قنسول انگلیس مقیم رشت در موضوع واقعه‌ای که در رشت روی داده مخابره نموده:

«در ۲۱ دسامبر بعضی از سواران طالش با بعضی از قزاقهای روسی در حین عبور

در کوچه یکدیگر را تهدید نمودند. در اواسط روز قزاقان روسی به دارالحکومه وارد شده و اظهار نمودند که از آنجا تیر خالی شده و اصطبل دارالحکومه را تفتیش نمودند. غفلتاً شروع به شلیك شد و دفعتاً عمومیت پیدا کرد. مستحفظین قنسولگری روس در سبزه‌میدان بنای شلیك را گذاردند. علت این غوغای آنی عجالتاً مجهول‌است. سه نفر قزاق روسی و اقلا ۸ نفر ایرانی مقتول شدند. بواسطهٔ درپیش بودن ماه محرم احتمالات انقلاب اوضاع بسیار است».

ویس‌قنسول مزبور نیز خبر می‌دهد که در ۲۱ دسامبر زد و خورد و آشوبی هم در انزلی برپا شده و یك نفر صاحب‌منصب روسی مجروح و ده نفر ایرانی مقتول‌شده‌اند.

نمره ـ ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف دیروز من:

همکار روسی من به من اطلاع می‌دهد که در باب پیشنهاد ننمودن تقاضای جدید دیگری قول نداده است و فقط اطمینانی که برای عودت قشون اعزام‌شدهٔ روس داده بهمان ترتیبی است که در تلگراف ۱۶ شهر حال من مصرح شده است.

نمره ـ ۳۲۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)

سن پطرزبورغ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ [۱ دی ۱۲۹۰؛ ۱ محرم ۱۳۳۰]

امروز عصر من در باب مجادلهٔ در تبریز و رشت از مسیو سازانوف استعلام نمودم. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشت که مهاجمهٔ فدائیان بر قشون روس به طریق خائنانه و غفلتی بوده و بعلاوه بکلی بی‌مقدمه بوده. یك دسته قشون روس که مرکب از ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر باشد از جلفا به کمك قشون مقیم تبریز اعزام خواهد شد.

مسیو سازانوف به من اطمینان داد که رأی قطعی دولت روس بواسطهٔ این حوادث جدیده بهیچ‌وجه اختلال حاصل نخواهد نمود و قشون اعزام شدهٔ روس به قزوین بمحض مسلم شدن انفصال مستر شوستر و اعتراف کتبی نمودن دولت ایران به قبول تقاضاهای ثلاثهٔ روس عودت داده خواهد شد.

جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اذعان نمود که سبك رفتار دولت ایران در موضوع وقایع جدیده رشت و تبریز از روی صحت بوده و نیز اظهار داشت که این حوادث را باید بکلی مسئلهٔ علیحده‌ای دانست و بهیچ‌وجه مدخلیتی به واقعات سابقه که باعث اعزام قشون به قزوین شده ندارد.

نمره ـ ۳۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غرهٔ محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۰ دسامبر شما در باب اوضاع یزد:
در صورت نهایت لزوم بعد از مشاورهٔ با کرنل [=کلنل] شما مجازید که بر طبق پیشنهادی که نموده‌اید عمل بنمایید ولی ما عقیده نداریم که قشون خودمان را بیشتر از این تجزیه بنماییم.

نمره ـ ۳۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من در باب واقعهٔ تبریز:
تلگراف دیگری از قنسول انگلیس مقیم تبریز از قرار شرح ذیل خبر می‌دهد:
«دیروز هیچ بمباره قطع نشد و شلیك سختی تا چند ساعت از پشت‌بام قنسولگری روس و از یك دستهٔ مجاهدین که بفاصلهٔ کمی از قنسولگری متوقف بودند امتداد داشت. اگرچه شلیك از طرفین مقطوع شده بود ولی امروز صبح بعضی از روسیان در حوالی قنسولگری انگلیس مشغول تیراندازی بودند و در عرض این شلیك یك‌نفر ایرانی از طبقهٔ فقراء را که جزو جنگ نبوده مقتول نمودند.
من این رفتار سوء را به همکار روسی خودم گوشزد نمودم که جلوگیری از تکرار وقوع این نوع اعمال بنماید».

نمره ـ ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف امروز صبح من:
سیم تلگراف تبریز مغشوش شده ولی دیشب در اواخر شب تلگرافی به وزیرمختار روس رسیده مشعر بر اینکه مجادلهٔ شدیدی تسلسل یافته، به قنسولگری روس شلیك شده دو نفر از قزاقان مستحفظ قنسولگری مجروح شده‌اند و یك صاحب‌منصب مقتول.
بموجب انتشارات در جراید ایرانی در اینجا تلفات قشون روس در کلیهٔ منازعه بسیار است ولی چون قنسول روس مقیم تبریز نمی‌تواند با اردوی روس مذاکره و مخابره بنماید همکار روسی من اطلاعات جدیدی در این موضوع ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من:

امروز یادداشتی از دولت‌ایران به وزیرمختار روس رسیده مبنی‌بر اینکه تقاضاهای ثلاثهٔ روس را قبول نموده‌اند.

در باب مادهٔ اول التیماتوم در یادداشت مزبور مذکور است که دولت ایران مستر شوستر و مستر لکفر را از استخدام خود خارج نموده‌اند.

یادداشت درخواست می‌نماید که مادهٔ دوم التیماتوم به نحوی که در تلگراف ۱۳ شهر حال من و در تلگراف ۱۸ دسامبر سفیرکبیر انگلیس مقیم سن‌پطرزبورغ مصرح شده است جرح و تعدیل بشود.

در یادداشت اشعار شده حالا که دولت ایران با تقاضاهای دولت روس موافقت نموده و روابط بین دولتین تشیید شده دولت ایران امیدواری کامل دارد که دولت روس فوراً تمام اقداماتی را که برای اجرای التیماتوم خود لازم دانسته و به فعل رسانیده مرتفع خواهد نمود که دولت ایران هم در آتیه متکی به حمایت و تقویت دولت روس باشد.

همکار روس من در جواب اظهار رضایت نموده و عبارت اصلاح شدهٔ مادهٔ دوم التیماتوم را قبول نموده.

نمره ـ ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰* [۲ دی ۱۲۹۰]

امروز عصر مجلس مفصلی از تمام طبقات در دربار منعقد شد. نایب‌السلطنه در اجلاس مزبور حضور داشت ولی چون کسالت مزاج داشت وزیر امور خارجه از طرف او به حضار خطاب نموده گفت: هیئت دولت تصور می‌کنند که مجلس اسباب تخریب روابط خارجهٔ دولت و ادارات داخلی است و به این جهت او پیشنهاد می‌نماید که مجلس باید منفصل بشود. هیچکس با پیشنهاد مزبور مخالفت ننموده و دستخطی از طرف دولت صادر شد که دورهٔ انعقاد مجلس ختم است.

امروز عصر جمعیت حول و حوش مجلس را با کمال سکونت متفرق نموده و درهای آن را مسدود نمودند. تا اندازه‌ای که من می‌توانم درك بنمایم یپرم و بختیاریها تمام ترتیبات را در تحت سلطه و تصرف خود دارند. پس از چندین روز بسته بودن بازار امروز عصر دکاکین باز شد.

---

* در اصل ۱۳۲۹ بوده که اشتباه چاپی است. ـ م.

نمره ـ ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ محرم ۱۳۳۰* [۳ دی ۱۲۹۰]
اوضاع تهران

یك شخصی که به چشم خود دیده است به من اطلاع می‌دهد که اجلاس دربار به‌نحوی که در تلگراف دیروز من مسطور بود و به من خبر داده بودند چندان مفصل نبوده.

امروز عصر مجمع اعتراضیه‌ای بر علیه [=علیه] اقدامات دولت در بازار منعقد شده بود ولی پلیس به سهولت آنها را متفرق نمود.

نمره ـ ۳۳۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
طهران ۲۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۴ محرم ۱۳۳۰ [۴ دی ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۲۳ دسامبر من:

ویس‌قنسول انگلیس مقیم رشت به تاریخ ۲۵ دسامبر از قرار ذیل تلگراف نموده:

«بلوای انزلی خاتمه پذیرفت و دیروز بازارها باز شد. بازار رشت هنوز بسته است. روسها خانه‌ها و مساجد را تفتیش نموده اسلحه و آلات ناریه از مخزن به اردوی روس که در خارج شهر است برده شده. شهر بکلی آرام است و من هیچ اغتشاش دیگری را پیش‌بینی نمی‌نمایم».

نمره ـ ۳۳۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ ژانویه)
طهران ۱۰ ژانویهٔ ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ محرم ۱۳۳۰ [۱۹ دی ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس در عرض دو ماههٔ ژویه و اوت را که قنسول انگلیس از شیراز ارسال داشته لفاً تقدیم می‌دارم. این مشروحه که حاوی بیانات سودمند از اوضاع شیراز در عرض ماههای مزبور است نظر به اغتشاش وضع پستی اکنون به من رسیده.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

* ایضاً.

ملفوفه در نمره ـ ۳۳۲

مراسلهٔ قنسول ناکس به سر جارج بارکلی
شیراز ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ رمضان ۱۳۲۹ [۱۴ مهر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس را در عرض دو ماههٔ ماضی لفاً تقدیم می‌دارم:

متأسفم که به این امید باطل که شاید در این ایام صورت اصلاحی در اوضاع حاصل بشود که در ضمن این وقایع مورد توجه بگردد و از مفاسد پرده‌پوشی بنماید، ارسال این راپورت را تا این اندازه به تأخیر انداختم ولی باضافه از حاصل نشدن مقصود، خوف آن است که این راپورت بکلی مبنی بر شرح اغتشاش مشابه به سابق باشد.

در شب ۲۶ ژوئن اوضاع بواسطهٔ حرکت انتظام‌الممالك بیشتر مختل شد (انتظام‌الممالك یگانه وارث ذکور طایفهٔ قوامیها است).

بمحض وصول این خبر قوام‌الملك به توسط من با تلفن پیغامی به کدخدای سیوند فرستاد که پسر او را در آنجا نگاه دارد. دو روز بعد پیغام به خود انتظام‌الممالك رسیده بود و در شب سیم ژوئن به شیراز مراجعت نمود. غرض و نتیجهٔ این حرکت مذبوح هنوز مستور است.

متعاقب این اتفاق واقعهٔ‌دیگری رخ‌نمود که آتش‌غیرمنتظره‌ای در فارس برافروخت. در عرض پاییز سال گذشته یك نفر از بین یك دسته از دهاتیان بلواردی[۱] (که انتساب دوردورانه‌ای با ایل قشقایی دارند) در ضمن یك منازعهٔ طایفه‌ای با علی‌اکبر ده‌بزرگی مقتول شده بود. بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از وقوع این قتل قوام‌الملك که در آن ایام حکمران موقتی بود در صدد دستگیری علی‌اکبر برآمد ولی او به طرف اصفهان حرکت نمود و بعد از مدت‌زمانی غیبت پس از آنکه به استخدام نظام‌السلطنه داخل شده بود به اتفاق جناب معظم وارد شیراز شد. بلواردیان پس از مجاهدات مکرره برای قصاص خونریزی مزبور، در اوایل ژویه یك عدهٔ انائیه را از قریهٔ خودشان اعزام نمودند که مسئله را به عدلیه پیشنهاد نموده و انجام آن را بخواهند و عدلیه از طرف حکومت به آنها اطمینان داد که در عرض ۴ روز قصاص لازمه بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

حضرات به این وعده متقاعد نشده و روز ۴ به طرف شهر آمده و تقریباً ۸۰ نفر جوانان کاری از آنها در منازل همشهریان خود در نزدیکی سعدی (یا دروازهٔ شمال شرقی) سکنی گرفتند. در عرض شب ایالت یك عده استعداد و پلیس و غیره فرستاد که برادر شخص مقتول را دستگیر نمایند چون منشأ این فتنه و عداوت او بود. بلواردیان از تسلیم او امتناع نموده و پس از مقداری منازعه بالاخره با پلیس رد و بدل گلوله نمودند.

---

۱) بوالورد (بولورد) از روستاهای پیرامون شیراز بود که اکنون یکی از برزن‌های آن شهر است. ـ م.

روز بعد بلواردیان دروازهٔ شهر را تصرف و سنگر نموده و از آنجا اخطار نمودند که تا علی‌اکبر به آنها تسلیم نشود از آن محل حرکت نخواهند کرد.

در عرض روز هیچ اقدامی در متفرق نمودن آنها نشد ولی در شب شلیك تفنگ در تمام شهر برپا شد. قصد مأمورین حکومت و بلواردیان از این شلیك بیداری و خبرداری یکدیگر بود که فقط به طرف هوا شلیك می‌کردند ولی بسیاری از اهالی شهر به آنها تأسی نموده و از پشت‌بام منازل خود تیراندازی می‌نمودند چنانچه در ایام مخالفت با حکومت مرسوم بوده که برای بروز کراهت خود از حکومت و برای اینکه شهرت بدهند که شهر بی‌نظم است این عمل را می‌نموده‌اند.

روز بعد نظام‌السلطنه برای مشهود داشتن اقتدار خودش یك سارقی را که چندین ماه محبوس بوده دم توپ گذارد و پس از آن دو نفر از طباخان قوام‌الملك را که به جرم خبر ندادن انتظام‌الممالك به حکومت محبوس بودند برای بدار زدن حاضرنمودند ولی بالاخره مجازات آنها را به عهدهٔ تعویق گذاردند.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از این واقعه اغلب از علمای متنفذ در امامزاده سید علاءالدین‌حسین[1] که در جنوب شرقی شهر واقع است متحصن شدند. یك عدهٔ کثیری از این علماء در بلوای به ضد قوام هم که در ماه آپریل و مه بروز نموده بود شرکت داشتند.

این عمل تحصن اختیار نمودن حضرات محتمل است ناشی از اثرات افعال مقتدرانهٔ ایالت باشد که در این اواخر بواسطهٔ دستگیرنمودن ضرغام‌الشریعه نوهٔ امام‌جمعه مشهود گردیده بنابراین حضرات می‌خواهند به این وسایل از سلطهٔ ایالت کاسته و به قدرت خود بیفزایند.

از تحقیقاتی که من در تحصیل منبع این اغتشاشات نموده‌ام نتیجه این‌طور گرفته‌ام که مبادی تمام این فتنه و غوغا مناقشات شخصی بلواردیان بوده که از منسوبان طایفهٔ قشقایی هستند و بهیچ‌وجه مدخلیتی به طایفهٔ قوام ندارد.

شکایتهای متواتره‌ای که در باب دعوت قوامیها ایلات را به تقویت خودشان، شده بکلی بی‌اصل است در صورتی که حضور افراد ایلات در منزل قوامیها[2] آنچه تا حال دیده شده فقط آمدن دو نفر از رؤسای طایفهٔ بهارلو محض ملاقات بوده که در ضمن تلگرافی هم به امضای یك عده از هم‌مسلکان خود به نایب‌السلطنه مخابره نمودند مبنی بر اینکه در باب تسویهٔ اوضاع شیراز بزودی اطمینانی به آنها داده بشود و اگر در این باب قصوری برود خود آنها با استعداد کامل برای اعادهٔ نظم و تمشیت به شهر خواهند آمد.

بعد از تقریباً ۱۰ روز اغتشاش عمومی که متضمن شلیك دائمی در شبها بود در ۱۷ ژویه نظام‌السلطنه بعضی از اعاظم تجار را برای اصلاح امر نزد علماء فرستاد و

---

۱) اصل: سید علی‌الدین حسین. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

آنها راضی به تمکین شدند مشروط بر اینکه عفو عمومی داده بشود و عطاءالدوله و نصیرالملك و بهاءالسلطنه و مغیث‌الدوله هم تبعید بشوند. چند ساعت بعد استعداد ایالت که یك عده دهاتیان قشقایی هم بتازگی به آنها ملحق شده بودند به سه نقطه از سنگرهای طرف شرقی شهر اجماعاً حمله بردند ولی پس از تلف شدن تقریباً ۳۰ نفر حملهٔ آنها رد شد.

متعاقب این نظام‌السلطنه دو دستهٔ قلیل سوار به سروستان که در آنجا قوام املاك زیاد دارد فرستاد. در ضمن دهاتیان سرخه و قشقایی از یك طرف در حول و حوش شیراز با کمال جدیت مشغول چپاول بودند و از طرف دیگر بدفعات به سنگرهای طرف شرقی حمله می‌نمودند و در ۲۳ ژوئیه یك عده ایلیاتی از طرف صولت‌الدوله وارد شدند. یك دسته از این عده که تقریباً ۶۰ نفر بودند لدی‌الورود داخل باغی شدند که رئیس کمپانی ذیگلر در آنجا سکنا دارد و با وجود تعرضی که مستحفظین ایرانی مقیم آنجا به آنها نموده بودند معذلك مسموع نیفتاده بود تا بالاخره با کمال زحمت آنها را از آنجا خارج نموده بودند. بعد از شکایات به ایالت در این باب محض استرضای من برای این ورود متهاجمانه به منزل یك تبعهٔ انگلیس و تهدید گماشتهٔ تبعهٔ انگلیس، پنج شش نفر را در حضور منشی قنسولگری تنبیه نمودند ولی من ظن قوی دارم که این اشخاصی که تنبیه شده‌اند اصلا در جزو آنهایی که مرتکب آن عمل شده‌اند نبوده‌اند.

در همین اوقات بود که بی‌اعتدالی قشقاییها در تزاید بود و من به تجویز جنابعالی به صولت‌الدوله تلگراف نمودم و از رفتار ناهنجار قشقاییان در حوالی شیراز او را مستحضر نموده و از او خواهش نمودم معجلا بوسیلهٔ تلگراف جلوگیری از این اعمال آنها بنماید.

چند روز بعد به من خبر رسید که صولت‌الدوله حکم مشددی به اتباع خود مخابره نموده که غارت و چپاول را متروك بدارند (که این حکم بکلی مورد اعتناء واقع نشد) و تقریباً ده روز بعد از مخابرهٔ تلگراف من مکتوبی از او به من رسید مشعر بر اینکه بر طبق خواهش من عمل نموده است.

حمله به سنگرهای شرقی شهر هنوز گاه گاهی ممتد می‌شود ولی بدون هیچ نوع پیشرفتی تلفات از طرف قشقاییان و همکاران آنها بوده و بنا به اعتراف خودشان تا حال عدهٔ تلفات به ۲۰۰ نفر رسیده. دستهٔ مخالف هنوز کاملا به دفاع خود باقی هستند و خیلی کمتر تلفات دارند و تا حال ابداً راهی به متهاجمین نداده‌اند.

از زمان بروز بلوا در شیراز هرج و مرج کامل در اغلبی از نواحی و قراء بوده خصوصاً در داراب و فسا که در آنجاها عربهای بهارلو و مزیدی یك عراده توپ از دست فرستادگان ایالت که برای جمع‌آوری مالیات و منهدم نمودن شهر فسا رفته بودند گرفته‌اند و در ضمن اظهار داشته‌اند که آنها در تهیهٔ این بوده‌اند که با استعداد کامل به شهر بیایند و عیال بیوهٔ نصرالدوله را که از منسوبان اقرب رؤسای آنها است حفظ بنمایند.

آمدن دو نفر رؤسای سابق‌الذکر به شهر و مخابره نمودن تلگراف به نایب‌السلطنه ظاهراً بر تفرعن و نخوت آنها افزوده است.

در ضمن این اغتشاشات مکرر بتوسط دسته‌های مختلف به من اصرار شده که مصلح واقع بشوم ولی من مجبور بوده‌ام که برای شرکت ننمودن به نام قنسولگری دولت انگلیس در این مسائل و داخل نشدن در این جنبش عمومی فارس، از قبول آن امتناع بنمایم. مع‌ذلك حتی‌الامکان من نفوذ خودم را در مورد نظام‌السلطنه و قوام‌الملك هر ـ دو به‌کار برده‌ام که به نحو خوشی بین آنها را اصلاح بنمایم و در ملایمت نظام‌السلطنه اصرار نموده و محرمانه خاطرنشان او نموده‌ام که اصرار او در مداومت به اقدامات قهریه فقط باعث تشیید مجادله خواهد بود در صورتی‌که تا حال مشاهده شده که بدون تحمل مشکلات بسیار و پیش آمدن مخاطرات بی‌شمار برای طبقهٔ آرام و سالم اهالی و منافع اروپاییان نمی‌توان به دستهٔ مخالف ظفر یافت و حال آنکه هر خسارتی به منافع اروپاییان وارد بیاید جز اینکه با کمال تشدد از شخص او مطالبهٔ جبران آن بشود شق دیگری نخواهدداشت. به قوام هم کراراً اخطار نموده‌ام‌که هر عمل نامشروعی که از طایفهٔ او سر بزند نتیجهٔ آن پاپیچ خود او خواهد شد ولی در هر موقع که من در این موضوعها از او خواهش نموده‌ام بر حسب تقاضای من به فامیل خودش نوشته است. بهمچنین در هر موقعی که مذاکرات صلح به میان آمده بدون هیچ نوع مخالفتی به متعلقات خود اصرار نموده که به هر قرارداد مصلحانه‌ای که پیشنهاد بشود موافقت و تمکین بنمایند.

از وقتی که به نظر من آمده که قبول‌نمودن هر اندازه مسئولیتی در موضوع منازعهٔ این دو دسته برای ما نامناسب است در مقابل تمام پیشنهاداتی که در این باب به من شده جواب داده‌ام که من اجازه ندارم به هیچ‌وجه در خصوص شرایط صلح مداخله بنمایم.

در موضوع خروج قوام‌الملك از قنسولخانه با کمال اسف اطلاع می‌دهم که تا حال هیچ علائم بهبودی ظاهر نشده. اظهارات دولت ایران در باب تصویب نمودن تأمیناتی که به ار داده شده در نهم ژوئیه به او ابلاغ شد. قوام‌الملك جواب داد تهدید نظام‌ـ السلطنه در آن وقت برای مهاجمه به طایفهٔ من دال بر بی‌اعتباری تأمینات او است والا من داوطلبانه حاضرم فقط به یکی از شرایط ذیل از قنسولخانه خارج بشوم:

یکی اینکه دولت ایران نوشته‌ای بسپارد که در ایام غیبت من از ایران سرپرستی املاك من را بنمایند و قروض من را بپردازند و از حاصل املاك مقرری هم به من برسانند مشروط بر اینکه پس از مراجعت من مجدداً املاك را به تصرف خودم بدهند.

یکی اینکه دولت ایران به جنابعالی اطمینان رسمی بدهند که متضمن تأمین جان و آزادی طایفهٔ من و استقلال املاك من باشد (و تأمینات مزبور بتوسط قنسولگری کتباً به من تبلیغ شده و تشریح بگردد که جنابعالی در صحت آن تصدیق دارید).

دیگر اینکه اگر یك فرمانفرمایی برای فارس تعیین بشود که عداوت شخصی با من نداشته باشد من حاضرم بتوسط قنسولگری تعهدنامهٔ کتبی بسپارم که از ایران خارج

بشوم و تا هر مدتی که دولت امر بنمایند مراجعت ننمایم بدون تقاضای هیچ نوع تأمینات یا شروطی. پس از آنکه نظام‌السلطنه اصرار نمود که از شرح تأمیناتی که حکومت مرکزی به شما داده‌اند او را مستحضر بنمایم من مفاد دو فقره شرایط اولی فوق‌الذکر را برای او بیان نموده و اظهار داشتم که من وزیرمختار را کاملا از این شرایط مسبوق نموده‌ام.

بعد از این نظام‌السلطنه شخصاً با قوام‌الملك مذاکره نموده و وعده داده بود که هر نوع اطمینانی برای تأمین او بدهد.

قوام‌الملك در جواب اظهار داشته بود که هر نوع اطمینانی از این بابت باید بتوسط سفارت دولت انگلیس به او برسد.

تا ۱۱ اوت هیچ مذاکرهٔ دیگری نشده و آن وقت صمصام‌السلطنه به قوام‌الملك تلگراف نمود که تعهد لازمه در باب تأمین او بتوسط نایب‌السلطنه و قنسولگری انگلیس خواهد شد و پس از حرکت او از فارس خودش به فرمانفرمایی کرمان و پسرش به ریاست ایلات خمسه منصوب خواهند شد و ترتیبات مقتضیه برای تأمین املاك او داده خواهد شد.

در جواب این پیشنهاد قوام‌الملك اظهار داشت که او باید اقلا ۴۰ روز در منزل خودش متوقف بشود که قبل از حرکت امورات شخصی خود و امور وراث نصرالدوله را تصفیه بنماید.

تا اندازهٔ قلیلی که من از وضع صولت‌الدوله مشاهده نموده‌ام محققاً او هنوز حاضر است که حتی‌القوه به نظام‌السلطنه تقویت بنماید ولی قوای او که در عرض ۱۸ ماههٔ ماضی رو به ضعف نهاده بود ظاهراً در این تابستان بیشتر از پیش تحلیل رفته و در همین تازگیها یك عدهٔ کثیری از رؤسای ایلات مختلف به سرکردگی محمدعلی‌خان کشکولی و ایازخان دره‌شوری و احمدخان شش‌بلوکی رسماً به صولت‌الدوله نوشتند که من‌بعد از تأدیهٔ مالیات امتناع خواهند نمود چونکه آنچه در عرض سه سالهٔ ماضی پرداخته‌اند فقط صرف پر نمودن کیسهٔ او شده و نیز اشعار داشته بودند که معیت او با نظام‌السلطنه در قتل نصرالدوله ایل قشقایی را نوعاً ننگین نموده.

هرگاه عطف نظری به فدویت تاریخی این ایلیاتیان نسبت به ایلخانی خودشان بشود مشهود خواهد شد که این عنوانی را که آنها نموده‌اند تا چه درجه جالب اهمیت است.

بنابراین عجالتاً هیچ امید بهبودی در وضع دهات و اطراف نمی‌رود. ایالت در قاصر بودن از ساکت نمودن نواحی منقلبه امتحانات کامل داده. در ایام استقرار او به مسند حکومت کراراً مشهود گردیده که اقوال او در هیچ مسئله‌ای محل اعتماد نیست و منتها مسئله‌ای که در خیال او نفوذ کامل دارد پیش‌بینی منافع نقدی است. بدین لحاظ باید منتظر بود که دشمنان او با سکونت به مدافعهٔ خود باقی خواهند بود تا زمانی که به عزل او موفق بگردند.

گمان نمی‌کنم در لزوم عزل یك همچو ایالتی که آنتریگ شخصی او باعث یك

همچو اغتشاش مهمی شده و مقاصد انقلابخواهی خود را بهیچوجه مستور نمی‌دارد هیچکس منکر باشد ولی دولت ایران که خود با این زحمات مصادم هستند و بی‌شبهه دچار ترتیب مشکلی شده‌اند متأسفانه مسئله در نظر آنها کهنه شده و معلوم نیست چه وقت در صدد اقدام جدی در این باب خواهند بود اگرچه بالاخره مجبور به تعقیب این روش خواهند شد و به نظر من یگانه وسیلهٔ امیدبخش همین است.

در اوایل ماه اوت دولت تا حدی در باب انفصال ایالت مجد شده بود که در صدد تعیین کارگذار [=کارگزار] به نیابت حکومت برآمده بودند و از قراری که خود نظام‌السلطنه و پیشکار او به من اطلاع دادند او را رسماً منفصل نموده‌اند و رئیس ـ الوزراء در این باب تلگرافی به مجتهد اعظم و رئیس قشون مخابره نموده بود ولی در این‌موقع یك‌شخص بی‌حالی‌مثل یدالله‌میرزا را مکفل[کفیل!] حکومت‌فارس‌نمودن باعث دوچندان شدن خرابیهای قبل و تکمیل‌شدن نواقص معایب ایالت سابق است.

نتیجهٔ تلگراف مزبور این شده که عجالتاً قریب دو هزار نفر قشقایی و دشتستانی و دهاتی مسلح با نظام‌السلطنه نصفهٔ غربی شهر را متصرفند.

در طرف شرقی شهر تقریباً ۱۰۰۰ نفر شهری و دهاتی از سکنهٔ قراء حوالی تحت‌السلاح هستند و احتمال مجادله بین این دو دسته که باعث خونریزی بسیار است هر آن می‌رود و تا بحال بحدی تولید خصومت بین آنها شده که تمام این ایالت در بحران و هیجان است. بعلاوه حرکت ایل قشقایی به طرف جنوب برای قشلاق نزدیك است و این باعث ورود صولت‌الدوله و احتمال تجدید نمون روش ماه مه ماضی خودش خواهد شد. باضافه احتمال کلی می‌رود که ایلات خمسهٔ وحشتی‌تر از اینها هم در این هرج و مرج عمومی شرکت بنمایند و در این صورت با یك فرمانفرمایی که خود قدم به عرصهٔ یاغیگری آشکاری گذارده معلوم است چه ترتیب وخیمی در پیش است.

از تمام این تصورات معلوم می‌شود مادامی که یك استعداد دولتی برای دفع این اغتشاشات وجود نداشته باشد ما باید خود را آماده بنماییم که در صورت وقوع زد و خوردی اتباع انگلیس را که در معرض خطر واقع شده‌اند در شیراز حفظ بنماییم چونکه در هر حال یا از دوام این اوضاع خشم و غضب عمومی به هیجان آمده و باعث مجادله خواهد شد یا یك دسته‌ای برای حفظ جان خودشان مداخله در این امر خواهند کرد که آن هم جزو مجادله محسوب خواهد شد.

بنابراین وضع حالیه به نظر من نه فقط آتیهٔ ناگواری را متضمن است بلکه عاقبت بسیار وخیمی را نشان می‌دهد.

در فارس هیچکس نمی‌تواند از نتایج سوئی که از تجزیه‌شدن قوای حکومت مرکزی ایران بعد از شروع به هیجان برای مشروطه حاصل شده صرف نظر بنماید.

امضاء ج. ج. ناکس

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۳۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ دسامبر)
طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی را که قنسول انگلیس از شیراز نگاشته لفاً ارسال می‌دارم. این مراسله یك تاریخ جامعی از اغتشاشات تابستان گذشتهٔ شیراز است:

قنسول ناکس در خاتمهٔ مراسلهٔ خودش تصدیق از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیادهٔ قنسولگری شیراز نموده و بهمچنین از حسن مساعدت مستر اسمیت نایب‌رئیس تلگرافخانهٔ هند و اروپ و منشی قنسولگری اظهار رضایت نموده. امیدوارم تصدیق مشارالیه از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیاده و از مساعدت مستر اسمیت را مقرر خواهند داشت که به مقامات لازمه خاطرنشان بشود. من نیز در این موقع که مدت خدمت مستر ناکس قریب به منقضی شدن است مغتنماً اظهار کمال رضایت از کمکی که مستر ناکس در مدت کفالت قنسولگری انگلیس به‌من نموده می‌نمایم خصوصاً از اینکه بیشتر آن مدت اوضاع منقلب و مغشوش بوده.

اعمال او در تمام مدت مزبور با نهایت قابلیت بوده و کاملا مطبوع واقع شده و تلگرافات و مراسلات او هم حاوی روایـات و اخبارات سودمند از اوضاع منقلبه در عرض چندماههٔ ماضی است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۳۳۳

مکتوب مستر ناکس قنسول موقتی به سر جارج بارکلی
شیراز ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ شوال ۱۳۲۹ [۲۷ مهر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که پس از شرح معروضه در ۷ سپتامبر در باب کلیهٔ اوضاع فارس وقایع سرعت جریان حاصل نموده و بالاخره منجر به عزل نظام‌السلطنه و منقضی شدن تحصن ۵ ماههٔ قوام‌الملك در قنسولگری انگلیس شد.

مستحفظین قشقایی که در اطراف قنسولگری گماشته شده بودند چنانچه در مکتوب ۷ سپتامبر ذکر شده تقریباً در ۷ سپتامبر عدهٔ آنها زیادتر شده و جری‌تر هم شده بودند. دائماً مزاحم مستخدمین قنسولگری می‌شدند (یکی از آن مستخدمین را که نشان هم به کلاهش بود و بخوبی شناخته می‌شد سخت زده و لخت کرده بودند و سایرین را چندین ساعت توقیف نموده بودند). مستخدمین تلگرافخانه و سایر اروپاییان را هم همین‌طور اذیتها می‌نمودند.

در این موقع من در باب مزاحمت نوکرهای اتباع‌خارجه شکایت‌سخت به نظام‌السلطنه نمودم و دو روز بعد دسته‌های قشقایی را از آنجا حرکت دادند شاید بنا به تعلیماتی

که از طهران داده شده بود.

مطالبهٔ غرامت مهاجمه‌ای که در این موقع نموده بودم بهیچ‌وجه مورد اعتنا نگردید.

ضمناً عصر ۷ سپتامبر یك عدهٔ کثیری از ایلات عرب و بهارلو در تحت سرکردگی ۹ نفر از رؤسای متنفذ خودشان در حوالی شیراز وارد شده و بعد از مجادلهٔ شدیدی با قشقاییان ایالت وارد شهر شده و شرحی به استعداد قنسولگری نوشته اخطار نمودند که برای تقاص قتل نصرالدوله آمده‌اند و از دولت مطالبهٔ تسلیم‌نمودن نظام‌السلطنه و سایر محرکین را نموده‌اند و نیز اشعار داشته بودند که اگر برای اجرای این مقصود مجبور به اقدامات قهریه بشوند حفظ جان و مال اروپاییان را بعهده خواهند گرفت مشروط بر اینکه اجزاء و اتباع تمام قنسولگریها در یك نقطه جمع بشوند.

من بر طبق دستورالعمل شما جواب دادم که رؤساء باید از چپاول اماکن اتباع انگلیس جلوگیری بنمایند ولی این پیشنهاد آنها که اتباع انگلیس باید در یك نقطه جمع بشوند خارج از موضوع و قبول‌نشدنی است.

منازعات مختصره در حوالی شیراز اغلب واقع‌می‌شد تا در ۱۳ سپتامبر نظام‌السلطنه تمام توپهای دولتی را که عبارت از ۴ عراده توپ اطریشی ۷۵ میلیمتری کوهستانی و دو عراده توپ قدیمی دهن‌پر بود به نقاط مختلفهٔ بیرون شهر به سمت شمالی فرستاد و تا سه روز قسمت شرقی شهر را بمبارده کردند ولی بدون هیچ نتیجهٔ قابل‌الذکری. در این موقع به تعقیب پیشنهاد کرنل کاکس که اگر قوام‌الملك را به دست رؤسای خمسه‌ای بدهیم محتمل است التیامی در اوضاع حاصل بشود (لیکن بعد از آنکه بدواً تلگرافی از قوام به دولت ایران بگیریم مبنی بر اینکه تعهد بنماید با این ایلیاتیان در فاصلهٔ بعیدی از شیراز که تیررس نباشد توقف بنماید تا وقتی که خود آنها قراری در باب اوضاع فارس بگذارند). بنا به دستورالعمل شما من با ایالت در این موضوع مذاکره نموده و نظریات او را سؤال نمودم. نظام‌السلطنه بدون تأمل اظهار عقیده نمود که مادامی که قوام‌الملك در قنسولگری انگلیس محترمانه محصور است خیلی مأمون‌تر از این است که آزاد باشد و یك عدهٔ کثیری ایلیاتیان همراه او باشند و اگر آن‌طور نوشته‌ای هم که در نظر است بسپارد هیچ انتظاری نمی‌توان‌داشت که یك روز هم بتواند بر طبق آن عمل بنماید.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از بمباردمان رئیس‌الوزراء تلگراف خیلی سختی به رئیس قشون مخابره نمود که از مداخلهٔ استعداد دولتی در این مخاصمه بکلی ممانعت بنماید. حکم او بی‌اثر ماند و صحب‌منصبان و تابین نظامی در به کار بردن توپها مداومت نمودند. در عرض این مدت شب و روز شلیك تفنگ از طرفین ممتد بود و در ۱۶ سپتامبر بعد از آنکه بمباردمان قطع شد هر دو دسته به نقاط نزدیکتر آمده و قشقاییان در حمله بردن به نقاط مختلف شهر مجاهدت نمودند ولی از هر طرف که هجوم بردند بعد از تلفات کثیره عقب نشانده شدند.

روز بعد آرامی مختصری ظاهر شده و مجادله قدری تخفیف یافت و تلگرافی از

طرف دولت ایران به اعیان شهر رسید که مبنی بر عـزل نظام‌السلطنه و تعیین رکن‌الدوله به جای او بود که تا زمان ورود او نیابت حکومت با میرزا حبیب‌الله‌خان پیشکار مالیه باشد.

در این موقع رئیس‌الوزراء تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نموده او را از این ترتیب مخبر نموده بود و دستورالعمل داده بود که نهایت مساعدت را با میرزا حبیب‌الله‌خان بنماید.

در بدو وصول این خبر نظام‌السلطنه واضح نمود که برای این انفصال هم مجدداً مدافعه خواهد نمود و بواسطهٔ فرستادن یك عراده توپ کوهستانی و یك عدهٔ کثیری سوار نزد صولت‌الدوله که در آن وقت در ۲۵ میلی به طرف شمال شیراز در قریهٔ «بزآ» بود در این عزم خود راه شبهه‌ای باقی نگذارد. در همان روز من معاون پیشکار مالیه را ملاقات نمودم و او به من اطلاع داد که میرزا حبیب‌الله خان برای به دست گرفتن عنان نیابت حکومت حاضر است ولی از عداوت صولت‌الدوله خیلی خائف است و حقیقتاً قبل از انقضاء ۱۲ ساعت یك دسته قشقایی در تحت حکم یکی از نوکرهای شخصی صولت‌الدوله وارد خانهٔ میرزا حبیب‌الله خان شده او را کتك زده با خود بردند و هرقدر از اموال شخصی و اسناد رسمی او که به دست آنها افتاد غارت کردند. او را به بزآ و بعد از آنجا به فیروزآباد برده و در آنجا قبل از آنکه بگذارند به شیراز مراجعت بنماید یك مبلغ گزافی از او اخذ نمودند و در ۱۹ اکتبر با حالت تکسر از صدماتی که در این سفر به او وارد شده بود مراجعت به شیراز نمود.

در این زمان اوضاع بیشتر از هر وقت منقلب شده بود. بازارها بسته بود و همین قسم باقی ماند تا انتهای نزاع تمام طبقات مردم در بیم و هراس چپاول و غارت شهر بودند و ورود صولت‌الدوله فقط درجهٔ خوف مردم را دو برابر نمود که نسبت به وضع جاریه حق هم داشتند چون با حضور تقریباً ۱۲۰۰ نفر قشقایی مسلح در سنگرهای قسمت تجارتی شهر یا در اردو در قرب و جوار شهر که با تقریباً ۲۲۰۰ نفر از ایل خمسه و اهل شهر و دهاتیان که در سایر نقاط شهر در سنگر بودند و هر ساعت در مجادله بودند بجز عاقبت غارت شدن شهر انتظار دیگری نمی‌توانستند داشته باشند.

یك اقدامی که بعقیدهٔ من در این موقع تا یك درجه محتمل بود اسباب التیام اوضاع بشود این بود که اگر ممکن می شد قشقاییان به آرامی از شیراز خارج بشوند در صورتی که با ضعف قوایی که از صولت‌الدوله مشهود گردیده بدلیل کمی عده‌ای که توانسته فراهم بنماید با کمال مسرت می‌توان پیش‌بینی نمود که عربها فایق خواهند شد و هر جدیتی که آنها در خارج نمودن قشقاییان از نقاط باثروت شهر بنمایند بی‌تردید اول ضرری که وارد بیاورد به تجار انگلیس است.

بعلاوه همین عمل دستگیر و جلب‌نمودن نایب‌الحکومه برای اثبات یاغیگری آشکار صولت‌الدوله نسبت به دولت ایران کافی است و کلیهٔ سبك رفتار او برای جسارت و مخالفت او دلایل واضح است.

لهذا من مصلحت چنان دیدم که پیشنهاد بنمایم به من اجازه داده بشود که به او اخطار بنمایم اگر او و متابعینش از حول و حوش شهر دور نشوند و حکومت مرکزی را به حال خود نگذارند که بتوانند بهر نحوی مقتضی می‌دانند اعادهٔ نظم را در فارس مستقر بدارند دولت انگلیس فوراً برای حفظ منافع خود اقدامات خواهد نمود.

در همان روز شرحی به صولت‌الدوله نوشتم مبنی بر اینکه از طرف وزیرمختار دولت متبوعهٔ من به من تعلیمات داده شده که به شما اطلاع بدهم که حضور شما و طایفهٔ شما در شیراز فقط تولید اغتشاش می‌نماید و هرگاه بواسطهٔ وارد شدن صدمهٔ جانی و مالی به اتباع انگلیس مداخلهٔ ما لازم بشود تمام تحمیلات به گردن شما وارد خواهد آمد.

بعد از مدتی تأخیر جواب داد که من برای استقرار نظم به شیراز آمده‌ام و محافظت اتباع انگلیس را منظور خواهم داشت و ضمناً خواهش نموده بود که در آتیه مکاتبات رسمی را به توسط کارگذار [=کارگزار] با او بنمایم.

در این ضمن در ۱۹ سپتامبر رئیس‌الوزراء تلگرافی به‌قوام‌الملك مخابره نموده و به او دستورالعمل داده بود حتی‌القوه سعی بکند که از تحریکات نظام‌السلطنه جلوگیری بنماید و اعلانی هم در این موضوع در شهر منتشر بنماید. بعد از آنکه در باب عمل نمودن قوام‌الملك بر طبق تلگراف مزبور، مادامی که در قنسولخانه است، من از شما تحصیل اجازه نمودم مشارالیه شرح تلگراف را نزد پسر خود فرستاده که طبع و نشر بنماید. متعاقب این تلگراف یك تلگراف دیگری رسید که صمصام‌السلطنه سؤال نموده بود آیا قوام‌الملك برای کفالت امور فارس حاضر است یا خیر و اگر ضیغم‌الدوله به ایلخانی‌گری قشقایی منصوب بشود امید همراهی و معیت ایلات را بـا او می‌توان داشت یا خیر؟ و نیز اشعار داشته بود که اگر قوام‌الملك این ترتیب را اجراءشدنی تصور ننماید فرمانفرما به ایالت منصوب خواهد شد. قوام‌الملك جواب داد که به معیت ایلات خمسه اعتماد کامل می‌توان داشت و قشقایی‌ها هم برقرارشدن ضیغم‌الدوله را استقبال خواهند نمود. باضافه معزی‌الیه پیشنهاد نمود که دولت ایران اخطار خیلی متشددی برای خروج صولت‌الدوله بنماید.

بفاصلهٔ مدت قلیلی بعد از این، تعیین فرمانفرما به ایالت را خبر دادند. از این اقدام ظاهراً دولت ایران امیدوار بودند که از دوستی مابین صولت‌الدوله و فرمانفرما انتفاعی حاصل نموده و مابین صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه را تفریق بنمایند.

در ۲۲ سپتامبر صولت‌الدوله اعلانی منتشر نمود مبنی بر اینکه او در صدد خارج نمودن اعراب از شیراز است و چون در داخل شهر به آنها حمله خواهـد نمود هر صاحبخانه‌ای که از راه‌دادن قشقاییان به خانهٔ خودش امتناع بنماید برای هر نوع خسارتی که از دخول قهری آنها به منزل او وارد بشود کاملا مسئول خواهد بود.

فقط اقدامی که در این موضوع نمودند این بود که قشقاییان به یك محله‌ای که بکلی بی‌طرف بودند حمله نموده و در آنجا یك عده خانه را غارت بلکه منهدم نمودند. بفاصلهٔ چند ساعتی اعراب در آنجا به قشقاییان هجوم نموده و بعد از یك روز تمام

جنگ سخت قشقاییان را با تلفات کثیره عقب نشاندند.

پس از این منازعه ایلخانی وضع خود را در حالت ضعف و فتور دیده به تجار ایرانی اخطار نمود که او از محافظت راه بوشهر استعفاء داده بلکه ظاهراً از این معنی مقصودش این بود که چنانچه سابقاً مرسوم بوده تجار را مجبور بکند مجدداً از او استغاثه بنمایند که در حفظ منافع آنها قیام بنماید. در این موقع هم تدبیر او سودمند نگردیده بالاخره در صدد این برآمد که جبراً از تجار تلگرافات در تمجید و توصیف از خدمات غیرنافعهٔ خودش به حکومت مرکزی صادر بنماید. ولی سایرین با مخابره از سیم انگلیس این تلگرافات را تکذیب نمودند. بهرحال بر همه واضح است که در آن زمان وضع صولت‌الدوله به قسمی نبود که بتواند تأمین طرقی و عبور و مرور را عهده بنماید. مجملا صولت‌الدوله از تصورات سابقهٔ خود در همراه نمودن دستهٔ تجار با خویش، بکلی صرف‌نظر نمود و جداً مشغول اخاذی از آنها شد حتی در بعضی موارد بقوهٔ قهریه بعنوان اینکه آنها باید مصارف سوارهایی که او برای استقرار نظم در شیراز همراه خود آورده متحمل بشوند در صورتی که در همان حین آن سوارها با کمال بی‌پروایی در خارج شهر مشغول غارت اموال مردم بودند.

در همان اوقات لفتننت ویلسن را که بتازگی مأمور قنسولگری انگلیس در محمره شده بود و به شیراز می‌آمد یك دسته قشقایی در ۱۲ میلی شیراز لخت نمودند. خبر آمدن مشارالیه به شیراز خیلی دیر به من رسید و بنا بر اغتشاش عمومی من نهایت سعی را نمودم که تهیهٔ یك عده مستحفظی برای او بنمایم یا اقلا به او اطلاع بدهم که حرکت ننماید تا مستحفظ به او برسد ولی از مساعی من ثمری حاصل نشد و در پل فسا او با یك عده اشخاص مسلح مصادف شده که تمام‌ملزومات شخصی او را غارت نموده خود او را هم از اسب پایین کشیده ملبوس او را پاره نموده و بالجمله نهایت بدسلوکی را با او نموده بودند.

پس از آن ایلیاتیان در یك دهی در آن نزدیکی یك شبانه‌روز او را نگاه‌داشته و خودشان مشغول اعمال فضیحه و چپاول شده هر چیزی که به دست آنها افتاده بود به غارت برده و دهاتیان را با نهایت وحشیگری صدمه زده بودند. در این هنگام به صولت‌الدوله مراجعه شد و بالاخره امر نمود اموال او را مسترد نموده و خودش را هم تا قنسولگری بدرقه نمودند و عاقبت به سلامت وارد شد.

در ضمن اوضاع شیراز یوماً فیوماً متزلزل‌تر می‌شد. سبك رفتار صولت‌الدوله و اتباع او تخویف‌کننده بود. به اغلبی از اعیان شهر تهدیدات آشکار در مهاجمه و چپاول منازل آنها می‌شد. مجادلهٔ دائمی بدون انقطاع جاری بود و اخطارات متواتره از محلهای مختلف به من می‌رسید که عنقریب حمله‌ای به قنسولخانه هم خواهد شد. قشقاییان که آزادانه از این احتمال مذاکره می‌نمودند.

در این وقت تقاضاهای مکرره از منچستر و بمبئی برای حراست اتباع انگلیس و تجارتخانه‌های انگلیس از من می‌شد بهمچنین از طرف نماینده‌های محلی آنها و از طرف اتباع ایران از هر طبقه حتی حاکم بوشهر با نهایت نگرانی درخواست

محافظت فامیل خودش را که در شیراز بودند نمود.

کارگذار [=کارگزار] در جواب مراسلهٔ من که استفسار نموده بودم که دولت ایران چه اقدامی برای محافظت جان و مال اتباع انگلیس در نظر دارند نوشته بود که ایالت منفصل بکلی از مداخلهٔ در امور ایالتی امتناع دارد و نایب‌الایالهٔ جدید هم از شیراز خارج شده و خود او هم از طرفیت مستقیم با رؤسای ایلات در این‌طور مسائل احتراز می‌نماید.

دو روز بعد از آنکه شرح این مراسله را به سمع شما رسانیده بودم کارگذار [=کارگزار] یك عدهٔ قلیلی از سربازان ایرانی مندرس را جمع نموده و آنها را به اسم مستحفظ در اماکن مختلفهٔ اتباع انگلیس متفرق نمود.

این سربازها هم بعد از اندك مدتی سعی نمودند که از صاحبخانه‌هایی که خود را مستحفظ آنها می‌دانستند فوق‌العاده بگیرند و اظهار نمودند چند ماه است حقوق نگرفته‌اند و از شیراز رفتند.

در این موقع من به اتباع انگلیس و به نماینده‌های واقعی تجارتخانه‌های انگلیس که توانستند من را اقناع بنمایند که حقیقتاً مال‌التجارهٔ انگلیسان در اماکن آنها هست بیرق تقسیم نمودم.

این اقدام با مقتضیات کنونی و وضع‌جاریه البته مکفی نخواهدبود چونکه پر واضح است که یك گله ایلیاتی که بسیاری از آنها شاید هرگز یك نفر اروپایی را هم ندیده‌اند همینکه دست به غارت عمومی بگشایند ملاحظهٔ ترتیبات بین‌المللی یا خوف جبران عاقبتی، آنها را ممانعت از عمل خودشان نخواهد نمود و نظر به فقدان قدرت مأمورین محلی که حتی نمی‌توانند یك جدیت اساسی هم در محافظت جان و مال اتباع خارجه بنمایند من هیچ شق دیگری جز این نمی‌توانم فرض بنمایم که از طرف دولت انگلیس به صولت‌الدوله اخطار بشود که فوراً از اینجا خارج بشود ولی یك اقدام کافی برای حفظ منافع انگلیس باید بشود.

در عرض این چند روزه جنگ بدون هیچ سکته امتداد داشت و نتیجهٔ آن شکست متواترهٔ قشقاییان بود و در ۲۹ سپتامبر قریب ۱۵۰۰ نفر عرب به امداد همسران خود از معابر گذشته به مقامات دستهٔ مخالف در طرف شمالی شهر حمله بردند و آن محل‌ها را بدون تصادف با تلفات قابل‌الذکری از دشمن تخلیه و تصاحب نموده و از قشقاییان منهزم عدهٔ کثیری مقتول نمودند و بالاخره وارد شیراز شده و در محله‌های شرقی شهر به رفقای خود ملحق شدند که عدهٔ ایلیاتیان در آن قسمت شهر بالغ بر ۳۰۰۰ نفر شد.

در این موقع که فتح عاقبتی خمسه‌ای‌ها متحتم گردیده بود (و حقیقتاً کار صولت‌الدوله بجایی رسیده بود که یکی از منسوبان خود و رسولهای دیگر را برای طرح آشتی نزد قوام بفرستد) من به رؤسای ایلات خمسه شرحی نوشته و صورت خانه‌هایی را که اتباع انگلیس در آنها سکنا دارند و اماکنی را که مخصوص تجارت و مشاغل آنها است فرستاده و توضیح نمودم که در صورت لزوم باید نهایت احتیاط به عمل

بیاید که محل‌های مزبور مأمون و محفوظ بماند.

در سوم اکتبر وقتی که جدال عمومی هنوز در کار بود من به صولت‌الدوله نوشتم که به من تعلیمات داده شده که به او اخطار بنمایم اگر سریعاً جمعیت خود را برندارد و از حوالی شهر نرود وزیرمختار دولت متبوعهٔ من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات عاجل در حفظ منافع انگلیس بنمایند. در ضمن به رؤسای ایل خمسه هم اخطار نمودم که هرگاه خسارتی به جان و مال اتباع انگلیس وارد بیاید وزیرمختار دولت متبوعهٔ من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات لازمه را برای دریافت غرامت آن از آنها به‌عمل بیاورند. رؤسای مزبور در جواب مراسلهٔ من نوشته بودند که حتی‌القوه سعی خواهند نمود که اروپاییان را محفوظ بدارند و سواد تلگرافی را هم که رئیس‌الوزراء به آنها مخابره نموده بود که آنها باید در شیراز توقف بنمایند و به خدمتگزاری ایالت قیام بنمایند لفاً ارسال داشته بودند. از صولت‌الدوله جوابی به من نرسید و دو روز بعد از آن بنهٔ او و نظام‌السلطنه در تحت حفاظت یك عدهٔ کثیری سوار از شهر خارج شد.

مقارن همین ایام بود که قوام‌الملك یك نوشته‌ای را که صولت‌الدوله قبلا امضاء نموده بود مهر نمود و آن نوشته مبنی بر این بود که کلیهٔ اموال منهوبه به توسط طرفین باید مسترد بگردد و طرفین باید فوراً استعداد خود را از شهر خارج نمایند و هر حاکمی را که دولت ایران تعیین بنماید طرفین قبول بنمایند و صولت‌الدوله باید در محافظت راه بوشهر مداومت بنماید. لازم به اظهار نیست که به این قرارداد هیچ وقعی نگذاردند و شرایط آن را تکمیل ننمودند و قوام‌الملك بحدی آن را معتنا [معتنابه] فرض نمی‌نمود که حتی سواد آن را هم برنداشت.

قصد صولت‌الدوله از این بازیچه (به قسمی‌که رسولهای خودش علناًتصریح‌نمودند) این بوده که به این واسطه از وقوع اختلال بین فامیل و منسوبان خود بجهت این مغلوبیت جلوگیری نموده باشد و در مادهٔ قوام‌الملك اگر فرض بشود که مقصود او از تن‌دادن به این قرارداد اثبات صمیمیت خودش در آسایش نوع بوده چندان بی‌مبنی نیست چون کلیتاً برای شخص او انتفاعی نداشته و برای اهالی شیراز نافع بوده.

همان روز غروب صمصام‌السلطنه تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نمود که مشعر بر تعیین احتمالی علاءالدوله به ایالت و تفویض ایلخانی‌گری قشقایی به ضیغم‌الدوله بود و ضمناً اظهار نموده بود که علاءالدوله بدون حاصل‌نمودن اطمینان از معیت قوام قبول ایالت را نمی‌نماید.

همینکه قوام‌الملك این مسئله را موضوع بحث قرار داد به من اظهار نمود که تا عموم رؤسای خمسه هم‌قسم نشوند که به این اتحاد منظوره تقویت کامل بنمایند و تا از طرف من به او قول داده نشود که در صورت تفویض نیابت حکومت به او، دولت انگلیس با او همراهی خواهد نمود نمی‌تواند جواب کافی به این تلگراف بدهد.

من بموجب دستوری که داشتم به او جواب دادم که اگر او رسماً به نیابت حکومت منصوب بشود می‌تواند دولت انگلیس را با خود همراه و مساعد بداند.

روز بعد نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله از شیراز حرکت نموده و شب را در ۶ میلی شیراز اردو زدند و صولت‌الدوله علناً اظهار داشته بود که در راه بوشهر اغتشاشی برپا خواهد نمود که تا حال مشابه آن دیده نشده باشد. بی‌شك می‌توان از یك بابت اخطار ما را باعث حرکت او فرض کرد ولی از یك بابت که بیشتر احتمال می‌رود این است که چون همراهان او متدرجاً از دور او متفرق می‌شدند و با اینکه موقع کوچ به قشلاق در پیش بود این عمل بیشتر تعقیب می‌شد و نگاهداری از آنها برای او خالی از اشکال نمی‌بود، معزی‌الیه سبقت نموده و بواسطهٔ حرکت خودش از وقوع تزلزل بین آنها جلوگیری نمود.

در همان شب رئیس‌الوزراء و وزیر داخله تلگرافی به قوام‌الملك مخابره نموده او را به سمت نیابت حکومت اختیار تامه دادند و به او اطلاع دادند که ۵۰ هزار تومان اعتبار در بانك شاهنشاهی ایران به او داده‌اند که یك عده سوار خمسه‌ای تا زمان ورود ایالت نگاه دارد. قوام‌الملك از قبول این امر خیلی منزجر بود و کراراً برای من تصریح نموده بود که بدون توسل به اقدامات مجدانه نمی‌شود تمشیت کامل مستقر داشت و از مبادی تحریکات جلوگیری نمود و اگر بخواهد این عمل را مجری بدارد عموماً بر این عقیده خواهند شد که این اقدامات علائم انتقام شخصی است. بنابراین قبل از وصول این تلگرافات او به دولت ایران تلگراف نموده و اصرار کرده بود که اگرچه مدبرالسلطنه شخصاً شیرازی است ولی در عرض این چند ماهه بکلی خود را بیطرف قرار داده و شخص پلتیك‌دانی است و برای اداره نمودن امور ایالتی که به خودش تفویض شده او خیلی مناسب‌تر است.

روز بعد قوام‌الملك رأی خود را به خروج از قنسولگری قرار داد و یك ازدحام کثیری از همان اهل شهر که در ۵ ماه قبل برای ریختن خون او اجماع نموده و فریاد و فغان می‌کردند در خارج قنسولگری برای استقبال او جمع شده بودند.

به فاصلهٔ وقت کمی قریب دو هزار نفر از ایلیاتیان خمسه‌ای هم با تمام رؤسای خودشان به آنها ملحق شدند. انتظام‌الممالك (که حالا نصرالدوله‌است) و اسعدالسلطنه ایلخانی سابق قشقایی هم حاضر شدند. پس از آن رؤسای مزبور یك‌یك آمدند که اظهار انقیاد به قوام‌الملك بنمایند و در برابر او به زانو درآمده دست و زانوی او را می‌بوسیدند. بعد از اتمام این عمل معزی‌الیه آنها را مخاطب ساخته شرح مفصلی عنوان نمود مبنی بر اینکه تاکنون در هیچ تاریخی ثبت نشده که یك همچو عده‌ای برای حفظ قانون و نظم در اینجا جمع شده باشند و امیدوار است که پس از حصول این تجربه بیشتر از بیش در خدمتگزاری و جانفشانی برای نظم و اتحاد با یکدیگر خواهند کوشید.

در جواب بیانات او اظهار کمال فدویت نموده و در خدمتگزاری به دولت و خود معزی‌الیه اطمینان دادند.

پس از آن قوام‌الملك امر نمود که ایلیاتیان به دو قسمت منقسم بشوند و خودش و پسرش از طرق مختلف حرکت نمودند.

این احتیاط صحیحی بود که او نمود چون چند دقیقه بعد از خروج او از قنسولخانه صدای شلیك شدیدی بلند شد که از سنگرهای ده بزرگ که یکی از محال واقعه به طرف شمال شیراز است و یکی از دشمنان قدیم قوام علی‌اکبر خوردل با ۸۰ نفر در آنجا در کمین او بودند دفعتاً به طرف قوام شلیك نموده بودند.

در این شلیك ۵ نفر از سوارهای عرب مقتول و قریب ۱۲ نفر مجروح شدند که یکی از آنها بفاصلهٔ یك ذرع از قوام‌الملك تیر خورده بود. او سر خود را عقب کشیده بود و گلوله با او مصادف نشده بود و با نهایت جدیت مشایعین خود را که قریب ۱۵۰۰ نفر بودند از هجوم به ده بزرگ ممانعت نموده بود والا نتیجهٔ آن، غارت تمام بازار که مستقیماً با محل مزبور اتصال دارد می‌شد.

ایلیاتیان مزبور بالاخره به متواری‌نمودن سیصد چهارصد نفر شتر که در آن حوالی به چرا مشغول بودند خود را متسلی نمودند ولی این عده شتر برای حمل مقدار کثیری مال‌التجاره که در یك کاروانسرایی در آن نزدیکی دسته شده بود تهیه شده بود. این مال‌التجاره تقریباً بالتمام متعلق به اتباع انگلیس بود و علی‌اکبر یقین داشت که بواسطهٔ بودن آن متاع در آنجا خودش از مهاجمهٔ مخاصمین محروس خواهدماند. بهرحال با تحمل زحمات بسیار مال‌التجارهٔ مزبور از یك همچو محل خطرناکی حرکت داده شد و یك عده از شترها را قوام‌الملك پیدا کرده و مسترد داشت ولی قریب ۱۵۰ نفر از آن هنوز مفقودالاثر است و یحتمل همین قسم بماند.

خود علی‌اکبر سالماً عزیمت نموده که در فیروزآباد به صولت‌الدوله ملحق بشود.

علی‌الظاهر مقدمات این حادثه کاملا ترتیب داده شده بوده چون از قرار اطلاعاتی که من تحصیل نمودم دو دسته تفنگچی دیگر هم از طرف مخالفین در راه‌هایی که تصور می‌نمودند قوام هنگام عزیمت از قنسولخانه به طرف منزلش از آنجاها عبور خواهد نمود گماشته شده بودند.

در همان روز شروع به آنتریگ‌های مشابه به تحریکات پاییز ماضی شد که منجر به غارت محلهٔ یهودیان گردید و بعضی از رؤسای یهودیان با نهایت هراس و تزلزل نزد من آمده اطلاع دادند که یك زن مسلمانی که دستگیر شده یك جلد قرآن برده در محلهٔ یهودیان در چاه فاضل‌آب انداخته و اظهار نمودند که این عمل به تحریك نصیرالملك واقع شده. من فوراً به قوام‌الملك نوشتم که این مسئله به من رجوع شده و تأکید نمودم نهایت توجه و مراقبت را در وارد نشدن صدمه و زحمت به اهالی غیرمسلمان به عمل بیاورد.

او در جواب نوشته بود که ضعیفهٔ مرتکبه را دستگیر نموده و اطمینان داده بود که خوشبختانه مسئله خیلی زود کشف شده و اسباب بروز نتایج غیرمرضیه نخواهد شد.

از قراری که به من خبر رسیده مبالغ گزافی پول به نصیرالملك و عطاءالدوله رسیده و از قرائن همچو مستفاد می‌شود که این آنتریگ‌های مخفیه که متدرجاً به ظهور می‌رسد منتهی به یك آشوبی قبل از ورود ایالت جدید بشود.

در این موقع تعیین علاءالدوله به فرمانفرمایی رسماً اعلان شد و متعاقب آن منصوب

شدن ضیغم‌الدوله (که ملقب به سردار احتشام شده) به ایلخانی‌گری قشقایی و صولت‌السلطنه به ایل‌بیگی‌گری اشاعه یافت. نظام‌السلطنه هم از حوالی شیراز به طرف املاك خودش عزیمت نموده و در خشت اقامت نموده و صولت‌الدوله بعد از یك هفته توقف در حوالی جره که کاملا از گزارش اوضاع و وقوع تعلیمات خودش مستحضر بشود به طرف فیروزآباد حرکت نموده و الحال وارد آنجا شده.

در ضمن ایلیاتیان که به طرف قشلاق در حرکتند بیش از هر وقت مشغول اعمال خودسرانه هستند و در ۱۱ اکتبر تمام سیمهای تلگراف به بوشهر را مقطوع نمودند. این خسارت وارده به سیمها بکلی خودسرانه و بی‌باکانه بوده سیمهای طولانی از تیرها پایین کشیده و قطعه‌قطعه شده.

۴ نفر غلام تلگراف که بدفعات مختلف برای امتحان خرابی سیم فرستاده شده مادامی که هنوز در نزدیکی شهر بوده‌اند بکلی لختشان کرده و تمام آلات کار آنها و تلفن نقالهٔ آنها را به سرقت برده‌اند. صولت‌السلطنه که اسماً به سرپرستی ایلات مهاجر منصوب است یا بی‌میل‌بود یا نمی‌توانست تهیهٔ مستحفظ برای عملجات و کارگران زیر سیم بنماید فقط در ۱۹ اکتبر بعد از ۱۰ روز خرابی کلی سیم، یك تعمیر مختصری شده که از سه رشته سیم یك رشته به‌کار افتاده. وضع جاده هم [که] روز بروز مغشوش‌تر می‌شد تا حالا بکلی تردد در آن قطع شده.

در عرض سه ماههٔ ماضی سرقتهای متعدد از یك بار دو بار مال‌التجارهٔ انگلیس در جادهٔ بوشهر واقع شده (در یك وهله معادل ۴۰۰ لیره تریاك به سرقت رفته) و در اواخر سپتامبر نظر به اهمیت اوضاع شیراز و احاطهٔ کامل پلتیك ظلمانی ایلیاتی من هم روش تجار ایرانی اینجا را تعقیب نموده و سفارش نمودم به تجارتخانه‌های خودمان در بوشهر دستورالعمل داده شود که حمل مال‌التجاره را موقوف بدارند.

در جادهٔ شمالی تقریباً در عرض ۱۰ هفته یك قافلهٔ بسیار زیادی تهیه شده و در غرهٔ سپتامبر از طریق سر حد برای اصفهان حرکت نموده و بعد از پرداخت مبلغ گزاف به مستحفظین قشقایی سالماً به اصفهان رسیدند. از آن تاریخ بواسطهٔ کوچ نمودن ایلات از ییلاق جادهٔ شمالی هم بکلی مسدودالعبور شده و جادهٔ خط تلگراف بحدی مغشوش بوده که قوافل جرئت حرکت از شیراز را ننموده‌اند.

این رویهٔ اوضاع بالاخره منجر به یك سرقت عمده در حدود شمالی فارس شد که در ۱۲ اکتبر یك قافله‌ای که مرکب از ۷۰۰ قاطر حامل شمع و تریاك متعلق به اتباع انگلیس از اصفهان به شیراز بوده چنانچه تا حال مکشوف گردیده با سارقین کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] مصادف شده و اموال مزبور را بکلی سرقت نموده‌اند.

در همان ایام میس رس یك خانم دکتر انگلیسی را که بستگی به هیچ هیئت مذهبی یا غیره ندارد و بالشخصه کار می‌کند لخت نموده تمام دارایی او را سرقت نموده کتك بسیار به او زده سر و پای برهنه، او را رها نمودند که مجبوراً پیاده خود را به آباده رسانیده. هنوز خانم مزبور در آنجا منتظر موقعی است که امنیت در جاده حاصل‌بشود و به شیراز بیاید و چون تمام آلات و ادویهٔ او را سرقت نموده‌اند متأسفانه نمی‌تواند

در همانجا هم مشغول طبابت بشود.

چند روز بعد نزدیك همان نقطه یك دسته سرباز ایرانی که ۳۰۰ نفر بودند از بقیهٔ قشون سیار فارس که بی‌مواجب و نیمه برهنه از شیراز حرکت نموده بودند با حملات سارقین مصادف شده و بنا به خبری که به من رسیده ۱۰ نفر مقتول و ۲۰ نفر از آنها مجروح شده‌اند. بعقیدهٔ من در این دو فقره حملات مشهود می‌گردد که درجهٔ سبعیت و بی‌پروایی این ایلیاتیان حالا به چه پایه رسیده است.

در موضوع خانم رس شغل او یك نوع پیشه‌ای است که تا حال همیشه در تمام نقاط این مملکت یك تذکرهٔ عبور بقاعده‌ای بوده؛ قشون دولتی‌هم که در عرض سنوات ماضیه همیشه بحدی مفلوك بوده‌اند که واجب‌الرعایه بودند خصوصاً در مقابل سارقین مسلح و مکمل، این بیچاره‌های بی‌اسلحه و ملبوس نوعاً باید حقیر شمرده بشوند و صرف‌نظر از آنها بشود.

وضع شیراز به نحوی است که بهیچ وجه اطمینان‌بخش نیست. وضع طرق و شوارع هم که بیش از هر وقت منقلب و مغشوش است کلیتاً هرج و مرج عمومی در تمام این خطه به درجه‌ای رسیده که نمی‌توان در طهران آن را مطرح نمود. بی‌اعتنایی کلیهٔ دوائر مرکزی و نماینده‌های آنها که من در راپورت سابق خودم شرح کشافی نقل نموده‌ام پیوسته در تزاید است خصوصاً بعد از حوادث جدیده.

تلفات در شیراز در عرض منازعهٔ تابستان ماضی بنا به روایات موثقه به ۴۶۰ نفر رسیده. در عرض ماه ژوئیه و او [اوت] و سپتامبر متجاوز از ۲۰۰ زخم گلوله و ۳۰۰ جراحت از غیر گلوله را دکتر وولت و معاونش عمل نموده‌اند که در اغلب اوقات فرصت معالجهٔ آنها را نداشتند.

یك همچو تلفاتی را که اگر حافظهٔ من به اشتباه نرفته باشد دو برابر تلفات در تمام جدال سنهٔ ۱۹۰۹ در طهران و اطراف آن است و نتایج سوئی که از آن حادث شده و اوضاع فارس را دگرگون نموده اقدامات خیلی مجدانه و کافی باید علاج بنماید.

یك مسئلهٔ دیگر که عقاید محلی متوجه به آن است و خیلی اهمیت به آن قرار می‌دهند این است که این بمباردمان بی‌اثری که در شیراز شد ابهت حکومت مرکزی و عقاید کهنه‌پرستی را که ایلیاتیان به قوای دولت و توپخانهٔ او داشتند و یك نوع تهدیدی در اذهان آنها بود بکلی معدوم نمود. از طرف دیگر بواسطهٔ مقدار کثیری غله که در مزارع و قراء غارت و تلف شده و کشت و زرع نشدن در محال ییلاقی بواسطهٔ شدت برودت هوا در زمستان ماضی، احتمال کلی می‌رود که عنقریب بروز قحطی بشود.

باضافه مسئلهٔ پولی جالب اهمیت شده ۸۰ هزار تومانی که از فوریهٔ گذشته دائما اظهار می‌شد که حکومت مرکزی برای مخارج یکسالهٔ‌اول ژاندارمه ژنرال‌مالتا فرستاده است هنوز به شیراز نرسیده و ۵۰ هزار تومانی که قبل از خروج قوام‌الملك از قنسولخانه وعده دادند برای نگاهداری یك عده سواری که خیلی لازم بود بپردازند

هنوز صحت حاصل ننموده و یك عدهٔ قلیلی قشون منظم که هنوز عزیمت ننموده‌اند نه ماه جیره و مواجب طلبکار هستند.

پس از سه ماه اغتشاش کامل که دولت ایران هیچ اقدامی در جلوگیری از آن ننموده‌اند ظاهراً بالاخره رأیشان بر این قرار گرفته که علاءالدوله و ضیغم‌الدوله را به فارس بفرستند آن هم نه قبل از تجربیات دیگر.

در اوایل ماه ژوئن ماضی من اظهار عقیده نمودم که یك همچو اقدامی احتمال کلی دارد اسباب امیدواری به بهبودی اوضاع بشود. در آن وقت همه‌نوع امیدی بود که یك همچو تغییری را بدون اشکالات بتوان مجری داشت. کلیهٔ اهالی باستثنای صولت‌الدوله و اقوامش از قدیم‌الایام علاءالدوله را بعد از ظل‌السلطان اول‌شخص شناخته‌اند که بتواند از عهدهٔ حکومت فارس برآید. آن وقت ضیغم‌الدوله در اصفهان بود و طوایف قشقایی هم خیلی نزدیك و اگر به‌خاطر بیاوریم به چه نوع وجد و اشتیاقی در زمان تعیین ظفرالسلطنه یك سال قبل به حکومت آنها دور (ضیغم‌الدوله) جمع شده بودند هیچ جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که با یك تقویت اسمی دولت ایران، او می‌توانست به تمام ایل احاطه و استیلا حاصل نموده و اشخاصی را که مقتضی می‌دانست به کلانتری آنها بگمارد.

حالا بکلی مسئله برخلاف است و برای او خیلی مشکل است که بتواند نزدیك ایل هم برسد شاید تا دو ماه بعد از انفصال صولت‌الدوله هم نتواند مقامات جزء را که حالا اشخاص برای آن مقامات تعیین شده در تحت سلطهٔ خود بیاورد. بعلاوه ممکن است اغلب از کلانتران مخالف میل او باشند و مدعی او، آنها را گماشته باشد که هزار نوع تحریکات به ضد او نموده و طبقات ایل را به ضیغم بشورانند.

با وجود این اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که این عمل حالا آن اثری را داشته باشد که قبل از بروز اغتشاش عمومی می‌داشت معذلك اسباب امیدواری هست که اقلا بواسطهٔ خروج موقتی صولت‌الدوله از میدان پلتیك فارس، یك نتیجه‌ای حاصل بشود که من آن را یك نوع عطیهٔ آسمانی غیرمحدودی می‌دانم.

در عرض ۱۸ ماههٔ ماضی، هم من و هم قایم‌مقام سابق من، برای این تصور دلایل کافی داریم که منشأ عمدهٔ اغتشاش و شورش در فارس صولت‌الدوله بوده و شدت طمع و خودپسندی او باعث تهدیدات بسیار شده و اطمینانها و خودستاییهای مکرر او به دولت انگلیس برای تجارت ما بکلی بی‌مغز و لغو بوده. در عرض واقعات تابستان ماضی این مفهومات کاملا درك شده که متدرجاً در صدد یاغیگری علنی به ضد دولت برآمد و دهات را بکلی غارت نمود و سواران او خودسرانه سیمهای تلگراف را مقطوع نمودند. از طرف دیگر اصراری دارند که صولت‌الدوله برای تجارت انگلیس مساعدت دارد و انفصال او باعث افتتاح طرق اتساع نفوذ بختیاری در خط فارس و عربستان خواهد شد که چندان مطلوب نیست. اولا عقیدهٔ شخصی من بر این است که هر رئیسی که کمترین تسلط را به قشقایی داشته باشد می‌تواند به طریق اکمل امنیت را در راه بوشهر مستقر بدارد (بجز در مقابل حملات شدیدهٔ

بویراحمدیها که غالباً در اوایل زمستان واقع می‌شود و با بودن صولت‌الدوله هم چندان تفاوتی با سابق نداشته) ـ بدون لزوم هیچ نوع تحریفی در حمل و نقل یا امورات پلتیکی که ایلخانی سابق[1] در مراقبت آن خود را مستغنی می‌دانست. و نیز لازم است ذکر بنماییم که در بابت اموال مسروقه در ایام مسئولیت او هیچ مبلغ معتنابهی متناسباً از بابت غرامت آنها به توسط او وصول نشده.

یك نکتهٔ قابل‌الذکر دیگری هم هست که یك فقره سرقتی که امسال تابستان در راه سرحد اتفاق افتاده که بکلی در خاك قشقایی بود سرقت یك جعبه ۱۵۰۰ تومانی پول بانك شاهنشاهی بود که در چند صد ذرع فاصله از چادر خود صولت‌الدوله سرقت نمودند.

منشأ اعتبارات او بمنزلهٔ یك حافظ تجارت بودن ظاهراً از این رو است که رئیس قشقایی و مستحفظ طرق در عوض حفظ تجارت بیشتر در صدد اغتشاش تجارت بود که بعنوان سد نمودن طرق حمل و نقل تجار را تهدید نموده و پلتیکاً[2] و نقداً از آنها انتفاع حاصل می‌نمود.

در خصوص این‌مسئله که انفصال صولت‌الدوله باعث تولید عداوتی بین علاءالدوله و ضیغم‌الدوله و قوام‌الملك با قشقایی و تشیید منافع بختیاری خواهد شد از آنچه من از امورات ایلیاتی فارس درك نموده‌ام این مبنا که یك عداوت طایفه‌ای بین بختیاری (که نمایندهٔ آنها در فارس قوامیها هستند) و قشقایی موجود است بکلی بی‌اساس است. تا اندازه‌ای که بر من معلوم شده یك عدهٔ معین از خوانین بختیاری بی‌شك عداوت مغلظهٔ شخصی با صولت‌الدوله دارند.

این عداوت که بهیچ‌وجه مستور نیست ظاهراً جدیدالبنا است و مورث تعجب نیست که بختیاریان با اعتباراتی که در مؤسسین نیکوی مشروطه‌بودن دارا هستند باید با یك همسایهٔ خودشان که مؤسس یك حکومت دیکتاتوری در فارس شده مخالف باشند.

فقدان عداوت واقعی بین طوایف بعقیدهٔ من مسلم است و محتاج بحث نیست چونکه در عرض چند ماههٔ ماضی که قشقاییان در حدود ییلاقی خود متوقف بودند بهیچ‌وجه در صدد این برنامه برنیامدند که به خاك بختیاری دست‌بردی بزنند در صورتی که هرکس می‌داند بواسطهٔ اعزام مردان جنگی بختیاری به طرف شمال چندین ماه خاك آنها بی‌مستحفظ مانده بود.

اختلافات بین قوامیها و قشقایی‌ها هم بیشتر عداوت شخصی است که فقط از زمان صولت‌الدوله ظاهر شده. بعلاوه قوام‌الملك شخصاً با هر سه برادر صولت‌الدوله که ضیغم‌الدوله و صولت‌السلطنه و علی‌خان حشمت‌السلطان هستند کمال دوستی را دارد. بهمچنین با اغلبی از خوانین پیشقدم آنها از قبیل محمدعلی‌خان کشکولی و احمدخان شش‌بلوکی و قشقاییان کلیتاً هیچ‌چیز بجز دوستی و روابط حسنه با طوایف خمسه نداشتند.

---

۱) اصل: سابتی. ـ م.
۲) چنین است در اصل. ـ م.

بنابراین معلوم می‌شود با وجود یك ایلخانی که هرگز همسایه‌های خود را به طریق صلح‌آمیز و مسالمت دعوت‌ننموده باید همچوانتظاری‌هم‌باشد. بدبختانه با به‌هم‌خوردگی وانقلاب جدید همهٔطبقات درفارس کسی نباید همچو امیدی را داشته باشد که این‌طور نتیجه حاصل بشود.

خسارتهای فوق‌العاده‌ای که در شیراز در عرض این جدال وارد شده احتمال کلی دارد بحدی تولید عداوت منتقمانه نموده باشد که اثرات آن سالها در میان طوایف باقی بماند. ضمناً در آتیه نفوذ حکومت مرکزی همچو اثری را نخواهد داشت که یك رئیس بتواند ایلات را بحد کافی در تحت اطاعت خود بیاورد خصوصاً مادامی که خوانین جزء مشاهده نموده‌اند که سلطهٔ شخصی تا چه پایه و مایه خواهد رسید، بسهولت زیر بار انقیاد و اطاعت رئیس دیگری نخواهند رفت.

از قرار اطلاعاتی که من در ضمن حوادث واقعهٔ در اینجا در عرض ۶ ماههٔ ماضی حاصل نموده‌ام محل شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که ایران بدون تقویت نمی‌تواند موفقانه این‌طور اوضاعی را که در فارس به اهمیت حالیه است بطریق اکملی اصلاح بنماید.

کسی نمی‌تواند بسهولت از خاطر محو بنماید که در یك سال قبل دولت ایران در جواب دولت انگلیس در باب ناامنی طرق جنوب ایران با چه‌صدایی در شیپورها نواخت که نظام‌السلطنه و ژنرال مالتا و اردوی سیار فارس بفوریت به شیراز فرستاده شد. حکمران آنها بعد از آنکه این خطه را دچار قتل و غارت و هرج و مرج عمومی نمود که چند ماه است شغل من روایت وقایع آن‌است حالا مقام خود را رهانموده و سرگردان است. از ژاندارم جنرال مالتا که بواسطهٔ اغتشاش و خرابی وضع مأمورین محلی تا حال یك نفر بوجود نیامده و ظاهراً همه‌چیز را فراموش نموده ۵ هزار نفر قشونی که در فبروئری [فوریه] گذشته در اینجا برقرار شد بکلی معدوم‌شدند و کلیتاً منحصر به ۳۰۰ نفر اشخاص مندرس شدند که هنوز به مطالبهٔ حقوق ۹ماههٔ خود باقی هستند و از توپهای مرسوله با قشون سیار یك عراده را که سارقین بهارلو گرفته و مابقی اثرات آتشبار خود را در شیراز بروز دادند، همچو معلوم می‌شود که تمام این تدارکات برای این بود که یك قسمت منظم این خطه را منقلب و باقی را ویران بنمایند.

تقریباً در تمام قراء واقعه در دشتهای خرم اطراف شیراز یا حاصل را غارت نموده یا پایمال نموده‌اند و تنها منشأ عملیات مشهودهٔ دولت ایران بیشتر از هر وقت باعث بدبختی و فلاکت شده با بی‌قاعدگی و رنجش زیادتر. از این رو آنچه در اوضاع فارس دقت بشود هیچ علامتی دیده نمی‌شود که بتوان تصور نمود دولت ایران حالا از سال قبل بیدارتر شده و ملتفت مسئولیتهای خود گردیده و دلیلی هم در ضمن نیست که اگر درصدد اصلاحات برآیند مجدداً همان نتیجهٔ سابق را نخواهد بخشید و کماکان منجر به یك عاقبت وخیمی نخواهد شد.

در خاتمهٔ این مشروحهٔ بی‌ترتیب جسارتاً خاطر محترم را به این نکته معطوف می‌دارم که مستحفظین سواره و پیاده (از سواره ۲۵ و پیاده‌نظام ۷۹) مأمور اینجا در عرض ۵ ماهه تحصن قوام‌الملك در قنسولخانه در محاسن خدمتگزاری خود فروگذار

ننموده‌اند. در عرض این مدت احتیاط فوق‌العاده لازم بوده و مستحفظین مزبور با کمال شوق و لیاقت به کشیك دائمی قیام نموده‌اند که خیلی بیش از اندازهٔ قانونی آنها بوده. من نیز مغتنماً اظهار کمال تشکر را از مستر اسمیت معاون ریاست تلگرافخانهٔ هند و اروپ می‌نمایم هم از بابت مساعدتهای پرقیمت او به من در مسئلهٔ ایلات که از تجربیات ۲۰ سالهٔ او در بین آنها من استفادهٔ کامل نمودم و هم از بابت مساعدت او بر ارسال بسیاری از مکاتبات محرمانهٔ من در مواقعی که من سخت گرفتار کثرت مشغله بوده‌ام. من نیز جسارت نموده و خاطر عالی را از وضع خدمتگزاری قابل تحسین میرزا فضل‌الله‌خان منشی قنسولگری مستحضر می‌دارم که اگرچه مستخدم دائمی دولت نیست و اسماً روزی ۴ ساعت به استخدام قنسولگری پذیرفته شده ولی تقریباً تمام وقت خودش را آزادانه و صمیمانه مصروف داشته که در عرض مدتی که قوام‌الملك در اینجا بود و کارهای ایرانی فوری پیدا می‌شد و من او را لازم داشتم همیشه حاضر باشد و در مواقع مختلف به دولت انگلیس خدمات نمایان نموده و امتحانات کامل از فدویت خودش داده که من نمی‌توانم از تمجید آن صرف‌نظر بنمایم.

امضاء ج. ج. ناکس

www.adabestanekave.com

فهرستها*

۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا ششم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شمارهٔ هر جلد را قبل از ذکر شمارهٔ صفحات مربوط در [ ] قرار داده‌ایم.

۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نامهای کسان

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانهٔ آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین‌رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج ۴] ۸۳۳
آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳ـ۷۹۵
آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶
آقازادهٔ نراقی [ج ۶] ۱۲۵۱
آقا سید جمال‌الدین واعظ [ج ۱] ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۳۰
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴

آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴، ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۲
آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸
آقا محمدمهدی [ج ۱] ۴۶
آقا میرزا ابراهیم مجتهد [ج ۶] ۱۲۶۶، ۱۲۶۷
آقانجفی [ج ۱] ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۹، ۵۲۳، [ج ۴] ۸۲۲
آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۹۲، ۹۵۶
آکانر نك: اوکانر

ابراهیم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴
اپختانوف (پاخیتونوف؟) [ج ۶] ۱۳۰۰
اتابك [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱، [ج ۴] ۹۰۶
اتابك اعظم [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
اجلال‌الملك [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۵۴۶، ۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
احتشام‌الدوله [ج ۶] ۱۳۴۰
احتشام‌السلطنه [ج۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ ـ ۱۷۸، ۲۶۴، [ج ۳] ۷۲۷
احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵، [ج ۵] ۱۲۰۱
احمدخان [ج ۳] ۷۱۶
احمدخان شش‌بلوکی [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱
احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴
احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۴، ۷۴۳ (نك: ولیعهد)
احمدمیرزا (سلطان احمدمیرزا) [ج ۱] ۲۰، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
ادواردز (ژنرال) [ج ۵] ۱۱۱۲
ادوارد هفتم (پادشاه‌انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴، ۸۵۵
ادیب‌التجار [ج ۱] ۳۵
ارباب رستم [ج ۳] ۷۸۷
ارباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸
ارشدالدوله [ج ۳] ۷۵۶، [ج ۵] ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۷
اسپرینگ‌رایس (سر) [ج۵] ۹۷۶، ۹۸۷، [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸
استد [ج ۱] ۱۸۸
استراگراوسکی ـ استروگراتسکی [ج ۱] ۳۰۰، [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
استروس [ج ۳] ۷۶۲، [ج ۶] ۱۲۸۳
استوارت (استووارت) [ج ۱] ۷۰
استوپولو (سر ـ مسیو) [ج ۵] ۱۱۶۳
استوکس(ماژور) [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳، [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹،

۹۴۲، [ج ۵] ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲ ـ ۱۱۴۶، ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ ـ ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ـ ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۲۵ ـ ۱۲۲۸، ۱۲۴۴، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۹۶، ۱۳۱۱، ۱۳۲۲، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۸، ۱۳۶۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۴۰۷، ۱۴۲۱

استیونس ـ استه‌ون ـ استونز ـ استونس [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۹

اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵

اسدالله‌میرزا ـ شاهزاده اسدالله‌میرزا [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶

اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱

اسعدالسلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶

اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹، [ج ۵] ۱۰۱۱

اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱

اسکندرخان (پسرسردارظفر) [ج ۴] ۹۳۰

اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، [ج۶] ۱۴۲۵، ۱۴۲۹

اسماعیل‌خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۹۷

اسمیت (سی. اس) [ج ۴] ۸۰۶، [ج ۵] ۱۰۸۵، [ج ۶] ۱۴۶۹، ۱۴۸۳

اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹

اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱

اسیکك (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۰

اصغرخان [ج ۱] ۲۴۹

اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹

اعدل‌الدوله [ج ۲] ۵۳۱

اعزازالممالك [ج ۲] ۴۲۶

اعظم‌الدوله [ج ۶] ۱۴۵۶

افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰

اقبال‌الدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۸

اقبال‌السلطنه [ج ۲] ۴۸۹

اقتدارنظام [ج ۱] ۲۸۲

اکبرمیرزا [ج ۱] ۲۴۹

اکبرخان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴

اکرم‌السلطان [ج ۱] ۵۲

اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲

اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶

اکفرد [ج ۶] ۱۳۹۱

الکسیس (گراندوك) [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱

ام‌الخاقان [ج ۳] ۷۸۶

امام‌جمعه [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴

امام‌جمعهٔ خوی [ج ۱] ۹۹

امام‌جمعهٔ شیراز [ج ۶] ۱۴۶۴

امام‌زاده [ج ۳] ۶۹۰

امامقلی‌خان [ج ۳] ۷۳۰

امامقلی‌میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲

امان‌الله‌خان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۵

امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۲۰۶

امیراسعد (پسر سپهدار) [ج ۵] ۱۰۳۷

امیراعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱، [ج ۶] ۱۲۹۰، ۱۳۳۸، ۱۴۴۹
امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲، [ج ۶] ۱۳۴۰
امیرالممالك [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
امیربهادر ــ امیربهادرجنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۵۱ ــ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ ــ ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶، [ج۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
امیرتومان ــ امیرتومان سوادکوهی (اسماعیلخان) [ج ۵] ۱۰۱۲
امیرجنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
امیرحشمت [ج ۵] ۱۰۱۱
امیرخان سردار [ج ۵] ۱۰۵۶
امیر سیف‌الدین‌میرزا [ج ۴] ۸۱۲
امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
امیرمجاهد بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج۶] ۱۲۸۶، ۱۴۴۵
امیر مفخم ــ امیر مفخم بختیاری [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸، [ج۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲ ــ ۱۲۳۴، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۵
امیرمکرم [ج ۲] ۴۶۹، [ج۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۹
امیرنظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
امین‌الدوله [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
امین‌السلطان [ج ۱] ۳۲، ۳۶
امین‌الممالك [ج ۴] ۷۶۸
امین‌دربار [ج ۳] ۶۷۴
انتظام‌الملك [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
انتظام‌الممالك [ج ۶] ۱۴۶۲، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶ (نیز نك نصرالدوله)
اوبرن (اوبرون ــ ابیرن ــ اپرون) [ج ۳] ۵۸۴ ــ ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ ــ ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴ــ۶۶۶، [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ ــ ۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸ــ۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹ ــ ۱۲۸۲، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵ ــ ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ ــ ۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴ــ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ ــ ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳
۱۲۲۲، ۱۲۴۳
اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
اوکانر ــ اوکونر ــ اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
اهرنسوارد (کنت) [ج۶] ۱۲۷۳
ایازخان دره‌شوری (شولی) [ج۶] ۱۴۶۷
ایزولسکی ــ ایس‌ولسکی ــ ایزوالسکی ــ ایسوولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵،

۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱،
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰،
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰،
۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴،
۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲]
۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱،
۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵،
۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳،
۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴،
۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴،
۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹،
۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷،
۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵،
۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲،
۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶،
۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴،
۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹،
۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲،
۸۹۶، [ج ۵] ۱۱۸۳، [ج ۶]
۱۳۶۳
ایل‌بیگی [ج ۳] ۶۳۱

بارکر [ج ۱] ۱۴۲
بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶. ۳۵۰،
۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲،
۴۷۳، ۴۹۸. ۵۱۲، [ج ۳] ۵۵۴،
۶۵۳، ۶۶۴. ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷ ـ
۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵. [ج ۴] ۸۲۹،
۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱، [ج ۵] ۹۷۵،
۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،
۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳،
۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱،
۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳،
۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶،
۱۲۲۷، [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۵۴،
۱۲۵۶، ۱۲۹۶، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶،
۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۵، ۱۳۲۴،
۱۳۲۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹،
۱۳۷۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹،
۱۴۱۰، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸، ۱۴۴۱
بارانوسکی ـ بارناوسکی ـ بارن‌اوسکی ـ
بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱،
۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲،
۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳]
۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱،
۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲ـ۶۸۴،
۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳
بارون استواك (مصباح‌السلطان) [ج ۳]
۷۵۶
باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳
باقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۴
باقرخان[ج۲] ۳۸۷،۴۶۴،۴۸۹، ۴۹۳،[ج
۳] ۵۵۶ـ۵۵۸،۵۸۵،۵۹۱، ۵۹۲،
۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲،
۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹،
۸۱۴، ۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴ـ
۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ
۹۱۹، ۹۲۸، [ج۵] ۱۱۵۲
باکالی [ج ۳] ۶۸۸
باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹
بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷
بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶
بسرایس (جیمز) [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲،
۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷
برتی (سر فرانسیس) [ج۵] ۹۸۵، [ج۶]
۱۴۰۳، ۱۴۰۵ـ۱۴۰۷
برل (نایب) [ج۶] ۱۳۴۸
برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵
برن‌هم ـ بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹،
۷۰

برون [ج ۱] ۷۰
بریوت (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
بشیر خاقان [ج ۳] ۶۴۹
بلارانوف [ج ۱] ۶۴
بلك (لفتننت) [ج ۱] ۱۲۷
بلك‌من [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱
بنکن‌دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴، ۷۳۵، [ج۴] ۸۴۰، [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۶۴، ۱۲۹۱، ۱۳۱۸، ۱۳۲۳، ۱۳۲۷، ۱۳۸۳، ۱۴۰۳، ۱۴۰۶، ۱۴۱۰، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳
بومن [ج ۱] ۸۲
بهاءالسلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱، [ج۶] ۱۴۶۵
بهاءالسلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱
بهاءالواعظین [ج ۱] ۲۶۲
بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
بهادرالملك [ج ۵] ۱۲۰۷
بهبهانی [ج ۳] ۶۹۰
بهرام‌خان [ج ۴] ۸۱۲، [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴، [ج ۶] ۱۲۸۵، برادر بهرام‌خان [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۹
بهرام‌میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳] ۷۱۳
بیزو ـ بیزوت [ج۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱ ـ ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹ـ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸ـ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، [ج ۲] ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸، [ج ۴] ۷۷۵، ۸۲۵، ۸۴۹، [ج ۵] ۱۱۲۰
بیگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷
بیل [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷
بیوکانان (سر) [ج۶] ۱۳۹۱، ۱۴۰۳، ۱۴۰۵، ۱۴۱۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۶
بیوك‌خان (پسر رحیم‌خان) [ج ۱] ۵۱، ۵۳
پاری [ج ۱] ۲۸
پاسك [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۰، [ج ۵] ۹۹۷
پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳] ۵۹۳
پاکلوسکی ـ پاکـلاوسکی [ج ۳] ۶۹۲، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵، ۸۰۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱ ـ ۸۸۳، ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲، ۹۲۷، ۹۳۵، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰، ۱۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰، [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۹۷، ۱۳۰۰، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۰،

۱۳۱۴، ۱۳۱۷ ـ ۱۳۱۹، ۱۳۲۱،
۱۳۲۴ـ۱۳۲۶، ۱۳۲۸، ۱۳۳۰،
۱۳۴۷، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴،
۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۲،
۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱،
۱۳۷۳، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵،
۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۴۰۰، ۱۴۰۸ ـ
۱۴۱۰، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۳۸،
۱۴۵۱

پتروف [ج ۴] ۹۷۰

پرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷

پرویز [ج ۱] (نك: شاه جهان)

پری‌بینی‌زوف (کاپیتان) [ج ۳] ۶۴۳، ۶۸۷، ۷۰۶

پریم [ج ۱] ۲۵، ۴۲

پسر داودخان کلهر [ج ۳] ۷۱۱

پسر رحیم‌خان [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰، ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نك: بیوك‌خان)

پسر سردار اسعد [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷

پسر ظل‌السلطان [ج ۳] ۶۶۴، ۶۶۵

پسر نایب‌حسین [ج ۴] ۹۵۷، ۹۵۸

پطروف [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹

پوتك (ادوارد) [ج ۵] ۱۱۷۲

پیترز (سیرجنت) [ج ۵] ۱۰۹۸

پیترسن (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸

تاجرباشی ـ تاجرباشی روس [ج ۳] ۵۹۳، [ج ۴] ۹۳۸، [ج ۵] ۱۱۶۳

ترور (کاپیتان ـ میجر ـ مسیجر؟) [ج ۲] ۴۶۶، [ج ۴] ۸۲۰

تزار [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۷

تقی‌زاده [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۲، ۲۶۳، [ج ۳] ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۱۴، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۶

تمدن‌الملك [ج ۵] ۹۷۳، ۱۲۴۷

تومانیانس [ج ۵] ۱۲۱۹

تیمورخان [ج ۱] ۱۵۷

ثقة‌الاسلام [ج ۲] ۴۸۸، [ج ۳] ۵۹۱

ثقة‌الملك [ج ۴] ۸۱۸، ۸۲۱

جلال‌الدوله [ج ۱] ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۴] ۶۹، ۹۶۶، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۵۷

جنتلمن [ج ۴] ۸۰۶

جواد خان [ج ۴] ۸۳۶

جوجو (ججو) [ج ۵] ۱۰۳۸

جولد (گولد) برانـد (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸

جهانگیرخان (صوراسرافیل) [ج۱] ۲۳۹، ۲۴۶

جیمز ـ جیمس [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶

جیهند ـ جهیند [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰

چرچیل [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۵۱ـ۵۵۴، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳،

۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲،
۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳،
[ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱،
[ج ۶] ۱۳۸۹
[ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱
چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳،
۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴ـ۲۹۹،
۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳]
۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵
چیك [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳، [ج۵] ۱۱۹۵،
[ج۶] ۱۴۴۲

حاج امام‌جمعهٔ خوئی [ج۶] ۱۳۸۹
حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳
حاج شیخ‌الرئیس [ج ۴] ۹۲۹
حاج‌میرزا رضاخان [ج ۴] ۷۷۸
حاجی آخوند (مجتهد) [ج۴] ۷۹۵
حاجی‌آقا [ج ۴] ۹۳۷
حاجی‌آقا محسن (اراکی) [ج ۱] ۵۵
حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲
حاجی ایلخانی [ج ۵] ۱۰۲۳
حاجی خسروخان [ج ۳] ۷۶۲
حاجی رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۳۹
حاجی رحیم‌خان [ج ۲] ۵۳۰
حاجی سیف‌الدوله [ج۳] ۷۶۵، [ج ۶]
۱۲۸۳، ۱۳۳۹
حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱
حاجی عزالممالك [ج۶] ۱۳۸۸
حاجی علی‌آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹،
۶۰۳
حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱
حاجی قوام [ج ۵] ۱۲۰۷
حاجی مجدالدوله [ج ۳] ۷۰۷، [ج ۵]
۱۱۳۱، ۱۲۰۵
حاجی‌محمد (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵
حاجی محمدباقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵،
۷۹۶، ۸۳۰
حاجی محمدحسین کازرونی [ج ۱] ۳۵
حاجی محمدکریم‌خان (قشقائی) [ج ۵]
۱۰۵۸
حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹
حاجی میرزارضاخان [ج ۵] ۱۰۵۵
حاجی میرزا علی صراف اصفهانی [ج۵]
۱۲۴۷
حاجی‌نایب [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲]
۵۳۱
حبیب‌الله‌خان [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۴] ۹۶۰
حسام‌الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹
حسام‌الملك [ج ۶] ۱۳۴۰
حسن بخشو (نك: بخشو)
حسن (وثوق‌الدوله) نك: وثوق‌الدوله
حسین (پسر نایب‌الصدر) [ج ۱] ۲۸۶
حسین‌خان (معین‌الوزاره) [ج۶] ۱۳۴۱
(نیز نك معین‌الوزاره)
حسین‌خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴
حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴
حسینقلی‌خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵،
۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰،
۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۹،
۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶
حسینقلی‌خان نواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶،
[ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰
حسینقلی شاهسون [ج ۵] ۱۰۳۷
حشمت‌الدوله [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳
حشمت‌السلطان (علی‌خان) [ج ۶] ۱۴۸۱
حشمت‌الملك [ج ۱] ۳۵، [ج ۵] ۱۰۳۸،
۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳،

۱۲۰۷، ۱۲۳۱
حشمت‌الممالك [ج ۴] ۸۳۴
حکیم‌الملك (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵، [ج۶] ۱۳۳۵
حمیدی [ج ۱] ۱۶۷
حیدرخان [ج۶]، ۱۳۳۸
حیدرخان کمارجی [ج ۳] ۷۶۴

خازن‌الملك [ج ۴] ۷۹۵
خاص‌آقا [ج ۲] ۴۲۶
خان انگالی [ج ۳] ۶۵۷، [ج ۵] ۱۰۴۰
خا بنادر سرحد (روس) [ج ۵] ۱۱۹۱
خان بندر (بوشهر) [ج ۴] ۸۷۳
خان بندر ریگ [ج ۳] ۷۱۶
خان کمارج [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲،
۱۰۸۰
خان ماکو [ج ۳] ۶۶۳
خبیرالدوله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹
خسروخان [ج ۱] ۸۳، [ج ۲] ۴۷۱،
[ج ۳] ۶۴۹
خوانین شهرابی [ج ۵] ۱۰۷۷
خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳] ۷۵۵
خوردل (علی‌اکبر) [ج ۶] ۱۴۷۷

دابیژا ـ دابیجا ـ دابیجی ـ داپی‌چا
(پرنس) [ج ۱] ۹۳، [ج ۳]
۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۷
داته (مسیو) [ج ۶] ۱۳۲۴
داراب‌میرزا [ج ۴] ۸۵۲، ۸۶۳، [ج ۵]
۱۱۶۹، ۱۱۷۸
دارسی [ج ۴] ۸۱۵، ۸۳۱
داگلاس ـ دوکلاس (کلنل) [ج۶] ۱۳۱۹،
۱۳۹۸، ۱۴۵۲
دالتون [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۰
داودخان [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰،
۵۳۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵،
۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶،
۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰، [ج ۶]
۱۲۸۷
۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰
داودخان کلهر (نك: داودخان) [ج ۳]
۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۶،
۹۱۰، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹،
۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱
داودساسون وکمپانی [ج ۳] ۶۵۶
دبیرالملك [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵
دریابیگی [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]
۴۷۲، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳،
۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳،
۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴
۹۴۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۱۰۰۰، [ج۶]
۱۳۴۱
دمرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
دواتر (مسیو) [ج ۶] ۱۳۲۴
دوداین [ج ۳] ۶۹۸
دوکارت (ماژور) [ج ۱] ۱۳۸
دوگلاس (کلنل) [ج ۱] ۱۰، ۶۲، ۶۴
دولت‌آبادی (محمدخان) [ج ۳] ۶۰۰
ده‌بزرگی (علی‌اکبر) [ج۵] ۱۱۱۸، [ج۶]
۱۴۶۳، ۱۴۶۴
دیکی (بروس) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳،
۱۱۴۶

ذکاءالملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۴] ۷۷۸،
۸۹۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، [ج ۶]

رئیس روحانی کربلاء [ج ۳] ۷۱۲
رئیس‌علی [ج ۳] ۷۱۶، ۷۳۳
رئیس‌علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نك: رئیس‌علی)
رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۴۲۵، [ج ۵] ۱۲۰۰
راتیسلا ـ راتیس‌لو ـ رتیس‌لو [ج ۱] ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ ـ ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲ـ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۹
رامل (بارون) [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳
رانژل (کنت) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷
رتیسلا [ج ۴] ۸۱۱
رجب‌افندی [ج ۱] ۵۲
رحیم‌خان [ج۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹، [ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۴۸ـ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶ـ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۹ـ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۲۰۲، [ج ۶] ۱۳۳۷
رس (خانم ـ مادموازل) [ج ۶] ۱۲۶۵، ۱۲۶۸، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۶، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹
رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۹۹
رشیدالسلطان [ج ۴]۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲
رشیدالملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱، ۴۷۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، [ج ۵] ۱۱۶۱، ۱۱۶۲
رفعت الدوله [ج ۳] ۶۴۹، ۷۲۹
رفعت‌نظام [ج ۳] ۷۶۳، [ج ۶] ۱۴۴۹
رکن‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، [ج ۶] ۱۳۳۷، ۱۴۴۸، ۱۴۷۱
رنکینگ (لفتننت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴] ۸۱۱
روتر [ج ۴] ۹۴۲
رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۷۰۵
ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶
ریت‌میستر سیف‌ورت [ج ۶] ۱۳۴۷

زاپولسکی ـ زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳] ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶
زایر خزر ـ زایر خدر (زایر خضر) [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱
زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶
زلیونیکستن (مستر) [ج ۵] ۱۱۵۰
زمان‌خان [ج ۵] ۱۰۹۸

زیقلر ـ زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲

ژرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴

سابلین ـ سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳ـ۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۵

سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴] ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۱۰۵، [ج ۶] ۱۴۰۳ ـ ۱۴۰۷، ۱۴۱۴، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۴۵۹ ۱۰۱۴، ۱۱۰۵

ساعدالدوله [ج ۱] ۴۳

سالار ارفع [ج۲] ۳۸۳ (نك: سردارظفر)

سالار اشرف [ج ۲] ۲۳۰

سالارالدوله [ج۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۰۸ ـ ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱ ـ ۱۲۳۴؛ [ج ۶] ۱۲۵۸، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶ ـ ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۴۲۸، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶؛ سالارالدولهٔ قاجار [ج ۵] ۱۲۳۶

سالارالسلطان [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶، [ج ۲] ۳۸۵

سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲

سالار مسعود [ج ۴] ۸۲۳

سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹

سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹

سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹، [ج ۵] ۹۸۱

سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰

ساکس ـ سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج ۲]، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۷۹۶، ۸۳۰، [ج۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱

سپهدار ـ سپهدار اعظم [ج ۱] ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۱ـ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷ـ۶۰۹، ۶۱۱ـ ۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹،

۶۴۱ـ۶۴۵، ۶۸۱ـ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴ـ۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱ـ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۵ ـ ۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷، ۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵، ۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷

سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹

ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶، [ج ۳] ۵۵۶ـ۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۶، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴، ۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۴ـ ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ۹۱۹، ۹۲۸،

سردار احتشام (ضیغم‌الدوله) [ج ۶] ۱۴۷۸ (نیز نك ضیغم‌الدوله)

سردار ارشد [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵، ۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹

سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸، ۷۶۵

سردار اسعد [ج۱] ۲، [ج۲] ۴۳۳، ۴۵۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۷۹ـ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۶ ـ ۶۴۵، ۶۸۱ـ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴ـ۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳، [ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۳، ۹۱۶، ۹۲۲، ۹۳۷ـ۹۳۹، ۹۵۴، ۹۶۷، [ج ۵] ، ۱۰۳۶، ۱۰۴۳، ۱۰۴۷ ـ ۱۰۴۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۸، ۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۹۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷، [ج ۶] ۱۲۵۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱، ۱۴۲۹

سردار اشجع ـ سردار اشجع بختیاری [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸

سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶، [ج ۵] ۱۱۵۲

سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰، [ج ۵] ۱۲۱۰، ۱۲۳۴

سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳

سردار بهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴] ۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳،

۸۴۵، ۸۵۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۸، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰
سردارجنگ ـ سردار جنگ بختیاری [ج ۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۰، [ج۵]۱۱۹۸، [ج۶] ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰، ۱۴۴۵
سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴
سردار سعیدخان (کپی) [ج ۱] ۱۵۹
سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳، [ج ۴] ۸۳۴، ۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷
(نك: سالار ارفع)
سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹، [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴، [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰
سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱
سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱، [ج۴] ۹۳۱، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۴
سردار محیی (معزالسلطان) [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶ـ۹۱۸، [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵، [ج ۶] ۱۲۸۷
سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵
سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶، [ج ۵] ۱۲۳۱
سردار مظفر (داودخان) [ج ۶] ۱۳۴۰
سردار معتضد (بهجت‌الملك) [ج ۱] ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۵] ۱۰۹۹
سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹
سردارمنصور [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸، [ج۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷
سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸، [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱، [ج۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، [ج ۶] ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۰
سردار همایون [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۲۲۹
سعدالدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶ـ۸۸، ۹۲، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵، [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰ـ ۵۵۳، ۵۵۹ـ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷ـ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴، [ج ۵] ۱۱۹۶
سعدالسلطنه [ج ۱] ۳۲۲
سعدالملك [ج ۳] ۷۴۳
سعیدالسلطنه [ج ۱] ۹۵
سعیدالممالك [ج ۲] ۵۹۹
سعیدخان [ج ۵] ۱۱۵۴، [ج ۶] ۱۲۸۵
سلطانعلی‌خان وزیر دربار [ج ۲] ۴۱۲،

۴۲۸
سلیمان‌میرزا [ج۱] ۲۱۷
سلیم‌خان بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
سهام‌الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۶ـ۷۴۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
سهام‌السلطنه [ج ۲] ۵۲۳
سید [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹
سید ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹
سید احمد (دستکی) [ج ۱] ۱۷۵
سیداسدالله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷
سید اسدالله نجفی [ج ۳] ۶۱۲
سیداکبر [ج ۱] ۱۷۴
سید اکبرشاه [ج ۵] ۱۱۵۴
سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱
سیدجعفر [ج ۳] ۵۶۹
سیدجمال‌الدین (واعظ؟) [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
سیدحسن [ج ۱] ۲۶۲
سید حسین لاری [ج ۲] ۴۱۰
سید شبر [ج ۳] ۷۳۳ (نك: شیخ‌شبر)
سید شهاب [ج ۱] ۱۳۸
سید عبدالله ـ سید عبدالله مجتهد [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نك: آقا سید عبدالله مجتهد)
سید عبدالحسین [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۳، ۷۱۴
سید عبدالحسین‌لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۹
سید عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶
سیدعلی یزدی [ج ۱] ۱۴۵
سید کمال‌الدین [ج ۳] ۷۱۱
سید لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱، [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱
سید محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳] ۷۱۳
سیدمرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶، [ج ۴] ۹۶۴
سیدمرتضی اهرمی [ج ۳] ۷۴۷ (نك: سید مرتضی)

شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
شاه‌جهان (شاه جهانیان) ـ پرویز [ج ۱] ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۳۲، ۴۵۳ (نك: فرمانفرما)
شاهزاده نایب‌السلطنه [ج ۲] ۳۴۶ (نك: نایب‌السلطنه)
شاه‌مخلوع [ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۷، ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶ ـ ۱۱۵۸، ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶ ـ ۱۱۷۹، ۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵ـ ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴ ـ ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳، [ج ۶]

۱۲۶۱، ۱۲۶۳، ۱۲۶۶، ۱۲۷۳،
۱۲۷۸، ۱۲۸۱، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹،
۱۲۹۲، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۱،
۱۳۰۲، ۱۳۰۴، ۱۳۱۲، ۱۳۲۱،
۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲،
۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷،
۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۹۲، ۱۳۹۵ ـ
۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴،
۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱،
۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲، ۱۴۴۱،
۱۴۴۸، (نیز، نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌شاه قاجار، محمدعلی میرزا)
شجاع‌التولیه [ج ۳] ۶۴۷
شجاع‌الدوله نك: صمدخان
شجاع‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۳۵
شجاع‌الملك [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵
شجاع‌نظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹
شجیع‌الملك [ج ۳] ۷۲۹
شعاع‌السلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶، [ج۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۰، ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۲۰، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۶، ۱۳۶۰ ـ ۱۳۶۲، ۱۳۶۵، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
شکرالله [ج ۳] ۸۰۸
شکسپیر (کاپیتان) [ج ۲] ۴۶۵
شوستر، مورگان [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۹ ـ ۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۶، ۱۱۴۶ ـ ۱۱۴۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۶۴، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۴، ۱۲۷۹ ـ ۱۲۸۲، ۱۲۸۹، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۶، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۳ ـ ۱۳۰۵، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰ ـ ۱۳۲۳، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۸ ـ ۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۴، ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱۴۰۰ ـ ۱۴۰۲، ۱۴۰۴، ۱۴۰۷ ـ ۱۴۰۹، ۱۴۱۴، ۱۴۲۳، ۱۴۴۰، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۹، ۱۴۶۱
شوکت‌الملك [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷
شهاب‌الدوله (اسدالله‌میرزا) [ج ۴] ۷۷۳ (نك: اسدالله‌میرزا)
شهاب‌السلطنه [ج ۴] ۹۶۹، [ج۵] ۱۲۳۰
شوکت‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴
شوکت‌الملك [ج ۳] ۷۲۹
شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳
شیخ‌آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
شیخ‌اسماعیل هشترودی [ج ۴] ۸۹۰
شیخ‌الرئیس [ج ۱] ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
شیخ حسین چاه‌کوتائی [ج ۳] ۷۱۶
شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲
شیخ زکریا [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵، [ج۳] ۷۱۳، ۹۴۱

شیخ‌شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نك: سید شبر)
شیخ‌عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۳۲
شیخ‌علی [ج ۳] ۷۳۴
شیخ‌علی دشتی [ج ۳] ۷۳۳
شیخ فضل‌الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵ [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹، [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۷
شیخ محمدحسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸
شیخ محمود [ج ۱] ۲۹
شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲
شیرخان [ج ۲] ۵۳۳
شیندلر ـ شنیدلر [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۳۹، ۱۳۹۲
صاحب‌اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹ـ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۷۰، [ج ۳] ۶۰۲، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
صارم‌الدوله [ج ۳] ۷۳۰
صارم‌الملك [پسر ارشد سردار ظفر] [ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰
صارم‌الممالك [ج ۴] ۹۰۹
صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱
صدرالدین‌بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
صدرالعلماء [ج ۲] ۳۸۴
صدیق‌الحرم [ج ۱] ۲۶۲
صدیق‌حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸
صدیق‌السلطنه [ج ۳] ۷۲۸
صمدخان [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴، [ج ۳] ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱، [ج۵] ۱۰۱۰، ۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ ـ ۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۷ ـ ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷، ۱۴۴۱، ۱۴۴۷
صمصام [ج ۲] ۴۳۲
صمصام‌خان [ج ۲] ۳۵۱
صمصام‌السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲] ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶ـ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰، [ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۳۴۹، ۱۴۳۹، ۱۴۴۳ ـ ۱۴۴۶، ۱۴۶۷، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵
صمصام‌الملك [ج ۲] ۳۸۴
صمصام‌الممالك [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۰۲، ۹۶۰
صمصام‌الممالك سنجابی [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
صمصام‌نظام [ج ۵] ۹۸۲
صنیع‌الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸ـ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۷ـ ۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰

صنیع‌حضرت [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۰، ۷۰۷
صولت‌الدوله [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳، ۷۱۳ـ۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸ـ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲ـ۸۹۴، ۹۰۸ـ۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷ ـ ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ ـ ۱۲۴۶، [ج ۶] ۱۲۵۴ـ۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶ ـ ۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱ ـ ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
صولت‌السلطنه [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴، [ج۶] ۱۲۷۹، ۱۴۷۸، ۱۴۸۱
صولت‌الملك [ج ۴] ۷۸۹

ضرغام [ج ۳] ۷۳۶
ضرغام‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۸
ضرغام‌السلطنه [ج۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
ضرغام‌السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶
ضرغام‌الشریعه [ج ۶] ۱۴۶۴
ضرغام بختیاری (حسین‌خان) [ج ۳] ۷۶۲
ضرغام‌نظام [ج ۵] ۱۱۰۰
ضیاءالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۰
ضیغم‌الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹، [ج ۶] ۱۲۶۹، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱ (نیز نك سردار احتشام)
ضیغم‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶

ظفرالسلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۵۲، [ج ۶] ۱۴۸۰
ظل‌السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶ـ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰ـ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹،

۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳،
۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵،
۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴،
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴،
۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۹
۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۸۵،
۱۰۱۱، [ج ۶] ۱۴۸۰
ظهیرالاسلام [ج ۵] ۱۲۰۵
ظهیرالدوله [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸،
۱۷۳، ۲۳۹، [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱،
[ج ۴] ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۱۲،
۱۰۵۶، [ج ۶] ۱۳۳۷
ظهیرالسلطان [ج۴] ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]
۹۸۰
ظهیرالملک [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۳] ۷۱۱،
۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶

عباس‌آقا (قاتل‌اتابك) [ج ۱] ۹۴
عباس‌خان افشار [ج ۱] ۱۵۸
عباس‌خان چناری [ج ۴] ۹۴۰، [ج ۵]
۱۰۷۷، [ج ۶] ۱۲۸۳
عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹
عباسقلی‌خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲،
[ج ۲] ۳۴۶، [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴،
۸۸۷
عباسقلی‌خان نواب [ج۱] ۲۶۴، [ج ۴]
۸۸۶
عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸، [ج ۲]
۳۸۳
عدل‌الدوله [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۷۱۰
عدیل‌الملك [ج ۱] ۱۷۴
عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵۴
عضدالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، [ج
۶] ۱۳۳۳، ۱۳۴۰

عضدالملك [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴،
۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲ـ۲۱۵، [ج ۳]
۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰،
۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶،
[ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷
عطاءالدوله [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵،
۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴،
۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج۵] ۱۲۰۷،
[ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
عطاءالسلطنه [ج ۵] ۱۱۱۵
عطاءنظام [ج ۵] ۱۱۱۵
علاءالدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳،
۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲،
۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴ـ
۲۱۷، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳]
۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶،
۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰،
۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵،
[ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱، [ج ۶]
۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶ ـ
۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶ ـ ۱۲۷۸،
۱۲۸۹، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹ ـ
۱۳۴۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۴۴۵،
۱۴۴۹، ۱۴۷۵، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
علاءالسلطنه (محمدعلی) [ج ۱] ۳۲،
۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶،
۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰،
۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵،
۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱ـ
۳۰۳، ۳۳۰، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳،
۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲،
[ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۴،
۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵
علاءالملك (محمودخان) [ج ۱] ۸۱،
۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۱،

۳۶۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰، [ج ۵] ۱۰۷۴
علم‌الهدی [ج ۲] ۵۳۳
علی‌جان (چلپیانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸
علی‌خان [ج ۴] ۷۹۸
علی‌خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴
علیقلی [ج ۳] ۶۸۹، [ج ۵] ۱۱۵۴ (نك: سرداراسعد)
علیقلی‌خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰، [ج ۳] ۵۶۹ (نك: سردار اسعد)
عمیدالحکماء [ج ۴] ۷۷۸
عمیدالسلطان [ج ۲] ۴۶۰، [ج ۴] ۷۸۵
عین‌الدوله [ج۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۲۸۳، ۱۳۳۹

غریب‌خان [ج ۱] ۸۱، [ج ۳] ۷۰۹، [ج ۴] ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۴۵
غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
غفاری (محمدابراهیم) [ج ۴] ۸۳۲
غلامحسین‌خان وراوی [ج۴] ۷۸۹، ۹۶۲
غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰
غلام‌محمد (ماژور) [ج ۶] ۱۳۸۸

فاتح‌السلطنه [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۷۰۹
فاضل [ج ۳] ۷۴۴
فتح‌الملك [ج ۴] ۸۰۸
فخرالملك [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷
فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
فرخ (قاتل پرویزشاه‌جهانیان) [ج ۱] ۳۵
فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶، [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲ (نك: شاهزاده فرمانفرما)
فریدالملك [ج ۵] ۱۲۳۱
فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج۱] ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
فریزر [ج ۳] ۶۸۸
فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳
فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳
فلك (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰
فهیم‌الملك [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵

قائم‌مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹
قاسم‌آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶
قلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱، [ج۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴،

۷۱۵، [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴،
۱۱۰۳ ـ ۱۱۰۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵،
۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴،
۱۲۱۵، ۱۲۳۰
قوام‌الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰،
[ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹
قوام‌السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج۵]
۱۲۰۵، [ج ۶] ۱۴۳۵، ۱۴۴۳
قوام‌الملك [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵،
۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸،
۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸،
[ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳،
۷۳۰ـ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶،
[ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳،
۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰، [ج ۵]۱۰۳۲،
۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷ ـ
۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹،
۱۱۱۳ ـ ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸،
۱۱۸۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶،
۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۴، ۱۲۵۹،
۱۲۶۳ ـ ۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵،
۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴،
۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ ـ ۱۴۷۲،
۱۴۷۴ ـ ۱۴۷۷، ۱۴۷۹، ۱۴۸۱ـ
۱۴۸۳

کادلوبیکی (؟) [ج ۴] ۷۸۷
کارترایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳،
۶۳۳، ۶۳۵، ۷۳۱، [ج۵] ۱۱۱۲
کاره [ج ۱] ۱۵
کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰،
۱۲۱۱
کاشف‌السلطنه [ج ۳] ۶۷۴
کاظفر [ج ۴] ۸۰۸
کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲]
۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۳۶
[ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۱۴ ـ
۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶ کلنل
کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲ لیوتنان
کلنل کاکس [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰،
۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶، [ج ۶]
۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۳، ۱۴۷۰
کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
کامران‌میرزا [ج ۱] ۱۴۰
کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵
کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
کرمول [ج ۶] ۱۳۹۰
کرنت‌دوف (گرنت‌دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
کرنز، فرانك [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵،
۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴
کرستمس [ج۳] ۷۱۵
کری‌پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
کریم‌خان (برادرزادهٔ رحیم‌خان) [ج ۲]
۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸،
۸۲۱، [ج ۶] ۱۲۹۰
کسوباایف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴
کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
کلم (مسیو) [ج ۶] ۱۳۷۴
کلمستدت (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
کلمن (مسیو) [ج ۶] ۱۳۸۱
کلی [ج ۴] ۸۹۴
کوان، پاتریك [ج ۵] ۱۰۷۰
کورتین [ج ۵] ۹۹۳
کوکوفتسوف [ج ۶] ۱۳۷۲، ۱۳۷۳
کولن‌گامبل [ج ۳] ۷۱۹
کون [ج۳] ۷۵۵، ۷۵۶
کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹

کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
کیخا محمدعلی [ج ۴] ۸۰۸
کیرن (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
کیلمرناك ـ کیلمارناك (لرد) [ج ۵] ۱۰۴۴، ۱۰۸۵
کینگ‌استون‌ـکینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸

گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نك: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام ـ گراهم، گریهم، گرهم [ج ۱] ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶ـ۴۰۸، ۴۳۲، ۵۲۴ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷، ۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸، [ج۵] ۱۲۰۳، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، [ج ۶] ۱۲۹۸
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰ـ۸۶۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵، [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۸۰، ۱۳۲۵، ۱۳۴۴، ۱۳۵۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۸، ۱۴۲۹
گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰
گنجعلی [ج ۴] ۸۲۳
گندلخان [ج ۴] ۹۱۲

لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳
لانگ‌ـلنگ (لیوتنان) [ج۵] ۱۰۴۰
لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶
لشکرنویس‌باشی [ج ۱] ۱۲۴
لکفر (مستر) [ج ۶] ۱۳۰۱، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵، ۱۳۲۰، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۹، ۱۳۷۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷ ـ ۱۳۹۹، ۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۵۵، ۱۴۶۱
لمسن [ج ۲] ۳۸۴
لوتار (لوتر ـ سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶، [ج ۶] ۱۴۵۳
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹
لونهاپت (نایب کنت) [ج ۶] ۱۳۴۸
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۱، [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳، [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹
لیس‌آوسکی ـ لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج ۴] ۹۰۱ـ۹۰۳
لی‌گس [ج ۱] ۱۲۸
لمیتین [ج ۴] ۸۰۶
لینتن [ج ۲] ۵۳۵
لینچ ـ لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳
لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

مؤتمن‌الملك [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸، [ج۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، [ج ۶] ۱۴۳۴
مؤیدالدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۲۱
مؤیدالسلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱
مارابل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶
مارکس اف‌کرو [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵
مارلینگ [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۳۵
مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴
مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸، [ج ۶] ۱۴۷۹، ۱۴۸۲
متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۳۹۰
مجتهد اعظم شیراز [ج ۶] ۱۴۲۲، ۱۴۶۸
متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵
مجدالملك [ج ۱] ۸۱
مجلل‌السلطان [ج۱] ۱۵۴، [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۳۳۷
مجلل‌السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶
محتشم‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱
محتشم‌السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰، [ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج۴] ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱ ـ ۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
محتشم‌الملك [ج ۱] ۱۷۴۰
محمدآقا [ج ۱] ۱۵۷
محمدباقر [ج ۳] ۷۱۶
محمدبن‌عبدالله [ج۳] ۶۶۸، [ج۶] ۱۴۳۲
محمدحسن‌خان (حاکم دررود) [ج ۴] ۷۹۵
محمدحسن‌میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵، ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۷۴
محمدخان [ج ۱] ۱۴۳
محمدخان (منشی قنسولگری انگلیس) [ج ۴] ۷۹۴
محمدخان دولت‌آبادی [ج ۳] ۶۰۰
محمدرضاخان [ج ۱] ۳۵، [ج ۴] ۹۶۰
محمدعلی (معاون نایب‌حسین کاشی) [ج ۵] ۱۰۷۵
محمدعلی‌خان‌کشکولی [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۸۴، [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱
محمدعلی [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌میرزا)
محمدعلی‌بیگ [ج ۳] ۷۰۱
محمدعلی‌شاه [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶، [ج۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۵۲، [ج ۵] ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷ ـ ۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷،

۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴،۱۲۳۵ (نك: محمد علی‌میرزا، محمدعلی‌شاه‌قاجار، شاه مخلوع)
محمدعلی‌شاه قاجار [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰
محمدعلی‌میرزا [ج۱] ۳، ۲۰،۱۰۳،۲۴۳، ۳۰۷، [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲_۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰_۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴] ۸۶۴، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۲ _ ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰ _ ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰ (نك: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌شاه قاجار، محمدعلی، شاه مخلوع)
محمدعلی نیشابوری [ج۴] ۹۳۸، ۹۶۸، [ج۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲
محمدقلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
محمدکریم‌خان قشقائی [ج ۵] ۱۱۱۴
مخبرالدوله [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۳۷ _ ۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۷
مخبرالسلطنه [ج۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶ ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲] ۴۸۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۸۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶
مخبرالملك [ج ۳] ۶۷۴
مختارالسلطنه [ج ۳] ۷۳۲
مدبرالدوله [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰
مدبرالسلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶
مدبرالملك (میرزا علی‌خان) [ج۲] ۳۳۴
مرتضی‌قلی‌خان [ج ۱] ۲۴۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵، ۱۲۳۲
مرل (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
مرنارد [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱، [ج ۴] ۸۹۰، [ج ۵]۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۱۷، [ج ۶] ۱۴۰۱
مزیل (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
مساوات [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵
مستشارالدوله [ج ۱] ۱۵۴،۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸، ۳۸۱، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳
مستشارالسلطان [ج ۳] ۶۷۴
مستشارالسلطنه [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶
مستشاردفتر [ج ۲] ۴۲۶
مستوفی‌الممالك [ج۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶، ۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱، ۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱، ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷
مسعودخان [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲
مشیرالدوله [ج ۱] ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۶۰_۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰،

۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴
مشیرالسلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۳۸، [ج ۲] ۵۵۳، ۵۶۳، [ج ۴] ۷۸۳
مشیرالملك [ج ۱] ۳۱، [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۵] ۱۰۹۸
مشیرالممالك [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴
مصباح‌السلطان [ج ۳] ۷۵۶
مصطفی‌میرزا [ج ۳] ۷۴۵
مظفرالدوله [ج ۲] ۳۸۹
مظفرالـدینشاه [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۵] ۱۲۳۴
مظفرنظام [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴
معاضدالسلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۲۰۵، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴
معاضدالملك [ج ۵] ۱۰۵۵
معاون‌الدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵
معاون‌الممالك [ج ۴] ۹۰۸
معتمدخاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
معتمددیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
معتمدهمایون [ج ۲] ۵۴۰
معدل‌الممالك [ج ۲] ۴۰۶
معزالسلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
معزالملك [ج ۴] ۹۵۶
معیرالممالك [ج ۴] ۸۳۳، [ج ۵] ۱۰۳۷
معین‌الاسلام [ج ۲] ۵۳۴
معین‌الدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴
معین‌الرعایا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
معین‌السلطان [ج ۳] ۷۴۳
معین‌الغرباء [ج ۴] ۷۹۴ـ۷۹۶، ۸۳۰
معین‌الوزاره [ج ۱] ۲۳۹، [ج ۵] ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۴۳۸ ـ ۱۴۴۱
معین‌همایون ـ معین‌همایون بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۳۳۶
مغیث‌الدوله [ج ۵] ۱۱۱۸، [ج ۶] ۱۴۶۵
مفاخرالملك [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳، [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۸۳، ۷۰۰، ۷۰۷
مفتاح‌السلطنه [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۳
مقتدرنظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۲
مك‌دول [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷
مك‌کاسکی [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶
مك‌موری [ج ۴] ۹۱۱
ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵
ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸، [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵
ملا عبدالکریم [ج ۴] ۷۹۵
ملا علی‌پناه [ج ۴] ۸۰۸
ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸
ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۵
ملاکاظم خراسانی [ج ۶] ۱۳۳۷
ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۳
ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲

ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۳] ۵۶۷
ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰، [ج۵]۱۰۰۵، [ج ۶] ۱۳۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۴۵۳
ملك‌المتکلمین [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۶
ملینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵
منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
منتظم‌الدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج۴] ۷۹۸، ۷۶۹
منصورالسلطنه [ج ۳] ۶۰۲
منصورالسلطنهٔ عرب [ج ۴] ۷۸۷
منصورالملك [ج۱] ۱۷۵
موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳
موثق‌الدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
مورلی (لردویکنت) [ج۳] ۷۱۹، ۷۲۱
مورلی بلك‌برن (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵ (نك: مورلی)
موسوی شوشتری (ابوالحسن) [ج ۵] ۱۰۰۵
موقرالدوله [ج ۵] ۱۲۳۲، [ج۶]۱۳۴۱
موقرالدوله [ج ۵] ۱۲۳۲
موقرالسلطنه [ج ۳] ۷۵۶
مهدی‌خان [ج ۱] ۹۶
مهدی‌خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸
مهندس‌الممالك [ج ۱] ۳۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
میدلتن [ج ۳] ۷۳۲
میربرکت ــ میربرکت‌خان [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۴۵
میربیابان [ج ۴] ۹۴۵
میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶
میرزاابراهیم [ج ۲] ۵۳۴
میرزاابراهیم‌خان [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵
میرزابابا [ج ۳] ۷۴۴
میرزا حبیب‌الله‌خان [ج ۶] ۱۴۷۱
میرزاحسن‌خان (اصفهانی) [ج ۱] ۲، [ج ۵] ۱۲۴۷
میرزا سیدابوالقاسم‌خان [ج ۱] ۲
میرزا عباس‌خان [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
میرزا عبدالرحیم‌خان [ج ۵] ۱۰۱۳
میرزا علی‌اکبرخان [ج ۱] ۲۶۲
میرزا علی‌محمدخان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
میرزا فضل‌الله خان [ج ۶] ۱۴۸۳
میرزا کاریزخان [ج ۱] ۲۶۸
میرزا کاظم‌خان [ج ۱] ۲۸۶
میرزا محمودخان [ج ۱] ۲
میرزا مهدی‌خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، [ج ۵] ۱۲۴۵، [ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۳۴۴، ۱۳۶۶، ۱۴۱۵، ۱۴۵۴
میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸
میلر [ج ۲] ۵۲۷

ناتاف [ج ۴] ۸۳۵
ناصرالدینشاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳] ۶۹۸، [ج ۵] ۱۰۶۸
ناصرالسلطنه [ج ۱] ۲۸۷
ناصرالملك [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹ـ۱۴۳، ۱۸۱، ۱۸۶، ۲۱۴، [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹،

۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰،
[ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶، ۵۵۷،
۵۵۹ ـ ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۳۱،
۷۰۷، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷،
۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷ (نایب‌السلطنه)
[ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸،
۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳۵،
۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، [ج ۶]
۱۴۳۵ (نیز نك: نایب‌السلطنه)
ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰
ناظم‌التجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱،
۹۰۴ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹،
۱۰۴۲ ـ ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱،
۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱،
۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳،
۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱،
۱۲۴۶
نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹
نایب‌السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱،
[ج ۳] ۵۵۱ ـ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴،
۶۲۲، ۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸،
۷۴۳، [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳،
۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱،
۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،
۹۶۳، [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶ـ
۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶،
۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ ـ
۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴،
۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶،
۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲،
۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶،
۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹،
۱۲۳۶، ۱۲۳۷، [ج ۶] ۱۲۷۰،
۱۳۱۲، ۱۳۱۷، ۱۳۳۷، ۱۳۵۰،
۱۳۷۷، ۱۳۹۳، ۱۴۳۰، ۱۴۴۳،
۱۴۴۵ ـ ۱۴۶۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۶
(نیز نك: ناصر الملك)
نایب‌السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸،
۷۱۲
نایب‌السلطنهٔ هند [ج۶] ۱۲۹۳
نایب‌الصدر [ج ۱] ۲۸۶
نایب‌حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶،
۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶،
۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱،
۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ـ
۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج۵] ۱۰۱۳،
۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴،
۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰،
۱۲۴۱، ۱۲۴۳ (نیز نك: نایب
حسین کاشی)، [ج ۶] ۱۲۶۷،
۱۲۹۰، ۱۳۳۸
نایب‌حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹،
۹۳۹، [ج۵] ۹۹۸ (نیز نك: نایب
حسین)
نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶
نراتوف [ج ۳] ۷۴۷، [ج۵] ۱۱۲۳،
۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷،
۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷ ـ
۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،
۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳،
[ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰،
۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ ـ
۱۳۰۶، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵،
۱۳۱۷، ۱۳۱۹ ـ ۱۳۲۲، ۱۳۲۷ـ
۱۳۲۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹ ـ ۱۳۵۱،
۱۳۵۳، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰،
۱۳۶۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴،
۱۳۷۷ ـ ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۴ـ
۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴،

۱۴۰۵، ۱۴۰۷ ـ ۱۴۱۱، ۱۴۱۴،
۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۶
نرل برندل (نایب) [ج ۶] ۱۳۴۸
۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳
نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸،
۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،
۵۶۹، ۶۰۳ـ۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱،
۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱
[ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۷۰
(نیز نك: انتظام‌الممالك)
نصرت‌السلطان [ج ۴] ۹۱۲
نصرت‌الممالك [ج ۳] ۷۳۱
نصیرالملك [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۴] ۸۳۵،
۹۶۰، ۹۶۱، [ج۶]۱۴۶۵، ۱۴۷۷
نظام‌السلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵،
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲ـ
۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳،
۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳]
۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۴،
[ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴،
۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳،
۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵]
۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷،
۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲ ـ
۱۰۴۹، ۱۰۵۱ ـ ۱۰۵۴، ۱۰۵۷،
۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵،
۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰،
۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵ ـ ۱۱۱۹،
۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱،
۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰،
۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰،
۱۲۲۳، ۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۵ ـ
۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۸، ۱۳۳۹،
۱۴۶۳ ـ ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶،
۱۴۷۸، ۱۴۸۲
۱۲۲۳، ۱۲۴۲
نظام‌الملك [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱،
[ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰
نظربیگ‌اوف [ج ۳] ۵۹۳
نظرعلی‌خان [ج ۳] ۷۱۱
نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲
نظم‌الدوله [ج ۳] ۶۷۴
نعمت‌الله (قاتل قوام‌الملك) [ج ۱] ۱۷۵
نقیب‌السادات [ج ۱] ۵۱
نلسون [ج ۳] ۶۴۱
نوئل (کلنل) [ج ۵] ۱۲۴۶
نواب (حسینقلی‌خان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج
۴] ۹۱۵
نورمحمدخان [ج ۵] ۱۱۱۳
نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲،
۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۶]
۱۴۰۱
نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲]
۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶،
[ج۵] ۱۱۵۲، [ج۶] ۱۳۳۸،۱۴۴۸
نیکراسو [ج ۳] ۷۵۵
نیکلسون [ج۲] ۳۹۵، ۴۰۱،۴۴۸، ۴۹۵،
۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴ـ۵۴۶،
۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰،
۵۷۵،۵۷۹،۷۳۷،۷۳۸،۷۴۷،۷۵۰ـ
۷۵۳، ۷۵۵ـ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴]
۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۳ـ۸۱۷، ۸۲۴،
۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸،
[ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴،
۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹،
[ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴،
۱۲۷۶، ۱۳۰۱، ۱۳۰۸، ۱۳۱۵،
۱۳۶۶، ۱۴۱۵
نیکلین (اینتذنت) [ج ۶] ۱۳۴۸
نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵

نیو، جارج [ج۶] ۱۲۸۹

وادبولسکی ـ واوپولسکی (پرنس ـ کلنل‌ـپالکونیك) [ج ۴] ۸۷۳، ۸۹۵، ۹۱۵، [ج ۵] ۱۱۹۳، [ج ۶] ۱۳۳۲، ۱۴۴۱
وارد (لیوتننت) [ج ۵] ۱۰۴۰
والی پشتکوه [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵، ۱۱۹۷
وثوق‌الدوله [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۳۶، [ج ۵] ۱۱۴۸، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷، [ج ۶] ۱۲۶۵ ـ ۱۲۶۷، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۳۳۵، ۱۳۴۲ـ ۱۳۴۴، ۱۳۶۹، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱۴۳۸ ـ ۱۴۴۰، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵
وحناندخان [ج ۵] ۱۱۰۰
وحیدالملك [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۶۷
وزیر افخم (سلطانعلی‌خان) [ج ۱] ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰، [ج ۳] ۷۲۸
وزیرزاده [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸
وزیر مخصوص [ج ۱] ۸۱
وزیر همایون [ج ۱] ۳۲، ۸۱
وکیل‌الرعایا [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸
ولات (دکتر) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۸
ولیعهد [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
وود (ا. او.) [ج۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰
وولات (دکتر) [ج ۵] ۱۱۱۴ ـ ۱۱۱۶، [ج ۶] ۱۴۷۹
ویکتوریا (ملکهٔ انگلیس) [ج ۳] ۶۹۸
ویلسن (لیوتنان) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۵] ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۲۴۴، [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۹۸، ۱۴۷۳
ویکسون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

هارت‌ویگ (هارت‌ویك) [ج ۱]۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱ـ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲ـ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴ ـ ۳۱۷، ۳۲۵ ـ ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶
هاردیك (سر چارلز) [ج ۴] ۸۴۷
هاردینگ (سر ـ هاردیك؟) [ج ۲] ۳۹۳، ۵۱۹، ۵۲۲
هاکینز [ج ۱] ۲۵۲
هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان) [ج ۱] ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳
های‌نیك (کاپیتان) [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
هرمزمیرزا [ج ۱] ۲۱۴
هرهاز [ج ۶] ۱۲۸۶
هموسن (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۸
هوسن (مستر) [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
هونر (کاپیتان) [ج ۳] ۵۶۷
هیکاك (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹، [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۹۲، ۱۴۴۸

هیگ (کلنل) [ج۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹، [ج ۶] ۱۲۸۶
هیکاك (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹
هیگ (کلنل) [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹
هیلز (آر. دبلیو) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴، ۱۱۴۶

یارمحمدخان ـ یارمحمد [ج ۵] ۱۰۵۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹
یالمارسن (کاپیتان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸
یاور اسدالله ۵۶۷ (نك: اسدالله)
یپرم ـ یپرم‌خان ـ یفرم ـ یفرم‌خان [ج ۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۱۶ ـ ۹۱۸، [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸، ۱۴۶۱
یحیی‌میرزا [ج ۳] ۷۲۸
یدالله‌میرزا [ج ۶] ۱۴۶۸
یعقوبعلی بربری [ج ۵] ۱۰۹۷
یفرم [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳ (نیز، نك: یپرم)
یوزباشی قربان [ج ۵] ۱۰۱۲
یوسف [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶
یوسف‌خان [ج ۳] ۶۸۴

www.adabestanekave.com